مثنوی معنوی

مناسبت هفتصد و پنجاهمین سال ولادت

مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی

در سال ۱۳۱۶ هجری قمری چاپ شده

بقلم خاور

مثنوی معنوی

مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی

شرح حال مولانا ملخصی از آثار مولانا، کتاب مجالس سبعه مولانا، شرح ابیات مشکله مثنوی، ذیل صفحات، دفتر هفتم منسوب بمولانا، کشف الابیات جامع، لطائف اللغات

مرحوم حاجی علی اصغر رمضانی کتابفروش

روز ۱۲ مهر ۱۲۵۰ هجری شمسی بدنیا آمد و شب ۲۰ آذر ۱۳۱۶ هجری شمسی دنیا را بدرود گفت

بپاس سی و سه سال عمری که برای تربیت من بنده صرف کرد

پنج سال زحمتی که برای تصحیح و مقابله و چاپ مثنوی کشیده‌ام

بروان پاکش تقدیم میدارم

و آرزو دارم توفیق یابم سی و سه جلد کتاب نفیس اخلاقی و دینی بنام او چاپ نموده تقدیم دوستداران اخلاق و دین و فرهنگ بنمایم

محمد رمضانی

مثنوی معنوی

مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی

شرح حال مولانا ملخصی از آثار مولانا، کتاب مجالس سبعه مولانا، شرح ابیات مشکله مثنوی و ذیل صفحات، دفتر هفتم منسوب بمولانا، کشف الابیات جامع، لطائف اللغات

تصحیح و مقابله و همت

محمد رمضانی

دارندهٔ کلالهٔ خاور

از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۱۹ در تهران چاپ شد

بها صد ریال

چاپخانهٔ خاور «تهران»

تصویر مولانا محفوظ در تکیه یکی قاپو اسلامبول

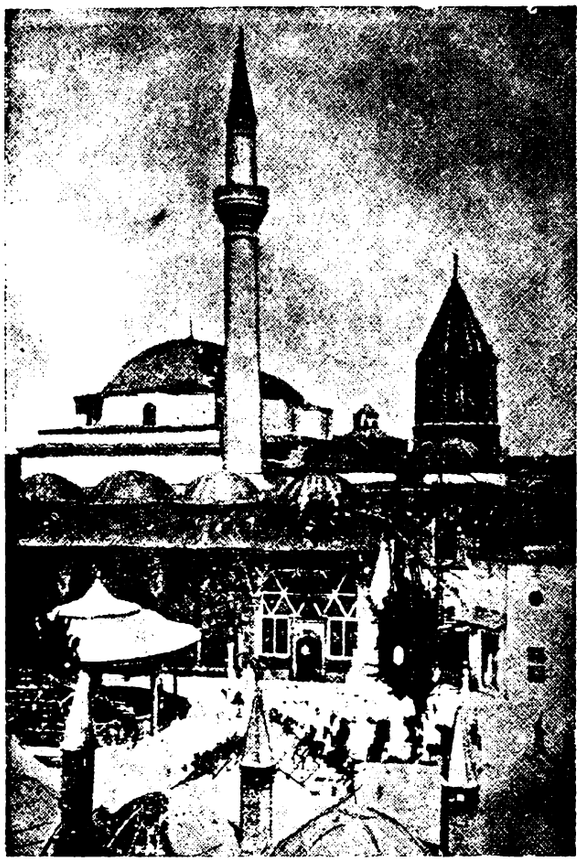

قبه خضرا و تربت شریف مولانا و یاران

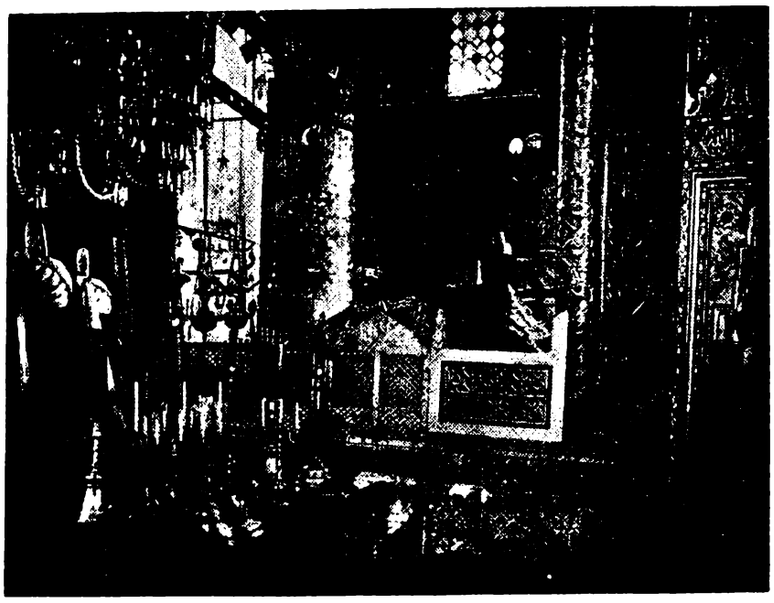

تربت مولانا

سر آغاز

کم کسیست که بادبیات پارسی و شعر و عرفان آشنائی داشته باشد و عارف نامی جلال الدین محمد بلخی مشهور بمولانای، روم قدس سره سرایندهٔ مثنوی معنوی را که یکی از بزرگترین نوابغ ایران و درخشنده ترین ستارهٔ فروزان مشرق است نشناسد. و کمتر کتاب تاریخ و تذکره ایست که از حالات و جذبات مولانا در آن ذکری نشده باشد

در مقدمهٔ بیشتر چاپهای مثنوی ترجمهٔ مختصری که حاجی زین العابدین مستعلیشاه شروانی در بستان السیاحه خود نگاشته نقل شده است و آن خلاصه و عصارهٔ کلیهٔ شروحی است که پیشینیان از احوال این بزرگترین مردان رسیدهٔ راه حقیقت نوشته اند

خوشبختانه در سالهای اخیر سه رساله ذیقیمت در ترجمهٔ حال و تتبع شخصیت مولانا بخامهٔ نویسندگان دانشمند معاصر طبع و نشر شده است :

(۱) ولدنامه یا مثنوی ولدی اثر شیخ بهاء الدین محمد معروف به سلطان ولد فرزند روحانی و جسمانی مولانا با مقدمه و تعلیقات آقای جلال همائی که در حدود ده هزار بیت و قدیمترین و صحیحترین سند تاریخی است که از خصوصیات زندگانی مولانا جلال الدین و پدرش بهاء الدین محمد ملقب بسلطان العلماء و یاران برگزیدهٔ وی سید برهان الدین محقق ترمدی و شمس الدین محمد تبریزی و صلاح الدین فریدون قونیوی و حسام الدین حسن چلبی و اصحاب و مریدان او بحث میکند

سلطان ولد برسر هر فصل و عنوان منظومهٔ ولدنامه نثرهای شیرینی نوشته است که اگر آنهارا جمع کنند رسالهٔ بسیار ساده و فصیحی در مطالب عرفانی و تاریخی و خلاصهٔ طریقهٔ مولویه که بیشتر آداب و رسوم قدیمش مولود خود اوست فراهم خواهد شد

(۲) شخصیت مولوی نگارش آقای حسین شجره که در ۲۳۸ صفحه با قلمی شیوا از اصل و منشأ تصوف و نبوغ عقل از نظر عرفان و نفوذ تصوف ایران در شرق و غرب و حالات مولانا و تدوین مثنوی معنوی و معنی و مفهوم اشعار مولوی و گفتار و نظریات مستشرقین و فضلای غرب در بارهٔ مولانا و مثنوی بحث کرده اند

(۳) رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال الدین محمد مشهور بمولوی و مشایخ و یاران و مریدان و معاصرین او نگارش محققانهٔ آقای بدیع الزمان فروزانفر با ۱۵ گراور و یک شجره نامه در ۲۳۲ صفحه که علاوه بر تتبعات دانشمندانهٔ خود از ده منبع قدیمی بسیار معتبر و از مجموعهٔ یادداشتهائی که آقای کاظم زادهٔ ایرانشهر در برلن از گفتهٔ بازماندگان و معتقدان مولانا گرد آورده استفاده کرده اند

اگرچه با انتشار این سه رساله احتیاج بنوشتن شرح حال در مقدمهٔ مثنوی خود نداشتیم ولی برای کسانیکه دسترسی بمطالعهٔ آثار نامبرده نداشته باشند اختصاری از ولد نامه و عین مقالهٔ بستان السیاحه و خلاصه ای از تحقیقات آقای فروزانفر را در رساله زندگانی مولانا با مراجعه بشرح حال مولانا بقلم سپهسالار بترتیب مینویسیم و در خاتمه از آثار مولانا و مزایای مثنوی حاضر بحث نموده و بفهرست جامعی از مطالب مثنوی گفتار خود را خاتمه میدهیم

محمد رمضانی

از کتاب ولدنامه

مرید شدن سید برهان الدین محقق مولانا بهاء الدین را و خواب دیدن مفتیان پیغمبر را

گفت برهان دین محقق حق — سبق برده ز سابقان بسبق
سخنش را هر آنکه بشنودی — دایم اورا بصدق بستودی
در جوانی ببلخ چون آمد — خواست کان جایگاه آرامد
جد مارا چو دید آن طالب — که بر و بود عشق حق غالب
لقبش بد بهاء دین ولد — عاشقانش گذشته از عد و حد
جمله اجداد او شیوخ کبار — همه در علم و در عمل مختار
اصل اورا نسب ابوبکری — زانچو صدیق داشت او صدری
مثل او کس نبود در فتوی — از فرشته گذشته در تقوی
بود اندر همه فنون استاد — حق بوی علم را تمام بداد
خوانده سلطان عالمان اورا — مصطفی قطب انبیاء خدا
مفتیان بزرگ اندر خواب — دیده یك خیمهٔ کشیده طناب
مصطفی اندرون خیمه بناز — زده تکیه بصد هزار اعزاز
ناگهانی بهاء دین ولد — از در خیمه اندرون آمد
مصطفی چون بدید جست از جا — پیش رفت و گرفت دستش را
برد پهلوی خویش بنشاندش — زان ملاقات گشت بیحد خوش
گفت از آنپس بمفتیان اینرا — که از امروز این شه دینرا
جمله سلطان عالمان گوئید — در رکابش بجان و دل پوئید
بامدادان باتفاق همه — از سر صدق بی نفاق همه
بر درش آمدند تا گویند — سر آن خواب را ازو جویند
پیش از آنی که دم زنند او گفت — خوابشانرا و سر نکرد نهفت
دادشان از مقام و حال نشان — وقعه را کرد بالتمام بیان
جمله پیشش فغان بر آوردند — بی دف و نای شورها کردند
گشت سید مریدش از دل و جان — تا روانرا کند ز شیخ روان
در مریدی رسید او بمراد — زانکه شیخش عطای بیحد داد
چشمهٔ عشق از دلش جوشید — جان او بادهٔ بقا نوشید
جمله غمهاش ذوق و شادی شد — سوی عشقش چو شیخ هادی شد
خار هجرش ز وصل گلشن گشت — شب تارش چو روز روشن گشت
مس جانش ز نار عشق گداخت — گشت زر چون به کیمیا در ساخت
عاقبت قطب گشت در عالم — سجده گاه ملك شد و آدم

رنجیدن سلطان العلماء از بلخیان و هجرت گزیدن از خراسان

چونکه از بلخیان بهاء ولد — گشت دلخسته آن شه سرمد
ناگهش از خدا رسید خطاب — کای یگانه شهنشه اقطاب
چون ترا این گروه آزردند — دل پاك ترا زجا بردند
بدر آ از میان این اعدا — تا فرستیمشان عذاب و بلا
چونکه از حق چنین خطاب رسید — رشتهٔ خشم را دراز تنید
کرد از بلخ عزم سوی حجاز — زانکه شد کار گر در او آن راز
بود در رفتن و رسید خبر — که از آن راز شد پدید اثر
کرد تاتار قصد آن کشور — منهزم گشت شاه شوم اختر
بلخ را بستد و بزاری زار — کشت از آن قوم بیحد و بسیار
نتوان گفت در ره آن سلطان — که چها داده با کهان و مهان
چه کرامانها که در هر شهر — مینمود آن عزیز روزبهٔ دهر
گر شوم من بشرح آن مشغول — فوت گردد از آن سخن مأمول
آمد از کعبه در ولایت روم — تا شوند اهل روم ازو مرحوم
از همه ملک روم قونیه را — برگزید و مقیم شد آنجا
رو نهادند سوی او خلقان — از زن و مرد و طفل و پیر و جوان
آشکارا کرامتش دیدند — زو چه اسرارها که بشنیدند
چند روزی بر این نسق چو گذشت — که و مه مرد و زن مریدش گشت
گشت سلطان علاء دین چون دید — روی اورا بعشق و صدق مرید
چونکه وعظش شنید شد حیران — کرد اورا مقام در دل و جان
دید بسیار ازو کرامت ها — یافت در خویش ازو علامتها
گفت دل لرزدم ز هیبت او — می هراسم بگاه رؤیت او
هیبتی میزند ازو بر من — که از آن لرزه می فتد در تن
شد یقینم که او ولی خداست — در جهان نادر است و بیهمتاست
دائماً با خواص این گفتی — روز و شب در مدح او سفتی

مردن سلطان العلماء و نشستن مولانا جلال الدین بجای پدر

بعد دو سال آن ولی خدا — سر ببالین نهاد او ز عنا
شاه شد از عنای او محزون — هیچ از این غصه اش نماند سکون
چون بهاء ولد نمود رحیل — شد ز دنیا بسوی رب جلیل
نار در شهر قونیه افتاد — از غمش سوخت بنده و آزاد
در جنازه اش چو روز رستاخیز — مرد و زن گشته اشك خونین ریز
علما سر برهنه و میران — جمله پیش جنازه با سلطان
شه ز غم هفت روز بر ننشست — دل چون شیشه اش ز درد شکست
هفته ای خوان نهاد در جامع — تا بخوردند قانع و طامع
تعزیه چون تمام شد پس از آن — خلق گرد آمدند پیر و جوان

همه کردند رو بفرزندش که توئی در جمال مانندش
شیخ مازین سپس توخواهی بود از توخواهیم جمله مایه وسود
شست برجای وی جلال الدین روبدو کرد خلق روی زمین
مفتی شرق وغرب گشت بعلم از جهان جهل درنوشت بعلم
رایت شرع احمدی افراخت هرکه دین داشت خواجه را بشناخت
بیقراران شدند ازاوساکن همه در ظل او زخوف ایمن

آمدن سید برهان الدین محقق ترمدی بقونیه

مدتی چون بماند در هجران طالب شیخ خویش شد برهان
گشت بسیارو اندر آخر کار داد با وی خبر یکی زکبار
گفت شیخت بدان که درروم است نیست پنهان بجمله معلوم است
آمداز عشق شیخ خودتازان با هزاران تبختر و نازان
گشته ازشیخ پرچوجام ازمی همچنان کز شکر شود پرنی
چونکه شادان بقونیه برسید شیخ خودرا ازشهریان پرسید
همه گفتند آنکه میجوئی هرطرف بهر او همی پوئی
هست سالی که رفت از دنیا رخت خودرا کشید درعقبی
جسم خاکیش رفت اندرخاك جان پاکش گذشت ازافلاك
گفت سید که شیخ اندرماست همچوروغن نهان شده درماست
عین شیخم زمن نماند اثر هیچ دیدی شکرجدا زشکر
آب اگر درمز رکوزه بود عاقل از کوزه ها زره نرود
آب جوید زکوزه تابخورد تشنه درنقش کوزه کی نگرد
خلق راپس بخویش دعوتکرد گشت ازجان غلام اوزن ومرد
شهر جمله مرید او گشتند در درون تخم مهر او کشتند

مرید شدن مولانا جلال الدین بسید و رسیدن بمقام قطبیت

گفت سید بشه جلال الدین گرچه درعلم نادری وگزین
لیك بدوالدتو صاحب حال جوی آنرا و درگذر ازقال
قال اورا گرفته ای بدودست همچومن شوزحال اوسرمست
وارث والدی تو اندرپوست مغزمن برده ام نگردردوست
از مرید پدر چو آن بشنید گشت جان و بگرد تن نتنید
شد مریدش زجان وسربنهاد همچو مرده به پیش او افتاد
بود در خدمتش بهم نه سال تاکه شد مثل او بقال وبحال
همسرو سر شدند در معنی زانکه یکدل بدند در معنی
ناگهان سید از جهان فنا کرد رحلت سوی سرای بقا
ماند بی او جلال دین تنها روزوشب کردروی سوی خدا
خواب وخورراد رآنهوس بگذاشت علم جستجوی را افراشت
پنج سال این چنین ریاضت کرد ازسرصدق و سوزوناله ودرد
عمل و دردراچو کرد قرین رفت همچون ملك بچرخ برین
خاص وعامش مریدوبنده شدند چون نبات از بهار زنده شدند
ده هزارش مرید بیش شدند گرچه اول زصدق دور بدند
وعظ گفتی همیشه برمنبر گرم وگیرا چو وعظ پیغمبر
صیت خوبش گرفت عالم را کرد زنده روان آدم را

رسیدن مولانا جلال الدین بشمس تبریزی و تغییر حال او

ناگهان شمس دین رسیدبوی گفت انی ز تاب نورش فی
از ورای جهان عشق آواز برسانید بی دف و بی ساز
گفت اگرچه بباطنی تو گرو باطن باطنم من این بشنو
دعوتش کرد در جهان عجب که ندید آن بخواب ترك وعرب
نزد یزدان چو بود مولانا از همه خاصتر بصدق و صفا
خضرش بود شمس تبریزی آنکه با او اگر در آمیزی
هیچکس را بیك جوی نخری برده های ظلام را بدری
بعد بس انتظار رویش دید گشت سرها براوچوروز پدید
شد براو عاشق وبرفت ازدست گشت پیشش یکی بلندی وپست
دعوتش کردسوی خانهٔ خویش گفت بشنو شها ازین درویش
پس از آن هردوخوش روانه شدند شادوخندان بسوی خانه شدند
شیخ استاد گشت نو آموز درس خواندی بخدمتش شب وروز
گرچه درعلم فقر کامل بود علم نو بود کان بسوی بنمود

حسدبردن مریدان مولانا برشمس

یکزمانی بهم همی بودند مدت یک دو سال آسودند
غیرت حق در آمدو ناگاه فج فج افتاد در همه افواه
در شناعت در آمدند همه آن مریدان بیخبر چورمه
گفته باهم که شیخ ما زچه رو پشت برما کند زبهر چه او
ما همه عاشقیم در ره شیخ بندهٔ صادقیم در ره شیخ
شده ما را یقین که مظهر حق اوست بی شك وزاو بریم سبق
چه کس است اینکه شیخ ما را او برداز جا چو یك کهی راجو
کرد اورا زجمله خلق نهان می نیابد کسی زجاش نشان
ساحراست این مگر بسحروفسون کردبرخویش شیخ را مفتون
همه درفکر این که کی ازشهر رود او یا فنا شود از قهر
جمله گشته بخون او تشنه ساخته بهر کشتنش دشنه
چون غلوشان براوزحد بگذشت دشمنیشان زحدوعد بگذشت
شمس تبریز رفت سوی دمشق تاشود پردمشق وشام زعشق
چون حزین شد زهجر مولانا گشت معرض زجمله آن دانا
دوستی را از آن نفر ببرید مرغ مهرش زلانه شان بپرید
چونکه آن رایشان نیامد راست عکس شد آنچه هریکی میخواست
گفته بودند اگر رود زینجا ماند آن شاه ما بما تنها
باردیگر زپندهای خوشش بجهیم ازجهان و پنج وششش
آنگروهی که بودشان غفلت کرده بودند از سفه جرأت
پیش شیخ آمدند لابه کنان که ببخشا مکن دگر هجران
توبهٔ ما بکن زلطف قبول گرچه کردیم جرمها ز فضول

فرستادن مولانا بهاء الدین ولدرا

بود شه را عنایتی بولد در نهان اندرون برون از خد
خواند اورا وگفت رو تورسول ازبرم پیش آن شه مقبول
ببر این سیم را بپایش ریز گویش از من که ایشه تبریز
آن مریدان که جرمها کردند زانچه کردند جمله واخوردند
همه سازند از دل و ازجان جانشان را فدای آن سلطان
رنجه کن اینطرف قدم را باز چند روزی بیا و با ما ساز
آنچه ازما سزیدا گر کردیم همچوخار خلنده سر کردیم
همچنین زین نمط بوی میگو دل او را بلابه ها میجو
باشد این گر بودمرا آن بخت نرم گردد نگیرد این را سخت
دهدم باز وصل از سرلطف بهلد هجر و بگذرد از عنف
پس ولد سر نهاد والد را شکر کرد اوخدای واحد را
گشت ازجان روان بسوی دمشق راه را میبرید از سر عشق
چون رسید او بنزد شمس الدین آن شه اولیای با تمکین
در سخن آمد و درر بارید در دل و سینه عشق نو کارید
سر سر حدیث وقرآن گفت کرد پیدا سری که بود نهفت
بی پرش بر فلك بپرانید بی تنش گرد عرش گردانید
حجب از پیش چشم دل برداشت شب تاریك را نمود چوچاشت
ظلمت از تن ببرد و ازدل وجان تاروان گشت همچو سیل روان

بازگشت ولد بقونیه در رکاب شمس الدین

چون شنید از ولد رسالت را خوش پذیرفت آن مقالت را
باز گشت ازدمشق جانب روم تا رسد در امام خود مأموم
شد ولد در رکاب او پویان نزضرورت ولی زصدق وزجان
در ره از وی هزار سربشنید صدجهان از ورای چرخ بدید
چون رسیدند پیش مولانا نوش شد جمله نیش مولانا
وانجماعت که منکران بودند منکر قطب آسمان بودند
جمله شان جانفشان باستغفار سر نهادند کای خدیو کبار
از سر صدق روی آوردیم توبه کاریم از آنچه ما کردیم
بعداز آن جمله ازوضیع وشریف حلقه گشتند گرد شاه ظریف
پهلوی شه نشسته مولانا چون دوخور که زنند سرزسما
شمس تبریز در سخن آمد زنده شد آنکه فهم کن آمد
هریکی زان سخن بعشق پرید هر یکی از خودی تمام برید

از امیر و توانگر و درویش هریکی قدر وسع وطاقت خویش
بخشش آورد و میهمانی کرد تا شود یار مهربانی کرد
مدتی این چنین گذشت زمان در حضور شهان هردو جهان
آن دو شه چون بهار وایشان دشت همه را تازه گشته زیشان کشت
شاخ و برگ درونشان پربار رسته بیخار هر طرف گلزار
درچنین عیش و درچنین وصلت همه پر نورو غرق در رحمت

گستاخی مریدان و ناپدید گشتن شمس الدین

باز شیطان بصورتی دیگر زد درایشان کدورتی دیگر
رخت اعمال جمله را دزدید هر یکی زاعتقاد برگردید
باز گشتند همچو اول بار می ومستی گذشت وماند خمار
روشنی شد بدل به تاریکی صحت تن به رنج باریکی
باز چون شمس دین بدانست این که شدند آن گروه پر از کین
گفت او باولد که دیدی باز چون شدند از شقا همه دمساز
که مرا از حضور مولانا که چو او نیست هادی ودانا
فکنندم جدا و دور کنند بعد من جملگان سرور کنند
خواهم این بار آنچنان رفتن که نداند کسی کجایم من
همه گردند در طلب عاجز ندهد کس زمن نشان هرگز
ناگهان گم شد از میان همه تا رهد از دل و زبان همه
یکدو روز او چو گشت ناپیدا کرد افغان زدرد مولانا
هیچ از وی کسی نداد خبر نی بکس بورسید ازاو نه اثر
شیخ گشت از فراق او مجنون بی سرو پا زعشق چون ذوالنون

استغراق و بیقراری مولانا از فراق شمس الدین

شیخ مفتی ز عشق شاعر شد گشت خمار اگر چه زاهد بد
نی زخمری که او بود زانگور جان نوری نخورد جز می نور
روز وشب در سماع رقصان شد برزمین همچو چرخ گردان شد
بانگ و افغان او بعرش رسید ناله اشرا بزرگ و خرد شنید
غلغله اوفتاد اندر شهر شهر چه بلکه در زمانه ودهر
کاین چنین قطب ومفتی اسلام کوست اندر زمانه شیخ وامام
شورها میکند چو شیدا او گاه پنهان و گه هویدا او
خلق ازوی زشرع ودین گشتند همگان عشق را رهین گشتند
حافظان جمله شعرخوان شده اند به سوی مطربان دوان شده اند
عاشقی شد طریق ومذهبشان غیر عشق است پیششان هذیان

رفتن مولانا درجستجوی شمس الدین بجانب شام

باچنان مستی و چنین جوشش باچنان عشق و باچنان کوشش
کرد آهنگ ورفت جانب شام در پیش شد روانه پخته و خام
چون رسید اندر آن سفر بدمشق خلق را سوخت او ز آتش عشق
همه گشتند عاشقش ازجان دیده در درد او دوصد درمان
جمله ازجان مرید و بنده شدند همچو سایه پیش فکنده شدند
شامیان هم شدند واله او کاینچنین فاضل پیمبر خو
ازچه گشته است عاشق ومجنون کاندرو مدرج است صدذوالنون
شمس تبریز خود چه شخص بود تا پیش این چنین یگانه رود
گفت اگرچه به تن ازو دوریم بی تن و روح هر دو یکنوریم
هردو باهم بدیم بی تن وجان پیش از آن کاین فلك شود گردان
بی زمین و زمان بهم بودیم از وجود جهان نیفزودیم
حالت ما بهم نمی ماند کیست کاحوال ما عیان داند
شمس تبریز را بشام ندید در خودش دید همچو ماه پدید
کرد رجعت بروم باز آمد رفت چون کبك وهمچو باز آمد
قطره اش چون فزود دریا شد بود عالی ز عشق اعلی شد
مطربانرا بخواند از سر او بی سر و پا ببام و بر در او
روز وشب یکدمش قرار نبود بی قدح خمر عشق می پیمود
حیرت خلق شد در او افزون کاین چه شور است واینچگونه جنون
چندسالی نشست وباز زعشق رفت با جمله خلق سوی دمشق
باز آنجا فکند صد غوغا جمله گفته عجب زهی سودا
ماهها در دمشق ساکن شد عاشقی کی ز عشق ساکن شد

بازگشتن مولانا بقونیه وبرگزیدن صلاح الدین زرکوب قونوی

بعداز آن باز گشت جانب روم تا زند بر جبین شیر رقوم
سرزد از چرخ روح آنخورشید تاسها را کند پر از ناهید
گفت چون من ویم چه میجویم عین اویم کنون زخود گویم
وصف حسنش که میفزودم من خودهمان حسن ولطف بودم من
درچنین جوش یک مرید از او یافت قربت سوار گشت نکو
لقبش بود شه صلاح الدین قطب هفت آسمان وهفت زمین
چون ورا دید شیخ صاحب حال برگزیدش ززمرهٔ ابدال
روبدو کرد وجمله را بگذاشت غیر او را خطا وسهو انگاشت
گفت از روی مهر بایاران نیست پروای کس مرا بجهان
سرشیخی چو نیست درسر من نبود هیچ مرغ همپر من
پس ازین جمله سوی او پوئید همه ازجان وصال او جوئید
پس ولدرا بخواند آنحق بین گفت بنگر رخ صلاح الدین
نظرش کیمیاست بر تو فتد رحمت کبریاست بر تو فتد
برهاند ترا ز مرگ و فنا برساند به تخت ملك بقا
کندت بر علوم سر دانا جمله اسرار ازو شود پیدا

آرام گرفتن مولانا با صلاح الدین از طلب شمس وحسد بردن مریدان

شورش شیخ گشت ازو ساکن وآنهمه رنج و گفتگو ساکن
زانکه بد نوع دیگر ارشادش بیشتر بود از همه دادش
آنچه از اولیا نبردی کس سالها میرسید ازو بنفس
شیخ با او چنانکه باآن شاه شمس تبریز خاص خاص اله
نظر شیخ جمله بروی بود غیر او نزد شیخ لاشی بود
ننشستی بهیچکس جز او چشم را بر نداشتی زان رو
باز در منکران غریو افتاد سخت درهم شدند اهل فساد
باز آغاز کرد جوش حسد زانکه بودند غرق نفس وجسد
گفته باهم کز آن یکی رستیم چون نگه میکنیم درشستیم
کاش کان اولینه بودی باز شیخ مارا رفیق و هم دمساز
نبداز قونیه بد از تبریز بود جان پرورونبد خونریز
همه این مرد را همیدانیم همه هم شهریم و هم خوانیم
نی وراخط وعلم ونی گفتار بر ما خود نداشت او مقدار
دائما در دکان بدی زرکوب همه همسایگان ازو در کوب
آنکسانیکه منکران بودند از ازل کور وهم کران بودند
ازخود او را بنقص کرده نظر جان جانرا شمرده چون پیکر
که چسان ترهات میگفتند از غم و غصه شب نمی خفتند
پیش ازین جاش بود صف نعال فخر کردی زما میان رجال
چون شود اینکه او را اکنون شیخ خوانیم بل زشیخ افزون
زین نمط فحشهای زشت ودرشت گاه گفته بروش و گه پس پشت
جمله را رأی اینچنین افتاد که چو زاسب مراد زین افتاد
سر ببازیم و زنده اش نهلیم چون ازو جان فکار وخسته دلیم
یك مریدی برسم طنازی شد از ایشان و کرد غمازی
درهمان لحظه نزد مولانا آمد و گفت این حکایت را
پس رسید این بشه صلاح الدین نورچشم و چراغ هر ره بین
خوش بخندید و گفت آنکوران که ز گمراهیند بی ایمان
نیستند اینقدر زحق آگاه که بجز زامر او نجنبد کاه
چون تواند کسی مرا کشتن یا بخاك و بخونم آغشتن
می برنجید ازاینکه مولانا کرد مخصوصم از همه تنها
خودندانسته اینکه آینه ام نیست نقشی مرا معاینه ام
درمن او روی خویش می بیند خویشتن را چگونه نگزیند
گشت واقف زراز شیخ علیم خشمگین شد بر آنگروه لئیم
راه بربست دیگر ایشانرا آن لئیمان کوربینان را
همه گشتند سرزد از آن گرمی رویشان سخت شد زبیشرمی
روزشان گشت همچو شب تاریك گردن جمله شد زغم باریك
هریکی دست خود همی خائید از دلش غصه ها همی زائید
گفته باهم اگرچنین ماند چه شود حال ما خدا داند

پیش از آنکه رویم جمله زدست چاره سازیم تا رهیم ز شست
سوی ایشان شویم توبه کنان وصل جوئیم تا رود هجران
همه جمع آمدند بر در او می‌نهادند بر زمین سر و رو
گریه زارشان چورفت ازحد بانگ و افغانشان گذشت ازحد
چون شنیدند آن دو زاریرا ساز کردند چنگ یاری را
در گشادند و راهشان دادند قفل های ببسته بگشادند

در گذشتن صلاح‌الدین ورسیدن خلافت به‌چلبی حسام‌الدین

شیخ بااو چودر دوتن یکجان بود آسوده و خوش‌وشادان
مست از همدگر شده ده‌سال داشته بی خمار هجر وصال
جمع یاران بگردشان زده صف آندوچون بحروباقیان چون کف
همه چون اختران وآندوچوماه همه چون بندگان و آندوچوشاه
درچنین عیش‌ودولت ونزهت در چنین جاه‌و ملکت و زینت
ناگهان شدصلاح‌دین رنجور گشت از صحبت بدن مهجور
شیخ فرمود در جنازهٔ من دهل آرید و کوس بادف زن
سوی گورم برید رقص کنان خوش‌وشادان‌ومست‌ودست‌افشان
تا بدانند کاولیای خدا شاد و خندان روند سوی لقا
کردچشمان فرازو رفت‌بناز ناز نازان بصد هزار اعزاز
اولیا را بود زمرگ حیات زانکه در مرگ دیده‌اند نجات
جسم پاك ورا چواندر خاك بنهادند رفت پاک بپاک
بود راضی‌شه از حسام‌الدین داده بودش هزار گنج گزین
مرشد جمله بود مولانا آن خدیو یگانهٔ والا
رتبت هر یکی براو روشن گشته همچون میان‌روح وبدن
شیخ گفت ای حسام‌حق آئین چونکه‌رفت‌ازجهان‌صلاح‌الدین
بعدازین نایب وخلیفه توئی زانکه اندر میانه نیست دوئی
آن یکی باز گفت مولانا زین سه مهتر کدام بود اعلی
گفتش اندرجواب کای‌همراه شمس چون‌مهربد صلاح چوماه
چون‌ستاره‌است‌شه‌حسام‌الحق زانکه گشته‌است باملك ملحق
شیخ اینرا بجای آن بنشاند بر سرش نور ها نثار افشاند
گفت اصحاب‌را که سربنهید پیش او عاجزانه پر بنهید
همه امرش ز دل بجا آرید مهر او در درون جان کارید

مصاحبت شیخ حسام‌الدین تاپایان زندگانی مولانا ومستفیدشدن یاران بی‌حدازهردو

بود با شیخ در زمانهٔ شیخ همدل و همنشین بخانهٔ شیخ
در صفاو وفابهم همدم همه اصحاب شادمان بیغم
بخشش هردو برهمه شامل همه از هر دو عالم و عامل
خوش‌بهم‌بوده مدت ده‌سال پاك و صافی مثال آب زلال
بعداز آن نقل کرد مولانا زین جهان کثیف پر زغنا
سال هفتاد و دو بده بعدد ششصد از عهد هجرت‌احمد
چشم‌زخمی‌چنین‌رسیدبخلق سوخت‌جانها زصدمت‌آن‌برق
لرزه افتاد در زمین آندم گشت نالان فلك در آن ماتم
مردم شهر از صغیرو کبیر همه اندر فغان وآه‌و نفیر
بجنازه همه شده حاضر از سر مهر و عشق نز پی‌بر
قوم هر ملتی براو عاشق اهل هر مذهبی براو صادق
عیسوی گفته‌اوست‌عیسی‌ما موسوی گفته‌اوست موسی ما
مسلمش‌خوانده‌سرونورر‌سول گفته هست‌اوعظیم‌بحر نقول
همه کرده‌زغم گریبان‌چاك همه از سوز کرده برسرخاك
آنفغان و خروش کانجابود کس‌ندیده‌است‌زیرچرخ کبود
همچنان‌این کشیدتاچل‌روز هیچ ساکن‌نشد دمی‌تف‌وسوز
روزوشب‌بودگفتشان‌همه‌این که‌شد آن گنج زیرخاك‌دفین
ذکراحوال‌وزندگانی او ذکر افوال‌و در فشانی او
ذکرعشق‌خداو تجریدش ذکرمستی‌و صدق‌و توحیدش
ذکرلطف‌وتواضع‌وکرمش ذکرحال وسماع چون ارمش
ذکرتذکیرووعظو گرمی‌او ذکر مهر و وفا و نرمی او
ذکراسرارولطف‌انوارش ذکر آن کشفها ز دیدارش
ذکرتقوی وحلم‌ورحمت‌او ذکر فتوی وعلم‌و حکمت او

از کتاب بستان‌السیاحه

برضمایر مهرمآثراولوالابصار مخفی ومستور نماند که ولادت باسعادت‌مولانا در قبة‌الاسلام بلخ من‌بلاد خراسان‌درششم‌ربیع‌الاول سنه ٦٠٤ ششصدو چهار هجری روی نمود

همان شراب کش بادهٔ خم‌جبروت همان همای‌بلند آشیان‌عرش‌نشین
رموز گوی‌ازل‌مولوی‌که‌دادنجات مقیدان هوا را زقید این سجین
زجلدهای کتابش‌که‌مینوشت‌گرفت جهات سته به پیرایهٔ ابد تزیین
سخن‌زمرتبهٔ‌شعراونه‌حدمنست که‌همچوعرش‌بلنداست‌وهمچوشرع‌متین

گویند آنجناب در پنج سالگی بهر سه چهار روز یکبار افطار میفرمود و در نسب از نسل ابوبکربن ابی‌قحافه خلیفهٔ اول بود بدین ترتیب :

هوابن بهاءالدین محمدبن حسین‌بن احمدالخطیب بن محمود بن ثابت بن مسیب بن مطهر بن‌حماد بن عبدالرحمن بن ابوبکر

ابأعن‌جدازعلماء نامدار عالیمقدار و از فضلاء کبار آندیار بودند و شیخ‌احمدالخطیب بلخی مریدقطب‌العارفین شیخ‌احمدغزالیست و فرزند ارجمند او شیخ حسین که‌جد مولاناست بغایت متقی و پرهیزکار و اسباب دنیوی در نظرش بیمقدار بود نقل است که در واقعه حضرت رسالت پناه صلعم خوارزمشاهرا فرمود که ما دختر ترا بشیخ حسین عقدکردیم تو نیز قبول کن و ایضاً وزیر خوارزمشاه همان خوابرا مشاهده نمود و شیخ حسین نیز درهمان شب خواب میبیند که حضرت رسول صلعم میفرماید که ماصبیهٔ خوارزمشاهرا بتو تزویج نمودیم خوارزمشاه بفرمودهٔ آنحضرت عمل نموده دختر پاکیزه گوهر خودرا بنکاح‌شیخ حسین درآورد و بهاءالدین محمد از آن عفیفهٔ مکرمه بوجود آمد چون بسن‌رشد و تمیز رسید بتحصیل علوم مشغول شده در اندك زمانی دراکثر علوم ماهر گردید و نیز در عنفوان شباب بعد از اکتساب علوم و آداب اولا تلقین ذکر از والد خود گرفته و او از پدرش امام احمد خطیب و بدینواسطه سلسلهٔ بهاء الدین متصل بشیخ احمد غزالیست بعداز آن صحبت شیخ‌الشیوخ نجم‌الدین کبری‌را دریافته است و از روی ریاضت و مجاهده با علی قلل مشاهده شتافته و مقبول همهٔ دلها شده و در بلخ متمکن میبوده و بدرس و فتوی نیز اشتغال مینموده‌و طالبانرا بکشف حقایق و معارف راهنمائی میکرده‌و از برای ارشاد عوام عقد مجالس نصایح و مواعظ می ساخته و بحال همهٔ طوایف میپرداخته و سلطان محمدخوارزمشاه از جملهٔ مریدان و معتقدان بوده و سید برهان‌الدین الترمدی که ازجملهٔ اقطاب بود ازمریدان آنجناب بشمار است که باتابکی‌مولانا جلال‌الدین محمدرومی اشتغال مینمود

آورده اند که شبی سیصد دانشمند مفتی از مشاهیر بلخ که از جملهٔ منکران بودند در خواب سیدکاینات را دیدند که درخیمهٔ سبز نشسته بود و مولانا بهاءالدین‌بازبدهٔ ممکنات صلی‌الله‌علیه‌وآله همنشین وحضرت‌رسول‌صلعم مولانارا نوازشها نموده‌وفرمودماترا سلطان‌العلماء لقب‌نهادیم آنجماعت چون‌بیدارشدندروی‌بخدمت‌مولانا نهادند وچون‌درراه‌بایکدیگر ملاقی‌شدند وازخواب‌دوشینه حکایت میکردند متعجب ومتحیر میماندندومولاناسلطان‌العلماء بعداز اداء صلوة‌واذکار بربام رفته بود و اینجماعت ازهیبت اینحال امکان در کوفتن‌ومجال‌اخبار نداشتند آخرالامرسراز بام فرو کرده‌فرمود : تاحضرت‌سیدالمرسلین‌علیه‌افضل‌الصلوات‌ازحال‌درویشان‌وروش‌ایشان اخبار نفرمودشمازنارانکارازمیان‌نگشودیدآنجماعت استغفار کردند ومریدومعتقدشدند.سلطان‌محمدبعداز استماع‌این‌کلام‌درخدمت‌اهتمام بیشتربتقدیم‌رسانیدوامام‌فخرالدین‌رازی‌نیز به‌تبعیت‌میآمدچه که‌معلم سلطان‌بود وجناب مولانا در اثنای موعظت مذمت مذهب حکمای یونان میفرمود و میگفت: جمعی که کتب آسمانی را در پس پشت انداخته و اقاویل وعقاید فلاسفه پیش گرفته اند چگونه امید نجات داشته باشند

امام‌فخرالدین ازاینمعنی عرق حسدش میجنبید ودائماً بگردسعایت وفساد میگردید امافرصت‌نمیدید اتفاقاًروزی سلطان‌بزیارت‌مولانا آمده‌بود کثرتی عظیم باشکوه بیش‌از پیش دید وفخرالدین‌رازی راخطاب کرده و گفت بیحد کثرتی مشاهده میشود وی‌فرصت‌یافته گفت اگر بتدبیر دفع این کثرت‌نشود بیم‌است که‌در ارکان‌سلطنت خلل افتد بواسطهٔ آنکه طباع برحسد مجبولست این‌سخن واهی برسلطان اثر کرده فرمود که‌تدبیر باید نمود درجواب گفت‌صواب آنست که کلید خزائن و قلاع را بخدمتش بفرستیم و بگوئیم که امروزجمعیت و کثرت آنحضرت راست وبواسطهٔ‌استیلای مریدان وشوکت معتقدان وهنی درامور مملکت ظاهر گشته و بجز کلید دردست‌ماراختیاری نمانده‌یا کلیدهاراقبول کنند یا ازدارالسلطنه بیرون روند وازمملکت‌هر کجا خواهند متمکن شوند چون‌براین سیاق عمل کردند دمار ازدودمان خویش‌برآوردند ازاستماع این سخن‌مولاناسخت‌برنجید وقسم‌یاد کرد که‌تامحمد خوارزمشاه‌پادشاه خراسان باشد بدانجا نیاید مثنوی

تادل مردخدا نامد بدرد هیچ قومی‌را خدا رسوا نکرد

گویند باعث انقراض دولت خوارزمشاهیان و تسلط چنگیزیان برمملکت‌ایشان نخست قتل مجدالدین‌بغدادی‌شد واومریدنجم‌الدین خوارزمی و مرشد شیخ فریدالدین عطار قدس الله اسرارهم بود وتفصیل احوال‌آن‌بزرگوار درکتب تواریخ مسطور است‌ودیگر رنجش خاطرمولانا بهاءالدین‌است.

نقلست که مولانا روز دیگر در میان مجلس گفت فردا عزم سفر دارم هر کرا ارادت درویشان‌است آماده‌باشدروزدیگر ازمریدان و معتقدان سیصد نفر درخدمتش روانه شدند درآنوقت‌مولانا جلال الدین بسن شش ساله بود و مولانا بهاءالدین در نیشابور باجناب شیخ فریدالدین عطار قدس سره ملاقات کرد وجناب شیخ کتاب اسرار نامه‌را که یکی از مؤلفات خودبودبمولانا جلال‌الدین‌عنایت نمود وببهاءالدین گفت که‌این فرزندرا گرامی‌بدار زودباشد که از نفس گرم آتش‌برافسردگان عالم زند مولانا بهاءالدین جناب‌شیخ را وداع‌نموده عازم بیت‌الله‌الحرام گردید و چون‌بدارالسلام بغداد رسید اکابرواعاظم و بزرگان مولانارا تعظیم تمام کردند و لوازم احترام نسبت‌بآن‌بزرگوار بجای‌آوردند مدت‌یکماه تفسیر بسم‌الله فرمود چنانکه‌تقریراول‌بثانی نسبت نداشت جمعی ازطرف سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی از کشور روم بدارالخلافه بغداد آمده بودند آن‌تقریردلپذیرازمولاناستماع نمودند وچون‌بروم‌باز گشتند دراثنای حکایات‌درحضرت سلطان از مناقب مولانا آنچه مشاهده کرده‌بودند عرضه داشتند سلطانرا درغیبت‌اعتقادی عظیم‌راسخ‌شد و دائماً تمنای ملاقات صوری‌داشت تا از تقدیر کردگار مولانارا عزیمت حجازافتاد وازحجازبطرف‌شام‌عبورفرموده‌ودرآنجامولانا برهان‌الدین ترمدی‌رحلت‌نمود آنجناب در حین‌وفات خدمت‌مولانا وصیت کرد که‌باید شما بطرف روم عزیمت نمائید که جهت شما در آن‌دیار فتوحی خواهد بود بنا بفرمودهٔ آن بزرگوار مولانا بمدینهٔ ارزنجان آمده در خانقاه عصمتیه تاج ملك خاتون که عمهٔ‌سلطان علاءالدین بود نزول نمود خاتون سعادت مقرون خدمات پسندیده بجای آورد و التماس کرد که آنجا متمکن شود قبول نفرمود وبزودی از آنجا عزیمت آنشهر نمود و فصل زمستان‌در آنجا اقامت کرد بعداز آن بطرف روم نهضت فرمود سلطان را معلوم شد که قرب منازل حاصل شده است قاصدان بخدمتش فرستاد استعجال حرکت مولانا نمود ملتمس سلطان باجابت لاحق شد چون بصحرای قونیه رسید سلطان باجمیع اکابروارکان‌دولت مولانارااستقبال نمود سلطان بعداز اظهار اخلاص و ارادت استر شمام نام که در گام‌زدن پیك باد شمال بود برسم نیاز پیشکش‌نمود وچندگام در رکاب مولانا پیاده رفت مولاناچندانکه مبالغه‌فرمود که سوار شود سلطان بر تواضع وفروتنی می افزود و میگفت جهت‌مزید دولت‌وسعادت خویش این‌عبودیت بتقدیم میرسانم‌آنگاه در منزلی که‌لایق آنجناب‌بود فرود آورد وچندان‌خدمات‌ومراعات نمود که عشر عشیرآن بشرح و بیان در نیاید در آن اوان مولینا جلال الدین بسن چهارده سالگی بود و در آن صغر سن از روی علوم وحکم عالمی بزرگ شده بود چون والد بزرگوارش در سنه ۶۳۱ هجری رحلت نمود مولانا بموجب وصیت والد بر مسند افاده قدم گذاشت ولوای نشر علوم و درس فنون وامر معروف و نهی منکر برافراشت

آورده اند که مولانا بعداز تحصیل‌علوم رسمی و اصطلاحی از اقسام علوم آنچه سیدبرهان‌الدین ازشیخ خود از حقایق مکتوم معلوم کرده‌بود مولانارا تعلیم‌و تلقین میکرد چون‌ذات‌ملك صفات اورا بریاضات و مجاهدات مکاشفات ومشاهدات دست داد و قابل اسرار احدی و محرم رموز کنوز احمدی شد بصحبت حضرت خضرعلی نبیناوعلیه السلام مشرف گشت و جمعی کثیر ازعرفای عصر را ملاقات نمود آخرالامر بخدمت تاج العارفین مولانا شمس‌الدین تبریزی رسیدوارادت آن‌جنابرا ازدل وجان‌برگزید ونسبت طریقت شمس‌الدین بجناب قطب الاولیاء و زبدت‌الاصفیاء علی‌بن موسی‌الرضاعلیه‌آلاف‌التحیة و الثناء میرسد براین‌موجب: شمس‌الدین مرید باباکمال جندی بود و او مرید شیخ نجم‌الدین خوارزمی و او مرید شیخ‌عمار بدلیسی واومرید شیخ نجیب‌الدین سهروردی و او مرید شیخ احمد غزالی واو مرید شیخ ابوبکر نساج واومریدشیخ ابوالقاسم کورکانی (و او مرید شیخ ابوعمران مغربی و او مرید شیخ ابو علی رودباری) و او مرید شیخ جنید بغدادی‌واومرید شیخ‌سری سقطی و او مرید شیخ معروف کرخی و او مرید و دربان علی‌بن موسی‌الرضا علیه التحیة والثناء بود

آورده‌اند که‌شمس‌الدین ولد علاءالدین‌بوداز نژاد کیا بزرگ‌امید گویندپدروی‌ترک‌مذهب‌اسمعیلی کرده شعار اسلام ظاهر نمود و در نهانی ولدخود شمس‌الدین‌را بخواندن علم به تبریز فرستاد و در آنجا علم وادب آموخت و انواع فضائل اندوخت جامی‌صاحب نفحات‌الانس آورده که شمس الدین از خاندان اسمعیلیان نیست بلکه‌او تبریزی‌الاصل پسربزازیست‌وبعضی‌گفته‌اند که‌اصل‌شمس‌الدین ازخراسان بوده وخود درشهر تبریز تولدنموده ودراین باب روایت دیگر نیزوارداشت راقم گوید شاخ گل هرجا که‌میروید گل‌است

نقلست که‌چون شمس‌الدین درعالم طلب سیاحت میکرد تا آنکه بخدمت باباکمال‌الدین جندی قدس‌سره رسید و به‌هزار جان ودل مریدش گردیدوقتی باباکمال جمعی از مریدانرا که‌ازآنجمله‌شیخ بهاءالدین زکریا و شیخ فخرالدین عراقی و امیر حسین هروی بودند در خلوت نشاند وشمس‌الدین را نیز بریاضت و خلوت امر کردشیخ فخرالدین عراقی لوایح اسرار را بصورت لوامع و اشعاراملا نموده بعرض شیخ کمال‌الدین‌رسانیدوشمس‌الدین اظهار اینمعانی نمیکرد روزی آن بزرگوار فرمود فرزند شمس‌الدین از حقایق و اسرار که فرزند فخرالدین باظهار آن قیام مینماید برتوهیچ لایح نمیشود عرض‌نمود بیش‌از آن حقایق مشاهده‌می‌افتد او از جهت‌اشتغال‌بمصطلحات‌علوم‌بعبارتی‌مناسب کشف‌بعضی‌اسرار مکتوب‌میتواند کرد ومرا دست‌نمیدهدشیخ‌فرمود که‌باریتعالی ترا مصاحبی‌روزی کند که‌معارف‌وحقایق‌اولین‌وآخرین‌را بنام‌تواظهار کندوینابیع‌حکمت‌ازدل‌اوبرزبانش‌جاری‌شودوهمهٔ آن کسوت‌مقالات مطرزبنام‌تو باشدبعداز آن‌باباکمال‌فرمود که‌ترابطرف‌روم‌بایدرفتن‌ودر آنجاسوخته‌ایست‌میبایداورامشتعل کردن‌شمس‌الدین‌بموجب‌فرمودهٔ وی عمل‌نموده متوجه روم گردیدودرحین گردش آن‌مرزوبوم‌بشهر قونیه‌رسیدودرکاروانسرای‌شکرفروشان‌منزل گزید

روزی‌دربازارمولاناجلال‌الدین براستری‌سواربکوکبهٔ تمام‌عبور مینمود و شمس‌الدین اورا دیده بفراست مطلوب‌را شناخت و در رکابش روان‌شده پرسید که‌غرض‌از مجاهده و دانستن علوم‌چیست

مولانا گفت روش سنت و آداب شریعت است شمس الدین فرمود این خود ظاهر است مولانا گفت ورای آن چیست شمس الدین گفت که علم آنست که ترا بمعلوم رساند و بشاهراه حقیقت کشاند و این بیت سنائی را برخواند

علم کز تو ترا نه بستاند جهل از آن علم به بود بسیار

مولانا از استماع این سخن متأثر و متحیر گشته مرید شمس الدین گردید و بروایت دیگر چون شمس الدین بقونیه رسید مولانا را ملاقات نمود در حالتی که مولانا در کنار حوض نشسته بود و کتابی چند پیش خود نهاده شمس الدین از مولانا پرسید که این چه مصاحفست مولانا جواب داد که این را قیل و قال گویند ترا بآن چه کار است شمس الدین فی الحال کتابها را در آب انداخت و مولانا را متحیر ساخت مولانا از روی تأسف فرمود که ای درویش بعضی فواید والا بود که دیگر یافت نمیشود دیوانگی کردی وضایع ساختی شمس الدین دست دراز کرد یکان یکان همهٔ کتابها را بیرون آورد که آب در آنها اثر نکرده بود مولانا پرسید که این چه سر بود که بظهور پیوست شمس الدین فرمود که این از ذوق و حال است ترا از آن چه خبر بعد از آن باهمدگر صحبت بسیار داشتند و مولانا فرجی و وضع دستار مشابه او ساخت و طریقهٔ سماع آموخت و بیمن تربیت او علم معرفت بر سر عالم افراخت چنانکه میفرماید

هزاران درج در دارد بناگوش ضمیر من از آن الفاظ وحی آسای شکربار شمس الدین
ز عقل و روحها بگذر حجاب عقل برهم در دو سه منزل از آنسو تر ببین بازار شمس الدین

منقولست که چون مولانا ربودهٔ شمس الدین گردید مدت شش ماه در خلوت با او مینشست و می آرامید موالی مولانا شور و غوغا بر آوردند و بر شمس الدین طعن و تشنیع آغاز کردند که سر و پا برهنهٔ و شکم گرسنهٔ ظهور نمود و مقتدای مسلمانان را گمراه کرده است شمس الدین بالضرورد بصوب تبریز روان گردید و مولانا را سوز عشق زبانه کشید و در فراق شمس الدین شعر های سوزناك گفتن گرفت آخر الامر طاقتش طاق شده سوی تبریز شتافت و بعد از زحمات بسیار مطلوب را دریافت در مثنوی از زبان وامدار بر اینمعنی اشارت نموده

ساربانا بار بگشا زاشتران شهر تبریز است و کوی دلستان
فر فردوس است این پالیزرا شعشعهٔ عرش است این تبریزرا
هر زمانی فوج روح انگیز جان از فراز عرش بر تبریزیان

مولانا و شمس الدین پس از چندی با یکدیگر بروم آمدند و چند گاه خالی از اغیار مشغول صحبت شدند باردگر دوستان مولانا که در حقیقت دشمنان بودند حسد و حقد آغاز نمودند

خدای تخم حسود از جهان براندازد اگر حسود نباشد جهان گلستانست

این بار شمس الدین بطرف شام فرار کرد و مدت دو سال در نواحی شام اقامت فرمود مولانا در آن مدت از فراق شمس الدین میسوخت و غزلهای عاشقانه میساخت و عشق شمس الدین بنیاد صبر مولانا را یکباره برانداخت آرام و قرار ازو گم گردید عاقبت مبلغ هزار دینار زر به پسر خود بهاء الدین ولد داده و گفت بزودی بسوی شام بخرام و شمس الدین را در مقام صالحیه خواهی دریافت که با فرنگی زادهٔ شطرنج میبازد زینهار بخاطر خطرهٔ میار که آن پسر یکی از مردانست و از این راه آگاهش میسازد و این زر را بعتبهٔ شمس الدین ایثار کن و کفش آنحضرت را بسوی روم گردان و این ابیات را بخوان

بروید ای حریفان بکشید یار ما را بمن آورید حالی صنم گریزپا را
اگر او بوعده گوید که دم دگر بیاید مخورید مکر او را بفریبد او شما را

از این غزل بهمین دو بیت اکتفا نمود بهاء الدین بحکم والد بشام رفته آنچه از والد شنیده بود دید و آنچه فرموده بود بانجام رسانید و شمس الدین بصوب روم مصمم گردید در آنسفر بهاء الدین در رکاب شمس الدین مسافت یکماهرا پیاده طی نمود هر چند آنجناب مبالغه کرد که سوار شود بهاء الدین قبول نکرد و گفت شاه سوار شود و بنده سوار چگونه خواهد بود

آفرین خدای بر پدری که تو پرورد و مادری که تو زاد

چون شمس الدین بقونیه رسید مولانا بشرف مواصلت مشرف گردید آنجناب در اثنای صحبت اظهار بهجت از بهاء الدین میفرمود و گفت من ازو راضی شدم مرا سری بود و سری سر بتو دادم و سر به پسرت بخشیدم اگر بهاء الدین ولد را هزار سال عمر بودی و همه را در راه طلب رضای خدا صرف نمودی آنچه در این سفر اورا حاصل گشت هزار یك آن حاصل نشدی

نقل است که شبی شمس الدین با مولانا در خلوت صحبت میداشت و اعلام طریقت بر فراز حقیقت می افراشت ناگاه کسی از بیرون در بشمس الدین اشارت کرد مولانا گفت کیست آنجناب فرمود بقتلم میخوانند چون بیرون رفت مولانا صیحهٔ شنیده بیرون دوید چون نظر کرد قطرهٔ خون ریخته دید از آنزمان تاحال از شمس الدین چون عنقا نامیست بعضی گویند بمولانا در عالم واقعه شمس الدین گفت که مرا کشته بچاه انداختند چون مولانا از خواب بیدار شد بسر چاه رسید وجسد آن یوسف مصر ولایت را از چاه بیرون کشید و در مقام مناسب دفن نمود

راقم گوید اینقول بصحت اقربست چنانکه اکنون مزار آن بزرگوار در آن دیار مطاف طائف خلق روزگار است در نفحات مسطور است که باعث هلاك شمس الدین علاء الدین محمد که به تیرانه لیس من اهلك نشانه شده پسر ناخلف مولانا بود و علاء الدین بعد از اقدام بر آن امر شنیع بمرضی مزمن گرفتار گشته بسرای دیگر انتقال نمود و مولانا بجنازهٔ او حاضر نگشت

مخفی نماناد که در کیفیت ملاقات شمس الدین با مولانا اخبار متعدده وارد است که از طول کلام اندیشیده از تذکار آن عنان قلم باز کشید شهادت شمس الدین در سنه ٦٦١ هجری روی نمود

آورده اند که مولانا جلال الدین بعد از واقعهٔ هایلهٔ شمس الدین همواره غمگین میبود و علی الدوام زاری و بیقراری مینمود و آخر الامر خاطر حزین و دل اندوهگین خود را بصحبت و تربیت حسام الدین چلبی المعروف بابن اخی ترك تسلی فرمود نسب وی بدان کس میرسد که فرمود امسیت کردیاً واصبحت عربیا حسام الدین در حجر تربیت مولانا نشوونما یافته و مهر شفقت و مرحمت مولانا بروجنات حال وی تافته و محبوب و منظور مولانا بوده و بحسن طاعت و انقیاد بدرجهٔ عالی ترقی نموده است و کتاب مثنوی که مشهور در السنهٔ صغار و کبار مذکور است باستدعای حسام الدین مولانا بسلك نظم کشیده الحق کتابی بدین نظم و نسق بزبان فارسی چشم زمانه ندیده و گوش روزگار نشنیده است بمرتبهٔ مقبول و مطبوع عرفا گردیده که شیخ بهاء الدین عاملی با آنهمه فضل و کمال در تعریف آن میفرماید

من نمیگویم که آن عالیجناب هست پیغمبر ولی دارد کتاب
مثنوی معنوی مولوی هست قرآنی بلفظ پهلوی
مثنوی او چو قرآن مدل هادی بعضی و بعضی را مضل

در نزد محققان هر قوم پسندیده است چنانکه راقم در جمیع بلاد اقالیم سبعه دیده و شروحی بسیار بزبان فارسی و عربی و ترکی و هندی بر آن نوشته اند

نقلست که حسام الدین شبی اندیشه نمود که در خدمت مولانا استدعا نماید که بوزن منطق الطیر شیخ فرید الدین عطار قدس سره کتابی بنظم آورد و در صبح آنشب بنیت مذکور بخدمت مولانا مشرف گشته مرکوز خاطر را عرضه داشت مولانا بعد از استماع سخن حسام الدین کاغذی از دستار خود بیرون آورده بدست وی داد و فرمود که دیشب وقتیکه از خاطر تو گذشت بر من وارد گشت که اینگونه کتابی منظوم شود و انجام رسد لهذا این ابیات همانوقت از خاطر من سر زد

بشنو از نی چون حکایت میکند وز جدائیها شکایت میکند

اولین شعر کتاب مثنوی تا

درنیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام

بعد از آن مولانا بگفتن مثنوی مشغول گشت از اول شب مولانا نظم نمودی و آخر شب حسام الدین بآواز بلند در حضور مولانا خواندی و بسمع مجلسیان رساندی نوبتی حسام الدین بخدمت مولانا معروض داشت که در وقت خواندن مثنوی گویا میبینم از غیب شمشیرها

کشیده اند و گردن منکران را میزنند مولانا تصدیق نموده گفت نیك دیدی چنانچه درمثنوی بدان اشارت نموده

دشمن اینحرف ایندم درنظر — شدممثل سرنگون اندرسقر
ای ضیاء الحق تودیدی حال او — حق نمودت پاسخ احوال او
دیدهٔ غیبت چوغیبت اوستاد — کم مباداز این جهان این دیدوداد

چون جلداول مثنوی بانجام رسید زوجهٔ مکرمهٔ حسام الدین بسرای جاوید خرامید بدانسبب یا بسبب دیگر اختلال دراحوال حسام الدین ظاهر گردید مدت دوسال [تنظیم مثنوی] بتعویق افتاد ومولانا بگفتن مثنوی لب نگشاد بعداز انقضای مدت مذکوره باردیگر حسام الدین ازخدمت مولانا اتمام مثنوی استدعا نمود چنانچه در اول جلد دوم اشاره برین فرموده

مدتی این مثنوی تأخیر شد — مهلتی بایست تاخون شیرشد
تا نزاید بخت تو فرزند نو — خون نگردد شیر شیرین خوش شنو
چون ضیاء الحق حسام الدین عنان — باز گردانید زاوج آسمان
چون بمعراج حقایق رفته بود — بی بهارش غنچها نشکفته بود
مثنوی که صیقل ارواح بود — باز گشتش روز استفتاح بود
مطلع تاریخ این سوداوسود — سال اندر ششصدوشصت ودوبود

آنگاه بجدتمام وسعی مالا کلام باتمام مثنوی قیام فرمود جلد ششم بپایان نرسیده عارضهٔ بربدن شریفش روی نمود ودرآن بیماری ازجهان فانی بعالم جاودانی انتقال فرمود چنانکه بهاء الدین ولد در آخر مثنوی برآن ایمائی مینماید

مدتی زین مثنوی چون والدم — شد خمش گفتش وراکای زنده دم
از چه رودیگر نمیگوئی سخن — بهر چه بستی در علم لدن
گفت نطقم چون شتر زین پس بخفت — نیستش باهیچکس تاحشر گفت
همچو اشتر ناطقه اینجا بخفت — او بگوید من دهان بستم ز گفت
قصهٔ شهزادگان نامد بسر — ماند نا سفته در سیم پسر
باقی این گفته آید بیزبان — با درون آنکه دارد زنده جان
فهم میگوید شتر چون خفت او — وقت رحلت آمد و جستن زجو
گفتگو آخر رسیدو عمر هم — مژده کامد وقت کز تن وارهم
درجهان جان کنم جولان همی — نگذرم زین نم در آیم دریمی

فقیر گوید ازمحققان ملک روم و دانشمندان آنمرز وبوم بکرات استماع نمود واز ثقات دیار مصر و شام مکررشنود که مولانا از آن مرض صحت یافته دفتر دیگر برمثنوی افزوده آنرا هفت جلد فرموده است چنانچه شیخ اسماعیل قیصری که عالم معالم سخن پروریست درحدود هزار واند هجری شرحی بردفتر هفتم نوشته ودر عنوان آن کتاب مدعیست که ناظم جلدهفتم جناب مولویست وازملحقات نیست چون بعداز تدوین جلد ششم گفته شده لهذا بغیراز کشور شام وروم شهرت نیافته است والله اعلم بحقایق الامور گویند این اشعار از جلدهفتم است

ای ضیاء الحق حسام الدین سعید — دولتت پاینده فقرت بر مزید
چونکه ازچرخ ششم کردی گذر — بر فراز چرخ هفتم کن مقر
سعد اعداداست هفت ای خوش نفس — زانکه تکمیل عدد هفت است وبس

شیخ نجیب الدین رضا تبریزی الاصل اصفهانی المسکن که در زمان شاه سلیمان صفوی پایهٔ سلسلهٔ ذهبیه بوده و کتاب سبع المثانی را ببحرمثنوی تألیف نموده درعنوان آن کتاب فرموده که درعالم واقعه مولانا بمن خطاب کرده فرمود که جلد هفتم مثنوی را توباتمام رسان بنابفرموده مولانا کتاب سبع المثانی را بنظم آوردم فقیر گوید آنچه نزد درویشان روم وشام وعربستان درخصوص جلد هفتم بصحت اقربست قول اولست (آندفتر درآخر همین کتاب مسطوراست) اصحاب معرفت بعداز دقت معلوم میکنند که ناظم آن جناب مولوی بوده یانبوده

معاصرین مولانا ـ آورده اند که درعصر مولانا جلال الدین قدس سره درکشور روم وایران وغیره عرفای عظام ومشایخ کرام بسیار بوده از آنجمله شیخ اوحدالدین کرمانی وشیخ بهاء الدین زکریاء ملتانی وشیخ نجم الدین رازی وشیخ مصلح الدین سعدی شیرازی وشیخ محی الدین الاعرابی وشیخ صدرالدین قونیوی وشیخ مؤیدالدین جندی وشیخ ابوالحسن مغربی الشاذلی وشیخ ابوالعباس المرسی وابن الفارس الحموی المصری وشیخ عزیزالدین نسفی وشیخ ابوالحسن علی الصعیدی المعروف بابن صباغ وشیخ فخرالدین عراقی وشیخ نجیب الدین بزغش شیرازی و شیخ برهان الدین ترمدی وشیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی و شیخ جمال الدین جوزقانی وشیخ رضی الدین علی لالا غزنوی وشیخ سیف الدین باخرزی وشیخ سعدالدین حموی وشیخ ابومحمد عبدالله المغربی وشیخ یاسین المغربی و شیخ عفیف الدین سلیمان قلمانی وشیخ ابوالغیث الیمنی وشیخ صلاح الدین زرکوب وشیخ موسی سدرانی وشیخ صدرالدین فرغانی وعین الزمان جمال الدین وحاجی بکتاش ولی قدس الله اسرارهم که اکثر آن بزرگوارانرا در شهر قونیه وغیره ملاقات نموده وطریق معاشرت پیموده

در شهور سنه ٦٧٢ هجری درهمان دیاربدارالقرار انتقال نمودمزارفیض مدارش درغایت اشتهاروزیارتگاه ابنای روزگاراست (وفات خواجه نصیرالدین طوسی هم در اینسال اتفاق افتاده)

از ملوك زمان که معاصر آنجناب بودند هلاکوخان وآباقاآن خان در ایران وبندوقدار درمصروشام وعلاءالدین کیقبادسلجوقی درکشورروم وناصرالدین ایلتمش در هندوستان حکومت مینمودند وازفرقهٔ حکما محقق طوسی معاصر آن بزرگوار بوده

روزی اصحاب راخطاب کرده فرمود: اوصیکم بتقوی الله فی السروالعلانیه و بقلة الطعام وقلة المنام وهجران المعاصی والآثام و مواظبة الصیام ودوام القیام وترك الشهوات علی الدوام واحتمال الجفاء من جمیع الانام وترك مجالسة السفهاء والعوام ومصاحبة الصالحین والکرام وان خیرالناس ماینفع الناس وخیرالکلام ماقل ودل

پوشیده نماناد که سلسلهٔ مولوی دربلاد روم ومصروشام وعرب وجزایربحرروم ودیار روم ایلی وعراق عرب جاری و معمولست ودر نزدخوردو کلان واعیان ودانا ونادان وحاجب وسلطان مقبولست لباسی خاص مخصوص درویشان آن سلسله است وتاج نمدی بیدرز برسر گذارند ومشایخ ایشان عمامهٔ نیز برآن تاج بیندند وذکروفکر ومراقبت اورادوسماع وحلقهٔ ذکرجلی درمیان ایشان متداولست ودرهنگام سماع نی ودف میزنند درآن سلسله قانون است که چون خواهد کسی در آن طریقه درآید باید که مدت هزارویکروز خدمت نماید براینموجب که چهل روز خدمت چهارپایان کند وچهل روز خدمت فقرا نماید و چهل یوم آب کشی وچهل یوم فراشی وچهل یوم هیزم کشی وچهل یوم طباخی وچهل یوم حوائج ازبازار آوردوچهل یوم خدمات مجلس درویشان کند وچهل یوم نظارت نماید برین نسق تامدت مقرره تمام شود اگر چنانچه یکروز ازآنمدت ناقص گردد باید که خدمت را ازسر گیرد و چون تمام کند آنکس را غسل توبه دهند ازجمیع محرمات و کسوت از سرکارخانقاه بوشانند وتلقین اسم جلاله براو کنند وحجره جهت آسایش وعبادت بوی دهند وطریق ریاضت ومجاهده تعلیم وی نمایند وآنکس برآن قاعده وقانون مشغول شود تاآنکه صفائی درباطن او ظاهر گردد

مخفی نماند که صوفیه گفته اند که مولانا رامذهب شیعه بوده وبر طریقهٔ حقه عمل مینموده وبر اینمطلب شواهد بسیاراست والله اعلم

خلاصه شرح حال مولانا

مولانا جلال الدین محمدبلخی مشهوربه مولانای روم درششم ماه ربیع الاول سال ٦٠٤ هجری قمری در قبة الاسلام بلخ (یکی از چهار شهربزرگ خراسان که پیش ازهجوم مغول منتهای آبادی راداشته) متولدشده در سال ششصدونودونه بمعیت پدربزرگوارش ازخراسان بآسیای صغیر مهاجرت گزیده وهم آنجا درپنجم جمادی الاخرهٔ ششصدو هفتادوسه بریاض خلدخرامیده وپهلوی ضریح پدرش مدفون شده است

مولانا درشعر چنانکه دربسیاری از غزلهایش بطریق تلمیح آورده است خاموش تخلص میکرده و اورا علاوه بر جلال الدین بلقب خداوندگار نیزمیخوانده اند و اطلاق خداوندگار بمناسبت سلطنت وحکومت ظاهری وباطنی اقطاب برمریدان خود دراعتقادصوفیان تناسب تام دارد. شهرتش برومی یامولانای روم بواسطهٔ طول اقامت

در آسیای صغیر بوده . وچون سلجوقیان آن خطه‌را از امپراتوری روم شرقی منتزع کرده بودند شاخه‌ای ازسلسلهٔ سلجوقی که در آنجا استقرار یافت معروف بسلاجقهٔ روم شد . ولی لقب مولوی تازه‌است

نسب مولانا به‌دو واسطه به‌ابوبکر صدیق می‌پیوندد ومطابق تحقیقات آقای کاظم‌زادهٔ ایرانشهر بدین ترتیب است : جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمدبن‌حسین‌بن احمدبن محمودبن مودودبن ثابت‌بن مسیب‌بن مطهربن حمادبن عبدالرحمن‌بن ابی‌بکرالصدیق

نیای مولانا حسین‌بن‌احمدخطیبی از افاضل خطهٔ‌خراسان‌بشمار میآمده از خاندان علم وعرفان وپدربرپدرازمشایخ کبار بلخ‌بوده بروایت شمس‌الدین احمد افلاکی درمناقب‌العارفین امام‌رضی‌الدین نیشابوری از اجلهٔ فقهای قرن ششم درمحضروی تلمذ کرده.جدهٔ مولاناازخاندان‌جلیل‌خوارزمشاهیان‌وظاهراً دختر قطب‌الدین‌محمدبوده

پدر مولانا بهاءالدین محمدبن‌حسین ملقب بسلطان العلماء مشهوربه‌بهاءالدین‌ولد معروف‌به مولانای‌بزرگ ازبزرگان‌صوفیان ایران‌تربیت‌یافتهٔ شیخ‌اجل‌ابوالجناب نجم‌الدین‌احمدبن‌عمرخوارزمی معروف به کبری بوده و خرقه‌اش به‌سبب عماریا سر و ابوالنجیب سهروردی‌به‌شیخ‌احمدغزالی‌میپیوسته.بروایت‌فریدون سپهسالار(از یاران‌مولانا که‌رساله‌ای‌درسوانح‌زندگانی‌مولانا گردآورده)شهرت‌علمی سلطان‌العلماء،باندازه‌ای،بودکه‌ازاقصای‌خراسان‌فتاوای‌مشکل‌رابحضرت او آوردندی ودرشهر بلخ مسند افاضت و ارشاد داشته خواص و عوام آن‌خطه اوراعظیم معتقدبودندپیوسته بامر معروف ونهی‌از منکراشتغال‌داشت‌وهرگاه که‌مجلس میگفتی گروه بیشماری از هر طبقه درپای منبر وعظش گرد میآمدند واوبرهمهٔ دلها مشرف‌بود

مسلك تصوف ازقرن‌پنجم هجری باینطرف درمیان مسلمین رونق و عظمت تمام‌یافته ازخواص گذشته در تودهٔ عوام هم منتشر شده‌بود . اقطاب مشایخ‌روش‌خویش‌را بدین ومذهب‌نزدیك ساخته سخنان‌ومجالس خودرابذکرخداورسول وآیات‌واحادیث‌میآراستند و در دورهٔ که بیشتر علماء فقه وحدیث بواسطهٔ تصدی شغل قضا آلایش مادی پیدا کرده حدود شرع را مهمل میگذاشتند رؤسای صوفیه به‌ترك‌دنیا و اعراض ازامراء و عزلت و انقطاع ظواهر حال خودرا میآراستند

بواسطهٔ‌مخالفتی که میان صوفیه و حکما بود سلطان‌العلماء علناً در محضر وبرسرمنبر بآنان بد میگفته وپیروان فلسفهٔ‌یونانرا گمراه و مبتدع میخوانده خصوصاً بامام فخرالدین محمدبن عمر رازی از بزرگان حکماو متکلمین‌عصر که‌در آن اوقات درخوارزم اقامت داشته استاد و مصاحب‌سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بوده است تعریض میکرده

بروایت افلاکی سلطان العلماء درنتیجهٔ دسته‌بندی علماءمعقول ومنقول ومکدرساختن صفای آئینه خاطر خوارزمشاه نسبت بوی‌از سلطان‌ومردم بلخ رنجیده تصمیم بمهاجرت داد (از جملهٔ ساعیان‌نام امام‌فخروقاضی‌زین‌فزاری ورشیدقبائی‌ذکرشده‌است)سلطان‌العلماء در نیشابورشیخ عطارراملاقات نمود که‌اسرار نامه‌را بمولانا که‌در آنوقت پنجساله بود بخشیدواز آنجا بعزم‌حج بیت‌الله‌الحرام رهسپار بغداد شدوبروایت‌نورالدین‌عبدالرحمن‌جامی درنفحات‌الانس‌روزیکه باخانواده‌ومریدان بدارالسلام درآمد جمعی‌پرسیدند که : اینان‌چه طائفه‌اند ، ازکجا میآیندوبکجامیروند؟ گفت : من‌الله والی‌الله‌ولا قوة الاباالله . این سخن‌را بسمع‌عارف مشهورشیخ‌شهاب‌الدین‌عمربن محمد سهروردی‌رسانیدندفرمود:ماهذاالابهاءالدین البلخی؟وموکب سلطان‌العلماء را استقبال کرد

باحسن‌پذیرائی شیخ واقبال‌خواص اهل‌عرفان سلطان‌العلماء سه‌روز بیشتر دربغدادنمانده‌روزچهارم ازمرکزخلافت‌اسلامی روانهٔ حجازشد وپس ازگزاردن مناسك حج وتشرف بمدینهٔ طیبه بعزم بیت‌المقدس وزیارت‌مزارسایرانبیاءعظام‌ازحجازرهسپارشام گردید، اهل‌شام‌خواستند اورا نگاهدارند نپذیرفت وبطرف‌ارزنجان‌رفت و چهارسال‌در آن‌خطه‌رحل‌اقامت‌افکندوازفخرالدین‌بهرامشاه‌حکمران ارزنجان‌وپسرش‌علاءالدین‌داودشاه‌اقبالهادیدمولانادرهیجده‌سالگی درشهرلارنده بفرمان‌پدر گوهرخاتون دختر خواجه‌لالای‌سمرقندی را بهمسری اختیار کرد وبهاءالدین محمدمعروف بسلطان‌ولد و علاءالدین‌محمد ازین اقتران بوجودآمدند بروایت افلاکی‌سلطان العلماء،پس‌ازچهارسال اقامت‌درملاطیه وهفت‌سال‌درلارنده‌بخواهش علاءالدین کیقباد دوازدهمین پادشاه سلجوقی روم بشهر قونیه که دارالملك‌بودرفت. شاه‌وامیران‌بزیارتش آمدند و ازسرصدق دست ارادت دردامانش‌زده درمراعات‌جانب‌او لوازم‌اهتمام بعمل‌میآوردند وپای‌وعظش‌می‌نشستند واهل‌روم ازجان‌ودل بوی گرویدند .

ازانتقال‌سلطان‌العلماء به‌قونیه‌بیش‌ازدوسال نگذشته‌بود که‌تن بربستر ناتوانی‌نهاده درسنهٔ ششصدوبیست‌وهشت زندگانی‌رابدرود گفت.مردم‌شهردرعزای‌اورستخیزعظیم‌برپا کردند.سلطان‌علاءالدین یکهفته درمسجدجامع‌خوان‌نهاد ومالهابفقرابخش کرد.چون‌پدرسر درحجاب‌خاك کشیدمولانا که‌در آنهنگام‌بیست‌وچهارساله‌بودبخواهش پادشاه وامراء والحاح‌مریدان‌برجای‌وی برمسندوعظ وافادت‌نشست ویکسال‌تمام‌دورازطریقت،مفتی‌شریعت‌بود که‌سیدبرهان‌الدین‌محقق ترمدی ازشاگردان سابق‌سلطان‌العلماءوخواص‌اولیاء صوفیه‌بقونیه رسیدو درآنشهربساط‌ارشاد ودستگیری‌خلایق بگسترد ومولانارا در علوم ظاهری بیازمود و گفت : پدربزرگوارت راهم علم قال بکمال‌بود وهم‌علم‌حال چون درعلوم شریعت وفتوی‌جانشین‌اوشدی میخواهم که درعلم‌حال‌هم سلوکها کنی تاخلف‌صدق‌پدرباشی‌اگر مریدشوی مرادیابی وآنچه ازاو بمن رسیده دیدنیست نه آموختنی مولانا برغبت تمام براوبگروید وبروایت‌سپهسالار مدت نه‌سال‌سرو کارش باسیدبرهان‌الدین بودوبراهنمائی آنعارف کامل طریق‌سیر وسلوك‌میپیمود .بروایت افلاکی مولانا دوسال‌پس‌ازمرگ‌سلطان العلماء باشارت سید باچندنفرازمریدان پدربجانب‌شام عزیمت کرد تامرتبهٔ کمال خودرا درعلوم ظاهر باکملیت رساند . ابتدا درشهر حلب بمدرسهٔ حلاویه‌نزول فرمود و از حوزهٔ درس‌مدرس‌دانشمند آن‌مدرسه‌کمال‌الدین‌ابوالقاسم‌عمربن‌احمدمعروف‌بابن‌العدیم‌استفادها برد وپس‌از آنکه سه‌سال درحلب به‌تحصیل علوم‌اسلامی پرداخت رهسپاردمشق‌شد.علماومعارف‌شهرمقدمش‌را گرامی‌داشته‌درمدرسهٔ قدسیه فرودش‌آوردند وخدمات‌شایان بتقدیم‌رسانیدند .

مولانا چهارسال در کرسی‌شام که در آنهنگام مرکزبزرگان و مجمع‌علم‌وعرفان‌بودبه‌زهدوریاضت‌تمام‌درتکمیل‌معارف‌دینی‌کوشیدو هدایه‌را که‌کتاب‌جامعیست درفقه حنفی دارای شروح وتعلیقات و حواشی بسیارتألیف شیخ‌الاسلام برهان‌الدین‌علی‌بن‌ابی‌بکرمرغینانی نزداساتیدفن بدقت‌دیدوهم درین شهربفیض صحبت عارف مشهور محی‌الدین العربی وبزرگان‌دیگرنائل گردید

مولانا پس‌از هفت‌سال مسافرت بقونیه‌بازگشت و بدستور سیدبرهان‌الدین بریاضت‌پرداخته‌سه‌چلهٔ‌متوالی‌برآوردتانقدوجودش بی‌غش‌وتمام‌عیار بلکه سراپا نور گردید . چون‌جان‌پاك‌سیددرسنهٔ ۶۳۸ ازخاکدان‌تن بقرب قدس‌انتقال یافت مولانا در دارالملك قونیه برمسند ارشاد وتدریس متمکن گردیده به‌تربیت مستعدان همت گماشت‌مریدان‌بسیار بروی گردآمدند وپروانه‌وارپیرامن‌شمع وجودش‌میگردیده‌حضرتش‌را پیشوای‌دین‌ومفتی‌شریعت وراهنمای طریقت میشناختند

مولانا نزدیك‌پنج‌سال بسنت جدوپدرهم درمدرسه‌بتدریس فقه ودیگرعلوم‌اسلامی‌میپرداخت وهم‌برسم‌زهدپیشگان‌آنزمان‌مجلس وعظوتذکیرمنعقدساخته ومردم‌را تبشیر وتنذیرمیکرد. همه‌روزه طالبان علم که بگفتهٔ دولتشاه‌سمرقندی عده‌شان بچهارصد میرسید متناوباً درمدرس‌ومحضرش برای‌استفاده‌حاضر میشدندوصیتش در اطراف جهان‌منتشر گردید .

مولاناسرگرم تدریس وقیل‌وقال مدرسه‌بود فتوای شرعی

مینوشت وازیجوزولایجوز سخن‌میراند وخاق بعلوم‌ظاهر وزهدو ریاضت اوفریفته شده‌بخدمت‌ودعای وی‌تبرك‌میجستند که ناگهان آفتاب عشق‌وشمس‌حقیقت پرتوی‌بر آن‌جان‌پاک افکند. آن‌طوفان عظیم که‌این‌اقیانوس آرام‌را‌متلاطم‌ساخت شمس‌الدین‌محمدتبریزی ژولیده پیری‌از پیران‌صوفیه بود که نفسی گرم و جاذبه‌ای قوی و بیانی مؤثر داشت

بروایت افلاکی شمس‌الدین محمدبن‌علی‌بن‌ملك‌دادتبریزی (که گویندپدرش اصلا ازباوردخراسان‌بوده وبتجارت به آذربایگان رفته) ابتدادست ارادت بدامان‌شیخ ابوبکرزنبیل‌باف که‌در کشف القلب‌یگانهٔ‌زمان‌خودبود زده چون‌درسیروسلوك درجهٔ کمال یافت درطلب‌کاملتری سفری‌شد وسالها گردبلادوامصاربر آمده ازشهری بشهری راه‌میپیمودوبااهل راز وریاضت‌انس والفت مینمود پیوسته نمدسیاه میپوشیدوهمه‌جادرکاروانسرای منزل‌میکردوبخدمت‌چندین ابدال واوتاد و اقطاب رسیده اکابرصورت ومعنی‌رادریافته‌بود

شمس‌تبریز بامداد روزدوشنبهٔ ۲۶ جمادی‌الاخره سال۶۴۲ بقونیه‌رسیده درخان‌شکر ریزان نزول کرد . ودریك مجلس چنان مولانارا مجذوب وفریفتهٔ‌خودساخت که منبر ومحراب وحوزهٔ‌درس ومسند ارشادرا رهاکرده حلقهٔ‌بندگی‌اورا بگوش کشید !

آفتاب‌دیدارشمس چنان‌برروان‌مولانابتافت‌وآتش درخرمن هستی اوزد که‌هرچه جزمعشوق‌باقی‌بسوخت

چگونگی‌دیدارپیرتبریزی را بامولاناباختلاف‌ذکر کرده‌اند محی‌الدین عبدالقادر مصری مؤلف الکواکب المضیئه فی‌طبقات الحنفیه درسبب‌تجرد وانقطاع مولانا مینویسد که: روزی درحجره نشسته‌بودو کتابی چند پیرامون خودنهاده وطالب علمان بروی‌گرد آمده‌بودند شمس‌الدین‌قلندروار درآمد وسلام‌گفت ودرصف نعال بنشست واشارت‌بکتب کرده پرسید : این‌چیست ؟ مولانافرمود تو این‌ندانی‌هنوزاین‌سخن بانجام‌نرسانیده‌بودکه آتش‌در کتابهاو کتابخانه افتاد ! مولاناپرسید این‌چه‌باشد؟شمس گفت‌تونیزاین‌ندانی!برخاست وبرفت‌مولانامجردواربر آمدوترك‌مدرسه و یاران‌وفرزندان گفت.

مطابق روایت سلطان ولدپسرمولانادر ولدنامه:عشق مولانا بشمس‌الدین مانند جستجوی موسی‌است ازخضر که بامقام شامخ رسالت ورتبهٔ کلیم اللهی‌بازهم مردان خداراطلب میکرده .

مولانا که‌تا آنروز خلقش‌بی‌نیازمیشمردند نیازمندواربدامن شمس که از مستوران قباب‌عزت‌بود درآویخته یکجا اسیرعشق و جذبهٔ‌وی گردید ومطلوب‌را بخانه‌برده‌بااوبخلوت‌نشست ودربرآشنا وبیگانه ببست و آتش استغنا در محراب‌ومنبرزده ترك‌مسندفتوی‌و تدریس و کرسی‌وعظ وتذکیربگفت وباهمهٔ‌استادی درخدمت معلم عشق‌زانو زده نوآموز گشت

بروایت افلاکی‌این‌خلوت‌بچهل‌روزیاسه‌ماه کشید

شمس‌الدین‌بمولانا چه‌آموخت وچه‌فسون‌ساخت که‌او ازهمه‌چیز وهمه کس گذشته خودرا نیز درقمار محبت‌باخت برمامجهول‌است . ولی کتب مناقب وآثاربرین متفقند که‌مولانا پس‌ازین خلوت روش خودرا بدل‌ساخت ، وبجای‌قیل‌وقال‌مدرسه واهل بحث وجدل گوش به نغمهٔ‌جانسوز نی وترانهٔ دلنوازرباب نهاد، بااینکه قبلاشب‌تابصبح درنمازبود وهرسه‌روزیکبار روزه‌میگشاد ـ وچیزیکه‌مولانارا از همهٔ رسیدگان‌جهان ممتازمیسازد همین تحول‌روحانی است که در پیوستن‌به پیر تبریزی برای‌اوپیش آمد

برشاگردان ویاران‌مولانا که‌باچشمهای‌غرض‌آمیز بشمس‌الدین مینگریستند تمکین‌او که شیخ‌وشیخ‌زاده ومفتی‌ومدرس ومذکربود نسبت بمردیکه بنظرشان لاابالی وبیرون ازاطوار معرفت میآمد سخت گران‌وناگوارمینمود.مریدان نیز شکایت وتشنیع آغاز کردند فقها وزهادحتی عوام قونیه‌هم ازتغییر روش مولانا خشمگین شدند

بالاخره‌شمس پس‌از شانزده‌ماه ازگفتارورفتار ایشان که اورا ساحر وجادو میخواندند رنجیده بیخبرسرخویش گرفت و برفت .

مولانا درطلب اوبقدم جد ایستاد وپس‌از جستجوی بسیار خبریافت که گمشدهٔ‌او دردمشق شام‌است . نامه وپیام متواتر کرد وپیك‌درپیك‌پیوست ، غزلهای سوزناك سروده بخدمت شمس‌الدین فرستاد آن‌نامه های‌منظوم که‌قدیمترین اشعار تاریخی مولاناست‌در دل شمس اثربخشیده متمایل گردید که‌باردیگرعنان مهر بسوی‌آن عاشق دلسوخته بتابد . مریدان ویاران مولاناهم که‌در نتیجهٔ‌غیبت شمس‌الدین و پژمردگی ودلتنگی مولانا ازفیض دیدار وحلاوت گفتار وذوق تربیت‌اوبی‌بهره مانده موردبی‌عنایتی شیخ‌خود واقع گردیده‌بودند از کرده‌پشیمان گشته دست انابت دردامن غفران وی زدند . مولاناعذرشان‌پذیرفته‌فرزندخودسلطان‌ولدرابدمشق‌فرستاد

سلطان‌ولد نقودچندی نثارقدم‌شمس کردوبندگیها نموده پیغامهای پدررا برسانید دریای مهرشمس جوشیدن گرفت و گوهر های حقایق‌برسلطان ولدافشانده رهسپار قونیه گردید وسلطان‌ولد بیش‌ازیکماه ازسرصدق ونیاز پیاده درركابش راه میپیمود

مولاناازرسیدن شمس‌خاطرش چون گل ازنسیم‌صباشکفت مریدان‌ویاران‌پوزشها کردند وهریك‌باندازهٔ‌وسع‌خویش‌خوان‌نهاده وسماع دادند ـ مولاناچندی باپیر تبریزی تنگاتنگ‌صحبت داشته درخلوت بروی غیر ببستند ،گاهی‌هم بااوبصحرا رفته وخوش‌شور وغوغائی داشتند ولی‌رفته‌رفته بازمریدان ویاران مولانا وخواص وعوام‌قونیه درخشم آمده بدگوئی وشناعت‌آغاز کردند مولانارا دیوانه وشمس‌الدین را جادو خواندند

ظاهراً علت تشنیع فقها وزهاد و هیجان عوام آن بود که مولانا پس از اتصال به‌شمس ترك وعظ و تدریس گفته بسماع و رقص نشست وجامه ودستار فقیهانه‌را به فرجی هندباری و کلاه‌پشم عسلی بدل کرد وفرمود رباب‌را که ازقدیم‌العهد عرب چهارسوبود شش‌خانه ساختند وشب و روز بوجدوسماع‌پرداختند

مولانا مریدان قدیم‌خالص داشت که‌بعضی ازبلخ‌دررکاب‌پدرش بقونیه آمده‌بودند وعدهٔ‌هم دربلاد آسیای‌صغیربدین خاندان پیوسته بودند و اورا عالم ربانی وپیشوای بحق وشیخ‌راستین وقطب‌زمان میدانستند پس‌از آمدن‌شمس‌الدین وانقلاب حال‌مولانا دستشان‌از دامان شیخ‌خود کوتاه ماندتشنیع فقها وزهادهم مقوی این کدورت گشته آنانرابدشمنی‌شمس وامیداشت،احتمال قوی میرود که‌دسته‌ای ازخویشان وبستگان مولانا نیز که‌ازشکست کارخود نگران بودند با این گروه در آزار شمس‌الدین‌همدست‌شدند

بروایت سلطان‌ولد چون مریدان و یاران وبستگان مولانا بکین شمس کمربستند پیر تبریز دل‌ازقونیه برکند و مصمم‌شد که چنان رود که دیگر خبرش‌هم بدورو نزدیك نرسد . این سخن‌را با سلطان ولد در بین نهاد و ناگهان از میان همه گم‌شد و انجام کارش معلوم نشد !

چون‌شمس‌حقیقت‌درزیر ابراسرار ناپدید شد اخبار واراجیف که‌شایدبعضی‌از آنراهم دشمنان‌برای رنجش‌خاطرمولانا میساختند ازهم نمیگسست ، خبرمرگ وقتل وحیات شمس‌الدین همه‌روزه بگوش میرسید ، مولانادرجوش و خروش ومیان امید ونومیدی سرگردان بود و بروایت دولتشاه در آرزوی شمس میسوخت و قوالان رامیفرمود تاسرودعاشقانه‌میگفتندوشب وروزبسماع اشتغال داشتند وبیشتر غزلیاتش درفراق‌شمس‌الدین‌است .

چون ازمجموع اخبار مستفادشد که مشرق‌آفتاب عشق دمشق شام‌است وتشنیع فقیهان وجنبش‌عوام قونیه‌هم خاطر مولانارا سخت افسرده بود درطلب یار گمشده رهسپار شام گردید وخلقی بسیار درپی اوروان گشتند.مولانا دردمشق‌همچنان مجلس سماع ورقص ساز کردوپیوسته بافغان وزاری شمس‌تبریزی‌راازهرکوی وبرزن میجست‌ونمی‌یافت وازشدت اشتیاق ناله‌های پرسوز ازدل‌برمیآورد و اشعار غم‌انگیز میسرود . دمشقیانی که اهل دیدبودند بمولانا گرویده مال‌وخواسته در قدمش‌نثار میکردند وبرخی دیگر که‌از

سر کار آگهی نداشتند از حالاتش در شگفتی میماندند و میگفتند آن کیست که این بزرگ مردرا چنین فریفته و دلباختهٔ خود ساخته است.

چون کوشش مولانا در طلب شمس الدین بجائی نرسید ناچار باجمع مریدان بقونیه باز آمد و سماع بنیاد کرد و پس از سالی چند باز عشق شمس سر از گریبان جانش در آورده بار دیگر روی بدمشق نهاده ماهها درشام بجستجو گذرانید لکن این بار نومیدی تمام بحصول پیوست. ولی بقول سلطان ولد اگرچه مولانا شمس را بصورت در دمشق نیافت ولی بمعنی درخود یافت - پس از آنکه مولانا از وصول بشمس الدین نومید شد بقونیه باز گشته بتربیت و اصلاح خلق پرداخت و بجدی تمام به تکمیل ناقصان و ارشاد سالکان مشغول شد

مولانا که در علم و عرفان بمقام بلندی رسیده بود نظر باستغراقی که خود در کمال مطلق و جلوات جمال ربوبیت داشت پیوسته یکی از یاران گزین را بدستگیری و ارشاد طالبان برمیگماشت. نخستین بار صلاح الدین فریدون زرکوب قونوی را منصب شیخی و پیشوائی داد . یاران و مریدان که در آتش عشق نگداخته و در بوتهٔ ریاضت و سلوك از غش هوی و وهم پاك برنیامده بودند بجز مولانا هیچکس را قبول نمیکردند و شیخ صلاح الدین را که بروایت افلاکی مردی بیسواد و در بازار قونیه بزرکوبی روزگار میگذرانید برای دستگیری و راهنمائی سزاوار نمیدیدند بار دیگر سراز فرمان مولانا پیچیده بدشمنی صلاح الدین برخاستند و سخنان گزنده درحقش گفته بر آن شدند که اورا ازمیان بردارند مولانا علی رغم منکران حسود دیده بر شیخ صلاح الدین گماشت و عنایت و لطف را نسبت باو بحدی رسانید که پیوستگان و فرزندان خودرا فرمان داد تا دست نیاز در دامن وی زنند و از فرط علاقه فاطمه خاتون دختر صلاح الدین را برای سلطان ولد عقد بست ولی پس از دو سال صحبت بی انقطاع ناگهان شیخ صلاح الدین رنجور شد و بیماریش سخت دراز کشیده درسنهٔ ۶۵۷ در گذشت

بعد از مرگ صلاح الدین توجه مولانا بحسام الدین حسن چلبی معروف به ابن اخی ترك معطوف شد و اورا منصب شیخی داد حسام الدین از نخبهٔ مریدان مولانا بود که در زهد و تقوی و معرفت دارای مقامی رفیع و در رعایت دقایق شریعت بی نهایت مراقب بود

دوستی مولانا نسبت به چلبی بجائی رسید که لحظه ای خاطرش بی او نمیشکفت و اورا برفرزندان خود ترجیح داده و آنچه از زخارف دنیوی برایش میرسید فوراً بحسام الدین میفرستاد و یاران و مریدانهم که در طول مدت مهذب و مؤدب شده بودند پیشوائی چلبی را با کمال میل پذیرفته در پیشگاه او سر تمکین نهادند

بهترین یادگار ایام صحبت مولانا با شیخ حسام الدین نظم مثنوی معنویست که یکی از شاهکارهای ادبی ایران و بزرگترین و عالیترین اثر متصوفهٔ اسلام می باشد

سبب افاضهٔ این فیض از وجود مولانا چلبی بوده که چون میدید یاران بیشتر بقرائت آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری و شیخ ابوالمجد مجدود سنائی غزنوی مشغولند شبی در خلوت از مولانا درخواست کرد کتابی بطرز منطق الطیر عطار یا الهی نامه سنائی (حدیقه) بنظم آرد مولانا فی الحال از سر دستار خود برگی که هجده بیت از آغاز دفتر نخستین مثنوی بر آن نوشته بود بیرون آورده بدست او داد

جذب و کشش حسام الدین بار دیگر دریای طبع مولانا را بجنبش در آورد و شور و شوق دیگر داد . شبها حسام الدین در محضرش می نشست مولانا ببدیههٔ خاطر شعر میسرود و رموز و اشارات عالم غیب را بشیوهٔ سخن گستری بیان میکرد و او مینوشت . چون دفتر نخستین مثنوی بانجام رسید همسر حسام الدین در گذشت و شیخ را پراکنده دل و غرق سکوت کرد طبع مواج مولانا هم که مشتری نمیدید از تلاطم افتاد دو سال تمام در نظم مثنوی تأخیر شد تا بار دیگر تفرق خاطر چلبی بجمعیت مبدل و خواهان انجام مثنوی شد

صحبت مولانا با شیخ حسام الدین پانزده سال امتداد یافت و یاران و مریدان از اثر صحبت آندو فوائد بیشمار میبردند و به ارادت تمام بخدمت آنان مسابقت میورزیدند مولانا از زحمت ناقصان تاحدی آسوده خاطر و در صحبت چلبی بود و یاران پروانه وار گرد شمع وجودش میگردیدند که ناگاه آن توانای عالم معنی به حمای محرق در بستر ناتوانی بیفتاد ، هرچه طبیبان بمداوا کوشیدند سودی نبخشیده مقارن غروب روز یکشنبه پنجم ماه جمادی الاخرهٔ سال ۶۷۲ در سن شصت و هشت سالگی روح پرفتوحش بریاض قدس اتصال یافت. بروایت افلاکی در شب آخر که مرض مولانا سخت شده بود خویشان و پیوستگان اضطراب عظیم داشتند و سلطان ولد هم هردم بیتابانه بسر پدر می آمد مولانا این غزل آتشین را نظم فرمود :

روسر بنه ببالین تنها مرا رها کن ترك من خراب شب گرد مبتلا کن

مسلمین قونیه از خورد و بزرگ در تشییع جنازهٔ مولانا حاضر شدند یهود و نصارای آنشهر نیز که صلح جوئی و نیکخواهی ویرا آزموده بودند بهمدردی اهل اسلام شیون و افغان میکردند . بروایت محمود مثنوی خوان در ثواقب مسلمین از یهود و نصاری پرسیدند که : شمارا با مولانا چه تعلق بوده است ؟ گفتند: اگر مسلمانان را بجای محمد بود ما را هم موسی و عیسی بود و اگر شمارا پیشوا و مقتدی بود ما را هم همان بود که قلب و فؤاد ماداند ؛ شیخ صدرالدین ابوالمعالی محمد بن اسحاق قونوی از بزرگان علماء تصوف و مشاهیر شاگردان شیخ محی الدین عربی بر مولانا نماز گزارد و از شدت بیخودی و درد پس از سلام شهقهٔ زده از هوش برفت جنازه را بحرمت تمام برگرفته در ارم باغچه نزد ضریح منور پدرش (سلطان العلماء) مدفون ساختند

بروایت افلاکی قاضی سراج الدین ابوالثنا محمد بن ابوبکر ارموی از اجلهٔ علماء عصر در برابر تربت مولانا این بیتها برخواند

کاش آنروز که در پای تو شد خار اجل دست گیتی بزدی تیغ هلاکم برسر
تا درین روز جهان بی تو ندیدی چشمم این منم بر سر خاك تو که خاکم برسر

مدت چهل روز یاران و مردم قونیه تعزیت مولانا میداشتند و با ناله و گریه برفوت آن سعادت آسمانی دریغ و حسرت میخوردند

علم الدین قیصر که بروایت افلاکی از اکابر قونیه بود باسرمایهٔ سی هزار درم همت بست که بنائی بر سر تربت مقدس مولانا بنیاد کند وزیر معین الدین سلیمان بن علی مشهور به پروانه اورا به هشتاد هزار درم نقد و پنجاه هزار درم دیگر حواله مساعدت فرمود و قبهٔ موسوم به خضراء بر مرقد مبارك تأسیس یافت علی الرسم چندقاری و مثنویخوان در سر تربت مولانا بودند. سلطان العلماء پدرش و پنجاه تن از اولاد و جانشینان مولانا آنجا مدفونند .

آثار مولانا

آنمقدار از آثار مولانا را که باقی مانده بدو قسمت منثور (فیه مافیه - مجالس سبعه - مکاتیب) و منظوم (غزلیات - رباعیات - مثنوی) میتوان تقسیم کرد

۱ - فیه مافیه - مجموعهٔ تقریرات مولانا است که در مجالس خود بیان فرموده و پسرش سلطان ولد یا دیگری از مریدان یادداشت کرده و بصورت کتاب در آمده - موضوع فصول و مجالس و نتیجهٔ آنها مسائل اخلاق و طریقت و نکات تصوف و عرفان و شرح و تبیان آیات قرآن و احادیث نبوی و کلمات مشایخست، بسال ۱۳۳۳ هجری قمری در تهران و بعد در هندوستان و شیراز چاپ شده است و ما برای نمونه پارهٔ از موضوعات مختلف آنرا در صفحهٔ ۳۳ آثار مولانا نقل کرده ایم

۲ - مجالس سبعه که عبارت از ۷ مجلس از مواعظ مولانا است که بر سر منبر بیان فرموده و نسخهٔ خطی آن در اسکدار در کتابخانه سلیم آقا محفوظ بوده و سه سال قبل با اجازهٔ آقای ولد چلبی افندی و بسعی آقای محمد فریدون نافذ در استانبول چاپ شده است و ما برای آنکه همه بتوانند بآن دسترسی داشته باشند عین آنرا جزء آثار مولانا نقل کرده ایم

۳ - مکاتیب مولانا - مجموعهٔ مراسلات او بمعاصرین است که اخیراً در استانبول بسعی آقای فریدون نافذ چاپ شده و ما ۷ مکتوب آنرا جزء آثار مولانا انتخاب کرده ایم

۴ - غزلیات - که بنام دیوان شمس معروفست و دوبار در هندوستان چاپ شده در حدود پنجاه هزار بیت میباشد که قسمتی از آثار دیگرانهم با اشعار مولانا مخلوط گردیده - اکثر غزلیات مولانا

باشور وبیقراری ازعشق وارادتیکه بشمس‌داشته ساخته‌شده و بنام شمس‌تبریزی تخلص کرده بقسمی که اگر کسی آگاه نباشد تصور میکند شمس‌شاعری‌بوده که اینهمه‌غزل را بنظم آورده(قریب صد غزل بنام صلاح‌الدین‌وحسام‌الدین وقریب‌دویست‌غزل هم نام خمش یاخاموش درمقطع آن‌ذکرشده) مابرای‌آنکه خوانندگان بسبك غزلیات مولانا آشناباشند ۲۳ غزل گلچین نموده‌درصفحات ۳٤ و ۳۵ چاپ کرده‌ایم.منتخب دیوان شمس که‌بوسیلهٔ‌رضاقلیخان هدایت انتخاب شده چندین‌مرتبه‌درتهران‌چاپ شده‌است

۵ـ رباعیات‌مولانا ـ درمطبعهٔ اختراستانبول‌بسال ۱۳۱۲هجری قمری‌چاپ‌شده متضمن ۱٦۵۹ رباعی‌است که قسمتی از آن بیشك متعلق بمولاناست وقسمتی‌مشکوك میباشد وبرای‌نمونه ۵٤رباعی درصفحه ۳٦ نقل شده‌است

٦ ـ مثنوی چنانکه سابقاً ذکر شد مثنوی را مولانا بخواهش حسام‌الدین چلبی‌شروع فرموده وازسال ٦۵۷ تا ٦٦۰ دفتر اول آنرا برشتهٔ نظم کشید وپس‌ازفترت دوساله‌به‌نظم‌دفتردوم‌پرداخت. تا انتهای دفتر ششم که از جهت مطلب بریده ومقطوع‌ماندو قصه شهزادگان‌بسرنیامده‌مولاناجان‌تسلیم فرمود وسوای ۱۸ بیت آغاز دفتراول که‌بخط مولانا نوشته‌شده بقیه‌را میفرموده‌و حسام‌الدین و سایرمریدان مینوشتند وبعد برای‌مولانا میخواندند اما دفترهفتم با یك‌مراجعهٔ اجمالی‌بابیات آن‌ازحیث‌طرزشعر و الفاظ غریب واعتقاد صاحب‌اسرار بامام‌فخررازی وغیره‌واضحست که‌ازمولانا نیست وما برای اینکه خوبی واستحکام اشعار مولانا واضح گردد بچاپ‌دفتر هفتم بدون‌شرح‌مبادرت ورزیده‌ایم تابدانند که هر که مثنوی‌ساخت مولانانمیشود.مثنوی قریب‌صد مرتبه‌درایران‌وهند واروپاو مصر و ترکیه‌چاپ‌شده‌وملاحسین کاشفی آنراملخص‌وبحسب‌مرام‌مرتب‌ساخته لب‌ولباب‌نامیده‌وچندین‌نفردیگرهم‌قسمتی‌از آنرابنام‌مثنوی‌الاطفال‌و خلاصة‌المثنوی ومنتخبات مثنوی وغیره گلچین نموده‌چاپ کرده‌اند

مثنوی حاضر

این‌بنده دردیماه‌سال۱۳۱٤درصددچاپ‌مثنوی‌برآمده‌وبرآنشدم که‌نسخهٔ‌چاپ‌مرحوم میرزامحمود خونساری‌راکه بتصحیح میرزای جلوه ودیگران رسیده بود عیناً باکشف‌الابیات بطبع‌رسانم اتفاقاً مثنوی خطی کهنه‌ای که بسال ۸٤۳ هجری نوشته شده بدست آمد که متأسفانه‌ازاول وآخرآن چندصفحه‌افتاده‌داشت‌وپس‌ازمقابله معلوم‌شدمثنوی‌محتاج اصلاح بسیاریست،دراین‌اثناآگاه‌شدم که‌نسخهٔ نفیسی‌ازمثنوی‌دراختیارحضرت‌استادی آقای‌سرتیپ‌عبدالرزاق‌مهندس بنایری‌است که بیك‌واسطه از روی‌خط بهاءالدین‌ولد پسر مولانا نوشته شده ونسخهٔ‌خطی‌دیگری ازاستاد معظم آقای ملك‌الشعراء بهار بعاریت گرفته شد که‌مولوی‌عبداللطیف‌با ٤۸ نسخهٔ‌مثنوی‌مقابله کرده وامتیازاتی داشت‌وهمچنین بدورهٔ مثنوی چاپ‌استاد نیکلسن ونسخ‌مرغوب چاپ هند و ایران مراجعه کرده در نتیجه مقابله‌کلیه نسخ فوق‌مثنوی‌حاضربدست‌آمد وبرای‌آنکه‌ابیات ملحقه بمثنوی که درنسخ قدیمه نیست (چون‌حتماً نمیتوان گفت که درمثنوی نبوده) امتیازی‌داشته باشد باعلامت ستاره(*)در جلو آن‌را نشانه کردیم تاخوانندگان محترم بدانند که‌آن‌ابیات دردونسخه کهنه خطی ومتن نسخه‌چاپ نیکلسن‌نیست وازدفترسوم که‌کلیه‌نسخ‌فوق مهیا بودبرای مزیدفایده‌نسخه بدلهائی‌هم درذیل ابیات افزودیم . اماذیل وشرح ابیات مشکله دفترنخستین رایکی‌ازمعاصرین‌نوشته وچون‌مطلوب واقع‌نشددفاتربعدراازروی‌هفت شرح‌مثنوی قدیم که‌حاجی‌سبزواری ومولوی‌عبداللطیف‌وغیرهم‌نوشته‌بودند گردآوردیم که‌همگانرابکارآید دفترهفتم‌را ازاین‌رو چاپ کردیم‌تاپارهٔ کوتاه‌فکران که‌تصورمیکنند مثنوی‌از حیث شعربرجسته‌نیست‌باشتباه‌خودبرخورده‌فرق مابین‌اشعار مولاناودیگرانرا که مثنوی‌هاساخته و هیچیك نتوانسته‌اندباوبرسند ملاحظه کرده باشتباه‌خود واقف گردند وبدانند که مثنوی علاوه‌بر توجه‌بمعنی‌وحقیقت از حیث ظاهر لفظهم آراسته و پیراسته است

پس‌ازخاتمه‌چاپ‌مثنوی درصدد تهیه کشف‌الابیات‌برآمده ودراینراه چهارسال رنج‌بردم ودرنتیجه کشف‌الابیات‌حاضربدست‌آمد که‌بانسخ سابق فرق واضحی‌ازحیث ترتیب منظم وسهولت‌مراجعه ومخلوط نبودن ب و پ و ج و چ و ک و گ و غیره دارد . اما کتاب لطائف‌اللغات‌فرهنگ‌جامعی ازلغات‌مثنوی بقلم‌مولوی‌عبداللطیف میباشد که‌درنتیجه صرف‌عمری درراه مداقه درمثنوی و تدریس آن ومقابله صدهانسخه‌بایکدیگر گردآورده،سابقاً نسخهٔ‌مغلوط‌وناقصی ازآن‌درهند بچاپ‌رسیده بود که‌بامراجعه بنسخ خطی‌نفیس‌تصحیح‌و درآخر کتاب‌ضمیمه گشت.وپس‌ازچاپ‌متن کتاب‌و کشف‌الابیات‌ولغت درصدد تهیه مقدمه برآمده‌برای‌آنکه‌مثنوی کاملا جامع‌باشد علاوه بر فهرست مطالب که بابتدای کتاب افزوده شد تمام مجالس سبعه وقسمتهائی ازسایرآثار مولانا ضمیمه‌شد وعلاوه برمآخذی که‌در ابتدای‌شرح‌حال‌ذکرشده رسالهٔ‌شرح حال بقلم سپهسالار وسه‌دفتر کتاب‌ولدنامه(که‌از آقای‌الفت خریداری‌شده)ومناقب‌العارفین‌هم‌در دسترس‌استفاده قرار گرفت.چهارقطعه‌عکس‌ازمولاناوآرامگاه او از کتاب آقای‌فروزانفر برداشته‌شده‌سه‌قطعه‌درابتدای‌مقدمه وقطعه چهارم دراینجا چاپ میشود

درگاه تربت مولانا

از آقای سیدیعقوب انوار که بامراجعه‌دقیق بمثنوی حاضر بنده راباشتباهات آن‌واقف ساختندوبرای‌تهیه‌غلطنامه‌استفاده‌بسیار کردم وازآقای علی‌قویم که کمکهای‌ذیقیمتی‌نموده‌اند تشکر کرده خداراسپاسگزارم که مقابله و چاپ مثنوی باهمه اشکالاتی که پیدا کرد وموانعی که برای آن پیش‌آمدپس‌از پنج‌سال‌پایان یافت.

دراینجا بامادهٔ‌تاریخی که‌شاعرشیرین گفتارمعاصر آقای‌پژمان‌برای چاپ‌مثنوی‌ساخته‌اندمطلب‌خودراخاتمه‌میدهم۲۰ر۱۲ر۱۹ محمدرمضانی

مثنوی آنشمع یزدانی فروغ — کش‌بود خورشیدحکمت‌زیرظل
کردچون‌ازمطلع‌خاورطلوع — پرتو مهرش فرود آمد به‌دل
خواست‌پژمان‌مطلعی‌خورشیدفر — تاطلوعش را بدان بخشدسجل
لیك چشم طبع و پای دانشش — این‌بتاریکی فروشد آن به گل
یاری‌ازشیخ‌بهائی‌جست‌وخواست — مصرعی خاطر فروزوغم‌گسل
آن‌بزرگ‌آوردسردرجمع‌وگفت — مثنوی باشد چوقرآنی مدل

۱۳۵۸

صفحه	سطر	اول بیت
		آ
۱۴۳	۳	آب آتش خو
۷۲	۱۱	« آتش‌راکشد
۱۹۳	۱۳	« آتش راکشد
۴۳۸	۳۷	« آن بحرین
۵۶	۲۶	« آورده‌بتحفه
۱۴۴	۳۴	« ازبالابستی
۱۸۸	۴	« ازجوشش
۲۴۳	۲۶	« ازسر تیرد
۲۹۴	۲۷	« از هر سو
۲۳۳	۲۵	« استاده
۴۴۵	۱۱	« اگر اینست
۲۷۷	۳	« اگردرروغن
۲۰	۲۲	« اندر حوض
۳۲۱	۲۲	« اندرناودان
۳۹۱	۳۷	« این دریا
۳۲۱	۲۳	« باران باغ
۵۵	۶	« بارانست
۲۹۶	۳۵	« باغ‌اینرا
۲۸۱	۲۸	« بر روزد
۲۶۱	۴	« بر فرعون
۷۲	۲۷	« بگذارید و
۲۸۲	۷	« بهر آن
۲۵۲	۱۶	« بیحد
۴۰۵	۱۷	« بیرون
۲۸۷	۱۶	« پنهانست
۳۲۹	۱۳	« تتماجست
۲۵۸	۱۴	« تتماجش دهد
۲۵۸	۱۵	« تتماجش‌نگیر
۳۷۷	۱۶	« تتماجی
۴۲۵	۴۳	« جان را
۶۴	۱۵	« جو سرگین
۱۳۲	۳۸	« جونسبت
۳۵۳	۴	« جیحون
۷۲	۱۷	« چشمه
۲۲۸	۹	« چون‌آمیخت
۱۲۹	۲۷	« چون انبه
۲۸۲	۷	« چون بیکار
۳۰۲	۲۲	« حاضر باید
۲۰	۴	« حلم
۴۶	۲۱	« حیوان بود
۵۲	۲۹	« حیوان‌خوان
۱۴	۹	« حیوان را
۳۵۰	۶	« حیوان قبله
۲۰۶	۲۹	« خضر از
۴۰۰	۴	« خضر است
۱۸	۲۲	« خمّ و
۴۰	۱۴	« خواه
۲۳۳	۳	« خود شیرین
۲۶	۳۰	« خوش را
۲۸	۱۴	« خوش کو
۳۰۶	۳۸	« دادی
۳۷۰	۲۲	« دارد
۸۷	۴	« در جوزان
۴۲۲	۳۴	آب در جوی
۵۲	۳۵	« در غوره
۲۲	۳۱	« در کشتی
۴۴۷	۲۰	« در مشك
۲۷۹	۱۰	« دریا را اگر
۳۸۴	۲۵	« دریاراحکم
۵۷	۲۴	« دریا مرده
۳۰۱	۱۵	« دیدهٔ او
۳۰۶	۱۱	« دیده پیش
۳۰۰	۱۵	« دیده‌تا
۲۲۳	۱۸	« ذکر حق
۱۵۷	۲۱	آبرا آبیست
۱۵۴	۲۶	« آرند
۴۲۵	۳۸	« اندر
۸	۲۹	« ببرید
۳۲۱	۳	« بستود
۱۰۴	۱۲	« در چشمه
۱۰۴	۱۱	« در غوره ها
۱۶۶	۳۰	« هر دم
۹۰	۱۰	« و خاك
۱۰۸	۴۰	آب رحمت
۲۸۰	۱۱	« روح
۳۲۹	۱۲	آب روها را
۹۷	۳۵	آب زور
۴۲۸	۳۰	« سر بر
۴۱۶	۴	« شوری
۱۵۰	۱۲	« شیرین تا
۳۲۲	۱۱	« شیرین‌چون
۵۷	۱۱	« شیرین و
۳۲	۳۳	« صافی
۱۹۳	۱	« صبرت
۲۴	۱۹	« عذب
۳۵۰	۷	« عشق تو
۴۹	۳۰	« غالب
۲۶	۲۳	« کاهی را
۸۷	۲۰	آبکش داد و
۱۰	۳۹	آب کم جو
۱۸۹	۵	« کم جو
۲۰۰	۵	« کوزه
۲۱۳	۳۵	« گردد
۳۳۷	۱	« گشتی بی
۱۰۰	۸	« گفت
۱۷۳	۱۳	« گل
۳۰۰	۳۳	آبگینه هم
۱۷۳	۱۱	آب ما محبوس
۳۹۹	۱۰	« مبدل
۲۰۴	۱۰	« میخوردی
۲۳۳	۲۲	« میخورزعفران
۹۷	۲۰	« میزدبانگ
۲۲	۳۳	« نتواند
۹۸	۱۸	« نور او
۹۵	۳۷	« نیل از
۲۷۱	۶	« نیل‌است‌این
۲۱۶	۱۷	« نیلست و
۲۶۱	۲۸	آب و آتش
۲۴۲	۲۲	« وحی
۲۲۴	۱	« و خاك‌از
۱۱۵	۲۱	« و خاك و
۲۰۱	۱۶	« و دانه
۲۹	۱۱	« و دریا جمله
۱۳۹	۳۷	« و روغن
۲۰	۱۲	« و گل‌چون
۳۶۹	۲۶	« و گل‌میدید
۲۳۰	۳۰	« و گل میگفت
۲۹۶	۳۴	آبها را
۲۹۶	۳۳	آب هش را
۳۸۷	۳۵	آبی و خاکی
۱۸۷	۱۲	آتش آنرا
۲۰	۱۰	«ابراهیم‌ادندا
۱۲۹	۳۳	«ابراهیم‌انبود
۳۸	۱۸	« ابراهیم‌رانی
۱۲	۲	« ارچه
۷۲	۲۵	« ازاستیزه
۴۱۲	۱۴	« از خرمن
۱۴۴	۳۰	« ازخورشید
۲۷۵	۳۶	« از قهر
۲	۵	« است این
۸۱	۵	« اندرزن‌بگر
۴۵	۱۹	« اندرزن‌بهر
۲۷۳	۹	« او را سبز
۱۹۳	۷	آتشت اینجا
۱۵۲	۲۸	« را
۱۴۳	۲۵	آتش ترك
۱۹۳	۷	« تو
۱۰۰	۱	« چه
۱۱۸	۲۵	« حرص
۱۱۸	۲۴	« خشم
۳۸	۳۰	آتشش پنهان.
۴۸	۲۲	« سوزد
۱۷۸	۳۷	« کردند
۱۱۸	۲۴	آتش شهوت که
۲۰	۱۱	« شهوت‌نسوز
۱۹	۳۴	« طبعت‌اگرشاد
۱۹	۳۳	« طبعت‌اگرغم
۱۰۷	۱۰	« ظلم
۲۲۸	۱۲	« عشق از
۲	۵	« عشق است
۳۴۴	۲۶	« عشقش
۳۵۶	۲۱	« ماهم
۹۹	۳۷	آتشم من بر
۹۹	۳۶	« من گر
۳۸۲	۳۷	آتش‌نمرودابراهیم
۲۵۴	۲۲	« نمرود را
۱۰۴	۲۲	« وآبی
۳۴۶	۹	« و باد
۱۳۹	۱۷	« و دود
۲۷۱	۲۹	« وسواس
۱۲۰	۱	آتشی از تو
۱۰۶	۱۷	آتشی از عشق
۷۲	۲۳	« افتاد
۳۲۲	۱۹	« اندر
۳۴۴	۲۴	« باید
۲۹۹	۳۲	« بودش
۲۰	۲۱	« بودند
۳۱۰	۱۰	« خوش
۲۷۲	۱۲	« درجان
۳۸۵	۳۱	« دیدی
۲۸۶	۹	« را شکل
۱۰۴	۴	« راگفت‌رو
۴۲۸	۳۵	« راگفت‌مامور
۱۱۷	۳۴	« زد
۹۲	۳	« کاصلاح
۲۴۵	۳۵	« کاول
۳۱۰	۱۰	« کنز
۲۸	۱۵	« کوباد
۴۲۹	۹	« که کردهٔ
۱۰۵	۳۵	« گرنامده
۳۸۵	۳۰	آتشین است
۱۱۸	۱۹	آتنافی دار
۲۱۱	۱۹	اثنیاکرها مقلد
۲۰۹	۱۸	«کرهامهار
۱۳	۲۸	آخر آدم
۳۰۳	۷	« ازاستاد
۸۴	۳۳	« ازبشه
۱۰۳	۲۲	« ازروزن
۱۲	۶	« الامر
۲۷۰	۵	« این‌اقرار
۹۷	۷	« این‌جان
۲۶۶	۲۴	آخرت قطار
۱۵۵	۴	آخرون‌السابقون
۳۴۷	۲۳	آخرین بنهاد در
۱۲۶	۴	آخرین قرنها
۱۴۱	۳۸	« کرّت
۵۴	۸	آدما آن
۲۲۱	۱۶	آدمًا تونیستی
۳۴۶	۱۵	آدم ازخاکست
۳۵	۲	ازفردوس
۳۹۸	۲۶	« اصطرلاب
۴۰۶	۳۸	آدما معنی
۱۲۹	۱۰	آدم انبئهم
۱۰۴	۵	« خاکی برد
۲۳	۱۴	« خاکی زحق
۲۵۴	۱۸	آدمست
۱۵۷	۲۲	آدم وحوا
۴۳۰	۲۹	« وعیسی از
۴۴۶	۲۲	« وعیسی پدر
۴۲۳	۱۶	آدمی اندر
۲۳۵	۱۱	« اول
۴۴۰	۱۵	« باریش
۴۳۹	۱۰	« باشدبصورت
۴۳۹	۹	« باشد بمعنی
۴۳۹	۱۱	« باشدکه
۳۲۲	۲۹	آدمی باش و
۴۳۶	۳۶	« بامرگ
۱۹۰	۱۸	« برخنگ
۳۵۴	۵	« برقدر
۳۵۴	۴	« بسرشته
۲۵۴	۲۰	« چون‌زاده
۱۴۱	۳۹	« چون‌کشتی
۹۹	۳۷	« چون نور
۲۰۸	۳۸	« حیوان
۸۳	۱۸	« خوارند
۴۲۳	۱۷	« خود
۱۱۴	۲۸	« داند
۸۹	۲۳	« در حبس
۳۶۴	۳۷	« دید ست
۳۰	۲۶	« دیده‌است و
۱۹۳	۲۳	« را اندك
۴۰	۱۴	« رااو
۳۲۳	۳۲	« راباهز
۳۲۳	۳۳	« رابا همه
۲۰۲	۳۱	« راخر
۲۳	۲۸	« را دشمن
۲۳	۲۶	« را زین
۲۴۲	۱۳	« را شیر
۱۹۰	۸	« راعجز
۸۸	۲۶	« را فربهی
۳۲۹	۲۹	« راکس
۲۱۷	۲۸	« را نیز
۲۷۶	۱۱	« راهست حس
۱۸۵	۵	« راهست در
۴۳۷	۲۲	« را هم
۳۵۶	۲۲	« فربه
۱۲۰	۳۴	« کوعلم
۴۰	۳۱	« کومی
۱۵۳	۸	« کوهیست
۱۸۵	۳۰	« که بو
۹۲	۱۴	« مخفیست
۸۳	۵	« مر مار
۱۶۱	۳	« منکر
۲۰۵	۳۹	« نزدیك
۲۰۶	۲	« همچون
۱۱۱	۱۰	آرد را پیدا
۳۸۶	۱۶	« سازد
۳۰۴	۱۴	« گشتی
۳۵۸	۲	آرزو بگذار
۳۵۷	۳۳	« جستن
۵	۱۵	« میخواه
۱۹۰	۹	« ی‌گل
۴۴۷	۱۶	آرمیدی
۲۵	۱۵	آری این
۲۳۴	۱۱	آزمایش
۱۱۴	۳۴	آزمودم عقل
۱۹۸	۳۸	آزمودم مرگ
۱۹۸	۱۱	آزمودم من
۱۴۲	۲۹	آزمودی تو

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷	۱۹	آستان و
۳۷۹	۱	آستین پیرهن
۴۲۸	۷	آسمان اول
۸۲	۵	« در
۱۸۳	۳۳	« را
۳۲۱	۲۲	« شو
۲۰۸	۱۵	« گوید
۲۰۸	۱۵	« مردو
۲۱۳	۲۰	« میگفت
۲۷۹	۱۱	« نسبت
۳۸۳	۳۰	آسمانها بنده
۲۴۵	۳۲	آسمانها و
۱۳۸	۳۰	آسمانی بس
۴۱۷	۳۴	آسیای
۳۵۶	۴۰	آشکارا
۱۷۹	۳۶	آشنائی عقل
۳۵۰	۱۱	« گیر
۲۶۹	۳۴	آشنا هیچست
۱۸۲	۹	آفتاب آفتاب
۴	۳۳	« آمد
۲۲۰	۴	« آهنگ
۴۰۲	۳۳	آفتا بابا
۷۹	۲۱	آفتابا ترك
۳۶۶	۲۳	آفتاب اربر
۲۲۵	۲۹	« ازامر
۴۳۴	۴۲	« ازاوج
۳۳۹	۱۸	« ازذره کی شد
۲۷۶	۲۷	« ازذره کی مد
۳۵۰	۱۹	« ازکوه
۴۴۵	۴۵	« اعظم
۲۱۶	۱۱	« اعواض
۳۲۲	۱۷	« اندرفلك
۴۴۱	۳	« اندرهوا
۲۲۵	۲۹	آفتاب گر
۳۸۳	۱۴	آفتاب حق بر
۶۸	۱۱	« حق چو
۶۰	۱	« روح
۱۰۳	۲۷	« شاه
۸۴	۶	آفتابش چون
۳۸۶	۲۶	آفتاب شرق
۴۲۸	۱۳	« عالم
۲۸۱	۱۱	« عقل
۱۵۳	۳۲	« گرم
۳۶۳	۲۶	« گنبد
۴۰۳	۴	« لطف
۴۴۷	۳۰	آفتابم را
۴۱۰	۱۱	آفتاب مشرق
۷۹	۲۲	« معرفت
۳۳۶	۲۶	« نیر
۳۶۶	۱۷	« وماه دو
۱۲۹	۱۵	« وماه واین
۱۰۴	۹	« ومه
۱۰۰	۲۴	آفتابی خویش
۱۸۰	۱۲	آفتابی درسخن

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۰	۷	آفتابی دریکی
۳۹۹	۱۶	آفتابی دید
۲۲۵	۳۴	« را
۳۶۸	۳۸	« رفت
۵	۱۵	« کز
۱۳۰	۱۶	« کوبتابد
۲۸	۱۱	« کوبرآید
۲۲۰	۴	« کودم
۱۹۵	۲۳	« که بگرداند
۴۰۲	۱۳	« که ضیا
۲۲۱	۱	« نام
۲۱۳	۲۶	آفت ادراك
۷۹	۵	« این
۳۹۶	۵	« مرغست
۱۹۷	۳۸	آفتی نبود
۱۱۹	۲۷	آفریدم
۲۹۵	۳۹	آفرین ای
۱۳۵	۲۶	« برعشق
۱۸۲	۱۹	« برعقل
۳۱۸	۵	آفرینها
۴۳۲	۲۷	آفریدو
۲۹۰	۳۵	آکل وماکول آمد
۲۷۳	۲۹	«وماکول آمدجا
۲۹۰	۳۳	« وماکول بود
۱۳۸	۱۸	« وماکول را
۲۹۰	۳۶	« وماکول کی
۲۹۱	۱۲	« وماکولی
۴۳۲	۹	آگهی از
۵۸	۱۴	آلت اشکار
۷۴	۳۲	آلت حقی
۷۴	۳۴	آلت خودرا
۸۴	۷	آلت زرگر
۳۹۴	۲۸	آلت شاهد
۳۴۳	۲۸	آلتش بشکست
۲۳۰	۱۷	آلت هر
۲۷۱	۲۲	آل موسی شو
۳۸۳	۱۰	آل موسی کو
۳۰	۳۱	آمد آنجا
۶۳	۱۲	آمد ازآفاق
۱۶۷	۱۳	آمد ازحضرت
۱۱۲	۱۴	آمد ازحق
۳۵۶	۳۴	آمد ازحمام
۲۳۲	۴	آمد ازغم
۱۱۳	۳۴	آمد ازوی
۳۰۶	۳۰	آمد اسرافیل
۱۷۰	۱۱	آمد الهام خدا
۱۶۴	۳۹	آمد الهامش
۱۴۹	۱۲	آمد اندر
۴۲۳	۱۴	آمد اوبا
۳۰۳	۳۳	آمدش آواز
۲۱۰	۵	آمدش پیغام از
۳۳۷	۱۰	آمدش مهمان
۴۰۱	۱۲	آمدم بر
۲۶۶	۳۹	آمدم تا

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۹	۳۴	آمده یك
۱۵۶	۲۸	آمدندآن
۷۱	۴	آمدند ازبهر
۴۰۶	۳۴	آمدند ازرغم
۳۹۲	۳۳	آمدن درآب
۳۲۰	۷	آمدندودست
۴۴۰	۴۹	آمدندودید
۴۵	۳	آمد و با صد
۴۴۲	۱۳	آمدو دریای
۱۶۲	۱۱	آمدو دررا
۴۱۶	۳۴	آمدودرسبط
۱۳۱	۱۲	آمدودید
۲۷۴	۱۱	آمده اول
۴۲۰	۱۵	آمده درخاطرش
۳۴۴	۲۲	آمده درقصد
۵۶	۲۳	آمده عباس
۵۶	۲۴	آمده عمر
۲۹۷	۱۵	آمدی اندر
۲۰۴	۲۰	آمدی در
۲۱۱	۲۷	آمدیم آنجا
۲۸۵	۲۰	آمدیم اکنون
۱۶	۲۶	آمدیم اندر
۴۳۸	۱۴	آمنوا
۲۲۱	۲۵	« ابوجهل ازیه
۹۱	۳۸	آن ابوجهل ازمح
۳۸	۳۲	« اثرمیماند
۳۸	۳۲	« اثرهم
۱۴۳	۱۱	« ادب کرد
۳۹۰	۲۹	« ادب که
۱۵۵	۱۶	« اساطیر
۲۶۶	۱۳	« اسیران
۳۹۱	۱۷	« اشرچون
۱۷۹	۱۳	« اصول دین
۱۵۵	۳۸	« اگر
۴۳۵	۱۶	« الغ
۳۸۵	۳۳	« الف
۱۲۸	۱۵	« امیراز بند
۳۶۹	۲۶	« امیرازحال
۴۱۶	۳۸	« امیرازمکر
۳۱۳	۲۷	« امیران بر
۳۱۴	۱۰	« امیران جمله
۱۳	۳۸	« امیران در
۱۶	۲۹	« امیران دگر
۲۶۰	۱۷	« امیران عرب
۱۶	۲۸	« امیر دیگر
۴۴۳	۲	« امینان
۳۴۸	۳۱	« انائی بر
۳۴۸	۳۵	« انائی سرد
۱۱۷	۴۰	انابیوقت
۳۱۳	۱۴	« انارا
۱۱۷	۴۰	« انامنصور
۳۱۰	۱۷	« ایازاز
۳۴۴	۳۳	« بت شیرین
۱۸	۲۱	« بت منحوت

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۹	۸	آن بخاری غصهٔ
۲۰۸	۲	« بخاری نیز
۴۱	۱۷	« بخاك
۲۲۰	۱۳	« بخور عود
۲۷۰	۳۵	« بدغاریتی
۱۱۸	۷	« بدی
۳۷۸	۲۴	« براهیم
۱۷۸	۳۳	« برهنه گت آ
۱۷۸	۳۲	« برهنه گت تر
۴۴۶	۲۳	« بزرگین را
۴۱۲	۷	« بزرگین گفت
۴۰۹	۲۸	« بزرگین
۱۴۲	۷	« بزکوهی
۱۵۰	۵	« بزکوهی برآن
۳۷۶	۴	« بزی رامانی
۲۱۱	۶	« بقاصد
۲۸۱	۲۱	« بکن که
۳۶۳	۱۵	« بگو ای
۳۳۰	۱۴	« بگوید
۳۱۴	۲۳	« بلا در
۱۴۰	۳۳	« بلال
۳۵۴	۱۴	« بلیس ازجان
۲۷۳	۳۴	« بلیس ازخمر
۹۱	۳۷	« بلیس ازننگ
۲۳۴	۱۵	« بنای انبیا
۳۴۵	۹	« بنسبت باطل
۷۵	۲۹	« بنسبت باکمال
۲۸۹	۲۷	« به آید
۱۲۴	۲۷	« بهاران لطف
۱۱۳	۴۲	« بهاران مضمر
۴۲	۱۷	« بهاری
۱۹۹	۱۴	« بیابان
۲۵۰	۱۶	« بیاض مو
۲۰۲	۳۶	« بیان اولیا
۴۱۲	۳۷	« پدر بهر
۲۶۸	۱۱	« پدر سگ
۲۵۴	۱۷	« پری
۲۶۷	۳	« پسرباخویش
۷	۸	« پسر راکش
۲۳۷	۱۹	« پشیمانی قضای
۱۳۰	۳۴	« پشیمانی وبارب
۱۹۷	۳۷	« پناهم
۱۲۲	۳	« تأسف
۴۱۳	۹	« تحرّی
۳۷۶	۹	« ترش روئی
۳۰۷	۱۸	« تعال او
۳۰۱	۴	« تعمق در
۱۶۱	۲۸	« تفاوت هست
۲۵۳	۱۹	« تقاضا کرد
۸۰	۱۹	« تقاضای
۲۵۱	۱۹	« تکبر
۱۹۳	۱۲	« تکلف
۲۸۸	۲۷	« تنی را
۱۹۶	۷	« تو افکندی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۷	۳۶	آن توئی زفت
۱۶۳	۱	« آن توئی که
۲۹	۴	« توئی وان
۱۶۸	۳۳	« تو با تو
۳۷۲	۳۲	« توکیل
۱۱۰	۲۵	« تو همهات
۴۴۲	۳۷	« ثمانین
۴۴۴	۷	« جعل
۲۰۱	۳۸	« جفا با تو
۷۲	۱	« جلود
۱۳	۹	« جماد از
۱۳	۱۰	« جمادی
۱۳	۲۴	آنجماعت را
۲۹۸	۲۹	« راکه
۳۹	۱	« کت
۲۹۵	۱۱	آنجمال و قدرت
۴۲۹	۳۲	آنجمع
۲۰۲	۱۵	آنجنودا
۱۳۲	۳۶	آنجوابات
۱۳	۹	آنجوادی
۳۵۲	۲۹	آنجهان جز
۳۳۹	۳۲	آنجهان چون
۴۱۸	۳۹	آنجهانرا
۳۵۲	۳۱	آنجهانست
۱۱۹	۳	آنجهان شهریست
۳۸۰	۲۸	آنجهان صورت
۳۰۰	۱۷	آنجهان گردیده
۴۳	۲۳	آنجهان و راهش
۳۲۸	۱۳	آنجهود از
۱۸	۱۶	آنجهود سگ
۳۸۷	۲۸	آنجهود و
۲۳۹	۲۲	آنچراغ او
۲۲۳	۱۲	آنچراغ این
۲۲۳	۱۲	آنچراغ شش
۲۹۰	۲۰	آنچنان ابری
۲۴۰	۳۳	آنچنان افکند
۳۳۴	۱۶	آنچنان برخاك
۱۵۶	۳۴	آنچنان بر خود
۲۵۷	۱۴	آنچنان بگشایدت
۴۱۳	۲۷	آنچنان پائی
۴۱۳	۲۸	آنچنان پا در
۲۶۵	۲۴	آنچنان پر شد
۷۷	۱	آنچنان پرگشته
۱۷۳	۳۵	آنچنان پنهان
۱۸۲	۱۴	آنچنان پیلان
۳۹۰	۳	آنچنان خندانش
۲۳۸	۱۶	آنچنان خوش
۳۰۵	۵	آنچنان دلها
۱۰۰	۱۷	آنچنان دیوانگی
۲۸۸	۲	آنچنان روئی
۳۳۰	۳۱	آنچنان روکه غلاما
۱۴۷	۱	آنچنان روکه همه
۲۶۰	۳۰	آنچنان زین آ
۳۶۷	۱۷	آنچنان زینت

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۰	۸	آنچنان شادندانذر
۲۱۰	۱۴	« شادند در
۴۰۲	۲۵	آنچنانش انس
۲۱۸	۳۱	« تنگ
۱۶۷	۳۳	« شرح
۲۷۷	۱۸	آنچنان فرخ
۱۱۷	۳۲	« کادم
۳۸۰	۲۷	« کاندرتن
۴۰۷	۳	« کاندر دل
۲۳۱	۳۲	« کاندرزمستان
۲۹۰	۲۱	« کاندر صباح
۳۱۶	۱۸	« کاندر نماز
۲۱۸	۳۲	« کان زن
۴۳۴	۱۹	« کان شاه
۲۰۴	۲۲	« کان طعمه
۶۶	۲۳	« کان کاتب
۱۵۶	۲۵	« کردو
۴۴۴	۲۷	« کرده
۳۶۸	۴۰	« کر شد
۲۲۳	۲۰	« کز آب
۴۴	۱۵	« کز بیم
۲۶۸	۳۸	« کز عطسه
۲۵۶	۱۳	« کز عکس
۱۷۸	۳۸	« کز فربهی
۱۷۲	۲۲	« کز فقر
۳۸۰	۱۵	« کز نور
۱۵۷	۲۹	« کز نیست
۳۴۳	۱۱	« کس رابباید
۱۲۹	۱۱	« کس راکه
۳۹۲	۳۲	« کن از
۴۲۹	۴۹	« کن چون
۱۴۰	۴۰	« کن که
۴۳۶	۴۱	« کوچك
۱۷۳	۱۷	« که آب
۴۰۰	۳۶	« کانبیا
۳۳۴	۲	« که برسرت
۱۵۲	۴	آنچنانکه یار
۶۵	۱۳	« پرتو
۳۰۹	۱۵	« جان
۲۰۱	۱۵	« چار
۱۸۵	۱۴	« حق
۳۹۶	۱۸	« خلق
۲۸۱	۲	« خون
۲۷۲	۱	« داد
۲۲۳	۱۶	« سوزد
۴۱۳	۷	« عارف
۱۶۳	۸	« عاشقی بر
۲۲۳	۱۷	« عور
۱۶۷	۳۲	« فاضل
۳۶۹	۲۲	« کاردانی
۲۶۵	۱۵	« گفت پیغمبر
۲۰۱	۱۰	« گفت جالینوس
۴۲۵	۹	« گفت مادر
۲۶۴	۲۶	« گوش

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵۳	۲۴	آنچنانکه لمعهٔ
۳۵۶	۱۳	« مادران
۳۳۴	۱۳	« مادر دل
۳۶۷	۳۵	« ماند
۵۱	۴	« مرتبهٔ
۴۱۳	۶	« میرود تا
۴۱۳	۶	« میرود شب
۱۷۲	۲۰	« ناگهان
۱۱۸	۲	« نیش
۴۱۴	۳	« وجه
۲۵۱	۳۹	« وقت
۴۲۹	۲۳	« هست
۴۰۲	۱۸	« یوسف از
۱۷۴	۳۶	« یوسف صدیق
۳۵۹	۶	آنچنان گرم او
۱۸۱	۹	« گوید
۴۰۵	۳۰	« لرزد
۱۴۸	۱۹	« مستی
۱۱۴	۲۷	« معمور
۴۲۱	۱۳	« مفتاحها
۳۶۷	۱۷	« مهتاب
۳۱۵	۲۱	« نامهٔ
۳۹۱	۲۴	« نامی
۱۵۰	۷	« نزدیك
۱۸۰	۴	« و اینچنین
۳۷۶	۲۷	آن چوکه
۹۵	۲۴	آنچه آبست
۸۳	۹	« آن خر
۳۶۷	۲۷	« آن دم
۴۱۰	۲۹	« آنرا میخورم
۴۱۰	۲۹	« آنرامی‌نوشم
۲۰۳	۳۰	« ابرو را
۱۲۵	۳۲	آنچهارم
۱۸	۱۴	آنچه از دریا
۳۴۶	۱۷	« اصل است
۴۰۸	۱	« اندر
۴۲۱	۹	« او اندر
۳۰۱	۱۵	« او بیند
۸۹	۳۷	« اوخواهدرسا
۳۲۹	۶	« اوخواهدمر
۳۹۸	۲۱	« او داد
۲۹۹	۳۰	« او نوشیده
۱۵۱	۱۷	« این فرعون
۴۳۸	۱	« با آن‌میری
۱۵۷	۲	« باشد مر
۱۷	۲	« با معنی‌است
۴۱۹	۱۴	« بر خود
۱۰۵	۲۱	« بر دارد
۲۵۱	۳۶	« بر دست
۹۰	۱۴	« بر صورت
۲۲۸	۴۹	« بر فرعون
۴۰۴	۳	« بعدالعسر
۳۳۴	۱۹	« بیند آن
۱۹۴	۲۲	« بیند در

صفحه	سطر	اول بیت
۱۷	۲	آنچه پر مغزاست
۴۰۹	۳۷	« پنجه سال
۹۹	۱۵	« پیدا
۴۱۹	۱۴	« تو بر خود
۸۱	۳۲	« تو درآینه
۲۸۳	۱۷	« تو کردی
۵۰	۲۶	« توگنجش
۸۶	۳۵	« چشمست
۳۴۷	۸	« چندین
۲۳	۱۴	« حق آموخت
۲۳	۱۳	« حق‌آموخت
۳۸۷	۱۴	« حق است
۲۷۰	۲۳	« خواهد بود
۹	۲۷	« خواهم
۳۹۲	۲۳	« خواهی
۳۱۴	۹	« خورد
۳۹	۱۶	« خوردی
۱۰۰	۱۵	« خوف
۲۶۳	۱۱	« دادی تو
۱۷۸	۲۰	« داغ او است
۳۹۹	۱۸	« در جو
۱۸۱	۱۶	« در خرگوش
۲۶۲	۲۰	« در ده سال
۳۸۲	۴۱	« در ره
۱۳۶	۲۱	« در صد
۱۵۲	۲۵	« در فرعون
۴۴۶	۱۵	« در فکر
۲۶	۲۹	« در کونست
۱۴۷	۳۸	« دی خوردم
۷۳	۳	« دیدی‌برتر
۷۳	۱	« دیدی بهتر
۷۳	۲	« دیدی که
۷۳	۲	« دیدی که
۳۹۹	۲۵	« روید
۲۰۳	۲۹	« زد برسرو
۱۷	۱	« شیرین
۱۹۴	۲۲	« صاحب دل
۳۹۷	۲۴	« طورش
۳۹۷	۲۴	« طورش
۴۱۱	۳۵	« عیسی
۲۶۳	۲۹	« عین لطف
۲۳۲	۸	« فضل تو
۲۸۳	۲۰	« قوت مرغ
۱۷۵	۱۵	« کاری
۲۷۴	۲۲	« کردی اندر
۲۹۵	۲۴	« کردی ای
۳۳۶	۱۷	« کردی با
۱۹۴	۲۱	« کوسه داند
۱۱۲	۳۷	« گفت آن
۸	۲۴	« گفت‌استفت
۳۷۳	۱۳	« گفتم از
۱۵۲	۲۶	« گفتم جملگی
۴۳۰	۱۰	« گفتم‌خواهمت
۴۳	۳۰	« گفتم‌ز آگهی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۷	۳۸	آنچه گفتندم
۳۲۹	۲۷	« گفتی
۲۰۳	۲۸	« گل‌راگفت
۹۴	۲۴	« گندم
۴۱۳	۱۳	« گوید آن
۱۱۳	۴۳	« گوید نفس
۳۸۲	۳۰	« لحیانی
۲۸۵	۱۳	« ماند
۹۰	۱۵	« محسوس
۹۰	۱۳	« معشوقست
۳۴۹	۱۱	« معلوم‌تو
۳۰۲	۱۲	« مقصوداست
۱۱۲	۳۱	« من‌خوردم
۳۲۴	۳	« من‌دیدم
۲۳۹	۲	« منصب
۱۶۷	۱۰	« میخوانی
۹۴	۱۸	« میدانست
۹۳	۲۹	« میدانم
۱۰۹	۲۹	« میدیدم
۴۳۰	۸	« میفرمایمت
۱۲۶	۲۲	« میگویددراین
۹۶	۳۵	« میگویدز
۱۷۰	۳۸	« میگویم
۱۹	۱۹	« میمالند
۲۸۵	۱۳	« میماند
۳۷۵	۳۸	« نپسندی
۲۰۳	۲۹	« نی‌راکرد
۲	۱۸	« نی میگوید
۱۸۶	۵	« یعقوب
۳۸۶	۷	آن حبیب
۲۳۵	۳۷	« حسن نامی
۱۰۳	۱۳	« حسودان
۳۸۵	۱۶	« حسی که
۱۲۸	۳۷	« حقیقت
۵	۲۷	« حکیم‌خارچین
۵۰	۳۲	« حکیمش
۳۹	۲۶	« حکیم‌غزنوی
۳۸۵	۲۲	« حکیمك
۶	۷	« حکیم مهربان
۳۸۵	۳	« حکیمی‌را
۱۱۱	۱۹	« حکیمی‌گفت
۳۱۸	۱۸	آنحوالی
۱۳۱	۴	آن خبیث
۱۶۷	۱۵	آن‌خبیری که
۱۸۶	۱۳	آنخدائی‌کز
۳۲۳	۴۰	آنخدائی که ترا
۹۳	۶	آنخدائی که‌فرستاد
۲۲۱	۳۴	آنخدارامیرسد
۲۶۱	۳۰	آنخدا گوینده
۲۰۶	۳۸	آنخدایرندان
۹۳	۷	آنخداوندی که‌از
۲۶۰	۱۴	آنخداوندی که تو
۲۶۰	۱۳	« که دادند
۲۶۰	۱۳	« که دزد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۰	۱۲	آن‌خداوندی که‌بو
۳۸۵	۱۰	آن خراسی
۱۰۷	۳۰	« خرعیسی
۴۳۱	۳۰	« خرك
۸۳	۷	« خرمسکین
۳۰۱	۳۵	« خرنر
۲۶۳	۱۳	« خریدش
۲۹۳	۳۵	« خری شد
۴۲	۲۷	« خزان
۳۱۲	۱۷	« خسان
۱۴۸	۲۲	« خضر
۳۶۸	۱۹	« خطاباتی
۷۳	۱۰	آنخطادیدن
۱۶	۵	آنخلایق
۳۵۴	۲۵	آن‌خلیفه‌زادگان
۳۴۵	۱۷	« خلیفهٔ گول
۲۱۰	۲۲	« خورد حلوا
۲۸۴	۱۷	آنخیالات
۴	۲	آنخیالاتی که‌دام
۲۳۱	۲۸	آنخیالاتی که‌دیدند
۳۰۹	۲۱	آنخیال از
۱۷۱	۱۱	آن خیال او
۲۳۷	۳۴	« خیال باغ
۱۷۳	۲۵	« خیال سیم
۱۶۱	۲۳	« خیالش
۳۴۵	۱۱	« خیال نور
۳۲۴	۱۴	« خیال ووهم
۱۸۶	۱۲	« خیالی ازاثر
۴	۲	« خیالی را
۴۳۰	۴۰	آن‌دبیر العرف
۱۸۴	۱۳	« در زبکوته
۱۹۳	۵	« درختان
۹۸	۶	« درخت‌بد
۲۷۲	۳۰	« درخت هستی
۲۱۴	۱۲	« درختی‌جنبد
۱۰۳	۱۰	« درختی را
۷۹	۱۷	« درختی‌کو
۴۶	۱۲	« درم
۲۶۴	۲۳	« دروغت
۱۸۲	۱	« دروغست
۳۳۱	۲۸	« درو گرحاکم
۱۴۶	۱۲	« دروگرروی
۴۳	۱۲	« درونی
۳۱۶	۳۷	« دعا از
۱۷۲	۳۱	« دعاحق
۱۷۲	۳۱	« دعای بیخود
۱۷۴	۶	« دعای‌کهنه
۳۰۹	۲۹	« دغل
۱۶۸	۹	« دقوقی‌داشت
۱۷۲	۶	« دقوقی‌در
۱۶۸	۳۸	« دقوقی رحمة
۳۸۷	۲۰	« دکان
۲۹۳	۳۴	« دگرتسخر
۲۴۶	۳۸	« دگرراخوانند

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵۸	۱۱	آن دگر را گفت
۳۸۸	۲۳	آن گر شاخش
۵۰	۳۳	آن دگر گفت آسمان
۳۰۹	۲	« گفت از
۳۹۴	۵	« گفت ای
۲۰۰	۱۷	« گفتی
۱۸۲	۲۶	« گوید
۳۲۵	۳۲	آن دل قاسی
۱۸۷	۳۰	« دل مردی
۳۱	۶	« دل از
۲۹۳	۲۰	« دلی آور
۱۷۳	۱۰	« دلی کز
۱۷۳	۲۰	« دلی کو عشق
۸۱	۳۱	« دلی کو مطمع
۳۹۳	۹	« دلیل قاطعی
۳۲۱	۴۰	« دلیلی کو
۲۱۴	۱۴	« دماغی
۱۴۰	۲۹	« دست سوگند
۳۲	۳۶	« دم لطفش
۳۷۷	۱۵	« دم اولاك
۳۲	۳۷	« دم نطقت
۳۶	۲۵	« دمی را
۳۶	۲۴	« دمی کز آ
۳۶	۲۵	« دمی کزوی
۱۲۵	۲۰	« دو اشتر
۶۲	۱	« دوانبازان
۱۲۱	۱۸	« دوخصم
۱۸۸	۳۵	« دودیده
۱۵۵	۳۲	« دوساحر
۴۰۹	۱۶	« دوسه تار
۳۸۹	۱۵	« دوفاضل
۲۴۰	۴	« دوقوم آسود
۳۸۸	۶	« دوکس
۳۸۸	۹	« دوگفتندش ز
۴۱۷	۱۱	« دوگفتندش ک
۴۱۲	۱۵	« دوگفتندش نصب
۱۹	۲۱	« دهان کز
۱۴۰	۴۰	« دهانی
۳۹۲	۱۷	« دهد حقشان
۱۲۷	۲۳	« دهل
۹۲	۲۹	« ذکی را
۳۰۸	۱۱	« رخام خوب
۲۹۵	۱	« رخی که تار
۳۱۸	۴	« رسن
۳۳	۵	« رسول از
۳۳	۴	« رسول اینجا
۳۵۴	۳۸	« رسول پاك
۳۰۶	۹	« رسول حق
۳۳۴	۱	« رسول مجتبی
۱۲۲	۴۱	« رسول مهربان
۴۴۳	۲۹	« رفاعی
۵۹	۲۳	« رهی که بار
۷۳	۳۳	« رهی که پخته
۷۳۰	۳۲	« رهی که زر

صفحه	سطر	اول بیت
۷۳	۳۳	آن رهی که سرخ
۲۹۰	۹	آن زبانهٔ آتشی
۲۵	۳۰	آن ز تیزی
۳۲۸	۱۱	آن زجاجی
۲۸۶	۲۳	آن ز خدمت
۲۰۱	۲۹	آن ز دور
۲۴۴	۲۰	آن زرشك
۷۶۲	۲۴	« زردوان
۲۰۷	۲۶	« زری کاین
۲۰۷	۲۷	« زر که دل
۴۰۷	۲۵	« ز سرمی
۲۸۶	۲۳	« ز صیدی
۳۱۵	۳۷	« ز عشق
۲۸۶	۲۴	« ز فرعونی
۴۰۴	۳۵	« ز کثرت
۱۴۵	۱۲	« ز کی دان
۴۱۱	۲۵	« زلیخا از
۲۳۴	۱۰	آن زمن آن
۳۶۰	۳۴	« از ترس
۳۶۰	۳۴	« بست
۴۳	۲۶	« حق
۴۲۱	۳۷	« خود
۱۷۹	۲	« داند
۳۷۷	۲۱	« را
۴۲۱	۳۸	« زاری
۲۰۴	۲۶	« شیرین
۹۳	۳۳	« کاین جان
۹۳	۳۲	« کاین دست
۲۲۲	۹	« کت
۳۵۷	۱۴	« کز
۳۴۱	۱۴	« که او
۳۲	۲۲	« که بحث
۴۰۹	۳۱	« که بود
۳۲	۱۰	« که پیش
۳۶۰	۲۳	« که حرص
۱۵۶	۵	« که خفته
۳۶۰	۲۶	« که دیو
۱۵	۱۱	« که میشوی
۴۳۲	۲۶	« واقف
۴۰۵	۱۸	یك
۱۶۵	۲۶	آن زمانی که
۴۰۸	۳۸	آن زمرد باشد
۶۶	۲۳	آن ز من
۴۰۹	۹	آن زنان از
۱۴۲	۶	« با
۳۳۳	۳۳	« چون
۱۷۶	۳۰	آن زنت او
۲۷۲	۳۶	« زنی میخواست
۱۹۲	۳	آن زنی هر دل
۱۴۳	۱۹	آن سباز اهل
۱۷۸	۲۵	آن سبا ماند
۳۴۰	۹	آن سبد خردرا
۵۷	۲۷	آن سبوی آبدانشها
۵۷	۱۰	آن سبوی آبرا

صفحه	سطر	اول بیت
۵۷	۳۰	آن سبوی تنگ
۳۹۸	۳۷	« ستاره
۴۴	۲	« ستون را
۱۰۸	۳۶	« ستونهای
۲۵۹	۲۲	« ستیزه
۲۰۴	۳۳	« ستی گوید
۳۹۸	۲۲	« سخا درهم
۱۹۳	۸	« سخنهای
۳۹۵	۲۹	« سرشته
۲۶۲	۱۸	« سرش گوید
۳۶۲	۱۸	« سر میدان
۴۱۸	۳۵	« سریکه
۱۰۷	۳۶	« سزد از
۴۳۲	۱۳	« سفینه
۴۰۹	۱۸	« سکون سابح
۳۲۳	۲۴	« سگ اصحاب
۱۸۵	۱۶	« سگان
۱۱۵	۱۷	« سگ عالم
۲۳۲	۴۲	« سگی در کو
۱۴۶	۳۰	« سگی کو
۱۴۶	۳۰	« سگیکه کشت
۱۶۶	۱۵	« سگیکه میگزد
۲۸۶	۳۲	« سگی میبرد
۱۲۷	۳۰	« سلاحت
۱۳۶	۱۸	« سلیمان بیشر
۴۴۴	۳۴	« سلیمانهم
۲۳۴	۲۴	« سلیمانی
۲۱۳	۱۰	« سمعی تو
۹۳	۸	« سنا برقی
۲۳۴	۹	« سواد فحم
۱۰۸	۵	« سوار آبرا
۴۴	۸	« سواری
۱۶۱	۲۳	« سوم آن
۴۲۴	۳۳	« سوم کاهل
۱۲۵	۳۲	« سوم گفت
۴۲۳	۳۴	« سیاست را
۱۸۸	۱۲	« سیه حیرا
۳۴۰	۳۵	آن شب آنجا
۴۱۰	۲۰	آن شب گردك
۱۸۷	۳۶	آن شتر بان
۴۴۰	۲۷	آن شتر منقاد
۳۸	۲۸	آن شش خواند
۲۰۶	۲۵	آن شخولیدن
۱۴۱	۱۲	آن شده
۳۶۲	۱۰	آن شراب حق بدان
۹	۸	آن شراب حق خدا
۱۰۹	۱۳	آن شرر گر
۴۳۸	۲۲	آن ششم باب
۴۴۷	۴۴	آن ششم شمع
۲۴۵	۱۵	آن شعاع آفتاب
۱۴۶	۱۵	آن شعاعی بود
۱۴۹	۲۱	آن شغالان
۱۴۹	۱۸	آن شغال رنگ
۱۴۸	۲۶	آن شغالك

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶۸	۶	آن شفاعت
۱۲۵	۴	آن شفای
۳۳۹	۹	آن شفیعان
۲۲۸	۳۳	آن شکایت
۳۸	۲۷	آن شی گوید
۱۶۷	۱۷	آن شل بیدست
۲۸۷	۲۴	آن شنیدستی که آ
۳۹	۳۱	آن شنیدستی که در
۱۳۹	۱۳	آن شنیدی تو
۲۴۴	۳۱	آن شنیدی داستان
۱۰۴	۲۹	آن شود
۲۸۳	۱۰	آن شهادت را
۱۸۲	۲۸	آن شه شطرنج
۴۴۶	۱۲	آن شهنشاه
۲۴۹	۴	آن شه والنجم
۳۷۰	۳	آن شهی
۲۱۰	۲۱	آن شیاطین بر
۲۹۹	۷	آن شیاطین خود
۳۵۷	۵	آن صحابی
۴۳۸	۱۷	آن صدی
۶۸	۳۵	آن صفای
۱۹۳	۴	آن صفت در
۴۰۷	۱۱	آن صور در
۳۰۷	۷	آن ضعیف
۳۷۵	۱۲	آن ضمان
۳۴۱	۱۹	آن ضمیر رو
۳۳۷	۲۷	آن ضیاء
۴۳۴	۱۴	آن طیب از
۴۰۶	۱۷	آن طبیبان انچنان
۲۳۶	۳۲	آن طبیبان از
۱۸۰	۵	آن طبیبانرا
۱۸۰	۱	آن طبیبان طبیعت
۱۸۰	۲	آن طبیبان غذا
۱۸۴	۳۲	آن طیب وآن
۳۸۷	۳۴	آن طرف کش
۴۰۱	۸	آن طرف که بهر
۴۰۱	۸	آن طرف که دل
۱۹۸	۳۵	آن طرف که عشق
۴۱۴	۶	آن طمع را پس
۴۸	۳۴	آن طمع را ماند
۴۱۴	۶	آن طمع زینجا
۴۲۴	۲۴	آن عتاب
۲۳۲	۷	آن عجائبها
۴۰۳	۲	آن عجب کو
۳۷۱	۳۰	آن عجوز
۳۹۸	۳۳	آن عداوت
۷۲	۴	آن عدم او را
۱۸۲	۲۸	آن عدوئی
۲۴۶	۲۳	آن عدو در
۴۴۷	۱۹	آن عذاب
۵۶	۱۲	آن عرابی
۵۷	۲۸	آن عرب باری
۵۸	۱۵	آن عرب را
۱۳۵	۱	آن عرب گفتا

صفحه	سطر	اول بیت
۹۴	۹	آن عرضها
۲۹۴	۱۱	آن عزیز مصر
۴۰۳	۲۴	آن عصا کش
۱۰۳	۲۸	آن عطارد
۱۴۲	۱۰	آن عصای
۴۴۵	۴۵	آن عظیم الشأن
۴۱۹	۱۶	آن عظیم العرش
۱۸۹	۳۶	آن علایش
۱۹۷	۱۸	آن علف تلخ
۵۶	۲۵	آن علف کش
۲۵۶	۱۸	آن عمر نی
۴۰۲	۷	آن عماد الملك
۱۱۴	۱۵	آن عنایت
۱۶۴	۲۳	آن عوان بدرید
۴۲۱	۱۸	آن عوان را
۸۲	۱	آن عین
۱۲۱	۳۲	آن غیبن
۹۶	۱	آن غذای
۱۳۳	۳۳	آن غریب از
۲۰۵	۲	آن غریب شهر
۳۹۸	۷	آن غریب ممتحن
۱۲۵	۴۱	آن غزان
۴۳۲	۳۶	آن غلام از
۳۳۲	۳۹	آن غلامان را
۷۰	۱۹	آن غلامان میوده
۲۳۰	۱۰	آن غلامان و
۴۴۲	۲۸	آن غلام بادشه
۱۹۱	۴	آن غلامش
۳۵۶	۱۰	آن غلامك دم
۹۲	۲۵	آن غلامك را
۱۹۰	۹	آن غم آمد
۱۹۴	۱۴	آن فراخی
۳۴۵	۴۱	آن فراست
۸۸	۲۹	آن فرح آید
۲۳۶	۹	آن فرشته
۱۳۲	۲۸	آن فزونی
۳۲۲	۱۰	آن فسون
۴۴۲	۴۸	آن فقیران الهی
۱۳۲	۱۷	آن فقیران لطیف
۱۳۲	۱۷	آن فقیری بهر
۱۸۵	۲۸	آن فقیری کو
۴۱۰	۲۶	آن فقیه از جای
۴۱۰	۲۲	آن فقیه افتاد
۱۴۷	۱۰	آن فلان روزت
۳۸۱	۲۱	آن فلان قبه
۱۰۹	۱۰	آن فلانی
۳۴۰	۳۴	آن قراریکه
۳۷۴	۳۷	آن قسم بر
۳۷۷	۳	آن قفاها
۲۰۱	۳	آن قفص
۲۱۸	۲۵	آن قیاسش
۳۲۸	۱۰	آن قیامت
۱۷۰	۱۰	آن قیام و

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۲	۱۱	آن کبوتر را
۲۹۸	۳۱	« کرامتها
۲۵۷	۶	« کرم کاندر
۶۶	۲۸	« کری را گفت
۹۳	۹	« کز آدم
۱۸۹	۲۱	آنکسی را کش
۷	۱۷	« را که چنین
۱۸۹	۲۰	« را که معرف
۲۴۵	۸	« کنز
۹۱	۴۱	« کش مثل
۴۲۰	۳۹	« کش مرکب
۹۲	۳۶	« که او
۲۳۰	۱۴	« که بانگ
۱۷۷	۱۲	آنکشنده گاو
۱۷۳	۱۴	آن کشیدن چیست
۱۴۱	۱۲	آن کشیدن زیر
۵۸	۱۹	آن کفش را
۴۲۰	۱۶	« کلامت
۲۳۵	۴۰	« کلامی
۴۰۹	۳۰	« کلید
۱۴۷	۲۶	« کمان و تیر
۳	۱۷	« کنیزك از
۳۱۶	۸	« کنیزك جست
۳۱۵	۳۳	« کنیزك زنده و
۳۰۲	۳۴	« کنیزك میشد و
۳۷۸	۲۶	آنکه آتش
۱۸۸	۳۴	« آدم را
۲۴۹	۱۲	« آن اصحاب
۱۹۵	۲۲	« آن خورشید
۲۸۵	۲۷	« ارزد
۶۳	۲۷	« ارض الله
۳۳۲	۱	« ارمنبل شوی
۷۳	۴۱	« ازبادی
۲۹	۲۷	« ازپنجه
۲۸۳	۲۲	« ازجوع
۷	۸	« ازحق
۳۵۷	۶	« ازدادش
۲۸۹	۴۰	« ازغیری
۴۹	۲۵	« ازکبرش
۴۹	۲۶	« ازنازش
۳۲	۳۵	« ازوی
۳۹	۵	« اندردامنت
۱۶۸	۲۰	« اندر سیر
۳۸۸	۱۷	« اندرعقل
۴۰۶	۲۶	« انکار
۲۱	۲۷	« اواز آسمان
۲۵۰	۱۸	« اواز پرده
۷۶	۲۰	« اواز مخزن
۲۲۱	۳۶	« او افراشت
۹۶	۲۳	« او باشد حسود
۲۴۰	۲۵	« او باشد مراقب
۴۴۴	۴	آنکه او بر خاك
۴۴۶	۲۶	« بر ذروه
۳۷	۲۴	« بسته

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۲	۲۳	آنکه او بعد از
۱۱۷	۳۹	« بی درد
۶۳	۲	« بی نقش
۱۰	۲۵	« پنجه
۷۶	۱۴	« تن
۳۶۰	۱۰	« تنها
۱۶۴	۲۷	« دانست
۴۱۷	۲۰	« را چشم
۳۸	۵	« شاهست
۱۵۹	۳۹	« گاهی
۲۴۸	۲۷	« گل
۲۲۲	۱۸	« مغلوب
۱۵۹	۳۶	« موقوف
۳۶	۲۱	« هشیار
۳۶۹	۲۸	« بنظر
۳۳۶	۲۳	آنکه ایمان
۴۴۳	۴۵	« این
۴۲۳	۴	« با خود
۹۷	۱	« باشد با
۲۷	۲۱	« بد
۱۹۱	۱۲	« بدهد بی
۱۰۱	۳۸	« بر افلاك
۷۹	۱۲	« بر خلوت
۴۰۳	۶	« بر دیوار
۲۷۶	۳۸	« بر نگذشته
۱۸۶	۸	« بستد
۴۹	۲۵	« بندهٔ
۲۰	۲۱	« بوند است
۳۷۵	۸	« بهر حق
۱۰۵	۳	« بی آن
۲۶۴	۲۹	« بی تعلیم
۱۰۷	۲۲	« بیرون
۸۴	۱۱	« بی جفت
۱۶۶	۶	« بی وزر راست
۱۳۶	۲۰	« بیند او
۱۶۴	۶	« بیند این
۵۵	۲۷	« بی همت
۱۰۶	۳	« بی یسمع
۳۷۲	۳۸	« پایان
۱۵۸	۲۲	آن که پست
۸۱	۲۳	آنکه تخم
۱۸۹	۲۰	« تعریفش
۳۷۸	۲۸	« تن را جان
۳۸۵	۱۷	« تن را مظهر
۳۶۰	۱۳	« تنها خوش
۸۴	۳۱	« تو مستش
۷	۹	« جان بخشد
۸۵	۳۷	« جان بوسه
۸۵	۳۷	« جان در روی
۲۹۱	۲۰	« جز انکار
۴۹	۲۷	« جز خون
۲۹	۲۸	« جز ظلمش
۴۹	۲۷	« جز گردن
۳۶۴	۳۱	« جو دید

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۲	۱۶	آنکه جوی و چشمه
۴۰۶	۲۴	« چشمش
۳۹۴	۲۲	« چندین
۱۱۴	۱۷	« حق پشتش
۴۳۲	۲	« ختم
۳۰۶	۱۳	« خواهی
۲۱۱	۱	« خود را
۳۱	۴	« خوفش
۳۳۹	۲۲	« خو کرده
۴۴۲	۱۷	« دارد از
۴۴۲	۱۹	« دارد دیده
۴۴۱	۲۰	« داری
۴۱۹	۵	« داند این
۴۱۸	۳۹	« داند تو
۷۵	۱۳	« داند و خت
۱۴۷	۳۶	« داند نیم
۲۲۰	۶	« در تون
۲۵۷	۵	« در جنگ
۴۹	۲۶	« در جو رو
۴۰۳	۲۹	« در چه
۳۶۹	۲	« در خواش
۲۷۵	۶	« در ذاتش
۱۵۵	۱۳	« در عقل
۱۶۸	۱۹	« در قوی
۲۸	۱۰	« در هر
۳۳۰	۳۶	« دزدد
۴۴۶	۲۵	« دو سبلی
۸۴	۱۱	« دو گفت
۶۲	۳۹	« دولت
۳۹۵	۳	« دیدستت
۴۲۹	۳۷	« را بر
۲۵۵	۷	« رمزی
۲۹۲	۱۷	« روزی شاهد
۲۱۴	۲۰	« روزی نیستش
۱۳۵	۲	« رومی بود
۷۵	۳۰	« رویانید
۱۲۲	۲۴	« زاول
۴۳۵	۱۳	« زخمت
۲۹۳	۲۸	« زرق او
۴۸	۱۶	« زلف و
۳۷۸	۲۷	« زوهر سر و
۵۲	۲۲	« زیرکتر
۴۰۳	۳۸	« سازد در
۸۰	۲۹	« سرمه
۲۴۵	۲۴	« سرها
۳۶۰	۱	« سنت
۴۳۵	۱۳	« سبلی
۳۹۴	۲۱	« شب
۳۷۸	۲۸	« شد موجود
۱۴۶	۳۱	« شیران مر
۳۳۵	۳۶	« صد مبلش
۴۰۵	۴۱	« عاشق
۹۸	۲۲	« عاقل بود در
۲۵۱	۵	« عاقل بود عزم

صفحه	سطر	اول بیت
۴۹	۲	آنکه عالم
۳۸	۱۶	« غافل
۲۲۱	۲۳	« فرزندان
۲۰۶	۲۴	« فرموده است
۱۲۶	۲۰	« کالانعام
۲۹۵	۱۳	« کرد او
۳۶۹	۳۷	« کس بود
۶	۲۹	« کشتستم
۳۲۸	۳۱	« کف را دید آب
۳۲۸	۲۹	« کف را دید باش
۳۲۸	۳۱	« کف را دید پا
۳۲۸	۳۰	« کف را دید پر
۳۲۸	۲۹	« کف را دید در
۳۲۸	۲۸	« کف را دید سر
۳۲۸	۳۰	« کف را دید گر
۳۲۸	۲۸	« کف را دید نیز
۴۲۸	۴۰	« کون خود
۹۶	۲۱	« کر بر
۲۲۷	۱	« گر خواهد
۱۴۲	۸	« کتاخ
۱۰۶	۳	« گفت انی
۳۷۸	۲۷	« گل آرد
۳۱۵	۲۳	« گل را
۱۴۴	۱۸	« گندم را
۱۲۴	۱۷	« گوید جمله
۲۳۰	۱۵	« گوید رمز
۲۲۰	۵	« گوید مال
۲۰۵	۳۶	« گویند
۱۵۹	۳۸	« که ناقص
۴۴۷	۴	« لبس عدل
۱۴۲	۴۱	« مادر
۲۱	۳	« مانند
۴۳۴	۴۹	« مجای
۱۴۷	۳۹	« مرداری
۱۹۲	۲۴	« مردن پیش
۷۶	۵	« مردن
۲۹۵	۴	« مردی در
۲۳۱	۴۰	« مضطر
۲۳۵	۸	« معرض را
۱۹۱	۳	« معصوم آمد
۳۷۶	۱۸	« معصوم ره
۳۰	۲	« ملکش
۱۹	۱۹	« مبدرید
۳۳۲	۱۹	« می لرزد
۱۰۵	۲	« می گرئی
۲۹۱	۱۷	« می گفتی اگر
۱۴۲	۷	« میگفتی که
۴۱۱	۳۸	« نشناسد
۴۴۶	۳۱	« نفس
۱۸۶	۳۰	« نگذارد ترا
۱۸۶	۳۱	« نگذارد کر
۲۹۲	۱۴	« نو دید او
۱۰۱	۳۷	« واقف
۴۱۸	۴۰	« هرگز

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۴	۳۲	آنکه هست
۱۴۰	۲۵	« یابد
۱۶۹	۱۲	« یکدم
۱۶۹	۱۱	« یکدیدن
۲۶۰	۲	آنکهی کو داشت
۴۲۴	۲	آنکهین
۳۲۵	۱۳	آن گدائی
۲۸۳	۲۱	« گدا چشمی
۳۷۱	۱۹	« گدا در
۴۲۰	۱۹	« گداز
۸۷	۹	« گدا گوید
۳۳۰	۷	« گرفتی
۲۰۱	۴۲	« گروهی کر
۳۷۵	۲۰	« گروهی کر
۳۸۶	۲۱	آنکره کوزد
۲۶۷	۳	آنکرههای
۵۴	۲	آن گشادیشان
۷	۱۵	« گل
۴۴۲	۴۲	« گلستان
۱۳	۳۱	« گمان انگیز
۷۷	۴	« گمان بروی
۳۱۴	۲۰	« گنه اول
۳۳۱	۳۴	آنکه آن می
۲۳۵	۲۶	« ارخاکش
۲۰۴	۴	« ازشهرو
۷۰	۲۳	آنکهان بنگر
۱۵۳	۳۹	« بیاد
۱۶۸	۳	« خندد
۱۵۵	۳۶	« گفتند
۹	۲۵	آن گهم از
۶۸	۱۱	آنکهی بینید
۴۳۶	۲۳	« دانی
۲۱۰	۲۶	« کازاد
۳۷۹	۳۵	آن لجاج کفر
۱۰۴	۱	« لطافت
۱۰۴	۲۸	« لطافتها
۵	۲۶	« لگدکی
۲۹۲	۴	« مبدل
۱۸۱	۱۸	« مثل آوررن
۱۸۱	۲۱	« مثالت
۱۲۶	۳۸	« مجازاست
۴۲۹	۲	« مجوسی
۲۷۷	۲۳	« محك که
۲۱۰	۲۱	« محمد خفته
۵۳	۱۹	« مرائی
۲۴۹	۳۰	« مریدان
۳۸۳	۴۰	« مرید ذوالفقه
۳۰۱	۹	« مرید ساده
۱۲۹	۳۹	« مرید شیخ
۱۱۹	۵	« مساس
۴۴۱	۴۷	« مسافر
۱۱۰	۳۷	« مسلمان ترك
۱۱۰	۵	« مسلمان سر
۱۷۸	۲۳	« مسیحا را

صفحه	سطر	اول بیت
۸۶	۲	آن مسیحا مرده
۹۷	۱۱	« مسیحی نه
۴۳۳	۲۰	« مشیر راست
۴۳۴	۲۱	« مشیر کار
۴۴۳	۳۷	« مصدر
۴۴۴	۲۰	« مطیعان
۴۳۱	۱۳	« معیل
۲۵۰	۱۷	« مقلد چون
۳۹۸	۳۱	« مقلد سخره
۱۲۵	۱۲	« مقلد شد
۳۲۱	۱۵	« مقلد صد
۳۰۱	۴	« مقلد همت
۱۳۲	۲۰	« مقیم
۲۴۷	۳۷	« مکن کاخر
۳۰۴	۳۶	« مگر سلطان
۲۴	۳۲	« مگس بر
۲۴	۳۶	« مگس نبود
۳۵۴	۱۳	آنملایك
۱۸۸	۳۲	آنملك با
۴۱۱	۸	آنملك برخاست
۱۸۸	۳۲	آنملك چون
۳۷۹	۶	آن ملیحان
۳۶۹	۲۷	« مناره
۸	۱۶	« منافق با
۸۳	۲۶	« منافق مشك
۲۱۰	۱۱	« من بالا
۳۱۱	۵	« منجم
۹۹	۳۴	« منم خم
۲۷۳	۱۰	« منی و
۳۷۹	۲۷	«موالیدا زتجلی
۳۷۹	۲۷	« موالیدازره
۲۷۶	۱۷	« مهابت
۱۲	۲۵	« میسر
۸۳	۲۸	« نبات آنجا
۴۳۸	۳۱	« نبات ودود
۱۲۵	۱۸	« نبد بیگار
۳۴۴	۳۶	« نتایج
۱۷۹	۱۷	« نثار
۲۰۴	۲۹	« نخود گفت
۴۳	۲۷	« ندا که
۲۵۲	۲۴	« ندامت از
۲۵۲	۲۵	« ندم از
۲۳۱	۳۸	« ندیدی
۴۲۴	۳۹	« نسیمی
۱۲۶	۴۱	« نشانها
۳۱۷	۹	« نصوح از
۳۱۷	۳۳	« نصوح رفته
۱۵۴	۳۶	« نصیب جان
۲۰۰	۲۸	« نصیحت
۳۵۸	۳۱	« نظر در بخت
۱۰۳	۲	« نظر که بنگرد
۳۹۶	۲۰	« نظر که کرد
۲۲۶	۱۷	« نظرها سوی
۹۳	۳۷	« نکاح زن

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۰	۱۴	آن نماز او عجب
۳۸۰	۱۴	« نمك زار
۴۱	۱۸	« نمك کر
۱۴۸	۱۴	« نمیبینی که فر
۲۸۹	۲۵	« نمیبینی که هر
۲۱۸	۳۱	« نمیدانست
۳۸۴	۳۶	« نمیگوید که
۴۳	۱۱	« نوا که
۱۴۴	۱۲	« نه بازی
۴۲۲	۳۲	« نه کش با
۲۰۱	۲	« نه کوبر
۹۲	۳۱	« نه که
۲۱۳	۱۱	« نیوشیدن
۳۵	۲۱	« آن وجمها
۱۵	۲۳	« وزیر از
۱۱	۲۴	« وزیرك
۳۴۲	۳	« وصیتهای
۴۲۳	۱	« وظیفهٔ لطفها
۴۱۹	۳۳	وظیفه یار
۴	۳	« ولیّ حق
۳۰۹	۳۱	« هزاران حجة
۱۵۰	۷	هزاران گز
۳۷۰	۲۶	« هلال از
۳۷۰	۲۶	« هلال و
۲۴۵	۷	« هلیله پرورید
۲۴۵	۸	« هلیله رسته
۲۵۳	۱۸	« هلیله وان
۴۴۳	۲۲	« هم از
۱۷۸	۱۹	« همان رنج
۳۵	۳۰	« همه اندیشه
۲۷۷	۱۹	« همه تعظیم
۱۳۳	۴	« همه حبرو
۹۱	۱۶	« همه خون
۱۹۲	۳۱	« همه سختی
۴۳۲	۶	« همه ماخولیا
۳۹۵	۱۲	« هنر فی
۳۸۹	۱۴	« هنرمندان
۳۹۵	۱۳	« هنرها جمله
۳۹۵	۱۲	« هنرها کردن
۲۴۲	۲۴	« هنرهای
۴۴۳	۲۲	« یزید
۱۰۷	۱۲	« یقین
۳۳۷	۳	« یخی
۱۶۳	۱۳	آن یکی آمد به پیش
۶۱	۲۱	« آمد در
۲۵۳	۱۳	« آمد زمین
۱۲۱	۳۷	« از جمع
۲۱۴	۱۱	« از حقد
۹۱	۲۱	« از خشم
۹۳	۲۱	« از زهر
۳۶۹	۱۶	« اسبی
۲۲۰	۹	« افتاد
۱۴۱	۲	« الله
۳۶۵	۳۵	« اندر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۳	۳۵	آن یکی با دلق
۱۱۹	۳۲	« بازی
۳۲۸	۱۷	« با شمع
۲۴۲	۳	« بانگ اینکه
۲۴۱	۳۹	« بانگش
۱۸۸	۲۳	« بدری است
۱۵۷	۱۷	« بر پشت
۳۳۱	۲۰	« بر رفت
۱۷۸	۲۹	« بس دور
۱۱۰	۵	« بگذشت
۳۴۳	۲۱	« بودش
۳۸۰	۲	« بیچارهٔ
۳۶۱	۱۴	« بیکار و
۸۷	۲۶	« پایش
۱۱۱	۲۳	« پر آن
۳۰۰	۱۴	« پرسید از
۳۲۰	۳۳	« پرسید اشتر
۴۲۵	۵	« پرسید صاحب
۱۳۲	۴۱	« تا کعبه
۵۵	۳۳	« جودش
۳۹۷	۱۴	« چشمش
۴	۵	« چون تشنه
۳۶۵	۳۶	« چون نوح
۲۴۲	۸	« چون نیست
۱۶۸	۲۷	« حرص
۳	۱۲	« خر
۱۱۱	۲۱	» خورشید
۱۱۱	۲۴	« خلقی
۲۲۰	۹	« دباغ
۱۳۲	۴۱	« در پاك
۱۷۸	۸	« در پی
۸۸	۳۰	« در چشم
۳۲۲	۲۵	« در خانهٔ
۴۲۰	۳۸	« در خواب
۱۶۰	۱۰	« در عهد
۲۸۴	۱۶	« در کشتی
۴۰۲	۲۸	« در کنج
۱۸۶	۱۷	« در مرغزار
۲۵۱	۱۷	« در وقت
۳۹۶	۳۴	« درویش ز
۲۲۷	۱۴	« درویش گفت
۲۲۷	۲۲	« درویش هیز
۳۵۹	۱۹	« دزدیست
۲۲۰	۱۲	« دستش
۳۸۹	۳۶	« دو دست
۳۵۲	۲۰	« ذرّه
۳۴۰	۲۹	« را بیگهان
۹۰	۲۱	« راتوندانی
۱۱۶	۱۰	« را چون
۳۱۵	۱۹	« را در
۱۵۷	۱۶	« را دست
۹	۳	« را روی
۳۸۸	۴۰	« یکی راسر
۳۶۱	۱۴	« را قبله

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۶	۳۷	آن یکی را کرده
۱۵۷	۱۵	« را کف بخر طو
۱۵۷	۱۶	« را کف چو
۴۸	۲۲	« را نعمت
۱۵۹	۲۵	« را یار
۳۷۲	۲	« رنجور
۴۴۴	۳۶	« روز
۲۴	۱۸	« ریگی
۳۸۲	۳۳	« زان سوی
۳۲۰	۴	« زاهد
۱۵۹	۴	« زد
۳۷۸	۳۹	« زن
۱۶۱	۲۱	« زیرك
۳۰۹	۲۶	« سرسبز
۱۱۱	۲۴	« سرور
۱۱۱	۲۳	« سلطان
۱۳۴	۳۹	« شخص
۴۳۴	۲۶	« شهرش
۳۵	۱۵	« طوطی
۲۹۹	۲۸	« عاشق
۳۵۹	۱۴	« قچ
۶۲	۲	« کرباس
۲۴۵	۳۳	« کرمی
۱۳۵	۳	« کز
۱۳۴	۳۸	« کش
۲۲۰	۱۱	« کف
۱۷۴	۳۴	« کورم
۳۳۲	۳۴	« گستاخ
۲۱۰	۱۵	« گفت ار
۳۸۸	۱۶	« گفتا که
۳۶۹	۲۳	« گفت اندرین
۳۹۴	۴	« گفت ایگروه
۳۹۴	۳	« گفت ایگروه
۱۲۹	۳۱	« گفتش ادب
۹۱	۲۱	« گفتش که از
۱۱۵	۴	« گفتش که اندر
۱۲۱	۳۶	« گفتش که پیغمبر
۳۶۴	۲۲	« گفتش که تو
۳۶۹	۲۹	« گل دید
۴۳۹	۱۸	« گل کوزه
۸۳	۱۵	« گوشش
۱۸۲	۲۵	« گوید در
۱۲۴	۴	« گوید بریده
۱۲۴	۵	« گوید شتر
۱۱۱	۲۲	« ماهی که
۷۳	۱۵	« ماهی همی
۱۵۹	۲	« مرد دو مو
۴۲۴	۲۹	« مردی بوقت
۳۴۳	۳۲	« مردیست
۲۵۱	۳۲	» مرغی
۴۲۹	۸	« ملاح
۳۹۵	۳۷	« موری
۳۲۷	۱۹	« میخورد
۳۰۳	۲۹	« میدید

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۱	۳۵	آن یکی میرفت
۳۶۵	۲۰	« میزد سجوری
۲۰۱	۴۰	« میزد یتیمی
۳۷۸	۱۹	« میشد
۱۸۱	۲۸	« میگفت این
۱۸۱	۳۰	« میگفت بیکار
۱۸۱	۲۹	« میگفت بالا
۱۸۱	۳۰	« میگفت جو
۱۱۵	۴	« میگفت خواه
۳۰۹	۲	« میگفت خوش
۱۳۰	۲۶	« میگفت در
۱۸۱	۲۸	« میگفت دنیا
۱۸۱	۲۹	« میگفت کاین
۲۶۱	۱۹	» میگفت گردو
۲۹۷	۲۴	« میگفت من
۳۱۰	۲۳	« میگفت هی
۲۸۵	۲۴	« میگیرد
۲۲۸	۲۹	« نائی
۵۷	۲۱	« نحوی
۲۶۵	۲۸	« نسبت
۳۳۹	۳۷	« نقشش
۱۱۱	۲۱	« نوری
۲۱۷	۱۷	« واعظ
۱۹۷	۸	« وهمی
۱۴۰	۱۸	« همره
۲۹۶	۵	« یاران
۱۹۳	۱۹	« یاری
۱۲۹	۳۰	« یکشیخ
۳۹۲	۵	آن یکی خانه
۱۱۱	۲۲	آن یکی یوسف
۳۶۷	۲۸	آن یتایع
۱۹	۱۷	آن یهودی
۴۴۰	۸	آورند
۳۶۸	۱۵	آوریدش تا
۴۴۶	۱۴	آورید ند
۱۶۲	۳۴	آه آهی
۳۰۳	۶	آه از آنروزی
۴۴۴	۴	آه از این راه
۱۱۶	۱	آه از درد و
۱۰۷	۳۳	آه از ین صفرا
۴۳۱	۲۰	آه از ین ظفرا
۵	۳۲	آه سردی
۱۶۸	۲۷	آه سری
۲۰۸	۲	آه سوزانش
۳۱۸	۳	آه کرده
۴۵	۱۲	آه کز
۲۵۷	۲	آه گرداد
۶۴	۲۷	آه می کرد و
۱۸۷	۱۳	آهن آنرا
۲۵۵	۱۴	آهن ارچه
۱۴۸	۱۵	آهن از داود
۱۷۷	۵	آهن اندر دست
۱۳۰	۳۴	آهنش را
۴۰۴	۳۷	آهن و سنگ از

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸	۲۰	آهن وسنگست اصل
۱۹	۴۷	« وسنگ ستم
۱۸	۱۸	« وسنگست نفس
۱۵۱	۱۶	آهنی برسنگ
۲۵۵	۱۷	« کابینهٔ
۲۹۲	۳۱	آهوازوحشت
۸۶	۷	آهوافغان
۲۹۲	۳۰	آهوئی را
۳۶۰	۲۴	آمودودو
۳۰۶	۱۱	آموزاری
۱۰۲	۴	آیدازخواجه
۳۹۳	۱۷	آیدوگیرد
۲۴۷	۲۷	آید ومنعش
۶۴	۳	آینه آوردمت
۸۰	۲۳	آینهٔ آهن
۳	۴	آینه ات
۱۲۰	۲۱	آینه انداخت
۶۴	۴	آینه بیرون
۳۲۴	۲۶	آینهٔ بی نقش
۶۹	۲۸	« توجست
۸۰	۲۴	« جان
۲۷۷	۲۵	« جور است
۹۹	۱۸	« خالص
۸۰	۱۰	« دل چون
۱۱۰	۳۵	« دل صاف
۱۵۹	۲۰	« روشن
۶۴	۵	« صافی
۳	۴	آینه کز
۸۰	۲۶	« کلی بر
۸۰	۲۶	« کلی ترا
۲۷۷	۲۴	« کو عیب
۲۷۷	۲۴	« نبود
۶۹	۲۹	« ومیزان کج
۶۹	۲۹	« ومیزان محك
۶۴	۴	« هستی
۳۵	۲۴	آیهٔ انسوکم
		اب
۱۳۱	۳۸	ابتدای
۱۷۸	۲۰	ابتلا رنجی
۳۵۵	۱۱	ابتلایم
۵۵	۲۰	ابجد و هوز
۳۴۱	۱۹	ابر اگر چه
۴	۱۴	« بر ناید
۴۳۴	۱۱	« را بین
۲۹۰	۱۴	« را تابی
۲۹۰	۹	« را سایه
۴۲۳	۲۸	« راگفتم
۲۸۲	۱۸	« را گوید
۳۶۶	۲۴	« را هم
۳۹۸	۹	ابرکی یا
۲۹۰	۱۳	ابر ما را شد
۷۳	۵	« موسی
۱۳۶	۳۳	« میبارید
۹۷	۳۶	« ابروان چون

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۱	۷	ابر و خورشید
۴۱۷	۲	ابرهه با پیل
۷۳	۴	ابرها گندم
۳۶۸	۳۷	ابشروا
۱۹۸	۱۲	ابنعی یا
۳۶۰	۲۶	ابك لی قبل
۳۶۰	۲۵	ابك لی یا
۴۳۴	۴	ابله آن نمرود
۱۲۶	۳۷	ابلهان تعظیم
۵۱	۱۰	ابلهانش
۳۳۴	۲۶	ابلهان گفتندمجنو
۵۱	۱۱	ابلهان گفتندمرد
۱۳۳	۳۹	ابلهان گویند
۲۳۸	۳۰	ابلهانند
۴۴۱	۴۵	ابلهی زان
۱۱	۱۰	ابلهی صیاد
۲۳۸	۲۹	ابلهی کوواله
۲۳۸	۲۹	ابلهی نی کو
۴۳۹	۱۷	ابن آدم
		ات
۱۶	۱۶	اتحاد یار
۱۳۵	۱۷	اتحادی خالی
۱۶۹	۱۱	اتصالاتی
۲۲۸	۲۵	اتصالی بی
۲۹۳	۱۶	اتصالی که
۴۱۵	۱۱	اتفاقاً اندرآن ایام
۴۱۵	۷	اتفاقااندرآن شبها
۱۶۴	۱۷	اتفاقاً دزد
۳	۹	اتفاقاً شاه
۱۰۶	۲۷	اتفاق افتاد
۲۰۰	۲۶	اتفاقی نیست
		اج
۲۷۴	۹	اجتهاد گرم
۳۳۸	۱۸	اجتهادی
۱۶۸	۳۴	اجعل الخضر
		اح
۵۹	۴	احتما اصل
۳۳۰	۲۹	احتمال عجز
۵۹	۲	احتما کن
۵۹	۳	احتماها بر
۵۹	۳	احتماها مر
۴۳۱	۲۷	احتیاجی
۸۷	۲۰	احتیاطش
۳۶۷	۲۳	احسن التقویم از
۳۶۷	۲۲	احسن التقویم در
۴۳۸	۴۰	احسن التقویم را
۲۵۷	۱۶	احمد آخرزمان
۱۱۱	۴	احمدا اینجا
۲۸۷	۱۰	احمداچون کوه
۴۲۱	۲۲	احمداچون نیستت
۸۵	۴	احمدا خود
۱۱۰	۴۰	احمدا دیدی
۲۷۶	۳۲	احمد ار بگشاید
۱۱۱	۳	احمدا نزد

صفحه	سطر	اول بیت
۸۵	۱۸	احمد خضرویه
۱۴۴	۲	احمدم در
۲۳	۱۸	احمد وبوجهل در
۲۲۹	۱۶	احمد وبوجهل در
۲۴۷	۸	احمق ار حلوا
۲۴۵	۳۲	احمق است و
۱۸۱	۵	احمقان را
۲۳۹	۸	احمقان سرور
۳۰	۲۴	احمقانه از
۴۱۶	۲۰	احمقم گیر
۱۲۸	۷	احمقی ام
۳۸۶	۶	احولی از چشم
۸۴	۱۲	احولی چون
۳۹۹	۴۰	احولی دوبین
۹۲	۲	احولیها اندك
		اخ
۲۴۹	۶	اخ اخی
۳۵۰	۱۲	اختر ار با
۳۹۷	۱۰	اختران بسیار
۳۶۶	۱۸	اختران چرخ
۳۶۶	۱۹	اختران چشه
۱۸	۷	اختراند
۳۶۶	۱۸	اختران هم
۲۸	۱۲	اختراني تافته
۳۷۸	۱۷	اخترت گوید
۲۲۴	۲۶	اختر گردون
۲۷۱	۲	اختری بودی
۱۳۴	۴۴	اختلاف خلق
۱۶۱	۲۹	اختلاف عقلها
۱۹۰	۱۲	اختیار آمد
۲۸۹	۳۰	اختیار آن
۳۲۹	۳۲	اختیار اندر
۳۲۹	۳۲	اختیارت هست
۳۱	۲۶	اختیارجبرایشان
۳۲۹	۲۸	اختیار خود
۳۳۱	۲۵	اختیارش اختیارت
۳۳۱	۲۵	اختیارش اختیارما
۳۳۱	۲۷	اختیارش زید
۳۱	۲۸	اختیار وجبردرتو
۳۲۹	۳۳	اختیارو داعیه
۲۲۲	۱۹	اختیاری را
۳۳۱	۱۲	اختیاری کردهٔ
۴۳۰	۳۴	اختیاری گرچه
۱۷۰	۲۸	اختیاری میکنی
۴۳۵	۳۴	اختیاری نیست
۳۳۰	۱۰	اختیاری هست در
۳۲۹	۲۸	اختیاری هست ما
۱۴۰	۳۰	اخسئوا آید
۱۰۹	۳۶	اخسئوا بر
۲۳۴	۹	اخگرازحرص
۴۴۶	۳۴	اخلقوا
		اد
۳۴	۳۳	ادخلوا
۲۷۰	۳۸	ادخلی

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۳	۳۳	ادهمان گام
		ا ـ ذ
۱۰۵	۲۲	اذکروالله شاه
۲۶۵	۹	اذکروالله کار
۲۶۴	۲۶	اذن مؤمن
		ا ـ ر
۴۴۷	۴۸	اربعین صبحاً
۳۰۰	۶	ارجعی بشنید
۳۴۲	۱۴	ارمغان
		ا ـ ز
۴۴۰	۳۳	از اخ الموت
۴	۱۵	از ادب پرنور
۲۷	۷	از ادب نبود
۳۳۶	۵	از اذانت
۳۴۲	۲۵	از اسیر نیم
۲۴۸	۳۱	از اشارتهای
۱۷۹	۱۴	از اصولیت
۴۳۴	۴۴	از اطاعت
۳۹۴	۲۶	از الم نشرح
۲۸۷	۲۰	از الوهیت
۳۸۷	۳۵	از امید عود
۳۴۸	۳۶	از انا چون
۳۲۲	۳۲	از انار و
۱۸۷	۲۱	از انس
۲۴۵	۶	از اوس
۳۱۰	۲۸	از ایاز این
۲۰۹	۳۰	از بتان
۴۲۵	۴	از بخار
۲۵۵	۸	از بدی چون
۵۱	۱۵	از برای آب
۲۰۰	۲۰	از برای آزمون
۲۹۳	۲۰	از برای آن دل
۱۵۱	۴۰	از برای آنکه
۴۳۷	۳۰	از برای اطمنان
۳۲۰	۵	ازبرای امتحان ا
۱۳۹	۱۹	ازبرای امتحان خ
۲۸۷	۵	از برای این که
۳۹۰	۱۰	از برای اینقدر
۷۳	۵	ازبرای پخته خوا
۶۷	۱۲	ازبرای چارهٔ
۳۳۷	۱۳	ازبرای چشم
۳۵۹	۳۳	از برای حفظ
۴۱۴	۷	از برای حکمتی
۲۵۸	۲۹	از برای حق
۲۶۴	۳۰	از برای دفع
۱۵۷	۱۴	از برای دیدنش
۴۲۸	۳۳	ازبرای ذل
۱۰۳	۱۷	از برای شاه
۲۷۶	۲۰	از برای عام
۳۳۷	۲۷	از برای علم
۳۲۷	۲۷	از برای غصه
۳۲	۳۵	از برای فائده
۱۱۹	۲۵	از برای لطف
۱۲۴	۵	از برای مزدگانی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۴	۱	ازبرای مشتری
۲۹	۳۶	ازبرحق
۴۴۷	۱۴	ازبروت خویش
۳۳	۱۱	ازبرون آواز
۱۴۰	۱۱	ازبرون بر
۱۲۶	۳۳	ازبرون بیرست
۱۹۲	۲۳	« حس
۳۹۸	۳۰	« دان
۲۸۰	۱۶	« زنجیر
۱۳۳	۴۰	« شهر
۲۳۰	۱۸	ازبزرگی
۳۰۳	۱۸	« بشربگرفت
۱۶	۲۹	« بغل
۴۱۲	۲۱	« بقیهٔ خور
۱۹۹	۲۵	« بلابگریختی
۳۶۹	۱۱	« بلال او
۲۵۰	۱۵	« بلیس او
۲۶۱	۲	« بن دندان برو
۱۲۱	۳۰	« بن دندان بگه
۳۹	۲۸	« بهاران
۵۲	۱۱	« بهشت آورد
۱۲۰	۳۴	« بهشت انداخت
۴۴۳	۲۱	« بهشت خود
۲۳۸	۱۲	ازبدرآموزایروش
۲۲۱	۱۲	« آموزکادم
۳۴۲	۲	« آنرا
۲۶۸	۱۰	« برتو
۳۹۳	۶	« چون
۸۷	۱۷	« وزمادر
۴۲۴	۱۳	« یابید
۲۴۵	۱۹	ازپس آن سالها
۱۷۰	۲۱	« آن محو
۱۱۹	۱۲	« در
۱۹۶	۲۶	« ده سال او
۲۷۰	۲۵	« ده سال بلکه
۳۸۲	۲۹	« صد ساله
۹۱	۴۵	« هرپرده
۴۱۸	۳۱	از پگه حمال
۱۹۷	۲	« پناه حق
۱۵۵	۲۹	ازپی آنکه
۲۱۹	۲۲	ازپی آن گفت حق
۲۱۹	۲۲	« آن گفت حق
۲۱۹	۲۳	« آن گفت حق
۳۰۹	۲۵	از پیازو
۵۴	۱۳	ازپی اظهار
۱۴۴	۱۰	از پیام اندر
۱۷۹	۶	ازپی این عاقلان
۴۵	۲۸	« این عیش
۱۲۹	۳۷	« تعلیم
۵۲	۱۰	« تقلید
۴۳۲	۷	« تن
۴۰۰	۱۱	« توزیع
۲۴۵	۲۱	« روپوش عامه
۳۰۲	۷	« روپوش می

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۱	۲۰	از بی سوراخ
۳۹۶	۲۴	« صورت
۹۶	۱۰	« طاق
۱۳۹	۱۷	« فرزند
۱۴۴	۱۸	« گندم
۳۱۴	۳۶	« مردم
۷۶	۲۱	« نظاره
۳۲۳	۳۰	« هر آدمی
۱۹	۲۴	« هر گریه
۲۸۰	۳۹	« هیکل
۲۴۶	۱۴	از ترازو
۳۵۹	۲۲	« ترهب
۹۷	۳۶	« تشنج
۲۱۹	۳	« تعجب گفت
۱۰۹	۳۰	« تعجب مردمان
۴۴۸	۱۱	« تغافل
۳۹۱	۱	« تف آن
۴۲۵	۳۶	« تف وازکف
۳۵۰	۴	« تقاضای تو
۲۴۸	۱۵	« تکبر جمله
۲۶	۳۸	« تکبرنی
۴۳۹	۲۸	« تکیف
۳۶۶	۴۲	« تنش
۱۴۴	۳۶	« تواضع
۳۷۳	۱۸	« توام
۸۰	۲	« توای بی نقش
۷۳	۱۹	« تو برمن تافت
۷۳	۱۸	ازتو برمن تافت چ
۱۲۰	۵	« بود
۱۱۷	۷	« تهدید
۲۸۳	۱۷	« جانم
۸۷	۳۷	« خواهم
۱۹۲	۲۹	« رستست
۲۷۹	۲۱	« عالم
۲۷۲	۷	« مسخی
۱۲۵	۱۵	« می دزدیدمی
۲۸۴	۵	« نوشند
۱۹۶	۳۱	« هم
۲۸۲	۲۱	از تیمم
۲۳۵	۲۷	« ثریا
۴۲۸	۲۷	« جبلت
۴۲۸	۲۰	« جحیم
۲۲۱	۶	« جدائی
۳۷۴	۱	« جز ازتو
۲۹۲	۷	ازجمادی بی خبر
۲۳۰	۲۷	« چون
۱۵۳	۲۰	« در
۱۹۹	۳۷	« مردم و
۸۸	۳۴	از جمال یوسف
۱۱۸	۲۷	« جنان
۱۱۵	۸	« جنون خود
۱۵۲	۲۱	« جنون میکشت
۳۰۴	۳۵	« جوالش
۴۱۷	۶	« جهاز ابرهه

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۱	۳۹	از جهان دوبانگ
۲۹۸	۲	« جهان مرگ
۳۸۰	۱۶	« جهود و
۲۵۲	۱۲	« چپ و
۲۳۴	۲۹	« چنو شاعر
۱۸۴	۴	« چنین محسن
۲۶۰	۱۰	« چنین همراه
۱۱۶	۳۲	« چوما
۸	۳	« چه ای کل
۲۷۱	۳۶	« چه بس
۲۴۴	۷	ازچه تاریك
۲۸۱	۳۰	« در دهلیز
۴۸	۳	« دم ازشاه
۴۲۵	۲۰	« رو دیگر
۲۶۴	۱	« رو فایده
۲۷۵	۱	« ره می آید
۴۳۳	۴۴	« غره
۳۷۳	۱۶	« گریی دولت
۳۷۳	۱۰	« نام برگ
۳۴۴	۲۳	از چهی بنمود
۲۹۰	۱۱	« حجاب ابر
۱۰۷	۱۷	« حجامت
۳۸۱	۹	« حجب
۲۵۱	۱۳	« حدث
۲۱۰	۲۹	« حدوث
۴۴۴	۱۱	ازحدیث آن
۴۲	۲۹	« اولیا
۱۳۹	۶	« اینجهان
۱۳۵	۱۰	« شیخ
۴۴۴	۲۱	« و
۱۰۲	۳۹	از حریصی عاقبت
۲۸۹	۳	« حریصی کم
۳۰۳	۳۵	« حریصی وز
۱۰۰	۲۹	« حسد بر یوسف
۱۰۳	۱۳	« حسد جوشان
۹۱	۳۷	« حسد میخواست
۴۰۹	۲۹	« حشم هر که
۱۱۲	۱۸	« حضور اولیا
۱۱۷	۴	« حضور نور
۲۹۷	۶	« حطب بشناس
۶۸	۱۰	« حق آن
۳۷۷	۳۱	« حکایتهای
۳۳	۲۶	« حلاوتها
۱۴۱	۳۸	« خجالت باز
۳۱۴	۱۱	« خجالت جمله
۴۰۴	۲۵	« خدا امید
۴	۸	« خدا جوئیم
۳۸۲	۲۶	خدا خواه
۴۳۸	۴	« خدا دان
۲۹۱	۲۹	« خدا غیر
۲۱۸	۱۵	« خدا لابه
۱۷۴	۲	« خدا میخواست
۲۰۴	۳۶	« خدا میخواه تا
۲۵۸	۳۹	« خدا میخواه دفع

صفحه	سطر	اول بیت
۴۷	۵	ازخدا نه بوئی
۱۰۸	۳۲	« یابی
۱۲۶	۱۴	« یت چاره
۲۲۷	۸	از خراج
۲۷۴	۳۵	« خرد
۳۵۴	۱۷	« خر عیسی
۳۲۰	۲۷	« خری او را
۴۰۶	۱۸	« خری باشد
۴۳۱	۲۵	« خری بگذاشته
۱۳۲	۳۷	« خضر
۴۰۶	۳	« خطر پرهیز
۱۱۷	۹	« خطر هاروت
۳۰۰	۲۰	« خلیل آموز
۲۹۹	۲۰	« خلیل حق
۸۴	۴	« خلیلی
۴۲۲	۷	« خیبری اشتر
۲۸	۱۸	« خود ای
۱۸۶	۳۵	« خودی بگذر
۱۴۷	۸	« خودی خود
۲۴	۳۱	« خودی سرمست
۱۶۵	۲۴	« خورش
۱۰۲	۱۹	« خوشی
۲۸۴	۱۵	« خیال آن
۸۹	۱۲	« خیالات تو
۴۴۲	۹	« خیالات وتوهم
۸۸	۳۴	« خیال بد
۳۴۵	۱۳	« خیال حرب
۳۴۵	۱۱	« خیال دشمن
۳۲۴	۱۳	« خیال زشت
۱۱۰	۲۱	« خیال ووسو
۳۹۳	۲۴	« خیال ووهم
۳۷۲	۱۵	« خیالی دوست
۲۸۴	۱۳	« خیالی گشته
۱۲۳	۱۶	« درخت انی
۲۱۲	۳	« دردل چون
۱۴۲	۲۰	« دردل و اهل
۲۹۷	۳۱	« درشتی
۲۵	۶	« درمها
۴۳۴	۲۹	« درون باغ
۹۱	۸	« درون خویش
۲۴۷	۱۷	« درون خویشتن
۲۳۲	۹	« درون کعبه آمد
۲۳۲	۳۰	« درون کعبه آواز
۲۴۴	۳۴	« درون کوزه
۵۵	۲۳	« دعا های
۳۳۱	۸	« دکانی
۷۳	۳۱	« دگر انجم
۴۰۰	۵	دگر جوها
۱۱	۳	« دگر خوبان
۱۰۳	۱۹	« دل سوراخ
۲۱۳	۱۹	« دلش چندان
۶۴	۱۲	« دل و از
۳۴۸	۵	« دل هر یك
۴۳۲	۶	« دلیلی راه
۱۸۷	۱۳	« دم آن مرده

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۶	۱۴	ازدهجبریل
۲۵۱	۷	« حب
۸۳	۱۹	« دیو
۳۰۷	۲۵	« شمشیر
۲۶۵	۲۶	« غم
۶۰	۱۹	« و
۱۱۶	۳۵	از دو پاره یه
۶۸	۳۰	« دو صد
۱۹۱	۱۷	« دهان آدمی
۲۰	۱۳	« دهانت
۱۷۱	۲	« دهانت نطق
۱۴۰	۳۹	« دهان غیر
۱۶۷	۳۶	« دهان لقمه
۳۱۶	۱۰	« ذکر باقی
۷۶	۴	« رحم زادن
۱۶۷	۲۲	« رضا که
۲۰۳	۳۷	« رمه چوپان
۴۳۰	۳۴	« ره آن تازه
۴۰۵	۱	« ره پنهان
۷۳	۳۲	ره پنهان که دور
۸۷	۳۲	« ره تقلید آنصوفی
۱۶۵	۱۰	« تقلید تو
۱۵۲	۳۵	« ره حس
۵۸	۳	« ره خشك
۴۳۶	۲۲	« ره خوردهٔ
۳۲۳	۲۵	« ره سر
۱۶۸	۴۰	« ره و منزل
۲۴۴	۱۵	« رهی که
۲۴۰	۶	« ریاضت
۲۲۴	۲۴	« زبان تا
۹۳	۳۶	« زراعت
۱۴۶	۱۷	« زر اندود
۴۰۲	۶	« زروزن
۲۲۴	۱	اززمین آب
۱۹۶	۳۵	« بر رست
۴۳۸	۲۹	« رویان
۳۶۸	۲۸	از زمینم
۲۲۳	۳۸	« زمین وآسمان
۴۰۵	۵	« زمین و
۱۶۲	۳۷	زنان
۳۷۳	۳۹	« زن دیگر
۱۹۱	۱۰	« زیان مال
۱۶۴	۳۱	« سبب اندیشه
۲۹۲	۵	« سبب دانی
۱۳	۳۲	« سبب سازیش
۱۰۸	۳۰	« سبب گفتن
۳۵۳	۲۰	« ستاره
۲۲۱	۲۵	« ستیزه
۲۵	۲۷	« سخن صورت
۲۶۹	۱۰	« سخن گوئی
۱۵۴	۱۵	« سخن میگویم
۱۹۷	۳۲	« سرافرازان
۱۳	۳۷	« سر اکرام
۲۷۲	۲۹	« سرامرودبن بنه

صفحه	سطر	اول بیت
۴۸	۲۹	ازسر امرودبن بنه
۲۷۳	۲	« امرودبن من
۸۷	۲۲	« تقصیر
۴۴۴	۶	« غفلت
۱۸۰	۲۹	« که بانگ
۳۱۸	۳۴	« که جانب
۱۸	۱۴	« که سیلها
۵۴	۱۶	« مهرو
۲۷۰	۲۲	« هر کوه
۳۵۴	۱۴	از سعادت
۱۴۶	۶	« سفر بیدق
۱۷۳	۲۳	« سلام حق
۲۲۹	۳۱	« سلیمان آن
۳۳۳	۴	« سلیمان هیچ
۱۷۹	۳۸	« سموم نفس
۳۸۶	۱۵	« سواد شب
۲۶۵	۳۳	« سوی تن
۷	۲۵	« سوی خانه
۲۱۱	۱۴	« سوی دوزخ
۳۹۳	۲۹	« سوی عرشی
۳۶۶	۳۳	« سوی معراج
۱۵۱	۲۲	سوی میدان
۱۷۷	۲۶	« سیاهی
۳۸۹	۳۶	« شتاب
۴۴۴	۸	« شره
۲۶	۳۱	« شراب قهر
۳۹۳	۱۴	« شراب لایزالی
۴۲۰	۱	« شش و از پنج
۴۲۸	۲۱	« ششم
۳۰۲	۴	« شکاف در
۲۴۴	۱۳	« شکاف وروزن
۲۴۴	۱۴	« شکافی که
۵۸	۲۰	« شکرگر
۲۳۱	۳۱	« شکوه و ترس
۲۱۸	۳۴	« شما پنهان
۲۲۷	۲	« شما کی کدیه
۱۳۹	۱	« شمال و از
۴۴۴	۲۵	شمروز
۳۰	۳۳	« شهانم
۲۴۷	۱	« شهی تو
۱۱۲	۵	« صحابه
۱۴۲	۱۵	صدا آن
۳۰۷	۳۹	صداع و
۳۵۰	۱۰	« صحاف
۲۰۴	۱۹	« صفاتش
۲۴	۷	« صفا گردم
۹۷	۲۰	« صفای بانگ
۶۸	۱۷	« صفت واز
۱۰	۲۷	« صفیری
۱۸۹	۲۶	« ضرورت
۱۲۱	۶	« ضعیفی
۱۵۵	۳۹	« ضلال آئیم
۱۷۲	۳۶	« ضلالت بوسه
۳۸۴	۹	« ضمیر او

صفحه	سطر	اول بیت
۱۷۰	۱۵	از ضمیر من
۳۰۲	۱۴	« طرب گشته
۴۴۰	۲۶	« طرب وز
۳۰۸	۳۰	« طعام‌الله
۱۳۹	۹	« طمع بیزار
۴۸	۲۵	« طمع هرگز
۲۲	۲۰	« عجب
۲۵۰	۲۳	« عدم چون
۳۹	۱۳	« عدمها سوی
۴۴۰	۴۴	« عدوی خویش
۳۳۴	۱۷	« عزا چون
۴۴	۱۳	« عصا
۳۲۳	۱۵	« عطارد
۴۳۲	۱۷	« عطایت
۱۵۱	۲۳	« عطای شاه
۴۶	۲۰	« عطایش بحر
۱۲۷	۱۹	« علمهای
۷۲	۳۲	« علی آموز
۳۲۱	۳۷	« علی میراث
۳۲	۳۱	« عمر چون
۴۱۰	۹	« عنایت گر
۳۰۴	۱۴	« عنب عشری
۲۱۷	۳	« عوانی
۳۷۴	۳۶	« غبار ار
۴۲۱	۱۰	« غبار موکب
۱۲۱	۳۲	« غبین
۲۵۴	۳۱	« غذای
۷۴	۹	« غرض حرّم
۱۵۰	۳۶	« غرض غافل
۲۶۹	۳۳	« غروری سر
۴۰۹	۳۵	« غری ریش
۸۵	۳۳	« غریو کودك
۳۱۷	۳۲	« غریو و نعره
۳۶۴	۱۸	« غریو و نعره‌ها
۳۱۹	۱۹	« غزا باز
۲۵۸	۱۵	« غضب آن
۴۸	۲۳	« غضب بر من
۳۴۸	۱۱	« غفوری تو
۷۳	۲۰	« غلط
۳۷	۲۹	« غم و شادی
۳۳۸	۲۸	« فدائی
۴۴۶	۲۷	« فراز
۲۸۰	۱۷	« فراش خویش
۱۹۶	۲۷	« فراق این
۲۲۰	۳۵	« فراقت زرد
۴۹	۲۱	« فراق تلخ میگو
۳۴۸	۲۱	« فراق تلخ میگو
۴۳	۳۵	« فراق تو
۳۲۴	۴۲	« فرح خلقی
۳۱	۱۵	« فسون او
۳۱۸	۲۳	« فسون واز
۳۸۷	۱۲	« فضولی تو
۴۴۴	۴۵	« فضولی دم
۱۳۸	۲۸	« فطام

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۳	۳۴	از فقیر
۳۳۷	۱۱	« فلان راهب
۱۱۴	۹	« فلك آویخته
۴۴۳	۳۲	« فنا بگذر
۴۰۵	۴۱	« قدح گر
۴۰۶	۳۶	« قدحهای
۴۱۰	۱۹	« قدیم و
۹۶	۵	« قران مردو
۳۲۴	۸	« قرین بی
۳۵۳	۱۹	« قرح در
۳۱۶	۶	« قش خود
۲۶۷	۲۹	« قصور چشم
۲۷	۱۴	ازقضا این
۳۶۹	۳۶	« رنجور
۳	۱۸	« سرکنگبین
۲۶۶	۲۵	« کمیرك
۳۹۱	۱۵	« موشی
۴۳۸	۴	« واز
۱۶۲	۲۹	ازقضای آسمان
۴۴۷	۴۰	از قفای شمع
۴۸	۱	« قناعت کی
۳۱۹	۳۶	« قناعت هیچکس
۸	۴	« قیاسش
۶۷	۱۳	« قیاسی
۱۴۰	۱۸	« کبابش
۳۶	۱۴	« کبد فارغ
۳۷۹	۳۵	« کبی خویان
۲۴۷	۱۳	« کتاب و
۴۲۰	۶	« کج آرم
۶۲	۱۷	« کجا آموختی
۱۰۴	۲۸	« کجا آورده‌اند
۲۹۷	۳۷	« کجا این قوم
۳۶۵	۷	« کجا جوئیم علم
۳۶۵	۷	« کجا جوئیم هست
۱۶۴	۱	« کدامین بند
۷۳	۳۱	« کدامین ره
۴۴۲	۳۶	« کرم آنجا
۴۴۵	۲	« کرم برحال
۲۷	۳۱	« کرم دان آن
۱۴۶	۳۴	« کرم دانست آن
۱۴۶	۳۴	« کرم دانست مرغ
۲۳۱	۱	« کرم شیر
۳۶۲	۲۹	« کرم من هر
۴۰۴	۱۹	« کساد آن
۲۴۷	۳۵	« کسل و
۴۲۹	۱۱	« کسی فریاد
۲۶۲	۳۴	« کسی یاری
۲۱	۵	« کلیله
۱۶۸	۳۱	« کلیم حق
۲۱۱	۹	« کمال حزم
۹۵	۲۲	« کمال طالع
۴۴۶	۲	« کمال عقل
۳۹۷	۲۳	« کمال قدرت
۴۳۶	۱۰	« کمان پران

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۶	۳۳	از کمان نالم
۲۵۲	۲۲	« کمی عقل
۱۷۶	۶	« کمین
۱۰۵	۲۰	« کواکب
۱۷۸	۱۰	از که اینسو
۲۲	۲۲	« بگریزیم
۳۶۲	۳۵	« پنهان
۳۶۳	۱	« پنهان
۱۱۹	۲۳	« خورده
۲۳۱	۳۵	« نالم باکه
۳۹۱	۲۷	از کهی که
۲۴۷	۴	« گران احمقان
۲۲۶	۱۵	« گرفت من
۴۲۸	۲۰	« گروه پنجمین
۱۵۵	۱	« گرافه
۳۲۱	۲۰	« گرروز
۲۶۷	۸	« گلاب
۳۹۷	۱۶	« گلهٔ انبه
۲۰۳	۲۷	« گمان واز
۲۹۹	۴	« گواه و
۱۸۴	۳۸	« لئیمی
۲۸۱	۳۱	« لجاج
۲۲۳	۳۳	« لعاب
۶۸	۵	« لعب
۹۶	۴	« لقای
۲۶۱	۳۱	« مؤذن
۴۱	۳	« مؤنث
۲۹۲	۳	« مبدل
۱۶۸	۱۹	« مثال و
۳۸۳	۴	« مثل و از
۲۹۲	۳۱	« مجاعت
۱۰۲	۲۶	« محبت تلخها
۱۰۲	۲۹	« محبت حزن
۱۰۲	۲۷	« محبت خار
۱۰۲	۲۷	« محبت دار
۱۰۲	۲۶	« محبت درد
۱۰۲	۲۸	« محبت سجن
۱۰۲	۳۰	« محبت سقم
۱۰۲	۲۹	« محبت سنگ
۱۰۲	۳۰	« محبت مرده
۱۰۲	۲۸	« محبت نار
۱۰۲	۳۰	« محبت نیش
۸۷	۶	« محقق
۳۹۲	۹	« مروت
۲۷۳	۱۶	« مزارعشان
۳۰۵	۱۷	« مسبب میرسد
۱۳۶	۲۱	« مسبب یابد
۲۵۹	۲۵	« مشارق
۳۸۵	۲۴	« مفلسف
۲۰۵	۱۷	« مقامات تبتل
۳۸۶	۲۹	« مقامات وحشر
۴۱	۱۲	« ملال یار
۱۱۴	۳۱	« ملك بالا
۱۴۷	۲۳	« ملوك

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۰	۱۲	از ملولی
۴۱۸	۳۶	« من آگه
۱۹۱	۲۴	« من آن آمد
۱۸۸	۹	« من آید
۴۱۲	۳۹	« من ارکوری
۸۷	۱۶	« من ارکوه
۲۹۷	۲۸	« منازل خفته
۳۱	۹	« منازلهای
۳۲۱	۳	« منافق
۱۵۰	۲۴	« منجم
۳۶۷	۳۳	« منش واخر
۳۲۴	۲۴	« من و
۳۱۰	۱۴	« منی
۹۴	۴	« مهندس
۴۴۷	۴۴	« میان بحر
۸۶	۲۶	« میان برجست
۳۷۰	۹	« میان پای
۱۸۴	۲۸	« میان فال
۴۴	۲۳	« میان مشت
۲۴۴	۱۴	« نبی برخوان که
۲۹۹	۸	« نبی برخوان که
۵۹	۲۶	« نبی بشنو ضلال
۲۸۰	۳	« نبی بشنو که
۱۳۵	۳۳	« نزاع ترك
۱۴۸	۲۸	« نشاط از
۳۶۴	۱۰	« نصیحتهای تو
۳۹۷	۳۷	« نظر این
۱۲	۱۹	« نظر چون
۲۸۷	۱۴	« نظرشان
۱۵۷	۱۲	« نظرگاهست
۱۵۷	۱۸	« نظرگه
۳۵۴	۲۸	« نظرهای
۳۵۹	۴	« نفوس و از
۳۸۹	۳۷	« نفیر و فتنه
۳۰۶	۲۳	« نماز شام
۱۳۰	۴۰	« نمازوا ززکوة
۸۹	۱۰	« نماز و صوم
۴۲۱	۵	« نوازشهای
۴۰۹	۳۸	« نوایت
۴۳	۸	« نوایش
۲۸۳	۲۸	« نهانخانه
۱۰۴	۱۷	« نیاز واعتقاد
۱۰۴	۱۹	« نیاز و اعتقاد
۳۶۱	۳۹	« وبای
۱۰۷	۲	« وجود او
۱۹۷	۳۳	« وجودم
۴۱	۲۱	« وجود و از
۳۷۴	۷	« وجودی
۱۲۷	۳۷	« وطن پرسید
۲۶	۱۹	« وظیفه بعد
۳۴۱	۱۷	« وفا و
۲۹۸	۲۴	« وفای
۴۴۴	۱۸	« وماینطق
۴	۳۳	« وی ارسایه

صفحه	سطر	اول بیت
۹۱	۲۶	از وی این
۱۵۶	۱۸	« هراس و
۸۷	۳۰	« هزاران اندکی
۴۱۸	۳۸	« هزاران کس
۲۶۸	۲۱	« هزاران من
۳	۱۹	« هلیله قبض
۱۷۲	۱۱	« همه امید
۳۸۴	۱۵	« همه اوهام
۳۵	۲۳	« همه دلها
۶۰	۳	« همه طاعات
۲۵۳	۳۵	« همه عیش
۱۷۳	۴۰	« همه کار
۱۹۵	۲۱	« همه محرومتر
۱۷۲	۱	« همه نومید
۲۳۱	۷	« هوا بشنید
۲۹۳	۳۰	« هوا رانی
۲۳۷	۲	« هوا زیر
۴۱۳	۴	« هوا شد
۱۲۱	۲۲	« هوا من
۶۸	۱۶	« هواها
۱۲	۱۹	« هوای خویش
۴۰	۲۷	« هوای لقمهٔ
۳۰۴	۲	« هوای مشتری
۳۰۳	۳۵	« هوای مشتری و
۲۳۴	۱۲	« هوس آن دام
۱۷۰	۲۶	« هوس از
۳۱۸	۵	« هوس در
۱۷۰	۲۷	« هوس گراز
۱۹۷	۱۲	« هوس وزحرص
۴۲۹	۴۲	« یقین
۹۵	۸	« یك اندیشه
۲۰۰	۲۷	« یکی تا
۴۰۶	۱۲	« یکی چون
۴۲۵	۳۳	« یکی دانه
۵۹	۶	« یکی روضد
۳۳۴	۲۹	« یکی کوزه
		أ ـ ژ
۱۵۳	۱۰	اژدهائی چون
۱۰۸	۳۵	« خرس
۱۵۳	۶	« مرده
۲۶۰	۳۲	« می شود
۳۶۱	۳۷	« نا
۱۵۲	۲۲	اژدها بد
۱۵۲	۲۳	« بود
۲۵۳	۲۲	« ر اژدها
۱۰۹	۱۶	« را اوبدین
۱۵۴	۱	« را دار
۱۰۹	۱۶	« را هست
۱۵۳	۳۰	« کز
۳۰۱	۲۴	« گردد
۱۱۴	۱۰	« گشتست
۱۱۴	۱۱	« ومار
۱۵۳	۳۶	« یك لقمه
۲۶۰	۳۲	اژدهای کوهئی

صفحه	سطر	اول بیت
٤٢١	١٥	اژدهای هفت
		ا - ب
٣٧٨	١٤	اسب ایمان
١٩٠	٢٧	« این خواجه
٢٥٩	٢٦	« باغي
٩٩	٦	« بی راکب
٦	١٧	« تازی
١٠	٢٩	« جانها
١٩٥	١٥	« خود را ای
٢٥	١٤	« خود را یاوه
٢٥	١٣	« خود را یاوه
٩٩	٣	« داند اسب
١٩٥	٢٠	« داند بانك
٤٠٢	٣٧	« را اندر
١٩٠	٣١	« رابفروخت ج
١٩٠	٢٨	« رابفروخت چ
٤٠١	٣٢	« رنگین
٢٩٦	٢٦	« زیر ران
٢٠٩	٨	« زیرك
٢٨٧	٢٢	« سر کش
١٠١	١	« سکسك
٣٤٣	٢٩	« کشت و
١٩٠	٣٠	« کش گفتی
١٣	٢٧	« همت
٣٢٩	٣٤	« هم حوحو
٤٤٠	٢٤	اسبی از ادبار
٤٤٠	٢٣	« خاصیت
٣٢١	٩	اسپر آهن
٤٠٥	٢٣	اسپرت باشم
٣٦٧	٢٩	اسپر خود
٢٤٧	٣٧	استخوانت را
١٨٣	٢٢	استخوان حرص
٣٦٧	٣١	« و باد
٦٢	٢٣	« و پشم
٣٨٠	٣٠	« و موی
٥٩	٢٧	استخوانهاشان
٣٣٧	١٧	استخوانها رفته
٨٩	١٠	استعیذالله
٢٩٦	١٣	استعینوا
٤٣	٣	استن این عالم
٤٣	٣٣	استن حنانه
٢٣٥	٥	استن من
٤٤٥	٣٧	استوی از
٣٨٦	٥	اسجد والادم
٣٩٨	١٠	اسرحی یا
٤٠٦	٢	اسلم الشیطان
٦٨	١٨	اسم خواندی
٢١٩	٢٤	اسم مشتق است
٢٧	١٩	اسم هرچیزی بر
٢٧	١٩	اسم هرچیزی تو
٢٧	١٦	اسم هرچیزی چنا
		ا - ش
٥١	٩	اشباهی و
٣٦٢	١١	اشباهی هست

صفحه	سطر	اول بیت
٤٠	٢٩	اشتر آمد
٤٠	٢٩	اشترا تنگ
١٣١	٢٧	اشتر از چستی
١٧٤	٢٩	اشتر از قوت
٣٦٢	١٢	اشتراك لفظ
٣٨٤	١١	اشتران بخشیم
١٨٧	٣٥	اشترانشانرا
٤٤٠	٣٢	اشتران شاه
٣٢٢	١٣	اشتران مصر
٨٩	٢٦	اشترش بردند
٢٣٧	١١	اشتر کوری
٤٤٠	٢٦	اشتر محمل
٤١٣	٢٣	اشترم من
٤٤٠	٢٥	اشتر و ایل
٣٨٨	٣٥	اشتر و گاو
٣٥٥	١٢	اشتری ام
٢٠٣	١٠	اشتری بد کو
١٢٤	٣٦	اشتری گم کردهٔ
١٢٣	٣٤	اشتری گم کردی
٢٩٧	٣٤	اشتها داری
٣٩٠	٣١	اشتها صادق
٣٨٣	٣	اشتهای گول
٨	٥	اشقیا را
٢٥٨	١٦	اشك از آن
٢٦١	٢٥	اشك خون بررخ
٢٨٦	٣٩	اشك خونست
١٤	٢٧	اشك دیده
٣٨٣	٦	اشکش از
٣٧	١٧	اشك کان
٤٢٢	١٣	اشکم پر لوت
٤٢٢	١٣	اشکم خالی
١٤٨	٣٥	اشکمش
٣٠٩	٣٤	اشك می باردچو
٣٠٨	١٧	اشك می باروهمی
٤٠٧	٣٣	اشك می بارید
٤٢٣	١١	اشك میراند
١٧٢	٣٠	اشك میرفت
		ا - ص
٤٣٦	١٦	اصبع اندر
١٦٧	١٠	اصبعت در
١٨١	١٣	اصبع لطفست
٤١٥	١٠	اصبع ملدوغ
٦٧	٢٣	اصطلاحاتی است
٤١١	١٩	اصطلاحاتی میان
٦٩	١٤	اصل آب
١٦٥	٧	اصل آن ترکیب
٢٤٤	٤	اصل ارض الله
٢٠	١٩	اصل ایشان
٢٩٧	٧	اصل این شاخست
٢٤٧	١١	اصل این نور
٣٠٨	٤	اصل بیند دیده
٣٧٤	٢٣	اصل خود جذب
٣٤١	٢٤	اصل دان
٣٢	٣٢	اصل را

صفحه	سطر	اول بیت
٥٠	٢٣	اصل روغن
١٧٩	١٦	اصلشان بد
٣٣٣	٣٤	اصل صد یوسف
٢١٢	١٢	« ظلم
٣٧	١٣	« غیرتها
٨٣	٢٩	« کینه
٢٤٧	٣٤	« لشکر
١٩١	٢	« مارا حق
٢٥٢	٣٦	« ما و اصل
١٨٦	٣٢	« ماهی
١٤٤	٣٥	« نعمتها
١١٩	٢٥	« نقدش
١٤٣	٢	« و اجداد
١١٦	٣٧	« و سرچشمه
		ا - ض
١٨٢	٥	اضطراب ماه
١٨٢	١٢	اضعف مرغان
		ا - ط
٢٩٦	١٤	اطلب الدر
١٦	١٥	اطلب المعني
١٦٠	١٨	اطلبوا الارزاق
٣٧٨	١٣	اطلست عمرو
٢٤٤	٧	اطلس تقوی
٣٧٧	٣٦	اطلس چه
٣٧٨	١٤	اطلس عمرت
٣٧٨	١٣	اطلسی کز
		ا - ع
٢٥٠	٥	اعتباری گیر
٧٤	٣٣	اعتراض او را
٢١٩	١٤	اعتقاد اوست
٤٣١	١٤	اعتقادش داشت
٤٣١	١٧	« نیست
٤٣٢	٣١	اعتقاد واعتقاد
١٢	١٠	اعتماد جمله
٢١٨	٢٤	« زن
١٤٥	١	اعتمادش بر
٣٣٢	٣٧	« برهزار
٢١٨	٢٥	« بود از
١٧٤	٢٠	« بود بر
٣٢٧	١٢	« نیز
٢٧٩	٢٩	« نیست
٦٦	٤	اعتمادی بود
١٧٤	٢١	« داشت
٤٠٨	١١	« کرد
٣٦٢	٩	اعجمی ترکي
١٩١	٦	« چون
٢٧٧	١	اعطماشاؤا
١١١	٥	اعمی روشن
٢٤٣	١٦	اعور آن
		ا - غ
٢٨٣	٣٠	اغتذبالنور
٦٨	١٠	اغلب الظنین
٢١٩	٣٦	اغنیا مانندهٔ
		ا - ف

صفحه	سطر	اول بیت
٢٥٧	٨	افتخارازرنگ
٢٧٧	٢١	افتد اندر دام
٤٤٤	١٨	افصح الایام
١٤٥	٢٤	افرحوا
١٨٤	٣٤	افعئی برپشت
٩٥	٢٧	افکن این
		ا - ق
١٧١	٢٥	اقتدا کردند
٣٥٤	١١	اقتضای جان
١٧٦	٣٨	اقتضای
١٩٨	٣٨	اقتلونی اقتلونی
٧٦	٧	اقتلونی یا
٣٢٥	٧	اقرضوا الله اقرض
٢٨١	١٣	اقرضوا الله قرض
		ا - ك
٢٣٨	٢٨	اکثراهل
٦١	٢٨	اکه وابرص
		ا - ل
١١٧	٣٠	البقة
٢٢٨	٢١	التجا بر تست
١٨٢	٣٢	الحذر ای گل
٦٥	٢١	الحذر ای مؤمنان
١٩٢	٢٥	الحذر ای مرگ
٣٥٥	٣٠	الحذر ایناقصان
٤٠٢	٣٨	الحق اندر
٢٢٠	٢٢	الخبیثات
٤٢٨	٨	الذی جعل لکم
١٠٣	٣٨	السماء
٦٩	١٠	الشقی
١٥٠	٢٨	الصلا ای جمله
١٩٢	٢٦	الصلا ای لطف
٤٧	٩	الصلا ساده
٢٢٧	٣٩	الصلا گفتیم
٣٨٨	٣	الضیافه
٣٥٥	١	الغیاث
٥٤	٧	الف این
٣٥٥	٣٠	الفرار ای
٣٨٨	٣	الکیاسه
٩٠	٢٦	النبي قد
٣٨	٢٢	الوداع ای خواجه
٣٨	٢١	الوداع ایخواجه
١٥	٢٥	الوداع ایدوستان
٣٠١	١١	الله الله الله
١٤	١	« این جفا
٣٤٢	٢٤	« این چه
٢٥٨	٧	« با چنین
٢٥٨	٥	« تاکنون
٢٥٨	٤	« ترك
٢٥٨	٣	« تو گمان
١٤١	٣٢	« جمله
٢٥٨	٦	« چون ز
٢٥٨	٥	« چون عنایت
٣٦٢	١٦	« چونکه
٢٥٨	٦	« چونکه عصبا

صفحه	سطر	اول بیت
١٩٩	٢٣	الله الله در
٤٠٥	٣٧	« زان
٢٥٨	٢	« زود بشتاب
٢٥٨	١	« زودبفروش
٢٥٨	٤	« زودتر
٢٥٨	٣	« زوددریاب
٣٤٠	١١	« گرد
٢٥٨	٢	« گوی شد
٨٧	٩	« میزنی
٢٥٨	١	« هیچ
١٤	٢٢	« یك نظر
		ا - م
٧٣	٨	امت احمد
٢٢٩	٣٥	امت العشق
٢٩٥	١٧	امت الکفران
١٤٩	١	امتحان برامتحان
٢٢١	٢	« چشم
٢٢١	٣٧	« خود
٧٠	٢١	« راکار
٣٢٠	١٢	« زین
١٨٠	١١	امتحانست
٢٢٢	٣	امتحانش گر
١٢٠	١٢	امتحان شیر
٢٢١	٨	« کردم
٧٠	٢٢	« کن جمله
٤٨	٣٤	« کن فقر
١٥٠	٢	« میکرد
١٢٤	٢٣	« های
٢٢٢	٥	« همچون
٢٢٢	٦	امتحاني گر بدانست
٣٩٤	٢٤	امت خود را
٦٢	٢٣	امت مرحومه
٣٩٣	٢	امتناع پیل
٧٣	٣٥	امت وحدی
١٥٢	١٣	امر آمد سوی
٣٥٣	٩	« آید در
٤١١	٧	امرؤالقیس آمد
٤١١	٥	« از
٣٣٢	٥	امر امرآن
٤٣٢	٤٠	« امر تست
٣٨٤	٣٢	« حق آمد
٢٣٧	٣٢	« حق بشنوکه
٣٢٥	٤	« حق جانست
٤٦	٧	« حق را باز
١٨٤	٨	« حق راماگروه
٤٤٠	٦	امردان را از
٤٤٠	٧	« بند
٤٠٨	٤٠	امردی و
٣٤٧	٤١	« سلطان به
٢٧٣	١٧	امرش آمد
٦٠	٣٦	امرشاورهم
٣٣١	٣٢	امر عاجز را
١٧١	٢	امر غضوط
٣٣٣	١١	امر قل زین

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۷	٤	امر کردی در
٦۲	۱۲	« کن
۳٤۸	۸	« ما پیش
۳۸۳	۲۵	« معروف
٤۳	۲٤	« می‌آمد
۳۲۵	۱۲	« وفرمان‌بود
۲۲۵	۲۵	« و فرمان‌را
۳۲۹	۳۱	« و نهی و
۳۷٦	۱۲	« هم‌شوری‌بخ
۳۹۱	٤	« هم‌شوری‌بر
٤۱۸	۱۵	امشب ارامکان
۱٤۷	۱٦	« باران
٤۱٦	۳۸	امن دیدی
٤۱٦	۳۷	امنشان
۲۹۱	۱	امن مأکولان
		ا - ن
۳۳۲	۳٦	انبساطی
۳۹۰	۲۲	ان‌بعض‌الظن
٤۱۵	۱٤	انبهی از تست
۲۱٦	۱٤	انبیا با دشمنان
۳۸۸	۲۸	« بودند
۲۵۹	۵	« چون‌جنس‌رو
۱۵	۲۰	« چون‌جنس‌عل
۱۷۷	۱۷	« در قطع
۱۵	۱۸	« در کار
۲۲۱	۲	« را امتحان
۱۹٤	۷	« را تنگ
٤۰۷	۳٤	« را حق
۳۹۸	۲۸	« را داد
۱۵	۱۹	« را کار
۱۰۰	۲٦	« را گفته
۹۱	۳۹	« را واسطه
۳۳۹	۲۲	« زان
۳٦۷	۱۸	« شان
۱۲۰	۱۹	« طاعات
۱۸۰	۳۷	« گفتند آوه
۱۸٦	۳۷	« گفتندباخاطر
۱۷۹	۳۰	« گفتنددردل
۱۸٤	۲٦	« گفتند فال
۱۸۳	۳٦	« گفتندکاری
۱۸۰	۱۰	« گفتند کاین
۱۸٤	٤	« گفتندنومیدی
۱۷۱	٤۱	« گویند
٤۳۸	۱۹	« میزان
٤۳٦	۵	« و اولیا
۳۲۵	۷	« هر یك
۳۳٤	۳۸	انت سر
۳۰۹	۳٦	انتظار چیستی
۲۳۵	۳۱	انتظارم کشت
۳۰۸	۳۲	انتظارنان
۳٦۲	۲۱	انت عقلی
۳۳۵	۱	« کالریح
٤۳۳	۱۵	« منی
٤	۲۳	« مولی

صفحه	سطر	اول بیت
۳٦۲	۲۰	انت وجهی
۳۵٤	۲۸	انجم آمد
۱۹	۱۲	اندرآئیداندر
۱۹	۱۰	« ای‌مسلمان
۱۹	۱۰	« ای‌همه‌پر
۱۹	۱۱	« ای‌همه‌مس
۱۹	۱۱	« و
۳۸۲	۲۹	اندر آینه
۱۹	٤	« آ اسرار
۷٤	۱۷	« آ اکنون
۲۸۲	۲۳	« آتش
۱۹۲	۱۵	« آخر حمزه
۳٤۸	۳	« آدرجو
۱۷٤	۱۷	« آدر حبس
۵۹	۳۷	« آدر سایه
۷۷	۱۳	« آدرگلستان
۷٤	۱٦	« آ کازاد
۱۹	۳	« آمادربین
۱۹	۷	« آمادر بحق
۱۹	۸	« آمادر که‌اقبا
۱۹	۲	« آمادر که‌من
۳۷۰	۹	« آمداوز
۳٦۲	۲٤	« آمد پیش
٤۱۸	۲٤	« آمدجوحي
۲٦	۲۲	« آمد چون
۱۹۹	۲۱	« آمددربخارا
۱٦۲	۱	« آمددیگری
٦	۱۷	« آمد شاد
۱۹	۱۳	« آمد مادر
٤۱۷	۱٤	« آمد مست
۷٤	۲٤	« آمن در
۹۷	۳۱	« آن ایام
۷۹	۲۵	اندرآن‌بازار
۲۰۷	۲۵	« بازی
۱۹۲	۱۱	« باغ
۲۳۳	۲٤	« بحرو
۲۰٤	۱۷	« بستان
۲۱٦	۲۳	« بودیم
۹۸	۲۱	« تقریر
۳۲٦	۳۷	« جز
۱۹٤	۳	« حلقه
۳۱۷	۵	« حمام
۱۲۲	۱۲	« حمله
٤۱۳	۲۷	« دستی
٤۱۸	۲۳	« دم
۱۷۸	۳٤	« ده
۲٤۳	۲۷	« رقعه ثنا
۳۸۱	۲۰	« رقعه‌نوشته
٤٤۱	۸	« روزی
۱٤٦	٤۱	« ره
٤۰۲	۲۷	« زندان ز
٤٤٤	۳۵	« زندان نهد
۱۲۵	۱۱	« صحراکه‌آن
۲۰۲	۳۳	« صحرا که

صفحه	سطر	اول بیت
۳٤۹	۳۱	اندرآن‌صفها
۲۵۰	۱٦	« طفلی
۲۰۲	۳۳	« عالم
٤۰٦	۳٤	« قامه
۲۹۸	۳٤	« کاریکه‌ثا
۲۹۸	۳۵	« کاریکه‌دا
۲۲٦	۲٦	« کفه
۱٦۳	۲٤	« که بود
۲۰۳	۱۱	« مزرع
۳۳۷	۱۲	« می
۱۸۷	۳۳	« وادی
۳۷۷	۱۹	« هنگامه
۱۹	٤	اندر آوآب
۱۹	۹	« آودیگران
۳۷۵	۳	« آوردش
٤۱٦	۳۹	« آید تا
۲۷۱	۲۵	آید لیك
۲۷٦	۲۵	« احمد
۱۵۹	۱۵	« استغنا
۱٤۰	۱۷	« افتادند چون
۲۷۳	۳۸	« افتادند در
۳۱۳	۳٦	« افتادنددرهم
۱٤۷	۳۰	« افتادن‌ز
۳۲۷	۳۸	« افتد
۱۸۷	۲۹	« افتم
۲۰۳	۲۵	« الهیکم بجو
۲۰۳	۲٦	« الهیکم بیان
۲۷۹	۲۷	« انبان
۱٤۷	۳۱	« او اشکال
۳۰۹	۲۸	« اویك خیرو
٤٦	۲۲	« ایام
۵۱	٦	« ایشان‌بنگر
۲۹	۳	« ایشان‌تافته
۲۱۹	۳۷	« ایشان‌حرص
۱۹	٦	اندراین آتش
۲٦۰	۳۱	« آخر
۲۲۳	۳٤	« آهنگ
۳۲۳	۲۲	« امت
٤۱۵	۵	« اندیشه
۳۸٤	۵	« بود او
۳۸۷	۱۱	« بود او
۳۷٦	۳۵	اندر اینجاآفتاب
۱۲۳	۱٤	« هیچ
۳۹۹	٤۲	اندراین جوغنچه
٤۰۰	۵	« جوهرچه
٤۰۰	٦	« جوهرچه
٤۰۰	٦	« جوهرچه
۳۱۳	۱۱	« دو
٤٤۵	٤۳	« ره‌بایدت
۷٤	۳٤	« شهر
٤۷	۱۹	« عالم
۱۷	۱٦	« فتنه
٤۱۷	۷	« فسخ
۳۹۹	٤۰	« کاشان

صفحه	سطر	اول بیت
۲٤۱	۲٤	اندراین کون
۱۲٤	۲۰	« گردون
٤۰۲	٦	« گرمی
۲۱۳	۳٦	« معنی‌پیر
۳٤۱	۳۱	« معنی‌حک
۱۰۳	۲۹	« معنی‌شنا
٤۳٤	۲٦	اندروبستان
٤٤۵	٤٦	« تبدیل
٤۳۸	۳۲	« قصری
٤۰۲	۳٦	اندرون پر شور
۳٦	۱۸	« تست
۹۱	۱۷	« خانه
٤۲۲	۳۳	« خویش
٤۱٦	۲۷	« زهر
٤۱۸	۳۱	اندرونش
٤۰٤	۳۸	اندرون‌گاو
٦٤	۲٦	« میسوختنت
۱۷۸	۲۸	اندرو نوع
۱۲۰	۳۵	اندرون هر
۱۰۸	۲۵	اندرونی حیله
۱۲۵	۹	اندرین‌اشتر
۱٦٦	۳۵	« اندیشه‌تشو
۷۱	۳	« اندیشه‌میبو
۱۲۳	۲٤	« اندیشه‌خوا
۳٤۰	۳۷	« باران
۳٤۹	۲	« بحث
۱۸۹	۲۱	« بودند
۸۰	۲۸	« چشم
۲۹۳	۸	« دشمن
۲۳۸	۳۳	« ره ترك
۳۸	٦	« ره مبتراش
۳۱	۲	« فکرت
۱۵۲	۱۲	« کوچه
۱۵۸	۱۱	« گفتن
۲۱۲	۲۷	« محضر
۱۸٦	۲۱	« معنی‌بگویم
۱۳٤	٤٤	« معنی مثالی
۳٦۳	۳٦	« نشات
۱۱	۱٦	« وادی
۱۵۵	۷	« ویران
۱۷۸	۲۲	اندك‌اندك‌آب را
۲۵۰	۲٦	« خوی
۹۰	۱۹	« می‌ستا
۲۹	۱۰	« نور
۱٦۱	۲۲	اندکی اندر
٦۳	۲٦	« جنبش
۱۵٦	۳۳	« چون
۳۹۲	۲۲	« زان
۲۹۵	۲۰	« زین شرب
۲۲۰	۱٦	« سرگین
٦۳	۲۵	« صرفه
۲۵۵	۳۱	« گفتم بتو
۳۳۳	۲۱	« گفتم زآن
٤۳۱	۳۰	« گندم

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۸	۲۲	اندکی من
۲۹٦	۱٤	ان رأیتم
۱٤٦	۱٤	انس تو با دایه
۱٤٦	۱٤	« تو با شیر
۱٤٦	۱۳	« تو با مادر
٤٤٦	٤۷	« وجن
۲۷۹	۹	ان شیئاً
۱۸۰	۱۷	انصتوابذیر
۱۳۱	۳۷	« را
۳۳۳	۱۱	« یعنی
۲۸۸	۱۸	انفقوا گفتست
۲۸۳	۳۰	ان‌فی‌الجوع
۷٦	۸	ان‌فی‌موتی
٤٤۵	٤٤	انقلاب
۳۰٦	۳۸	انگبین دارو
۳۵۲	۱۰	« گر زانکه
۱۹٦	۱۱	انهم تحت
		ا - و
۲٦۳	۲٦	او ادب
۱۷٦	۲٤	« از او صد
۱٦۰	۲۷	« از این
۳۳۸	۲	« اگر دیوانه
۲۳٦	۲۱	« اگر معزول
۳٤٦	۲۹	امین من
۲۸٦	۸	« بیند نور
۱۹۳	۲۱	« بینی
۱۰۱	٤۰	« بپوشد
۱۲۷	۱۰	« بتسبیح
۷۷	۲۳	بتیغ
۲۸۰	۳۵	« بجد می‌شست
۱٦۲	۱۰	« بحسن وجلوه
۱۳۹	۲	« بحکم حال
۳۱٦	۳۱	« بحمام
۱۷٦	۱۵	بخودبرداشت
۳۰۵	۲۸	« بداد کل
۳٤٦	٦	« بدان قوت
۱۹۱	۳۳	« بدریا رفت
۱٤۹	۵	« بدعوی
۱٤۳	۹	« بر آرد
٦۲	۳۱	برون رفته
۱۷۹	۱	« برهنه آمد و
٤۲۱	۲۸	« بسر با خالق
۱۰	۱۳	« بسر دجال
۱۷٤	۱۸	« بسوی آسمان
۱۲۷	۱۸	« بسوی سفل
٤۲۸	۱٤	« بسیزده سال
۳۳۷	۲۹	« بسی کوته
۱۵۵	۲۵	« بسی مردم
۳۰۷	۳۲	« بصنعت
۱۰	۸	« بظاهر
۲۰۰	۱۲	« بعکس شمعها
۱۸٤	۷	« بفرمودستان
٤۷	۱٤	« بقصد
٤۱	۷	« بقول

صفحه	سطر	اول بیت
٤٤٧	٢٦	او بکردوکار
٧٤	٢٣	« بکوشد تا
٤٠٦	٢٥	« بگرداند دل
٣٢٦	٣٧	« بگفتی خانه
٤٠٥	٢٠	« بگفتی مر
١٦٨	٢٤	« بگفتی یارب
٣٩٩	٣٥	« بگوید رو
١٨٤	٣٦	« بگوید نی
٢٩٢	٣٥	« بمانده در
٥٧	٣	« بمانده دور
٢٢٢	١٧	« بنسبت
٢٩٩	١٥	« بنوروحی
٤٣٠	٢٠	« بود اندر
٣٦٥	٣١	« بود حاضر
١٥٩	٣٦	« بود سلطان
١٣٥	٣١	« بود محروم
١٤١	٣٥	« بهانه ساختی
١٤١	٣٥	« بهر سالی
١١٣	١٣	« بهر شهری
٨٦	٣٣	« بیابد
١٠	٧	« بیان میکرد با
١٠	٨	« بیان میکرد
٣٧٤	٢٩	« بیك مشتم
٢٦٤	٢٨	« پذیرای
٣٩٨	١٢	« پریراز
٣٧٩	١٢	« پس از تو
١٧٠	٣٤	« پلیدی را
٦٩	٣٠	« ت گوید
٤٠٧	٣٦	« تو است
١٠٩	٢٤	« توئی خودرا
٨٠	١٣	« جبلست
٢٤	١١	« جواب
٩٨	٨	« جوانتر
٥٩	١٢	« جهان
٢٩٥	١٥	« چراغ خوش
١٦٥	٥	« چنان پنداشت
٥٩	٢١	« چنان پیراست
٢٩٠	٣٤	« چنان غرقست
١٠٢	٢٠	« چنین خوش
٦٨	٣	« چنین و
٣٨٧	٥	« چوآبدیده
٢١٢	٢٤	« چو آمد من
١١	٣١	« چو باشد
٢٣٦	١٦	او چو بیداریست
٣٨	٢٨	« بیند
٣٧	٩	« جانست
١٤٩	١٥	« ذوق
٣١٨	٢٩	« عقل
١٤٢	٢٥	« فارغ
٢٧٤	٣	« فرعونست
٩١	١٨	« موسی
٨٠	٢١	« میخواند
٩١	٤٤	« نور است
١٧٢	٢١	او چه اندیشد

صفحه	سطر	اول بیت
٣٣٧	٤١	او چه داند
٣٨	١١	« چه کرد
١٠٥	١٢	« چه می بیند
١٨٧	٢١	« حکایت کرد
٣٠١	٧	« حملناهم بود
٧٢	٣٣	« خدوانداخت
٧٢	٣٣	« خدوانداخت
٣١٢	١٠	« خروس
٣٨٥	١	« خود از
٩٦	٣٣	« خورد
١٩٧	١٧	« در آخر
١٦١	٣٦	« در آمد
٤٤٥	١٧	« در آنجای
٤٠٢	٣٧	« در این حیرت
٤٤٣	٢٣	« دراین میدان
٢٠٧	٣٠	« درخت
٩٥	٢٥	« درون دام
٢٠٩	٩	« دات را
٣٥٦	٢٧	« دلش دادی
٤٣٤	٨	« دلیل راه
٣٧٣	٣٥	« دو آلت
١٩٨	٣٦	« دو صد جان
١٢٩	٢٣	« روانست و
٩٧	٣٠	« ز بانگ
٩٦	١٨	« زبحرعذب
٣٧٠	١٩	« ز بیجونی
١٩٨	٢٤	« ز تو آهن
٤٢٨	٤٠	« ز تو درکار
٨٤	١٦	« ز تو رو
٣٠٠	٤	« ز جمله پاك
٣٩٧	٢١	« ز حق در
٢٤٠	٩	« ز حیوانها
١٧٤	٧	« ز خشم آمد
٤٣٣	٤٣	او زرالوزرای
٣٩٨	١٩	او زرم داد و
١٩٦	٢١	« ز روی
١٥٣	١٢	« ز سرماها
١٠١	٩	« ز شرعامه
١٥٠	٨	« ز صیادان
١٠١	٩	« ز عار
٤٣٣	٣٢	« ز فرط
٣٤	٢١	« ز قعر
١٠٩	٢١	« ز موسی
٤٣٠	٣٢	« ز نادانی
١٩٢	٣٣	« زنا کرد و
١٣	٢	« ز یك رنگی
٣٣٠	١١	اوستادان
٢٥٦	٨	اوست بر هر
١١٨	١٧	اوست بر هر
٢٧٦	٢٧	اوست بی تغییر
١٦٦	٣٦	اوست تنها
١١٦	٢٠	اوست دیوانه
٤٢٩	١٣	اوست هر
٣٣٦	٨	اوستیزه کردو

صفحه	سطر	اول بیت
٤٣٦	٤٧	او سرم بشکافد
٤٣٩	١٠	« سعادتمند
١٤٦	٢٩	« سگ فرخ
٤٠١	٢٦	« سواره گشت
١٤٤	٣١	« شده تسلیم
٤٣٣	٣٠	« شده درمملکت
١١٢	٣٤	« شریفی میکند
٣٥٤	٢٠	« شفیع است
٤٣٤	٧	« شفیع و
١٤١	٤	« شکسته
٣٧٢	٣١	اوش افزاید سخت
٣٧٢	٣٠	« و
١٠٤	٣٠	او شناسد بوی
٣٨٥	٣٤	« صله است
٨٥	٢٨	« طبق
٤٣٤	١٢	« طبیب و
١٢٥	١٢	« طلبکار
١٨٦	١٧	« عجب مانده
١٦٩	٢٩	« عجب میماند
٣٣٠	٣٥	« عدوی جان
٤٤	١١	« عصاتان
٤٣٤	٢٢	« علی التحقیق
٢١٧	٧	« عوان را
٤٤٠	١١	« فتاده در
٣٢٤	٣١	« فرو افکند
١٧٣	٣٢	« فضولی بود
٣٧٢	٢٢	« قفایش دید
٣١١	٢١	« کجا بود
٣٩٨	١٩	« کله بخشید
٤٣٢	٢٠	« گذشت و
٣٤٩	١	« گریزان و
١٩١	٤	« گریزانید
١٩٩	١٧	« گلستانی نهانی
١٦٥	١٢	« گمان برده که او
٤١٧	٦	« گمان برده که اش
٨	١٥	« گمان برده که من
١١١	١٢	« گمان دارد که با
٣٠٣	١٩	« گمان دارد که می
٢٠٨	٣	« گناهی کرد
٢٥١	٣٥	اول آن پند
٦٧	١٧	اول آنکس
١٣٥	٢٠	اولا اخوان
٢١٣	١٢	« بشنو که
٥٩	٥	« بشنو که
٣٩٧	٣٣	« بر بست
٣١٧	٤٠	اول ابلیسی
١٤٦	٢	اولا خرگاه
١١٥	٢٦	« دزدید
٣٧٠	٣٢	اول ارشد
٢٦٢	١٥	« از بهر
٤١٧	٣٥	اول استعداد
٣١٧	٣٦	« او را
٣٦٥	٢١	اولا وقت
١٠	١٦	اول ای جان

صفحه	سطر	اول بیت
١٧٢	١٧	اولش پوشیده
٢٣٧	١٥	اولش دودو
٢٥٩	٣٢	« دود و در
٢٩٦	١٣	« علمست
٣٧٢	٣٧	اول صف
٩٤	٥	« فکر آخر
٢٢٤	٣٥	« فکر آخر
٣٥٥	١٠	اولم این
١٣٣	١	اول و آخر باید
٢٧٢	١٠	« و آخر توئی
١٣٣	٢	« و آخر نشانت
٣٩٣	٣٠	« و آخر هبوط
١٤٦	١	« هر آدمی
١٤٦	٢	« هر میوه
٦٣	٢٩	اولیا اصحاب
١٣٩	١٨	« اطفال
٤٣٢	١٠	« ء الله
١٩٤	١٦	« را خواب
١٩٣	٨	« را داشتی
٣٩	٣٥	« را در
٣٥	٢٢	« را هست
٤٣٠	٢٨	اولین افتاد
٤٢٨	١٨	« باشد
٢١٣	٩	« خلعت
٣٥٥	٢٠	« خون
١٤٢	٣٤	« در را
١١٦	٨	او مجال راز
٢٧٧	٢٢	« محك میخواهد
٣٢٥	٥	« مذلت خواست
٤٤٥	٥	« مرا چندان
١٢٠	٢٢	« مرا غماز
٤٠١	٩	« مع الله
٣٠١	٩	« مقلد وار
٢٧٣	١	« مکرر کرد
٦٩	١٣	« مگر بنظر
٣٥٥	٢٥	« مهذب
٣٠٥	٢٢	« میان بست
٣٩٠	١٩	« میان بنمود
١٣٥	١٢	« میانجی شد
٥٣	١٠	« نباشد
٢٤٠	١	« نبیند جز که
٣٥٦	٥	« نبیند غیر
٢٨٧	٢٤	« نخواهد کاین
٣٦١	١١	« ندارد خواب
٣٣٨	١	« ندارد خود
٤٧	٩	« ندا کرده
٤٣٩	٢٤	« نداند زابلهی
٤١٤	١٦	« نداند قدر
٢٠١	١٥	« نداند کان
١٩٤	١٥	« نداند که تو
٣٨	٢٩	« نداند که هزار
١٢٥	٢	« نشان کو
١٢٧	٣٧	« نشسته برسر
٦٧	١٠	« نشسته خوش

صفحه	سطر	اول بیت
٣٣٧	١٥	او نظر میکرد
٢٦٦	٤	« نکرد این
٧	٧	« نگشتش
١٦١	١٤	« نگردد گرمتر
٣٤٣	٢٣	« نگشتی
٣٩٨	٣٢	« نگفت این
١٥	١٨	« نماید هم
٣٦٨	١٠	« نمودت
١٠٣	٢٣	« نمی خندد
٢٢٠	١٢	« نمیدانست کاند
١٦٥	٦	« نمیدانست کایشه
١٤٣	٣٠	« نمیدانست گرد
٢٤٩	٣٩	« نه اینست
٨٤	١٧	« نیابد
١٦١	١٥	« نیفتد در
٣٩٨	٢١	« وثاقم
٣٩٨	٢٠	« وظیفه
٤١٧	٥	« وکیه
٤٣٤	٣٩	« هلالی دید
٤٢٩	١٠	« هم ارچون
١٤٩	٢٥	« هم از نسل
١٦٢	٣٨	« همان دست
٣٩٩	٣٨	« همت زانسو
٩٦	٢٧	« همه نور است
٧٤	٣٠	« همی افتد
١٤٢	١٥	« همی بانگی
١٤٠	٣	« همی بیند
١٥٣	٦	« همی جستی
٢٥٢	١٤	« همی جوشید
٢٠١	٧	« همی خواهد کز
١٤٢	٢	« همی خواهد که
٢٢٨	٤	« همی دانست
١٤٧	٦	« همی دیدش
٣١٧	١٦	« همی زاریه
١٥٤	٢٩	« همی شداژدها
١٨٨	١٨	« همی شدبی سر
٣٦٦	١٢	« همی گردانده
٢٥٢	١٤	« همی گفت از
١٨١	٣١	« همی گفت این
١٤٧	١١	« همی گفتش چه
٧٤	٢٩	« همی گوید بکش
١٤٣	١٤	« همی گوید عجب
٢٨٤	٢٩	« همی گوید که از
٣٣٠	١٧	« همی گوید که ا
٤٠٦	٢٧	« همی گوید که ه
١٤٤	٢	« همی گوید که ه
٢١٩	١٤	« همی گوید مراد
١٥٣	١١	« همی مرده
٣٤٧	٢٠	« همین گفت و
٢٤٩	٢٤	اوی او
٣٣٦	٢٧	او یکی جان
		ا ـ ه
٣٩٥	٢٦	اهبطوا افکند
٣٩٥	٢٥	«

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۱	۱	اهدنا گفتی
۲۴۲	۱۹	اهل آن عالم
۱۹۰	۱۶	اهل الهام
۱۴۶	۴۰	اهل تن را
۶۹	۲۵	اهل جنت
۶۸	۲۶	اهل چین
۳۶۵	۵	اهل دل همچون
۴۰۲	۲۰	« دنیا جملگی
۲۹۲	۱۵	« دنیا زان
۱۸۵	۱۴	« دنیا سجده
۳۱۲	۱۴	« دنیا عقل
۷۲	۲۹	« دین را
۴۱۵	۱۴	« دیوان
۹۲	۱	« صف
۵۵	۲۷	« صورت
۶۸	۳۸	« صیقل
۱۷۲	۹	« کشتی از
۲۱۸	۱۴	« کشتی همچنین
۵۲	۱۴	« نار و اهل
۵۲	۱۲	« نارو خلد
۵۲	۱۴	« نارو نور
۱۴۵	۲۰	« وفرزندان
		ا - ی
۲۹۵	۲۲	ای اجل وی
۲۰۲	۱۶	« اخاف الله
۴۴۷	۴	« اخی تسع
۳۸۷	۸	« اخی دست
۳۹۲	۳۲	« اخی من
۱۷۰	۳۲	« امام چشم
۳۳۲	۲۵	« امین الدین
۳۳۵	۲۹	« ایاز از تو
۳۱۱	۱	« ایاز از درد
۳۳۷	۴	« ایاز استاره
۳۴۷	۲۷	« ایاز اکنون بگ
۳۱۴	۳۵	« ایاز اکنون بیا
۳۱۵	۷	« ایاز این کار
۳۳۴	۷	« ایاز این مهر
۳۴۱	۲۶	« ایاز پر
۳۴۹	۴	« ایاز گشته
۳۴۷	۷	« ایاز نره
۷۹	۲۶	« بیرده رخت
۲۲۵	۲۳	« بیرده عقل
۳۶۱	۳۳	« بیسته
۱۹۹	۱۵	« بخار اعقل
۱۴۸	۲۰	« بخورده از خیا
۴۵	۱۰	« بخورده خون
۱۷۲	۲۷	« بداده
۱۷۶	۲۱	« بده
۲۹	۷	« بدیده خال
۲۱۲	۳۱	« بدیده در
۳۴۷	۸	« بدیده لذت
۲۴۱	۲۸	« بدیده لوتهای
۳۳	۲۵	« بدی که
۲۷۱	۱۷	« برادر این

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۵	۱۳	ای برادر این مثال
۶۵	۴	« بر
۱۴۱	۳۰	« بود
۸۳	۳۱	« تو
۳۰	۲۰	« چون
۱۸۷	۳۰	« خود
۲۶۷	۱۴	« دانکه
۷۱	۱۵	« دست
۲۸۵	۲۲	« دوستان
۶۰	۲۵	« صبر
۸۶	۱۳	« طفل
۳۹	۱۷	« عقل
۱۳۴	۷	« قصه
۴۴۵	۴۱	« گر ترا
۲۰۵	۵	« من
۱۱۳	۴۱	« موضع
۳۹	۱۶	« یکدم
۱۲۰	۷	ای براین
۳۳۵	۵	« برون از
۳۸۳	۲۸	« بریده آن
۳۵۹	۲	« بزر بفت
۱۴۶	۹	« بسا از نازنینان
۱۰	۳۲	« بسا اصحاب
۴۶	۵	« بسا امساك
۳۹۸	۲۵	« بسا بنیاد
۱۵۶	۲۹	« بسا بیدار
۱۶۴	۳۰	« بسا حاجی
۱۴۶	۹	ای بسا حمال
۳۴۳	۲۸	« خامی
۱۰۹	۲۲	« دانش
۳۹۶	۳۰	« در گور
۱۸۱	۴	« دولت
۲۵۰	۱۳	« ریش
۳۹۰	۳۸	« زجری
۳۰۳	۵	« زراق
۲۵۰	۲۰	« زرسیه
۳۹۵	۱۶	« زر که
۳۰۲	۱۵	« سرمست
۱۴۱	۱۴	« سگ
۳۰۳	۵	« شوخان
۵۲	۲۱	« شیرین
۲۸۹	۲۵	« صیاد
۲۱۴	۷	« طوطی
۲۹	۳	« ظلمی
۱۸۶	۹	« عالم
۳۸۷	۲۲	« علم
۱۶۴	۲۹	« قاضی
۱۸۴	۵	« کاراکه
۴۰۵	۴	« کاریز
۱۱۹	۲۲	« کز وی
۹۷	۷	« کس را
۲۵۳	۳۲	« کس رفته
۹۰	۳۲	« کس مرده
۸۶	۲۸	« کس همچو

صفحه	سطر	اول بیت
۶۴	۳۰	ای بسا کفار
۲۸	۱۳	« که
۱۳	۲۲	« گنج
۱۶۴	۲۸	« ماهی
۴۱۴	۲۲	« مخلص
۱۶۲	۳۸	« مرد
۱۶۴	۲۷	« مرغا
۱۶۴	۲۸	« مرغی
۲۵۰	۲۰	« مس
۱۶۴	۲۹	« مستور
۲۳۴	۱۶	« مسجد
۱۸۱	۴	« معشوق
۳۵۶	۳	« مهتر
۲۸۷	۳۷	« ناز آوری
۲۸۷	۳۵	« نازا که
۳	۱۶	« ناورده
۳۴۳	۳۰	« نفس
۲۶	۳۶	« هندو
۳۶۴	۳۶	ای بصورت
۲۴۲	۱۷	« بکرده اعتماد
۳۸۶	۳۴	« بکرده یار
۴۰	۳۰	« بگشته
۴۱	۹	« بلال افراز
۴۱	۹	« بلال ای
۲۸۲	۲۲	« بلال خوش
۴۳۳	۲۱	« بلند اختر
۱۲۰	۳۶	« بلبس
۲۱۰	۲۷	« بنازیده
۲۵۶	۲۳	« بیك برگی
۳۰۸	۳۳	« پدر الانتظار
۴۴۴	۴۴	« پدر تو
۱۷۸	۴۱	« پسر هر
۱۶۰	۳۵	« تقاضا گر
۱۰۰	۴	« تن آلوده
۴۲۰	۱۷	« تن اکنون
۴۴۳	۲۷	« تن تو
۴۱۸	۲	« تن صد
۴۱۷	۳۹	« تن کز
۴۲۰	۹	« تن گشته
۳۶۶	۸	« تن من
۴۵	۲۲	« تو از حال
۲۵۱	۱۹	« تواضع
۸۷	۲۱	« توانگر
۲۲۶	۳۵	ای تو بنده
۳۴۹	۱۲	« پاك از
۳۷۹	۷	« جویای
۲۱۲	۹	« در اطباق
۲۲۹	۷	« در پیکار
۳۶۷	۲۶	« در صدق
۱۵۷	۲۱	« در کشتی
۳۴۶	۱۹	« سبحان
۲۹	۲۴	« شیری
۴۳۳	۳۹	« ضحاك
۲۴۴	۳۷	« کام جان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۴	۳۸	ای تو کرده
۴۴۲	۳۶	ای تو گشته
۳۳۸	۱۱	ای تو مات و
۳۶۲	۲۴	ای تو میر آب و
۵۵	۱۹	ای تو نارسنه
۳۰۴	۳۹	ای جفایت به
۳۳	۲۵	ای جفای تو
۳۶۸	۲۷	ای جهانرا
۳۷	۲۸	ای جهان کهنه
۷۷	۱۰	ای جهودان
۴۰۰	۲۰	ای چوبجراز
۱۷۳	۵	ای چو خربنده
۴۲۰	۱۰	ای حبیب الله
۳۳	۲۲	ای حریفان با
۲۰۳	۱۴	ای حریفان من
۲۴۹	۱	ای حسام الدین
۴۴۷	۳۵	ای حسام و
۲۳۱	۸	ای حطیم امروز آرد
۲۳۱	۷	ای حطیم امروز آ
۲۳۱	۸	ای حطیم امروز
۴۴۱	۸	ای حکیم بی نظیر
۴۴۱	۱۶	ای حکیم کارساز
۴۴۶	۷	ای حکیم کارسازغ
۴۱	۱	ای حمیرا
۳۵۲	۱	ای حیات دل
۳۶	۳۴	ای حیات عاشقان
۴۵	۲۱	ای خبرهات
۱۱۳	۳۸	ای خجسته
۳۱۷	۱۳	ای خدا آن کن
۳۹	۸	ای خدا ای فضل تو
۷۵	۲۴	ای خدا ای فضل ت
۳۹	۸	ای خدا ای قادر
۱۰۹	۲۷	ای خدا این سنگ
۴۱۸	۳۷	ای خدا بگمار
۱۵	۲۱	ای خدا بنما تو
۳۰۹	۴	ای خدا بنمای
۴۴۷	۴۱	ای خدا تو
۶۲	۸	ای خدا جان را
۴۵	۱۳	ای خدا فریاد
۳۱۷	۱۸	ای خدا و ای خدا
۱۴۳	۱	ای خداوندای
۵۵	۸	ای خداوند این
۱۰۸	۱۹	ای خداوند و
۴۶	۴	ای خدایا مسکان
۴۶	۴	ای خدایا منفقان
۴۵	۱۰	ای خدای با
۲۸۴	۴	ای خدای بی
۹۰	۷	ای خدای پاك
۴۴۱	۱۰	ای خدای جنت
۲۳۷	۲۶	ای خدای راز
۱۰۵	۲۷	ای خدای من
۴۳۵	۳۱	ای خدنگی
۳۲۷	۳	ای خر از استیزه
۱۴۵	۲۷	ای خران کور

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۴	۲۵	ایخرد برکش
۴۰۹	۳۴	ایخرد کو
۳۱۲	۱۳	ای خروسان
۱۴۸	۱۰	ای خری کاین
۳۲۵	۳۸	ای خس بی شرم
۱۸۲	۲۷	ای خلیفه زادگان
۲۷۹	۲۰	ای خلیل اندر
۲۸۶	۵	ای خلیل اینجا
۲۳۳	۳۲	ایخنك آنجان
۹۷	۳۱	« آنرا که او
۱۰۸	۱۶	« آنرا که بیند
۲۳۸	۱	« آنرا که بیش
۳۳۵	۲۰	« آنرا که ذات
۲۵۹	۳۶	« آنرا که ذات
۱۹۸	۸	« آنرا که ذلت
۳۲۱	۶	« آنکس
۱۱۷	۱۲	« آنکو جهاد
۲۴۲	۴	« آنکو زاول
۳۳۸	۲۹	« آنکو فدا
۲۷	۲۹	« آنکو نکو
۳۳	۷	« آن مرده
۸	۲۸	« جانی
۱۲۵	۳۳	« جانی که
۹۶	۴۳	« جغدی
۳۹۶	۴	« چشمی که
۱۹	۲۴	« چشمی که
۹۹	۳۱	« زشتی
۲۱۲	۳۹	ای خود ما
۱۴۰	۲۳	ای خورنده
۲۲۱	۲۱	ای دراز
۳۶۸	۳۹	ای در این
۳۸۵	۲۴	ای دروغی
۳۳۳	۱	ای دریده پوستین
۲۷۴	۲۴	ای دریده پوستی
۳۶	۱۶	ای دریغا اشك
۱۸۱	۲	ای دریغ آن دیده
۳۶	۲۰	ای دریغا ای دریغا
۲۵۶	۳۷	ای دریغا ایدریغا این
۲۵۶	۳۷	ای دریغا بود
۲۸۸	۳۲	ای دریغا پیش
۷۷	۲۶	ای دریغا تو
۴۳۲	۲۴	ای دریغا حاصل
۴۴۵	۱۲	ای دریغا روزگار
۲۲۱	۱۹	ای دریغا هزنان
۱۳۸	۷	ای دریغا عرصه
۱۲۲	۳۶	ای دریغا کان
۱۸۰	۳۷	ای دریغا که
۹۴	۲۷	ای دریغا گر
۲۵۶	۳۶	ای دریغا گنج را
۴۸	۳۶	ای دریغا مر ترا
۳۶	۶	ای دریغا مرغ خوش
۳۶	۶	ای دریغا مرغ خوش
۳۶	۱۳	ای دریغا مرغ خوش
۳۶	۷	ای دریغا مرغ کارزا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶	۱۲	ای دریغا نور
۲۳۹	۲۵	« وقت
۱۵۲	۲۶	ای دریغ این چه
۲۸۴	۶	« دعا ناکرده
۱۷۴	۱۲	« دغا تا
۱۷۳	۳۹	« دقوقی با
۱۷۰	۶	« دقوقی تیز
۱۱۸	۳۲	ای دل آنجا
۲۴۳	۳۱	« از کین
۱۲۴	۶	« این
۳۶۱	۲۸	« بیخواب
۴۰۰	۲۱	ای دات بیو
۱۸۷	۲۵	« دل ترسنده
۴۰۹	۳۳	« دلی که
۳۸۹	۲۵	« دلیلت گنده
۳۸۹	۲۶	« دلیل تو
۳۸۹	۲۷	« دلیل ما
۲	۱۶	« دوای
۲۱۰	۲۳	« دو دیده
۲۲۸	۳۵	« دوصد بلقیس
۷۹	۶	« دهان تو
۴۲۱	۳۲	« دهان غافل
۲۰۷	۱۸	« دهلهای
۳۷۴	۲	« دهندهٔ عقلها
۲۹۸	۳۴	« دهندهٔ قوت
۴۰۱	۲۹	« رخ شاهان
۳۳۹	۱۲	« رخ گلگونه ات
۲۲۶	۳۸	« رسولان
۱۷۵	۳۴	« رسول حق
۱۵۶	۲۰	« رسول ما
۳۶۱	۱۰	« رفیقان راه
۳۹۵	۲۵	« رفیقان زینها
۴۳۲	۲۸	« رفیق
۱۰۸	۱۸	« روان پاك
۳۷	۲۰	« رهیده
۳۶	۸	« زبان توبس
۴۰۹	۳۴	« زبان که
۳۶	۸	« زبان هم آتش
۳۶	۹	« زبان هم گنج
۲۹۱	۱۱	« زبون گیر
۸۹	۳	« زتو خوش
۲۵۱	۱۲	« زتو کس
۱۰۸	۱	« زتو مر
۳۶۱	۶	« زتو ویران
۲۴۱	۲۵	« ز خوبی
۱۴۲	۱۴	« زدودی
۲۴۹	۳۶	« زده بر
۴۰۹	۳۵	« زدلها برده
۳۴۹	۲۰	« ز دوزخ
۲۴۳	۳	« زراندوده
۲۵۴	۶	« زغفلت
۱۲۶	۲۳	« زغم
۵۸	۹	« ز غیرت
۱۲۰	۸	« زفرزین

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۷	۳	ای ز ملك
۳۰۲	۳۵	« زمن دزدیده
۴۸	۳۳	« زن ار
۱۵۲	۴	« زنان
۲۵۶	۳۳	« ز نسل
۳۷۲	۲۸	« زنده
۱۷۱	۳۳	ایستادن را
۱۸۹	۱۵	ایستاده برسر تو
۴۰۲	۳۵	« پیش سلطان
۱۷۱	۲۹	« پیش یزدان
۱۳۶	۲۶	« تازه
۴۰۲	۸	« راز
۴۱۲	۱۹	« مار
۴۹	۶	ای ستیزه
۲۱۳	۸	« سرافیل
۱۴۴	۳	« سعادت بخش
۳۲۹	۱۵	« سگ دیو
۲۰۶	۱۶	« سگ طاعن
۱۴۹	۳۰	« سگ گرگین
۱۲۱	۲۴	« سگ ملعون
۲۷	۲	« سلیمان بهر
۲۲۸	۳۴	« سلیمان درمیان
۲۳۴	۳	« سلیمان مسجد
۳۸۹	۱۵	« سلیم گول
۴۳۳	۴۳	« سیه دل
۳۴۴	۲۰	ایش ابالی
۲۷۰	۲۰	ایشتر که
۶	۱۸	ای شده اندر
۴۴۶	۲۹	« برمرکب
۳۱۲	۱۵	« توصبح
۳۴۲	۲۲	« عاجز
۴۲۹	۱۸	« غافل
۴۴۷	۱۳	« مغرور
۱۴۹	۲۰	ای شغالان
۱۴۹	۳۱	« شغال بی
۳۰۷	۳	« شفا ورحمت
۳۰	۷	« شهان
۴۳۳	۱۵	« شه مردان
۳۴۹	۳۴	« شهنشه
۷۹	۲۷	« صفات
۴۴۸	۱	« صمد
۱۳۸	۷	« ضیاءالحق بج
۲۱۶	۱۸	« ضیاء الحق تو
۳۸۲	۱۲	« ضیاءالحق حسام الدین برانش
۵۹	۱۶	« بگیر
۲۷۱	۲	« بگیر
۱۱۴	۹	« بیا
۲۲۲	۱۰	« بیا
۳۵۴	۳۱	« بیا
۱۳۸	۱	« بیار
۲۱۶	۱	« توئی
۲۷۷	۷	« درآر
۱۷۱	۶	« راد
۲۷۹	۱	« راد

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۸	۱	« سعید
۱۷۸	۴۱	« عیان
۳۷۰	۲۳	« که نور
۴۴۷	۳۵	« مست
۴۴۱	۲۲	« من
۳۸۲	۲۱	« ودل
۴۲۳	۳۵	ای طبیعی
۴۱۴	۵	ای طمع
۳۳	۲۴	ای عجب آن
۱۹۵	۲۷	ای عجب از سوز شت
۱۶۴	۳	ای عجب این بند
۳۳۶	۲۷	ای عجب اینست
۲۲	۱۸	ای عجب این کرده
۱۷۰	۴	ای عجب چندین
۱۵۴	۳۳	ای عجب چون
۳۷۰	۴	ای عجب چونست
۳۹۳	۱۵	ای عجب چه
۲۸۸	۲۶	ای عجب حسنی
۲۱۲	۱۱	ای عجب درعهد
۲۱۱	۱۳	ای عجب کز
۴۰۱	۵	ای عجب کو آن دم
۴۰۱	۴	ای عجب کو آن عقـ
۴۰۱	۴	ای عجب کو لعل
۳۶۳	۱۱	ای عجب گر نیستی
۳۲۰	۷	ای عجب مرده اسـ
۳۷۱	۴۱	ای عجوزه
۱۹۵	۲۶	ای عدو آفتابی
۳۶۱	۳۲	ای عدو شرم
۳۹۳	۲۵	ای عزیز مصر جا
۳۹۳	۲۶	ای عزیز مصر و
۱۷۲	۲۸	ای عظیم ازما
۷۳	۱۱	ای علی که
۴۴	۳۱	ای عمر
۲۰۶	۱۰	ای غریب
۱۸۸	۱۲	ای غلام اکنون
۴۴۷	۴۵	ای غلام این شمع
۳۳۹	۱۶	ای غلامت
۴۰۰	۱۹	ای غم
۱۰۵	۳۱	ای فدای
۳۷۸	۶	ای فرورفته
۳۷۸	۳	ای فسانه
۲۰۰	۴	ای فسرده
۳۹۵	۳۴	ای فغان
۴۰۰	۱۹	ای فقیران
۴۳۱	۳۹	ای فکنده
۱۲۶	۱۲	ای فلان
۱۱۴	۲۵	ای فلك از
۲۲۵	۱۷	« بر
۲۴۵	۱	« پیمای
۱۱۴	۲۴	« در
۴۰	۸	ای فناتان
۴۳۸	۴۴	ای قبای
۲۸۵	۶	ای قدیم
۳۲۸	۲۳	ای قراری

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۱	۱۳	ای قلم
۳۵۵	۹	« کریم ذوالجلال
۱۷۲	۲۶	« کریم وای
۳۴۸	۱۰	« کریمی که
۴۰۵	۴	« کشیده
۴۲۰	۱۰	« کلیم الله
۳۸۷	۱۴	« کمان و
۳۴۷	۹	« که از تعظیم
۵۵	۱۸	« که اندر
۲۴	۳	ایکه با شیری
۲۸	۳۵	« تو از
۲۱۱	۶	« تو بر
۲۲۸	۱	« تو طالب
۹۰	۱۷	« تو هم
۳۶	۱۹	« جان از
۲۹۱	۳۶	« جان خبره
۱۴۴	۳۲	« جزو
۱۴	۳	« چون
۲۹۱	۳۶	« خاك تیره
۲۹۱	۳۵	« خاك شوره
۵۷	۲۵	« خلقان
۳۲۹	۲۰	« خود را
۴۳۴	۳	« داری
۵۶	۱۵	« درروتان
۴۳۰	۱۶	« در سیرو
۳۳۳	۷	« در معنی
۱۲۶	۱۷	ایکه صبر تنیست از آ
۱۲۶	۱۵	« پاك
۲۶۷	۲۵	« دنیای
۱۲۶	۱۵	« دنیای
۱۲۶	۱۶	« فرزند
۱۲۶	۱۶	« ناز
۱۹۹	۲۵	ایکه عقلت بر
۳۹۲	۱۹	« من زشت
۱۹۲	۲۸	« مبترسی
۴۲۳	۶	« میخواهی
۱۲۶	۱۷	« میگوئی
۱۸۴	۳۳	« نصح
۳۷	۲۷	« هر
۵۶	۱۵	« یکدیدار
۳۶	۳۶	ای گران جان
۳۰۵	۱۴	« گرفتار
۱۴۸	۲۰	« گرفته
۴۱۹	۲۶	« گروه
۳۴۸	۱۰	« لطیفی
۲۸۰	۳۳	« لعرك
۴	۲۲	« لقای
۴۳۶	۲۴	ای ما جا
۱۷	۷	ای مبارك خنده
۱۰۸	۱۶	« مبارك ساعتی
۲۹۱	۳۴	« مبدّل
۳۸۲	۳۲	« محال وای
۴۱۳	۲۲	« محدث
۳۲۲	۱	« مخنث

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۶	۳۰	ای مدمغ
۴	۶	« مرا تو
۳۴	۲۴	« مری
۳۶۱	۳۹	« مزوّر
۲۵۱	۷	« مسافر
۱۷۴	۱۲	« مسلمانان
۲۲۸	۳۰	« مسلمان
۱۰۷	۳۲	« مسبح خوش
۳۹۴	۴۰	« مشیر ما
۱۰۶	۳۱	« معاف
۳۰۱	۵	« مقلد از
۱۶۱	۳۵	« مقلد تو
۱۷۳	۴	« مقیم حبس
۱۰۰	۱۲	« ملامت
۲۸۷	۳۶	ایمن آباد است
۱۴۵	۲۹	« آباد است
۶	۲۹	ای من آن پیلی
۶	۲۸	« آن روباه
۱۷	۱۶	ایمن از شر
۱۵۱	۱۱	« از عمران
۲۷۹	۳۰	« است از
۲۰۸	۵	ایمنان را
۴۰۰	۲۲	ای من و صد
۴۱۶	۳۳	ایمنی امت
۱۱۴	۳۴	ایمنی بگذارو
۲۹۲	۲۳	ایمهان
۳۳۹	۱۳	ای مه تابان
۸۶	۳۰	« مبسر
۱۵۵	۱۲	این از آن آمد
۴۳	۱	« ازآن لطف
۳۹۹	۳۶	« از اینجا
۳۸۸	۱۱	« اسد غالب
۳۸۸	۱۰	« اسدغالب
۶۹	۲۷	« اشارتها
۳۲۹	۱۶	« اعوذ
۳۳۶	۳۵	« اگر
۳۸۷	۱	« الف چیزی
۳۸۷	۱	« الف وین
۳۰۱	۲۰	« الم وحم
۳۰۱	۱۸	« الم وحم
۱۱۷	۳۸	« امانت در
۱۳	۸	« امانت زان
۳۱۳	۱۵	« اناهو
۲۲۴	۵	« باصل خویش
۳۷۳	۲	« بین باری
۳۷۶	۲۶	« بین و
۲۲۴	۲۳	« بتقدیر
۲۶۱	۱۶	« بتقلید از
۳۳۶	۲۴	« بجلت
۲۷۵	۲۰	« بخارات
۱۹۸	۶	« بخارا
۲۸۱	۱۶	« بخور
۲۲۲	۱	« بدان بی
۱۳۴	۲	« بداند

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۵	۱۵	این بدانسو
۱۲۲	۱۱	« بدان مانده
۱۸۰	۲۸	« بدان مانده
۸۶	۲۲	« بدن خرگاه
۲۶۴	۳۷	« بدن مانند
۲۷۶	۱۹	« برای خاص
۳۳۲	۸	« برای گرم
۴۳۹	۲۹	« برنجینت
۲۵	۱۹	« برون از
۳۷۵	۲۴	« بصورت
۲۹۲	۵	« بقاها
۴۰۸	۱۲	« بقدر
۴۱۰	۴۱	این بگفتندو
۱۵۰	۱۷	« بگفتندوقضا
۳۶۰	۱۷	« بگفت وآن
۲۵۲	۳	این بگفت و بر
۱۴۰	۱۶	« خبر
۳۸۱	۶	« دست
۱۱۳	۲	« دست
۷	۲	« رفت
۱۷۵	۱۹	« گریه‌در
۲۱۳	۱۸	« گریه‌در
۳۲۶	۱۲	« گریه‌در
۲۱۷	۱۱	« بگوید زید
۲۵۵	۸	« بلا از
۴۳۷	۴۸	« بلا بر
۱۰۹	۹	« بلندی
۲۳۵	۲۷	« بمن بگذار
۲۱۰	۱۹	« بمنگیدند
۲۲۴	۵	« بناز آب
۴۱۱	۱۶	« بود آن
۳۰۲	۳۰	« بود اظهار
۴۳۰	۲۳	« بود اکرام
۱۵۳	۲۳	« بود تاویل
۱۸۴	۳۸	« بود خوی
۴۱۶	۳۵	« بود لطف
۳۴۶	۸	« بهار نو
۴۰۳	۱۸	« بهانه بود
۳۲۶	۱۷	« بهانه کرد و
۳۵۴	۳۵	« بهانه هم
۲۴۶	۸	« بیابان خود
۲۳۳	۲۴	« بیابان در
۱۸۸	۳۵	« بیان اکنون
۲۸۵	۱۸	« بیان بط
۱۴۰	۳۴	ای نبی و
۲۴۲	۲	این پذیرفتی
۲۳۵	۱۶	« پیمبر گفت
۱۹۳	۲۵	« تانی
۳۲۷	۳۳	« تب و لرزه
۳۵۳	۱	« تخالف
۵۱	۸	اینت خورشیدی
۹۶	۲۴	« درد
۵۱	۸	« دریائی
۳۷۶	۳۵	این ترا باور

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۶	۱۴	این ترازوبهر
۴۳۵	۱۲	« ترازو میل
۳۶۸	۱۱	« تراو آن‌مرا
۱۴۵	۱۴	« تردد حبس
۱۴۵	۱۵	« تردد عقبهٔ
۳۵۵	۵	« ترددهست‌در
۳۵۸	۲۲	« ترددهست که
۴۰۶	۲۶	« تسفسط
۲۰۳	۲۰	« تصور
۴۳۲	۲	« تصوف
۲۷۵	۵	« تعلق را
۹۷	۹	« تعلقها
۳۵۲	۳۰	« تفانی
۲۶۲	۴	« تفاوت حق
۲۸۶	۱۹	« تفاوت‌عقلها
۹۴	۱۹	« تقاضاها
۳۱۱	۲۸	« تکبر از
۳۱۱	۲۹	« تکبرچیست
۲۵۹	۳۷	« تکبر زهر
۲۵۹	۳۶	« تکبر زهر
۲۸۳	۱۹	« تکلف
۶۱	۳۳	اینت لشکر
۷۷	۲۷	« لطف
۹۶	۳۶	« مالیخولیا
۲۵۲	۲۴	این تمنی هم
۲۴۹	۳۵	« تن تو
۴۰۷	۳۶	« توئی ظاهر
۱۳۱	۲۹	« توقف
۲۲۹	۸	« توکی باش
۱۳	۱۲	« ثنا
۱۵۲	۲۸	اینجراحتها
۲۷۴	۲۶	این جزا تسکین
۱۱	۱۹	« جسد
۲۵۵	۲۶	« جفا بر
۳۰۴	۳۷	« جفای
۲۷۲	۱۷	« جگر که بود
۷۴	۱۴	« جگرها
۱۹۷	۶	« جلالت
۶۸	۶	« جماع
۱۱۲	۲۹	« جنبدت
۷۳	۳۰	« جنین در
۱۳۳	۳۷	« جنین مر
۲۰۱	۱۴	« جنین هم
۲۰۱	۱۸	« جواب آن
۶۶	۳۲	« جوابات
۲۰۹	۳۲	اینجواب ماست
۴۰۲	۳۴	اینجوان زین
۱۷۶	۱۲	« مر
۴۳۲	۲۰	این جوال آرد
۳۴۳	۱۰	« جهاد اکبر
۹۰	۳	اینجهان از
۳۸۰	۱۱	« با
۱۱۹	۶	« بازیگر
۴۳۲	۲۵	« بحراس

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۶	۳۰	اینجهان بر شاه
۲۱۴	۲۴	« برآفتاب
۴۱۲	۲۳	« بر
۱۰۳	۷	« تن
۱۱۷	۱۸	« تبه است
۲۹۶	۱	« جادواست
۳۵۲	۱۹	« جنگ‌است
۹۹	۱۰	« چون
۲۲۹	۱۱	« خم‌است
۱۶۵	۸	« خواست
۱۳	۱۸	« خود
۱۲۷	۱۱	« دریا
۳۵۷	۳۳	« دامست
۱۹	۶	« را چون
۱۶۵	۱۰	« را که
۴۱۴	۳۵	« زندان‌مؤم
۲۲	۳۰	« زندان و
۳۵۲	۲۵	« زین
۴۴۴	۵	« سفله
۲۲۹	۱۷	« شهوتی
۷	۲	« کوهست
۱۱۲	۳۲	« کوهست‌و
۳۵۴	۲۱	« گوید
۱۳	۱۹	« محدود
۳۶۵	۹	« منتظم
۴۶	۱۵	« نفی
۹۸	۳۵	« نیست
۲۹۱	۱۰	« و آن
۹۴	۲۱	وآنجهان
۲۴۲	۱۸	« و اهل
۱۳۸	۱۶	« وساکنانش
۱۳۸	۱۶	« وعاشقانش
۴۳	۳	« ویران
۲۲۱	۳	« همچونخرا
۱۵۷	۳۱	« همچون
۹۴	۹	« یك
۱۳۸	۲	این چراغ
۳۴	۱۱	« چرا کردم
۲۶۴	۱	« چرا گفتن
۳۵۷	۲۵	« چنین آتش
۱۶۸	۲	« چنین آمد
۳۱۷	۱۲	اینچنین اندوه
۴۳۰	۴۵	« او را
۳۳۷	۱۹	« باده
۴۲	۱۰	« باران
۵۲	۳۶	« باشدتفاو
۳۴۰	۶	« باشد چو
۱۶۴	۳۳	« باشدچو
۳۳	۲۱	« باشدوفا
۴۲۹	۲۱	« بر دولت
۱۲۹	۳۲	« بهتان
۴۱۰	۱۸	« پیچید
۸۱	۶	« تلبیس
۲۸۱	۱۷	« تهدید

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۰	۸	اینچنین جانی
۲۴۱	۲	« جذبیست
۵۵	۱۳	« حسها
۴۹	۳۱	« خاصیتی
۳۶۵	۲	« خم را
۳۰۸	۱۵	« خوابی
۲۰۹	۲۶	« درمانده
۱۸۷	۲۷	« دستار
۲۹۳	۱۲	« دل
۱۴۷	۲۸	« دندان
۱۰۰	۱۹	« ذوالنون
۱۱۳	۲	« رخصت
۱۴۸	۴	« رسوا
۱۱۷	۱۴	« رنجورئی
۳۷۲	۲۰	« رنجور
۳۵۶	۲۳	« ژاژی
۲۰۲	۳۲	« ساحر
۳۴۴	۲۱	« سوزان
۲۴۱	۱	« سیریست
۶۰	۳۵	« شه
۴۲۸	۶	« طاق و
۱۷۵	۳۲	« ظلم‌صری
۱۷۵	۳۹	« ظلم‌وجفا
۶۱	۶	« ظن
۴۴۵	۳۶	« عرش
۴۴۵	۳۵	« عقل‌معلا
۱۲۷	۴۲	« عقل و
۴۲۵	۳۰	« عمر
۲۶۹	۳۵	« فرمودآ
۴۴۶	۳۷	« فرموددا
۱۲۷	۴۰	« فکر
۱۱۶	۳۲	« قفل
۲۱۰	۳۱	« قندی
۱۸۰	۴	« قولی
۳۴۲	۱	« قومی
۳۹۰	۹	« کاری
۱۸۲	۲۹	« کرده‌است
۱۲۲	۲۹	« کزبازئی
۱۲۲	۳۰	« کزبازئی
۱۹۵	۲	« کس‌اص
۱۷۸	۶	« کس‌گر
۲۴۱	۱۸	« که چار
۳۵۶	۱۶	« گرای
۸۷	۱۵	« گستاخ
۳۰۲	۱۲	« گوین
۱۶۰	۲۶	« گیجی
۱۹۸	۲	« لطفی‌چو
۱۹۸	۱	« لطفی که
۲۸۶	۹	« لعب
۱۶۰	۲۴	« مخذول
۱۶۰	۲۵	« مدبر
۱۴۹	۴۰	« مستی
۱۹۸	۲	« مشکین
۲۲۲	۱۷	« معدوم

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۹	۲	اینچنین می را
۲۷۲	۱۰	« می گفت
۹۰	۹	« مینا
۳۱۵	۲۵	« نامه
۱۹۸	۱	« نخلی
۳۷۱	۳	« نفرین
۳۲۹	۳۱	« واجستها
۳۶۰	۳۶	« همبی‌نمک
۳۴۲	۳۵	« هوشی
۲۰۷	۳۲	این چو سازنده
۳۶۷	۳۱	« چه باد است
۴۱۶	۲۴	« چه حکمت
۲۳۱	۳۰	« چه‌دم‌اژدها
۱۰۵	۳۳	« چه‌ژاژاست‌ا
۱۲۲	۱۸	« چه‌ژاژاست‌و
۸۶	۸	« چه سر است
۳۲۵	۳۸	« چه سفری‌و
۱۰۲	۲۲	« چه‌صبر است
۴۳۹	۳۶	« چه‌قلماشئت
۱۵۴	۲۵	« چهل
۱۸۲	۶	« چه ماند
۲۴۱	۲۱	« چه مکراست
۱۷۴	۱۰	« چه میگوئی
۲۸۷	۳۴	« چه نا شکری
۱۸۰	۲۴	« چه نسبت
۱۰۸	۳۷	« چه یاری
۶۶	۱۶	اینحدیث آخر
۲۵۹	۲۰	« آمد
۱۲۰	۳۳	این حدیثش
۲۷۶	۳۷	« حدیث منقلب
۱۸۱	۱۴	« حروف
۲۳۵	۳۸	« حسن
۳۶۰	۱۵	« حصیری
۴۲۴	۷	« حضانت
۱۲۴	۹	« حقیقت دان
۳	۵	« حقیقت را
۶۰	۱۳	این‌حکایت‌بشنواز
۱۹۲	۳	« بشنوو
۲۱۹	۱۸	« رابدان
۲۱۶	۱۹	« را که
۲۱۶	۲۰	« گر
۵۸	۲۶	« گفته
۴۰۹	۳۹	« گوش
۴۴۵	۳۳	« میشود
۱۵۵	۱۶	« نیست
۳۳۶	۲	« یادگیر
۴۳۳	۴۷	این حکم بین
۲۳۱	۲۵	« حلیمهٔ
۴۱	۲	« حمیرا
۳۷۵	۲۹	« حیات از
۳۴۸	۳۳	« حیاتی خفیه
۲۴۸	۳۲	« خبر ها از
۴۱۳	۸	« خبرها وین
۹۶	۳۱	« خراب آباد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۴	۳۰	این خران را
۲۶۹	۸	« خردازخاك
۱۱۶	۲۸	« خریداران
۳۴۸	۷	« خسان چه
۳۴۶	۱۲	« خماراشکوفه
۱۷۳	۱۶	« خمارغم
۴۲۰	۳۶	« خموشی
۲۹۵	۴	« خود آثار
۳۸۲	۱۷	« خودآن
۲۸	۱۰	« خوداجزایند
۲۹۸	۳۱	« خوداکرامي
۴۲۵	۴۳	« خودیرا
۲۰۴	۱۷	ای تخوده‌بخوش
۸	۱۰	این خوردزاید
۸	۹	« خوردگردد
۳۰۹	۲۰	« خیال‌اینجا
۳۴۵	۱۴	« خیال سمع
۳۲۷	۵	« خیال کج
۳۱۴	۱۷	« خیانت بر
۲۲۱	۳۷	ای ندانسته
۲۲۹	۱۶	« در آمد
۲۸۴	۱۷	« درآنجیرانشد
۳۲۲	۳۶	« درآنجیرانکه
۲۳	۱۹	« در آید
۱۲۲	۴۰	این دراز است
۱۶۸	۴۰	« دراز وکوته
۲۲۵	۲	« درازوکوتهی
۲۵	۳۱	« درازی
۱۷۰	۱۱	« درختانرا
۴۱	۲۶	« درختانند
۲۷۳	۱۳	« درخت تن
۳۷۹	۲	« درشت است
۳۶	۱۴	« دریغها
۲۰۹	۳۱	« دعا بسیار
۳۸۶	۳۵	« دعا تو
۲۵۱	۱۸	« دعاکه
۱۷۴	۱۶	« دعاکی‌باشد
۱۱۷	۳۱	« دعاگر
۱۶۳	۳۸	« دعا میخواهد
۱۶۰	۱۰	« دعا میکرد
۱۱۶	۳۴	« دعاهم‌بخشش
۷۰	۲۷	« دل چون
۲۸۵	۶	« دل سر
۳۷۶	۷	« دلم‌باغست
۱۱۰	۱۰	« دلم هرگز
۳۹۳	۸	« دلم هرگز
۴۴۲	۲۰	« دلیل‌انوزج
۱۲۹	۳۴	« دلیل راه
۳۷۵	۲۹	« دم آن
۴۲	۱۸	« دم ابدال
۳۰۴	۲۸	« دم‌اریارانت
۳۰۴	۲۶	« دم او را
۱۵۸	۹	« دم سرد
۳۰۱	۲۰	« دم‌عیسی‌است

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۲	۱۷	این دو انبازند
۱۸۳	۳۹	« دواها ساخت
۳۶۴	۴۰	« دوئی
۶۵	۳۱	« دودزد
۱۳۳	۲۰	« دو دعوی
۶۵	۳۲	« دوراپرچم
۲۱۴	۲۲	« دوراگبرد
۶۵	۳۰	« دورامشهور
۹۷	۲۶	« دو روزك
۳۳۰	۲	« دو ضد
۴۲۹	۲۰	« دو عالم
۴۱۸	۲۶	« دو علت
۱۹۷	۲۸	« دووصف‌از
۲۴۰	۲۸	« دو همره
۷۹	۶	« دهان بر
۱۹۷	۲۰	« دهان بستی
۴۲۲	۱	« دهان خود
۳۲۹	۳۸	« دهانش
۱۲	۹	« دهو آن دو
۴۰۰	۱۱	ای ندیده
۱۱۰	۴۰	این رئیسان
۳۶۴	۲۰	« رئیسی
۳۹	۲۵	« رباعی
۷۰	۳۷	« رجاو خوف
۲۰	۳	« رسنهای
۱۹۵	۱۱	« رسولان‌ضمیر
۳۳	۲۰	« روا باشد
۱۷۹	۱۰	« روا وان‌ناروا
۳۳۳	۲۸	« روش خصم
۲۸۴	۱۶	« روشها
۲۳۵	۲۱	« رهاکن‌زانکه
۱۴۵	۳۵	« رهاکن‌صورت
۲۰۹	۳	« رهاکن‌عشق
۴۴۴	۳	« ره پرخوف
۱۹۱	۱۱	« ریاضتها
۴۳	۱	« ز بارانها
۳۴	۱۲	« زبان
۳۶۱	۴۲	« زبسیاری
۴۰۷	۹	« ز حد
۳۶۵	۳۶	« ز دنیا
۲۰۷	۲۴	« زر ظاهر
۲۲۶	۱۳	« زر من
۱۸۶	۶	« ز عشقش
۲۸۱	۳۵	« زکوة و
۶۷	۲	« زمان از
۲۳۵	۳۴	« زمان او
۲۰۰	۱۰	« زمان این
۸۲	۱۴	« زمان بشنو
۳۴۶	۱	« زمان بکشم
۶۹	۹	« زمان پیدا
۳۳۰	۶	« زمانت
۳۶۳	۳۰	« زمان جز
۳۸۰	۱۹	« زمان سرها
۲۵۱	۲۹	« زمان سودی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۰	۴	این زمان قائم
۴۲۴	۱۰	« کافر
۴۰۳	۱۱	« که
۲۴۸	۱۱	« گرم
۳۳۰	۷	« ما را
۱۲۵	۱۴	« همدرد
۱۰۷	۱	این‌زمین ازحلم
۲۸	۱۳	« باسکون
۸	۱۰	« پاك
۴۲۲	۲۷	« چون
۴۹	۵	« را از
۲۵۴	۲۳	« راگر
۱۹۴	۹	« وآسمان
۳۰۴	۲۰	« وسختیا
۲۹۹	۲	این زنانی‌کز
۴۱۰	۲۱	« زن دنیا
۵۳	۱۳	« زن و
۱۵۹	۵	« سؤال از
۱۵۹	۳	« سؤال و
۲۰	۲	« سبب چبود
۱۹	۳۸	« سبب‌را آن
۱۶۵	۱۹	« سبب را باز
۲۰	۱	« سبب‌رامحره
۲۳۰	۱۸	« سبب رامن
۱۹۳	۲	« سببها آن
۳۰۵	۱۶	« سببها بر
۱۹۳	۲	« سببها چون
۹۴	۲۲	« سببها نسل
۳۷۲	۱۴	« سببها و
۱۰۷	۲۳	« سبب‌همچون
۳۹۹	۲۵	« سبد را
۱۷۱	۱	« سبو را
۵۵	۶	« سبوی آب
۳۵۳	۲۳	« ستاره
۹۸	۳۱	« سخا
۲۴۵	۲۶	« سخن آخر
۳۴۰	۱۸	« سخن ازحد
۴۴۰	۱۲	« سخن‌ازکل
۲۲۱	۲۰	« سخن‌اشکسته
۴۱۶	۲۱	« سخن‌بروفق
۲۸۱	۲۶	اینسخن‌پایانندارد
		آنعرب
۴۰۰	۱۰	« آنغریب
۴۰۶	۳۲	« آنفریق
۱۶۴	۹	« آنفقیر
۳۸۱	۲	« آنفقیر
۴۰۷	۲۹	« آنگروه
۳۳۳	۱۲	« ایدر
۲۵	۷	« ایسر
۲۷۶	۲۵	« ایجواد
۶۴	۱۹	« ایجواز
۳۶۲	۲۲	« ایعزیز
۳۸	۷	« ایعمو
۱۶۸	۳۶	« ایعمو
۵۷	۷	« ایغلام

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۵	۲۴	اینسخن‌پایانندارد
		ایفلان
۳۷۲	۱۶	« ایقباد
۳۵	۱۰	« ایکبا
۴۰۶	۲	« ایکروه
۶۹	۱۶	« بازران
۱۳۹	۳۲	« بازران
۴۳۰	۳۵	« بازران
۲۴	۱۱	« بازگرد
۶۲	۱۲	« بازگرد
۶۳	۱۹	« بازگرد
۹۲	۲۳	« بازگرد
۱۱۱	۳۲	« بازگرد
۱۵۵	۲۰	« بازگرد
۲۴۵	۱۰	« بازگرد
۲۶۸	۳۱	« بازگرد
۳۰۱	۲۸	« بازگرد
۳۵۷	۹	« بازگرد
۱۹۳	۳۱	« بازگو
۱۹۹	۱۹	« تیزران
۱۷۰	۳۱	« تیزرو
۷۶	۹	« چاکرم
۷۰	۱۶	« چون‌که
۷۰	۳۱	« خیززید
۳۴۵	۲۵	« درکمال
۱۶۳	۲۳	« رازگو
۷۱	۲۹	« زیدکو
۴۱۸	۳۶	« قاضیش
۳۲۲	۳۸	« کن‌رجو
۲۸	۱	« گشت‌دی
۳۹۱	۳۳	« گفت‌موش
۱۵	۲۱	« لیك‌ما
۱۵۳	۲۴	« مارگیر
۲۸۳	۱۰	« مصطفی
۱۵۲	۲۰	« مکرهاش
۲۷۳	۳۷	« موسیا
۲۷۴	۲۹	« موسیا
۳۹۵	۲۹	« موش‌ما
۲۴۳	۲۱	« وان‌خفیه
۳۸۸	۱۵	« هرسه‌یار
۲۳	۲۳	« هوشدار
۶۱	۳۳	« هین‌بتاز
۳۸۱	۱۸	این‌سخن‌پیدا
۱۷۰	۱۷	« چون‌آمد
۲۵	۲	« چون‌بوسه
۳۶۳	۱۹	« خائی
۲۹۸	۲۱	« در سینه
۲۵۷	۲۸	« در گوش
۲۰۴	۲۳	« را ترجمه
۱۰۱	۱۵	« رامقطع
۴۴	۲۷	« رانستایان
۳۲	۳۱	« رانستایان
۲۹۱	۲۵	« رانستایان
۷۷	۱۳	« رانستایان
۲۰۷	۳۴	« رانستایان

صفحه	سطر	اول بیت
۸۸	۳۷	اینسخن‌رانیستحد
۴۸	۳۷	« شیر است
۲۲۰	۵	« گرچه
۱۰۵	۱۵	« ناقص
۲۵	۲۶	« و آواز
۳۹	۱۸	« هائی
۹۷	۱۳	« ها خود
۱۲۷	۱۹	« ها را
۳۶۴	۶	« هاراوصیتها
۳۵۳	۲۳	« همچون
۱۹۵	۳۸	« هم راست
۱۵۷	۲۳	« هم ناقص
۱۲۶	۱۳	« هم نی
۱۳	۲۴	این سر او
۸۵	۱۱	« سرت وا
۲۷۷	۵	« سر خر
۲۴۵	۴	« سرخم‌را
۸۴	۲۴	« سزای آنکه
۱۴۷	۲۲	« سزای آنکه
۱۴۷	۲۴	« سزای آنکه
۴۰۸	۱۰	« سزای آنکه
۱۴۷	۲۱	« سزای آنکه
۸۶	۳۲	« سزای آنکه
۱۰۷	۳۵	« سزید
۱۵۷	۱۰	« سفال و
۱۶۶	۱۶	« سگان را
۳۷۱	۱	« سگان‌شصت
۲۳۹	۱۶	« سگان‌کرند
۲۸۹	۲۸	« سلاح عجب
۴۴۰	۳۵	« سوار و
۲۴۰	۱	« سوم هست
۳۶۸	۱۰	« سیاه اسرار
۱۷۷	۲۷	« سیاه‌و آن
۴۴۰	۲۸	« شتر را
۴۴۰	۳۴	« شترهای
۴۳۸	۵	« شریعت‌آن
۲۹۰	۸	« شعاع باقی
۲۹۰	۶	« شعاع فانی
۱۴۹	۶	« شکم خصم
۲۰۷	۱۲	« شکوه‌بانگ
۲۲۸	۳۱	« شکایت‌گر
۳۸	۲۶	اینش گوید من
۳۸	۲۷	اینش گویدنیست
۲۱۸	۱۰	این شمال‌واین
۱۴۴	۱۳	« شنو
۱۶۳	۱۵	« شنیدم لیك
۱۹۰	۳۴	« شنید و آن
۵۲	۲۸	« شنیدی
۲۹۵	۲۶	« شهیدان
۴۳۲	۴۳	« شهی و
۱۵۱	۲۴	« صدا جان
۹۹	۲۴	« صدا در
۲۶۴	۱۸	« صدفها نیست
۹۵	۵	« صدفهای

صفحه	سطر	اول بیت
۹۳	۴۰	این صفت کردن
۳۹۹	۱۱	« صفتها
۱۰۸	۲۸	« صفت هم
۲۸۳	۲	« صلوة و
۴۰۷	۱۴	« صورچون
۴۰۷	۱۵	« صوردارد
۲۴۴	۲۴	« طبیان بدن
۱۸۰	۲۰	« طبیان را
۲۴۴	۲۶	« طبیان نو
۳۰۷	۱۴	« طپانچه
۱۵۹	۶	« طراق از
۴۰۶	۱۱	« طرق را
۴۴	۱۵	« طریق نکر
۲۹	۱۴	« طلب درما
۱۶۰	۱	« طلب مفتاح
۱۶۰	۲	« طلب همچون
۲۰۲	۳۷	« طلسم سحر
۳۴۸	۱	ای نظرتان
۳۵۲	۱۴	این عبارت
۲۰	۱۵	« عجائب
۴۳	۲۹	« عجب بلبل
۱۶۹	۲۳	« عجب ترکه
۲۳۱	۳۸	« عجب قرنی
۵۰	۲۳	« عجب کاین
۲۴۸	۱۶	« عجب که جان
۱۶۳	۳۲	« عجب که دام
۲۸	۲۰	« عجب نبود که
۳۹۳	۱۰	« عجب نبود که
۲۶۵	۲۸	« عجب یك چیز
۲۹۵	۳۸	« عدم را
۹۴	۱۱	« عرض باجوهر
۹۴	۱	« عرضها نقل
۹۳	۳۴	« عرضهای
۲۶۰	۳۳	« عصا از
۲۶۰	۳۷	« عصائی بود
۴۴	۱۰	« عصا چبود
۲۳۳	۱۳	« عصا را
۱۹۴	۳۱	« عقول
۱۲۰	۱۵	« علفها
۴۴۷	۳	« عمد
۲۹۶	۱۲	« عمل
۲۱۷	۳۱	« عوان در
۲۳۷	۳۵	« غرور آنست
۱۸۱	۵	« غلط ده
۴۴۰	۳۷	« غمام
۴۷	۲۲	« غمان
۲۵۴	۲۶	« فرستادن
۲۶۰	۶	« فروعست
۲۳۲	۱۴	« فضیلت
۳۹۲	۱۱	« فقیر بی
۳۳۰	۵	« فلان روزت
۱۶۴	۲۲	« فلان شیخست
۱۹۱	۳۷	« فنا جا
۴۴۲	۳۱	« فنا کی
۱۲۹	۴۲	این فناها
۱۰۶	۳۷	این قبول
۳۹	۹	اینقدر ارشاد
۴۴	۳۲	« از بهر
۱۶۷	۳۸	« بشنو
۹۸	۲۷	« تخمی
۳۴	۲۸	« تعظیم
۳۸۴	۱۴	« خود
۲۲	۳	« عقلی
۹۸	۲۷	« عمری
۳۷۴	۲۲	« گفتیم
۳۱۰	۳۱	« هم
۳۰	۱۲	اینقدم
۱۶۹	۳۵	اینقرائت
۳۱۶	۶	این قش و
۲۷۴	۲۵	این قصاص
۲۷	۲۸	این قضا ابری
۳۹۴	۳۸	این قضا بر
۱۱۴	۱۰	این قضا راهم
۲۲۳	۳۰	این قضا رفته است
۲۷	۳۰	این قضا صدبار
۱۵۰	۲۰	این قضا می گفت
۳۹۶	۳	این قفص پیدا
۱۸۱	۱۵	این قلم داند
۴۴۳	۹	این قماش
۴۸	۲	این قناعت
۶۷	۲۱	این قیاسات
۶۷	۳۲	این قیاس حال
۶۷	۱۴	این قیاس خویش
۱۹۶	۱۸	این قیاس ناقصان
۹۹	۳۰	این قیامت زان
۴۳۵	۴۵	اینك از اشکستگان
۴۳۶	۳	اینك انگشت
۶	۱۶	اینك این خلعت
۲۴	۳۳	اینك این دریا
۱۶	۲۸	اینك این طومار بر
۱۵	۳۱	اینك این طومار و
۴۲۲	۱	این کباب واین
۱۶۵	۱	این کرامت بهر
۱۶۴	۴۱	این کرامت را
۲۳۰	۲۵	این کرم چون
۲۵۶	۳۰	این کریرا
۳۵۵	۱۲	این کراوه
۲۸۸	۲۸	این کسی داند
۱۸۸	۲	این کسی دیده است
۱۸۸	۳	این کسی دیده است
۳۶۹	۲	این کشاکش
۴۴۱	۲۰	این که کج
۱۳۴	۶	این کلیله
۳۲۵	۱۱	این کلوای ابتلا
۱۶۴	۳۲	این کمینه
۸	۱۶	این کمنداز
۳۴۴	۱۱	این کنیزك
۳۵۸	۲۱	این کنم یا آن
۱۷۵	۱۴	اینکه بخشیدت
۹۹	۲	اینکه برکار است
۵۴	۹	اینکه جان ما
۴۲۸	۳۸	اینکه چندین سال
۳۴۰	۲	اینکه دروقت است
۳۳۰	۲۵	اینکه فردا
۲۹۹	۱۵	اینکه کرمنا
۳۰۵	۱۰	اینکه موسی را
۱۸۹	۱۴	این کیت
۳۱۹	۲۸	این گدا چشمی
۱۲۹	۱۷	این گدایان
۱۳۱	۳۵	این گذشتن
۳۹۲	۲	این گرفته پای
۳۴۹	۲۹	این گروه مجرمان
۴۴۲	۴۵	این گروهند ای
۳۳۰	۶	این گره بابا
۲۸۸	۱۳	این گریزد
۴۲۴	۳۶	این گزیند
۳۷۹	۲۹	این گل گویاست
۳۶۴	۱۳	این گلوی مرگ
۲۱۹	۲۳	این گله زان
۱۴۳	۵	این گمان بد
۴۳۶	۱	این گنه را
۲۸۲	۳۰	این گواه فعل
۲۸۳	۱	این گواهی چیست
۳۶۷	۲۰	این گهر از
۴۴۴	۳۱	این گهر خواهند
۱۳۸	۱۰	اینگهی بخشد
۳۸۴	۳۰	این لباس
۱۹۰	۲۵	این لب نانی
۴۱۰	۱۸	این لعب
۲۸۴	۳۷	این لقب شد
۱۴۵	۹	اینما قد
۴۲۰	۳۴	این مباحث
۳۸۰	۶	این متیم
۴۲۰	۴۱	این مثال آمد
۱۸۱	۲۱	این مثال آورد ابلیس
۱۸۱	۲۳	این مثال آورد شدا
۱۸۱	۲۴	اینمثال آورد فرعو
۱۸۱	۲۲	اینمثال آورد قارو
۱۸۱	۲۲	اینمثال آورد نمرود
۱۸۱	۲۴	اینمثال آورد هر
۱۸۱	۲۳	اینمثال اندیش
۱۸۱	۲۵	اینمثالت را
۲۲۳	۲۹	اینمثال جان
۲۲۳	۳۱	اینمثال نور
۲۳۴	۱۵	اینمثل از
۳۸۷	۱۹	اینمثل اندر
۱۸۱	۳۳	اینمثل بشنو که
۳۳۱	۵	اینمثل بشنو مشو
۲۸۲	۲۳	اینمثل چون
۴۰۷	۴	اینمثل نا
۱۰۲	۳۱	این محبت هم
۲۱۱	۱۹	این محب حق
۲۱۱	۲۰	این محب دایه
۲۵۲	۲۹	این محك
۱۳۸	۶	این مزاجت
۴۴۲	۶	این مسافر را
۱۲۲	۱۵	این مسلمان
۹۶	۹	این معانی
۳۹۰	۲۱	این معاین
۳۱	۲۴	این معیت با
۴۱۳	۳۶	این معیت کی
۲۴۹	۱	این مگر باشد
۳۴	۱۱	این مگر خویش
۲۴۳	۲۵	این مگیر ازفرع
۲۵۲	۳۷	این من ومائی
۳۷	۲۱	این من وما بهر
۱۳۶	۳۲	ای نموده تو
۲۲۹	۱	ای نموده ضد
۲۷۳	۵	این منی و
۱۲۹	۳۲	این نباشد در
۶۹	۳۱	این نباشد ما
۳۸۵	۲۱	این نبود و
۱۷۰	۳۷	این نجاست بویش
۱۷۰	۳۵	این نجاست ظاهر
۱۸۴	۳۱	این نجوم ما
۲۳۶	۳۳	این نجوم وطب
۳۷۶	۱۶	این نخواندی
۱۵۴	۲۰	این نخواهد شد
۵	۱۷	این ندارد آخر
۴۳	۶	این ندارد حد
۸	۷	این ندانستند
۲۹۷	۲۷	این ندانستید
۳۶۲	۱	این ندانم
۳۷۶	۱	این ندانی
۲۳۲	۳۳	این نسب خود
۳۷۸	۲۴	این نسوزد وان
۱۰۵	۲	این نشان آن
۱۲۵	۶	این نشان چون
۶۵	۳۴	این نشان خسف
۱۰۵	۱۳	این نشان در
۲۶۵	۱۳	این نشان دید
۱۵۶	۷	این نشان راست
۲۸۳	۲	این نشان زر
۱۲۸	۲۵	این نشان ظاهر
۱۰۵	۱	این نشانها
۱۲۷	۴	این نشانها
۱۷۶	۷	این نشاید از
۴۲۰	۳۹	این نشسته
۲۲۴	۲۱	این نصیب
۲۲۶	۳۲	این نظر از
۱۸۳	۵	این نظر با آن
۵	۵	این نفس
۳۱۰	۲۶	این نکردست
۲۶۳	۹	این نکردی تو
۱۲۵	۳۸	این نگر که
۲۸۱	۳۵	این نماز وروزه
۲۰۷	۳۲	این نماید نور
۴۱	۱۸	« نمك باقی
۳۸۰	۱۴	« نمك زار
۴۰۲	۲۹	« نمی بینی
۲۶۶	۲۸	« نود ساله
۱۳۳	۲۵	« نوشته
۳۸۰	۱۵	« نوی را
۴۱	۳	« نه آن جان
۲۰۶	۱۷	« نه آن شیر
۲۶۲	۱۴	« نهاده بهر
۳۳	۲۹	« نه بلبل
۱۵	۸	« نه جبر
۳۲۸	۱۵	« نه مرداند
۶۷	۱۹	« نه میراث
۱۲۱	۱۷	« نه وقت
۱۸۸	۳۷	« نیاز
۱۳۳	۱	« وسط
۱۶۰	۲۳	« وصدچندین
۱۱۰	۲۴	« وصدچندین و
۱۶۷	۳۲	« وصدچندینی
۱۲۴	۳۰	« وعبد و
۱۷۹	۳۳	« هم از تأثیر آن
۱۶۳	۳۱	« هم از تأثیر حکم
۲۹۱	۲۸	« هم از تأثیر لعن
۴۲۱	۲۹	« همان باد
۱۲	۳۰	« همه آغاز
۴۰۰	۲۴	« همه از حق
۱۴۱	۳	« همه الله
۲۷۷	۱۹	اینهمه انکار
۳۵۳	۳۳	« اوصاف
۱۹۱	۱۴	« بازار
۳۰۷	۱۹	« بشنید
۴۳۱	۳۹	« بی راه
۳۸۵	۱۴	« ترسنده
۴۴۵	۴۲	« تعلیم
۲۷۷	۱۳	« خواندی
۱۵۳	۱	« خوشها
۳۷۶	۲۸	« خون و
۱۸۷	۱۶	« دارند
۲۷	۲۵	« دانست
۴۳۸	۳۹	« درلاله زاری
۳۱۷	۲۸	« روی
۹۱	۳	« عالم
۲۴۰	۱۱	« علم
۴۷	۲۲	« غمها
۱۵۱	۳۲	« کردیم
۳۰۰	۱	« کردی نمردی
۲۴۷	۳۴	« که مرده
۴۱۳	۲۰	« گفتند و
۱۱۰	۱۱	« گفت و
۳۹	۷	« گفتیم
۲۵۵	۳۶	« گه باز
۳۴۳	۲۷	« مردن
۳۲۴	۱۲	« وهم

صفحه	سطر	اول بیت
۴۷	۲۲	این همه هست و
۱۷۲	۱۵	این همی آمد
۱۷۵	۸	« جستم
۲۶۸	۴۷	« دانم
۱۶۰	۲۶	« گفتش
۶۷	۲۸	« گفتند
۳۱۲	۲۰	« گفت و دل
۱۹۷	۳۲	« گفت و ذبالهٔ
۱۹۳	۳۴	« گفت و رخشه
۱۶۸	۲۱	« گفتی
۳۳۰	۱۶	« گوید جهان
۱۶۱	۶	« گوید که
۱۳۰	۲۳	« گویند و بندش
۲۱۸	۳۶	« گویند و
۲۸۲	۲۶	این هنرها
۲۸	۱۴	« هوا با
۵۹	۳۱	« هوا را
۳۰۴	۳۸	« یقین دان کاندر
۲۴۷	۸	« یقین دان گر
۴۱۹	۲۱	« یقین میدان
۴۰۲	۴	« یکی اسب
۳۷۶	۲	« یکی حکمت
۴۲۸	۲۸	« یکی سامست
۶۱	۵	ای وجود
۲۳۰	۱	ایها السالون
۳۶۸	۳۶	ایها العشاق اقبال
۲۳۰	۱	ایها العشاق السقیا
۲۸۳	۲۹	ایها المحبوس
۴۳۴	۳۸	ایها الناس
۴۲۰	۹	ایهزاران جبرئیل
۴۲۰	۱۱	ایهزاران کعبه
۳۰۶	۳۲	ای هلاکت
۳۴۸	۹	« همائی
۴۰	۴	« همه پوسیده
۳۳۹	۱۳	« همه دریاچه
۵۶	۱۶	« همه ینظر
۳	۲۵	« همیشه
۳۷۲	۲۹	« هوا را طب
۳۹۴	۴۰	« یرانا
۱۷۰	۳۱	« یگانه

ب ـ ا

صفحه	سطر	اول بیت
۸۵	۳۶	با اجل
۱۰۱	۱۷	« ادب
۴۳۲	۱۲	« املها
۳۴۶	۳۴	« امیرت
۳۳۹	۲۷	« بت زنده
۴۴۰	۴۲	« برید شاه
۴۲۱	۷	باب که روزن
۳۵۲	۴	با بیانی کان
۲۶۸	۱۲	« پدر چون
۱۹۳	۲۲	« تأنی
۳۴۴	۱۳	« تبرك
۱۵۳	۳۳	« تجبر
۴۴۰	۳۲	« ترانه
۳۰۶	۲۶	« تضرع باش
۴۱۷	۲۱	« تواتر
۲۹۳	۱۸	« تو اوچونست
۱۴۳	۸	باتو باشد
۱۴	۲۱	« برخاك
۲۱۲	۴۰	« بی لب
۱۹۸	۱۹	« دوزخ
۸۱	۳۱	« دیوار است
۴۳۳	۱۰	« رازی
۳۷۶	۳۸	« قلماشت
۴۳۳	۱۶	« گفتم
۳۰۱	۲۷	« گویم در
۳۲۵	۳۱	« گویند این
۲۱۶	۷	« ما چون
۱۴	۱۹	« ما را
۱۵۸	۱۸	« می گفتم
۱۹۹	۹	با جمال جان
۳۴۵	۲۷	باچنان انکار
۴۴۳	۲۴	« جائی
۸۶	۱۰	« چشمی
۳۹۲	۶	« رحمت
۳۴۴	۳۳	« شیری
۱۶۰	۲۰	« عزی
۱۳	۱۷	« قادر
۵۳	۷	« قوت
۳۱۰	۲۰	باچنین اکرام
۱۷۸	۱۴	« برهان
۳۶۲	۳۴	« پنهانی
۱۶۸	۲۰	« تقوی و
۱۶۸	۳۱	« جاه و
۲۹۲	۱۶	« حالت
۴۳۷	۲۵	« دندان
۱۳	۲۱	« غالب
۲۷۵	۳۶	« قهری
۱۷۸	۳۹	« کبزی
۴۲۲	۲۰	« نا قابلی
۱۱۶	۳۳	« نزدیکئی
۲۳۸	۲۷	« نوری
۱۳۶	۲۷	با حبیب
۳۹۲	۱۶	با حدث کان بدتر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۰	۱۹	با حدث کرده است
۴۰۲	۱۰	« حضور آفتاب
۵	۲۸	« حکیم او
۳۳۸	۹	باخت دست
۱۷۲	۱۰	« خدا باصد
۱۲۰	۲	« خدا گفتی
۴۳۵	۵	با خروش و
۴۲۳	۲	« خود آمد او
۴۰۴	۳۱	« خود آمد گفت ا
۱۷۵	۲۹	« خود آمد گفت را
۲۴۹	۳۶	« خودی با
۱۱	۴	« خودی تو
۱۷۱	۲۰	« خیالی
۱۶۴	۱۰	باد آمد شاخ
۱۷۹	۱۸	« آن میوه
۳۶۵	۴۱	« آهی
۴۳۲	۳۳	« از پیش
۲۳۱	۳۴	« با حرفم
۴۳۴	۳	« باشد
۴۳۵	۸	بادبان را
۴۳۸	۳۴	بادبانش
۱۸۶	۱	باد بدبر
۲۴۶	۱۳	« بر تخت
۲۴۴	۳۴	« بوی آور
۴۳۳	۳۸	« پائیز زوالش
۴۳۳	۳۷	« پائیزی
۱۶۳	۲۹	« پر را
۳۷۲	۳	« پنهان
۲۶۶	۲	« تند است
۴۳۱	۴	« توریح
۱۹۶	۲۷	« جان افزا
۴۳۴	۲۸	« جان بخشش
۹۷	۴	« جنس آتش آید
۲۵۹	۶	« جنس آتش است
۲۱۲	۲۳	« چون بشنید
۳۹۱	۳۰	« چون گفتار
۲۰	۹	« حرص
۱۵۳	۱۶	« حمال
۱۴۸	۳	« خرکره
۷۳	۴۱	« خشم و
۲۵	۴	« در مردم
۲۲	۳۳	« درویشی
۲۱۸	۸	« دم را در تو
۴۲۱	۳۰	« را اندر
۴۲۱	۲۷	« را بشکن که
۲۵۴	۲۱	« را بی چشم
۴۳۲	۲۲	« را چون
۲۱۸	۶	« را حق
۲۲۸	۳۸	« رادیدی که با
۲۱۸	۳	« رادیدی که می
۲۲	۱۶	« را فرمود
۳۸۲	۲۷	« سبلت
۳۶۶	۱۷	« سرگردان
۲۰۵	۶	« سوزان است

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۹	۲	باد شرطه
۶۶	۶	« صرصر
۳۸۵	۸	« طوفان
۳۸۵	۸	« طوفان
۳۵۴	۳۳	« عمرت
۴۳۳	۳۰	« فراش
۴۳۲	۳۷	بادف و نای
۱۵۸	۲	باد قهر است
۴۲	۲۰	« کار خویش
۷۴	۱	« کبر و باد
۵۷	۲۲	« کشتی را
۳۵۳	۵	« که را
۴۲۱	۳۳	« گوید بیکم
۴۰۳	۳۱	با دل خودشه
۳۱۸	۱۱	« گفت
۱۵۱	۳۳	بادل خوش
۱۲۶	۹	« و با اهل
۱۵	۲	باد ماو بود
۱۳۰	۱۱	با دم شیری تو
۲۰	۴	باد و آتش
۴۲۰	۲۳	بادو باد ر عشق
۱۶۱	۱۳	« پر بر
۴۴۳	۱۵	« چشم
۱۹	۳۵	باد و خاك
۲۴۳	۱۶	بادو دیده
۲۳۲	۱۰	« صد اقبال
۲۱۳	۲۲	« عالم
۲۳۶	۱۲	« عقل از
۳۳۴	۸	« کهنه
۳۸۷	۲۹	« گره
۳۳۴	۳۶	باده از غیب
۲	۱۳	« مامست
۳۷	۳۴	« مامست
۱۲۴	۲۳	بادها و ابرها
۳۱۱	۱۱	بادهٔ او
۱۴۸	۸	« حق
۱۵۳	۱۴	« خاك
۲	۱۲	باده در جوشش
۳۷	۳۳	« در جوشش
۲۴۹	۲۷	بادهٔ را می بود
۳۳۹	۱۰	« سرمایه
۳۳۷	۱۱	باده شان کم بود
۳۳۷	۱۶	بادهٔ کان بر
۳۳۹	۱۲	بادهٔ کاندر خم
۴۴۱	۱۲	بادهٔ ما عشق
۲۴۶	۱۳	بادهم گفت ای
۳۳۷	۱۰	باده میبایستشان
۴۱۶	۱	بار آخر
۳۰۰	۲۹	بار اول از ره
۱۰۲	۱۱	بار بازرگان چو
۱۴۸	۱	« برگیرند
۹۸	۲۱	« تو باشد
۲۰۰	۹	بار خ چون
۳۵۷	۲	بار خود بر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۱	۱۲	باردیگر آمدم
۲۰۰	۱	« ازملك
۳۵۷	۱۳	« برگمان
۳۵۷	۱۴	« سوخت
۱۸۳	۱۲	« سوی
۲۳۵	۹	« شاعر
۱۵۲	۳	« شد
۶۳	۱۶	« کوفتند
۴۵	۲	« گرد
۳۲	۲۶	« ما بقصه
۴۱۸	۳۰	بارسن صندوق
۳۰۲	۲۱	بار سنگین
۹۰	۲۸	بار صبر و شکر
۲۹۷	۳	بارکن پیکار
۱۴۸	۱	بارکه نهد
۴۰۰	۲	« گوناگونست
۲۴۶	۴	بارنامهٔ روح
۹۸	۹	بارها از خوی
۹۸	۹	« از فعل
۲۱۸	۲۹	« پوشد
۴۱۵	۲۴	« خوردی
۱۸۳	۹	« در دام
۲۱۸	۳۰	« زن نیز
۲۲۵	۲۲	« گفتند
۴۱۵	۳۴	« گفتیم
۳۴۶	۳۵	« من امتحانش
۴۱۶	۹	« من خواب
۴۰۲	۲	« می شد
۱۳۰	۱۷	باری ار دوری
۳۵۳	۱۴	« افزوده
۳۷۹	۱۸	« اکنون
۳۳۸	۲۹	« این مقبل
۲۷۶	۱۲	باز آتش
۲۷۲	۱۱	بازآمد او بهوش
۲۳۱	۱۲	« سوی آن
۵۶	۲۱	« سوی دام
۳۶۶	۲۸	« شاه
۷۶	۱۱	« کایعلی
۱۹	۲۱	« کایمحمد
۳۵۸	۱۰	« گفت
۲۳۸	۱۳	بازآن ابلیس
۴۴۳	۸	« اجناس
۳۱۴	۲۳	« افیون
۹۶	۲۵	« باشد
۴۳۸	۳۸	« بحرین
۶۳	۱۸	« جان چون
۶۳	۱۷	« جان چونکه
۲۵۹	۸	« جانها
۲۷۱	۱۶	باز آنسو کرد
۳۸۸	۲۸	بازآن غشیان
۴۳۸	۳۹	« گلزار
۲۵۸	۳۵	« هاروت
۱۶۹	۱۰	« یکبار
۳۰۹	۱۲	باز آید جان

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۲	۲۰	باز آید زانطرف
۳۶۶	۶	« احد بشنید
۳۳۴	۳۴	« اخوانرا
۳۸۰	۷	« ارجاء
۲۷۴	۱۸	بازاز آن‌خوابش
۴۳۱	۲	« آن دریا
۳۸۸	۲۴	« آن‌صقعه
۳۳۰	۲	« بعد گنه
۲۷۴	۱۶	« حیوان
۴۳۹	۴۰	« خندیدن
۳۰۷	۱۹	« نوع
۴۴۲	۳۳	« وی‌استشاره
۳۳۴	۳۵	« وی‌مر
۲۲۳	۲۹	« هندوی
۳۵۷	۱۷	« یادش
۱۲۲	۷	باز اسپیدم
۲۵۸	۱۱	« اسپیدی
۵۷	۱۹	« استادی
۴۲۱	۱۴	« استسقات
۳۹۶	۲۵	« اشهب را
۹۵	۱۷	« افزونست
۳۵۴	۲	« اگر باشد
۳۲۹	۱۰	« اگر بیگانه
۳۹۰	۴	« امروز
۳۸۸	۲۹	« املاکی
۵۲	۶	« اندر چشم
۳۸۱	۱۴	« اندرخاطر
۳۷۲	۲۶	« اندیشید
۶۲	۲	« اوآن خشك
۳۷۱	۳۲	« او آن عشر
۳۰۰	۳۰	« او پرسد
۳۸۴	۱	« اولاحول
۱۱۷	۳۳	بازئی دیدو
۳۳۵	۳۵	باز ایمان
۲۰۹	۳۳	« این‌اندیشه
۱۴۲	۲۱	« این‌در را
۹۲	۹	« این دلهای
۲۲۷	۳۱	« این را بند
۲۸۵	۲۴	« این‌را میهل
۱۵۰	۱۱	« این مستی
۴۲۱	۲۰	« با پر
۳۸۸	۲۶	« باخود آمدم
۱۶۷	۲	« باخودگفت‌صب
۵۰	۱۸	« با خود گفته
۷۳	۲۱	« باش‌ایاب‌بر
۷۳	۲۲	« باش‌ایاب‌رح
۶۵	۲۵	بازبان حال‌زر
۸۳	۹	« حال‌بگفت
۳۶۴	۱	« حال میگفتم
۴۱	۲۷	« سبز و
۲۹	۲۰	« شطاعه
۴۴	۱۹	« گرچه
۱۱۶	۱۵	باز بانگش
۲۰۷	۱۰	باز بانگی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۱	۲۵	بازبان معنوی
۱۶۹	۱۴	باز با هوش
۲۴۶	۳۵	« باید گشت
۱۶۷	۱۶	« بخشد
۴۴۵	۱۶	« بردند و
۴۹	۳۳	« بر زن
۳۱	۱۶	« بر موجود
۳۳۸	۳۴	« بشنو قصهٔ
۹۰	۱۱	« بعضی را
۳۲۴	۶	« بفرستادت
۲۰۷	۱۰	« بگریزی
۱۸۸	۱۵	« بهرمصلحت
۱۳۳	۲۲	« بی الهام
۶۱	۳۲	« بی شك
۴۰۷	۱۸	« بی‌صورت
۱۴۸	۱۱	« پراز شبد
۳۶۵	۱۷	« پران کن
۳۶۶	۶	« پندش داد
۹۸	۲۰	« پهنا میرویم
۱۲۳	۱۸	« پیغمبر
۱۸۳	۱۳	بازت‌آنتواب‌بگش
۱۸۳	۱۰	« آنتواب‌لطف
۵۲	۲۷	باز تره
۲۷۰	۱۹	« توبه‌میکندبا
۳۵۳	۳۵	« جان چون
۲۵۸	۲۱	« جانم باز
۳۵۳	۱۱	« جانهارا
۵۵	۱۴	« جوی وباز
۳۷۱	۳۳	« چادر راست
۲۷۶	۲۲	بازچون آید
۲۹۰	۱۰	« ابری
۱۸۳	۱۳	« پروانه
۲۷۲	۲۲	« تجدید
۲۲۳	۳۱	« خورشید
۳۲۸	۱	« شب
۱۶۹	۳۲	« من
۴۳	۹	باز چه گر
۲۵۴	۱۲	« حس کز
۱۶۹	۱۷	« حیران‌گشتم
۲۴۰	۱۸	« حیوان راچو
۱۳۸	۱۳	« خاك آمد
۱۳۸	۱۲	« خاکیرابخشد
۱۱۶	۳۱	« خرمارا
۳۶۶	۳۰	« خرم گشت
۴۴۷	۴۳	« خواهی‌آمد
۳۳۸	۲۷	« خود پیدا
۳۳۸	۲۶	« خودراسر
۱۱	۱	« دان‌کزچیست
۲۱۶	۲۸	« دربستندش
۲۷۶	۱۳	« درتن شعله
۵۲	۳۶	« در خم
۱۲۳	۲۱	« در دل
۳۱۳	۴۰	« دردیوارها
۴۴۰	۳	« درزی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱	۱۷	باز درگوشش
۹۶	۲۷	« در ویرانه
۱۷۱	۵	« دریا آن
۴۷	۲۱	« دست
۳۹۳	۳۷	« دل را
۴۳۸	۳۵	« دو بحر
۴۱۷	۲۶	« ده آن
۱۶۷	۱۲	« ده دو
۱۰۰	۱۵	« دیوانه
۱۴۴	۲۱	بازرا گویند
۴۴۰	۲۲	« مسند
۱۱۶	۱۵	باز راند این‌سو
۳۵۸	۴	« ران سوی
۳۱۸	۱	« رحمت
۳۳۶	۱۶	« رستم
۴۳۳	۲۹	« رو برگ
۳۹۰	۱۶	« رو تا قصه
۳۵۷	۹	« رو در کان
۱۹۹	۱۱	« روسوی‌حدیث
۷۵	۳۵	« روسوی‌علی‌و
۲۴۳	۷	« روسوی‌غلام
۱۹۱	۲۴	« زاری کرد
۲۱۹	۱۶	« سترو پاکی
۳۶۶	۳۶	« سلطان است
۴۱۳	۱۱	« سلطانم
۳۰۵	۲	« سلطانی
۱۴۱	۴۰	« سوگندان
۱۲۳	۱۳	« سوگندی
۲۹۲	۸	« سوی عقل
۳۸۱	۲۰	« سوی‌قصهٔ
۵۰	۱۶	« شاخی را
۲۷۹	۲۲	بازشان زنده
۳۴۹	۲۳	« وقت
۲۹۷	۳۴	باز شاه از
۳۲۷	۳۹	« شب‌اندر تب
۷۵	۱	« شب منسوخ
۹۵	۹	« شکل و
۲۳۵	۲۲	« شه بر
۲۴۸	۸	« صف
۱۵۹	۱۷	« صندوقی پر
۱۵۹	۱۸	« صندوقی که
۲۱۹	۱۳	« صوفی عذر
۴۲۱	۲۰	« صید آرد
۲۰۷	۹	« عزم دین
۱۲۹	۳	« عقل از
۳۹۹	۱۳	« عقلش
۶۶	۲	« عقلی
۴	۱۰	« عیسی
۴۱۶	۲۵	« عین آن
۲۲۲	۳۴	« غیر عقل
۳۹	۱۵	« فرمان‌آیداز
۱۷۱	۳۵	« فرمان‌آیدش
۱۷۱	۳۴	« فرمان میرسد
۱۵۸	۳۱	« فرمود او

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۲	۱۵	باز فرمودش
۹۲	۳۰	« قابلتر
۱۹۰	۱۵	« کافر خورد
۳۹۴	۳۴	« کرداز حق
۳۹۴	۳۵	« کرد از رطب
۳۶۷	۳۶	« کرد استیزه
۲۴۱	۱۹	« کن آنرا
۲۴۱	۸	« کن سرنامه
۲۲۹	۳	« کن طب را
۳۸۵	۴۰	بازگرداز بحر
۴۳۳	۱۹	« رمز
۲۶۰	۳۴	« کفرسوی
۲۵۶	۲	« کفرواین
۱۱۰	۲	« گرگی
۹۰	۴	« هست
۳۷۴	۶	باز گرد اکنون
۳۱۱	۱۵	بازگردان‌قصه
۴۱۰	۴۰	بازگردای عاشق
۲۶۰	۳۵	« گمره
۱۴۳	۱۹	باز گردد قصه
۹۶	۱۳	بازگرد شمس
۲۱۲	۲۹	بازگردم جانب
۱۷۱	۲۴	« زانکه
۳۲۱	۲۴	« سوی آن
۳۴۶	۲۱	« سوی‌توبه
۴۴	۲۸	بازگردوحال
۴۴۲	۲۵	بازگردوقصهٔ او
۳۱۳	۲۱	« او
۳۷۲	۱۸	« رنجو
۲۷۳	۲۰	« قبطی
۲۲۳	۳۶	« مسج
۲۸۹	۲۲	بازگردو کن
۲۲۶	۱۳	بازگردید ای
۳۱۴	۷	بازگردیدندسوی
۴	۱۱	بازگستاخان
۴۱۶	۲۳	بازگشت ازمصر
۳۴۴	۲۶	« ازموصل
۴۴۲	۲۲	« ما
۱۶۴	۱۶	باز گشتم سوی
۱۵۲	۱۷	« گشتند آن
۳۵۸	۱۲	« گشت وگفت
۳۵۴	۲۲	« گشته از دم
۲۱۹	۶	« گفت‌ارآرد
۲۷۶	۳۴	« گفتا کز بیم
۳۱۸	۳۷	« گفت‌الصبر
۲۷۶	۳۴	« گفت‌اورا
۲۵۷	۲۵	« گفت‌اواین
۸۴	۳۱	« گفت ای‌شه
۱۲۷	۴۱	« گفتش‌ایحکیم
۴۳۹	۴۶	« ترك
۱۱۰	۱۲	« من
۲۲۵	۲۴	بازگفتند ارکاد
۲۲۶	۴	بازگفتی بعد
۴۲۳	۲۴	بازگفتی جان

صفحه	سطر	اول بیت
۸۳	۶	بازگفتی حزم
۳۱۰	۲۷	« دور
۲۹	۳۵	بازگو آن قصه
۲۱۷	۳۹	« احوال آن
۲۲۹	۲۳	« احوال‌ابراه
۵۳	۲۹	« از
۵	۱۳	« اسرار
۷۳	۳۴	« ای‌بازپر
۷۳	۱۴	« ای‌بازعرش
۷۳	۳۴	« ای‌بازعنقا
۴۳۷	۴۴	« باری
۲۹	۳۴	« تا چون
۲۹	۳۳	« تا قصه
۷۳	۱۲	« دانم
۲۰۷	۲	« کان
۲۹	۳۴	« کز
۲۲۶	۳۴	بازگونه ای
۱۴۴	۲۰	بازگوید بط
۲۵۸	۲۰	« خشم
۱۷۱	۳۶	« سر
۳۸۵	۲۰	« کور
۹۶	۳۰	« من چه
۲۶	۷	بازگویم چون
۴۳۶	۲۷	بازگوی‌وبرشمر
۲۰۴	۱۳	باز لطف‌آید
۳۰۹	۲۷	« مانده دید ها
۳۰۲	۳۹	« مرغان چنبر
۱۸۳	۴	« مرغی فوق
۱۸۳	۶	« مرغی کان
۲۹۲	۹	« منزلهای‌خشك
۲۹۲	۱۰	« منزلهای‌دریا
۱۰۳	۲۸	« منشوری
۹۶	۴۱	بازم‌ودرمن
۱۹۰	۱۹	باز موسی داد
۱۲۴	۳	« میجوئی
۸۳	۱	« مبدید
۱۶۹	۱۰	« میدیدم که
۱۲۳	۲۳	« میزارید
۳۰۵	۲۷	« میکائیل
۵۶	۱۲	« میگردم سوی
۳۷۱	۲۸	« میگردم سوی
۲۹۵	۱۲	« میگردند
۳۴	۸	« میگردیم از
۱۱۵	۲۸	« میگردیم‌سوی
۸۸	۷	« میگشتم که
۸۳	۴	بازمی‌گفت آدم
۲۵۲	۱۵	« اوکه
۸۳	۳	« ایعجب
۸۳	۶	« اینکمان
۲۰۹	۳۵	باز میگفتندا گرچه
۸۳	۱۶	« ای
۳۱۲	۲۱	باز میگویدبحق
۱۶۹	۳۴	« میگویم
۸۴	۲۶	« میبالید

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۸	۲۳	با زمین آن
۳۸۸	۲۵	« هموار
۶۳	۱۷	باز نان را
۳۸۴	۲	باز نفسش
۴۱۴	۴۱	باز نفسش
۲۵	۲۰	باز نورنور
۴۳۱	۳۱	باز واپس
۸۴	۵	باز والیل
۱۵۲	۱۹	باز وحی آمد
۳۹	۱۴	باز وقت
۳۱۲	۳۱	بازویش بست
۱۴۱	۳۷	باز هر سال از
۱۶۹	۱۹	باز هریك مرد
۶۲	۱۰	باز هستی تنگ
۶۲	۱۰	باز هستی جهان
۶۶	۱۳	بازهم آن باد
۴۳۷	۶	بازهم رفتند
۴۰۹	۳۹	بازی آن تست
۳۲۹	۲۶	بازی خودکردی
۲۳۶	۲۰	باژگونه رفت خواه
۲۶۳	۱۴	باژگونه رفت و
۴	۳۳۲	باژگونه زاین سخن
۱۸۲	۳	باژگونه کردهٔ
۳۷۶	۱۱	باژگونه نعل
۱۸۸	۵	باسبها
۲۰۳	۱۰	با سپاهی همچو
۴۸	۳	باسگان براستخوان
۳۰	۵	با سگان بگذار
۱۳۶	۱۷	با سلیمان پای در
۱۳۶	۷	با سلیمان خوکن
۲۶	۳۸	باسلیمان یك
۳۰۷	۲۵	باسنان وتیغ لابه
۳۸۲	۳۶	با سیاسنهای
۴۳۶	۳۵	با سیه سر که
۱۹۳	۲۷	باش تا اعضای
۱۷۸	۹	با شتاب او
۲۳	۳۰	باش تا حسهای
۱۵۳	۱۳	باش تا خورشید
۹۵	۱۸	باش تاروزیکه آن
۶۸	۸	باش تاروزیکه
۱۷۸	۱	باش تا شیران
۱۶۳	۲	باش تا مرغ
۱۹	۲۵	باش چون دولاب
۶۶	۲۶	باشدآن تصویر
۲۴۱	۸	« فهرست
۱۴۳	۲۰	« کفران
۳۳۶	۴۲	باشد آنکه
۱۵۰	۹	باشد اغلب
۹۲	۳۴	باشد او درمن
۳۰۸	۳۱	باش درروزه
۳۱۹	۳	باش راضی
۱۱۲	۳۹	با شریف آن
۳۲۷	۲۹	باش فارغ تو
۲۳۹	۱۲	باش کشتیبان

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷	۴	باش همراه
۱۶۱	۳۰	باطل است این
۱۱۰	۳۰	باطلان راچه
۲۹	۱۲	با طلب
۳۹۵	۵	باطلندومی
۱۹۵	۲۵	با عدو
۴۴	۸	با عصا
۴۰۹	۱۳	با عنایت
۲۷۲	۲۷	با عوام این
۱۵۲	۱۶	با عوانان
۲۷	۲۶	باغبان را
۷۵	۴	باغبان زان
۱۲۰	۲۵	باغبان گویداگر
۱۲۰	۲۴	باغبان گویدخمش
۱۲۰	۱۴	باغبانم شاخ
۱۰۳	۱۰	باغبان ملك
۵۹	۱۱	باغبان هم
۱۱۲	۲۱	باغبانی چون
۲۳۲	۲۵	باغ پنهان کرده
۴۴۱	۱۳	باغ جان را
۱۱۲	۲۷	باغ چبود
۱۹۶	۲۸	باغ چون جنت
۳۹	۱۷	باغ دل را
۳۷	۲۴	باغ سبز
۱۹۲	۶	باغ گفتم
۳۶۰	۱۱	با غلیظی جز
۱۳۳	۳	باغ و بیشه
۲۳۷	۳۳	باغها و سبزها
۲۳۰	۱۱	باغها و قصرها
۲۳۷	۳۴	باغها و میو ها
۱۴۴	۳	با فراقت
۴۱۶	۱۹	با فقیری
۲۲	۲۷	باقضا پنجه زدن
۲۱	۱۴	با قضا پنجه مزن
۳۶۶	۱۱	با قضا هرکو
۲۲۲	۳۰	با قضای ما
۱۳۸	۱۷	باقیات الصالحات
۴۱۸	۱۰	باقی اعضا
۱۶۱	۹	باقیان زین
۱۶۴	۵	باقیانش جمله
۳۴	۳۴	باقیان هم
۴۲۵	۲۳	باقی این گفته
۱۵۸	۱۴	باقی تن
۲۲۵	۳۷	باقی درهای
۳۹۲	۳۸	باقیش چون
۲۱۹	۹	با کبوتر بازکی
۳۷۹	۳۶	با کبی خویان
۱۰۳	۱۸	با کدام استاد
۱۷۵	۱	باکدامین روی چو
۳۲۴	۱	باکدامین روی من
۱۸۴	۳۹	با کریمی گر
۲۹۳	۱۶	با کفش دریای
۳۸۶	۳۳	با کفش نا
۱۶۹	۳۳	با کمال احتیاج

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۵	۲۳	با کمال تیرگی
۴۱۱	۱۸	« کنایت راز ها
۳۱۵	۳۲	« کنیزك گفت
۳۸۲	۲۰	« که خفتی
۲۹۸	۱۱	« که گویم
۱۰۶	۱	« که میگوئی
۱۳۵	۳۲	« گره کم
۱۴۵	۸	« گل
۱۴۰	۱۴	« گیاه وبرگها
۱۴۷	۶	« لئیمان
۱۸۵	۱	« لئیمی چون
۱۸۵	۲۰	« لئیم نفس
۳۷۴	۵	بال بازان را
۲	۱۹	با لب دمساز
۱۸۵	۲۸	بال نی و
۴۱۶	۵	بال و پرت
۳۲۵	۲۷	با محمد بود
۱۳۲	۱	« مخالف
۱۶۲	۳۳	بامدادان آمدند
۱۹۰	۲۳	« ازبرای
۳۷۷	۲۷	« اطلسی
۱۸۷	۸	« چون
۲۴۹	۱۸	با مریدان
۳۴۳	۱۶	« مسلمانان بکافر
۳۴۳	۲۵	«مسلمانان بکر او
۱۵۰	۲۵	« معبر گفت
۴۲۵	۴۶	با م گردون
۴۰۰	۳۲	با ملایك گفت
۹	۲۰	« ملك
۲۶	۱۳	« من از بهر تو
۱۱۴	۳۶	« من اینرا
۳۵۳	۲۷	« منجم این
۱۴	۲۰	« مه روی
۲۰۴	۱۳	« نخود گوید
۲۱۰	۳۲	« نشاط آنزهر
۵۷	۹	« نقبان
۲۶۸	۱۹	بانگ آبش
۳۶۱	۱۷	« آبم من
۳۲۴	۳۴	« آمد روز
۲۰	۱۸	« آمد کار
۳۱۷	۸	« آمد که همه
۴۴	۳۰	« آمد مر
۳۱۷	۳۱	« آمدناگهان
۳۶۹	۲۳	« آمد نی
۲۱۴	۱۱	« اسبان
۱۴۹	۳۵	« اشکسته
۲۴۲	۲	« اشکونه اش
۳۸۶	۲	« او تو
۹۷	۲۲	« او چون
۴۳۴	۳۰	« بر خاصان
۷۵	۲۰	« بر زد
۴۰۹	۳۷	« بر لشکر
۱۹۷	۳۱	« بروی زد
۲۱۸	۱	« بروی زدبهمت

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۳	۱۲	بانگ پررسته
۱۵۰	۳۰	« چاووشان چو
۲۷۶	۱۹	« چاووشان و
۴۰	۸	« حق
۴۲۵	۲	« حیزان
۲۴۲	۱	« خارو
۴۳۱	۴۴	« خر
۴۰۳	۲۲	« در بشنو
۴۰۳	۲۰	« دردان
۴۰۳	۲۰	« درمحسوس
۱۵۱	۲	« درویشان
۲۰۷	۱۴	« دیوان
۲۱۸	۲۸	« زدآن دزد
۲۱۲	۲۲	« زدآن شه
۶۰	۲۰	« زد او
۲۲۹	۲۵	« زدبرروزن
۳۸۳	۱۳	« زد بروی
۴۱۰	۲۷	« زد بر
۲۱۲	۳۰	« زد درگوش
۱۵۶	۲	« زدگای جان
۱۱۰	۲۴	« زدگوساله
۶۱	۲۴	« زد یارش
۱۰۹	۳۱	« زشتم مایه
۳۰۳	۳۴	« سگ اندر
۸۶	۳	« سگ هرگز
۲۴۶	۳۳	بانگش آمداز
۳۴۴	۳۸	بانگشان در
۳۳۰	۹	بانگ شیرو
۳۰۵	۲۶	« صورش
۱۴۹	۲۳	« طاوسان
۳۴۳	۲	« طبل
۲۴۲	۳۵	« طشت
۹۱	۵	« غولان
۱۳۲	۱۵	« کردند
۲۰۳	۱۱	« کوس و
۲۲۸	۷	« گردشهای
۴۰۳	۲۱	« گفت بد
۱۰۸	۳۶	« مظلومان
۱۶۹	۲۷	« میامدزسوی
۱۶۹	۲۷	« میامدزغیرت
۳۴۹	۲۵	« می آیدتعالو
۵۵	۳۰	« میاید کای
۱۴۹	۳۵	« می آید که تعر
۹۱	۶	« می دارد
۲۸۶	۴	« میزد آتش
۱۹	۱۴	« میزددرمیان
۱۰۸	۹	« میزدکای امیر
۴۵	۸	« میزدکای خدا
۲۶۸	۲۶	« میزدکای مبث
۱۸۵	۲۴	« میزدنك نوای
۲۸۰	۲۱	« میزد واثبورا
۲۴۲	۲۳	« وصیتی جو
۲۵۹	۲۳	بانگها زد گریها
۲۴۳	۱۲	بانگ هدهد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸	۷	بانگ هرچیزی
۱۰۶	۳۷	با نماز اوبیالوده
۱۲۱	۳۸	« نیازو
۴۴۳	۴۲	« وجود اینهمه
۱۱۶	۱۸	« وجود تو
۲۶۷	۲۳	« وجود زال
۲۴	۱۳	« وحوش
۳۳۶	۱۵	باورش نامد
۸۸	۳۹	با وکیل قاضی
۱۴۵	۲۲	« هزاران آرزو
۱۴۵	۱	« هزاران حزم
۷	۲۸	« هزاران غصه
۲۰۹	۲۴	« هزار انکار
۴۳۷	۳۴	باهمه این ضعف
۹۲	۲۹	« بنشین
۱۶۰	۲۳	« تمکین
۴۴۰	۴۲	« دانستگی
۳۳۹	۶	« سالوس
۵۹	۳۰	با هواو
۴۳۸	۴۵	بایدازتونماید
۱۲	۱	بایدش خودرا
۱۱۳	۳۳	بایزید آن
۳۳۶	۳۶	« یزیدار این
۱۶۴	۳۱	« یزید از بهر
۱۱۳	۳۳	« یزیدا کعبه
۱۱۳	۲۲	« یزید اندرسفر
۹۳	۲۲	« یزیداندرمزید
۱۱۳	۲۵	یزید او را
		ب - ت
۱۳۱	۴۰	بت پرستان
۵۸	۲۳	« پرستی
۱۸	۲۱	« درون
۱۸	۲۰	« سیاه
۳۷۵	۱۵	« ستودن
۱۸	۲۳	« شکستن
۳۲۱	۳۹	« شکستی
۲۲۹	۱۵	« شکن بوده است
		ب - (ج-چ-ح)
۲۸۵	۳	بجهد از
۱۷۲	۴	بچه بیرون آر
۲۶۲	۲۲	بحث املاك
۸۷	۳۶	« با توجیه
۳۲	۲۱	« جان
۳۲۰	۲۳	بحثشان
۳۲	۲۰	بحث عقلست
۳۲	۲۳	« عقل وحس
۳۲	۲۱	« عقلی گر
۳۹۲	۳۴	« کردند
۲۵	۱۰	بحر بی پایان
۳۱۴	۳۰	« قعراست
۸	۲۲	بحر تلخ و
۱۰۰	۱۰	بحر تن بربحر
۴۱۵	۲۲	« جان افزا
۴۱۵	۲۲	« جان افزاو

صفحه	سطر	اول بیت
۹۳	۲۸	بحر جان‌وجان
۲۹۵	۳۴	« را پوشید
۳۴۹	۳۲	« را پیمود
۱۰۴	۷	« را گویم
۵۲	۱۶	« را نبیش
۴۲۲	۳۷	« شه که
۴۳۸	۳۳	« شیرین
۳۳۹	۱۷	« علمی
۸۲	۱۴	« کف
۲۶	۱۱	« کوآبی
۱۷۳	۱۲	« گوید
۱۱۴	۱۳	« مکار است
۱۲۰	۸	« مکری
۹۶	۱۸	« میگوید
۳۸۲	۳۱	« وحدانیست
۴۶	۱۹	« وکان
۴۲۸	۵	« هفت
		ب (خ ـ د ـ ذ)
۴۳۰	۱۹	بخت از حق
۳۶۸	۹	« با جامه
۲۰۹	۲۶	« مارا
۴۳۸	۱۱	« ماهست
۳۰۱	۷	بخشش بسیار
۳۱۰	۶	« محضی
۳۸۹	۳۱	بخشم اورا
۷۴	۵	بخل من
۹۳	۱	« نادیدن
۲۷۰	۲۹	بد بیاید
۳۰۷	۱۶	بدترین قهرش
۱۳۰	۱۴	بدچه‌باشدآتشی
۱۳۰	۱۳	« سرکشی
۱۳۰	۱۲	« مس
۱۳۰	۱۱	بدچه‌میگوئی
۷۱	۶	بد خیال
۲۶۲	۲۸	بد دلان
۲۳۹	۱۵	بدر بر صدر
۴۳۱	۴۷	بدررابشکافته
۲۴۱	۲۶	بدر رادیدي
۱۱۰	۱۷	بدرگ‌وخود
۱۴۸	۹	بدرگی و
۱۹۹	۱۵	بدر میجویم
۲۹۳	۱	بدرومتان
۳۶۹	۳۶	بد زرنجوریش
۴	۱۶	بد زگستاخي
۲۷	۲۰	بد عمررا
۱۳۰	۱۳	بدکه باشد
۳۱۲	۱۶	بدگمان باشد
۳۱۷	۳۴	بدگمان بردیم
۱۱۰	۱۷	بدگمان و
۴	۱۲	بدگماني کردن
۳۷۶	۳۷	بدگمانی نعل
۲۳۸	۳۸	بدگهررا علم
۲۲	۲۸	بد محالی‌جست
۲۳۷	۲۲	بدندانی
۳۵۷	۷	بد نماند چون
۳۶۹	۲۴	بد هلال
۲۲۷	۲۴	بدهم‌این‌زر را
۳۳۲	۲۲	بدهمی‌گویند
۲۲۷	۳۶	بذل شاهانه
		ب ـ ر ـ ز
۲۶۶	۱۳	بر اسیر شهوت
۲۸۴	۲۵	برامید آتش
۱۱	۲۴	« آنکه از
۸	۲	« آنکه‌مرغ
۳۹۶	۳۷	« او
۴۴۴	۲۶	« خورد
۱۲۳	۱۱	« راست
۳۰۸	۱۷	« راه بالا
۱۴۶	۱۲	« زنده
۱۲۲	۱۵	« شفقت
۹۶	۱۱	« عز
۴۰۰	۳۷	« کف
۲۸۴	۲۲	« گوهر
۳۴۸	۲۳	« وصل
۴۱۴	۴۰	« وعدهٔ
۲۴۶	۱۱	برامیرومطبخی
۶۷	۲۷	بربدیهای بدان
۲۸۰	۱۰	بر برادر بی
۴۲۲	۲۵	بربرون که
۴۱۱	۱۲	بربزرگان
۶۵	۲۲	بر بلیس و دیو
۲۴۴	۱۰	بر بهارش
۴۳۸	۳۶	برتر آنهم
۳۲۵	۶	برتر ازکرسی
۳۰	۳	برتراز نوبت
۶۸	۴۲	برترند از
۳۰۸	۳	بر تن او
۱۷۸	۱۷	بر تن مرده
۶۰	۱۳	بر تن ودست
۱۲	۲۲	برتو آسان
۲۰۲	۲۹	« اوازبهر
۳۷۲	۲۹	« خندید
۱۲۷	۱۳	« خود را
۱۱۰	۹	« دل می
۱۳۳	۷	« زندان
۳۰۲	۱۸	« سرگین را
۲۶۲	۱۹	بر توکل تا
۲۳۷	۱۷	بر تو گر پیدا
۱۹۸	۲۶	« گرده
۱۲۶	۳۵	« میخندد
۲۶۳	۸	« می ننهیم
۱۳۹	۷	« هم طمع
۴۳۰	۴۸	برته بحری
۲۰۸	۱۷	برج آتش
۲۰۸	۱۷	« بادی
۲۰۸	۱۶	« خاکی
۳۰۸	۱۰	« زندان‌را
۳۷۲	۸	« برجمادات‌آن
۱۰۲	۳۲	برجمادی رنگ
۱۵۹	۴۰	برج مه باشد
۳۵۷	۱	برجنازه هرکه
۳۶۱	۱۸	برچه‌ایعاشق
۵	۲۶	برجهدآن خار
۳۶۳	۱۳	برجهید آن‌ترك
۳۳۸	۹	« آن‌دلقك
۱۹۹	۳۶	« آن کشته
۲۵۷	۲۶	« از جا
۴۰۴	۲۶	« از خواب
۳۴۴	۲۹	« اوکون
۲۰۷	۲۱	« و بانگ
۲۱۳	۷	« و بر
۲۶۳	۵	« و زود
۱۰۱	۲۳	« و سنگ
۱۱	۳۲	برچنان سبزه
۶۰	۱۴	« صورت
۲۳۵	۳۸	برچنین صاحب
۴۲۱	۱۰	برچنین‌گلزار
۳۸۶	۱۳	برچه بگشادی
۵۲	۸	برچه میگرئی
۳۰۱	۱۷	برحدث چون
۳۷۵	۵	برحدوتعزیر
۱۶۵	۳۲	برحواس خود
۱۶۰	۱۱	برخران پشت
۳۴۹	۲۹	برخطا و جرم
۱۱۸	۳۰	برخطوفرمان
۱۶۱	۲۹	برخلاف قول
۲۹۰	۸	برخلاف‌موم
۴۱۵	۳۳	بر خلیل آتش
۴۰۸	۲۲	بر خموشی
۲۸۴	۴۱	برخیال آن‌صفا
۳۶۷	۳۷	« آنکه
۳۴۵	۱۳	« حرب
۲۸۶	۲۵	« حیله
۲۸۵	۱	برخیالش گر
۴۱۶	۸	برخیال و
۴۱۶	۹	برخیالی این
۴	۱	« صلحشان
۳۴۲	۱۷	برد آنصوفی
۴۱۹	۸	برد القصه
۲۳۱	۲۳	برداورا پیش
۱۰۸	۸	برداورازخم
۲۱۷	۳۱	برد بیند
۳۰۷	۳۷	بردتاحق تربت
۳۸۸	۲	برد حلوا
۳۲۸	۷	برد خر را
۳۹۸	۳۰	برد خرگوشیش
۱۴۲	۲۵	بردرآن‌صومعه
۱۴۲	۲۱	بردرآن منعمان
۱۷۸	۴۰	بردرارجوئی
۲۵	۱	بردران ایدل
۱۲۶	۳۷	بردراینخانه
۱۱۲	۳۳	بردر خانه بگو
۳۲۲	۳۷	بر درختان شکر
۲۳۸	۱۵	بردرخت جبر
۴۰۶	۳۲	بردرخت گندم
۴۳۷	۳۵	بردرختم بر
۴۴۲	۲	بردرختی بر
۳۲۹	۱۳	بردرخرگاه
۱۹	۳۲	بردرخرگ‌سگان
۳۹۶	۳۷	بر درش بود
۱۴۷	۵	« درش ماندند
۳۲۹	۱۴	« درکهف
۲۸۵	۲۹	« درم ساکن
۳۴۳	۱۲	« درودیوار
۱۳۴	۱۷	« دروغان
۶۳	۲۱	« دریاران
۱۴۳	۳۳	« دریدآنکوسفند
۳۰۲	۲۶	« دریداززخم
۲۴۵	۳۴	« دریده
۲۲۵	۱۶	« دریدی در
۲۳۵	۲۱	برد شاعر
۱۵۵	۳۵	بردشان بر
۷	۲۲	بر دکان بودی
۶۵	۲۳	« دکان هر
۳۳۵	۱۸	« دل آن
۵۲	۸	« دل تاریك
۱۳۰	۲۹	« دلت زنگار
۸۶	۲۱	« دل خودکم
۴۲	۳۱	« دل عاقل
۲۰۳	۳۱	« دلم زد
۱۰۶	۲۳	« دل‌موسی
۳۶۴	۲۹	« دل‌ودین
۱۷۰	۱۶	« دلی‌کودر
۳۴۶	۱۰	« دمد آن
۲۴۲	۷	برد مقناطیس
۵۲	۹	بردم ودندان
۱۷۸	۱۳	بردمی بروی
۱۶۱	۳۱	بردمید اندیشهٔ
۱۰۹	۳۲	بردوکوری‌رحم
۳۹۷	۲۹	بر دوکون اسب
۳۷۰	۳۱	« دوبدی چون
۹۰	۱۱	بردهٔ از خویش
۲۴۹	۲	بر دهان‌تست
۲۴۶	۲۱	« دهانم نه
۱۴۱	۸	« دهان‌و برلبش
۳۸۶	۳۷	برده در دریای
۳۹۶	۱۴	برد هم جنسی
۲۶۲	۱	بر رخ سیم
۳۴۲	۲۳	« رخ صوفی
۱۲۲	۴۰	« رسول حق
۲۴۳	۳۱	« زبان الحمد
۳۱۴	۱۰	« زبان بیخ
۸۳	۲۷	« زبان‌نام
۳۹۷	۱۳	« زدندی چون
۳۹۷	۱۳	« زدندی‌خویش
۲۵۰	۲	« زمان خوش
۴۴۳	۴۱	بر زمین افتادهٔ
۲۴۸	۲۱	« پهلوت
۶۰	۲۴	« زدسوزن
۲۴۱	۲۰	« زدکهنه
۱۶۲	۶	« گرنیم
۱۶۸	۹	« مبشد
۳۵۴	۶	« وچرخ
۴۰۹	۱۱	بر زنخدان
۳۷۲	۹	« زند ازجان
۲۸۱	۲۰	« زند بر پا
۱۱۲	۳۵	« زن‌وبرفعل
۱۲۲	۱۴	« زن‌و فرزند
۱۴۸	۳۹	« سبال چرب
۵۵	۲۱	« سبو لرزان
۴۴۵	۳	« سبیل هدیه
۴۰۶	۳۳	« ستیز قول
۵۲	۹	« ستیز و
۲۵۲	۱۳	« سرآتش‌بیشت
۱۷۸	۳۶	برسر آتش‌نهادند
۱۷۸	۲۱	« آردزخم
۴۴۵	۱۶	« آن تخته
۴۴۵	۶	« آن چند
۸۱	۴	« اغیار
۳۰۵	۲۶	برسرافیلت
۴۹	۸	برسراین ریشها
۳۵۳	۳۹	« بارو
۳۶۶	۴۱	برسرت‌چندان
۴۳۳	۲۸	برسر تخت‌شهی
۲۹۵	۲۵	برسرت ریزم
۲۹۶	۲۵	« نانست
۳۵۹	۱۵	برسر چاهی
۳۷۴	۳۸	« حرف
۲۲۱	۱۳	« خاکستر
۳۸۶	۲۳	« خرقه
۲۱۸	۱۲	« خرمن
۴۴۲	۴	« خود تیغ
۲۴	۳۴	« دریا
۲۵۱	۳۵	« دیواربدهم
۱۶۲	۶	« دیوارعالی
۹۷	۲۹	« دیوار هر
۹۷	۳۷	« ره‌زاد
۲۲۵	۲۱	« زر تا
۳۹۷	۷	« زین
۴۳۷	۵	برسرش‌آهن کند
۱۶۴	۱۰	برسر شاخی
۴۴۶	۱۴	برسرش چتر
۳۳۹	۶	« چندان
۳۱۶	۱۱	« زد
۸۱	۷	برسر شطرنج
۱۱۲	۲	برسرش کوبد
۳۳۱	۸	« کوبی
۲۹۷	۳	برسر عیسی
۲۲۱	۳۰	« قصری
۳۲۴	۳۰	« که رفت

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۹	۲۰	برسر کوریش
۴۱۶	۱۴	« گنج
۳۹۲	۲۱	« گورم
۱۱۹	۲۲	« ما دست
۳۹۸	۴	« ملك
۳۲۲	۶	« میدان
۱۹۹	۱۷	« ورویش
۶۴	۱۶	« هر ریش
۳۲۷	۳۱	« هر لقمه
۹۶	۲۸	برسری جغدانش
۴۴۶	۱۷	برسریر اعتلا
۲۴۴	۸	« سرّ
۱۷۵	۳۸	بر سگان کور
۱۶۶	۱۵	« سگانم رحمت
۲	۱۳	« سماع راست
۵۶	۵	« سماع راست
۱۸۶	۲	« سمندر باشد
۲۲۴	۱۳	« سیم پایه
۸۹	۲۶	برشتر بنشست
۲۸۷	۱۴	« چشم
۱۳۱	۲۸	« زد
۳۷۶	۳۰	بر شمار برگ
۳۳	۱۹	« شما کرداو
۴۰۷	۳۷	« صدف لرزان
۳۹۸	۲۷	« صطرلابش
۲۸	۳۶	« ضعیفان
۶۶	۶	« ضعیفی گیاه
۲۴۱	۲۹	« طبق کو
۲۸۴	۹	« عدم باشیم
۳۱	۱۵	« عدمها
۲۳۱	۲۵	« عرب حق
۴۱۵	۸	« عسس کرده
۴۲	۷	« عمامه
۳۰	۱۸	« عمر
۳۵۳	۱۷	برف‌راخنجر
۴۴۱	۴۴	بر فروزانبد
۱۵۷	۷	« فشانم
۲۹۵	۲	برف گشته
۳۸۷	۳۶	« گوناگون
۳۶۶	۲۴	بر فلان وادی
۲۰۸	۷	« فلك‌برهاست
۱۵۱	۲۸	« پیدا
۲۷۷	۹	« محمودی
۲۰۳	۲۲	برفها زان
۱۰۲	۳۶	برق آفل
۲۶۸	۲۰	« آیینه است
۱۲	۳	« اگرچه
۱۰۲	۳۷	« خندد بر
۱۰۲	۳۸	« خود را
۱۳۲	۲۷	برقرین خویش
۳۵۸	۲۳	برقضا کم نه
۱۵۱	۴۶	« هر کو
۲۶۹	۱۲	برق عقل‌ما
۱۵۹	۵	برقفای تو

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۲	۲۳	بر قفای صوفی
۳۷۵	۳۵	« قاضی
۳۰۶	۲۰	برق می‌انداخت
۴۱۲	۲۷	« نور
۴۲۲	۶	« وفر
۴۰۰	۱۷	بر کریمی کردهٔ
۴۴۶	۳۸	« کسانی حاکمی
۴۴۶	۳۳	« کسی از وی
۴۴۲	۸	« کشد اورا
۴۳۷	۴۲	« کشید آنگه
۳۳۶	۳۴	« کشیدش بود
۳۹۶	۷	« کشیدش قوق
۱۰۲	۳۸	« کف دریا
۲۵۱	۳۷	« کفش چون
۳۸۲	۲۵	« کف من نه
۹۰	۱۶	« کوخی دل
۲۵۰	۱	« کنار بامی
۲۳۸	۱۰	« کن از بیخش
۲۹۰	۱۸	« کنم پر راو
۲۸۹	۲۷	« کنم پرهای
۲۹۱	۱۹	« کنم من بیخ
۲۵۶	۲۲	« کنی این
۱۱۸	۲	« کنی دندان
۱۷۸	۱۶	« که سنگین
۱۵۰	۶	« کهی دیگر
۴۴۳	۳۱	برگ اکنون
۱۰۰	۱۴	برگ بی‌برگی ترا
۷۶	۳	« ترا
۲۴۸	۲۶	« نشان
۲۱۰	۱۴	« همه
۲۸۱	۱۲	برگ‌تن بی‌برگی
۴۳۷	۴	برگذشتند و
۲۵۱	۲۸	« گذشته حسرت
۱۱۱	۳۶	« گرفت آن
۹۳	۸	« گرفت از نار
۲۱۲	۳۰	« گرفتش سر
۴۳۱	۳۳	« گرفتی بردمی
۲۱۸	۷	« گروه عاد
۲۴۸	۲۵	برگ زردریش
۴۱	۲۰	بر گشا از نور
۴۳۵	۲۵	« گشاده‌گوی
۱۳۸	۱	« گشا گنجینهٔ
۴۱۹	۱۲	« گشایم گر
۳۶۶	۹	برگ کاهم
۳۶۹	۴۰	بر گمان آن
۴۳۴	۵	برگ وزادراه
۲۹	۲۰	برگها چون
۱۳۸	۱۴	« را برگ
۴۱۸	۱۱	« و میوها
۱۹۳	۲۹	« همرنگ
۱۹۳	۲۹	برگهای جسمها
۲۴۸	۲۵	« زرد او
۲۴۸	۲۶	« نو رسیده
۵۹	۸	برگ یك گل

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۷	۱۰	برلب بام ایستاده
۹۲	۴۱	« جو بخل
۷۱	۲	« جوبردظنی
۹۷	۱۷	« جو بود
۳۷۲	۲۲	« جو صوفی
۳۹۲	۳۳	« جومن‌بجان
۳۹۱	۳۴	« جومن ترا
۴۱۸	۲۶	« خشکم
۱۵۳	۲۵	« شط
۳۱۶	۳۵	بر لبش قفل
۲۵۰	۹	« لبیب آید
۱۰۵	۷	« مثال برگ
۴۲۳	۳۲	« مثال دایره
۲۷۶	۱۱	« مثال سنگ
۲۲۳	۳۲	« مثال عنکبوت
۸۲	۶	« مثال موجها
۴۴۲	۲۴	« مثالی کان
۱۲۵	۲۷	« محك زن
۲۷۱	۱۴	« مراد تو
۳۷۲	۲۱	« مراد دل
۲۳۳	۱۲	« مسلمانان پل
۱۹۱	۲۲	« مسلمانان زبان
۲۶۸	۶	« مسلمانان نمی
۲۵۵	۱۹	« مشوران
۴۱۰	۳۳	« مصلی
۲۳۵	۲۳	« مقام او وزیر
۲۸۹	۷	برمکن آن پر
۲۸۸	۱	« این پر
۲۸۸	۱۶	« پر را
۱۹۵	۱۰	برملولان این
۲۸۶	۷	برمن آرد رحم
۹	۲۵	بر منادی گاه
۴۳۸	۴۶	برمن از توزخم
۳۱۳	۷	« از هستی
۷	۱	« است
۴۳۵	۴۶	« این‌زخم‌ار
۳۱۵	۱۰	« مسکین
۴۳۶	۱۱	« وبرهرکسی
۱۱۵	۵	بر نئی گشته
۲۴۵	۱۷	« نشستند
۱۲۶	۳۲	« نتابد دو
۱۰۶	۲۷	« نشان پای
۳۷۵	۳۰	« نشسته او
۸۹	۳۴	« نشستی اشترم
۳۰۷	۱۵	« نفیر تو
۱۴۹	۲۲	« نکندی یك
۲۰۱	۳۸	« نمد چوبی
۱۲۸	۲۷	« نمیداری‌سوی
۳۱۲	۴	« نوشته هیچ
۵۹	۲۰	« نویس‌احوال‌پیر
۲۷۱	۵	« نویس‌احوال‌خو
۱۱۴	۶	« نیائی باوی
۱۱۲	۲۲	« نیایم یك
۴۰۴	۸	« نیفتد از

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۳	۳۳	بره بدهی
۳۷۳	۳۳	« پیش
۱۴۶	۱۵	برهر آنچیزی
۴۰۱	۲۷	« آنعضوی
۷۷	۳۰	برهمان بو
۱۴۲	۳۵	« درهمچو
۴۳۰	۲	برهمه‌آفاق
۲۱۷	۱۸	برهمه تسخر
۴۰۰	۳	« جوها
۳۲۲	۱	« درس
۲۱۷	۷	« زهرو
۱۶۶	۱۴	« کفار
۴۴۲	۱۱	برهمی‌گردید
۱۴۰	۲۲	برهوا انداخت
۳۸۹	۸	« برداشت
۴۲۳	۳۳	« بردی
۲۴	۲۹	« تاویل
۲۸۵	۳۸	بر بسارش بس
۴۱۵	۳۰	بر یکی آبست
۳۹۲	۴	« اشتر
۴۱۵	۲۸	« بند است
۴۱۵	۲۷	« پنهان
۴۱۵	۳۱	« تیر است
۴۱۵	۳۱	« جسم
۴۱۵	۳۰	« حلوا
۴۰۰	۳	« خر بار
۴۱۵	۲۶	« دیو
۴۱۵	۲۹	« روز
۴۱۵	۲۷	« شیرین
۴۱۵	۲۵	« قند است
۴۱۵	۲۶	« گنج‌است
۴۱۵	۲۹	« محبوب
۴۱۵	۳۲	« نقص
۴۱۵	۲۸	« نوش
۶۱	۱۲	بز مراکه بز
۳۹۰	۴۰	بزم‌وزندان
		ب ـ س
۲۴۱	۳۰	بس اناملی
۳۷۹	۸	« بجوشیدی
۴۲۳	۲۵	« بدیدم درد
۳۷۵	۲۵	« بدیدی‌مرده
۱۲۵	۲۸	بر آنمسجد
۴۳۹	۹	« بصورت
۲۶۹	۳۲	« بکوشی و
۲۶۳	۳۱	« بلاورنج با
۲۶۳	۳۰	« بلاورنج‌می
۱۳۴	۳۶	« بلند و
۷۱	۱۵	« بودخورشیدر
۲۸۰	۲	« تأنی دارد
۴۰۱	۲۸	« تجسس
۲۴۳	۴۰	بستدم جمله
۴۲۳	۲۷	بسترش کرد
۳۴۰	۳۰	بستر مارا
۳۴۲	۳۴	بس تن بی سر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۳	۳۰	بسته بودش
۱۵۷	۲۴	« پائی
۱۵	۱۵	« در زنجیر
۳۵	۲۲	« درهای
۳۲۴	۴	« شد پایم
۱۵۷	۲۷	بستهٔ شیر
۲۱۰	۳۱	« قهر
۲۲۷	۳۳	بسته کرد آن
۲۸۵	۲	« هرجوینده
۱۰۸	۲۰	بس ثنایت گفتمی
۴۲۸	۱۴	« جگر در
۲۹۳	۲	« جوال زر
۱۲۰	۱۰	« چو بلعم
۳۱۷	۳۷	« حلالیها
۷۴	۱۹	« خجسته
۴۳۹	۱۲	« ددا
۴۴۲	۳۵	« در آن
۳۷	۳۵	« درازاست ای
۲۶۷	۱	« درازاست‌این
۱۹۸	۲۱	« درازاست‌این
۲۰۲	۳۷	« درازاست‌این
۴۱۹	۱۳	« دراین
۸۱	۱۳	« دعاها
۱۳	۲۱	« دل چون
۶۵	۶	« رباطی که
۴۱۰	۱۶	بسرشد گاهش
۳۶	۳۲	بس زبون
۳۹۴	۱۸	« زروزربفت
۷۵	۶	« زیادتها
۳۲۴	۳۷	« سؤال و
۴۱۷	۲	« سیه بنهاد
۱۰	۱۸	« ستارهٔ آتش
۱۲۰	۹	« ستارهٔ
۳۶۵	۳۰	« سرای
۱۳۶	۲۷	« سیاحت
۳۰	۳۴	« شدستم
۲۱۳	۳۹	« شکنجه‌کرد
۳۹۰	۶	« شهان
۴۳۷	۱۰	« ضعیف و
۱۴۳	۱۷	بسط دیدی
۱۳۹	۱۶	بس ظریفند و
۳۲۴	۳۰	« عجائب دید
۳۰۳	۳۰	« عجب‌آمدورا
۱۱۳	۲۴	« عجب‌درخوا
۲۳۲	۲۰	« عجب‌فرزند
۲۸۰	۲۹	« عداوتها
۱۷۹	۳۶	« عزیزی
۱۷۸	۲۷	« عظیم و
۲۵۷	۲۵	« عنایتهاست
۱۷۹	۳۵	« غذائی که
۱۴۲	۲۰	« غذای وجد
۳۴۹	۲۶	« غریبیها
۲۱۴	۱۳	« غلط گشتم
۳۱۱	۲	« فسانه

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۸	۳۸	بس فنا شد
۱۱۲	۱۱	« فواید
۳۷۸	۱۰	« قامت تنگ
۴۰۶	۲۲	« کس از عقد
۲۶۷	۳۶	« کسا عزمی
۲۰۱	۳۰	« کسا کاویخت
۲۱۴	۲۲	« کسا که نان
۱۲۷	۲۸	« کسانرا
۱۳۴	۲۴	« کسان ضعفشو
۶۷	۸	« کسان کایشان
۲۲۳	۲۱	« کسانی کز
۴۰۶	۲۱	« کسی از
۸۴	۱۴	« کلام پاك
۱۸۵	۱۹	« کن ارشرحی
۱۰۵	۲۰	« کن ای بیهوده
۷۵	۹	« کن ایدون
۲۵۷	۴	« کن ایبوسی
۴۴۵	۷	« کنم بار و
۲۶۰	۸	« کنم خود
۱۹۹	۳	« کنم دلبر
۷۴	۱۳	« کنم گراین
۴۴۳	۶	« کنیزان
۲۱	۷	« که آن شیر
۳۶۵	۴۲	بسکه افزود
۲۵۳	۲۱	« خودراکردذ
۳۰	۳۵	« خوردم
۳۵۷	۲۵	« ظلمت
۳۷۷	۲۲	« غدر
۵۲	۱	« کردید
۳۰۵	۳۱	« لابه کرد
۱۷۹	۱۷	« می افتاد
۱۴۳	۶	بس گرفتی
۲۱	۲۱	« گریزند از
۳۹۰	۲۲	« گمان و وهم
۹۲	۱۰	« مثال و
۱۹۵	۷	« محال
۱۲۰	۱۰	« مسلمان
۴۰۳	۳۲	« مناسب
۲۵۰	۲۲	« منافق
۱۷۶	۲۱	« موکلهای
۲۵۷	۳	« نکوگفت آن
۲۸۶	۱۴	« نکوگفت آن
۲۵۸	۲۹	« نموده
۳۳۴	۳۷	« نهان
۱۴۲	۳	« وصیت کرد
۳۰۵	۲	« وصیت کردو
۳۰۴	۱۶	« وصیتها
۴۰۱	۳۸	« همایون
		ب ـ ش
۹۳	۲۴	بشر حافی
۲۱۳	۷	بشکفید از
۷۷	۵	بشکن آن
۳۶۴	۱۷	بشمرند آن
۱۰	۱۷	بشنو از اخبار
۳۰۴	۳۹	« ازعقل

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲	۱۱	بشنواز قول
۴۰۱	۲۱	« من
۲	۱	« نی
۵۸	۳۰	بشنواکنون اصل
۲۰۷	۱۹	« این
۲۸۹	۲۴	« تو
۴۰۴	۱۴	« داد
۳۳	۱۴	« داستانی
۸۲	۱۹	« صورت
۲۰۷	۱۷	« قصهٔ آنها
۱۶۷	۲۱	« قصهٔ آنره
۱۳۹	۱۱	« قصهٔ تمثیا
۵۱	۱۴	« قصهٔ صالا
۳۰۶	۳۹	« ماجرای
۶۳	۱۰	« یك مثال
۴۳۵	۷	بشنو الباب
۶۸	۲	« الفاظ
۱۴۱	۲۸	بشنواین افسانه
۳۹	۲۵	« پند از
۲۰۴	۷	« تمثیل
۳۹۳	۳۱	« زاری
۸۷	۱۹	« قصه
۹	۶	بشنود آن مرغ
۲۷۳	۲۵	بشنوم یا من
۱۵۷	۳۵	بشنوی ازخویش
۲۱۴	۹	« از قال
۲۰۶	۱۴	« تو نشنود
۳	۸	بشنوید ای
۱۴۵	۱۲	بشنوی غمهای
		ب ـ ط
۲۷۹	۲۶	بط حرص آمد
۲۷۹	۲۵	« حرص است
۴۱۲	۱۲	« راز
۱۴۴	۲۰	« عاقل
۲۰۵	۳۱	بطن چارم
۲۷۹	۲۴	بط و طاوس
		ب ـ ع
۳۱۷	۳۱	بعدآن خوفی
۲۰	۱۹	بعدازآن آتش
۶۸	۳۲	« آمدبسو
۳۱۸	۹	« آمدکسی
۲۳۴	۳	« آمد ندا
۴۴۷	۲۱	« آن
۴۲۸	۱۷	« ابدال
۱۸۹	۷	« ازبانگ
۶	۲۴	« ازبهراو
۴۲۳	۶	« ازخود
۱۵۶	۳۷	« اطلاق
۳۵۶	۲۹	« اندر
۴۵	۱۸	« او را
۳۶۲	۱۹	« این دو
۷۲	۱۱	« این نار
۲۲۴	۱۶	« برجای
۲۰۷	۲۳	« برخاستآ
۶	۷	« برخاستغز

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۷	۳۲	بعدازآن برداشت
۲۷۳	۸	« بر رو
۳۶۸	۱۴	« بگرفت
۳۲۰	۱۳	« بگشاد
۳۸۳	۳۹	« پرسان
۱۲۹	۲۰	« پریابد
۲۴۶	۱۸	« تاجش
۲۴۶	۵	بعداز آنت جان
۳۸۸	۳۱	بعدازآن ترسا
۱۲۵	۱۳	« تنها
۲۲۳	۱۹	« تو
۳۹۴	۱۵	« جمله
۱۶	۳	« چلروز
۲۱۶	۲۵	« چندان
۹۸	۲۰	« چیزی
۳۶۶	۴	« خلوت
۲۲۳	۲۰	« خواهی
۳۱۲	۱	« خود
۳۴۷	۱۶	« دادش
۴۴۵	۳۲	« دادی
۱۷۵	۴۰	« داود
۹	۲۴	« در زیر
۱۰۶	۲۳	« در سر
۱۴۴	۲۸	« درمان
۳۸۴	۱۰	« در مشکل
۱۵۲	۱۰	« دستان
۱۷۰	۹	« دیدم درخ
۳۸۸	۲۱	« دیدم که
۴۴۷	۱۰	« دیگر
۶۲	۱۵	« رو
۳۳۴	۱۷	« زانکور
۱۶۱	۲۵	« سوگند
۳۸	۹	بعدازآنش از
۳۳۵	۳۲	« داد
۱۵۶	۳۴	بعدازآن شد
۴۳۰	۲۸	بعدازآنش راه
۲۴۶	۱۸	« کز
۳۹۷	۳۴	بعدازآن صبرش
۳۶۶	۳۵	« صدیق
۷۰	۱۴	« عالم
۳۴۳	۲۶	« قوت
۱۶۴	۳۸	« قوم
۴۰۹	۱۰	« کودك
۳۱۳	۹	« گردوست
۱۵۱	۵	« گفت ازبرای
۶۷	۱	« گفت ازطبیب
۲۲۷	۳۰	« گفت ایخدا
۳۲۰	۲۴	بعدازآن گفتش بدا
۱۷۶	۳۶	« بیا
۶۷	۱	« چه
۳۱	۶	« سخنها
۲۸۶	۳۶	« کهای
۱۲۷	۳۸	« کهاینا
۳۰۲	۱۱	« که چا
۲۵۱	۳۸	« کهدر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۰	۱۸	بعدازآن گفتش که که
۱۵۵	۳۵	بعدازآن گفتندای
۱۸۷	۲۶	« با
۲۴	۳	« کای
۱۹۲	۹	« کاین
۱۷۰	۱۸	« مارا
۲۳۳	۳۰	بعدازآن گوشت
۴۱۴	۲	« گویداگر
۳۶۵	۳	« گویدحقم
۷۰	۲۲	« مارا
۳۴۰	۳۳	« مهمان
۷۰	۲۴	« میراند
۱۵۷	۶	« میگفت هان
۳۶۱	۱	« نوحه
۱۹۰	۱۱	« وحی
۲۷	۵	« هدهد
۷۹	۲۳	« هر جا
۱۴۶	۳۲	« هر صورتی
۱۶۵	۲۰	« هم
۷۰	۱۵	« یا
۴۴۵	۸	بعدازآنی مشك
۱۶۱	۱۳	بعدازآن یمشی
۳۲۶	۳۰	بعدازاین از
۳۵۳	۱۲	« باریك
۴۰۵	۳۱	« تان
۱۷۵	۱۰	« جمله
۳۷۵	۱۷	« حرفیست
۱۷	۲۰	« خونریز
۲۶	۱۸	« زان
۳۲۵	۵	« کدیه
۳۸۶	۳۱	« ما
۳۱۸	۱۳	« محنت
۳۲۶	۲۶	« می ده
۴۴۷	۱۷	بعد از علقه
۱۵	۲۴	« ازین دستور
۱۰۶	۲۴	« ازین گرشرح
۳۶۱	۳۵	« ازین من
۴۰۸	۶	« بسیاری
۳۲	۱۴	« توبه
۳۹۵	۳	« تو مرگیست
۲۴۵	۱۱	« چندین سال
۳۲۷	۲۳	« چندین سال
۴۳۱	۲	« چندین ماه
۳۶۰	۲۲	« در ماندن
۱۴۲	۱	« ده سال
۱۷۰	۱۳	« دیری
۴۱۹	۳۳	« سالی باز
۲۳۴	۳۶	« سالی چندبهر
۴۳۵	۹	« سالی چندو
۲۶۷	۹	« سالی گفت
۵۱	۲۳	« سه روز دگر
۷	۲۸	« سه روز و
۲۹۳	۵	« سه روز و
۲۴۵	۲۵	« شکر کلك

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۷	۳۳	بعد صدق
۱۹۷	۲۸	« ضد
۳۹۶	۱۷	« غیبت
۶۳	۲۱	« قصه
۴۴۵	۸	« قطع بر
۲۹۹	۳۳	« گریه
۱۴۶	۴۳	« ماهی چون
۱۶	۶	« ماهی خلق
۳۶۱	۲۵	« نصف
۱۸۴	۵	« نومیدی
۳۰۶	۲۴	« نومیدی
۳۹۶	۱۲	« نه سال
۱۵۲	۳	« نه مه
۲۵۹	۳۸	« یکدم زهر
۳۴۷	۱۹	« یکساعت بدست
۱۸۷	۲۳	« یکساعت برآو
۳۹۰	۱	« یکساعت که
۲۴۹	۶	بعره رای
		ب (ف ـ ك ـ گ)
۳۵۵	۱۳	بفکن از من
۲۹۲	۳۳	بکشمش
۲۴۶	۵	بگذرازانسان
۴۳۷	۳۸	« خون
۲۴۸	۲۹	« زر
۳۵۹	۳۲	« سنگ
۷	۱۲	« ظن
۲۰	۱۷	« کشتن
۳۶۱	۴۰	« مستی
۱۱۶	۵	« من
۷۵	۲۳	بگذران از
۲۵۹	۱۳	بگذر ایمؤمن
۱۱۱	۱	بگذرد این
۱۶۱	۳۱	« ز اندیشهٔ
۴۲۹	۲۱	بگذری ازخود
۳۵۴	۷	« زان
۲۹۱	۲۰	بگسل این
		ب ـ ل
۳۶۲	۲۲	بل اغالطهم
۱۱۷	۲۳	« بجای
۲۶۳	۳۵	« برای
۳۹	۳۲	بلبل از
۱۱۸	۲۶	بلبلان ذکر
۱۱۱	۲۵	« را
۳۲۲	۳۷	« گرد
۳۶۳	۵	بلبلانه نعره
۱۳۶	۲	بلبل ایشان
۲۲۸	۳۵	« بسیار
۴۳۳	۲۷	« و نعری
۷۹	۴	بلبلی زینجا
۳۳۲	۲۳	بل جفا را
۲۷۴	۶	« چنان
۳۷۶	۳۷	« حقیقت
۳۹۳	۳۴	« زچشمت
۳۸۵	۲۵	« ز کشتیها

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۷	۲۶	بل ز مضروب
۱۸۷	۵	« زیان دارد
۱۹۵	۲۰	« عدوخویش
۳۵۰	۱۶	« عطارد
۶۵	۲۸	بلعم باعوررا
۱۴۹	۳	« با عورو
۲۱۴	۲۱	« باعورو
۳۵۸	۲۰	بل قضاحق است
۲۱۷	۱۴	بلك ازاوکن
۹۰	۲۷	بلکه آتشه
۲۵۳	۵	« آتغدار
۳۳۲	۱۶	« آنمعنی
۲۶۲	۱۰	« از بهر
۲۹۸	۳	« از چسبیدگی
۵۷	۲۹	« از دجله
۱۸۳	۳۹	« اغلب
۵۳	۶	« اندر
۱۶۶	۵	« ایشان را
۲۷۴	۲۳	« این خنده
۲۲۲	۳۵	« این شادی
۶۷	۱۹	« این میراثها
۲۹۸	۳۲	« باشد در
۱۴۵	۲۳	« باغ
۳۹۸	۳۷	« باید دل
۳۳۹	۱	« بگذارد
۱۷۰	۳۸	« بویش
۱۸۸	۴	« بی اسباب
۱۹۴	۳۰	« بیرون
۲۴۴	۲۷	« بیش از
۳۲۰	۳۷	« تقلید
۳۶۵	۳۳	« توفیقی
۳۴۵	۱۶	« جمله تن
۲۳۵	۳	« جملهٔ ماهیان
۱۹۱	۳۶	« جمله‌مردگان
۲۳۵	۳	« جمله موجها
۵۸	۲۷	« چون‌آبست
۳۴۹	۵	« چون‌نطفه
۲۳۵	۴	« خاك‌وآب
۲۵۶	۲۰	« خواهان
۱۰۰	۳۷	« خودازآدمی
۱۴۰	۹	« خودرادر
۱۶۴	۳۰	« در هاروت
۵۱	۱	« دفعش
۱۷۷	۳۱	« رزقی
۱۴۸	۱۹	« زان مستان
۳۵۸	۱۸	« سلطان
۳۸۸	۱۵	« سنگ و
۱۳۵	۳۸	« سوی
۳۰۵	۹	« شرط
۳۰۴	۳۴	« شکر حق
۳۲۳	۳۰	« طبعاً
۶۵	۱۸	« عکس
۱۶۱	۱۶	« گر دریا
۵۸	۲۱	« گیرد
۱۵۳	۲۲	بکه مر بیننده
۴۰۸	۳۸	« مرگش
۱۶۲	۷	« می افتی
۳۷۶	۳۶	« می داند
۲۲۲	۲۲	« والی گشت
۳۶۵	۳	« وحدت
۱۶۱	۳	« هفتاد و
۳۴	۶	بل مکان
		ب - ن
۶۴	۳۱	بند آهن
۲	۱۴	« بگسل
۶۴	۳۱	« پنهان
۱۶۴	۱	« تقدیر و
۲۹۶	۲۹	« چشم
۳۶	۳۰	« کن چون
۲۷۶	۳۸	« کن مشك
۱۷۲	۳۲	بندگان حق
۱۰۱	۳۶	« خاص
۴۳۰	۳	« دارد
۳۰۶	۸	« دارند
۲۵۹	۲۹	بندگانمان
۲۹۶	۳۰	بندگوش
۲۶۹	۲۳	بندگی او به
۴۱۷	۲۴	« تش
۷۱	۱۰	« در غیب
۳۲۵	۲۱	« کن
۲۷۳	۲۹	« نا کرده
۲۱۳	۲۴	« وسلطنت
۱۷۷	۲۴	بند معقولات
۳۲۵	۲۲	بنده آزادی
۱۵۳	۳۴	بندها بگسست
۹۴	۱۱	بنده ات چون
۳۲۹	۵	« این دیو
۳۵۲	۴۲	« باش و بر
۴۹	۱۸	« بر وفق
۳۳۲	۳۵	« پروردن
۵۱	۵	بنده خود
۳۲۵	۲۲	« دایم
۴۴	۳۰	« داریم
۲۲۱	۳۳	بنده را کی
۴۱۹	۲۲	بند هرچه
۲۵۲	۳۴	بنده زاده
۵۷	۱	« سوی
۷۴	۱۰	بندهٔ شهوت بتر
۷۴	۱۱	« شهوت‌ندارد
۲۵۲	۳۸	« فرعون
۳۰۷	۲۱	« فرمانم
۳۲۵	۲	« فرمانم که
۱۶۸	۳	« کش
۳۱۰	۳	« گوید
۳۳۹	۱	« ما را
۴۲۸	۳۲	« مأمور
۴۳۶	۲	« محکوم
۴۱۴	۲۳	« مؤمن
۱۸۷	۳۷	بندهٔ میشد
۲۱۷	۲۲	بنده مینالد
۳۳۵	۵	« نشکیبد
۲۵۳	۱	« یاغی
۱۴۷	۲۳	« یکمرد
۲۱۰	۶	بنگرآخر چون
۱۴۹	۱۸	« در
۱۳۱	۶	بنگر آن سالوس
۲۴۳	۴	« آنها راکه
۳۶۱	۳۶	« آنها راکه
۱۴۰	۱۰	« اکنون
۹۴	۳	« اندر خانه
۹۴	۲	« اندر خود
۱۶۳	۳۴	« اندر دلق
۲۸۲	۳۱	« اندر فعل
۲۵۴	۱۴	« اندر من
۴۱۳	۱۷	« ای از
۱۳۱	۹	« اینجا هیچ
۱۴۸	۱۸	« این کان
۳۶۱	۳۷	« این کشتی
۲۹۸	۲۳	« این هرسه
۲۰۶	۱۳	بنگردصدگفتگو
۲۷	۱	بنگره از
۲۱۰	۲۸	« درغوره
۲۱۰	۲۸	« سر
۳۶۲	۳۰	بنگرید آن پای
۶۲	۲۷	« ایسرکشان
۱۸۲	۱۱	« ایمردگان
۱۰۵	۹	بنگری در
۳۱۳	۳۷	بنگریدند
۳۹۷	۱۹	بنهد اندر
		ب - و
۲۷	۱۶	بوالبشر
۳۸۹	۲۴	بوالحکم آخر
۴۳۱	۴۷	« از
۹۱	۳۸	« نامش
۲۲۵	۳۶	بوالعجب مینا
۲۴۸	۱۴	بوالفضولی از
۳۲۸	۱۷	« گفت‌اورا
۱۸۵	۲۶	« گفت‌صوفی
۱۴۶	۲۶	« گفت‌کای
۱۱۳	۱	بو حنیفه
۳۷۰	۶	بود آخور
۷۹	۹	« آدم
۳۹۲	۱۳	« آلایش
۱۹	۱	« آنزن
۲۹۰	۲۲	« ابرو
۳۰۲	۱۳	« ازمستی
۳۲۴	۲۹	« افطارش
۳۳۷	۸	« امیری‌خو
۴۰۱	۲۶	« امیریرا
۸۴	۸	« اناالحق
۲۱۶	۲۳	« اندر باغ
۲۴۲	۳۳	بود اندر عهد
۳	۲۹	« اندر منظره
۳۴۷	۳۵	« اورا بیم
۲۷۳	۱۵	« اول برگ
۲۱۴	۳	« اول مونس
۳۳	۱۶	« بازرگانی
۷	۲۲	« بقالی
۲۶۰	۲۶	« بوجهل
۲۴	۳۴	« بیجد
۲۸	۳	« پیشاپیش
۲۲۷	۲۵	« پیشش
۳۹۶	۱۶	« جنسیت
۱۷	۱۴	« در انجیل
۳۱۵	۳۲	« در حمام
۴۳۱	۱۱	« درقبچاق
۱۶۳	۶	« درویشی‌بکه
۱۳۲	۷	« درویشی‌درو
۳۷۱	۲۸	« درهمسایه
۶۸	۲۷	« دو خانه
۱۷	۱۴	« ذکر
۳۱۶	۳۰	« روی او
۴۱۴	۱۵	« زر میراثی
۳۱۹	۱۱	« سقائی
۱۸۶	۲۴	« سنقر
۲۴۳	۱۴	بودشان تمیز
۱۵۰	۳۱	« حرص
۹	۱۰	بود شاهی‌درجهو
۳	۹	« شاهی‌درزمان
۴۱۵	۷	« شبهای
۴۴۱	۴۴	« شب هنگام
۱۳۴	۳۱	« شخصی‌عالمی
۸۸	۲۲	« شخصی‌مفلسی
۱۷۸	۲۷	« شهری بس
۴۲۹	۲۷	« شهری در
۴۲۹	۳۰	« شهری‌سخت
۸۵	۱۷	« شیخی‌دائماً
۱۶۵	۳۴	« شیخی‌رهنمائی
۳۴۷	۳۴	« عارف
۳۹۶	۱۰	« عبدالغوث
۱۵۱	۱۰	« عمران‌هم
۱۹۳	۲۴	« عیسی را
۲۵۹	۹	« قبطی
۳۷۰	۳۵	« کمیری
۱۰۹	۲۹	« کوری که
۳۳۵	۳۲	« گبری
۴۳۶	۴۱	« گربه
۱۰۱	۳۹	« لقمان بنده
۷۰	۱۸	« لقمان پیش
۷۰	۱۹	« لقمان در
۲۵۷	۱	بودم از گنج
۳۱۰	۵	« امیدی
۳۳۲	۳۶	بود محتاج
۳۰۴	۱۲	« مردیصالحی
۳۱۶	۳۰	« مردی پیش
۳۳۶	۳۱	بود مردی‌کدخدا
۳۸۸	۱۲	« مغلوب او
۳۸۶	۳۹	بودمی آگه
۴۱۱	۵	بود نازك
۸۳	۳۷	« نقدوقلب
۳۹	۲۰	بو دوای چشم
۳۴۰	۸	بود هاروت
۲۵۹	۱۰	« هامان
۴۴۵	۲۵	بوده ایمان
۴۳۹	۴	بودهٔ تو
۴۰۲	۱	بود هر محتاج
۳۵۵	۳۷	« هم این
۳۲۶	۳۱	« یکسال دگر
۴۲۹	۲۹	« یك طاوس
۲۳۳	۳۳	بوستان با او
۳۷۸	۳	بوسه افشان
۱۷	۱۵	« دادندی
۹۹	۱۵	« ده بر تبر
۲۴۴	۱۱	بو شناسانند
۳۹	۱۹	بو قلاووزاست
۲۸۵	۱	بو قلاووزاست
۳۹۴	۹	بوکم دانم
۳۴۱	۲۰	بوکه آن
۲۵۶	۱۰	« از تأثیر
۲۵۶	۱۲	« از عکس
۱۰۹	۲۶	« استادی
۳۹۰	۱	« باز آید
۳۸۱	۳۰	« بختت
۹۹	۲۹	« بر اجزای
۴۰۸	۳۲	« بیند
۳۲۳	۱۷	« توبه
۱۹۰	۱	« حیوانات
۱۸۷	۹	« روزی
۲۵۶	۹	« زان
۳۵۲	۴	« فیمابعد
۳۹۱	۵	« مصباحی
۴۱۳	۳۴	« موقوف
۱۲۰	۷	بولهب هم
۲۴۳	۹	بومسیلم را بگو
۹	۸	« را لقب
۲۴۳	۹	« گفت
۳۵۳	۱۴	بو نگهدارو
۱۹۹	۲	بوی آن دلبر
۴۲۴	۴۰	« اخلاص و
۴۲	۴	« ایشان
۳۹	۲۰	« بد مر
۱۵۳	۴	« براز
۱۲۵	۸	« برد از
۲۱۰	۲۰	« پیراهان
۲۶۷	۳۰	« پیراهان
۳۷۰	۷	« پیغمبر
۳۶۶	۳۳	« جانی
۱۴۳	۳۲	« خشم شیر
۲۴۴	۳۲	« خوش آمد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۴	۳۳	بوی خوش را
۲۴۵	۲	« راپوشیده
۲۴۵	۶	« رامین
۱۴۰	۲۵	« رسوا
۳۲۱	۴	« سیش
۲۴۴	۱۱	« سیر بد
۴۱۵	۱۸	« صدقش
۴۲۴	۴۰	« صدق و
۲۲۰	۱۰	« عطرش
۱۴۰	۲۸	« کبر و
۲۵۱	۲۰	« گل بهر
۳۹	۱۹	« گل دیدی
۵۶	۱۷	« لطف او
۴۴۲	۵	« مشك
۱۴۰	۲۰	« میکردآن
		ب ـ ه
۴۲۳	۴	بهتراز خود
۵۰	۱۴	« ماهی
۳۳۴	۲۶	« وی
۹۶	۸	بهترین رنگها
۳۳۶	۶	بهر آسایش
۷	۱۳	بهرآن‌است‌امتحان
۳۱۴	۳۲	« داده است
۱۴۷	۳	« روی
۷	۱۲	بهرآنست‌این‌ریاضت
۴۳۷	۲۱	بهرآن‌شاه
۲۱۴	۳۱	« کردی
۶۴	۶	« که هستی
۲۹۴	۴	« گفت آن
۲۵۰	۱۷	« گفتیم
۳۰۵	۲۴	« لطفی
۲۰۸	۲۰	« میل است
۴۱۱	۲۴	بهر استبقای‌آنچ
۴۱۱	۲۴	« استبقای‌آنرو
۲۴۰	۱۲	« استبقای‌حیوا
۴۱۷	۳۶	« استعداد
۴۴۵	۶	« اطفال و
۲۶۴	۱۹	« اظهار است
۴۴۵	۲۱	« او بخریده
۴۰۴	۲۳	« او بنهاده ام
۳۸۹	۲۳	بهراین‌آوردمان
۱۲۸	۲۹	« بو
۳۱۴	۳۱	« پیغمبر
۳۵۴	۲۲	« خاتم
۳۷۸	۳۵	« دکان
۲۶۳	۲۷	« دنیاست
۲۶۶	۸	« فرمودآن
۴۰۵	۴۰	« فرمودباآن
۱۴۰	۳۸	« فرمودبامو
۲۲۵	۶	« فرمودپیغمبر
۵۲	۲۸	« فرمود حق
۳۸	۵	« فرمودرحم
۲۲۴	۳۳	« فرموده اس
۳۹۱	۸	« کرده‌است
۳۸۵	۳۹	بهراین‌گفت‌آنخدا
۳۶۴	۱	« گفت‌آنرسو
۹۵	۱	« گفتنداکابر
۴۶	۳۳	« گفتنددانا
۳۱۴	۳۷	« لفظ
۳۷۴	۳۰	« مرده
۱۰	۹	« معنی‌صحابه
۲۶۶	۹	بهر اینمعنی همه
۲۷۱	۲۹	« این مقدار
۴۶	۱۱	« این‌مؤمن
۳۳۱	۴۰	« تحریض‌است
۲۸۷	۳۴	« تحریك
۱۵۶	۳۶	« تمیز
۳۸۴	۱۶	« تو من
۴۱۱	۲۵	« جان
۳۶۰	۲۸	بهرحق این خلق
۱۴۶	۳	« این را
۱۴۷	۱۹	« مگذارم
۳۴۳	۲۳	« یکبارگی
۳۲۲	۲۸	بهر خرگیری
۶۷	۱۰	« خود او
۲۷۱	۱۲	« خود یك‌طاس
۳۱۸	۱۸	« خوردن
۳۳۵	۱۵	« خوشنودی
۴۰۵	۳۹	« دیدهٔ
۲۰۸	۵	« دیگ سرد
۱۹۷	۲۶	« روز مرگ
۱۲۳	۱۰	« سوگندان
۲۶۵	۱۶	« شرح
۳۴۷	۳۲	« صورتها
۳	۱۰	« صبدي
۴۲۲	۲۸	« طفلان
۱۲۹	۳۶	« طفلی نو
۹	۳۲	« عیسی
۲۱۰	۸	« عین
۲۳	۲۹	« غسل
۷۲	۲۸	« فخرو
۵۶	۱۹	« فرجه
۸۵	۲۹	« فرمان‌جملگی
۲۹۱	۲۵	« فرمان حکمت
۱۷۱	۸	« کتمان
۴۱۲	۲۳	« کرم و
۱۵۸	۲۴	« کتمانی
۵۸	۲۳	« کبکی تو
۹۲	۲۸	« کبکی نو
۵۵	۲۵	« گبر و
۳۵	۲	« گریه
۲۱۳	۱۲	« گستاخی
۱۴۴	۱۶	« گندم تخم
۳۶۵	۲۲	« گوشی
۴۰	۲۶	« لقمه
۳۹۳	۱۹	« مالی
۱۱۷	۳۰	« مانی
۳۳۹	۳۴	« مخمور
۱۴۳	۳۵	بهر مظلومان
۳۳۶	۳۲	« مهمان
۴۱۴	۱۰	« نادر
۱۵۶	۲۸	« نازش
۳۲۶	۳	« نان در
۵۶	۱۸	« نان شخصی
۱۰۲	۳۶	« نقصان
۳۳۸	۲۸	« هر محنت
۳۱۹	۱	بهره ور
۱۵۳	۵	بهر یاری
۱۶۸	۱	« یزدان
۲۱۹	۱۶	به زما
		ب ـ ی
۳۴۹	۲۸	بی اثر
۳۸۲	۹	« اجابت
۱۹۶	۲۰	« ادب باشد
۱۹۶	۱۹	« تر
۴	۸	« تنها
۱۰۰	۴	« حاضر
۱۰۶	۴	« گفتی
۴۳	۱۹	بی پر و
۹۲	۱۶	« تأمل
۴۲۱	۲۴	« تحری
۱۴۵	۱۶	« تردد
۲۷۵	۳	« تعلق
۲۷۴	۲	« تف آتش
۲۱۳	۳۶	« تفکر
۴۴۰	۲	« تکلف لاغ
۱۶۷	۳۹	« تکلف نی
۱۲۶	۱۹	« تماشای
۴۳۱	۴۳	« تمیزی
۴۳۲	۲۴	« توقف اندر
۱۴۲	۲۸	« توقف جمله
۷۷	۱۴	« توقف زود
۱۴	۲۰	« تومارا
۱۶۱	۱	« تو نظم
۱۵۹	۲۵	بیتها در
۱۰۸	۱۱	بیجنایت بی
۲۱۹	۱۷	بیجهازی
۲۷۵	۲	بیجهت‌دان‌عالم
۲۷۵	۲	« عالم
۲۷۵	۳	« عقل
۱۶۷	۱۹	بیچراغی
۳۷۶	۳۱	بی چگونه
۳۹۷	۲۸	« چنین آئینه
۳۶۳	۳۰	« حجابت باید
۴۰۴	۱۰	« حجاب درد
۹۲	۵	« حجابی
۳۷۱	۲۶	بیحد است
۴۱۹	۱۸	بی حدو بی
۱۱۷	۲۸	« حدی تو
۱۱۷	۲۹	« حدی‌خویش
۱۴	۶	« حس و
۴۴۷	۳۳	بیخبر از مستی
۲۷۵	۲۷	بیخبربودم‌او
۴	۲۷	« بودنداز‌حال
۴۲	۲۷	« بودنداز‌سر
۲۸۵	۲۱	« چون دام
۴۳۰	۳۷	« زانم
۴۳۲	۲۷	« زانکس
۵۱	۲۰	« کزار
۱۱	۱۱	« کن
۱۴۳	۱۶	بیخ پنهان
۱۶۹	۲۱	بیخشان از
۳۱۶	۲۱	بیخ عمرت را
۳۱۴	۹	« گرچه
۲۵۰	۹	بیخود از می
۳۶۷	۲۵	« و سرمست
۲۹۰	۱۰	بیخودی بی
۳۴۸	۱۸	« نامد
۲۲۳	۱۳	بیخوروبی‌خواب
۲۸۷	۲۲	بیخ و شاخ
۹۷	۴۰	بیخهای خوی
۱۶۹	۲۰	بیخ هریك
۲۰۰	۲۸	بیخیانت این
۴۱۴	۳۹	بی درنگی
۳۲۴	۳	« دل‌وجان
۲۱۳	۳۸	« دل‌وشوریده
۴۳۳	۴	« دلبلی
۸۲	۱	« دماغ و
۴۳۳	۳۱	بید میر لشکر
۱۶۷	۳۰	بی رضای
۴۱۳	۴	« زابراهیم
۴۱۷	۳۰	« ز استعداد
۴۱۹	۲۷	« زبان گویند
۳۸۲	۱۱	« زبان میگفت
۲۳۴	۳۲	« زبان‌و لب
۲۹	۲۱	« زبان هر
۴۰۱	۲۱	« ز تقلیدی
۳۸۰	۳	« ز جهدی
۴۰۷	۲	« زدستی
۱۶۰	۲۴	« زره بافی
۳۴۲	۴۲	« زره رفتم
۳۸۴	۱۹	« ز ضدی
۴۱۲	۱۸	« ز مفتاح
۲۰۸	۲۰	« زمین کی
۱۰۷	۲۲	بی‌سبب بیند چو
۱۰۷	۲۳	« بیند نه
۳۰۵	۱۳	« گر عز
۱۷۷	۱۸	« مربحر
۱۶۴	۱۹	بیست از دزدان
۴۱۷	۲۳	« چندان
۱۹۲	۵	« فرزندش
۲۳۸	۱۷	« مرده
۳۰	۳۵	بی سلاح
۴۱۳	۲۰	« سلاحی در
۱۷۲	۲۷	بیش‌از استحقاق
۷۴	۸	« این
۲۱۹	۲۹	بیشان دانسته
۴۰۰	۳۳	بیشانی
۳۰۵	۱۲	بیشتر احوال
۳۸۷	۲۳	« اصحاب
۲۸۵	۲۳	« رفتست
۲۵۷	۵	« زان ملك
۳۰۴	۱۹	« کارد
۳۸	۱۸	بی شریکی
۲۲۲	۲۳	بیشکال اندر
۳۷۹	۴	بیشك این
۳۰۰	۱۷	بیشکی گیرد
۴۲۵	۳۲	بیشمار و بیحد
۱۰۰	۳۴	بیشهٔ آمد وجود
۴۲۳	۲۶	« پر سوسن
۶۸	۲۲	بی‌صحیحین
۱۹۳	۲۷	بیضهٔ مارا زچه
۲۹	۱۲	بی طلب تو
۲۹	۱۴	« طلب هم
۴۰۱	۳۷	« طمع بود و
۱۹۱	۱۶	« طمع‌نشنیده‌ام
۳۱۳	۴۰	بیعدد لاحول
۴۴۵	۲۰	بیعدودشمن
۳۶۷	۳۷	بیع کرد و
۳۹	۷	بیعنایات
۱۷۴	۱۶	بیع و بخشش
۲۶۹	۳۳	بیغرض میکرد
۵۶	۲۸	« نبود
۲۵۴	۳۳	بیغضب غالب
۲۲۳	۱۳	بی فتیله و
۲۳۹	۱۲	« فروغت
۳۷۶	۲۶	« قراری
۴۴۰	۳۹	« قلاوز
۲۷۲	۱۹	« کتاب و اوستا
۳۱۹	۲۵	« کلید این در
۱۴۲	۸	« کین و
۴۰۲	۱۱	« گمان ترك
۴۲۴	۳۸	« گمان خود
۳۲۳	۳۳	« گناهی بر
۱۲۰	۴۲	« گنه لعنت
۳۴۸	۲	« گهر جانی
۱۷۱	۴	« گهست
۱۶۵	۱۵	« لباس
۲۲۲	۲۲	بیمثال و
۲۷۴	۲	بیمجاعت
۱۰۸	۷	بیمحابا
۲۵۲	۲۹	بیمحك
۲۰۹	۱	بیمرادان
۱۶۷	۳۱	بیمراد او
۲۲۷	۴	بیمراد تو
۲۰۹	۱۵	بیمرادی شد
۴۱۴	۳۵	« مؤمنان
۳۳۸	۲۲	بیمرادیهای
۴۰۸	۳	بیمرض دیدیم
۵۳	۶	بیم سرپا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۱	۲۰	بیمصلی
۲۴۸	۲۶	بیمقرگاهی
۳۲۴	۲۵	بیمن‌ومائی
۱۹	۱۶	بیموکل‌بی
۲۹۱	۱۳	بین‌ایدی‌خلفهم
۳۴۴	۲۲	« ایدی سد
۲۱۷	۲	بیند آنمعشوقه
۳۷۴	۲۶	« اندر
۴۳۴	۹	بین دلیلی
۲۲۳	۲۷	بی نشان از
۱۸۲	۱۷	بی نصیب آئی
۱۴۴	۳۳	بین که اندر
۳۷۸	۲۳	« با این
۳۷۸	۲۱	« با بسیاری
۴۷	۸	بینوا از
۸۹	۲۹	بینوائی بد
۲۸۰	۷	بینوائیم و
۲۰۷	۷	بینوا گردی
۳۰۸	۳۲	بینوا هر دم
۱۷۶	۱۴	بینوایانرا
۴۰۴	۲	بی‌نهایت آمد
۱۳۳	۲	« چون
۱۶۸	۲۹	« حضرتست
۴۰۷	۹	« کبشها
۵۵	۱۰	« گردد
۱۱	۲۵	بینی آن باشد
۶۵	۱۲	بینی از گند
۳۹۲	۱۱	بینیازی
۶۸	۲۰	بینی اندردل
۲۲۵	۳۵	بینبش مسکین
۸۵	۸	بینی طفلی
۳۵۸	۱۵	بی وصیت
۱۴۱	۳۷	بیوفائی چون
۱۴۱	۳۸	« دان
۳۰۹	۳۷	بیهده چه
۴۰۵	۸	بیهده نسبت
۷۱	۳۴	بیهشانرا
۲۷۶	۳۶	بیهشیهاجمله
۲۸۸	۱۸	بی هوانهی
۴۲	۳۹	بی یقینی

پ - ا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۲	۲۵	پا بر آورد و
۱۲۸	۳	پابرهنه تن
۱۵۰	۱۹	« چون
۱۶۸	۳۹	« رفته ام
۲۲۵	۱۵	پا بکش در
۴۹	۹	پا تهی گشتن
۹۳	۴۱	پادشاها جز که
۴۴۱	۳۳	پادشاه از باطن
۲۹۸	۲۲	پادشاهان‌بین
۲۲۷	۶	« جهان
۲۵۴	۳۲	« خون
۶۳	۶	« را چنین
۲۵۹	۲۵	« لب
۳۹۹	۸	« مظهر
۴۴۶	۳۳	پادشاه ما
۴۱۰	۲۸	پادشاهم کار
۱۳۴	۲۲	پادشاهی این
۲۶۳	۳	« برندیمی
۱۰۳	۱۶	« بس
۹۵	۲۱	« بندهٔ
۴۰۴	۴۲	« بوداورا
۲۳۹	۳۱	« بود و
۴۴۳	۳۳	« حالیا
۲۶۵	۲۳	« داشت
۹۲	۱۳	« دو غلام
۳۸۵	۹	« را خدا
۳۹۹	۷	« زید
۳۳۹	۱۰	« کن بیخش
۱۹۱	۳۰	« کن برو
۳۳۲	۱۸	« که
۴۰۹	۴۱	« مست
۲۲۷	۴	« نیستت‌بر
۴۴۶	۱۶	پادشه با او
۱۸۲	۲۲	پارسی‌گوئیم‌هین
۲۰	۲۶	پارسی‌گوئیم یعنی
۱۹۹	۲	پارسی‌گوگر
۳۷۷	۳۸	پارهٔ اطلس
۱۷۲	۳۵	پارهاندروبهان
۱۹۱	۹	پارهای نان
۲۵۶	۳۴	پارهٔ‌برکن
۲۴۱	۱۶	پاره پاره دلق
۲۵۳	۱۶	« پاره‌کرددزدی
۳۳۲	۴۰	« پاره‌کردشان
۲۷۲	۲۳	« پاره کردمت
۱۶۲	۳۷	« پاره کرده
۳۷۷	۳۵	پارهٔ دزدید
۲۰۸	۶	پاره دوزم
۲۵۶	۳۲	دوزی چیست
۲۵۶	۳۱	دوزی‌میکنی
۱۹۱	۱	پاسبان‌آفتابند
۱۹۱	۱	« آفتابیم
۱۳۲	۳۱	« برخوابناکا
۳۷۰	۲۳	« تست
۳۶۰	۳۰	پاسبان درهی
۳۶۰	۲۹	پاسبان شب
۹۶	۳۹	پاسبان من
۱۴۲	۱۷	پاسبان‌وحارس
۳۶۰	۲۹	پاسبانی بود
۱۸۶	۲۹	پاسخش این
۱۵۱	۶	پاسخش دادند
۱۷۰	۱۶	پاسخم دادند
۷۱	۱۲	پاس دارد قلعه
۳۴۶	۳۴	پاس دار و
۱۵۵	۱	پاشکسته میروند
۴۲۲	۱۶	پاك آن‌کو
۳۶۵	۱	پاك‌ازآغاز
۲۹۹	۱	پاك‌الهی
۴۳۴	۳۵	پاك بستاند
۴۰۳	۱۹	پاك بنائی
۷	۱۴	پاك بود از
۳۵۳	۱۳	پاك سبحانی
۹۳	۷	پاکشان کرد
۱۰۹	۱	پاك کن دوچشم
۱۰۰	۵	پاك کو از
۱۷۳	۱۰	پاك گشته
۳۸۱	۳۸	پاك می‌بازد
۳۰۱	۲۵	پاك‌می‌دانستش
۱۰۰	۵	پاکی این حوض
۱۰۰	۶	پاکی محدود
۴۲۸	۱۱	پانزده روز است
۳۹۲	۱۰	پانصد استسقا
۲۰۳	۲۸	پانهم گستاخ
۱۶۵	۱۴	پا و زانویش
۴۴	۶	پای استدلالیان
۶۶	۳۲	پای‌اورا آزمود
۳۷۸	۱۹	پای اومی‌سوخت
۲۲۱	۲۰	پای بسته چون
۲۴۸	۲۸	پای پیرازسرعت
۱۷۴	۳۱	پای پیش و
۴۱۵	۶	پای پیش و
۲۴۸	۱۶	پای تا سر
۱۳۳	۸	پای تو در گل
۲۰۲	۱۵	پای خود واپس
۱۱۲	۴۱	پای دار اکنون
۲۱	۳۰	پای‌داری‌چون
۱۰۰	۲	پای در دریا
۲۴۰	۳۴	پای‌را بربست
۲۸	۲۷	پای‌راواپس
۲۰۸	۲۹	پایشان از
۱۳۶	۳	پای طاوسان
۳۴۰	۱	پای ظاهر
۹۲	۱۱	پای کژرا
۸۴	۲۰	پایکش بست و
۳۰۹	۱۴	پای کفش خود
۷۱	۳۴	پای‌کوبان دست
۴۰۳	۳۲	پای گاو اندر
۳۱۶	۱۷	پای‌گوید من
۴۰۰	۱۲	پای مرد آمد
۴۰۴	۲	پای مردش
۴۴	۷	پای نابینا
۳۱۹	۲۰	پایهاشان
۳۴۹	۲۷	پایهای پر
۴۳۰	۴۲	پایه‌پایه این‌سلم
۱۰۳	۶	پایه‌پایه برود
۲۱	۲۹	پایه‌پایه رفت
۴۲۵	۴۲	پای همت

پ (خ - ر)

صفحه	سطر	اول بیت
۹۹	۲۰	پخته گردو
۶۱	۲۳	پخته گشت آن
۱۳۶	۵	پر آن مرغی
۲۸۰	۹	پر بود اجسام
۲۹۰	۲۳	پر بی‌غبراست
۶۴	۲۴	پرتو آن نا گهش
۶۴	۲۲	پرتو آن وحی
۶۴	۲۳	پرتو اندیشه‌اش
۲۲۷	۲۸	پرتو حالی که
۴۹	۳۵	پرتو حق است
۹۰	۱۶	پرتو خورشیدبر
۲۹۵	۱۲	پرتو خورشید
۱۳	۷	پرتو ذاتش
۶۵	۱۳	پرتو روح است
۲۱۳	۳۵	پرتو ساقیست
۳۰۰	۳۱	پرتو شیخ آمد
۳۰۰	۳۲	پرتو شیخ است
۹۰	۱۷	پرتو عقل است
۲۵۰	۷	پرتو مستی
۹۱	۴	پرتوی بر قلب
۳۶۲	۱۷	پر خماران
۲۸۷	۳۲	پر خود میکند
۴۴۸	۵	پر دراست این
۲۶۲	۲۸	پر دلان‌درجنگ
۶۵	۲۴	پرده‌ای ستار
۳۳۴	۲۱	پردها را این
۸۰	۹	پردهای دیده
۵	۱۴	پرده بردار
۲۲۸	۳۷	پرده دار تو
۷۵	۲۱	پردهٔ صدآدم
۴۴۴	۳۷	پردهٔ غفلت
۴۰۳	۱۹	پرده کرد
۴۲۴	۳۸	پردهٔ کوچك
۱۰۳	۱۹	پرده میخندبرو
۳۰۹	۲۹	پرز سر تاپای
۳۴۹	۲۵	پرزنان ایمن
۳۴۹	۲۴	پر زنان بار
۱۹۸	۳۱	پرسبك دارد
۳۶۵	۱۲	پرس‌پرسان‌کاین‌بچ
۳۳۶	۱۰	« کاین‌مؤ
۱۵۲	۳۶	« مژدگانی
۳۶۴	۱۹	« میشد
۴	۲۰	« میکشید
۴۱۳	۲۴	پر سر مقطوع
۲۰۷	۲۲	پرشد آن مسجد
۲۴۵	۳	پرشد از تیزی
۲۸۷	۹	پر طاوست
۵۸	۱۱	پرفکرت شد
۳۸۷	۳۳	پرگشاده هردمی
۳۸۷	۳۲	پرگشاده‌هریکی
۱۱۷	۶	پرگنه باب
۳۷۲	۳۶	پر مساز
۲۹۰	۱۷	پرمن‌ابراست
۳۰۳	۳۲	پرمن‌بگشای
۱۳۳	۱۳	پرمن رسته
۲۹۰	۲۷	پرنانی‌کند
۳۵۶	۳۰	پرنگارش
۱۷۱	۲۱	پر نگهدارو
۳	۲	پر و بال‌ما
۳۸۰	۳۱	پر و بال مرغ
۱۳	۳۱	پرورد در
۴۲۴	۴	پرورش دادم
۳۹۸	۳	پرورش‌مر
۳۵۵	۳۷	پروریده از
۱۳۱	۱۰	پرومالامال
۳۶۵	۲۹	پر همی بیند
۳۵۶	۴	پر هنر را

پ - س

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۰	۱۳	پس‌ابد
۴۰۲	۲۴	« ادب کردش
۹۹	۴	« ادب کن
۱۰۲	۴	« از آن‌عالم
۳۹۴	۳۸	« ازآن‌لولاك
۳۹۰	۱۵	« ازآن یاری
۵۵	۳۲	« ازاین فرمود
۴۰۶	۸	« از این یغوی
۱۵۶	۳۶	« ازین‌روعلم
۱۱۸	۱۲	« ازاین‌روکفرو
۳۱۰	۱۹	« اشارت کرد
۲۱	۳۲	« اشارتهاش
۳۲۹	۱۶	« اعوذ
۱۱۱	۳۰	« اگر ابلیس
۱۹۵	۳۴	« اگر گوئی
۹۱	۴۳	« امام حی
۲۲۱	۳۲	« امبرش
۴۴۳	۱	« امین و
۳۴۸	۸	« ایاز مهر
۴۳۷	۱۲	« باستهزا
۴۳۵	۶	« بیحر اندر
۳۳۱	۲۲	« بیستش
۲۳۶	۲۵	« بیرس از
۱۳۶	۲۹	« بیرسیدش
۲۴۴	۳۵	« بیرسیدش
۲۶۸	۲۵	« بیرسیدند ازو
۳۹۴	۱۳	« بیرسیدند
۲۳۷	۱۸	« بیوشید اول
۴۴۴	۲	« بیوشیدند
۸۳	۱۰	« بیهلو گشت

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۷	۳۱	پس به پیمود
۴۲	۲۹	« بتاویل
۱۳	۲۷	« بترزین
۳۱۷	۷	« بجد جستن
۲۷۸	۱۸	« بجنبانم من
۳۲۹	۳۵	« بجنبداختیارت
۱۵۱	۴	« بجوشیدند
۱۴۸	۳۰	« بجوشیدی
۲۳۷	۲	« بچنگال
۳۷۸	۳۳	« بچه‌نام و
۴۳۵	۱۲	« بحکم
۷۹	۱۹	« بخسبم‌باشم
۳۸۸	۱۲	« بخفتند آن
۳۸۵	۳۰	« بخوان‌قاموا
۳۴۶	۳۸	« بخود خواند
۳۶۰	۲۲	« بخوردآن
۴۲۴	۳	« بدادش
۲۱۸	۶	« بدان‌احوال
۱۵	۱۳	« بدان‌این‌اصل
۲۲۱	۳۸	« بدان بی
۱۳۰	۳۲	« بداند زود
۲۴۵	۲۸	« بداند که‌خطائی
۳۴۶	۱۷	« بدان‌رنجت
۴۰۸	۲۹	« بدانستن
۲۱۰	۱۷	« بدانستیم کو
۲۰۶	۳۶	« بدان‌کاب
۲۰۷	۳۱	« بدانکه شمع
۹۵	۲	« بدانکه‌صورت
۲۱	۲۰	« بدانکه کسبها
۱۰۲	۱۰	« بدان‌مشغول
۲۵۴	۱۵	« بدانی‌چونکه
۲۵۶	۲۱	« بدست خویش
۲۱۷	۸	« بد مطلق
۲۶۱	۳	« بدندان
۱۱۱	۱۴	« بدوگفت‌آن
۳۸۸	۷	پس‌بدوگفتند زین
۳۶۰	۳۱	« کای
۱۸۷	۳۸	« مبخوا
۵۶	۱۴	« یاوجه
۱۸۴	۳۵	پس‌بدو گوئی
۳۹۴	۳۳	« بدید او
۳۸۹	۳۴	« بدیوان
۲۵۲	۷	« بر آرم
۱۴۸	۲۶	« بر آمد
۴۴۷	۲۲	« بر آن
۱۴۷	۴۰	« براوتکلیف
۲۲۶	۲۶	« برای کفهٔ
۲۲۶	۲۱	« بر عطار
۴۳۷	۳۵	« برو باز
۲۶۹	۲۹	« برو خاموش
۲۰۴	۲۴	« برو شیرین و
۳۸۰	۲۲	« برون آیند
۴۱۷	۱۳	« برون‌جست‌او
۱۶۲	۲۶	« برون جستند

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۸	۳۴	پس‌بروهم
۴۱	۱۶	« بزرگان‌این
۴۰۱	۳۵	« بسرهنگان
۲۹۴	۱۲	« بشر آمد
۲۵۸	۳۳	« بشر فرمود
۲۷۲	۳۶	« بشوهر
۴۰۶	۹	« بشه گفتند
۲۷۶	۱۵	« بصورت‌آدمی
۲۲۴	۳۱	« بصورت عالم
۲۵	۲۳	« بضد نور
۴۳۷	۶	« بضرب
۹۳	۱	« بعالم
۷۱	۱۳	« بغیبت نیم
۴۴۴	۳۶	« بفرمان خدا
۱۶۴	۲۰	« بفرمود از
۲۶۴	۱۳	« بفرمودش‌خدا
۶	۲۰	« بفرمودش که‌بر
۱۵	۲۷	« بفرمودند در
۳۲۰	۹	« بقاصد مرد
۲۱۰	۱۶	« بقهردشمنان
۴۳۰	۴	« بکار
۴۳۰	۳۸	« بکام و
۹۱	۲۵	« بکش اورا
۲۳۹	۱۸	« بکش تو زین
۳۵۷	۳۱	« بکن دفعش
۷۳	۲۸	« بگفت‌آن‌نو
۳۷۰	۳	« بگفتش کان
۲۲۷	۲۲	« بگفتم من
۳۲۰	۸	« بگفتند این
۳۵۸	۱۷	پس‌بگفتندش‌امیرا
۱۵۷	۷	« باقبال
۲۶۸	۴	« چه جای
۳۲۶	۳۶	« چه‌دانستی
۲۳۴	۳۱	« فلان
۳۹۴	۲	« کئی
۲۳۵	۳۳	« که‌آندستی
۳۴۲	۱۵	« که‌آوردی
۲۴۳	۳۷	« که‌احوال
۳۷۷	۲۴	« که‌ازتو
۳۸۹	۱۶	« که‌توابله
۲۲۹	۲۶	« که‌توبر
۳۴۲	۱۴	« که‌خشمینی
۱۴۹	۲۲	« که‌طاوسا
۳۸۹	۱۹	« که و
۲۴۳	۴۱	« مبارك
۳۹۷	۳۸	پس‌بگفتندی
۱۳۵	۴	« بگفتی او
۲۳۶	۲	« بگفتی‌تا کنون
۴۲۳	۲۲	« بگفتی قبض
۱۶۳	۱۷	« بگوئی‌خواجه
۱۲۵	۵	« بگوئی‌راست
۲۲۷	۴۰	« بگوئیدش
۲۳۷	۳۷	« بگورستان
۳۷۴	۱۳	« بگو کو

صفحه	سطر	اول بیت
۶۵	۸	پس‌بگوید آفتاب
۲۲۰	۲	« تو
۲۳۹	۳۴	« خرکه
۲۳۰	۳۰	پس‌بگویم شرح
۹	۲۹	« بگویم من
۳۶۷	۶	« بماند آب
۱۳۶	۲۷	« بماندند
۲۲۴	۳۲	« بمعنی‌آن‌شجر
۴۰۰	۲	« بمعنی باغ
۴۰۷	۲۳	« بمعنی سوی
۴۰۷	۲۲	« بمعنی میروی
۲۷۶	۲۱	« بمیرد آن
۲۲۷	۶	« بنالی که
۳۵۲	۲۶	« بنای خلق
۳۹۹	۱۰	« بنایش نیست
۱۴۰	۷	« بنه‌بر
۸۰	۸	« بنی آدم
۱۷۳	۱۹	« بود دل
۲۳۶	۷	« بود ظلمات
۱۲۴	۱۶	« بود کالا
۹۱	۴۲	« بهر دوری
۴۲۸	۱۱	« بهرشش
۴۴۲	۱۱	« بهر یك
۱۸۸	۱۸	« بیامد بادو
۳۲۳	۲۷	« بیامد زود
۴۳۷	۳۷	« بیایم
۱۴۰	۱۹	« بیفتادند
۱۲۹	۱۶	« بیفزا
۲۹۴	۱۴	« بیك دردی
۱۴۸	۲۳	« بیك سوزن
۳۷۳	۱۸	« پدر مر
۴۳۲	۳۰	« پشیمانی
۲۷۵	۸	« پیمبردفع
۳۷۰	۱۰	« پیمبر روی
۳۵۷	۳۵	« پیمبرگفت‌استغ
۲۹۶	۱۱	« پیمبرگفت بهر
۱۶۴	۳۷	« تبسم
۳۲۷	۳	« ترا باطن
۲۵۶	۳۵	« ترا بیرون
۳۳۷	۳۲	« ترا خودعقل
۲۷۴	۳۷	« ترا عقلت
۲۴۶	۲۱	« تراهرغم
۳۵۸	۲۳	« تردد را
۳۳۰	۱۵	« تسفسط
۳۶۴	۹	« تضرع
۲۳۴	۳۱	« تفحص کرد
۵۹	۳۷	« تقرب
۲۷۰	۲	پست منکر
۷۴	۸	« میگویم
۳۲۷	۲۰	پس‌توانم که
۲۱۴	۲۳	« توای‌ادبار
۱۳۰	۱۰	« توای نا
۴۳۷	۱۴	« توباشی
۲۷۲	۲۶	پست‌و بالایش

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۲	۲۶	پست وبالایش
۲۲۴	۱۴	پس‌توچون جستی
۲۷۶	۳	« توحیران
۲۸۵	۲۵	« توخودرا
۲۵	۲۸	« تورا هرلحظه
۱۵	۱۶	« توسرهنگی
۷۰	۲۹	« تو هر حقی
۳۹۶	۲۹	« توهم‌الجار
۳۹۰	۱۹	پسته‌رایا
۹۷	۲۷	پستی دیوار
۱۹۳	۳۷	پس‌جزاوجمله
۴۰۲	۲۱	« جزای آنکه
۳۷۲	۶	« جلیس‌الله
۱۰۰	۱۷	« جنون
۱۲۰	۴۰	« جواب‌او
۳۶۸	۴	« جوابش داد
۲۹۴	۲۲	« جواهرها
۱۱۵	۲۶	« جهاد اکبر
۹۷	۱۲	« جهان زاید
۳۸۸	۱۸	« جهودآورد
۹۵	۱۳	« چرا ازابلهی
۱۶۳	۳۱	« چرا ایمن
۴۴۶	۲۱	« چرائی منکر
۴۳۵	۲۹	پس‌چرابرمن
۲۰۵	۳۷	« پنهان
۱۹۳	۱۷	« تو خویش
۴۳۶	۸	« جاریست
۲۴۴	۱۸	« جانهای
۱۸۷	۱۱	« در کار
۳۷۰	۲۹	« شش
۳۳۲	۲	« صد
۱۵۵	۳	« علمی
۲۱۴	۲۷	« کارم
۱۶۸	۵	« گوید
۱۶۸	۴	« لابه
۴۴۴	۳۸	« ما
۳۷۶	۳۲	پس‌چنان بحری
۳۱۶	۱۹	« چنان کن
۲۲۰	۲۰	« چنین‌گفته‌است
۲۵۵	۱۳	پس‌چو آهن
۱۵۳	۲۳	« از تسبیح
۳۸۳	۲۵	« تن باشد
۱۲۹	۱۶	« حاجت
۱۳۳	۲۸	« حکمت
۳۵۷	۳۰	« دانستی
۳۹۴	۳۵	« دید آن
۴۳۲	۴۱	« روزی
۲۵۱	۲۷	« صیادان
۴۲۱	۳۶	« عادت
۱۰۷	۲	« کافر
۹۵	۱۱	« می‌بینی
۶۶	۱	« وحشی
۱۹۶	۱۰	« یعرف
۲۱۳	۲۴	پس‌چه‌باشد عشق
۷۷	۳	« مکه

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۰	۳۷	پس‌چه‌چاره
۴۰۷	۲۰	« چه عرضه
۶۵	۳۷	« چه عزت
۱۲۵	۲۶	« حقایق را
۱۴۲	۴۱	« حق‌حق
۳۸۵	۱۴	« حقیقت بر
۸۴	۲	« حقیقت‌روز
۳۸۴	۲۴	« حکم کرد
۲۲۸	۶	« حکیمان
۶	۲۲	« حکیمش
۲۳۱	۲۲	« حلیمه
۱۸۹	۱۹	« حنوط آنم
۱۶۶	۳۱	« حواس چیره
۱۳۸	۲۶	« حیات ماست
۲۲۰	۱۵	« خبر بردند
۳۸۱	۲۷	« خبرکردند
۳۲۳	۲۲	« خدا آنقوم
۱۰۳	۲۴	« خداعی
۲۴۹	۲۵	« خداوندپیری
۴۴۷	۱۵	« خداوندجهانت
۲۳۸	۹	« خراب مسجد
۱۹۰	۲۷	« خروسش
۳۵۲	۱۵	« خریداراست
۵۹	۱۰	« خزان‌او
۲۹۵	۳۲	« خزانهٔ‌صنع
۲۹۰	۲۵	« خضرکشتی
۲۲۲	۲۸	« خطاب آمد
۳۲۰	۳۸	« خطرباشد
۳۷۳	۱۴	« خلیفه‌اش
۳۸۴	۲۰	« خلیفه ساخت
۲۶۸	۳۷	« خموشی به
۳۷۵	۱۱	« خودی را
۲۵۶	۲۲	« در آتش
۹۱	۱۲	« درآدر
۲۹۹	۶	« درآن‌اقبال
۴۰۳	۱۲	« درآن‌رنجور
۱۳۵	۲۵	« درانگوری
۴۰۹	۲۳	« دراین قسمت
۳۱۷	۶	« در حمام
۴۳۴	۲۷	« درختان
۳۱۶	۱۵	« دروغ آمد
۳۱۶	۱۸	« دروغ آمد
۱۲۱	۱۳	« دروغ و
۲۴۰	۱۳	« درین ترکیب
۲۹۹	۶	« درین مردار
۱۴۲	۲۶	« دعا کردی
۱۴۰	۲۹	« دعاها کرد
۲۹۸	۲۷	« دعای خشك
۲۹۳	۲۱	« دل پوسیده
۹۲	۸	« دل عالم
۲۰۶	۲۶	« دلم می‌سوزد
۱۰۳	۲۱	« دل من کار
۴۳۸	۱۱	« دلیل
۵۸	۱۴	« دمی‌مردار

صفحه	سطر	اول بیت
۱۰۹	۲۹	پس دوباره
۶۱	۳۶	« دوتابايد
۲۲۱	۱۸	« دوچشم‌روش
۲۲	۳۴	« دهان دل
۲۵۷	۲۰	« رجال از
۲۱۰	۲۵	« رسول‌آن
۱۸۹	۲۷	« رسولش‌شک
۱۸۹	۱۷	« رسولشگفتا
۴۳	۳۶	« رسولشگفتک
۳۰۹	۳۲	« روانگرددبز
۳۰۹	۳۰	« روانگرددچ
۲۲۵	۲۶	« روان‌گشتند
۳۹۴	۲۰	« روان‌گشتند
۲۶۹	۲۹	« روو صامت
۱۱۰	۳۸	« ره پندو
۵۹	۲۴	« رهی‌را
۱۹۱	۳۸	« ریاضت را
۱۳۵	۱۰	« ریای
۳۰۵	۲۳	« زبان بگشاد
۲۶	۳۶	« زبان‌محرمی
۴۱۵	۳۶	« زبیجوعیست
۲۶۲	۲۳	« زپس میبیند
۲۰۱	۱۷	« زجالینوس
۹۷	۱۱	« زجان‌جان
۴۲۵	۲۸	« زجان‌کن
۳۰۳	۱۶	« زجنس
۳۰۹	۳۵	« زحق
۲۹۴	۲۹	« زد انگشتك
۳۷۴	۲۲	« ز درد
۵۱	۲	« زدفع‌آن
۵۱	۱	« ز دفع‌خاطر
۱۷۵	۱۸	« ز دل آهی
۲۹۱	۹	« ز ده یار
۳۹۹	۳۶	« زدی‌اشراة
۱۶۷	۴	« زره‌سازید
۳۲۶	۲۹	« ز زیر
۱۹۶	۳۰	« ز شرح
۳۰۶	۳۵	« ز عرش
۳۷۰	۱۰	« زگنج‌آخور
۴۳۰	۲۷	« زمام
۱۳۸	۲۱	« ز ماهي
۱۵۰	۱۶	« ز مستیها
۵۶	۲۲	« ز مکتب
۲۲۴	۳۵	« زمن زائید
۳۶۹	۴۱	پس‌زمین بوس
۱۲۴	۲۲	« تیره
۲۳۷	۸	« دل که
۱۵۷	۵	« را
۲۰۸	۱۹	« وچرخ
۱۵۲	۱۱	« زنان قابله
۳۵۶	۷	پس زنان گفتند
۴۳۴	۳۴	« ز نزد
۳۶۲	۱۵	« زنقش
۳۹۷	۳۵	« زنی گفتش

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۹	۳۲	پس زیانش
۲۲۴	۱۴	« سؤالشکردش
۴۲	۳۳	« سؤالشکردص
۱۴۳	۲۱	« سبا گفتند
۴۰۶	۲۲	« سبب‌گردان
۳۹۹	۲۶	« سبد را
۵۵	۲۰	« سبوبرداشت
۶۲	۲۱	« سپاس‌اورا
۲۰۲	۲	« سپاهی اندکی
۲۳۷	۱۵	« ستون‌اینجها
۹۳	۲	« سخا از
۱۳۰	۱	« سراین تن
۳۵۶	۱۲	« سرش‌را
۹۴	۷	« سری که
۴۲۰	۱۶	« سقم
۳۲۹	۱۲	« سگ شیطان
۴۳۵	۲۳	« سلاح
۲۳۸	۵	« سلامش‌کردد
۳۷۷	۲۸	« سلامشکردگر
۳۱۹	۱۳	« سلامشکرد و
۳۱۸	۳۴	« سلامی‌گرم
۲۰۷	۹	« سلح‌بربندی
۲۳۸	۷	« سلیمان‌آزمای
۲۳۰	۱۳	« سلیمان‌ازدلش
۲۴۶	۱۷	« سلیمان‌اندرو
۲۳۶	۳۲	« سلیمان با
۱۳۶	۱۷	« سلیمان بحر
۲۱۲	۱۰	پس‌سلیمانگفت ایا
۲۲۷	۴۰	« ایه
۲۱۲	۱۹	« ایز
۲۷	۸	« ایه
۲۳۰	۳۳	« با
۲۷	۳	« شو
۲۱۲	۲۳	« کای
۲۳۰	۱۹	« گر
۵۳	۷	پس سلیمان‌همتي
۲۳۴	۲۴	« سلیمانی‌کند
۴۲۸	۱۲	« سکون
۳۷۸	۱	« سوم بار
۹۴	۲۶	« سوی کاری
۲۸۸	۱۴	« سیه کاری
۲۵۱	۴	« شتابیدند
۳۸۸	۳۲	« شدم
۲۰۹	۱۶	« شدنداشکسته
۳۳۷	۲	« شدی درمان
۷۵	۱۲	« شکستن
۱۳۵	۶	« شماخاموش
۲۷۷	۱۲	« شناسائی
۸۵	۲۱	« شهیدان
۱۴۴	۳۶	« صفات آدمی
۳۸۴	۲۰	« صفای
۱۱۲	۹	« صلهٔ‌یاران
۳۳۷	۳۱	« ضیا چون
۳۱۲	۳۰	« طبیب آمد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۴	۲۵	پس طبیبان الهی
۱۲۶	۳۱	« طبیبش
۴۱۰	۱۵	« طبید آن
۳۸۱	۳۳	« طلب‌کردآن
۳۳۶	۴	« طلب‌کردند ا
۱۷۸	۳۶	« طلب‌کردند و
۴۱۴	۱۰	« طمع در
۱۳۹	۸	« طمع کورت
۲۸۵	۳۰	« طناب اندر
۲۰۰	۲	« عدم گردم
۲۱۶	۱۳	« عدو جان
۱۲۸	۴	« عرب گفتش
۲۶۶	۷	« عروسی‌خواسته
۳۶۴	۲۶	« عزابرخود
۱۲۲	۲	« عرازیلش
۱۸۹	۲۶	« عقاب‌آن
۴۳۸	۲۷	« عقاب از
۳۱	۳	« علیکش گفت
۴۰۳	۷	« عمادالملك
۴۴	۳۲	« عمر زان
۴۵	۱۸	« عمرگفتش که
۴۵	۵	« عمرگفتش‌متر
۱۵۲	۱۵	« عوانان‌بیمراد
۱۵۲	۱۵	« عوانان‌خانه
۲۱۷	۳۶	« عوان که
۱۱۳	۵	« عبادت
۹۴	۱۳	« عیان‌بودی
۲۲۸	۱۱	« غذای‌عاشقان
۴۴۳	۴۴	« غرض
۲۳۹	۱	« غزا زین
۳۵۶	۹	« غلام خواجه
۴۲	۲۵	« غنیمت‌باشد
۲۲۷	۳۴	« غنیمت دار
۳۹۳	۲۹	« فتادم زان
۴۳۷	۴۱	« فرا شد
۸۰	۲۰	« فراق آن
۲۷۴	۴	« فراموشش
۳۲۳	۱۰	« فراموشش
۶	۱۴	« فرستادآنطرف
۳۹۹	۳۷	« فرستادش
۱۵۶	۳۷	« فرستادند
۳۶۷	۳۴	« فرستاد و
۳۲۹	۳۷	« فرشته و
۲۷۴	۳۱	« فرو پوشان
۴۴۳	۳۴	« فرو خوان
۲۳۷	۳۱	« فرو رفت
۴۰۳	۱۰	« فرو شد
۱۳۰	۳	« فزون از
۹۲	۷	« فقیرآنست
۹۲	۷	« فقیرآنست
۱۳۲	۳۵	« فقیرآن‌شیخ
۲۴۱	۱۸	« فقیهش
۲۳۵	۲۹	« فکندش
۱۲۹	۲	« فلك قشر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۷	۲	پس قرین‌میکرد
۷۱	۲۱	« قرین هر
۱۵۸	۳۳	« قضا راخواجه
۲۶۰	۲۴	« قضیب
۳۳۲	۱۳	« قلم
۶۷	۱۸	« قیاس
۹۴	۱۴	« قیامت بودی
۵۹	۷	« قیامت روز
۳۶۴	۲	« قیامت شو
۲۶۸	۱۷	« قیامت نقد
۴۴۱	۲۳	« کجا پروای
۸۴	۲۷	« کجا نالد
۱۹۸	۱۷	« کدامین شهر
۳۳۱	۱۲	« کرم کن
۱۲۶	۳	« کرمهای
۱۳۸	۱۷	« کریم‌آنست
۳۸۳	۳۹	« کسی گفتش
۴۱۰	۱	« کشیدندش
۳۸۱	۲۳	« کلند آورد
۲۸۸	۲۰	« کلوا ازبهر
۳۱۵	۱۰	« کلوخ
۴۳۹	۵	« کمان را
۳۸۱	۲۲	« کمانی سخت
۳۹۴	۱۷	« کمند انداخت
۱۲۹	۱۵	« کمند هستها
۳۰۳	۲	« کنیزك‌آمد
۳۰۲	۸	« کنیزك جمله
۱۸۶	۱۳	« که داند
۵۵	۳۳	« گدایان آینه
۲۵۲	۱۱	« گرفتش
۱۷۵	۲۷	« گریبانش
۹۸	۱۶	« گریزان‌است
۳۷۳	۹	« گریزت
۳۹۵	۲۲	« گریزد مرد
۲۰۲	۷	« گریزند و
۳۹۸	۱۵	« گلاب‌وآب
۹۴	۲۰	« گلابه تن
۱۶۰	۳۴	« گلوی‌گاو
۲۸۳	۶	« گواهی‌باتناقض
۵۵	۱	« گواهی بایدم
۵۵	۳	« گواهی‌زاندرو
۲۹۶	۱۶	« لباس کبر
۵۲	۲۳	« ابش ردش
۳۵۳	۱۰	« له‌الخلق
۲۳۰	۲۸	« مثال تو
۴۰۲	۳۲	« مثل بشنو
۱۲۴	۲۸	« مجاهد
۲۸۲	۳۸	« مجو از وی
۱۵۵	۴	« مجو پیشی
۳۱۶	۱	« محبت وصف
۲۱۱	۲۱	« محب حق
۹۱	۵	« محك باید
۱۲۴	۳۱	« محك‌میبایدش
۳۱	۲۲	« محل وحی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۳	۳۶	پس محمد صد
۱۰۹	۲۷	« مرا دست
۲۲۷	۱۶	« مرازان
۸۱	۲۷	« مراقب
۴۴۱	۱۸	« مرا کردی
۳۸۹	۱۳	« مراگفت
۳۹۳	۲۰	« مسافر آن
۳۶۷	۷	« مس رسوا
۳۸۹	۱۲	« مسلمان‌گفت
۲۰۲	۶	« مشو همراه
۳۲۷	۲	« مصفا کن
۴۲۸	۱۷	« مطیعانند
۱۳۸	۲۰	« معاني را
۴۲۱	۴	« معرف گفت
۴۱۷	۲۱	« معرف نزد
۳۰۰	۳۱	« مقلد نیز
۱۲۴	۱۲	« مگو این
۱۲۴	۱۳	« مگو جمله
۲۴۱	۳۳	« مگو دنیا
۹۳	۳۹	« مگو که‌من
۲۶۳	۱۴	« ملامت
۴۱۴	۲۳	« ملایك با
۷۱	۱۸	« ملایك را
۱۱۸	۲۲	« ملك گوید
۴۴۴	۱۳	« منادی
۳۴۲	۳۲	« میان حمله
۳۱۱	۲۷	« میفزا
۴۳۰	۲۴	« نباید شد
۱۲۵	۲۳	« نبي فرمود
۳۹۴	۳۲	« نبیند جمله
۲۲۵	۱۸	« نثاری
۱۵۶	۲۷	« نشان‌دادند
۲۹۷	۳۲	« نشاندش
۳۸۵	۲۸	« نشان نشف
۱۰۵	۱۴	« نشانها
۳۱۳	۱۳	« نشاید که
۹۵	۱	« نشین ای
۱۷۱	۳۷	« نشیند
۲۳۰	۳۶	« نظر کردآن
۹۲	۹	« نظر گاه
۲۶۴	۲	« نقوش‌آسمان
۵۶	۱۳	« نقیبان
۵۸	۲	« نقیبی را
۳۰۲	۲۰	« نکاح آمد
۲۹۱	۱۶	« نگه کن
۳۰۰	۱۹	« نمازش‌پیشکی
۱۲۵	۳۳	« نماز هر
۴۳۷	۳۴	« نهاد از
۲۵	۲۴	« نهانیها
۳۳۴	۲	« نیاری هیچ
۱۵۹	۳۱	« نیم‌مطلوب
۴۴۳	۱۷	« ورا اندیشه
۴۳۴	۳۵	« ورا چشم
۳۹۰	۱۷	« وزپرش‌گفتا

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۴	۲۹	پس‌وزیرش‌گفت
۲۶۷	۲۴	« وصال این
۷۴	۲۵	« وفاگررا
۴۴۴	۱۵	« هرآنچه
۹۸	۱۴	« هلاك نار
۳۹۸	۱	« هماره
۳۳۳	۱۶	« همان‌دردو
۲۳۰	۲۹	« هم انکارت
۱۷۶	۲۰	« همان‌کس
۳۳۴	۳۲	« همه اجسام
۱۶۵	۲۱	« همه پستی
۱۲۹	۳۸	« همه خلقان
۲۱۸	۱۶	« همه‌دانسته‌اند
۲۳۶	۲۰	« همی گفتندبا
۶۷	۲۹	«همی گفتندکای
۵۹	۱۳	« همی‌گویند
۲۲۷	۲۶	« همی منکید
۴۱۹	۱۷	« همینجا خود
۱۷۶	۱۸	« همینجادست
۲۷۶	۴	« همینجیران
۲۸۹	۳۰	« هنر آمد
۴۳۸	۱۶	« یقین‌دانستن
۱۵۶	۵	« یقین دانید
۲۱۸	۱۷	« یقین‌در
۱۵۶	۳۵	« یقین شان
۱۰۴	۴	« یقین شد
۱۵	۱۳	« یقین‌گشت‌آن
۴۰۱	۳۲	« یقینکشتش ه
۲۶۶	۳۱	« یقینکشتش ه
۴۳۳	۷	« یکی‌را
۴۳۱	۱۱	« یکی‌قحطی
۷۷	۱۲	« یهودان
		پ - ش
۴۳	۱۰	پشت او خم
۹۰	۲۵	« خردکان
۳۴۸	۱۹	« دارت
۱۳۹	۲۰	« دارجمله
۹۷	۳۷	« دوتا
۴۴۰	۲۵	« ریش‌و
۳۴۸	۲	« سوی
۳۱۹	۱۲	« پشتش‌از
۳۸۱	۲۱	« پشت‌کن‌در
۴۰۰	۲۰	« ماگرم
۴۳۷	۴۳	« وپهلو
۲۶۶	۲۴	پشم بگزینی
۱۴۸	۲۷	« رنگین
۲۱۲	۶	پشه آمد
۲۶	۲۵	پشه‌ای نمرودرا
۳۰۱	۱۶	پشه‌بگریزد
۱۱۴	۲۹	« کی داند
۱۸۱	۷	« مرده
		پ - ن
۱۴	۶	پنبهٔ آنگوش
۱۴	۵	پنبه‌اندرگوش
۳۱۵	۳۶	« درآتش

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۹	۱۸	پنبه دستار را
۳۴۲	۴	« را پرهیز
۳۱	۲۱	« وسواس
۱۰۹	۱	« وسواس
۴۰۶	۳۵	پنج ازآن‌چون
۱۲۸	۳۰	« حس‌بایکدگر
۲۴۸	۹	« حس ظاهرو
۳۶۱	۵	« حس ظاهرو
۱۳۸	۵	« حس‌وشش
۷۰	۱۲	« حسی‌از
۷۹	۲۵	« حسی هست
۱۶۴	۹	« روز آن
۵۲	۲۷	« سال‌و
۱۴۷	۱۴	« سالهرنج
۲۰۷	۴	« کرت
۳۸۰	۳	« گوهر
۱۴۷	۱۲	پنجمین شب
۲۶۰	۲۸	پنج نوبت
۳۹۱	۳۵	« وقت
۶۵	۲۶	پنجه بامردان
۱۹۷	۲۹	« راگرقبض
۶۵	۲۶	« زدبا آدم
۶۵	۲۹	« زدباموسی
۳۹	۲۶	پند اورا از
۱۳۹	۱۱	« پیران‌را
۱۹۸	۳۲	« دادالقصه
۲۲۴	۹	« دادی
۲۲۴	۱۰	« فعلی
۲۵۲	۳	« گفتن با
۳۵۳	۲۲	« مادرتو
۹۸	۳۰	« من‌بشنوکه
۱۹۱	۲۸	« موسی‌بشنو
۳۶۷	۱	« هادادم
		پ - ی
۶۷	۲۰	پور آن بوجهل
۹۳	۲۳	« ادهم
۳۳۲	۲۵	« سلطان
۳۳۳	۳۰	پوز بند
۱۴۶	۲۷	« سگ دائم
۲۱۷	۲۷	پوست ازدارو
۲۹۸	۲۲	« افزون
۲۵	۳	« باشد
۲۵	۲	« چبود
۸	۲۹	« رابشکافد
۳۱۱	۲۷	پوستهابر
۳۳۳	۱۶	پوستین آن
۷۵	۲۰	« راباژگونه
۳۵۵	۲۲	« و چارق
۱۴۳	۳۶	« یوسفان
		پ - ه
۳۴۴	۱۹	پهلوان تن
۳۴۴	۱۷	« چه
۱۴۹	۱۳	« درلاف
۶۰	۱۷	« در ناله

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۴	۲	پهلوان شد
۳۴۴	۳۱	« مردانه
۳۴۴	۱	پهلوانی‌را
۴۳۱	۲۴	پهلوی دارالقضا
۱۵	۲۶	« عیسی
		پ - ی
۲۷۵	۵	پی‌پایی
۳۸۷	۲	پیچ دیگر
۸۱	۳۲	پیر ایشانند کاین
۴۱۳	۳	« باشد
۲۵۰	۱۴	« پیر عقل
۵۹	۲۰	« تابستان‌و
۴۵	۲	« چنگی
۵۲	۱۱	« خرنی
۴۳۷	۱۹	« خودرادر
۴۵	۲۷	« دامن
۴۲	۱۴	« داناانند
۵۹	۲۳	« رابگزین
۳۷۱	۱	« سگرا
۳۳۴	۱۹	« عشق‌تست
۱۷۳	۲۶	« عقل‌آمد
۲۹۱	۵	« عقلت
۲۳۱	۲۴	« کرد اورا
۴۳۷	۳۹	« گفت ایشیر
۴۵	۸	« لرزان
۲۳۱	۱۷	« مردی
۲۰۶	۳۷	پیروپیغمبرانی
۲۵۰	۳۰	پی رونور
۱۲۵	۷	پیروی تو
۳۷۸	۸	پیره طفلان
۲۴۵	۱۶	پیرهن‌درمصر
۳۵۰	۵	پیش آب زندگا
۲۹۶	۲۶	« آب‌و
۲۸۱	۱۹	« آردهی
۱۶۹	۱۶	« آن انوار
۱۱۵	۹	« آنچشمی که
۳۶۳	۶	« آنخورشید
۴۴۰	۴۵	« آنسلطان‌در
۴۳۹	۶	« آنسلطان‌وها
۱۲۵	۷	« آن‌کس‌کو
۴۴۶	۲۴	« آن کو
۴۰۵	۲۰	« ازآن‌ازراست
۳۸۱	۲۸	« ازآنك‌اشکنجه
۹۷	۳۴	« ازآن‌کایام
۴۰	۳۱	« ازآن‌کاین‌خار
۳۹	۱۰	« ازآن‌کاین‌خاک
۳۶۰	۲۳	« ازآن‌کاین‌دانه
۱۴۳	۱۱	« ازآن‌کاین‌قبضه
۲۰۵	۱۳	« ازآن‌کاین قصه
۲۵۶	۳۴	« ازآن‌کاین‌مها
۹۵	۲۹	« ازآنکت
۳۰۴	۳۰	« ازآن‌کزدست
۲۵۶	۱	« ازآن کزقهر
۳۶۰	۲۷	«ازآن که‌اشکب

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۴	۲۹	پیش ازآنکه‌روز
۳۵۹	۸	« ازآنکه‌شب
۴۲۵	۴۱	« ازآنکه‌کار
۲۷۷	۱۳	« ازآنکه‌نقش
۲۷۳	۱۴	« از افکندن
۸۳	۳۷	« ازایشان
۸۱	۳۳	« ازاین‌تن
۳۷۳	۵	«ازاین‌رمزی
۱۵۸	۱۷	« ازاین‌طوفا
۳۸۲	۹	« ازاین‌کو
۶۹	۹	« ازاین‌هرچ
۶۴	۲۱	« ازعشا
۱۴۹	۳۷	«ازین‌زان
۱۷۴	۳	« ازین‌گفتیم
۵۷	۱۷	« استاداصول
۵۷	۱۸	« استادفقیه
۵۷	۱۸	« استادیکه
۳۰۷	۱	« اسرافیل
۱۷۰	۲۱	« اصل خویش
۱۵۴	۳۹	« افتدآن
۲۶۹	۱۷	« اوآئید
۲۴۹	۳۵	« اوآمد
۳۹۶	۱۸	« اواستارگا
۱۹۶	۳۴	« او بررست
۴۴	۳۱	« اوبرکای
۱۱۳	۲۶	« اوبنشست
۱۲	۷	« اوبنوشت
۲۰۳	۱۲	« او چبود
۱۲	۱۰	« او دروفت
۱۳۳	۲۲	« او دعوی
۴۴۵	۱۸	« او رفتند
۳۲۶	۳۵	« او روشن
۴۰۷	۱۴	« اورویند
۱۴۳	۳۷	« اوکوساله
۱۶۶	۳۴	« او مهمان
۱۴۶	۲۵	« اومیگشت‌خا
۳۳۴	۱۵	« او هرذرهٔ
۸۹	۲	« اوهیچست
۱۲۸	۱۹	« اهل تن
۱۲۸	۱۹	« اهل دل
۱۶	۲۴	« این‌الماس
۲۳۹	۱۴	« این‌جمعی
۳۹۹	۲۸	« این‌خورشید
۳۳۲	۲۰	« این‌شاهان
۳۱۳	۲۹	« با همت
۳۷۵	۱۴	« بزازان
۲۲۶	۳۸	« بلقبس
۹۴	۲۶	« بنشاندش
۱۲۹	۴۱	« بیجد
۲۴۹	۵	« بینابردهٔ
۲۴۸	۳۵	« بیناشد
۱۲۸	۲۱	بینایان حدیث
۲۴۸	۳۵	« بینایان‌خبر
۱۲۸	۲۰	« بینایان کنی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۹	۷	پیش‌بینی خرد
۱۹۷	۲۶	« پیش آن
۲۲۶	۸	« پیشت‌میرود
۲۷۲	۲۶	« پیغمبر جهان
۱۸۹	۱۲	« پیغمبردرآمد
۷	۲۰	پیشتر آنا
۸۲	۳	« از خلقت
۸۱	۳۳	« ازنقش
۲۰۱	۳۰	« اروانعه
۲۲۸	۱۷	« در آب
۲۲۸	۱۶	« در آب
۱۶۹	۱۳	« رفتم‌دوان
۱۶۹	۱۷	« رفتم که
۸۱	۳۶	« ز افلاك
۱۹۲	۲۷	پیش ترك‌آئینه
۳۶۵	۲۶	« توآن‌سنگ
۳۶۵	۲۶	« تواستون
۲۵۹	۳۲	« تواین
۳۰۶	۱۲	« توبس‌قدر
۳۶۵	۲۴	« توخونست
۴۱	۱۹	« توشسته
۳۶۵	۲۵	« توکه‌بس
۱۶۵	۲۸	« توگرد
۳۳۵	۱۴	« جوحی
۸۸	۱۸	« چشم او
۲۹	۸	« چشمت
۳۱۷	۱۰	« چشم‌خویش
۳۸۱	۱۲	« چشمش
۲۷۱	۳۵	« چشم‌نقش
۲۳۰	۳۶	« چوب‌وسنگ
۵۰	۲۱	« چوگانها
۳۰۹	۳۹	« چه بود
۲۴۳	۵	« حالی‌بین
۱۹	۳۶	« حق آنش
۳۵۸	۳۴	« حق پیدا
۷۵	۱۷	« حکم حق
۱۵۴	۱۵	« خقان
۲۰۵	۳۶	« خلق‌ایشان
۱۷۵	۳	« خلق‌این
۱۱۸	۳۴	« خویشان
۱۷۱	۲۴	« درشد
۳۳۵	۲۱	« دل‌جوز
۱۳۳	۲۳	« زیرك
۶۳	۱	« سبحان‌بس
۱۹۳	۲۱	« سگ
۱۵۹	۲۱	« سلطان‌خو
۳۳۷	۲۰	پشش آمد
۱۵۴	۳۵	پیشان بردم
۲۳۵	۱۰	پیشان شعری
۱۹۱	۵	پیش شاهان‌در
۱۰۰	۱۱	« شاهان گر
۴۱۴	۲۹	« شاهد
۳۳۲	۲۱	« شاهی کو
۱۴۵	۳۴	« شهرعقل

٤٠٥	١	پیش شه	
٨٥	٣٣	« شیخ آمد	
١٩٨	٧	« شیخی در	
١٩٦	١٧	« شیری آهوئی	
٣٥٤	٧	« صورتهای	
٢٥٠	١٩	« ظاهر بین	
٢٢٦	٢١	« عطاری	
٢٢٠	٣	« عقل این	
١٨٥	٣١	« قبطی	
١٥	٥	« قدرت	
٣٣٢	٩	« قرآن	
٤٠١	٣٣	« کافر	
٣٥٢	٢	پیشکش بهر	
٣٥٢	٢	« می آرمت	
١١٠	٢٨	پیش گاوی سجده	
١٧٩	٢٩	« ما این	
٤١١	٩	« ما باشی	
١٨٤	١٢	« ماصدسال	
٣٤٥	٢٦	« ما فرج و	
٣٦٤	٢٣	« مؤمن کی	
٣٦٤	٢٣	« مؤمن ماتم	
١٩٢	٥	« مردان خدا	
١٣٤	٢	« مریم	
٣٦٦	٤٢	« مشرق	
٦٦	٨	« معنی چیست	
٢٢٨	٢٤	« من آوازت	
٨٩	٢٢	« من افلاس	
٧٦	١٣	« من این تن	
٤٥	٦	« من بنشین	
١٥١	٢٥	« می آمد	
٣١١	٣٣	پیشوا ابلیس	
٢٧٠	٢٧	« چشم است	
٣٣٥	٢٢	پیشوای به	
٢٦٨	٢١	پیش وهم این گفت	
١١٩	٢	پیشهٔ آموختی	
١١٩	٣	« آموز	
٢٠١	٢٠	پیشهائیکه	
٣٥٤	٢١	پیشه اش	
٣٦	١	پیشها و اندیشها	
٣٥	٣٣	« وخلقها از	
٣٥	٣١	« وخلقها هم	
١١٩	١٩	پیشهٔ اول	
٨٩	٢٧	پیش هر حمام	
٥٨	٢٨	« هر صوفی	
٣٥	٣١	« پیشهٔ زرگر	
١٣	١٣	پیش هست	
٣٥٠	١٥	پیشهٔ مریخ	
٣٥	٣٠	پیشه و فرهنگ	
١٣٣	٢٠	پیشی و خویشی	
٣٩	٢٧	پیش یوسف	
٣٠١	٦	پیك اگر چه	
٢٨٣	٣٢	پیل اگر چه در	
١٥٧	١٤	« اندر	
١٨٠	٣٤	« باور کرد	
٢٦٥	٧	پیل باید تا	
١٣٩	١٦	« بچگانند	
٢٠٤	٣١	« چون در	
١٨٢	١١	« خود چبود	
٣٩٣	٤	« را حق	
١٧٧	٢١	« را سوراخ	
٢٣٥	٤	« وگرگ	
١٣٩	١٥	« هست اینسو	
		ت - ا	
١٨٢	١٥	تا ابد از	
٦٨	٣٨	« ابد نونو	
٥٤	١	« ابد هر	
٢٩٩	١٨	« احب لله آئی	
٧٤	٤	« احب لله آید	
١٩٥	١٢	« ادبهاشان	
٣٧٢	٨	« ازآن جامد	
١٣٠	١٨	« ازآن راهت	
٣٩٠	٣٢	« ازآن رخنه	
٢٦٤	٨	« ازآن واقف	
٣٠٦	٣٩	« ازاینها	
١٠	٣١	« ازین طوفان	
٢٠٤	٣	« ازین گرداب	
٣٩٩	٢٣	« اگر ابری	
٢٠	٢٤	« اله	
٢٣	٧	« امان یابد	
٧٦	١٦	« امیری را	
٤٠٣	٣٦	« باخر چون	
١٧٣	٣	« بافسون	
٤٣٨	٩	« بایمان	
٢١٢	١٤	« بالا بر	
١٥٣	٢٥	« بغداد آمد	
٢٤٦	٢	« بغدادو	
٦٧	٨	« بیند دشمن	
١٢٤	٣٣	« بیند طعم	
٤١٨	٢٩	« بیند مؤمن	
٢٣١	١٩	« بینم این	
٢٢١	٣٥	« بینم غایت	
١٦٩	٣	« بینم قلزمی	
٤٢٤	٣٣	« بینم کاهلی	
٦٥	٣١	« بینند اهل	
١٦٥	٣١	« بینی جامعیم	
٢٨٥	٢٩	« بینی چاشنی	
٢٥٢	٣٠	« بینی خویش	
٢٧٣	١٤	« بینی خیر	
٢٩٥	٢٨	« بینی درعدم	
٦٤	٣	« بینی روی	
٩٨	٣٥	« بینی عالم	
٢٢٧	٩	« « کاین	
٧٣	٢٥	« « نابدت	
١٢٤	٢٢	« بیالائیم	
١١٤	١٩	« بیای خویش	
١٦٦	٣٦	« بیرسم نی	
٢٣٢	٣٢	« بیشت آدم	
٦٠	٣٤	« بیشت همدگر	
٢٨	٣١	تا بیشتی	٤١٤
٧٠	٢	« بیوشاند جهان	٢٩٤
١٠٧	١	« بیوشد آن	٣٣٨
٥٩	١٠	« « حسن	١٥١
١٦	٧	« بجای او	٣٣٣
٢٠٤	١٤	« « نعمت	٣٣٧
٩٥	١٧	« بجسمی در	٢٢٦
٢٦٤	٢٥	« بجنباند	٣١٣
٣٢٩	٣٦	« بجنبد اختیار	٢٧٩
٣٦٥	٣٤	« بجوشد	٨٣
٣٠٦	٣٦	« بجویند اصل	٢٧٣
٢٣٤	١٣	تاب حرص از	٥١
٣٠١	٦	تا بخارای دگر بینی	٢٧٤
١٥٥	١٤	« بخارای دگر یابی	١٧١
٤٣٧	١٥	« بخواهم کین	١١٤
١١٠	١٣	« بخسبی	٩٨
٢٠٢	١٩	« بخوردیم آن	٣٥٦
٢٣٠	٢٣	« بداند در چه	١٢٤
٨٥	٤	« بداند سعد	٣٣٨
٢٩٥	١١	« بداند کان حلل	٢٨٠
٣٠٢	١٦	« « کانخیال	١٩٤
١٩٥	٣٣	« « کودك	٤٢٣
٢٢٦	٣٩	« « که بزر	٥٦
١١٧	٣٦	« « که هر	١٩٣
٢٩٠	١٦	« « ملك	٣٦٤
٩٢	٣٨	« بدانم که تو	٢٨٢
٢٦١	٤	« بدانی پیش	٦٧
٢٩١	٢٢	« « حق	١٦٣
٤١٧	٨	« « حکمت	٢٩٦
٤١٤	٨	« « عجز	٤٨
٣٨١	١٧	« کاسمانهای	١٥
٣٠٤	٢٤	« کاصل	٢٦٦
١٦٥	٢٦	« کان ازو	٤٢٨
٤٢٢	٣	« « کان همه	٤٢٨
٢٥٤	٢٩	« « کوحکیم	٣٩٨
٢٥٥	٥	« « کوخبیر	٨٩
١٦٢	٤١	« « که تن	٣٦٤
٢٩٥	٢٥	« « که خدای	٩١
١٩١	٣٨	« « که زیان	٤٠٢
٤٢١	٢٣	« « که محمد	٢٨٠
١٨٨	٢٩	« « که هانم	٢٠٩
٢٠٦	١٢	« « ناله	١٤٢
٣٢٠	١٣	« « واز	١٣٦
٤٤	٢	« « هر که	٤٤٦
٤٢٠	٣٥	« بدریا	٤٢١
٩	٢٨	« بدست خویش	١٥٧
٣٩٧	٢٨	« بدلالی	١٩١
٤٢٨	١٢	« بده مه	٣٦٣
٣٢٤	٢	« بدیدم	١١٣
٢٠٦	١٩	« بدیدید	١٥٤
٣٦٨	١٧	« بدیری	٣٥٥
٥٦	١٨	« بدینجا بهر	٤٢١
٢٩٤	٦	« « پیش	١٩٠
٣٩٠	٢٩	« بدین حد	٤٦

۱۸۷ ٤ تاجر ترسنده
۳۹۵ ۲٦ تاجرش داند
۳۹۵ ۲۲ تاجری بردر
٤٤۷ ۲۳ « تو
۱٤٦ ۱۱ « دریا
۳۳۷ ۲۸ تاج شیخ
۳۳۹ ۱٤ تاج کرمنا
۲۸٦ ۱۵ تا جلا باشد
۲٦۱ ۹ « جمادات دگر
۳۵٦ ۲۸ « جماعت مژده
۲٤٦ ۲۰ تاج ناطق
۲۸ ۱۱ تا جهان که
۳۸۰ ۱۲ تاجهان لرزان
۱۲۳ ۵ « جهودی را
۱۹٤ ۱۹ تاچرد آن بره
۱۲۲ ٤ تا چنان آهی
۱۹ ۱۷ « چنان شد
۱۱۸ ۳۸ « « گردد
۲۰۷ ۱۲ « چنان نومید
۱۸۳ ۱٦ « چنین خدمت
۳٦۵ ٤ « « سر
۲۷٤ ۳۲ « چوبجهند
۱۱۸ ۳۵ « « زن
۱٦۱ ۲٤ « « سی کودك
۲۰۲ ۲٦ « « فرصت
۳٤۱ ۱٦ « « واگردد
۵۵ ۱۰ « « هدیه
۱٤۵ ۱۱ « چها دیداز
۳۳۷ ۲۵ « چه باشد
۳٤۵ ۱۹ « « خواهی کرد
۱۲۰ ۳۲ « « دارد
۲٤۱ ۱۰ « « داری
۳۷۳ ۲۰ « « دوزخ
٤۰٤ ۲۷ « « دیدی
۲۹۵ ۸ « « زلت
٤۰۳ ۱٦ « « سرمه
٤۳٦ ۲۷ « « شدبا
٤۰۷ ۵ « « صورت
۲۵ ۱۰ « « عالمهاست
۱۱۲ ٤۰ « « کین دارند
٤۱۱ ۱۱ « « گفتش
۷۳ ٦ « چهل سال آن
۱٦۵ ۲٤ « چهل سالش
۱۵۰ ۱۳ « چه مستیها
۳۹۲ ۱۳ « حدث در
٤۱۷ ۳ « حریم کعبه
۳۵٤ ۳۲ « حروفش
٤۱۳ ۳۵ « حساب
۳۸٤ ۲۸ « حلبی
٤۳۳ ۳۳ تاخت آرد
۷۷ ۳۲ تا خدایش
۸۸ ٤ تا خر از هر
٤۱۸ ۳۷ « خرد این
٤۰٤ ۳۹ « خری پیری
٤۱۵ ۸ تا خلیفه گفت
۳۸۰ ۱۲ تاخم یکرنگی
٤۲٤ ۷ « خود ازما
۳۹۰ ٤۱ « خوردمر
۳۰۲ ۳٦ « خوری دانه
۲۸۰ ٤ « « زشت
۱۱۸ ۳۰ « خیال دوست
۳۷۹ ۱٦ « خیال عجل
۳۵٦ ۲۱ « خیال وفکر
۳۱۵ ۳۱ « درآمد حکم
۲۷۲ ۳۰ « درآنجائی
۱۲۸ ۳۵ « درآنجا سنبل
۱۱۷ ۱٤ « درآنعالم
۱۲۵ ۲ « دراشتر
۲۲۵ ۳٦ « درا کسیری
۲۵۵ ۱۵ « دراواشکال
۷۱ ۹ « دراین ظلمت
۱٤ ۱۰ « « فکری
۳۹۰ ۲۷ « درو باشد
۱۳٤ ۳۲ « دعای او
۲۵۵ ۱۳ « دلت آئینهٔ
٤۱٤ ۷ « دلت حیران
۲۹٦ ۱۹ « دلش راشرح
۱۲٦ ۳۹ « دل مرد خدا
۱۱٤ ۱۹ « دلیر اندر
۳۸ ٦ « دم آخر
۲۵۳ ۲۲ « دم آن از
۳۹ ۲۸ « دم عیسی
۳۵۵ ۱۷ تادمی ازهوشیار
۱۰۳ ٤ تا دیر باشی
۳۲٦ ۲٦ تا دوسال این
۱۲۲ ۱۱ تادوسه
۳۱۹ ٤ تادهد دوغم
٤۳۲ ٤٦ تاربایدل
۸۷ ۳٤ تارسد در
٤٤۱ ۱۲ تارسد هیهای
۱۲۱ ۳۱ تارسی اندرجما
۲٦۷ ۲۲ تارسی اندرنفوس
۱۵۰ ۲٦ تارسیدآن
۲۷۷ ۲ تارسیدن در
۲۰۳ ۹ تارمیدی مرغ
۱۵۰ ۳۵ تارود آنجا
٤۱٤ ۲۲ تارودبالای
۱۷۵ ۲۰ تاروم من
۱۸۹ ۳۷ تازهاندپاش
۲۷۱ ۳ تارهدآن شیر
۲۱۱ ۲۹ تارهد از مرگ
۲۷٤ ۱۷ تارهدزین
٤۲۵ ۲۹ تارهی ازحبس
۲۵۹ ۵ تارهی ازفکر
۲٦۷ ۱۵ تارهی زین
۱٦۱ ۲۰ تارهیم از
۲۲۱ ٤ تا زبانم چون
۱۹۰ ۳۵ تا زبان مرغ
۳۲٦ ٤ تازبرگ
۳۹۳ ۳۵ تازبس
٤۰٤ ۲۰ تا زبسیاری
۲۲۵ ۳۸ تا زبون گردد
۲۱۷ ۲۷ تازجانها
۳۳۸ ۳۲ تازجرمت
۱۳٦ ۱۸ تا زجهل
۳۹۸ ۲۷ تا ز چرخ
۳۷۰ ۱۹ تازچونی
۷۳ ۲٤ تازدرویشی
۳۹۳ ۲۵ تازدلداری
۲۱ ۵ تا زراندودیت
۳۵٤ ۱۹ تازراه
۱۱۷ ۱۳ تازرنج
٦۹ ٤ تازروز و شب
۱۰۱ ۱۱ تاز زخم لخت
۱۰۱ ۱۰ تا ز زخم لخت
۳۸۰ ۲۱ تاز زرق
۱۲ ۳۲ تاز زهرو
۳٤۳ ۱۳ تا ز سحرآن
۲۰۱ ۳۹ تا زسکسك
۲٦۵ ۲٦ « ز شادی
۸۱ ۵ « زغیرت از
۲۱۹ ۳۰ « ز غیرت تیر
٤۰۵ ۲ « زفرزند
۲٤٤ ۲٤ « زفاروره
٤۲۹ ۳۲ « زکیفیات
۲۲٤ ۱۸ « زگرمی
٤۰ ۲٤ تازگی و
۳۹۲ ۳۰ تازگی هر
۱۲۷ ۱٦ تا زلالا
۳۸۵ ٤۰ « زلعبت
۲۵۵ ۳۵ « زمغرب
۵ ٦ « زمین وآسمان
۲۷۷ ۹ « زمینی
۷۲ ۱٤ « زنار
۳۷۲ ۲ « زنبض آگه
۱۲۷ ۲۷ « زند تیری
۳٤۹ ۱۵ « زنم من
۵٦ ۱٦ « زنبدآن
۲٤ ۲۸ تازه کن
٤۰۵ ۲ تازه میباشد
۲۹۲ ۱۲ تازه میگیر و
٤۱۹ ۳۰ تا زیادت
۲٦٦ ۳٤ « زیارب یا
۳٤٤ ۳۰ تازبان چون
۳۵۷ ٦ تازیانه از
۳۸٤ ٦ « اش
۱۰٦ ۳۳ « بر
۱۲۷ ٤۰ تا سبك گردد
۳۸٦ ۲۵ « سحرجمله
۲٤ ۱ « سخنهای
٤٤۳ ۳٤ « سرت رابر
۲۷۷ ۷ « سرخرچون
۲٦ ۲۱ تاسزای او
۱۸۹ ۹ « سقاهم
۱۰۸ ٤۰ « سقاهم ربهم
۱۳۵ ۳٤ « سلیمان امین
۲۹۲ ۳۳ « سلیمان گفت
٦ ۱٤ « سمرقند
۲٦۲ ۱۳ تاسوم چارم
٤۳۱ ۲۳ تاسوی دار
۹٤ ۲۰ تاسهٔ نوآن
۸۰ ۱۸ تاسهٔ توجذب
۹٤ ۲۱ تاسهٔ توشد
۱۰٤ ۳٤ تاسه شب خامش
٤۲٤ ۱۷ تاسهیلت
۱۰۸ ۱۳ تاشبانگه
۱۹۲ ٦ تاشبی بنورد
۳۳۵ ٦ تاشپش جویم
٤۱٦ ۲۵ تاشتابان
٤٤۵ ۱۸ تاشد آنجا
۱۲۲ ۳٤ تاشعار دین
۳٦۲ ۲۹ تاشما بی من
۱۵۰ ۲۸ تاشمارا رد
٦۲ ۲۲ تا شنیدیم آن
۱۷۰ ۱۹ تاشودآن
۳۰۵ ۱ تاشودایمن
۳۸٤ ۳۰ تاشود برتن
٦۰ ۱٦ تاشود پشتم
٤۰۰ ۳۳ تا شود پیدا
۲٤۱ ۱٤ تاشود زفت
۵۵ ۹ تاشودزین
۱۲۲ ۳۵ تاشود شب
۳۰ ۱۵ تاشودشیر خدا
۲۲۷ ۸ تاشودشیرین
۱۲٤ ۳۱ تاشود فاروق
۲۸۹ ۳۷ تاشود کم
٦ ۹ تاشودمحبوب
۱۰۵ ۱۸ تاشودمعلوم
۳۲۵ ۳ تاشوم غرق
۳۷۰ ۲ تاشوم من
۲۱۷ ۱٤ « شوی ایمن
۳۳۵ ۲٤ « شوی چون
٦۷ ۳۱ « شویم اعجوبهٔ
۲۷۳ ۲۸ « طبیعی خویش
۳۷۳ ۱ « عدمهارا
۱۱۷ ۱۱ « عذاب
٤۱٦ ۳۲ « عصارا
۹۲ ۲۸ « علاج
۱۵۰ ۵ « علف چند
٤٦ ٦ « عوض
۲۰٤ ۱۰ تا غذا کردی
۲٤۷ ۱۱ تا غذای اصل
۱۲۲ ۳۳ « غریبی یابد
۸۵ ۲٦ « غریبان
۱۷ ٤ تا غلاف اندر
۱۰۳ ۱٤ تاغلام خاص

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۷	۵	تافت زان
۳۷	۳۲	« نور
۲۶۴	۲۴	تا فرستد حق
۳۰۶	۱۴	« فرود آید
۲۵۴	۳۸	« فرو گیرند
۳۶۵	۴	« فزاید در
۳۶۹	۴۲	« فزاید قصر
۲۹۲	۱۵	« فزایدکوری
۱۵۴	۱	« فسرده‌می
۱۱۷	۲۸	« فضیحتهای
۲۵۹	۷	تاقیامت آن
۹۷	۱۳	« این
۱۵۶	۱۹	« باقیش
۳۸۳	۲۹	« تف
۱۹۵	۸	« گربگویم
۹۷	۱۲	« گر
۳۳۳	۲۶	« ماند
۱۴۱	۱۴	« میخورد
۲۰۶	۱۷	« میزند
۱۲۸	۱۲	« نیست
۱۸	۳	« هرکه
۱۵۷	۱۰	« هست
۲۳۶	۳۳	تا کتبهای
۳۸۴	۱۵	تا کجا آنجا
۱۳۹	۳۵	« بوی
۱۳۹	۳۴	« یابد
۲۷	۲	تا کجایست‌و
۳۸	۴	تا کدامش‌دست
۴۲۵	۱۳	« کدامین سوی
۲۴۰	۲	« غالب
۱۳۲	۱۴	« کرا باشد
۶۹	۲۰	« کسوف آید
۲۳۲	۲۶	« کسی درچار
۸۶	۴	« ندهد
۳۳۱	۲۶	« کشد بی
۳۸۴	۱۶	« کشی خندان
۷۲	۳	« کشیدت
۳۲۱	۱	« کف دریا
۲۸۹	۲۰	« کله برداری
۸۹	۳۶	« کوخ و سنگ
۱۱۸	۱۱	« کمال دانشش
۳۱۱	۵	« کند بهرش
۳۱	۲۰	« کند محبوسش
۲۴	۲۷	« کنون اختر
۱۷۶	۱۴	« کنون ازبهر
۱۹۳	۳۴	« کنون اندر
۱۷۶	۱۳	« کنون حلم
۳۲۷	۱۲	« کنونش‌فضل
۲۴	۲۶	تا کنون فرمان
۲۵۵	۱۸	« کردی‌چنین
۱۵۸	۵	« کردی و
۲۵۹	۲۶	« معبود
۶	۲۲	تا کنیزك
۳۱	۲۲	« کنی فهم

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۷	۲۴	تا کنی کسبی
۲۵۵	۲۴	« کمتر
۳۳۳	۱۰	« مرغبر
۱۲۸	۲۷	تا که آن بوجا
۱۲۸	۲۸	« آن‌بوسوی
۱۶۴	۴۱	« آن‌بیچارگان
۳۴۰	۱۱	« آید
۲۹۹	۲۰	« ابغض
۳۴۹	۲۴	« از تن
۱۰۳	۳	« از عمری
۱۷۹	۴۱	« از کهنه
۲۳۵	۱۲	« اصل
۷۴	۵	« اعطا
۱۵۱	۳۹	« امشب
۲۰۸	۳۰	تاکه‌این‌ترکیبها
۹۷	۲۸	« دیوار
۲۱۸	۳۰	« هردو
۳۳۳	۲۴	« هفتاد
۳۸۰	۲۴	تاکه‌بازان
۴۱۰	۸	تاکه‌باشد
۲۰۲	۱۱	« بر احمد
۱۳۰	۲۴	« بربندند
۶۸	۱۶	« بررهوار
۷۱	۱۰	« بس
۲۸۰	۲۸	« بفریبی
۳۷۳	۳۷	« بینایان
۴۴۶	۳۲	« بینی از
۱۰۰	۳	« بایم
۳۲۱	۱۱	« پشکی
۲۸۰	۲۸	« پیش از
۸۴	۱۹	« تتماجی
۲۵۶	۳۲	« تیشه
۱۶۶	۱۹	« جزواست
۱۲۹	۴	« جنبشهای
۲۱۷	۲۵	« چوبش
۶۵	۱۲	« چون در
۳۴۱	۱۵	« چون بامه
۵۴	۱۰	« حجتها
۲۰۴	۳۰	« خودرا
۱۰۳	۳	« خوفت
۳۱۳	۳۳	« در چاه
۳۷	۴	« درهرگوش
۳۱۴	۳۶	« رحمت
۱۰	۳۰	« روزش
۲۶۶	۴	« روزی‌کاین
۱۶۰	۳۳	« روزی‌ناگها
۲۷۳	۱۹	« رهبنود
۳۲۷	۳۸	« زفت و
۲۴۱	۲	« زوتر
۱۸۹	۳۳	« زیرك
۶۲	۸	« سازد
۳۷۱	۳۱	« سفرهٔ
۲۲	۱	« شاخ
۱۶۰	۲۸	« شددر شهر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷	۳	تاکه شیرینی ما
۴۲۵	۳۶	« شیرینی و
۳۳۸	۲	« شیطان
۳۶۶	۳	« صدیق
۱۲	۱۶	« عجز
۲۷۴	۳۳	« عدل
۲۷۷	۲۵	« عین
۳۴۹	۳۱	« غسل
۲۸۲	۵	« غناری
۳۸۴	۲۶	« فرعونرا
۲۱۶	۱۲	« قلب و
۲۰۶	۱۱	« قوالی
۲۳۵	۱۳	« کرّو
۳۴۳	۲۱	« گردد
۴۲۱	۱۹	« گفتارت
۲۹۱	۳۰	« لعنت
۱۰۲	۱۶	« لقمان
۶۲	۲۲	« ما از
۴۲۱	۲۲	« ما ینطق
۲۸۹	۱۶	« مرداری
۲۹۹	۲	« مردانی
۲۹۴	۲۴	« مستانت
۲۶۸	۳۵	« معشوقت
۲۳۸	۸	« من باشم
۹۱	۱۵	« موسی
۲۰۴	۱۴	« مهمان
۲۲۰	۱۴	« می خورده
۶۴	۲۶	« ناموسش
۵۹	۱۵	« نان
۵	۲۹	« نبض
۹۷	۶	« نفریبد
۱۸۲	۳	« نفس
۹۸	۱۲	« نور او
۴۲۲	۲۷	« نور چرخ
۲۱۶	۱۲	« نورش
۳۲۴	۱۸	« هذا
۷۲	۲۰	« هیزم
۳۸۰	۲۴	« یهالك
۳۲۲	۶	تاکی ازجامه
۲۸۳	۲۶	« ای قانع
۴۳۰	۴۷	« این راه
۴۵	۲۰	تا گره بانی
۱۳۵	۳۰	« گره بندیم
۲۸۰	۲۲	« گریزد او
۳۸۴	۳۱	« گریزی از
۳۵۵	۲۶	تاگشاید دخمه
۲۸۸	۷	« عقدهٔ
۲۹۷	۱۴	« قفل و
۱۴۲	۳۲	تا گلستان شان
۵۳	۲۰	« گمان آید
۴۰۸	۲۸	« گمان آید که
۱۷۶	۲۸	« گناه وجرم
۲۸۱	۲۸	« گواهی بدهم
۵۳	۱۷	« گواهی‌داده

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۲	۸	تا لب بحر
۳۹۲	۲۸	« لب جو
۱۱۶	۸	« لگد بر تو
۲۷۹	۲۸	« مبادا باغئی
۳۲۹	۵	« مبادا کین
۱۲۲	۳۲	« مبارك
۹۳	۳۵	« مبدل گشت
۱۵۸	۲۱	« مثنی بشنوم
۱۰۸	۲۶	« محال از
۵۳	۲۴	« محبت در
۴۰۷	۱۸	« مدد گیرد
۴۳۷	۳۱	« مرابازآمدن
۲۹۳	۱	« مرا بوبکر
۴۱۴	۱۳	« مراد من
۴۳۷	۲۷	« مرا رفتن
۲۲	۱۵	« مرا زینجا
۱۱۳	۳۷	« مرا صحت
۴۴۲	۳۵	« مرا قدری
۳۰۵	۱۷	« مسبب‌بیند
۳۱۲	۵	« مشرف
۲۹۱	۹	« معبت
۳۵۲	۲۹	« مگر زین
۳۰۵	۲۵	« ملائك را
۵۴	۱	« ملك
۲۷۳	۲۸	« منافق
۲۷۶	۲۰	« من و ما
۳۷	۲۲	« من‌وتو ها
۲۶۱	۲۸	« من‌وتوهر
۲۱۰	۱۹	« موکل‌نشنود
۲۲۰	۱۹	« میان اندر
۱۲۴	۲۶	« میان قهر
۱۱۴	۱۶	« میسر
۴۲۴	۶	« نباشد از
۱۰۴	۲۳	« نباشد برق
۱۷۴	۲۵	« نباشدربلا
۱۲۴	۱۱	« نباشدراست
۱۰۴	۲۳	« نباشد گریه
۴۱۶	۲۶	« نباشد هیچ
۴۳۷	۴۱	« نباشم من
۴۳۳	۴	« نباشی از
۲۴۱	۳۶	« نباشی‌همچو
۱۴۴	۱۴	« بایددیگران
۱۴۷	۲۸	« نباید گرگ
۳۷۲	۳۳	« نبرد تبغت
۲۵۳	۱۵	« نبشکافی
۳۵۵	۲۷	« نبندد دخمه
۲۸۰	۲۷	« نبیند خصم
۲۵	۱۳	« نبیند دل
۱۹۱	۱۴	« نبیندکودکی
۴۴۴	۳۰	« نبینی در
۱۹۳	۱۲	« نبینی نور
۲۷۴	۲۲	« نپنداری
۷۹	۱۶	« نپوشدروی
۳۳۵	۲۸	« نپوشدستر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶۸	۱۵	تا نپیوندد
۲۳	۱۶	« ندند شیر
۳۵۳	۱۲	« نجوشددیگها
۱۱۳	۳۹	« نخسبم
۲۹۹	۲۱	« نخوانی‌لا
۳۰۶	۱۶	« نداندخویش
۴۰۴	۷	« ندرد پردهٔ
۱۷۳	۲۴	« ندّرددامنت
۳۵۹	۱۲	« ندزددمرکبت
۲۷۹	۶	تا ندش‌پوشید
۱۲۵	۳۸	تا نرویدریش
۶۹	۱۳	« نزاد او
۷۹	۱	« نزاید
۱۸۹	۶	« نزاید طفلك
۹۸	۱۹	« نسوزد او
۲۵۳	۱۶	« نسوزدخلطم
۳۶۱	۳۴	« نسوزم‌کي
۹۲	۲۲	« نسوزی
۱۳	۸	« نشان حق
۳۱۳	۱۱	« نشد او
۲۵	۱۱	« نشد بر
۸۸	۱۰	« نشد تحقیق
۱۳۲	۳	تا نشد زر
۲۶۷	۲۱	تا نفخت فیه
۶۸	۴۱	تا نقوش
۲۵۳	۱۹	تا نکوبی‌گندم
۳۴۶	۳۵	تا نگردد او
۲۸۹	۳۹	تا نگردد تیغ
۲۳۰	۲۲	تا نگردد خسته
۵	۱۶	تا نگردد خون
۴۰۴	۶	تا نگردد راز
۴۳۷	۳۰	تا نگردد سعی
۳۹۱	۸	تا نگردد فوت
۳۳۳	۲۴	تا نگردد مازم
۹۲	۱۰	تانگرددنیکوئي
۴۰۴	۷	تانگردد هیچکس
۳۶۴	۳	تا نگردی‌این‌تو
۹۰	۳۱	تا نگردی‌تو
۴۱۹	۲۲	تا نگردی زاین
۳۱۲	۷	تا نگردی‌غرق
۸۵	۱۵	تا نگرید ابرکی
۲۸۱	۷	تا نگرید ابرکی
۸۶	۱۳	تا نگرید کودك
۳۶۳	۲۷	تا نگشتنداختراز
۳۰۱	۱۱	تا نگوئی دیدم
۱۳۸	۱۰	تا نگوئي سر
۱۳۲	۲۱	تا نگوئی‌مرمرا
۱۱۵	۲۴	تا نگوید دزد
۲۲۲	۱۰	تا نگهداردترا
۴۰۸	۳۴	تا نگیرد آن
۱۱۷	۳۸	تا نگیردمادرازا
۲۱۲	۱۴	تا نلرزدعرش
۸۵	۳۵	تا نماز دیگر
۵۸	۲۲	تا نماند بر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۶	۴۰	تماندتیرگی
۱۹۳	۱۷	« «درتفکر
۹	۲۲	« «در جهان
۱۶۷	۳۴	« «هیچ
۴۱۹	۳۱	« مانی تو
۲۰	۳	« « صفر
۹۸	۲۸	« نمردست
۳۶۱	۴۰	« نمیبینم همی
۳۴۳	۱۶	« نمیردتن
۳۱۷	۱۷	« « هیچ
۱۰	۳۰	« نمیرم‌من تو
۱۶۴	۳۸	« « من‌مگو
۴۰۸	۱۳	« نمیری‌سود
۳۶۳	۲۳	« « نیست
۳۲۴	۵	« ننوشم
۱۲۵	۳۷	« نهٔ ایمن
۶۴	۱۸	« نه پنداریکه
۱۲۵	۱۵	« نیابیده
۲۹۳	۴	« نیاری‌سجده
۳۴	۳۱	« نیاموزد
۲۰۷	۱۵	« نیامیزد
۷۴	۳۰	« نیایدبرمن
۲۵۰	۳	« نیایدبرولا
۲۴۲	۲۳	« « وحی
۲۱۲	۲۰	« « هردو
۲۰۰	۲۲	« نیفتدبانگ
۳۵۶	۴۰	« نیفتی‌چون
۳۵۳	۱۵	« نیندایند
۱۲۶	۴۱	« هلاك قوم
۸۰	۳۴	« هلال‌روزه
۵۹	۱۶	« هیبه
۲۴	۲۸	« هواتازه
۲۴۷	۲۴	« همارەدوست
۷۳	۶	« هم ایشان
۳۱۶	۱۹	« همه تن
۲۷۴	۲۹	« همه‌زان
۴۱۷	۳	« همه زوار
۲۰۹	۲۲	« همی خائید
۲۸۶	۷	« « سوزید
۱۳۴	۴	« « گفت
۳۵۶	۲۹	« یقین‌شدمر
۲۲۱	۳۲	« « گردد
۲۴۶	۳۲	«یکی‌روزی‌بیامد
۳۳۲	۳۸	« یکی‌روزیکه
۸۰	۳۱	« « مو
۲۰۰	۲۰	« « مهمان
۱۲۳	۲۰	« « یاری‌ز
		ت ـ (ج ـ خ)
۳۲۳	۱۶	تجربه‌کر
۱۶۱	۳۰	« و تعلیم
۲۲۴	۷	تخت او سیار
۷۱	۲۸	« دل
۴۰۸	۲۷	تختها بر
۲۲۷	۳	تخته‌بنداست
۲۹۳	۸	تختهٔ مرده
۴۰۷	۳۵	تخم‌ازمن
۹۵	۲۷	« اول
۸۷	۲۵	« باطل
۱۳۶	۱۰	« بطی
۱۲۰	۲۶	« تو بد
۵۴	۶	« خدمت
۱۲۵	۱۸	« دولت
۱۰۷	۲۰	« مایهٔ
۳۷۱	۳۵	« نادر
۸۵	۲۳	تخمهامیکاشت
۴۲۵	۲۹	« ی‌عمر
۱۶	۳۲	« ی‌فتنه
۳۸۸	۵	تخمه‌بودند
		ت ـ (ر ـ ز ـ س)
۳۲۳	۱۶	تربیهٔ‌آن
۲۰	۲۴	ترتقی‌انقاسنا
۴	۲۲	ترجمان‌هرچه
۱۸۰	۳۵	ترس‌ترسان‌باز
۲۲۶	۲۸	« « که
۲۵۰	۳	« جان
۳۲۷	۲۶	« جوع
۳۹۰	۳۰	« دار
۲۲	۱۶	« درویشی
۳۶۳	۳	ترسم ارخامش
۳۱۲	۳۸	« ای فصاد
۳۱۵	۴۰	ترس‌موئی
۱۴۱	۷	« وعشق
۳۸۵	۲۱	« ولرزه
۱۰۹	۸	« ونومیدیت
۲۱۱	۲۹	ترك‌آن‌کردیم
۲۲۷	۳	« « گبرید
۳	۱۶	« استثنا
۳۰۴	۱۸	« اغلب
۲۳۳	۲	« این‌تزویر
۲۱۹	۳۷	« « تون
۱۸۰	۳۱	« « چشمه
۳۸۷	۱۳	« « سخته
۱۹۰	۱۹	« « سودا
۳۰	۴	« « شرب
۲۳۷	۲۱	« « فکر
۳۸۱	۳۷	ترکتازی‌تن
۴۳۹	۲۱	ترك‌ترك
۲۰۹	۵	« جلدی
۴۹	۷	« جنگ و
۱۹۷	۲۱	« جوشی
۸۶	۲۲	« چون‌باشد
۱۰۲	۲	« خدمت
۳۴۷	۵	« خشم و
۳۷۸	۱۱	« خنده
۲۶	۵	« خواب و
۱۲	۲۱	« دنیا
۳۷۷	۲۷	« راآن
۳۷۷	۳۶	« را از
۱۰	۲۶	ترك‌روزآخر
۱۱۹	۳۰	« سجده
۱۱	۱۲	ترکش عمرش
۴۰۰	۱۴	ترك‌شکرش
۲۷۳	۳۴	« شهوت‌کن
۹۸	۳۱	« « ها
۱۰۷	۲۶	« عیسی
۱۲۸	۱۶	« کرد
۴۱۳	۱۱	« کرکس
۱۶۸	۲	« کفرش
۴۳۳	۱	« کن‌این‌رنگ
۳۳۳	۶	« «جبر
۳۳۳	۵	« « «جبر
۳۱۴	۳۸	« « تا
۳۶۲	۳۱	« « زیرا
۳۳۳	۶	« « معشوقی
۱۷۳	۱۱	« گل
۲۶۵	۱۴	« گیرد
۲۳۰	۱۰	« مال و
۳۲۹	۹	ترکمان را
۵۳	۲۷	ترك‌ماهیات
۴۳۹	۴۲	« مست‌از
۴۰۸	۱۲	« مکر
۳۰۵	۲۳	« من‌گو
۳۳۰	۳۰	« میگوید
۱۴۳	۱۰	« وردی‌که
۳۲۹	۱۸	« هم‌گوید
۴۷	۳۴	ترهات‌ازدعوی
۳۸۳	۱۴	« چون
۲۰۸	۲۶	ترّی تن‌را
۲۸۳	۴	ترکیه باید
۴۴۸	۳	« چون
۲۱۹	۲۶	تسخروطنزی
		ت ـ (ش ـ ف ـ ك ـ ل ـ ن)
۵۶	۲۵	تشنه آمد
۹۷	۱۷	« ای‌مستسقی
۴۴۴	۳۰	« داند
۱۳۳	۲۹	« راچون
۲۲۸	۱۸	« « خود
۱۳۶	۱۹	« « درد
۲۱	۴	« « گر
۳۲۸	۷	« شد از
۳۶	۲۹	تشنگان‌گر
۹۷	۲۱	تشنه‌گفت‌آبا
۴۱۱	۳۳	تشنگیش از
۳۲۱	۹	تشنهٔ محتاج
۲۰۸	۱۲	تشنه میناله
۲۷۷	۱۰	تفرقه برخیزد
۲۴۸	۱۹	« جویای
۸۲	۸	« در
۷۰	۳۴	تك مران
۴۳۱	۳	تکیه‌اش‌برباد
۴۴۰	۴۳	« برافیون
۲۳	۴	« «جبار
۴۰۸	۳	تکیه‌بر عقل
۱۵۴	۳۳	« « وی
۳۷۰	۳۲	« کردی
۳۹۳	۱	تلخ‌آمدبر
۱۴۶	۸	« از شیرین
۸۳	۳۱	« با تلخان
۷۵	۲۴	تلختر از
۴۱۳	۱۹	تلخ خواهی
۳۰۸	۱۳	« کی باشد
۲۰۳	۳۹	« گردانم
۳۰۸	۹	« نبود
۲۱۷	۲۹	« وتیزو
۵۲	۲۰	« وشیرین‌زین
۲۰۲	۳	« « گر
۳۴۸	۲۳	تلخی‌هجراز
۲۱۸	۱۸	تن‌بجان جنبد
۱۵۶	۲۲	« بخفته
۲۴۳	۳۷	« برهنه
۴۴۲	۴۶	« «
۳۸۴	۳۶	تن‌بمردت
۲۹۰	۲۳	« بوداما
۳۶۴	۳۲	« به‌پیش
۳۱۱	۴	« چواسطرلاب
۱۷۱	۲۷	« چو اسمعیل
۲۸۱	۱۲	« « با
۳۷۳	۲۵	« « شد
۶۹	۱۰	« « مادر
۱۷۲	۸	تندبادی
۳۳۷	۲۰	تن زآتشهای
۴۰۵	۵	« زاجزاء
۲	۴	« زجان و
۲۸۱	۱۴	« زسرگین
۳۶۷	۳۴	« سپید و
۱۸۸	۳۰	« شناسان
۳۶۶	۲	« فدای
۳۸	۲۶	« قفس
۳۷۷	۳۰	تنگ بالابهر
۶۲	۹	« ترآمد
۲۹۲	۳۸	تنگشان آورد
۲۴۰	۳۲	تنگ‌شدبروی
۳۲۸	۲۳	« گرداند
۱۲۷	۶	« وتاریك
۳۹۹	۱۹	تن‌مبین و
۳۶۹	۳۱	« منارهٔ
۶۵	۱۰	« همی نازد
		ت ـ و
۳۰۴	۳۴	توازآن‌اعراض
۱۶۵	۲	« بگذشته
۴۰۲	۹	« خود
۲۹۲	۲	« روزی
۴۱۱	۲۲	« مرغ
۱۵۵	۱۰	« اینسو
۴۳۴	۸	توازو مگسل
۲۳۶	۲۱	تواگرانگشتری
۲۳۳	۱۹	تواگرخواهی
۱۵۶	۲۱	« درزیر
۲۴۴	۲۰	« شبی
۴۰۹	۱۵	« صد
۳۴۸	۳۰	تواناربی
۲۷۹	۶	تو ببخشابر
۲۹۷	۱۷	« بینداچشم
۱۰۴	۳۱	« بینی خواب
۱۷۵	۹	« بپرس‌از
۲۵۴	۳۰	« بتأویلات
۱۳۶	۱۵	« بتن‌حیوان
۱۹۲	۳۴	« بجای‌آن
۳۵۶	۱۱	« « مادری
۲۳۷	۱۶	« بجدکاری
۳۲۲	۱۹	« بحال
۲۸۰	۹	« بخشم‌شه
۳۸۱	۵	« بخوان‌آنرا
۴۳۷	۲۷	« بخواهی
۳۷۹	۱۳	« بدان‌رنگی
۷۷	۳۰	« « عادت
۱۵۴	۱۱	« « غرّه
۲۵۹	۳۴	« « فخری
۲۲۰	۳۴	« « مانی
۲۱۴	۲۴	« « نادر
۳۶۴	۷	« « نیت
۳۳۷	۱۳	« بدلق
۱۳۲	۴۰	« بدمرکت
۲۷۱	۲۱	« بدین‌تزویر
۱۸۶	۲۵	« « دکان
۳۴۶	۷	« « سستی
۲۳۰	۲۵	« برآن‌عاشق
۳۲۶	۴۱	« «آنی‌هر
۴۳۶	۱۰	« « آوردی
۳۱۲	۵	برادرموضع
۴۴۷	۲۷	« برای‌جان
۳۷۳	۱۷	« براین تخت
۱۰۶	۱۰	« برای‌وصل
۳۲۷	۳۰	« برفتی‌ماند
۶۰	۳	« برو در
۴۰۳	۳	« برون شو
۳۹۷	۲۱	« برمگفت
۴۳۹	۳۰	« برهنه‌گوی
۳۳۱	۹	« برین عذر
۲۹	۱۰	« بزن‌یاربنا
۴۳۵	۴۳	« بزه نازی
۲۷۲	۳۸	« بزیر او
۴۳۴	۲	« بسحرگاهنان
۱۷۷	۴	« بسه سنگ
۲۷۴	۳۱	« بسی‌کردی
۲۵۱	۳۳	« « گاوان
۳۰۵	۳	« بصد
۱۳۴	۳۶	«بصورت‌رفته‌ای
۱۳۴	۳۷	« « « کم
۴۳۹	۱۲	« « کم

صفحه	سطر	اول بیت
٤٤٣	٢٠	تو بصورت منگر
١٣٦	١٣	« بطی بر
٣٧٧	٢٤	« بعقل خود
٣٣٠	٣١	« بعکس آن
١٢٨	٢٠	« بعکسی پیش
١٤٣	١	« بفرمودی که
٢٣٣	٢٣	« بکردی او
٢٩٣	٢١	« بگردی سالها
١٨٠	١٣	« بگوئی آفتابا
١٨٤	٢٧	« « فال بد
١٨٤	٢٩	« « «
١٧٣	٣٦	« « مرد
٢٩٣	١٩	« « نك
١٦١	٣٢	« بگو دادهٔ
٣٠٤	٢٨	« بگو نك
١٤٣	٠٧	« بماندی در
٢٣٣	٣٧	« بمانی چون
٤٣٥	٣٨	« بمن بنما
١٧١	٧	« بنادر
٤٨	٩	« بناه
٣٧٧	٩	« بنشنیدی
٢٢٦	٨	« بنور او
٤٠٥	٢٩	توبه آرندو
٣٣٥	٢	تو بهاری ما
٣٢٣	١٣	توبها کرده است
٣١٧	١٥	توبه‌ام بپذیر
٣١٦	٣٣	توبها میکرد
١٣	٣٩	توبهانه میکنی
٢٩٢	٢٦	توبه او جوید
٣٢٣	١٣	« او را
٣٦١	٥	« بی توفیقیت
١٦٥	٢٢	« بینی
٢٥٥	٣٥	« را از
٣٦٦	٢٩	« « بار
٣٦٦	٨	« « زین
١٥٩	٤٣	تو بهر حالی
٢٢٩	٧	« « صورت
٢٥٥	٤	توبه کردم از
٣١٨	١٢	توبهٔ کردم حقیقت
٣٦٦	٧	توبه کردن
٣٦٧	٢	« کرم و
٣٢٢	٢	« کن اشك
٢٩٩	١٧	« « بیزار
٣٥٨	٣٢	« « مردانه
١١٠	١	« « وز
٣٥٧	١٢	« می آرند
١٣٠	٣٣	« نندیشد
٢٩٨	١١	تو بیك خواری
٣٩٠	٣٢	« بی دفع
٧٧	٢١	« تبار و اصل
٤٩	١٧	« تبر آکن
٧٧	٢٠	« ترازوی
٥٩	٣٦	« تقرب جو
١٤٨	١٤	« توهم میکنی

صفحه	سطر	اول بیت
٣٧٨	١٥	تو تمنا میبری
٩٦	٢١	تو تبای کبریائی
٨٨	٢	تو جگر بندی
٤٧	٢٦	« جوان بودی
١٥٥	٣٧	« جهان راستان
٣١١	٧	« جهان را
١٢٢	٢٠	« جهت گو
٣٨٩	١٧	« جهود از
١٢١	٢٤	« چرا بیدار
٣٦٨	٢٥	« « تنها
٣٩٣	٧	« « مارا
١٤٩	٢٢	« چنان جلوه
٤٤٢	٢٢	« « کن که
٣٣٥	٢	« چوجانی
١٤٨	١٣	« چو خودرا
٢٠٧	٦	« چو عرم
٣٣٥	٣	« چو عقلی
٢٤٥	٣٣	« چو کرمی در
٣٤	٢٩	« چو گوشی
١٣٥	١٣	« چو موری
١٣٤	٤١	« چه برجستی
٢٣٦	٣٠	« چه داروئی
٢٧٠	٢٠	« چه داری که
٩٣	٣٠	« « « و
٢٣٨	٢٤	« چه‌دانی ای
١٣٦	٥	« چه‌دانی بانگ
٢١٤	٩	« چه‌دانی تا
٣٥	٣	« چه‌دانی ذوق
٣٥	٤	« « «
١٢٧	١٦	« « «
١٨١	١٩	« چه‌دانی سر
١١٧	١٧	« چه طاقت
١١٠	٣٩	« حریصی بر
٩١	٣٦	« حسودی
٤٠٠	٢٦	« حیاتی میدهی بس
٤٠٠	٢٥	« « « در
١٢٦	٣١	« خراحمق
١١٣	٤٣	« خلافش
٢٧٩	١٨	« خلیل وقتی
١٢٠	٤٢	« خوری حلوا
٣٣٩	١٤	« خوشی و
١٢٢	٩	« در این خبر
١٠٢	١	« درشتی کن
١٨٢	١٧	« درون چاه
١٦٢	١٢	« « خانه
٤٢٩	٤٨	« درین بحر
٢٠٤	٢٩	« « جوشش
٢٦٣	٩	« درین مستعملی
١٧٣	٧	« دلامنظور
٢٩٣	١١	« دل خودرا
٣٥٦	٢٠	« دلش خوش
٣٨٤	٣١	« دوقله
٣٧٢	٣٥	« رسن بازی
١٣١	٣٦	« رغبت

صفحه	سطر	اول بیت
٣٠٧	٣٨	تو روا داری خدا
٣٣٢	١٥	« روا
١٤٤	٢٧	« « که آیم
٣١٥	٢٤	« « که آن
١٧٥	١٣	« « که من
٨٣	٣٣	« رهائی جو
١١٢	٢	« زاوفوا
٢٧٠	٢٨	« زاولاد
٢٩١	١٢	« زبونی با
٢٠٧	٧	« زبیم بانگ
٢٠٤	٢٥	« زتلخی
٢٩٧	١٥	« زجائی
٣٢٢	٣٠	« زچرخ
٣٠	٢٤	« زچشم
٢٥٦	٣٥	« زحسرت
٤٣٢	٢٩	« زحق بگذشت
١٢٠	٤١	« « ترس
٣٦٤	٣٥	« زخرمنهای
٢٣٣	٣٨	« زخودکی
٢٠٧	٣٠	« زخودمی
٢٠٦	٥	« زدوری دیدهٔ
٢٠٦	٥	« زدوری می نبینی
٢٠٢	٧	« زرعنایان
١٠٦	٢٠	« زسرمستان
٢٣٢	٣٩	« زشادی
٢٦٦	١٨	« زشح و
٤٢٩	٤٥	« زشنبه
٤٠٥	١٤	« زصد
٢٧٠	٢٦	« زضعف چشم
١٣٣	٧	« زضعف خود
١٨٨	٥	« زطفلی
٣٣٨	٣٣	« زغفلت
١٥	٧	« زقرآن باز
١٣٦	١٣	« زکر منا
٢٤٨	١٠	« زگفتار
١٢٠	٤١	« زمن باحق
٢٤٧	٣٨	« ستوری
٢٥٥	٣	« ستیزه روی
٢٥٨	١٤	« سزائی در
٤٤١	٣٤	« سزاوار
١٦٩	١	« سفر کردی
٣٣٠	٣٢	« سگی باخود
٢٣٧	٧	« سلیمان وار
٤٤٦	٢٩	تو سن فکرت
٤٣٣	٣٩	تو سیه دل
١٠٧	٣٣	« شب و روز
١٠٥	١٢	« شدی بیهوش
٤٠١	١٣	« « سوی
٢٧٤	٣٦	« « غافل
٤٤٠	٤٠	« شعیبی
١٥٤	٤	« صمع داری
٤٤٦	٢٧	« عجب داری
١٩٥	٢٦	« عدو او
١٧٩	٣٢	« عدو این

صفحه	سطر	اول بیت
٣٣٧	٣٨	تو عدو را
٣٥٠	١٩	« عدوی وز
٣٠٢	٢٨	« عذاب الغزی
٣٥٨	٢٥	« عسل خوردی
١٠٧	٣٤	« عسل ما
٧٥	٣٣	« عصا کش
٤١٤	٢٤	« عطا
١٧٦	٣١	« غلامی
٢٩	٣٢	« فرشتهٔ آسمانی
٣٠٦	٣٣	« « رحمتی
١٩٩	١٨	« فسرده
٣٢٨	٣٨	« قبامیخواستی
١٣١	٣٠	« قلاوزی
٦٦	٩	« قیاس از چرخ
٣٧	٣٠	« « از حالت
٧	٢٠	« « از خویش
٣٠١	١٢	« قیاسی گریه
١٨٢	٣١	« « گبر
٤٠٠	٤٠	« کجائی تابری
٤٠٠	٣٩	« « تا بصد
٤٠٠	٣٩	« « تادوصد
١٠٥	٢٦	« « تا شوم
١٠٥	٢٧	« «تاکه خدمتها
٤٠٠	٣٨	« «تاکه خندان
٤٠٠	٤٠	« « تامرا
١٢١	٣٦	« کجا در
٣١١	٦	« کرا مطرلاب
١٠٩	٢٧	« کم از خرسی
٢٩١	١٤	« « مرغی
٧١	٣٠	« که باشی
٣٣٢	٢٩	« « پنجه سال
١٥٩	٧	« « بی دردی
١٧٤	٣٥	« « بینائی
٣٧٢	٣٢	« « تریاقی
٣٢	٣٧	« « جزوی
٤٩	١٦	« « درجان
٢٥٤	١٣	« « فرعونی
٣٠٧	٢	« « کان
٢٣٣	٢١	« « کرد
٢٨١	٥	« «کلی خوار
٢٨١	٤	« « « خاضع
٩٨	٦	« « میگوئی
٣٦٦	٢١	« « یکجزوی
٣٩	٢١	« « یوسف
٧	١١	« گمان کردی
٤٣١	٤٠	« گناه خود نهی
١٩٢	٣٢	« گناهی کردهٔ
١٢١	٣	« گنه بر من
٥٥	٢	« گواهی
١٢٠	١٦	«گیاه واستخوان
١٢٠	١٧	« « «
١٦٨	٣٩	تو مبین این پایها
٣٧٨	٢٢	« « اینوافها
٣٧٨	٢٢	« « تخسبر

صفحه	سطر	اول بیت
٢٠٦	٣	تو مبین زافسون
٢٠٦	٤	« زافسونش
٣٧٨	١٧	« قلابی
٢١٤	٣٣	« که بر
٢٠٦	٤	« مبین مرآن
١٥٤	٢٧	تو مترس و
٩٨	١٣	« مثال دوزخی
٣٣٥	٣	« مثال شادی
٢٣	٥	« مجو بدنامی
٣٤١	٢٢	« مخوان دو
٤٨	٢	« مخوانم
٤٤٣	٢٦	« مخور مشنو
٩٦	١٥	« مرا باور
٢٤	٢٢	« مرا بگذار
١٢٢	٩	« مرا بیدار
٤١٦	١٧	« مرا پردرد
١٠٨	١٧	« مراجویان
٢١٩	٢٨	« مراچون بره
٤٩	١٣	« مرادردرد
٣٣٣	٨	« مراگوئی حسد
٣٧٠	٢٠	« « که
٣٦٨	٢٦	« مرامیدار
٤٣٥	٤٢	« مرا هرگز
١٣١	٣٣	« مری با
٤٧	٢	« مریدو
٣٨٩	١٨	« مسیحی
٢٩٨	١٥	« مشوغره
١٤٩	٩	« مشوهیچ
١٢	٢٦	« معسر از
١٤٢	٣٠	« مغفل رشتهٔ
٨٨	٣٦	« مکانی
٥٣	٥	« مکن باغیر
١٩٨	٣٥	« مکن تهدیده
٢٣٣	٢٢	« مکن در کرد
٢٨٥	٢٧	« مگر آئی و
٥	١١	« مگر خود
٣٨	٣٠	« مگو آن مدح
٤٢٨	٢٢	« مگو با خود
٣٤١	٢٣	« مگو فرعیست
٣٧٠	٤	« مگو کو بنده
٣١	٢٨	« مگو کاین مس
٣١	٢٧	« « « نافه
٥٠	٢٨	« مگو که من
٣٩٦	١	« مگو گندم
٧	٥	« مگو مارا
٢٤٤	١٢	« ملاف از
٤٣٦	٢٦	« منه انگشت
٢٢١	١	« منی من
٧٤	١٨	« منی و
٣١٢	٣٥	« نبردی بوی
١٣٩	٢٨	« نبینی برگها با
١٣٩	٢٩	« « « را
١٣٩	٢٩	« « لبك
٢٥٣	٤	« نثانی ابروی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۱	۲	تو نتانی کر
۴۰۵	۲۵	« نترسیدی
۱۴۲	۱۴	« نخواندی
۴۰۷	۳۵	« ندانی
۴۳۵	۲۸	« ندیده
۹۴	۱۶	« نشانی
۳۸۴	۳۵	« نظر
۱۹۲	۱۲	« نکردی قصد
۷۷	۱۸	« نگاریده
۱۵۸	۱۷	« نگنجی در
۳۵۴	۸	« نگوئی من
۴۰۰	۲۳	« نمردی
۱۹۸	۳	« نمی‌بینی که یار
۲۶۱	۲۲	« « هلال
۱۸۷	۱	« نمیدانی که آخر
۱۲۴	۳۶	« « « آن
۱۸۷	۲	« « « از
۷۲	۱۰	« « « خصما
۲۸۱	۸	« « « دایه
۱۶۵	۳۶	« نمی‌گریی
۱۳۱	۸	« نمیگفتی که
۳۲۹	۱۸	« نمی‌یاری
۱۰۷	۳۷	« نه آن
۴۳۵	۳۰	« نه ازو الجروح
۴۴۷	۱۸	« نه اندر
۸۰	۱	« نه این باشی
۳۶۴	۳۶	« نه این جسم
۳۲۷	۲۸	« نه زان
۴۱۵	۱۳	« « زاینجا
۱۶۵	۱۸	« نیائی در
۸۸	۳	« « و
۲۲۰	۱	تو نیان را
۱۲۵	۳۹	تو نیفتادی که
۱۱۶	۱۶	« ورای عقل
۳۶۷	۱۵	« وکیلم
۲۵۵	۱	« هلا در بند
۲۴۶	۲۴	« هم از بیرون
۳۹۸	۳۲	« هم از دشمن
۱۷۳	۳۸	« همان دیدی
۱۰۷	۳۴	« « کن که
۲۲۱	۲۳	« هم ای عاشق
۲۲	۲۱	« همه کار
۴۲۵	۱۲	« همی آموزیم
۴۳۶	۱۶	« « بینی
۲۲۶	۲۹	« « ترسی
۱۴۰	۲۷	« « خسبی
۱۷۵	۲	« « دانی و
۱۵۸	۱۵	« « دانی
۸۸	۶	« « گفتی
۱۸۴	۳۳	« گوئی خش
۴۲۰	۳۷	« « عجب
۱۹۲	۳۲	« « که من
۳۲۸	۲۷	« « که مو
۱۷۳	۸	« « مرا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۷	۳۷	تو همی گیری
۲۹۶	۲۰	« هنوز از
۴۰۷	۳۸	توی آخر
۲۴۶	۳۳	« بر تو
۴۰۷	۳۷	« بیگانه
۴۰۷	۳۸	« تو در
۱۲۲	۲۶	تو بقین میدان که
۳۸۴	۶	« « «
۹۱	۳۴	« یکی بنگر
۱۵۷	۳۶	« « تو
۲۷۲	۱۴	« « شاخی
۳۲۸	۳۷	قصر و
۲۵۱	۳۲	« « مرغی
		ت [ه-ی]
۳۷۲	۲۴	تهدکه است
۳۱۴	۱۸	تهمتی بر بنده
۲۰۳	۴	« تر ما
۱۱	۱۱	تیر اندازد
۱۲۷	۲۶	« اندازی
۴۳۵	۳۱	« بگشاد
۹۹	۱۳	« پر آن
۳۴۲	۴۳	« خوردن
۴۳۵	۳۹	« درپیش
۱۴۷	۲۹	« را بگشاد
۹۹	۱۳	« رامشکن
۴۰۶	۱۹	« سوی راست
۴۰۷	۳۱	« غمزه
۳۳۸	۳	« قهر
۴۳۶	۳۳	« گفتم
۴۴۱	۳۳	« وهم
۱۴۵	۲۸	تیرها پران شده
۱۴۵	۲۸	« « کمان
۲۵۵	۱۸	تیره کردی
۲۱۱	۸	تیز چشم آمد
۲۸۶	۳۴	« چشم و
۴۱	۲۷	« گوشان
۴۱۴	۱۹	تی شود
۱۷۵	۲۳	تیشه در هر
۶۶	۷	« را
۳۴۳	۳۱	تیغ آن تیغست
۲۶۰	۳	« بهر اوست
۴۱۲	۱۰	« جانها را
۱۷	۵	« چوبین
۴۳۶	۱۷	« چون بینی
۱۹۲	۱۹	« حرمت
۷۷	۲۴	« حلم از
۷۳	۱۱	« حلمت
۷۴	۳	« حلمم
۲۳۸	۳۸	« دادن
۱۹۰	۱۳	« دردستش
۱۷	۶	« درزراد
۲۸۸	۲۵	« لادر
۴۳۶	۱۹	تیغ و تیر

صفحه	سطر	اول بیت
		ث-ا
۲۱۳	۱۳	ثالثا تا از
۴۲۸	۱۹	ثالثش باشد
۲۵۶	۱۹	ثانیا باشد
۲۱۳	۱۳	« بشنو
۴۳۸	۱۲	ثانی الناطق
۴۲۸	۱۹	ثانیش بشنو
		ث-م
۴۴۷	۲۲	ثم انشانا
۲۰	۲۵	« تاتینا
۲۰	۲۵	« تلجینا
		ج-ا
۱۷۰	۱	جاء همبید
۶۳	۲۲	جنمونا و
۳۶۲	۲۱	جنت واقرب
۳۳۱	۳۶	جادوان فرعون
۱۹	۳۰	جادوئی کردت
۴۰۱	۳۰	« « دست
۲۶۶	۲۶	« کردش
۱۵۶	۹	« که
۲۶۷	۲	جادوئیها دید
۲۴۲	۲۵	« را
۲۶۷	۶	جادوی کیپر
۱۸۵	۳۱	جاده باشد
۳۹۳	۱۸	جادهٔ شاهست
۴۳۲	۵	« شرع است
۴۳۲	۳	« « «
۴۴۶	۴۱	« عدلست
۱۲۰	۲۶	جاذب آب
۲۵۹	۱۶	« جنسیت
۱۸۶	۱۱	جاریه پیش
۳۷۷	۶	جام صحت را
۱۳۱	۹	« ظاهر
۱۶۵	۲۵	جامع این
۹۵	۲۱	جامگی او
۳۴۷	۲۰	« هاتان
۱۳۱	۱۰	جام می هستی
۳۵۹	۱۸	جامها برکند
۱۰۵	۲۸	جامه‌ات شویم
۳۴۱	۴	جامه ازرق
۳۳۲	۳۴	جامهٔ اطلس
۴۰۱	۱۸	جامه اندر دست
۴۲	۸	جامهایت می
۹۸	۳	جامهای خلق
۲۴۰	۱۰	« زر
۱۷۹	۲۱	جامهٔ ایشان
۱۳۲	۳۲	جامه پوشان را
۴۳۹	۴۸	« تو اطلس
۲۶۹	۴	« خفته
۱۶۲	۱۸	« خواب آورد
۱۶۲	۲۱	« « افکند
۲۸۰	۳۰	« « « پر
۱۶۲	۱۵	« « « مرا
۱۰۶	۸	« را بدرید

صفحه	سطر	اول بیت
۷۵	۱۰	جامه شوئی
۱۳	۳	جامهٔ صد رنگ
۴۶	۲۵	« ما روز
۴۴۲	۴۷	« نه جمله
۲۱۹	۸	جامه نیمی اطلس
۴۰	۲۳	جان آتش
۹۳	۱۰	« ابراهیم از
۱۰۳	۵	« « باید
۳۰۷	۲۲	« ازاو
۴۳	۱۸	« او آنجا
۱۳۰	۳۸	« او بشنید
۱۰۱	۱۳	« او بیند
۳۲۱	۱۵	« او خالی
۴۲۵	۳۷	« او در مرتبه
۳۵۴	۱۳	« اول مظهر
۲۳۹	۲	« او مجنون
۴۱۱	۱۴	« این سه
۲۰۴	۳۷	جانب آن عاشق
۱۵۶	۱۰۰	جان بابا این
۱۵۶	۸	« بابا چون بخسد
۱۵۶	۲۵	« بابا چونکه
۸۱	۶	« بابا گویدت
۳۴۴	۲۵	جانب اتمام
۲۱۱	۳۶	جان بجانان داد
۴۲۳	۷	« « وا
۴۱۰	۲۳	« بجان
۳۱۷	۲۵	« بحق
۲۹۳	۹	جانب خوار زمشه
۴۲۹	۱۱	جان بدادو
۳۸۱	۱۱	جانب دکان
۱۴۱	۱۵	« بده از بهر
۶۰	۲۱	جانب دیگر خلش
۶۰	۲۰	« « گرفت
۱۸۴	۸	جان برای امر
۴۳۷	۴۵	« برم از
۳۶۳	۲۳	« بسی کندی
۳۹۳	۳	جانب کعبه
۳۵۳	۲۹	جان بی سو
۳۳۹	۱۸	« بی کیفی
۱۷	۴	« بیمعنی
۲۳۱	۹	« پاکان
۹۹	۲۷	« پذیرفت
۲۸۶	۶	« پروانه
۳۰۹	۱۲	« تن
۲۶۳	۱۵	« تو بخرید
۲۱۲	۳۱	« تو کاندر
۴۹	۱۴	« « کر بهر
۶۵	۱۴	« جان چون
۱۴۱	۸	« جاهل زین
۹۳	۱۳	« جرجیس
۱۷۷	۷	« جمله معجزات این
۳۶۹	۳۱	« جمله معجزات
۱۷۹	۱۲	« جمله عدمها
۱۷۹	۱۲	« « «

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۳	۳	جان چنین افعال
۱۳۰	۵	« چوافزون
۳۱۷	۲۶	« « بازو
۲۸۵	۱۴	« « بی این
۳۰۸	۲۲	« « خفته
۳۹۵	۳۶	« « مور
۴۲۳	۱۰	« چون طاوس
۳۵۴	۱۰	« چه باشد با
۳۹۹	۵	« « تاتو
۳۰۷	۲۳	« « تا گر
۲۲۳	۲۷	« حیوانی بود
۲۰۵	۵	« « فزاید
۲۲۲	۳۴	« « ندارد
۳۰۸	۲۲	« خفته چه
۴۳۷	۴۷	« خود را
۹۳	۱۱	« داوداز
۹	۳۳	« دریغم
۴۱	۱۷	« دشمن
۲۵	۱۶	« زپیدائی
۴۳۷	۴۶	« زدنت
۲۴۶	۴	« زریش و
۲۴۰	۲۹	« زهجر
۱۲۷	۲۹	« سپر کن
۲۸۲	۲۲	« سفر رفت
۳۱۷	۱۴	« سنگین دارم
۲۲۹	۲۸	« سیمرغیکه
۴۰۱	۳۶	جانش از درد و
۳۴۸	۲۰	جانشان
۳۹۸	۸	جانش خندان
۳۶۳	۳۳	« را
۳۸۳	۲۴	جان شرع و
۱۸۸	۳۰	« شناسان
۱۸۸	۳۱	« شود از
۴۶	۱۵	« شور و
۳۰۹	۱۳	« عالم سوی
۲۹۰	۲۴	« فدا کردن
۴۰۵	۲۳	« فدای تو
۴۵	۲۹	جانفشان افتاد
۴۵	۲۹	« ای
۲۶۸	۳۶	جان قسمت گشته
۳۱۱	۶	« کراسطرلاب
۹۷	۱۰	« کل با
۴۱	۸	« کمالست و
۲۳	۲۰	« کمست آن
۱۸۲	۱۸	« که اندر
۲۳۷	۵	« که اردنباله
۲۵۰	۳۸	« کورش
۲۶۹	۱۹	« گرفت و
۲۲۳	۱	« گرگان و
۲۴۰	۲۹	« گشاید سوی
۴۰	۲۸	« لقمان که
۲۹۲	۴۰	« ما آن تو
۱۳۰	۲	« ما ازجان
۴۲۸	۳۰	« ما ایمان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۳	۳۸	جان‌مادرچشم
۱۸۴	۲۱	جان ما فارغ
٤٤٦	۷	جانمان دادی
۳۰۸	۱۳	جان مجرد
۲۵۵	۲۰	« مرده
۲٦٦	۱	« من بر
۳٦۱	۸	« من‌بستان
۳	۱۳	« من‌سهلست
۳۸	۲٤	« من کمتر
۱۰۰	۱۳	« من کوره
٤۰	۲۳	« ناری
۱۷۸	۲۹	« ناکرده
۲۱۲	۳۸	« نامحرم
۱۳۰	۲	« نباشد
۳۳۹	٤	« نخواهد
۳۵٤	۱۵	« نشد
٤۰۱	۳	« نهان
۱۳	۱۱	« و دل را
٤۳٦	۳۵	جانور با او
٤٤۰	۱۸	« باجانور
۳۵٦	۲۲	« فربه
۱۰۰	۳	جان وعقل
۲۹	۱۳	« و نان
۳۵۳	۲۷	« ویست و
۳٤	۱٤	جانها دراصل
۲٤۲	۹	جان‌هامان
۲۰۱	۱٦	جانهای انبیا
۲۹	۲۲	« بسته
۲۱	۲۵	« خلق
٤۰	٦	« مرده
۲۸۲	۱٤	جان هر درد
۲٦۵	۸	« همچون‌پیل
۱۱	٦	« همه روز
۳۷۷	۷	جاودان‌بودی
۷٤	۲۵	جاودانه‌پادشاهی
۳۸۷	۱۷	جاهدوافینا
۸٤	۲۲	جاهل ارباتو
۳۷۳	۳٤	« ارباتونماید
۲۱۲	۳٤	جاهلست‌واندر
۱۲۱	۱۹	« وغافلست
۳۳۹	۳٤	جای‌بلبل‌گلبن
۳۹۰	۵	« تخت
٤٤٤	۸	« خر
۹۰	٤	« دخلست
۳۹٤	۱۷	« دیگرخاك
۳٤۱	۲۱	« دیگرسود
۱۳۰	۱۹	« راهموار
۳۳۹	۳۳	« روح پاك
۱۳٦	۲٤	« زاهد
٤۱۱	۲۲	« سیمرغان
ج ـ ب		
۲۸۳	۳۱	جبرئیل‌ارسوی
۲۰۵	٤	جبرئیلا رو
۲۹٤	۳٦	جبرئیلاسجده
۲۰۵	٤	جبرئیلاگرچه
۲۷٦	۳٦	جبرئیلاگرشریفی
۲۹٤	۳٤	جبرئیلش‌میکشاند
۳۰۵	۲۱	جبرئیل صدق
۳۸۲	۱۵	« عشقم
۱٤۳	۳۷	جبرئیلی را
۳۷٤	٤	جبر باشدپر و
۲٤۲	۱٤	جبر بودی‌کی
۲۱	۳٤	جبر توخفتن
۲٤	۲٤	جبر چبود
۲۲	۲	جبر خفتن
۳۱	۲۵	جبررا ایشان
۳۵۹	۹	جبه را برد
ج ـ [د ـ ذ]		
۳۰۲	۳	جد را باید
۲۸۵	۱۰	« طلب
۳۵۹	۳	« وخویشانمان
۲۰۸	۱۳	جذب‌آبست
۱٦۵	۲۵	« اجزا
۳۹٦	۱۹	« جنسیت
۳۷۷	۱۳	« سمعست
۲۰۸	۲۹	جذبهٔ این
۳٦۸	۲۱	جذب‌یزدان‌با
۳۵۵	۳	« یکراهه
ج ـ ر		
۲۲۲	۳	جرأت‌وجهات
۳۰٦	۳٦	جرعهٔ‌برخاك‌تیره
۲۹۵	۲۱	« برخاك‌وفا
۲۸۵	۱۱	« برروی
۲۸۵	۷	« بربریختی
۲۸۵	۱۱	« بر لعل
۲۸۵	۹	« بر ماه
۲۸۵	۱٦	« چون
۲۸۵	۸	« حسنست
۲۸۵	۸	« خاك‌آمیز
۳۳۷	۱۲	« زان جام
۲۸۵	۱۰	« گوئیش
۲۵۸	٤۰	« می را
۳٦٦	۳۷	جرم‌او این
۳۵۸	۳۰	« برخود
۳۵۸	۳۰	جرم‌خودرا
۲۹۵	۱۰	جرمش‌آنکه
۳۷٤	۳۹	جرم‌گردون
٤۳٦	۳	« گرگ
۳۹۳	۲۲	جرمها
ج ـ ز		
۳۰۷	۲۱	جزازآن‌خلاق
۱٦۳	۲٦	« ازآن‌میوه
۲۹۸	۲٦	« اشارت که
٤٤٤	۱	« امیدی
۱۷۰	۳٦	« بآب
۱۲٦	۲۰	« بامید
۱۷۳	۱٦	« باندازه
۷٤	۲	« بیاد او
٤۱۲	۱٦	جز بتدبیر
۱۹۸	۷	« بخواری
۱۲۹	۱۹	« بدزدی‌او
۲۲۱	۵	« بدست‌خود
۱۵۹	۲۰	« برای‌یاری
۳۵٤	۳۵	« برمزذکر
۱۰۷	۲۵	« بشب‌جلوه
۲۲۱	۵	« بشمشیرخود
۲۸۸	۳۰	« بضدضدرا
۱٦۷	۳۷	« بفرمان
۲۸۸	۱۲	« بمصنوعی
۳۸۰	۲۷	« بنادر
۲٦۷	۲۱	« بنفخ
۱۲	۲۵	« پشیمانی
۲۷۲	۹	« توپیش که
۳۱۸	۱۰	« تودلاکی
۱۲	۱۵	« توکل‌جز که
۳۹۷	۲۲	« چنین‌خرقه
٤۳۸	۲	« خدا
۱۵۸	۷	« خضوع و
۳۰۵	۱۸	« خیال‌منعقد
۱۹۷	۳۵	« خیالی‌عارض
٤۱۵	۱۹	« دل محجوب
۱۲۷	۱۷	« ذکر نی
۲۲۵	۳۲	« روان‌پاك
٦٦	۱۰	جزرومدخل
٤۰۱	۱۰	« ومدش‌بد
۱۹۱	۱٦	جز سلام
۲٦۰	۲٦	« سه‌کس
۲۵۷	۱۱	« شباب‌تن
۲٦۳	٤	« عمادالملك
۱۵۰	۲۱	« عنایت
٤۳۱	۱۲	« غذای
۱۵۹	۸	« غم دین
٤۰۵	۲۸	« کسانی را
۱٤۵	۳	« کسی‌کاندر
۲۸٦	۲	« کسی که‌بر
۲۵۰	۵	« کنار بام
۲۲	۹	« که‌آن قسمت
۸	۱۱	« که‌صاحب‌ذوق
۸	۱۲	« که‌صاحب‌ذوق
۳۰۸	۳۵	« که‌صاحب‌ضیف
۲۷۵	۱۱	« که‌لااحصی
۳۲٦	٤۱	« گل آبه‌در
۲۲۱	۱۵	« مقام‌راستی
۲۸۵	۳	« مگر آن‌تیز
۱۸٦	۱٤	« مگر آن‌دل
٤۰۷	۱۹	« مگرآنصورتی
۸۷	۳۰	« مگرآنصوفئی
۱۵۰	۱٤	« مگرآنها که
۳۰۲	۱٦	« مگربندهٔ
۱۲٦	۳۳	« مگرپیری
۳۳۲	۲۷	« مگردزدی
۳۱٦	۵	« مگرکاید
۳۹۲	۵	جز مگرمردی
۲۳۰	۸	« مگرمرغی که‌بد
۱٤۱	۲۷	« مگرمرغیکه‌خر
۸۸	۱۸	« مگرمستی
۳۵۳	۲۲	« مگر مفتاح
٤۰۲	۲۰	« مگرنادر
۲۸٤	۲	« نجاست
۳۵۰	۱۱	« نظاره
٤۰۵	۷	« نفخت‌کان
۱۸۱	۱۵	« نیازو
۱٦۸	۱٦	جزواز این
۱٦۸	۱۵	« ازکل
۱۸۸	۳۸	« اوبی
۲۱۸	٤	« بادی که
٤۲	۲۸	« تو از
٤۱۹	۲۸	« جزوآبستن
۳۷۹	۱۹	« جزوت‌تا
۲۲۹	۲	« جزوت‌لشکر
۵۸	۱۰	« جزوخم
۳٤۰	۱	« جزوش
۳۹۲	۱۵	« خاکی‌گشت‌از
۳۹۲	۱۵	« « « شد
۳۹۲	۱٤	« « « و
۱۱۸	۳٤	« رااز
۳۸۳	۲۳	« سوی‌کل
۱۱۹	۳٤	« شش‌ازکل
۲۰٤	۲۰	« شیدو
۲۱	۸	جزوظیفه‌درپی
۲۷٤	۱٤	جزوعقل‌این
۵۸	۳۰	جزو کل نی
۳۷۹	۲۰	« ماند
٤۷	۲٤	« مرگ
۱۷٦	۲۳	« نارم
٤۳۳	۹	« وکل
۳۷٤	۳٦	« هابرحال
۱۸	۱۲	« هاراروی
٤۲۵	۲۸	« هرخاکی
۵۷	٦	« یك رو
۳۹۵	۱۲	جزهمان خاصیت
۲۷٤	۱۳	« همان‌میلی
٤۲۹	٤۳	« یقین
۲۱٦	۲٤	« یکی‌لقبه که
۷۷	۱۲	جزبه‌پذرفتند
ج ـ س		
۲۱٤	۳۰	جست از بیم
۳۰	۳۰	« او رآ
۲۸۵	۷	« بر زانف
۳۷۳	٦	« بنا
٤۵	۲٤	جستجوئی‌ماوراء
۳۷۳	٦	جست سقا
۵٦	۲۰	« عیسی
۲۰۱	۲٤	جستن مهلت
۷	۲٤	جست‌وازصدر
۱۳٤	۲۵	« وجوئی
۲۷٦	۲۸	جسم احمدرا
۲٤٦	۱	از جان
۲٤۵	۱٤	« اوهمچون
۱۲۷	۲	« توکه
۲	۱۷	« خاك از
۵٤	۸	« خاکت‌را
۲۷۲	۲	« خاکست و
۳۰۹	۱۳	« خود
۲۵٤	۱٦	« را چشمی
۲٤٦	۱	« را نبود
٤۰۱	۲	« سایه
۹۵	۹	« سلطان
۲۹	۲۳	جسمشان در
۱۳۸	٤	« را
۲۸۰	۱۲	جسم ضخمی
۱۲۹	۲	« ظاهر
٤۲٤	۲٤	« ظاهرروح
۲۲۵	۱۱	« عارف را
۳۷٦	۳۳	« گوید من
۸۲	۱٦	« ماجوزو
۲۲۹	۱۹	« مارو پوش
۳۱۲	۲۹	« مجنون‌را
٤۹	۱۲	« وجان
۳٦۲	۱۲	جسمها چون
ج [ع ـ غ ـ ف ـ ل]		
۱۳۳	۱۳	جعفر طیاررا
۲٤۹	۱٤	« طیار زان
۹٦	۳۸	« چبود
۳٦٦	۳۸	جغد را
۹٦	۳۲	« گفتا
۳٦٦	۳۷	« ها بر
۳۸۹	۷	جفت آن
۱۹۳	۳۳	« او
٤۷	۲۹	« این یك
٤۷	۲۸	« باید که
۱۵۱	۱۵	« شد با او
۳٤٤	۳٤	« شدبااوبشهوت
۹۳	۳۷	« کردن‌اسب
۱۸۳	۱۱	« کردیم‌این
۲۱۸	۲۲	« گشته با
٤۷	۲۸	« مائی
٦٦	۲	« وفرزندان
۲۹۸	۵	جفته اندازد
۳۱	۸	جلوه بیند
۳۱	۸	« کرده
۳۵٤	٦	« کردی‌هیچ
۲۸۹	۳۱	« گاه و
ج ـ م		
۱۵٤	۱۹	جمع آرم
۲۲۰	۱۱	« آمدخلق
۱۵۳	۲٦	« آمد صد
۱۵۳	۲۸	« «
۲٦۸	۳۳	« باید کرد
۲۲	٤۰	« بنشستند

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۹	۱۴	جمع صورت
۱۵۹	۱۶	« ضدین
۸۶	۲۹	« کرده مال
۲۶۸	۳۵	« کن خودرا
۳۱۲	۲	« گردد بر
۴۴۴	۲	« گشتندآن
۲۹	۳۱	« گشتندآن
۱۴۲	۲۴	« گشتندی
۳۸۹	۳۵	« گشته بر
۲۲۳	۱	« گفتم جانها
۱۳۵	۳۷	« مرغان
۳۵۹	۲۳	جمعه شرطست
۱۶۴	۱۷	جمعی ازدزدان
۸۹	۲۸	جملگان آوازها
۳۰۶	۲۲	« ازبامها
۳۰۶	۲۱	« بربامها
۱۴۲	۲۷	« چون
۳۸۹	۱۰	« دانند
۲۳۵	۶	« کبسه
۳۰۶	۲۴	جملگی آواز
۱۵	۳۳	« طومارها
۷۳	۷	« گفتند
۱۶۷	۲۵	« یکسان
۴۴۵	۱۹	جمله آنهارا
۱۴۴	۳۷	« اجزادر
۱۴۹	۶	« اجزای تنش
۳۶۵	۲۷	« اجزای جهان
۹۴	۵	« اجزای جهانر
۲۰۸	۱۴	« اجزای جهانرا
۱۹۷	۷	جمله ادراکات بر
۱۹۷	۸	« « را
۲۲۲	۱۸	جملهٔ ارواح در
۱۷۶	۳۴	جمله ازداود
۱۶	۶	« از درد
۳۷۴	۱۹	« استادان
۱۶۱	۳۴	« استادند
۶۶	۱۴	جملهٔ اطباق
۴۴۴	۲۴	جمله اعراب
۳۲۵	۱	« اعیان و
۲۲	۹	« افتادنداز
۱۸۲	۸	« اندرحکم
۴۱۳	۱۸	« اندرکار
۴۴۶	۱۸	« انگشت
۲۸۰	۱۴	« اهل البیت
۸۹	۱۹	« اهل محکمه
۴۳۳	۹	« ایشان
۶۸	۷	« با شمشیر
۲۲	۶	« باوی
۱۷۶	۹	« برخیزند
۲۴۱	۷	« برفهرست
۱۴۲	۲۸	« بیدردو
۳۱۰	۲۹	« پاکیها
۳۳۶	۲۶	« پستی
۴۲	۳	« پندارندگاین

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۲	۶	جمله پندارندکرک
۳۹۹	۱۲	« تصویرات
۱۷۰	۲۳	« تلوینهاز
۴۱۸	۱۵	« جاسوسان
۶۹	۱۱	« جانهای
۳۰۳	۷	« جسنی باز
۴۴۶	۱۵	« چون خدام
۴۳۲	۳۷	« چون دیدند
۴۴۴	۱۴	« حاضر
۲۳۶	۳۵	« حرفتها
۲۲۳	۱۴	« حسهای بشر
۶۵	۳۵	« حیوانات
۶۵	۳۴	« حیوانرا
۱۳۳	۱۰	« خلقان سخره
۲۰۰	۱۰	« خلقان منتظر
۲۴۵	۲۰	جملهٔ خوهای او
۱۷	۶	جمله دانایان
۳۵۵	۱۸	« دانسته که
۲۱۴	۱۹	« دانندابن
۳۷۲	۲۸	« درابذای
۲۰۳	۱۶	« دربازار
۳۱۴	۲	« درحیرت
۱۴	۲	« درخشکی
۲۱۱	۱۵	« درزنجیر
۴۳۳	۹	« درکف
۳۷۷	۲	« دنیارا
۱۴۹	۳۹	جملهٔ دیگر
۱۰۰	۲۴	جمله ذرات دروی
۲۲۸	۳۸	جمله ذرات زمین
۱۵۳	۱۸	جملهٔ ذرات عالم
۱۶۶	۴۱	جمله راباهمدگر
۳۱۷	۲۲	« راجستیم
۶۹	۱۸	« راچون روز
۳۵۶	۴۲	« راحمال
۳۱۹	۲۹	« رارزاق
۱۸۸	۱	« رازان
۸۲	۲۳	« راضی رفت
۴۲۰	۲۰	« رنجوران دو
۴۲۰	۲۰	« « شفا
۱۹۰	۱۷	« رندان چون
۱۳۱	۱۵	« رندان نزد
۴۱۶	۲۳	« ره حیران
۱۵۰	۱۸	جملهٔ ره استخوان
۱۴۸	۲۲	جمله زین سوئی
۲۰۵	۱۸	« سرتاسر
۱۷۲	۲۳	جمله شان ازخوف
۶۸	۷	جمله شان گشته
۳۶	۲۷	جمله شاهان بردهٔ
۳۶	۲۷	« « پست
۳۲۷	۳۶	« صحرا راچرد
۳۸۱	۳۳	« صحرا گر
۲۳۹	۳	« صحرا مارو
۳۸۳	۱۹	« ظاهرها
۱۳۸	۱۵	« عالم آکل و

صفحه	سطر	اول بیت
۹۴	۸	جمله عالم خودعرض
۱۹۰	۱۳	«عالم خودمسبح
۲۵۹	۲۴	« عالم رامسخر
۴۰۹	۳۲	« عالم را نشان
۳۵۵	۱۷	« عالم زاختیار
۳۷	۹	« عالم زان
۸	۵	« عالم زین سبب
۳۶۵	۶	« عالم زین غلط
۲۱۴	۲۵	« عالم شرق و
۲۵۴	۸	« عالم گر بود
۳۳۰	۱۷	جملهٔ عالم مقر
۳۳۲	۲۲	جمله غمازان
۳۹۶	۱۲	« فرزندانش
۱۱۷	۳۶	« فرزین بندها
۳۱۵	۲۰	« فسق و
۳۳۰	۲۶	« قرآن امر
۱۷۷	۱۹	« قرآنست
۴۲۴	۱۷	« قرآن شرح
۱۸۱	۱۴	« قصدو
۳۷۵	۱۶	« کفار آن
۳۸۸	۲۷	« کفهادر
۹۶	۲۲	« کورانرا
۹۶	۲۲	« «
۳۳۶	۹	جمله گان خائف
۱۶۶	۲۴	جمله گرمردند
۲۱	۱۳	« گفتندایحکیم
۱۴	۱۳	« گفتندایحکیم
۱۴۸	۲۸	« گفتندایشفالك
۳۱۳	۳۷	« « اینمکان
۱۴	۲۷	« « ای وزیر
۴۳۲	۴۰	« گفتندش تو
۱۴۹	۲۱	« « چه
۳	۱۴	« « که جان
۱۵۰	۲۶	« « که تدبیر
۳۹۳	۶	« « میندیش
۳۹	۲	« گویندت چو
۴۱۲	۲۷	« لذات هوا
۳۱۶	۲۲	« ماضیها
۶۲	۳۶	« ماومن
۱۸۰	۲۹	« محروم
۳۸۰	۲۳	« مرغان آبی
۲۶	۳۵	« مرغان ترك
۳۹۱	۲۸	« « «
۱۳۵	۳۴	« « منازع
۲۶	۳۷	« « هریکی
۴۴۵	۴۰	« مصنوعات
۴۰۰	۷	« مطلوبات
۳	۱	« معشوقست
۲۳۷	۳۶	« مفروران
۱۸۷	۲۳	« مهمانان
۱۶۹	۲۸	« میگفتندکاین
۴۱۳	۱۳	« میگویندانذر
۳۲۷	۱۷	« ناخوش از
۹۶	۱۶	« هستی ها

صفحه	سطر	اول بیت
۶۵	۲۱	جمله هفتادودو
		ج - ن
۱۰۵	۲۱	جنبش اختر
۲۴۵	۳۴	« او
۲۲۰	۳۱	« اهل
۲۱۸	۴	« این
۲۱۸	۵	« باد
۱۸۶	۳۸	« خلق
۲۳۳	۸	« فانیم
۱۵۷	۲۰	« کفها
۳۳۵	۴	« ماهر
۲۳۳	۸	جنبشم زین
۳۴۳	۹	جنبش وآرامش
۳۱۹	۲۵	« وآمدشد
۴۳۶	۱۷	« وتحریك
۲۳۷	۱۰	« هرکس
۲۶۴	۳۱	جنبشی بایست
۱۲۹	۳	« بینی
۴۳۹	۱۹	جنس انس
۲۳۵	۲۹	« اووهمچو
۱۳۹	۳	« چیزی
۱۱۸	۲۵	« رابین
۲۵۸	۲۵	« سوی جنس
۹۶	۳۵	« شاهست او
۲۰۸	۲۵	« مائی
۹۷	۴	« ماچون
۳۹۶	۶	« وناجنس
۸۳	۳۴	جنسها با
۴۲۸	۴	جنس هفت
۴۴۰	۱	جنسیت چون
۷۵	۳	جنگ پیغمبر
۱۰۷	۱۸	« حمالان
۶۸	۶	« خلقان
۴۳۷	۱۴	« دارم باتو
۳۵۲	۲۴	« فعلی جنگ
۳۵۲	۲۱	« « هست
۳۵۲	۲۴	« ماوصلح
۱۹۷	۲۴	« میکردند
۳۵۳	۲	جنگهاین
۳۴۲	۱۳	« کرده
۱۵۳	۲	جنگهای خلق
۱۵۳	۵	« می آشتی
۳۴۶	۱۴	جنی ازنار
۲۰۵	۲۷	جنیان وانسیان
		ج - و
۲۶۸	۳۳	جوجوی چون
۴۱۹	۳۶	جوحی آمد
۹۲	۴۲	جود جمله از
۵۵	۳۰	جود محتاج است
۵۵	۳۱	« میجوید
۳۷۸	۳۶	جوردوران
۴۷	۳۱	« واحسان
۳۸۲	۳۸	« وکفر
۴۰۳	۱۴	جوزپوسیده

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۵	۱۲	جوز را در
۱۶	۳۲	« ها شکست
۳۹۵	۳۸	جوسوی گندم
۳۸۲	۱۶	جوش ده آن
۱۷۷	۱	جوشش خون
۴۰۴	۳۵	« وافزونی
۲۸۵	۱۷	جوش کرد آن
۳۹۱	۱۸	« نطق
۲۷۶	۲۴	جوشن وخود
۲۱۴	۱۳	جوش ونوش
۳۲۷	۱۶	جوع خود
۳۲۷	۲۸	« رزق
۳۲۷	۲۱	« مرخاصان
۳۲۷	۱۶	« نور
۱۶۴	۱۱	« وضعف
۳۲۷	۲۱	« هر
۱۸۶	۸	« یوسف
۲۰۶	۳۰	جو فروبر
۳۹۳	۲۱	جوق جوق اسپاه
۱۴۲	۲۶	« « مبتلا
۲۸۶	۳	« « وصف
۲۰۱	۴	« مرغان از
۴۴۶	۱۸	جوقی آنان
۴۴۱	۵	« اندر
۴۴۳	۱۶	جوکئی بیچاره
۳۱۹	۱۲	جوکجا ازکاه
۳۹۶	۴۰	« که دارد
۸	۲	جولقئی سربرهنه
۲۲۹	۹	جوهرآن باشد
۳۸۰	۲۲	« انسان
۳۳۹	۱۵	« ست انسان
۲۶۴	۲۳	« صدقت
۹۳	۳۴	جوهری داری
۶۴	۱۵	جوی خودرا
۲۰۰	۵	« دیدی کوزه
۴۳۴	۲۷	« دیگر
۳۰۶	۳۴	« شیرو
۴۳۱	۶	« شیشه بر
۱۹۳	۲۵	جویکی کوچك
۴۴۱	۱۴	جویهادریای
		ج - ه
۱۶۶	۱۷	جهد بنماید
۱۵۰	۲۱	« بی توفیق جان
۱۵۰	۲۲	« « خود
۷۶	۲۰	« پیغمبر
۲۲	۳۵	« حقست
۱۵۰	۲۴	« فرعونی چو
۱۹۸	۳۲	« کن پروا
۳۴۵	۱۷	« کن تا آن
۳۰۸	۲۰	« « تااین
۲۵۰	۲۳	« « تاپیر
۳۲	۲۹	« « تاترك
۳۲۷	۱۱	« « تاجان
۳۹۳	۳۹	« « تاحس

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۹	۱۹	جهد کن تاخصمت
۳۱۳	۱۵	» تاسنگیت
۷۲	۷	» تاصد
۲۱۱	۱۸	» تامزد
۳۲۱	۱۹	» تامست
۲۱۱	۱۶	» تانور
۲۱	۱۸	» جدی
۲۶۷	۲۸	» دربیخود
۳۳۱	۳۴	» کرجام
۳۴۵	۱۵	» کرکوش
۴۳۴	۴۱	» مردانه
۳۱۹	۳۴	» واندر
۲۲	۲۶	» میکن تاتوانی
۶۰	۱۰	» تارهی
۱۱۸	۲۳	جهدها کردید
۳۴	۲۳	جهل آید
۲۱۲	۳۶	» اومر
۱۰۰	۲۶	» ترسا
۱۲۱	۲۱	» رابی‌علتی
۹۵	۱۵	» محضی در

ج ـ ی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۳	۹	جیفة‌اللیل
۲۶۷	۲۷	جیفه بینی
۳۸۰	۲۵	» و
۴۴۱	۱۷	جیم گوش وصاد
۳۵۷	۲۹	» وعین

حرف ج

ج ـ ا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۸	۳۶	چاپلوس و
۲۱۹	۲	چادر خودرا
۳۱۶	۳۲	» وسربند
۱۴	۱۵	چاربا را
۴۳۸	۱۷	چارتورات
۷۰	۴	» جوی
۲۹۷	۱۸	» چشمی
۳۸۵	۳۸	» چوب
۸۶	۶	» صد
۱۰۴	۵	» طبع و
۳۵۲	۲۵	» عنصر
۳۳۴	۹	چارقت ربع
۳۱۴	۳۲	» نطفه
۱۰۵	۳۴	چارق وپا
۱۹۱	۲۷	چارکس بردند
۱۳۴	۴۶	» راداد
۴۲۸	۷	چاره از
۲۷۹	۲۳	چارمرغ معنوی
۲۰۸	۲۸	» مرغند
۱۲۱	۲۵	» میخت
۲۴۳	۱۵	» میخ شه
۴۴۷	۱۸	چارمیت منزل
۲۷۸	۱۸	چاروصف است
۲۷۹	۱۹	» » تن
۸۰	۱۳	چاره آن باشد
۳۰۵	۹	چارهٔ آن دل
۲۰۹	۲۰	چارها کردیم
۲۶۶	۵	چاره اندیشید
۴۳۷	۲۰	» تو
۱۵۵	۳۱	» جویان
۴۹۰	۳۳	» دفع
۱۵۵	۳۱	» سازید
۴۲۵	۳	» کار
۳۲۸	۳۹	» کرباس
۱۵۵	۳۲	» میباید
۲۰۴	۲	» میجوید
۲۱۷	۳۷	» نبود هم
۱۲۵	۳۰	چارهندو
۲۷۹	۳۴	چاش گل
۱۲۱	۲۲	چاشنی گیر
۶۳	۲۹	چاشنیی دان
۲۵۲	۴	چاك حمق و
۱۵۶	۱۹	چاکرانت
۹۴	۱۰	چاکرت شاها
۳۴۲	۳۶	چالش است
۴۰۶	۲۵	چاه را تو
۱۷۴	۲۴	» شد
۲۸	۳۴	» مظلم
۴۰۶	۲۰	چاهها کنده

ج ـ ر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۲	۲۲	چربش
۲۹۴	۲۳	چرب و
۴۰۱	۱۲	چرخ آن
۲۱۳	۲۱	» برخوانده
۲۲۴	۲۶	» پاصد
۳۲۲	۳۰	» چارم
۴۱۰	۱۱	» را چرخ
۱۰۸	۴۱	» را درزیر
۲۸	۱۶	» سرگردان
۳۲۸	۲۲	» گردان را
۲۰۵	۳۸	» گردید و
۱۸۷	۲۲	چرکن وآلوده

ج ـ ش

صفحه	سطر	اول بیت
۵۲	۲۱	چشم آخربین
۱۰۳	۱۲	» آخربین
۲۷	۲۳	» آدم
۱۷۳	۳۸	» ابلیسانه
۵۴	۲۲	» احمد
۲۵۴	۱۲	» احول
۴۰۰	۱	» ازاین
۹۹	۴	» اسب از
۹۹	۵	» اسبان
۲۷۰	۱۲	» اشتر
۷۱	۲۱	» اعمش
۱۴۲	۱۰	» اگر
۳۶۶	۴	» اوبر
۱۵۰	۶	» او تریك
۸۰	۳۰	» او خانه
۱۳۶	۱۹	» اوماندست
۲۱۷	۱۵	» او من
۱۰۳	۱۸	» اوبنظر
۲۴۸	۲۰	چشم این
۱۸۲	۱۴	» باری
۸۰	۱۹	» بازار
۱۵۴	۳۴	» بازو
۱۶۳	۳۴	» بازو
۳۹۳	۳۴	» بد را
۱۷۷	۱۶	» براسباب
۳۷۶	۱۵	» براستارگان
۱۲	۲۷	» برسر
۱۱۳	۲۴	» بسته خفته
۴۳	۲۰	» بسته عالمی
۳۷۷	۳۹	» بسته عقل
۱۴۳	۲۸	» بسته میشود
۲۵۴	۸	» بستی
۲۵۸	۱۸	» بگذشه
۴۳۴	۱۲	» بگشا بین
۱۶۵	۳۰	» بگشا حشر
۳۹۷	۷	» بگشا قلعه
۲۰۴	۷	» بگشاومسبب
۱۹۴	۱۰	» بند آمد
۴۰۱	۱۹	» بند از
۱۹	۳	» بنداست آتش
۱۹	۳۰	» بنداست ای
۳۸۶	۳۲	» بندخلق جز
۳۸۶	۱۲	» بندخلق چون
۱۶۹	۸	» بندي بد
۱۱۷	۳۴	» بندی بود
۲۸۶	۵	» بندی کرد
۴۰۸	۵	» بینا
۲۴۴	۲۷	» پر آب و
۱۰۲	۳	» پر بودند
۳۳۸	۱۷	» پردرد
۱۷۲	۱۴	چشمتان تر
۷۳	۱۴	چشم‌توادراك
۱۳۳	۶	» توبیدار
۱۲۵	۵	» توروشن
۲۴۴	۱	» توکر
۳۸۶	۲۹	» تیز و
۴۴۲	۱۹	» جان بگشا
۱۳۹	۱۰	» جانت
۴۱	۲۳	» جانرا
۳۹۵	۷	» جناب
۳۷	۲۳	» جسمانه
۸۰	۱۷	» چون‌بستی
۸۰	۱۸	» چون‌بستي
۲۹۷	۱۷	» چون بندی
۲۹۵	۳	» چون نرگس
۴۰۳	۲۴	» چون نرگس
۹۹	۳	» حس‌اسب
۳۶۴	۴۰	» حس‌افسرده
۸۰	۴	» حس را
۱۵۷	۱۹	» حس‌همچون
۹۹	۲	» خاکی را
۲۴۳	۱۹	» خرچون
۲۱۷	۱۳	چشم خود بربند
۴۰۳	۱۷	» خودبگذاست
۳۷۶	۱۲	» خودراچار
۴۰۱	۲۰	» داری
۸۳	۳۸	» داند فرق
۸۳	۳۹	» داند گوهر
۲۵۸	۱۷	» دریابسطانی
۱۵۷	۱۹	» دریا دیگر
۱۱۰	۲۸	» دزدیدی
۳۰	۲۰	» دل از
۳۹۹	۳۱	» دل را
۴۴۱	۵	» دولت‌بحر
۳۲۲	۱۸	» دولت‌سحر
۱۸۱	۳	» دیوانه
۱۹۵	۱۶	» را از
۹۰	۳	» را ای
۲۶۷	۳۱	» رااین‌نور
۳۹۱	۲۱	» را با
۲۵۷	۲	» را بر
۱۳۶	۳۱	» را بگشود
۱۰۹	۱۹	» را در
۳۴۲	۲۶	» را وا
۲۵۹	۲۹	» روشن‌دشمنا
۲۷۰	۹	» روشن کن
۲۶۵	۳۱	» زخمی
۴۲۱	۳۲	» سختش
۲۴۵	۲۴	» سربا
۴۱۰	۲۴	چشمشان‌افتاد
۳۰۷	۴۱	» باشد
۳۹۷	۲۵	» مشکرة
۳۹۳	۳۵	چشم شه بر
۴۰۳	۱۵	» شه دوکر
۴۰۱	۲۷	» شه را
۴۲	۷	» صدیقه
۸۸	۳۵	» ظاهرسایه
۳۳۹	۳۹	» ظاهرضابط
۳۹۴	۲۵	» عارف‌دان
۹۵	۲۳	» عارف‌راست
۳۹۶	۵	» غرّه
۹۲	۱۸	» کژ
۱۳۵	۲۳	» کو آن
۱۹۷	۱۷	» کودك
۳۶۴	۲۵	» کوران
۳۰۹	۲۷	» گردان‌سوی
۱۰۵	۶	» گردان‌کردهٔ
۲۸۱	۱۱	» گریان
۳۱۶	۱۷	» گوید
۲۵۸	۱۷	» مازاغش
۴۳۲	۳۲	» معنی بر
۳۹۵	۱	» من از
۱۷۵	۱۰	» من تریك
۳۹۷	۹	» من‌چون دید
۸۰	۳۰	» من‌چون سر
۱۳۳	۵	» من خفته
۳۹۴	۲۴	چشم من ره
۴۰۱	۲۹	» من سبر
۳۴۵	۲۴	» موسی
۴۰۳	۱۶	» مهتر
۲۳۱	۱۱	» می انداخت
۴۲	۶	» می‌دزدند
۱۶۹	۳۱	» میمالم بهر
۱۷۰	۱۳	» میمالم که‌آن
۱۷۰	۳	» میمالم که‌این
۱۲۸	۲۸	» نابینات
۴۴۷	۳۴	» نرگس را
۷۵	۳۱	» نرگس‌کور
۱۲۹	۱۸	» ننهادست
۱۱۳	۳۲	» نیکو باز
۲۸۷	۱۷	» نیکو شد
۴۳۴	۳۶	» واکن
۴۰۵	۱۵	چشمهٔ آبی
۹۸	۱۶	» آن آب
۴۴۳	۳۱	چشمهابرجوی
۳۰۹	۲۶	» بیرون
۱۸۸	۱۴	» پرآب
۳۷۴	۲۵	» چون
۳۲۲	۱۷	» مخمور
۳۸	۱۵	» وخشمها
۱۵۰	۲۰	» وگوشها
۹۷	۲۲	چشمهای قوت
۳۱۰	۳۰	» نیك
۱۱۳	۴۱	چشمهٔ حیوان
۱۰۴	۸	» خورشید
۱۰۳	۳۲	چشم هدهد
۱۸۸	۱۳	چشمهٔ دیداز
۴۴۴	۲۹	» راچون
۳۸۶	۹	» رحمت
۷۳	۱۶	چشم هرسه
۲۰	۲۷	» هرقومی
۴۱۵	۲۱	چشمه شد
۲۹۶	۲۰	» شیر
۴۲۳	۲۶	» های آب
۱۵۹	۳۰	» می‌بینم

ج ـ (غ ـ ل)

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۲	۳۷	چغزجان
۳۹۵	۳۳	» مبگفت
۸۸	۱۶	چل هزار

ج ـ ن

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۴	۵	چنبره دید
۴۷	۳۶	چند آخر
۱۴۲	۳۰	» آن‌لنگی
۸۷	۲۴	» ازاین‌صبر
۱۵۸	۸	» ازاینها
۱۰۶	۱۷	» ازین‌الفاظ
۳۶	۱۱	» امانم
۱۸۳	۱۶	» اندررنجها
۴۱۸	۱۶	» با آدم
۳۹۵	۲۳	» بار آن

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳	۵	چند باران
۱۱۱	۳۴	« بارش
۱۴۰	۲۰	« باری گرد
۴۱۷	۱	« بازرگان
۹۵	۳	« بازی‌عشق
۹۵	۴	« باشی
۸۵	۱۰	« بت
۴۱۳	۱۲	« برعبان
۲۵۵	۳۲	« بگریزی
۱۰۶	۲۴	« بیخود
۳۲۸	۲۶	« بینی
۳۱۵	۱۷	« بحتی
۲۸۹	۲۶	« تیرانداز
۱۸۲	۲۹	« جابندش
۴۴۱	۱۶	« جای
۱۹۰	۳۷	« چند آخر
۱۳۰	۲۸	« چندت
۱۴۳	۳۳	« چوپانشان
۴۷	۳۵	« حرف
۲۸۴	۶	« حرفی
۳۱۵	۱۸	« خوردی
۱۳	۶	« خورشید
۱۳	۶	« خورشید
۱۷۹	۳۱	« خوش
۱۰۵	۴	« در آتش
۴۳۶	۲۵	« درانگشت
۴۱۲	۹	« دردفرقتش
۲۸۱	۳۰	« دردهنیز
۴۱۷	۱	« در عالم
۴۴۱	۴۳	« درویش
۳۷۱	۳۶	« دزدی‌حرف
۳۷۱	۳۶	« دزدی‌عشر
۱۳۰	۲۶	« دید از
۳۷۲	۳۸	« روزی‌سیر
۱۱۹	۲۸	« روزی گر
۳۴۵	۳	« روزی‌هم
۳۶۰	۱۲	« رخم‌چرب
۴۰۸	۳۳	« زرانداخت
۲۹۱	۳	« زنبور
۴۱۰	۱۲	« سیلی
۳۱۵	۱۸	« شبها
۲۳۰	۲۹	« صنعت
۲۳	۱۷	« صورت
۲۵۱	۴	« صیادی
۴۲۹	۲۸	« طاوس
۲۴۶	۲۵	« فرعونا
۲۳۵	۴۰	« کرت
۱۷۱	۷	« کردم
۳۹۷	۸	« کس
۱۳۹	۳۸	« کوبد
۱۸۵	۳۷	« کوبیم
۸۱	۲۹	« گاهش
۲۱۸	۲۷	« گاهی او
۳۱۵	۱۶	« گاهی بی‌لب

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۵	۱۶	چند گاهی بی‌لب
۳۳۶	۸	« گفتندش
۳۱۵	۱۷	« گفتی
۳۷۱	۳۰	« گلگونه
۲۴۹	۹	« گوئی ای
۳۳۴	۸	« گوئی بادو
۱۰۶	۳۶	« گوئی چون
۴۰۱	۵	« گوئی فاخته
۱۳	۲۸	« گوئی من
۲۹۴	۱۸	« گوئی همچو
۳۵۵	۳۱	« گویم من
۴۱۶	۴۰	« لشکر
۴۲۲	۱۵	چندلی را
۳۶۱	۴۱	چندنازی
۲۷۴	۸	« نوبت
۴۳۵	۴۵	« هرافتاده
۳۳۳	۱۴	« هنگامه
۴۵	۶	« یزدان
۳۷۷	۱۳	چنگئی کو
۴۰۳	۲۱	چنگ حکمت
۲۵۴	۴۰	« در
۴۳	۱۵	« را
۴۳	۱۶	« زد
۱۹۴	۱۷	چنگلوکم
		ح — و
۳۳۱	۲۴	چوب حق
۴۰۱	۱۷	« در
۲۷۲	۲۱	« را
۱۱۰	۲۳	« شد
۹۳	۱۸	چون ابابکر
۱۱۰	۳۳	« ابوبکر
۷۳	۸	« ابیت
۹۴	۲۲	« اثر
۴۳۶	۶	« اذا
۱۵۷	۳۳	« ازآن اقبال
۱۵۳	۱۵	« ازآن سو
۳۹۵	۲۳	« از او
۸۲	۶	« ازایشان
۴۳۹	۴۷	« ازاین دست
۳۳۴	۲۲	« ازاین سو
۲۸۸	۳۱	« ازین جا
۱۰۷	۱۶	« اساس
۱۱۲	۱	« اسیری
۴۴۲	۱۰	« اشارت شد
۲۱	۳۱	« اشارتها
۴۴۲	۷	« اشارت یافت
۳۴۰	۴	« الف ازاستقا
۳۸۵	۳۶	« الف ازخود
۳۸۶	۴۰	« الف چیزی
۳۲	۲۹	« الف گرتو
۱۸۶	۲۶	« امام و
۳۷۳	۷	« امیدت
۳۵۸	۶	« امران
۲۷۹	۲۳	« امیر جبلهٔ

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۵	۳۷	چون امیرش
۳۸۳	۲۶	« اناالحق
۴۳۷	۴۶	« انا گفتی
۳۸۳	۲۷	« انای بنده
۳۷۳	۸	« انیس طبع
۲۴۵	۷	« اویس از
۳۱۲	۳	« ایاز آن
۳۴۸	۴	« ایاز این
۳۷۲	۱۴	« بآثر
۳۵۸	۴۱	« بآخر
۴۱۹	۲۵	« بآزادی
۲۵۷	۳۵	« باصل خود
۵۷	۳	« باصل خویش
۲۱	۲۶	« بامراهبطو
۱۹۳	۵	« بامرتست
۲۲۳	۳۷	« بامرحق بنا
۲۲	۲۱	« بامرحق بهند
۳۲۰	۱۸	« بانبازیست
۳۳۵	۳۷	« بایمان
۲۸۹	۳۸	« باین نیت
۱۹۶	۲۰	« بباطن
۳۹	۳	« بیمنامی
۱۷۳	۴	« بیستانی
۲۵۹	۶	« بیندی تو
۳۶۹	۱۸	« بیندی شهوة
۳۴۰	۱۳	« بیندروی
۶	۱۰	« بیند سیم
۲۰۳	۱۷	« بیند کله
۷۴	۲۳	« بیند کان
۲۸۹	۲۱	« بیند نان
۳۲۰	۳۸	« بیند نور
۶۶	۲۹	« بیینم کن
۳۹۲	۲۹	« بیینی بر
۲۲۶	۳۰	« بیینی تو
۳۸۲	۳۵	« بیینی مجرمی
۳۸۲	۳۵	« بیینی مشك
۱۵۷	۳۲	« بیخت
۹۶	۴۰	« بیراندمرا
۱۴۷	۳	« بیرسیدند
۲۰۴	۳۳	« بیوشیدم
۳۴۶	۲۰	« بیوشیدی
۳۵۶	۴۱	« بیوستی
۳۸۷	۳۶	« بتابد
۳۰	۲۵	« بتفکیر و
۲۷	۳۱	« بترساند
۴۲۴	۲۱	« بترکیش
۱۸۱	۶	« بت سنگین
۳۵۶	۸	« بجستر وبیج
۹۸	۴	« بجمحاکم
۱۶۲	۳۶	« بجد مشغول
۳۴۴	۱۸	« بجست ازخو
۳۰۳	۳۱	« بجست ازواة
۲۰	۸	« بجمعه
۴۳۳	۳۴	« بجنباند

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۴	۱۴	چون بجنبانم
۲۱۳	۳۴	« بجوئی تو
۴۰۵	۱۵	« بجوشد
۱۱	۶	« بحق بیدار
۱۵۱	۴	« بحیلتشان
۱۹۸	۲۴	« بخارا
۲۱۲	۳۲	« بخانهٔ
۲۳	۳	« بخرگوش
۳۰۹	۳۰	« بخواند
۱۷۸	۱۲	« بخوانی
۱۹	۳۵	« بخواهد
۳۸۲	۲۳	« بخواهم
۴۳۴	۴۸	« بخواهی
۲۴۹	۲۴	« بخود آید
۲۴۰	۲۶	« بخودباز
۱۰۲	۲۱	« بخورد ار
۳۰۲	۱۹	« بخوردی
۳۸۰	۳۹	« بخوی خود
۳۴۲	۲۴	« بخویش آمد
۳	۲۳	« بخویش آمدز
۳۸۱	۷	« بخویش آمدز
۲۱۶	۲۶	« بدان آسیب
۴۴۴	۱۱	« بدان بنده
۴۴۱	۳۲	« بدان درگه
۴۴۱	۴۷	« بدان دیده
۴۲۹	۲۵	« بدانستی تو
۲۲۰	۱۸	« بدانستی سبب
۲۲۱	۳۸	« بدانستی که
۳۳۵	۱۹	« بدانستیم
۲۲۶	۱۶	« بدانه داد
۲۸۸	۱۰	« بدانی حد
۱۳۲	۱۱	« بدرد آمد
۴۰۹	۳۶	« بدرد دیگری
۳۶۱	۹	« بدرد شرم
۴۴۰	۴۹	« بدرگاه
۳۶۴	۳۸	« بدریا
۱۱۵	۱۱	« بدرد دزد
۳۳۲	۱۴	« بدزدد دست
۲۰۳	۳۳	« بدزدم
۳۸۱	۴	« بدزدی
۲۶۰	۷	« بدوزنده
۲۹۴	۲۹	« بدیدآن چشم
۳۶۸	۱۶	« بدیدآن خسته
۲۲۱	۱۲	« بدیدآن عالم
۱۹۷	۲	« بدیدآن غمزه
۴۴	۲۵	« بدیدآن معجزه
۱۰۸	۱۴	« بدیداز خود
۲۱۱	۳۵	« بدیداوچهره
۴۱۰	۱۴	« بدیداورا
۴۳۶	۲۹	« بدید او که
۳۳۶	۱۷	« بدیدش گفت
۱۲۵	۱۱	« بدیدش یاد
۱۷۴	۶	« بدیده گو
۳۹۳	۳۲	« بدیده لطف

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۰	۲۵	چون بدیدنداز
۱۵۶	۳۲	« بدیدندش
۳۲۸	۲۴	« بدیدی گردش
۳۰۹	۳۷	« بدیدی نامهٔ
۱۵۵	۲۹	« بدیشان
۲۳۷	۲۳	« بدی عاجز
۳۳۱	۱۶	« بدین داور
۳۶	۵	« بدین رنگ
۱۴۳	۱۴	« بدین قبض
۲۵۷	۲۹	« بدین لطف
۱۴	۱۸	« برآرد
۴۰۵	۲۹	« برآرند
۲۶۶	۲۵	« برآمداین
۲۷۲	۳۷	« برآمدبردرخ
۳۹۵	۳۱	« برآمدبرهوا
۴۳	۹	« برآمدروزگا
۴۴۳	۴۷	« برآمدمدت
۱۴۰	۴۲	« برآمدنام
۲۱۲	۱۲	« برآمدنور
۱۲۳	۳	« برآن
۳	۲۶	« برآورد
۳۰۹	۲۳	« برآید آفتاب
۳۲۷	۳۷	« برآیدصبح بینه
۲۸۴	۲۶	« برآیدصبح دم
۴۴۶	۳۰	« برآیدصبح رو
۲۳۰	۲۰	« برآید گوهر
۲۸۴	۲۳	« برآیند از
۱۳۳	۳۶	« برابر
۱۷۱	۲۰	« برابدی شهوة
۳۷۵	۷	« برای حق
۲۷۱	۱۳	« برای خود
۳۳۱	۱۴	« بردیکعبه
۲۰۸	۸	« برست از
۲۵۲	۲۶	« برفت آن
۴۳۱	۲۹	« برقاضی
۳۱۸	۲۸	« برنجد
۵۳	۸	« برونشست
۱۶۳	۱۷	« بروبی خاك
۳۶۴	۲۸	« برون انداخت
۳۷۴	۹	« برون رفت
۱۷۶	۲۸	« برون رفتند
۳۳۳	۲۳	« برون شو
۱۱۲	۳۴	« بره کردش
۱۱۲	۲۸	« بره کردند
۳۴۰	۵	« برهنه رفت
۲۶۱	۲۲	« بریداز جنس
۴۳۷	۴۴	« بریداز خود
۱۶۰	۳۵	« بریدش سر
۱۰۲	۱۹	« برید وداد
۱۶۴	۳۳	« بریده شد
۷۵	۶	« بریده گشت
۴۲۲	۱۵	« بریشم خاك
۳۱۱	۳۵	« بزین ره
۱۳۴	۱	« بزائید

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹	۵	چون بزادم
۶۹	۱۲	« بزاید
۲۱۸	۲۳	« بزدصوفي
۴۲۳	۲۳	« بساحل
۳۸۴	۱۷	« بسازی
۳۴۱	۳۷	« بسربر
۹۹	۳۵	« بسرخی
۹	۵	« بسی ابلیس
۳۰۱	۱۰	« بسی بگریست
۴۵	۹	« بسی بگریست
۱۳۴	۲۸	« بسی دید
۳۷۱	۳۳	« بسی مبکرد
۱۸۳	۲۳	« بشد
۴۳۱	۱۶	« بشروان
۶۴	۱۳	« بشورانی
۲۲۵	۲۱	« بصحرای
۱۴۷	۱۳	« بصدالحاح
۳۸۳	۱	« بصدحرمت
۱۶	۱۹	« بصورت آمد
۴۰	۷	« بصورت اولیا
۱۶	۱۱	« بصورت بنگر
۴۵	۲۰	« بطوف خود
۱۲۹	۲۷	« بغایت تیز
۱۲۹	۲۸	« بغایت ممتلی
۴۳۲	۱۶	« بغیر از باد
۱۹۳	۳۷	« بغیر مردم
۲۹	۵	« بقعر
۱۰۰	۲۷	« بقول
۱۵۴	۳۲	« بقوم
۳۵۸	۲۹	« بکاری جو
۳۰۴	۲۲	« بکاری در
۵۸	۴	« بکشتي در
۵۸	۳	« بکشتي در
۲۱۳	۲۹	« بکوشم تا
۴۲۱	۲۶	« بگردانید
۸۵	۱۴	« بگریانم
۲۸۷	۱	« بگرید
۳۵۶	۲۵	« بگفت آن
۳۷۸	۳۳	« بگفتی ای
۴۱۱	۲۶	« بگفتی موم
۲۳۸	۱۲	« بگوئی جاهل
۴۰۰	۱۸	« بگورآن
۱۴۲	۹	« بگورستان
۲۷۵	۱۸	« بگویدبس
۱۵۹	۳۴	« بگویدحال
۱۱۵	۲۵	« بگوید هم
۳۶۳	۱۶	« بگویم از
۶۶	۳۰	« بگویم چونی
۲۳۲	۲	« بگویند ایش
۳۷۱	۳	« بگویندش ک
۱۱۸	۳	« بگیری سخت
۲۵۴	۴۱	« بگیری شهره
۱۹۳	۳۳	« بلال از
۳۶۸	۱۶	« بلال این

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۱	۲۹	چون بلی گفتیم
۲۸۴	۵	« بمابوئی
۱۱۵	۲۳	« بماند از
۲۱۸	۱۳	« بمانددیر
۱۹۷	۱۱	« بمانددیر
۶۲	۲۸	« بمردم از
۵۷	۲۵	« بمردي تو
۲۳۰	۲	« بمرغانت
۱۵۶	۲۶	« بمصر از
۱۵۹	۱۹	« بمطلوبت
۷۹	۲	« بمعراج
۳۸۲	۴۱	« بمقصد
۲۱۲	۳۷	« بمن
۳۹۲	۲۱	« بمیرم
۳۲۷	۳۰	« بمیری
۲۳۵	۱۲	« بنادر
۳۴	۳	« بنالد
۳۰۵	۳۲	« بنام
۲۹۱	۱۵	« بنزددانه
۱۷۷	۳۶	« بنزدیك ولی
۱۷۰	۱۴	« بنزدیکی
۳۵	۲۵	« بنسیان
۳۰	۳	« بنوبت
۳۷۰	۱۲	« بود آن
۳۷۰	۱۸	« بود آن
۲۳۸	۱۶	« بود اکراه
۵۸	۲۸	« بودفکرش
۳۶۸	۱۸	« بود مسی
۱۶۶	۱۰	« بودمویش
۲۳۶	۱	« بهامان که
۲۳۶	۱	« بهامان مشور
۵۰	۲۲	« به بیرنگی
۱۴۷	۲	« به بینی
۱۰۲	۹	« بهرفکری
۳۹۶	۱۴	« بهشتی
۳۹۸	۱۸	« بهوش
۴۱۲	۲	« بیابد او
۲۶	۳۹	« بیابد برده
۳۱۸	۲۲	« بیابم قوتی
۱۵۹	۳۳	« بیابیش
۱۶۶	۲	« بیارایند
۹۲	۲۶	« بیامدآن
۱۲۳	۷	« بیامد از
۲۹۸	۲۱	« بیامد بر
۱۸۸	۲۴	« بیامد بیش
۳۵۷	۱۳	« بیامدسوخت
۷۱	۳۲	« بیامد شام
۵۸	۲۱	« بیامدمؤمني
۲۷۵	۱۱	« بیانش بیحد
۲۱۳	۳۲	« بیابد شام
۱۱۲	۲۶	« بیابد مر
۳۸۷	۱۳	« بیفتد
۲۱۳	۳۴	« بیفزاید
۳۹۹	۳۴	« بیك دکان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۹	۳۹	چون بیك دکان
۴۰۳	۱	« بیك شب
۱۲۵	۲۳	« پدیدآمد
۵۸	۵	« پذیرفت از
۱۴	۱۴	« پذیرفتی
۴۴۱	۲۲	« پرست از
۲۴۹	۲۳	« پری را این
۳۹۹	۵	« پری را قوت
۲۴۹	۲۲	« پری غالب
۳۹۳	۱۸	« پسرچشم
۱۴۷	۲۵	« پشیمان گشت
۱۴۷	۲۵	« پشیمانی
۳۰۴	۳۳	« پکهتر
۴۴۲	۳۷	« پنه
۴۱۸	۳۳	« پیاپی
۲۷۳	۲۲	« پیاپی
۲۰۱	۲۳	« پیادهٔ
۱۳۳	۳۲	« پیمبر از
۱۶۵	۳۴	« پیمبر در
۱۱۳	۳۶	« پیمبر دید
۲۴۸	۱۴	« پیمبر سرور
۴۱۴	۱۸	« پیمبر گفت
۱۳۱	۳۵	« پیمبر نیستی
۱۱۶	۲۲	« پی دانه
۴۹	۲۸	« پي بسکن
۱۵۹	۱۳	« تجلی
۴۷	۱۵	« تحرّی
۱۱۲	۸	« ترا آن
۳۶۸	۲۹	« ترادیدم بد
۳۶۸	۳۰	« ترادیدم محا
۳۶۸	۳۰	« ترادیدم من
۸۴	۲۹	« ترا ذکرو
۱۶۶	۱	« ترارحمی
۲۹۶	۶	« ترا روز
۳۷۴	۳۳	« ترازودید
۳۱۰	۱	« ترازوی
۱۲۲	۲۵	« تراشه
۳۲۴	۲۳	« تراوهم
۱۳۳	۲۷	« ترا یاد
۳۰۶	۲۵	« تضرع را
۳۰۶	۱۵	« تضرع مي
۴۳	۶	« تعلق
۳۰۲	۴	« تفحص کرداز
۷۰	۲۰	« تفحص کردلقما
۱۵۴	۲	« تف خورشید
۴۵	۲۶	« تقاضا بر
۲۵۷	۳۷	« تقاضا میکند
۲۰۰	۲۳	« تمنوا الموت
۱۲۹	۱	« تنازع افتد
۴۱۸	۲۸	« تن زراق
۳۸۲	۱۶	« توآن
۲۳۹	۲۳	« تواسرافیل
۴۳۱	۲۳	« توان رفتنش
۶۱	۲۲	« توئی تو

صفحه	سطر	اول بیت
۷۳	۲۱	چون توبابی
۲۵۳	۲۸	« توباپر
۲۳۳	۳۷	« توباشی
۴۹	۱۵	« تو بامن
۲۵۳	۳۰	« توبرگردی
۲۰۳	۵	« توبسیار
۹۰	۲۴	« توبینائی
۳۴۷	۱	« توجانباز
۱۵	۱۷	« ترجیراو
۸۳	۳۰	« توجزودوزخ
۲۵۳	۲۹	« توجزوعالمی
۱۱۲	۷	« توچشم
۳۸۳	۲۰	« توخفاشان
۳۳	۸	« تودرقرآن
۴۰۹	۴	« توزندیقی
۴۱	۴	« توشیرین از
۳۹	۲۱	« توشیرین نیستی
۴۲۱	۱۶	« توعاشق
۱۹۲	۱۰	« توکاهل
۲۹۷	۱۳	« توکل کرد
۴۰۳	۲۲	« تومی بینی
۷۵	۲۷	« تو ندهی
۳۸۳	۳۵	« تو ننگی
۱۴۳	۱۰	« تو وردی
۴۱۴	۱۸	« تهی شد
۳۱۷	۲۴	« تهی گشت
۲۳۸	۲۶	« تیمم با
۳۹۹	۳۰	« جدا بینی
۳۰۰	۳۳	« جدا گردد
۲۴۳	۲۴	« جری کم
۳۱۰	۲	« جزا
۲۲۰	۲۱	« جعل
۱۴۳	۹	« جفا آری
۷۴	۲۴	« جفا گررا
۳۵۳	۱۵	« جمادند و
۱۸۷	۲۵	« جمادی را
۳۵۹	۲۵	« جماعت رحمت
۶۸	۵	« جماع طفل
۳۶۲	۲۷	« جمال احمدی
۹۳	۲۱	« جنبد از
۱۳۸	۲۷	« جنبن بد
۱۳۸	۲۷	« جنبن بد
۱۶۵	۲۳	« جنین رادر
۷۳	۳۰	« جنین رانوبت
۲۰۱	۱۲	« جنین کش
۲۳۹	۲۷	« جواب احمق
۲۴۶	۸	« جواب نامه
۲۴۱	۱۰	« جوال بس
۱۹۲	۱۸	« جوان بودی
۳۱۵	۱۱	« جهان پر
۱۹۷	۱	« جهان را
۲۸	۲۴	« جهان رنجور
۳۳۳	۲۵	« جهان ظلمت
۳۷۶	۱۰	« جهنم گریه

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۳	۲۵	چون چراغ عمر
۴۱۷	۳۱	« چراغی بی
۴۰	۱۷	« چراغی نور
۲۴۰	۳۳	« چنان افکند
۳۸۷	۶	« چنان چشم
۱۸۱	۲۰	« چنان شاهی
۴۲۹	۴۵	« چنین الهام
۲۰۴	۲۱	« چنین بردیست
۲۱۶	۳	« چنین خواهی
۱۰	۵	« چنین دیدند
۳۶۳	۲	« چنین رشکی
۳۵۷	۳۴	« چنین رفتی
۲۶	۲۸	« چنین شد
۳۷۰	۲	« چنین گفت
۲۲۲	۸	« چنین وسوا
۳۷۸	۱	« چهارم بار
۴۲۵	۳۵	« حبابست
۱۳۲	۳۰	« حدث کردی
۱۴۹	۳۷	« حدیث آسمان
۵	۴	« حدیث روی
۳۰۲	۲۰	« حریص
۴۳۶	۲۲	« حساب اندر
۴۴۷	۹	« حساب عدل
۳۷۹	۱۴	« حشیشی
۱۹۱	۳۹	« حقت
۳۴۵	۲۵	« حقیقت
۵	۱۹	« حکیم از
۵۰	۳۱	« حکیمك
۳۵۹	۲۷	« حمارست
۴۴۲	۳۹	« حواریون
۱۵۷	۲۶	« حیات از
۳۱۱	۲۹	« خبر شد
۳۵۴	۱۲	« خبرها
۲۳۲	۳	« خبر یابید
۳۹۲	۱۷	« خبثان
۳۱۷	۴	« خدا از
۱۶	۹	« خدا اندر
۱۷۵	۳۶	« خدا پوشید
۴۰۲	۵	« خدا پوستگی
۱۹	۲۲	« خدا خواهد
۱۹	۲۳	« خدا خواهد
۳۰۸	۲	« خدا خواهد
۱۲۳	۱۷	« خدا سوگند
۳۷۶	۲۴	« خدا فرمود
۶۹	۳۱	« خدا مارا
۲۲۵	۳	« خدامی
۳۲۸	۳۶	« خدامیخواست
۴۴۵	۲	« خداوند
۷۷	۱۷	« خدو
۳۱۹	۲۱	« خران را
۳۸۵	۲۷	« خرتشنه
۲۷۴	۳۴	« خرد باتست
۲۳۹	۳۳	« خری بایسته
۳	۱۱	« خریداورا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۰	۱۹	چون‌خری‌در
۳۰۲	۱۸	» خری را
۳۵٤	۳۳	» خضر و
٤۱٤	۱	» خطائین
۹۷	۱۹	» خطاب
۷۱	۱۸	» خفاشی
۱۸۳	۱۷	» خلاصت
۱۹٦	۳	» خلاصی
۱۳۱	٤۳	» خلاف
۳۲۷	٤	» خلالی
۸۵	۲۲	» خلف
۳٤۹	۲۱	» خلقت
۱٤٤	۳۲	» خلقنا
٤٤٦	۳۸	» خلیفه‌ارض
۵۸	۱	» خلیفه دید
۳٤۵	۲۹	» خلیفه کرد
۸۰	۱۱	» خلیل آمد
۱۰۳	٦	» خلیل از
۲۸٦	٦	» خلیل حق
۲٤۷	۱۲	» خوری
۳۰۹	۲۲	» خیال‌آن
۱۱۰	۲٦	» خیالت
۱۹۷	۳٤	» خیالی‌در
۳۳٦	۲۲	» خیالی‌در
۳٤٤	۱۸	» خیالی‌دید
۱۵۵	۳۳	» دبیرستان
۱٦۱	۲۲	» درآئی
۳٦۲	۲۵	» درآمدآن
۲۱۷	۱	» درآمدخوش
۱۱٤	۲۲	» درآمد در
۲۲۲	۱۲	» درآمدعزم
۷٤	۸	» درآمد علتی
۲۳۱	۳۲	» درآنحالت
۹۹	۳٤	» درآنخم
۲۳۰	۲۷	» درآندم
۲۸۹	۱٦	» در آنکوچه
۲۰۱	۳۱	» درآیداندرو
۳۱۲	۷	» در آید وقت
۳۸٤	۲۳	» درازی
۲۱٦	۲۷	» درافتادند
۳۰۲	۳۷	» درافتد
۲٦۷	۱۵	» درافکندت
۱۷٤	۲۲	» درافکندند
۷۱	۵	» درانگشتش
۳۹۹	۱۸	» دراین‌جو
۲٤	۲۵	» دراین ره
۲۹۸	۱۳	» درخت‌آدمی
۲۷۳	۹	» درخت موسو
۲٦۱	۱۲	» درخت‌وسنگ
۲۰۳	۳۱	» درزراد
۵۸	۱۱	» درمعنی
۲٤٤	۳۵	» دروآثار
۲۲٤	۳	» درودیوارتن
۲۲٤	۲	» درودیوارخلق

صفحه	سطر	اول بیت
۷۹	۷	چون دروکمی
۳۲۷	۲	» درون‌آب
۹	۱۲	» درون‌خانه
٤۲۳	۱	» درون‌خود
۷۰	۳۷	» دربدی‌برده
۲۱٤	۲۹	» دری‌میکوفت
۱۱۰	۲۷	» درین تزویر
۳۷۱	۲۰	» درینجا
۲۰۸	۱۱	» درین‌دل
۳۸٦	۳٦	» دعامان‌امر
۱۷۲	۲۵	» دقوقی
۱۰۰	۲۷	» دل‌آن
۱۰۳	۲۵	» دل‌او
۳۲۳	۲۳	» دل‌بوزینه
٦۰	۲۷	» دانش
۲۰۱	۵	» دل‌و
۳۸۹	۲٦	» دلبلت
۹٤	۳۱	» دمادم
٤٤۳	۱٤	» دماغت
۹۷	۲۳	» دم‌رحمن
٤۰۳	٦	» دمی حیران
٤۲۱	۳۳	» دم‌بزدان
۱۱۰	۳۸	» دوایت
۲٤۳	۱۷	» دوچشم
۱۱۷	۲۳	» دو دل
۳۹۹	۳۱	» دودیدی
۳۰٤	۲۳	» دوسه
۱۱۱	۱۷	» دوکس
۲۹۲	٦	» دوم از
۱۹٤	۲۹	» دوم بار
۱٦۱	٤	» دوناطق
۱۸۰	۳۳	» دو هفته
٤۱۲	۲۲	» دهان‌پر
۲۰۳	۲۷	» دهانم
۹	۱٦	» دهد
۳٤٤	۲۹	» ذکر
۱۸۳	۱۲	» رباید
۱۲۸	۱۸	» رجاو
۳۷۱	٤۱	» رخت
۹۱	۷	» رسدآنجا
٤۱٤	۳۱	» رسدآن‌نان
٤۳٦	٤٦	» رسد از
٤۰٦	۳۷	» رسدباده
۲۰۳	۲۳	» رسد در
۳٦۳	۲٤	» رسن یك
۳٤٤	۹	» رسول‌آمد
۵۷	٦	» رسولان از
۳۰	۲۷	» رسول روم
۳٤٤	۱۱	» رسولش باز
۳۱٦	۸	» رسیدآنزن
۱٤۷	۱۲	» رسیدآنکارد
۳	۲۹	» رسیدآنوعده
۲٤۵	۱۷	» رسیدآنوقت
۳۳٦	۵	» رسید از تو

صفحه	سطر	اول بیت
٦	۱۹	چون‌رسیدازراه
۲۲۹	۲۹	» رسید اندر
۲٦	۳	» رسیداوبیشتر
۱۵۲	۲۵	» رسیداینجابیا
۲٤۹	۳۸	» رسیداینجاس
۲۳۱	۱۸	» رسیدم‌در
۱٦۹	٤	» رسیدم‌سوی
۱۰۱	۱۷	» رسیدندآن
۳۸۸	۱	» رسیدند این
۳۰	۲۲	» رفیقی
۳٤۷	۱٤	» روا دارم
۲۳۳	۳۵	» روان
۲۵۲	۳۷	» رودجان
۱۰۱	۳۹	» رود خواجه
۳٦۷	٤	» رود نور
۱۸۳	۱۷	» رها کردت
٤۰۳	۲۹	» رها کردی
۱۱۹	۳۳	» رهاند
۱۹٦	۳	» رهانید
۱۳۹	۲۷	» رهند از
۲۳۸	۲۳	» رهی از
۱۷۳	۲۹	» رهید آن
٤۰۳	۲۸	» رهیدی بینی
۱۸۳	۱٤	» رهیدی‌شکر
۱۹۸	۲۵	» رهیدی و
۱۳٦	۲۸	» زاستغراق
۱۹۰	۱	» زبانهای
۱۹٦	۱۵	» زبانه‌شمع
٤۱٤	۳۹	» زبغداد
۳۱۳	۳۳	» زبند
۱۲	۱۱	» زبون
۳۷۳	۳۱	» زبی صبری
۲۷٦	۱۷	» زبیم‌وترس
۲۳۷	۲۳	» زترك
۷۹	۱۱	» زتنهائی
٦۲	۲۸	» زجان
٤۷	۲۳	» زجزو
۱٦۸	۳٤	» زجو
۲۱٤	۱۸	» زچاهی
۳٤۲	۳۲	» زچشم‌آن
۲۲۹	۲۸	» زچشم‌خویش
۳۲۰	۲۹	» زچشمه
۱٤۳	۲٦	» زحدبردنداص
۱۷۹	۲٤	» زحدبردندتا
۲۸۱	٦	» زحدبیرون
۳٦۳	۱۳	» زحدشد
۳۵۳	٦	» زحرف
۱۵۳	۲٤	» زحس
۲۷	۲۷	» زحیرت
۱٦۳	۷	» زخالق
۱۹۳	٦	» زخشم
۱۷۹	۵	» زخوابش
۹۹	۲۱	» زخور
۲۵	۲۷	» زدانش

صفحه	سطر	اول بیت
۷۹	۳	چون زدریا
۱۹۲	۳۷	» زدستت‌رست
۱۹۳	٦	» زدستت‌زخم
۳۷۲	۲۵	» زدش
٤۱۵	۳۷	» زدکان‌و
۳۷۲	۵	» زذات
۳۵۲	۲۲	» زذره
۲۱۳	۲۸	» زراز و
۹۰	۱۸	» زراندود
۳٤۹	۱٤	» زرخت‌من
۵	۳٤	» زرنجور آن
٦	۲٤	» زرنجوری
۳۹۹	۲۷	» زروی
۹۳	۱۹	» زرویش
۳۷۳	۲۵	» زره دان
۱٤٦	۱٦	» زری با
۲۸۷	۳۹	» ززنده
۱۷۰	۲٤	» زساعت
۳۳٤	۲۳	» زسنگی
۲٤۷	۱۵	» زسینه
۱۱٦	۱۳	» زشوی
۳٦۳	۲٤	» زصدپایه
٤۱۸	۳۵	» زصندوق
۲۷۵	۱۰	» زصنعش
۱۱۲	۳۲	» زصوفی
۱۷۸	٤	» زصیادی
۲۰۳	۲۰	» زطفلی
۱٦۱	۱۲	» زظن
۱۳۱	۳۹	» زعادت
۲۲۰	۲۳	» زعطر
٤۹	۲۰	» زعفو
۷۱	۲۷	» زعلت
۱۰۰	۱٤	» زغم
٤۱۵	۳۷	» زغیبت
۲۷٦	۳	» زفهم
۲۲۷	۳۵	» زقربانی
۳۰۹	۲۵	» زقندیل
۲۳٤	۱٤	» زکودك
۱۱۵	۲٤	» زکوری
۹۹	۲٦	» زکه آن
٦۱	۱	» زکه در
۱۱۰	۳۲	» زکرگی
۹٤	۲۵	» زگرمابه
۲۸۹	۲٤	» زگریه
٤۲	٦	» زگورستان
۳۵	۸	» زلقمه
٤۲۳	۳۸	» زلیخا
٤۲۳	۲٤	» زمادر
٤۲۹	٤۷	» زمبده
۲۸۷	۳۸	» زمرده
۱٦۰	۳٦	» زمفلس
۵۰	۳۳	» زمقناطیس
٤۱۳	۵	» زمن سازی
۱۵۲	۱	» زمین با

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹٤	۲٤	چون‌زمین بر
۱٦۰	۱٤	» زمین را
۳۵۳	۱٦	» زمین‌زین
۲٦۱	۱۱	» زمین‌کش
۱۹۹	۳۳	» زمین‌و
۳۲۲	۲	» زنامرد
۱۵۲	۷	» زنان
۳۵۹	۱	» زنخ
۱۸٤	۳۵	» زند افعی
٦۳	۳	» زنداین
۳٤٤	۲۷	» زند شهوت
۱۵۱	۲٦	» زن‌عمران
۲۱۹	۱۹	» زن‌صوفی
۳٦	۲۱	» زنم‌دم
۱۲۳	۱۷	» زنوروحی
۱۳	۲۵	» زنی‌از
۳۷۹	۲۳	» زنی‌که
۲۳۰	۲۰	» زوحدت
۳۷٦	۲٤	» زیك بطنند
۳۷٦	۲۲	» زیك دریا
۳۷٦	۲۳	» زیك سرمه
۲۱۷	۲۱	» سبب‌ساز
۳٤٦	۲۸	» سبب کردی
۲۲۰	۱۷	» سبب معلوم
۳۰۵	۱۵	» سبب نبود
۱۸۸	٦	» سببها رفت
۳۰۰	۳۲	» سبد بر
٤۰۵	۲۱	» سپاه رنج
۳۸۱	۱۰	» سپاه زنگ
٤۲۹	۳۰	» سپاه شاه
۲۰۲	۱۲	» سپه گرد
۹٦	٤	» ستاره با
۱۵۷	۲۹	» ستاره سبز
۲۹٦	۲	» ستداو
۳۷۱	۷	» ستد زو
۳٦٦	۲۲	» ستوری
۲٦۱	۱۲	» ستون
۱۹۲	۳٦	» سجودی
۳٦۱	۲۷	» سحر از
۱۲۰	٤۰	» سخن‌درروی
٤	۳۲	» سخن‌دروصف
۳٤۹	۳۲	» سخن‌دروصف
۵۹	۱۹	» سررشته‌بدست
۲۷۲	۲۳	» سررشته‌نگهد
۳۷۰	۳۵	» سرسفره‌رخ
۳۵٤	۱۰	» سروماهیت
۹۳	۲۵	» سری
۱۸	۱۷	» سزای
٤۳٤	٤۸	» سعادت
۱٤۹	۳٤	» سفاین
۵٤	۱۰	» سفر رمود
۱۰۷	٤	» سفر کردم
٤۱٤	۱	» سفرها
۱۰۰	۲۵	» سفیهان

صفحه	سطر	اول بیت
۷۰	۲۶	چون سقوا
۱۱۰	٤	» سگ اصحاب
۹٦	۲۹	» سگان کوی
۱٤۲	۳۳	» سگان هم
۱٥٤	۳۰	» سگ صیاد
۱٤۱	۱۳	» سگ کهفی
۳۹٤	۱٦	» سگی بانگی
٤۱۸	٤	» سلاحت
٤۳۷	۲۲	» سلاح تست
۲۳۸	۳٦	» سلاحش
٤۲۲	۱۱	» سلاح و
٤۱۱	۲۱	» سلیمان از
۲۳٤	۲۳	» سلیمان باش
۲۲٤	۹	» سلیمان در
۲٦	۳٤	» سلیمان را
۲۳۰	۸	» سلیمان سوی
٦۳٦	٦	» سلیمان شاه
۹۳	۱۱	» سلیمان شد
۲۳٤	۲۲	» سلیمان شو
۲۲۳	۳٦	» سلیمان کرد
۱۳٥	۱۱	» سلیمان کز
۲۳٦	۲۹	» سلیمان نبی
۷۰	۱۳	» سلیمانی دلا
۸۷	۳۱	» سماع
۱۹۹	۱٦	» سواد
٤۲۲	٥	» سیه روئی
۱۳۰	۳۱	» سیه شد
۸۹	۳۳	» شبانگه
۳۹۱	۲۳	» شدآدم
۳۸٥	۲۹	» شد آن
۳۹٥	۳۳	» شد اندر
۱۱۱	۲۰	» شدم
٤۰٦	۳۳	» شدند از
۲٤۳	۱	» شدی اول
۱٥۹	۱۹	» شدی بر
۳۷٥	۱۲	» شدی بیخود
۱۹۲	۱۸	» شدی پیر
۲٥٤	۷	» شدی تو پاك
۲۰٤	۳٥	» توروح
٥۸	۱۳	» توسیر
۳۹	٤	» درخو
۳٥۷	۳٤	» درضد
۳۹۸	۲	» زیبا
٤۲۹	۲۰	» زین
۱٤۳	٤	» سر
۲۷۰	۳٤	» منصف
٤۰	۱۱	» من کان
٤٤۷	٥	» نایب
۳۸۰	۸	» نومید
۳۲٥	۱۰	» شراری
۹۳	۱٥	» شعیب آگاه
۱۳۰	۳۸	» شعیب این
۱۳۱	۲	» شعیب این
۱۰٤	۱۸	» شعیبی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸٥	۲٦	چون شکار خوك
۳۷۳	۲٤	» شکار فقر
۱۹۷	۹	» شکاری
۷۱	۸	» شکافم
٤۱	٥	» شکرگردی
٤۲۲	۳٥	» شکرلب
۳۸	۳٥	» شکر ماند
۳۱۷	۲٤	» شکست آن
۲۰۹	۹	» شکست او بال
۳٤۷	۳۹	» شکست او گوه
۳۰۸	۱۲	» شکستن
۷٥	۱۱	» شکسته بند
۲٤۳	۲	» شکسته دل
۲٥۹	۲	» شکسته میرهد
۳۳٦	٤۱	» شکستی سر
۲۷٤	۱	» شکم پر
۱٤۹	۱۱	» شکم خود
٥۹	۱٤	» شکوفه ریخت
٥۹	۱٥	» شکوفه ریخت
۱۱۸	۲٥	» شما اینجمله
۱۱۸	۲۳	» » این نفس
۱۸۰	۸	» » بسته
۷۱	۲٥	» » تاریك
۱۸۰	۹	» » در دام
٦۲	٦	» » راحاجت
۳۱۰	۸	» شمارد جرم
۹	۲۷	» شمارندم
۱۰	۲	» شمارندم
۱٥۳	۱۹	» شما سوی
۲۷۷	۱۱	» شناسد اندك
۲۷۷	۱۰	» شناسد جان
۳۰۰	۲	» شنود آن
۲۸۹	٦	» شنید آن پند
۳۸۱	۲۸	» شنید آنشخص
۳٦	٤	» شنید آنمرغ
۱٥۰	۳٤	» شنید آن مژده
٤٤	۲٤	» » ازسنگها بو
۲۳۱	۳۱	» » ازسنگها بو
۱٥۱	۳۷	» » از غصه
۳۸۹	۷	» » از گاو
۳۷۷	۲۹	» » از وی
۳۹۹	۳۷	» » او هم
۱۲۲	۱۳	» » این مرد
٤۳٦	٤۸	» » این نکته
۱۹۱	۲۱	» » اینها
٥۱	۲۹	» شنیدند آن
٥۱	۲٦	» شنیدند این
۳٦۹	۱۱	» شنیدی بعض
۳۷٤	۱۸	» » شرح
۲۰٦	۳۰	» » کاندر
۱۲۱	۱۲	» شود از
۳۰۹	۱٦	» » بیدار
٤۱٤	۱۹	» » پر
۳٦۷	٤	» » پیدا

صفحه	سطر	اول بیت
٤۳٤	٤۹	چون شود تدبیر
۲۸۲	۲۰	» » تیره
٦۳	٤	» » جانش
٤۰٥	۳	» » چشمه
٤٤۰	٥	» » روز
٤۳۳	۲۳	» » شاهیش
۱۰۳	۱٤	» » فانی
۲۱۱	۱۷	» » واقف
۲۸۲	۱۰	» شوم آلوده
٥۲	٤	» شوم غمگین
۳٤۹	۳٦	» » هشیار
۹	۲٦	» شوند آن
۳۹۱	۱۲	» شوی تمیز
۱۱۳	۷	» شوی دور
۲۲٥	۳۲	» » محرم
۳٤۳	۱	» شهادت روز
۲٥۰	۲۲	» شهادت گفت
۲٤٤	۱٦	» شیاطین
٤۱۰	۳٥	» صبوری
۲۱۷	۳۰	» صفابیند
۱۸۱	۱۱	» صفت
۲٥۷	۱۷	» صفر آمد
۲٥۷	۱۹	» صفر بربست
٦۷	۲۲	» صفیرش
۲۱۳	۱	» صلای وصل
٤۰۷	۲۰	» صور بنده
۳٤۱	۳٤	» ضرورت
۷۹	۲	» ضیاءالحق
۸٦	۷	» طبق را از
۸٥	۳۰	» طبق خالی
۱۸۰	۱۹	» طبیبان را
٤۳٥	۱۸	» طریق عدل
۱۰٥	۱۱	» طلب کردی
۳۹۰	۲٦	» طمانینه
۳٤۰	۱٤	» طمع بستی
۳۲٥	٤	» طمع خواهد
۱۸٥	٥	» عبادت بود
۳٤۰	۸	» عتاب
۲۸۸	۱٦	» عدو نبود
۳۳٤	۹	» عرب با
٤٤٤	٤۷	» عرب زان
۳۷۱	۲۹	» عروسی
۹۳	۱۳	» عصا از
۱٥۳	۱٤	» عصا از
۱٥۳	٤	» » در
۳۸٤	۳۳	» » را
٤٤	۱۱	» » شد آلت
٤٤	۱۳	» » شد مار
۳۸۸	۲۷	» » و
۱٥۳	۱۳	» عصای
۱۱۸	۳۳	» عطارد
٤٤٦	٤۸	» عفونت
٤۳۸	٤۳	» عقاب آن
٤٤۱	۳۹	» » از

صفحه	سطر	اول بیت
٥۰	۲٦	چون عمارت
۲۱۸	۲۸	» عمر آن
۳۲	۲۲	» ازعقل
۳۱	۱۱	» اغیار
۸۰	۳٤	» بر
۹۳	۱۸	» شیدای
۹٤	٦	» عمل
۱۰	۲۰	» عنایاتت
۲۰۷	۲۹	» عنایتها بر
۱٥۲	۱۲	» عوانان
٦۷	۷	» عبادت
٤۱۲	۱۰	» غبار تن
۳۷٤	۱٥	» غبارنقش
۳۹٥	۳۱	» غراب البین
۹	۱٥	» غرض آمد
٤۰۳	۹	» » دلاله
۳۸۰	۲٦	» غزا
۱۹۰	۳٤	» غلام او
٤٦	۷	» » باغئی
٤۳۰	٤۸	» » راه
٤۳۳	٦	» » عاقبت
۹۱	۳۲	» » هندوی
۱۸۱	۲۰	» غلط شد
۸۱	۲۱	» غم خود
٤۲٥	۱۸	» فتاد از
۱٤۳	٤	» فدای
۸۰	۲۰	» فراق آن
۲٦۷	۲٥	» فراق نقش
۱۸٦	۳۳	» فراموشت
۱۸٦	۳٤	» فراموش خود
۳٥	۲۸	» فراموشی
۲۱٤	۱	» فرستادی
۹۰	۱۸	» فرشته بود
۳۳۳	٤	» فرشته گشت
۲۰۲	۲۲	» فرشته وعقل
۲۷۳	٦	» فرود آئی از آ
۲۷۳	٥	» فرود آئی از ا
۲۷۲	۳۱	» فرود آئی ببینی
۲۷۲	۳۱	» فرود آئی فرو
۲۷۲	٤۰	» فرود آمد بر
۳٦۹	٤۱	» فرود آمد ز
۳۷۹	۳۳	» فروگیرد
۳٤٦	۳۲	» فزونی
۲۱	۲٥	» فضولی
۳۳۲	۲۸	» فضیل
٤۲٤	۳	» فطامش
٦۲	۳٦	» فقیر آئید
٤۱۰	۲۷	» فقیهش
۳۸۱	۲۲	» فکندی تیر
۱۸۷	۲۷	» فکندی زود
۲٦٥	۳۲	» فنارا شد
۲۹۰	٤	» فناش از
۹۷	٥	» فنا شد
۲۸٥	۳۱	» قبور

صفحه	سطر	اول بیت
۳٤	۲۲	چون قبول
٤۰٥	۲٤	» قدم
۳۰۱	۱۷	» قدیم
٤۹	۲٤	» قرارش
۳٦٦	۱٥	» قراری
٤۳۷	۱۰	» قریب
۲۰۲	۱٤	» قریش
۲۳۷	۱۹	» قضا آورد
۱٤٤	۳۸	» قضا آهنگ
۲۷	۱۳	» قضا آید شود
۱٤۳	۲۷	» قضا آید شود
۳	۱۸	» قضا آید طبیب
۳۰۸	۳	» قضا آید طبیب
٥۰	٥	» قضا آید فرو
٥۰	٥	» قضا آید نماند
۲٦	۲۷	» قضا آید نه بینی
٥۰	٦	» قضا بگذشت
۱٤٥	۲	» قضا بیرون
۱٦۷	۳۹	» قضای حق
۲۰۹	۱۰	» قضایش
۳۷۷	۱	چون قفا دیدی
۳۸۷	۳۲	» قفص را
٤۱۰	۳٤	» قلاوزی
۲٥	۳	» قلم از
٤	۳۱	» قلم اندر
۱۰۰	۲٥	» قلم دردست
۲۳۹	٤	» قلم دردست
۲٦۱	۱۱	» قمر که
۳۱۹	۳۳	» قناعت
۱۷۱	۲۸	» قیامت پیش
۹۹	۳۰	» قیامت کوهها
۳٦	۱	» کبوتر
۲۰٥	۱۸	» کتاب
۱٤	۱۷	چونك دندانها
۲۱۱	۳۲	چون کراهت رفت
۲۱۱	۳۳	» » رفت
۲٥٦	۲۳	» کرم
۲۲٥	۲۳	» کساد
۳٤۹	۱۳	» کسم
۲٦۸	۱٦	» کسی با
۳٤٦	٤۰	» کسی را داد
٥	۲۳	» کسی را خار
۹٥	۳۹	» کسی کو
٦۷	٥	» کسی که
۳۲۹	۱	» » نا
۲۱۱	۷	» کشانندت
٦٦	۱٥	» کشید از
۲۲٦	۱۸	» کشیدت
۱۸۸	۱	» کشیدندش
۳۸٦	۳۹	» کفم زین
۲٦٦	۳۸	» کف موسی
٤۳٥	٤۸	» کمان را
۱۷۹	۳	» کنار کودکی
۳۲۹	۲۰	» کند آن

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۰	۳۳	چون کند اصرار
۹۷	۱۴	» کند تقصیر
۶۵	۲۳	» کند جان
۹۸	۱۸	» کند چکچك
۲۱۱	۱۸	» کند در
۱۴۸	۵	» کند دعوی
۳۳۹	۲۵	» کند مستسقی
۵۴	۱۸	» کنم در دست
۸۴	۲۴	» کنی از خلد
۱۱	۲۱	» کنی بر بی
۱۵۷	۲۵	» کنی پارا
۳۶۸	۴۰	» کنی خامش
۵۷	۱۳	چونکه آب جمله
۲۵۷	۲۱	» آب خوش
۳۲۸	۱۵	» آبش
۱۳۱	۳۷	» آزادیت
۳۵۹	۱۴	» آگه شد
۲۶۳	۶	» آمد پای
۴۴۴	۲۱	» آن بنده
۴۲۲	۲۴	» آنجا خشت
۲۶۹	۵	» آنجا گفت
۲۳۰	۱۴	» آن خلاق
۷۷	۲۸	» آن سبزیش
۱۹۶	۱	» آن مخفی
۱۵۴	۳	» آن مرد
۱۰۹	۳۵	» آوازش
۳	۲۷	» آیداو
۳۷۱	۳۸	» آیدخیز
۳۳۱	۱۴	» آیدنوبت شکر
۳۳۱	۱۳	» » » نفس
۳۸۲	۲۴	» اخوانرا
۴۳۸	۹	» ادیان
۱۶۴	۱۱	» ازامرود
۴۲۸	۱	» ازچرخ
۱۰۸	۶	» ازعقلش
۶۸	۲	» ازمیخانه
۳۵۵	۲۴	» ازهستی
۳۹۴	۲۱	» استادند
۴۴۱	۲۴	» استغراق
۲۵۱	۱۱	» استنجا
۲۵۱	۱۰	» استنشاق
۶	۱	» اسرارت
۹۳	۱۰	» اسمعیل
۳۷۴	۱۸	» اصل کار
۲۷۰	۳۶	» اصلی بود
۱۱۰	۳۹	» اعمی
۴۴۱	۴۳	» اندرخانقاه
۱۰۵	۵	» اندرخواب
۴۳۵	۲۷	» اندر زخم
۱۲۲	۲۲	» اندرقعر
۷۷	۸	» اندرمرگ
۳۲۴	۹	» اوافکند
۲۳۴	۴	» او بنیاد
۸۰	۳۶	» اوترکرد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۳	۱۴	چونکه اوحق را
۲۹۹	۱۴	» اوحی
۶۰	۱۷	» اوسوزن
۲۱۰	۱۵	» اومبدل
۳۶۴	۲۷	» ایشان
۱۹۱	۲۶	» ایمان
۲۴۴	۵	» این ارض
۳۷۶	۲۱	» این جمله
۳۸۱	۲۴	» این را
۴۲۳	۵	» با او
۲۱۴	۶	» بابی برگی
۱۷۱	۲۵	» با تکبیر
۳۰۲	۹	» باجاروب
۴۱۱	۳۶	» باحق
۹۲	۱۴	» بادی
۳۸۷	۷	» باران
۴۳۷	۳۱	» باز آیم
۳۳	۱۶	» بازرگان
۲۴۱	۱۹	» بازش
۴۳۸	۲۰	» باشد
۲۲۵	۷	» باشیخی
۲۵۷	۱۰	» با کودك
۲۴۸	۳۳	» با معشوق
۱۵۰	۸	» بجهد در
۳۷۴	۱۳	» بحرافکند
۳۷۵	۸	» بحر عشق
۲۱۸	۲۷	» بد کردی
۱۸۷	۵	» بر بوکست
۱۲۵	۳۴	» بر سر
۲۵۹	۳۵	» برگردد
۴۸	۲۹	» برگردی
۱۰۳	۲۷	» برگ روح
۳۶۶	۲۲	» برمیخت
۱۱۹	۳۲	» بر نطعش
۲۱۴	۵	» بروی
۱۳۵	۵	» بسپارید
۲۰۷	۱۹	» بشنود
۱۰۴	۱۳	» بشنید
۲۳۰	۹	» بلقیس از
۴۱۸	۲۲	» بنشستند
۳۷۸	۱۲	» بنهادآن
۱۱	۲۶	» بوئی برد
۴۳۲	۴۲	» بوداو
۲۲۰	۲۹	» بوی آن
۱۶۷	۱۸	» بی آتش
۲۶۷	۲۶	» بی این
۳۲۲	۲۸	» بی تمیز
۳۶۱	۷	» بی تو
۱۶۷	۱۹	» بی چشمت
۱۴۳	۱۶	» بیخش بد
۳۸۲	۱۰	» بی دف
۵۰	۲۱	» بی رنگی
۱۱۱	۳۹	» بی سوگندیر
۱۱۱	۳۸	» بی سوگندگو

صفحه	سطر	اول بیت
۹۸	۲۳	چونکه بیگه گشت
۱۶۹	۱۲	» پایانی
۳۱۰	۲	» پای چپ
۳۳۰	۳	» پردهٔ
۲۵۲	۲۲	» پرش
۱۹۲	۳۶	» پرید
۱۷۷	۱	» پیدا گشت سر
۴۷	۱۱	» » » کا
۱۸۳	۲۰	» تابستان
۱۸۳	۲۰	» »
۳۴	۹	» تا اقصای
۲۵۸	۱۳	» تتماجش
۱۱	۹	» تخم
۳۲۹	۱۷	» ترك از
۳۸۱	۳۲	» تعویق
۴۰۳	۲۳	» تقصیر
۱۶۶	۳۰	» تقوی
۲۱۷	۳۹	» تنهایش
۱۳۱	۳۹	» تو گلخوار
۲۹	۹	» تو بنظر
۲۸۶	۱۱	» جادو
۶۴	۷	» جامه
۱۴۴	۲۳	» جان باشد
۲۲۹	۴	» جان جان
۴۲۵	۲۵	» جان درخاك
۳۱۷	۲۵	» جانش
۲۱۸	۱۰	» جزو باد
۳۰	۱۱	» جزودوزخ
۵۶	۳۲	» جزوی عاشق
۳۹۷	۴	» جعفر رفت
۳۸۲	۳۳	» جفت احولان
۱۸۳	۱۱	» جفتی
۶۲	۴	» جمع
۴۴۰	۲	» جنسیت
۳۲۱	۲	» چشمش باز
۳۰۰	۳۴	» چشمش را
۲۱۹	۲۸	» چشمم
۱۵۶	۸	» چوپان
۱۰۲	۱۲	» چیزی
۲۰۲	۱۹	» حارث
۴۳۴	۴۲	» حاصل
۳۳۲	۷	» حاکم او
۳۵۸	۲۹	» حاکم این
۹۸	۳	» حاکم را
۳۸۰	۳۵	» حرفی
۷۴	۱۶	» حرم
۸۲	۸	» حق رش
۳۸۴	۲۹	» حق قهری
۱۲۴	۳۰	» حق و
۱۰۰	۲۲	» حکم اندر
۲۷۶	۵	» حیران
۲۳۷	۳۷	» خواب
۳۵۶	۱۲	» خواتون
۴۳۱	۴۱	» خواجه

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵۳	۱۱	چونکه خواهد
۳۲۹	۲	» خواه نفس
۴۳۵	۱	» خواهی
۲۹	۱۷	» خرگوش از
۳۲۲	۹	» خرگوشی
۶۲	۳۲	» خرمن
۲۸	۳۳	» خصم
۱۶	۳	» خلق
۳۷۷	۳۴	» خندیدن
۲۹۴	۲۸	» خوبی زنان
۳۴۴	۳۲	» خود راو
۱۳۳	۲۸	» خودرا پیش
۴۲۲	۲	» خوردی
۲۹۱	۷	» دادی دست
۳۷۶	۲۳	» دارالضرب
۲۶	۳۹	» دارد از
۱۷۵	۵	» داود
۴۲۹	۴۲	» دانستی
۴۴۶	۲۰	» دراخ
۱۳۳	۱۵	» در تو
۳۱۴	۲۲	» در جنت
۲۸	۳۲	» درچه
۳۸۰	۴	» درخلاقیم
۳۱۳	۳۵	» درددنبلش
۱۸۵	۲۵	» دردو شور
۱۰۰	۲۱	» درریش
۱۲۱	۱	» درسبزه
۳۵۴	۲۳	» در صنعت
۲۹۸	۲۴	» در عهد
۳۱۲	۸	» درمانی
۱۳۳	۱۶	» درمعده
۳۶۵	۱۴	» درملکش
۴۰۵	۳۱	» دریابر
۳۷۶	۱۳	» دریاران
۳۱۷	۲۷	» دریاهای
۱۰۱	۴	» دزدی باری
۳۷۷	۱۹	» دزدیها
۲۹۱	۶	» دست خود
۴۳۱	۲۸	» دست عشق
۱۶۶	۲۹	» دست عقل
۴۰۵	۱۷	» دشمن
۱۲۹	۱	» دعوی
۳۷۲	۳	» دل
۱۵۸	۱۳	» دندان
۴۳۰	۶	» دنیا
۳۷۶	۳۰	» دومثل
۲۹۴	۳۱	» دید آن
۳۴۵	۵	» دید او
۳۰	۲۶	» دید دوست
۱۸۳	۱	» دیدی دانه
۴۳۴	۱۰	» دیدی معجز
۴۹	۳۰	» دیگی
۹۳	۲۵	» ذوالنون از
۱۰۱	۲۲	» ذوالنون این

صفحه	سطر	اول بیت
۱۰۱	۴	چونکه ذوالنون سوی
۴۴۴	۴۸	» ذوق
۶۰	۳۷	» رفتند آن
۳۸۲	۴	» رقعه گنج
۳۲۳	۳	» روباهش
۴۰۷	۳۲	» روحانی
۵۰	۲۴	» روغن
۴۱۹	۸	» رهرو شد
۳۸۷	۳۳	» ره وا شد
۴۰۶	۳۸	» ریگی
۷۹	۲۰	» زاغان
۱۸۰	۳۴	» زد خرطوم
۴۱۱	۶	» زد عشق
۶	۲۷	» زرگر
۶	۲۵	» زشت و
۹۳	۱۴	» زکریا
۳۰۰	۷	» زین
۶۶	۱۵	» ساکن
۹۳	۲۰	» سبطین
۲۶۲	۲۱	» سد
۲۱۲	۲	» صر بر
۳۵۲	۹	» سر که
۶	۱۳	» سلطان از
۲۰۳	۹	» سلطان شاه
۱۱۶	۲۴	» سوی
۴۰۱	۳۴	» شاهنشه
۲۵۹	۳۹	» شاهی
۲۵	۱۸	» شب آن
۱۰۰	۶	» شب این
۱۶	۸	» شد ازپیش
۱۶	۸	» شدخورشید
۲۵۲	۲۵	» شد رنج
۸۱	۲۹	» شکر گام
۴۲۹	۲۸	» شه محمود
۲۸	۳۲	» شیر
۳۰۵	۲۱	» صانع
۲۶۷	۲۶	» صبرت
۳۶۶	۳۵	» صدیق
۸۳	۱۴	» صوفی
۲۶۲	۶	» ظاهر بین
۳۰۱	۲۶	» ظاهر ها
۴۰۸	۲۹	» عاجز
۳۶	۳۰	» عاشق او
۱۹۹	۳	» عاشق توبه
۹۳	۱۹	» عثمان
۴۴۰	۳۸	» عزمت
۲۵۲	۲۱	» عقلت
۴۸	۵	» عقل تو
۱۴	۸	» عمر اندر
۳۶۰	۳۵	» عمرت
۸۵	۲۳	» عمر شیخ
۸۶	۲۴	» عیسی دید
۱۹	۳۴	» غم
۷۱	۱۴	» غیب وغایب

صفحه	سطر	اول بیت
٤٥	٢٣	چونکه‌فاروق
٤٣٩	٣٣	» فردا
٤٣٢	١٢	» قبچاقی
٣٩٨	٣٤	» قبح
١٩٧	١٦	» قبض آید
١٩٧	١٣	» قبضي
١٩٠	١٧	» قدرت رفت
٢٨٩	١٥	» قدرت نیست
٣١٨	٣٦	» قسام
١٧٧	٢٥	» قشرعقل
٤٥	٢٧	» قصهٔ
٤٤٣	١٩	» قطمیر
٨٣	١٧	» قوت
٢٨٠	٣٠	» کافر
٩٣	٢٢	» کرخی
١٣١	٤٠	» کرد ابلیس
٢٧٦	١٦	» کردالحاح
٤٠٦	٦	» کرداومنع
٤٤٢	٣٣	» کردابن
٣٦٢	١٩	» کردند آشتی
٣٩٣	٤	» کردندی
٢٤٧	٢٥	» کردی‌دشمنی
٣٦٩	١٩	» کردي دم
١٠١	١٣	» کشته گردد
٢٨٤	٢١	» کعبه
٣٦٦	٢١	» کلیات‌پیش
٢٨	١٩	» کلیات را
٣٣١	٤	» کلی
٢٤٨	٣٧	» کوته
٢٧٥	٣٠	» کوه
١٠٧	٦	» گردانید
٢٢٤	٨	» گشت‌آن
٢٨٧	٢٦	» گشتی
١٢٤	٢١	» گفتت
٢٢٨	٢٩	» گفت‌من
٣٣١	٣١	» گفتی کفر
١٦	٩	» گل بگذشت
٢	٢٠	» گل‌رفت
٢	٢٠	» گل‌رفت
١٥٤	٣٩	» گله باز
٤٠٧	٢٦	» گم شد
١١٢	٧	» گنجی
٢٥٢	٢٣	» گوهر
٣٢١	١٦	» گوینده
١٠٢	١٨	» لقمان آید
١٦٧	٣	» لقمان تن
٧٠	٢٥	» لقمان‌را
٤٤٧	٣٦	» ماخا کیم
٤٤١	١٠	» مارا
٢١٢	١١	» مازادیم
٢٢	٣٢	» مال و
٧٩	١٥	» مؤمن
٣٧١	٩	» مجلس
٤٤٠	٣٠	» محمل

صفحه	سطر	اول بیت
٢٨٨	٢٠	چونکه محمول به
٦٣	٢٨	» محمولی
٧٧	٣	» مخزنهای
٩٩	١٩	» مخلص
٣٢١	٣٧	» مردی
٢٩٨	٢٨	» مریم درد
١٩٧	٣١	» مریم مضطر
٢٧٤	٤	» مستغني
٣٤٩	٣٥	» مستم
٤٣	١٣	» مطرب
٣٢٩	٣٥	» مطلوبی
٢٤٢	٣٢	» معجزهات
٣١١	٨	» مغز من
١٠٩	١٤	» مقصودازشجر
٢٧٣	١٩	» ازوجود
٣٣٣	٢٣	» مقضی
٢٨٧	٤	» مکرت
١٠٢	٣٣	» ملعون
٨٢	١١	» من از
٢٢٧	٢٣	» من فارغ
٦٢	٢٩	» من من
٨١	٢	» موئی
١٠٦	٢٦	» موسی این
١٥٥	٢٢	» موسی باز
٢٠٦	٨	» موسی بر
٨٥	٥	» موسی‌رونق
٢٦٤	١٤	» موسی کشت
١٣٨	٥	» موصوفی
٣٠٦	٣	» میکائیل
١٩٧	١٠	» ناپیدا
١٠٩	٣٦	» نالهٔ
٤٩	١	» نامحرم
١٨١	٦	» ناید
٢٨٨	٢١	» نبود
٢٨	٤	» نزد
١٠٢	١٣	» نقدت
٣٥٢	٩	» نگذارد
٤٢٥	٢٧	» نم
٥٣	٢٣	» نور الله
٩٩	٩	» نورحس
١٠	٢٨	» نورصبحدم
٤٤٥	٤	» نوشد
٢٠٩	٣٢	» وادیدیم
٢٥٧	١٦	» واقف شد
٣٠	١٣	» واگشتم‌زبیکر
٢٣١	٢٠	» واگشتم‌زحیر
٧٣	٢٩	» وقت‌آید
٤٤٦	١١	» وقت‌دولت
٢٨٥	١٢	» وقت‌مرگ
٢٠٢	٢١	» ویران کرد
٢٠٨	٣٤	» هرجزوی
٤٣٦	٤٢	» هر جنس
١٢٨	٣٧	» هوحس
٣٥٢	٢٧	» هردم راه

صفحه	سطر	اول بیت
١٦٦	٨	چونکه هستیش
٤٠٣	١٠	» هنگام
٣١٧	٢٣	» هوشش‌رفت
٣١٧	٢٦	» هوشش‌رفت
٧٢	٢١	» هیزم
٤٣٠	٤١	» یابد
٩٣	١٥	» یحیی
١٢٨	٣٣	» یك حس
٤٠٥	٣٨	» یوسف
٣٠٦	٢١	» یونس از
٩٣	١٤	» یونس‌جرعهٔ
٥٥	٣٢	چون‌گدا
٣٨١	١٠	» گذاره شد
٣٣٨	٣٦	» گذر سازد
٨٧	٣٣	» گذشت‌آنجو
٢٤٩	١٨	» گذشت‌آن
٤	٢٥	» گذشت‌آنمج
٢٧٦	٣٣	» گذشت‌احمد
٣٥	١٧	» گذشت از-
٢٥١	٤١	» گذشت و
١٦٨	٢٨	» گذشتی
٢٠٦	٣١	» گران‌دیدی
١٠٧	١٩	» گرانیها
٥٨	١٣	» گرسنه
٢٧	٨	» گرفتارآمدی
١١٧	٦	» گرفتارگنه
٦٠	٤	» گرفتی پیر
٦٢	١٩	» گرفتی‌عبرت
٢٦١	٣٣	» گروبستند
٣٧	٢٧	» گریزانی
١٤٤	٢٩	» گریزد
٣٦١	٧	» گریزم
١١٥	١٣	» گزدسگ
٦٠	١٠	» گزیدی
٤٠٢	٢٦	» گشادت
٧٣	٢٣	» گشاده‌شددر
٣٨٧	٣١	» گشاده‌شدره
٢٢٦	١٨	» گشایند
٥٠	٢٤	» گل از
١٤٩	١٩	» گلستان
٤٢١	٣٩	» گلو تنگ
٧٤	١٣	» گناه‌اوست
٦٦	١٨	» گناه وفسق
٣٦٦	٢٦	» گنه کمتر
١٢٦	١٩	» گواردلقمهٔ
٢٨٣	٧	» گواهت‌ترکیه
٢٠١	٣٧	» گواهت‌خواه
١٦٦	٢٢	» گواه رحم
٧٤	١٥	» گواهی‌بندگ
٧١	١٧	» گواهی‌داد
٢٩٦	٢٨	» گهر در
١٣٨	١٢	» گیاهش‌خور
١٥٥	١٩	» اب جو
٣٩٥	٩	» لسان‌وجان

صفحه	سطر	اول بیت
١٢٧	٣١	چون مبارك
٣٩٩	١٧	» مبدل گشته
٧٤	٢٢	» مبدل‌میکند
٢٦٢	٢٩	» محك آمد
٢٤٢	٣٥	» محك‌پنهان
١٤٩	٢٩	» محك‌دیدی
٣٣٨	١٣	» محله پر
٣٠	٢١	» محمد پاك
١١٠	٣٢	» محمد را
٢٣١	٢٦	» محمد گفت
٩٣	١٧	» محمد یافت
٣٢	١١	» محیط
١٣٢	٤٠	» مرا پنجاه
٢٠٥	١٠	» مراتب
١٦٠	١١	» مراتو
٢٠٩	١٦	» مراداتت
٣٨٤	١٩	» مرادوحاکم
١١٣	٣١	» مرادیدی
٤٣٥	٣٧	» مرا زخم
٧٦	٥	» مرا سوی
٢٥٥	٧	» مراقب
٤٢٢	٣٤	» مرا ماهی
٣٥٦	١	» مراهق
١٣٨	٢٣	» مزاج‌آدمي
١٣٨	٢٤	» مزاج زشت
١٦١	٢	» مسبح کردهٔ
٣٧١	١١	» مسن گشت
٤٢٢	٣١	» مسلم
٤٤٤	١٧	» مشیرش
٤٤٧	٤٨	» مطلس
٢٤	٢١	» معلم بود
٣٧٥	٩	» معلم زد
٩١	٤١	» مقررشد
٣٦٨	٢٢	» مقلد بود
١٥١	٤٦	» مکان بر
٨٩	١	» مگس‌حاضر
٣٤٩	٤٨	» مگس در
٤٢٩	١٢	» مگو وچون
١٣٣	١٢	» ملالم
٤٠٢	٣٦	» ملایك او
١٢٧	٣٢	» ملایك گوکه
١٥٥	٥	» ملایك‌گوی
٨١	٣٥	» ملایك مانع
٢٧	٢٤	» ملایك نور
١٤٧	٢٠	» ملخ بر
٣٤٤	٣	» ملخهایی
٢٨٤	١٢	» ملك‌ازلوح
٢٧	٢٣	» ملك‌انوار
١٨٨	٣١	» ملك باعقل
٢٨٣	٣١	» ملك تسبیح
٢٩٥	٣٥	» منارهٔ خاك
١٦١	٤	» من‌ازتسبیح
١٢٩	٧	» مناسبهای
٣٦٨	١٣	» منافق از

صفحه	سطر	اول بیت
١٩٣	٣	چون منی‌تو
٤٤٦	٤	» موحد
٣٠٩	٣٢	» موکل آن
١٧٦	١٨	» موکل‌میشود
١٧٦	١٩	» موکل‌میشود
١٩٨	٢٦	» موکل‌نیست
٧١	١٩	» مه نوبا
٣٤٥	٣٠	» میان پای
٢٥٩	٣٧	» می پرزهر
٢٢٦	٧	» نباشدحارس
٢٨٩	٣١	» نباشدحفظ
١٣١	٤٤	» نباشد خوی
١٣١	٤٤	» نباشد خوی
١٨٤	١٤	» نباشد روز
١٧٩	٤	» نباشدطفل
٣	١	» نباشدعشق
٣٥٩	٣٧	» نباشد قوتي
٢٣٨	٢٤	» نباشد منتش
٣٨٧	٦	» نباشم زاشك
٣٧	١٥	» نباشم‌هیچو
٣١٥	٢٢	» نباشی‌راست
٣٠٨	٣٣	» نباشی‌منتظر
١١٠	٣٣	» نبد بوجهل
٣٥٤	١٥	» نبودش آن
٣٥٧	١٨	» نبودش‌تخم
٢٢٦	٢٧	» نبودش‌تیشه
٦٧	٦	» نبودش‌صبر
١١٠	٢٥	» نبودی بد
٦١	١٥	» نبودی‌فانی
١٨٤	٢٨	» نبي آگه
٦٤	٢١	» نبي‌ازوحی
٣٥٩	٣٤	» نبی السیف
٣٨٥	١٩	» نبیند اصل
٣١١	٣٠	» نبیند مغز
١٦٧	٢	» نپرسی
٣٥٨	٣	» نتانی جست
٢٨٢	٢٤	» نتانی‌شد
١١٣	٨	» نتیجه
١٧٠	٣٦	» نجس
٣٥٧	٥	» نخواهی
١٧٣	٥	» ندادت
١٥٣	٢١	» نداردجان‌تو
٣٢٧	١١	» نداردجان‌جا
٥٩	٨	» نداردروی
٢٨٢	٢٨	» نداردسیر
١٧٤	٣٢	» نداردشرح
٨٣	١٧	» نداردکس
٢٥٣	٣٤	» نداردمدرکی
١٢٣	١١	» ندارد مرد
٣٢٨	١١	» ندارد نور
٢٨٩	٢٦	» ندارم زور
٢٨٩	٣٦	» ندارم زورو
٢٨٩	٣٥	» ندارم عقل
٣٣٩	٣٦	» ندارند

صفحه	سطر	اول بیت
٦٠	٢٥	چون نداری طاق
١٢٨	٢١	« نداری فطنه
١٦٦	٢٢	« نداری نوح
١٦٦	٢٠	« نداندراه
٢٠٢	٥	« نداندره
٢٦٢	١٩	« نداندسیر
٢٧٤	١٩	« ندانستم
١٠٣	٢٦	« ندانی تو
٣٠٢	٢٣	« ندانی دانش
٤٣٠	٢١	« ندای
١٢٧	٢٤	« ندیداندر
٢٤١	١٢	« ندیداوخیره
٢٨٨	٢٨	« ندیداوعمر
٢٨٨	٢٩	« ندیداومار
٦١	١٤	« ندیدش مغز
٢٨٩	٣٩	« ندیدمزور
٢٢٠	٤٣	« نزدبروی
١٢٥	٣	« نشان راست
٢٠٩	٣٦	« نشان مؤمنا
١٢٣	٩	« نشانی چند
٤١٨	٢٣	« نشست او
٤١٢	٢٠	« نشیندبهر
٢١٤	١٨	« نشینی
٢٨	١٨	« نصیب
٤٥	٥	« نظراندر
٣٢٨	١٤	« نظر برروح
٣٢٨	١٤	« نظربرطرف
٨٢	٧	« نظربرقرص
٢٦٢	٢٢	« نظرپس
٢٦٢	٢٣	« نظردرپیش
٣٧٢	١٣	« نظردرفعل
١٣٠	٨	« نفاذامر
٢٠٠	٢٢	« نفخت
٢٥٦	٢٨	« نکردآن
٢٦١	٨	« نکردی فهم
١٢٧	٣٠	« نکردی هیچ
٢٢٢	٥	« نگنجداو
١٧٣	٣٢	« نگه کردم
٢٣٩	٨	« نمائی چون
٢٧	٩	« نمائی مستی
٣٨٨	٥	« نمازشام
٣٨٥	٣٨	« نماندبیشه
٣٨٥	٣٩	« نماندخاك
٢٢٣	٨	« نماندخانها
٢٩٥	١٤	« نماندشیشها
٢٠٨	١٦	« نماندگرمیش
٢٨٢	١٥	« نماندمایه
٢٨٢	٢٦	« نماندواسطه
٢٢٥	٣٣	« نمایدذره
٣٢٤	٣٢	« نمرداز
٣٦٣	٢٦	« نمردی گشت
٢٦٠	٦	« نمردی و
١١٧	٣١	« نمودی
١٦١	٢٠	« نمی آید
٩٦	١١	چون نمی آیند
١٤٠	١	« نمی بیند
٢٧١	٣٢	« نمی بینند
٣٨	٣٤	« نمی یابد
٣٧٤	٣١	« نمیتانست
٢٤١	١٢	« نمیتانی
٣٥٧	٢٦	« نمیداند
٣٥٨	١٢	« نمیدانست
٨٦	٣٣	« نمیرد
١٩	٢٨	« نمیسوزی
٣٥٧	٢٦	« نمیگوئی
٤١٩	٣٥	« نمی یارست
٣٧	١٥	« ننالم
٣٧٠	٢٥	« نوشتی
١٣٠	٣٥	« نویسی بر
١٣٠	٣٥	« نویسی کاغذ
٢٦٣	٢٢	« نهاراز آب
١٦٠	٦	« نهادی در
٢٢٨	٢٣	« نهالی کاشتی
٣٧١	٢٠	« نه بازی
٣٣١	٣٣	« نه رنجور
٣٤	٢١	« نه سباح
١٣١	٣٦	« نه کامل
٣٩٦	٢٢	« نهددرتو
٣٩٦	٢٣	« نهددرتو
٣٩٦	٢٢	« نهددرزن
١٧١	٣٨	« نه سرمایه
٢٠١	٣١	« نه شیری
١٨٧	١	« نهی بریشت
٨٨	٥	« نیائی و
٨٩	١٢	« نیابدصورت
١٩٤	٣٣	« نیابدنص
٣٧٢	١١	« نیابی این
١٠٢	٢٣	« نیاوردی
٣٩٨	١٢	« وثاق محتشم
٤٧	٣	« ورانوری
١٠	٣	« وزیرآنکو
١١	٢٧	« وزیراز
١٣٤	٦	« وزیرشیر
١٣	٣٤	« وزیرماکر
٢٤٩	١٩	« وصیت
٩٠	١٥	« وفاآن
٢٩٨	٢٠	« وفایت
١١٥	٧	« ولیی
٤٤٢	٢٩	« هدایت
٣٣٧	١٩	« هریسه گشته
٣٣٧	١٨	« هریسه لحم
٢٩١	١٦	« هلاکت
٢٤٩	٢٨	« همای
١٢٦	٣٢	« همه اجزاه
١٠٢	٢٤	« همه اجزایم
٣٧٦	٢٢	« همه انوار
٥١	٣١	« همه درناامید
٤١٠	٦	« همه ناراست
٢٣١	٦	چون همو آورد
١٥٣	٢٩	« همی حرافه
٣٣٠	٣٣	« همی خائی
١٦٢	٢٤	« همی خواندند
٢٥٤	٢١	« همی دانست
١٤٦	٢١	« همی دیدند
٣٩٨	٢٤	« همیکرداز
٤٠٠	٤١	« همیگنجد
١٧٦	٢٠	« همیگیرد
٢٨٥	١٢	« همو مالی
١٠١	١٨	چونی ای دریا
١٠٧	٣٢	« ای عیسی
٤١٥	٢٣	« بینلودر
٣١٦	١	« یحبون
٤٢٩	١٤	« یدالله فوق
١٠٨	٢٦	« یدالله فوق
٣٠٤	٢٦	« یفرالمره
٤٤٧	٤٧	« یقینت شد
٣٧٢	٣٤	« یقینت بست
٢٣٢	٨	« یقین دیدم
٤٤١	٤٠	« یقین شد
٣٣٦	١٥	« یقین گشتش ر
٣٤٧	٣١	« یقین گشتش
٤٥	٣	« یقین گشتش ک
٦١	٢٥	« یکی باشد
٩	١٤	« یکی بشکست
٣٨٥	٣٥	« یکی حرفی
١٢٨	٣٣	« یکی حس
٤٤٧	٣٧	« یکی دادی
٤٤٣	٥	« یکی را
٢٤٢	٤	« یکی زین
١٢٧	٣١	« یکی لحظه
٨١	١	« یکی مو
چ ـ ه		
٢١٧	٣٦	چه امیدستش
٣٠٢	١٤	« بزان
١٨٢	٧	« بلادو
٩١	٧	« بودآن
٣٧	٢٨	« بهانه
١٨٢	٨	« تراب و
٢٢٢	٦	« تصرف
١٢٩	٢٢	« تعلق
١٢٦	١٤	« حلال ای
٣١٧	٣٨	« حلالی
٢٧١	٥	« خبرجان
٣٨٨	٣١	« خبرداری
١٥٢	٢٧	« خرابت
٤٦	٢٩	« خطا
١٤٠	٢	« خیالست
٣٢٢	٣٢	« درافتدیم
٤٣٤	٧	« دلیلی
١٨١	١	« رئیسی
٢١٤	٢٦	« رهاکن
٢٧٠	٣٣	« زیان دارد
٢٣	٢١	چه زیانستش
٤١٠	٢٣	« شراب و
١٨١	٢	« شرف
٢٧٤	٣٥	« عجب گرخال
٢٧٤	٧	« عجب گرو
١٠٢	٧	« عجب گرسر
٢٠	١٤	« عجب گرکوه
٣٩١	٢٨	« عجب گرمرغ
٢٠٢	٣٠	« عجب گرمرگ
٤٦	٣٠	« عطا
٤٦	٢٩	« غزا
٣٣٢	٢٦	« غلام
٢٢٢	٧	« قدر
٥١	٧	« قلاوز
٧٢	١٣	« کشداین
٣٨٩	٢٤	« کشیداز
٣١٦	٤	« مجال
٣١٠	٢٤	« محل
١٨٢	٦	« مه و
١٨٢	٧	« وحوش
٤٢٩	٤٣	« یقینی
چ ـ ی		
١٧٩	٤٠	چیزدیگرتازه
١٥٧	٣٤	« دیگرماند
٢٢٨	١٠	چیزکی از
٤٠١	٣٣	چیست آنجاذب
٤٣٥	٦	« آندریا
٦٣	٣٠	« آنذات
٤٢٨	٢٧	« آنروحانی
٥٥	٨	« آنکوزه
١١٨	٢٨	« احسان
٩٤	٤	« اصل
٣٨٥	٣	« امعان
٢٢٩	١٠	« اندرخم
٤٣٣	٢٠	« اندرضمن
٢٦١	١٦	« برهان
٣٣٥	٢٥	« بوی
٣٧٠	٢٤	« پرده
٦٠	٢٩	« تعظیم
٦٠	٢٩	« توحید
٧٢	٦	« جان
٣٩٦	٢٠	« جنسیت
٤٠٣	٢٥	« حبل الله
١٢٦	١	« حکمت
٢٣٩	٢١	« خود
٩٥	٣٨	« درعالم
٢٢	٣٠	« دنیااز
٤٤٧	٣١	« دنیابر
٨٨	١٦	« مزد
٢٣٥	٣٦	« نام این
٢٤٥	١٢	« نامش
٣٦٤	٢١	« نامو
٢٩٩	١٣	« نفع
٢٦	٣٢	« هستی
٣٦	٣١	چیست هستی
٣٨٢	١٣	چینه و
٦٨	٣١	چینیان چون
٦٨	٢٨	چینیان صد
٦٨	٢٦	چینیان گفتند خدم
٦٨	٢٥	چینیان گفتند ما
٦٨	٢٧	چینیان گفتند یك

حرف ح

صفحه	سطر	اول بیت
ح ـ ا		
٣٩٦	٣٥	حاتم اربودی
٤٠٠	٢٥	« ارمرده
٩٢	٥	حاجب آتش
٦٣	٨	حاجبان
٤١٤	٢٥	حاجت آوردش
٥٦	١٣	« او
٣٩٢	٢٠	« این
١٨٩	٧	« تو
٢٢١	٢٤	« خودعرض
٣٢٦	٣٥	« خودگر
٢٠٥	٣٧	حاجتش نبودبسو
٢٨٢	٣٠	حاجتش نبودبفعل
٥٣	٢٤	حاجتش نبودیی
١٣٦	٢٣	حاجیان آنجا
١٣٦	٢٤	حاجیان حیران
٢٢٥	٣١	حادثات
٢٤٧	٢١	حارسی از
٢١٩	٣١	حارسی دارم
٣٥٩	١٨	حازمی باید
١٠١	٨	حاش لله ار
٤٣٨	٤٦	« لله ار
٣٢٩	٦	« لله ایش
٥٨	٢٧	« لله این
١٣٢	١٦	« لله بل
٣٢٩	١٩	« لله ترك
٤٠١	١	« لله تو
٤٨	٢٥	« لله طمع
٢٧	٢٢	حاصل آمدآن
١٨٥	٢٠	« آن آمد
٤١٠	٢٢	« آنجا
٤٣٤	٣٣	« آن چون
٢٤	١٣	« آن خرگو
٤٢٤	٢	« آن روضه
١٩٢	٨	« آن زن
٤٢٠	٤١	« آنشهزاده
٤٢٠	١٩	« آن شه نیك
٢٤٢	١٥	« آن کاندر
٣٩٧	٣٠	« آن کز لبس
٢٠٢	٣٦	« آن کز زهر
٢٦٢	٣٠	« آن کروسوسه
٣٧٣	٣٧	« آن کز هر
٣٧٣	١٥	« آن کودك
١١٨	١٧	« آن که او
٣٠٠	٢١	« آنکه تا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۸	۹	حاصل آنکه درسب
۲۵۵	۲۱	« آنکه کم
۲۰۸	۳۸	« آنکه هر
۴۳۵	۸	« آن ملاح
۲۶۰	۹	« آن هامان
۴۳۷	۴۳	حاصلاچندان
۴۳۵	۲۳	حاصل ارفرمان
۵۳	۲۰	« افعال
۱۶۵	۹	« اندرخوا
۱۵۹	۱۸	« اندروصل
۲۲۵	۱	« اندریك
۱۱۲	۱۱	« این آمد
۲۱۰	۱۳	« ابن اشکه
۲۳۰	۳۵	حاضر آمد
۸۷	۲۵	« آوردند
۲۰۷	۳۳	حاضران از
۴۸	۳۲	« گفتند
۲۴۲	۱۷	حضري ام
۱۷۰	۲۸	حافظانرا
۲۵۶	۶	حافظ هرچیز
۴۳۶	۶	حاکم است او
۱۴۳	۱۰	حاکم اندیشه
۱۰۴	۲	حاکمست و
۳۴۱	۲۶	حاکمی بر
۴۳۵	۳۳	حاکم من
۴۳۹	۳	حاکم وفرمان
۹۹	۲۴	حاکی اندیشه
۹۸	۲۴	حال آن سه
۲۶	۲۵	« آن کو
۳۴۰	۲۲	« امروزی
۱۴۴	۴	« اواین است
۲۴۶	۳۴	« اوزان
۱۳۵	۳۳	« ایشان
۳۱۹	۱۸	« این اسبان
۴۳۳	۲۲	« این اسرار
۳۴۰	۲۰	« باطن
۳۷۷	۷	« بودی
۳۷	۳۰	حالت دیگر
۳۶۷	۳۵	« صورت
۱۳۳	۴	« من
۲۴۴	۲۸	حال تودانند
۳۱	۷	« چون
۲۷۰	۲	« خودتنها
۳۵۶	۱۶	« خودرا
۲۸	۱۶	« دریا
۳۷۹	۳۲	« رفت
۴	۱۷	« شاهو
۱۰	۲۴	« عارف
۱۰	۵	« عالم
۲۶	۲۶	« فرعونی
۲۳۷	۱۸	« کاخر
۴۷	۴	« ماابن
۳	۲۴	« حال ماو
۱۰۶	۳۴	« من اکنون

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۱	۲۱	حال نمرود
۴۵	۲۵	حال وقالی
۱۵۹	۳۷	حالها موقوف
۴۳۶	۲۳	حالیادر
۴۲۵	۷	حال یك تن
۳۷۹	۲۴	حاملان و
۲۴	۲۶	حامل دین
۳۰۵	۲۹	حامل عرش
۶۸	۸	حاملندو
۳۴۲	۲	حامله شد
۱۹۴	۲۰	حامله گریان
۶۳	۲۸	حاملي نو
۲۱	۳۲	حاملی مجهول
۲۵۶	۲۹	حایل گنج
		ح ــ ب
۱۸۰	۹	حب جاه
۲۸۵	۱۵	حبذا آن خرمن
۴۴۳	۸	حبذا آن سالکان
۲۸۸	۲۳	« آن شرط
۲۸۵	۱۵	« آن مطبخ
۲۸۴	۳۲	« ارواح
۳۶۹	۲۰	« اسبان
۳۷۲	۹	« خوان
۲۸۳	۳۴	« خوانی
۲۸۵	۱۶	« دریای
۳۷۲	۳۷	« دوچشم
۴۰۵	۱۴	« کاریز
۳۲	۳۴	حبس کردی
۱۲۱	۲	حبك الاشیاء
۱۶۴	۴	حبل وهیزم
۲۶۶	۲۰	حبهٔ آن
۶۴	۱	حبهٔ را
		ح (ج ــ د)
۳۷۰	۲۴	حجب این
۲۳۰	۲۶	حجت انکار
۱۷۴	۹	« بارد
۴۳۶	۱۴	« خود
۳۴۵	۲۱	حجتش این
۲۶۱	۳۴	حجت منکر هماره
۲۶۲	۳	حجت منکر همین
۴۳۲	۸	حجتی آورده
۳۱۳	۳۵	حجره را
۲۱۶	۸	حج زیارت
۲۸۸	۱۰	حداعیان
۲۴۶	۲	حدجسمت
۳۱۹	۳۳	حدخود
۲۵۱	۱۳	حدمن
۲۹۳	۳۱	حدندارد این سخ
۴۱۰	۳۷	حدندارد این سخ
۴۱۷	۳۶	حدندارد اینمثل
۱۱۷	۱۲	حدندارد وصف
		ح ــ ر
۱۲۱	۱۲	حرص آدم
۱۶۸	۲۵	حرص اندرعشق

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۴	۱۲	حرص اندرکار
۲۸۷	۱۹	« بطاز
۲۸۷	۱۹	« بطیکنا
۳۱۳	۳۱	« تازد
۲۲۰	۳	« توچون
۲۳۴	۸	« تودر
۳۰۲	۳۳	« جوید
۳۳۱	۵	« چون
۲۸۷	۲۱	« حلق
۳۲۱	۲۷	« خوردن
۳۷۰	۳۸	« در
۱۴۰	۳	« دنیا
۲۹۱	۱۳	« صیادي
۳۱۳	۳۲	« غالب
۳۱۳	۳۱	« غالب
۲۳۴	۱۰	« کارترا
۳۰۴	۵	« کورت
۳۲۷	۱۰	« کورو
۱۶۸	۲۶	« مردان
۱۷۸	۴۳	« نابینا
۱۲۱	۳	« وکین
۲۸۳	۲۱	« ووهم
۲۸۹	۱۷	حرصهای رفته
۳۰۳	۲۰	حرف آموزد
۳۶	۲۳	حرف چبود
۸۹	۳۲	حرف حکمت بر
۱۵۷	۲۸	« حکمت خور
۹	۶	« درویشان بد
۴۷	۷	« درویشان بد
۴۷	۶	« درویشان بد
۳۰۳	۲۱	« درویشان بد
۲۴۳	۱۳	« درویشان و
۸	۲۲	« ظرف
۹۰	۲۳	« قرآن راضر
۲۰۵	۳۰	« قرآن رامد
۳۶۳	۴	« گفتن
۴۴۷	۳۸	« گفتي
۳۵۳	۷	« گوی و
۴۴۷	۳۷	« میگوئی
۳۶	۲۴	« وصوت
۳۰۱	۱۹	حرفها ماند
۲۴۸	۲۷	حرفهای خط
۲۸۴	۸	« طرفه
۱۷۲	۲۹	حرمت آنکه
۱۲۱	۳۹	« این
۱۷۸	۱۵	« ذات
۳۲۶	۱	« وآب
		ح ــ ز
۱۸۲	۲۶	حزم آنباشد که بر
۱۴۱	۲۱	« آنباشد که بهر
۱۴۱	۲۵	« آنباشد که چو
۱۴۲	۵	« آنباشد که ظن
۱۴۱	۲۰	« آنباشد که گو
۱۴۱	۱۹	« آنباشد که نفر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۳	۹	حزم ازاو
۱۸۲	۲۵	« چبود
۱۷۲	۲۰	« چه بود
۱۴۲	۶	« سوءالظن
		ح ــ س
۷۹	۲۶	حس ابدان
۱۶۶	۲۷	« اسیر
۴۴۸	۱۵	حسبی الله
۳۹۳	۵	حس بیل
۱۳۰	۲۰	« تواز
۳۸۵	۱۶	« حیوان
۱۴	۸	« خشکي
۷۹	۲۴	« خفاشت
۸	۲۶	« دنیا
۱۶۶	۳۱	« رابیخواب
۵۳	۲۲	« راتمیز
۳۳۰	۱۸	« راحیوان
۳۳۵	۲۹	حسرت آزادگان
۳۷۴	۱۲	« آنمردگان
۱۵	۱۱	« و
۴۰۵	۴۲	حسن حق
۲۶۶	۲۳	« دختر
۳۵۶	۲	« صورت
۱۶۷	۱۳	« ظن است
۱۶۷	۲۳	« ظنی
۳۴۵	۲۳	« یوسف
۹۵	۳۶	« یوسف
۹۸	۱۷	حس وفکر
۱۲۸	۳۶	حسهابا
۱۶۶	۲۸	« واندیشه
۷۱	۳۲	« وعقلها
		ح ـ (ش ـ ص ـ ض ـ ف)
۳۰۹	۱۹	حشراصفر
۱۰۰	۳۲	« پرحرص
۱۰۷	۱۳	« تو گوید
۲۰۱	۲۲	حصبه و
۱۴۴	۲۲	حصن ما
۱۶۸	۲۳	حضرتش
۵۰	۸	حضرتي
۲۸۱	۲۲	حفت الجنه بچه
۱۰۷	۱۹	حفت الجنه بمکر
۳۴۷	۷	حفت الجنه مکار
۳۱۳	۳۹	حفرهاشان
۱۴۳	۳	حفظ کردم
۲۸۳	۴	حفظ لفظ
		ح ــ ق
۹۳	۲۸	حق آن آنی
۱۱۳	۲۹	« آن حقی
۱۱۴	۲۷	« آنشه که
۵۰	۱۷	« آنقدرت
۱۱۷	۲۷	« آنقوت
۵۴	۱۶	« آن کف
۱۱۴	۲۵	« آنکه چرخهٔ
۱۱۴	۲۶	« آنکه دایگی

صفحه	سطر	اول بیت
۹۳	۲۷	حق آن نور
۵۱	۲۰	« ازآن
۲۷۱	۳۷	« اگرچه
۲۸۲	۸	« بیردش
۲۶۶	۱۰	« بحکمت
۴۲۹	۱۳	« بدان و
۲۹	۳۷	« بدورو
۳۱۷	۴۰	« بدید
۲۲۷	۱	« برای
۴۲۳	۲۰	« بعزرائیل
۴۱۴	۲۴	« بفرماید
۳۷۵	۲۷	« بکشت
۵۱	۳۶	« بگفته
۹۴	۱۶	« بمن بنمود
۲۱۲	۱۹	« بمن گفته
۳۳۲	۷	« بودتاویل
۳۰	۲۳	« پدیداست
۱۷۱	۹	« پذیرد
۴۳۱	۴۲	« پی آن
۴۰۵	۲۱	« پی شیطان
۱۳۹	۹	« تراباطل
۴۴۴	۳۵	حقتعالی از
۴۴۴	۴۰	« جل
۲۲	۲۵	« جهد
۶۳	۲۲	« خلق
۳۰۲	۳۲	« داد
۴۴۶	۴۴	« رافع
۴۸	۲۱	« عادل
۱۴۲	۳۷	« فخر
۱۸۹	۳	« کاین
۱۲۴	۲۹	« گرم
۱۳۰	۲۷	« گفت در
۱۱۹	۴	« گفت کاین
۱۵۴	۲۴	« وحی
۳۹۶	۲۱	حق چواندر
۳۹۹	۲	« چوبخشش
۲۷۵	۱۷	« چوخواهد
۲۸	۶	« چوسیما
۳۰۷	۱۰	« حق
۳۲۴	۷	« ذات
۲۴۲	۲۷	« زایجاد
۲۳۹	۲۸	« زبحر
۳۶۰	۱۶	« زهرجنسی
۴۹	۴	« زمین
۳۸۵	۱۳	« سنون
۴۵	۷	« سلامت
۳۰۷	۱۰	« شاهی
۱۲۴	۱۳	« شب
۲۹۱	۱۷	« شکنجه
۳۹۷	۳۷	« شنید
۸۳	۳۶	« فرستادانبیا
۸۳	۳۵	« فرستادانبیا
۱۸	۱۰	« فشاند
۳۰	۱۱	« قدم

صفحه	سطر	اول بیت
۸۴	۱	حق قیامت
۳۴۱	۲۸	« کرا
۴۰۱	۱۱	« کشیدت
۳۲۴	۵	« گشاده
۱۴۲	۳۹	« مادر
۳۲	۱۱	« محیط
۱۱۱	۲۸	« مراچون
۵۲	۲	« مراگفته
۳۹۹	۲۰	« مراورا
۴۱۱	۳۷	« معیت
۲۴۹	۱۹	« منزه
۳۳۲	۳۸	« میان
۲۷۱	۳۸	« نجنباند
۴۱۰	۴	« ندارد
۲۵۰	۳۳	« نداند
۱۷۵	۳۰	« نمودش
۱۷۴	۳۷	« نهان
۳۷۰	۲۸	« نه‌قادر
۱۴۲	۲	حقها بروی
۳۶۸	۸	حقه پرلعل
۱۴۲	۴۰	حق هزاران
۳۶۸	۸	حقهٔ سربسته
۳۹۴	۳۱	حق همیخواهد که
۷۰	۳۴	« همیخواهد که
۷۰	۳۶	« همیخواهد که
۳۷۷	۳۵	« همی‌دید
۱۷۱	۲۹	« همیگوید چه
۳۹۴	۳۱	« همیگوید غر
۲۱۷	۲۲	« همیگوید که آ
۱۴۴	۵	« همیگوید که آ
۸۷	۱۵	« همیگوید که ا
۲۲۴	۳	« همیگوید که د
۱۷۳	۸	« همیگوید نظ
		ح ـ ك
۱۰۰	۳۵	حکم آن خو
۴۳۴	۴۳	« آن شاه
۴۳۲	۱	« اغلب
۳۳۳	۵	« اوبر
۴۳۶	۲۹	« اووفعل
۳۵۹	۳۱	« اوهم
۱۶	۱	« این طومار
۷۱	۲۸	« بردل
۳۸۳	۱۹	« برظاهر
۲۶۹	۳	حکمت اظهار
۴۳۸	۳۱	« افکنده
۳۳۶	۳۷	« این
۲۰۸	۱۳	« حق در
۲۰۸	۳۰	« حق مانع
۱۲۸	۸	« دنیا
۱۲۳	۳۲	« قرآن
۲۹۴	۱۸	« کشتن
۷۰	۲۵	« لقمان
۱۲۸	۸	حکمتی کز
۳۳۶	۴۱	« که
۱۶۳	۲۰	حکم چون بر
۲۳۹	۶	« چون در
۲۴۶	۲۷	« حق بر
۱۵۹	۹	« حق را
۳۳۱	۱۱	« حق گر
۵۴	۱۱	« حق گسترد
۱۱۴	۱۱	« خذها
۴۳۹	۲۵	« شاهی
۲۵۰	۱۰	« غالب
۴۴۱	۳۴	« ماکردیم
۴۳۴	۲۳	« واجب
۳۱۵	۳۱	« وتقدیر
۱۲	۱۳	حکمهای هر
۸۶	۲۵	حکم یزدان
		ح ـ ل
۲۸۸	۹	حل این اشکال
۷۵	۷	حلق انسان
۱۷۷	۲۲	« ببریده جهد
۷۵	۸	« ببریده خورد
۱۳۸	۹	« بخشد جسم
۱۳۸	۱۱	« بخشد خاك
۱۳۸	۱۹	« بخشید او
۸۵	۲۱	« بینی آورد
۷۵	۸	« ثالث
۱۳۸	۲۲	« جان
۷۵	۷	« حیوان
۱۳۸	۲۲	« عقل
۴۱۳	۲۵	« کان
۱۳۸	۲۱	« نفس از
۴۲۱	۳۰	« ودندانها
۳۱۳	۲۱	حلقه آن در
۸۲	۱۹	حلقهٔ آن صوفیان
۱۰۰	۱۶	حلقهای سلسله
۳۶۷	۲۴	حلقه بر در
۱۹۴	۲	حلقهٔ خاصش
۳۸۸	۲۹	« دیگر
۶۱	۲۴	حلقه زد بر در
۲۳۰	۲۸	« زن زین
۲۹	۳۱	« کردند
۴۴	۱۲	« کوران
۱۵۳	۲۷	« گرداو
۲۴۹	۷	حلم او خود
۵۴	۱۵	« ایشان
۱۷۶	۳۷	« حق
۲۷۶	۲۲	« درحلم
۲۴۹	۱۰	حلمشان بیدار
۲۴۹	۱۰	« همچون
۴۰۰	۳۵	حلم موسی
۴۳۶	۱	حل وعقد
۴۱۹	۲۷	حلها پوشیده
۲۹۴	۳۶	حله میبرد
۲۴۵	۱۳	حلیهای روح
۲۴۵	۱۳	حلیهٔ تن
۲۴۵	۱۴	حلیهٔ روح
		ح ـ م
۳۸۵	۱۳	حمد ایزد
۱۰۶	۳۶	« تونسبت
۲۴۴	۹	« شان
۲۴۴	۶	« عارف
۲۴۴	۶	« گفتی
۱۱۸	۱۶	« لك
۹۸	۳۴	« لله
۴۷	۲۰	« میگوید
۱۹۲	۳۷	« وتسبیحت
۳۷۹	۲۳	حمل نبود
۴۲۵	۱۱	حمله آرد
۷۲	۱	« آرند
۶۶	۱۴	حملها ورقص
۲۹	۵	حمله برخود
۲۵۴	۳۸	« بردند
۲۵۴	۴۰	« بردی
۱۹۹	۳۸	حملهٔ دیگر بمیرم
۱۴۴	۳۳	« دیگر تو
۳۲۱	۴	« زن در
۳۲۱	۷	« ماده
۱۵	۱	حمله مان
۳۲۹	۱۵	« میکن
۶۶	۲۰	حمیت دین خواند
۶۶	۲۰	« دین را
۱۴۳	۳۵	حمیتی بد
		ح - (ن - و)
۱۴۶	۵	حنظل از
۳۵۰	۱۳	حوت اگرچه
۲۹۰	۱۳	حوررا
۳۴۹	۲۷	حوریان
۱۲۹	۴۰	حوض با
		ح - ی
۱۳۵	۳۵	حیث ماکنتم
۲۴۱	۳۱	حیدری
۳۳۴	۴	حیرت آنرغست
۲۳۱	۱۳	« اندرحیرت ا
۲۷۶	۳۵	« اندرحیرت
۳۳۶	۳۶	« اندرحیرت
۴۰۷	۲	« محض
۴۵	۲۴	حیرتی آمد
۳۳۳	۳۵	« آید
۱۵۴	۳۷	« باید
۴۳۱	۳۷	حیف از یاری
۳۴۳	۱۷	حیفش آمد
۹	۳۳	حیف میآید مرا
۱۹۵	۲۵	حیلت او از
۱۰۹	۱۵	« ومردی
۱۴۴	۷	« ومکر
۱۲۸	۹	حیله آموزان
۲۰۴	۱	« اندیشی
۲۲	۲۵	حیلهاشان جمله
۱۵۴	۲۶	« را
۱۵۲	۲۴	حیلها وچارها
۲۲۱	۱۰	حیلهای تیره
۱۷۳	۱	حیلهٔ باریك
۱۰۹	۱۷	« خودرا
۱۵۰	۳۵	حیله راخوردند
۲۱	۲۲	« کردانسان
۲۱	۸	« کردند آمدند
۲۸۰	۱۸	حیلهٔ کردوبخوا
۱۱۲	۲۳	حیله کردوکرد
۴۰۳	۳۷	حیلهٔ محمود
۱۴۵	۶	حیله میکردند
۳۱۸	۳۳	« وافسون
۱۲۷	۳۵	« ومکر
۱۴۱	۷	« هاوچاره
۳۳۴	۱۴	حی وقائم
		حرف خ
		خ - ا
۳۲۱	۴۰	خائفان راه
۲۳۴	۲۳	خاتم تو
۴۴۷	۳۱	« دست
۲۳	۲۶	« ملك
۴۱۶	۳	خادع دردند
۸۶	۶	خادم آمد شیخ
۸۷	۳۵	« آمدگفت
۸۲	۲۹	« این گفت
۱۹۰	۲۳	خادمه سفره
۹۸	۸	خاربن دان
۹۸	۷	« در
۹۸	۷	« هر
۵۹	۹	خاربیمعنی
۲۳۲	۲۵	خارپشتا
۶۰	۲۸	« جمله
۲۳	۳۰	« خارحیله
۶۷	۲۹	« خاردو
۲۷۰	۱۲	« خورتا
۴۰	۲۸	« دان آنرا
۵	۲۴	« درپاشد
۵	۲۴	« دل را
۲۷۰	۱۳	« راز
۴۴۲	۲	« راه
۱۴۳	۲۵	« سه سویست
۳۱۹	۱۶	خارش و
۱۵۱	۸	خازنش
۲۶	۱۰	خاص از بهر
۴۳۳	۱۲	« خاص آنست
۳۱۰	۲۴	« خاص مخزن
۳۱۷	۳۵	« دلاکش
۳۸۹	۳۴	« وعام
۵۵	۲۶	« وعامه
۲۳۳	۲۳	خاصه آن ارضی
۲۴۹	۱۲	« آن باده
۳۵۲	۱۳	« آن دریا
۳۴۱	۱۳	« آن را
۳۹۲	۲۷	« آن سبلی
۸۵	۲۰	خاصه آن منفق
۲۷۰	۱۵	« ازبالای
۶۷	۱۴	« ایخواجه
۲۸۶	۸	« این آتش
۲۸۸	۱۴	« این آتش
۳۹۹	۲۱	« این روزن
۱۲۸	۲۶	« باغی
۲۹۸	۶	« پنجه
۸۸	۸	« تقلید
۲۸	۱۹	« جزوی
۱۲۵	۲۱	« چرخی
۲۲۱	۱۹	« چشم
۲۷۴	۸	« چنین
۴۱۷	۲۸	« خرقه
۷۹	۲۲	« خورشید
۳۷۴	۲۱	« درویشی
۱۷۶	۱۹	« درهنگام
۱۱۹	۱۶	« دزدی
۶۶	۲۹	« رنجور
۱۱۱	۲۰	« شهبازی
۲۹۱	۲۹	« عمری
۳۹۰	۲۷	« کاندر
۴۳۸	۴۷	« کزمن
۲۷۲	۲۸	« گفتندی
۲۳۵	۱۴	« مردحق
۵۶	۵	« مرغ
۳۲۴	۱۵	« من
۳۹	۱۳	« هرشب
۲۵۸	۴۰	خاصیت بنهاده
۳۹۵	۱۴	« در
۱۵۵	۸	خاطر آردبس
۲۶۲	۳۵	« توهم
۶۷	۵	« رنجور
۸۲	۱۵	خاطرش شد
۲۰۸	۴	خاطر مجرم
۳۸۰	۸	خافض است
۱۰۳	۳۷	خاك آدم
۴۳۴	۳۱	« آن ادبار
۳۹۸	۳۶	« ازاستیلا
۱۰۳	۳۸	« ازدردی
۳۹۶	۲۸	« ازهمسایگی
۳۲۹	۱۹	« اکنون
۱۳	۷	« امین
۱۶	۵	« اوکردند
۱۴۰	۹	« اوگردی
۴۳۴	۲۸	« اومشك
۹۹	۱	« برباداست
۸۶	۳۴	« برسراستخو
۱۷۵	۴۱	« برسرکرد
۴۴	۲۷	« برفرقش
۳۰۷	۸	« برقانون
۳۹۴	۱۶	« بوکرد
۳۵۰	۵	« بی بادی
۳۸۰	۱۳	« بین

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۷	۲۲	خاك پاکان
۹۷	۶	« پایش
۳۹۶	۲۹	« توهم
۹۶	۲۸	« درچشمش
۳۳۷	۳۵	« درچشم قلا
۸۰	۱۲	« درگاهت
۳۳۶	۴۰	« رابرسر
۴۹	۱۶	« رابرسیم
۲۹۵	۳۵	« رابینی
۲۳۰	۲۶	« راتصویر
۳۲۵	۳۰	« رادادیم
۴۱	۲۵	« رادرگور
۳۲۸	۲۴	« رادیدی
۴۲۲	۷	« رارنگی
۴۰۸	۱۷	« رازربخش
۱۸۳	۳۱	« راگونی
۳۰۷	۳۶	« رامشغول
۳۲۵	۳۰	« رامن
۲۳۰	۲۴	« راونطفه
۳۹۹	۲۷	« رهچون
۱۹۵	۸	« زرشدسنگ
۳۶۳	۳۲	« زرشدهیئت
۱۰۳	۳۴	« زن در
۹۷	۵	« شدجان
۳۵۳	۸	« شدصورت
۱۷۷	۳۵	« شودر
۹۷	۳۵	« شوره
۱۱	۲۲	« شومردان
۳۷	۱۷	« غم
۲۰	۱۲	« قارون را
۱۵۳	۱۷	« قارون را
۲۸	۱۵	« کوشد
۳۶۱	۴	« گرگین
۲۹۶	۲۸	« گوراز
۲۰۸	۲۵	« گوید
۳۰۶	۴	« لوزید
۳۸۶	۳۵	« مارا
۳۰۶	۱۰	خاکم اززاری
۵۸	۱۲	خاك میخوردیم
۴۴۵	۳۹	« وآب
۳۸۶	۱۰	خاکها پر
۹۹	۱	خاك همچون
۳۲۱	۱	خاکی است آن
۳۹۹	۳	خالدین شد
۳۴۹	۳۷	« فی
۴۲۹	۱۰	خالق آتش
۱۸۳	۳۳	« افلاك و
۲۵۶	۵	« افلاك و
۴۳۸	۱۴	« الارض
۲۷۱	۲۱	« تزویر
۲۵۶	۶	« دریا
۴۳۴	۱۶	« عقلا
۱۹۳	۲۴	« عیسی
۴۴۵	۴۱	« وصانع

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۰	۲۸	خالقی کو
۲۲۴	۲۴	خاله را خایه
۴۱۱	۳۶	خالی از خود
۴۲۲	۱۲	« اشکم
۶۱	۲۲	خام را جز
۲۱۳	۱۴	خام سادر
۱۹۹	۵	خامشند و
۳۹۳	۱۳	خام شوخی
۲۴۸	۳۰	خامشی
۴۴۱	۱۹	خامه را بر
۲۲۰	۳۶	خامی و هرگز
۴۰۹	۵	خانقاهی
۴۰۹	۷	خانقه چون
۸۷	۳۳	« خالی
۲۹۸	۷	خان و مان جغد
۱۶۳	۳۶	« ومان رفته
۱۱	۱۹	« ومانها از
۴۱۷	۷	خانه آمد گنج
۳۲۶	۱۶	« آن تست
۱۲۷	۶	« آن دل
۲۵۶	۳۰	خانهٔ اجرت
۲۳	۱۳	خانها سازد
۹۵	۱۲	« وقصر
۴۲۲	۲۹	خانه‌ای
۹۶	۳۲	خانهای ما
۳۵۷	۲۸	خانهٔ با این
۳۵۷	۲۷	خانه با بنا
۲۵۶	۲۴	« برکن
۱۲۷	۲	خانهٔ بی زینهار
۱۴۵	۱۳	« پردود
۴۰۲	۳۰	« پرنقش
۴۲۲	۲۸	خانه تنگ آمد
۱۹۴	۱۷	خانهٔ تنگ و
۲۱۹	۱۵	خانه تنگی
۵	۲۰	« خالی کرد
۵	۲۱	« « ماند
۲۴۲	۵	« « یافت
۱۷۱	۸	« خودرا شناس
۳۶۱	۳۴	خانهٔ خودرا همی
۳۹۰	۱۲	« داماد
۲۲۴	۷	« دل
۸۳	۱۸	« دیواست
۲۸۶	۱۰	خانه را او
۱۳۴	۱۱	« رابخرید
۳۹۷	۳۹	خانهٔ را کش
۷۵	۱۳	خانه را کند و
۳۲۶	۳۸	« رامن
۷۵	۱۴	« راویران
۴۱۸	۱۰	خانهٔ سر
۲۱۲	۳۳	« مرغ
۱۵۹	۳۲	« معشوقم و
۹۷	۳۲	خانه معمور
۳۴۱	۱۰	« میروبد
۱۱۳	۲۰	خانهٔ نو

صفحه	سطر	اول بیت
۹۷	۳۸	خانهٔ ویران
۳۹۰	۱۳	خانه‌ها را
		خ (ب ـ ت)
۲۱۷	۲۰	خبث و جور
۹۴	۲۹	« یارش
۱۹۲	۲۴	ختم کرده
۳۵۴	۱۹	ختمهائی
		خ ـ (د ـ ذ)
۱۳۲	۳	خدمت اکسیر
۳۹۹	۲۱	« او
۱۹۲	۹	خدمتت بسیار
۳۲۴	۳۶	« این
۳۳۹	۱۶	« برجمله
۸۴	۲۹	خدمت خودرا
۳۸۸	۳۸	« شیخی
۱۱۳	۳۱	« من
۳۶۵	۱۸	خدمتی میکن
۳۵	۲۶	خدتموا
		خ ـ ر
۱۷۳	۳۷	خر از این
۴۳۱	۳۸	« بیاگه
۳۱۹	۱۵	« بدو
۸۷	۳۱	« برفتو
۹۰	۲۶	« برهنه
۳۴۱	۳۴	خربزه چون
۱۰۲	۱۷	خربزه آورده
۳۲۷	۷	خرسی
۲۰۵	۱۵	خربطی
۴۳۱	۳۸	خربه پیش
۴۵	۱۱	خرج کردم
۸۳	۱۲	خرجهنده
۹۰	۲۵	خرچو باشد
۹۰	۲۴	« چوهست
۴۳۱	۳۲	خرچه باشد
۳۲۱	۲۶	« دوسه
۲۳۹	۳۱	خردهای خدمت
۲۳۰	۱۹	خرده کاری بود
۲۴۰	۱۰	« کاریهای
۴۷	۷	« گرددر
۵	۲۵	خرز بهر دفع
۳۲۳	۴	« زدورش
۳۱۹	۱۵	« زهرسو
۱۰۹	۱۵	خرس چون
۱۱۰	۱۸	« را
۱۱۰	۴	« هم
۲۶۴	۱۲	خرفروشان خصم
۸۳	۱۲	« فروشانه
۲۹۸	۵	خرقه بر ریش
۳۷۴	۲۸	خرقهٔ تسلیم
۱۶۵	۱۵	« مارا
۴۰۹	۷	خرکجا ناموس
۲۹۴	۴	« کمیز
۱۰۸	۱۷	« گریزد
۳۲۰	۲۶	خرم آن حیوان

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۳	۳۷	خرم آن کاین
۳۰۲	۲۵	خرمؤدب
۲۶۰	۱۰	خرمن فرعون
۳۰۹	۳	خرمنی بودی
۳۰۲	۶	خرمهذب
۲۶۵	۸	« نبیند
۲۴۷	۳۹	« نخواندت
۶۵	۳۸	« نشاید
۸۳	۸	« همه شب
۳۰۲	۱	« همی شد
۳۰۲	۵	« همی گاید
		خ ـ س
۱۶۶	۲۹	خس س انبه
۸۶	۱	« خسانه
۸۳	۸	خسته از زه
۴۳۲	۱۸	« ودرمانده
۲۵۹	۲۸	خسرو اول
۳۲۲	۱۲	خسرو شیرین
۳۸۲	۳۱	خس نهٔ
		خ ـ ش
۴۰۹	۱۳	خشت اگر پر
۴۲۲	۲۴	« اگر زرین
۳۴۵	۳۰	« خشت
۴۰۹	۱۶	« رامگذار
۲۵۳	۳۶	خشک بر میخ
۱۱۴	۲۲	« دیدآن
۲۶۵	۲۴	« شداز
۱۲۰	۲۴	« گوید باغبا
۱۲۰	۲۵	« گوید راست
۲۴۶	۳۸	« می آورد
۱۵۹	۴۴	خشکی اب
۴۰۵	۳	« نخلش
۳۷۵	۲۷	خشم احیا
۳۳۱	۲	« اشتر
۷۴	۲	« بر
۲۷۱	۱۹	« بنشان
۱۴۰	۳۵	« پیغمبر
۱۹۳	۱۰	« تو
۹۹	۱۴	« خود
۳۳۹	۷	« خونخوارش
۳۳۱	۱	« درتو
۱۱۷	۲۴	خشمش آتش
۱۹۸	۲۸	خشم شاه عشق
۴۰۳	۲۷	« شحنه
۴۱۲	۲۹	« گبرد
۱۶۲	۹	خشمگین بازن
۱۱۱	۳۵	« شد
۱۸۲	۱۰	خشم مردان
۱۸	۹	« مربخی
۴۰۱	۱۵	« مبارد
۴۲۱	۱۷	« رذوقت
۹	۱۵	« وشهوت
۱۵۳	۳	خشمهای خلق
۱۵۳	۲	« خلق

صفحه	سطر	اول بیت
		خ (ص ـ ض ـ ط)
۲۱۲	۲۰	خصم تنها
۱۲۲	۲۰	« خوردرا
۴۴۱	۲۱	« خیبر
۴۱۸	۱۴	« در
۴۸	۶	« ظلم
۱۷۴	۳۸	« گفتش
۴۱۵	۲۹	« منکر
۳۱۵	۳	« ویار
۳۸۵	۳۲	« هرشیر
۲۶۰	۱	خضر کشتی
۹۳	۱۶	« والیاس
۲۳۹	۱۴	« وقتی
۴۴۷	۲۸	خط آزدی
۳۵۷	۲۸	« باکاتب
۴۴۸	۲۰	خطبهٔ سکه
۲۵	۵	« شاهان
۲۴۰	۳۱	خطوتینی
		خ ـ ف
۶۰	۲۸	خفتگانی کز
۱۱	۷	خفته آن باشد
۱۰	۲۴	« ازاحوال
۱۰۸	۶	« ازخواب
۱۶۲	۳۳	« استا
۳۵۵	۱۴	« باشم
۲۶۷	۳۳	« باشی
۲۲۹	۲۴	« برتختی
۳	۲۸	« بودآنخواب
۲۲۸	۳	« بودآن شه
۲۷۶	۳۰	« بودآنشیر
۲۹۳	۶	« بوداو
۳۶۴	۲۶	« بودستبد
۱۵۴	۳۶	خفتهٔ بیدار
۲۰۷	۲	خفته درمسجد
۲۶۷	۳۸	« راگر
۱۰۸	۷	« زان
۲۷۶	۳۰	« سازد
۲۶۸	۱	« می بیند
۳۶۹	۳۷	« نه روز
۳۸۰	۹	خفض ارضی
۳۸۰	۹	« ورفع این
۳۸۰	۱۰	« ورفع این
۳۸۰	۱۰	« ورفع روزگ
۳۸۱	۳	خفیه زان
۴۱۲	۱۵	« کردندش
۱۴۵	۱۰	« میکردند
۱۴۵	۷	« میگفتند
۱۵۶	۱۷	« میگویند
		خ ـ ل
۱۴۹	۲۳	خلعت طاوس
۳۴۷	۴۷	« وادرار
۳۱۰	۷	« هستی
۳۴۰	۶	خلعتی بوشید
۶۴	۲۹	خلفهم سدا

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۷	۱۰	خلق آبی را
۷۲	۲۶	« آمد
۶۸	٤	« اطفالند
۱٦٦	۲٦	« اندرخواب
۲۹۷	۲۵	« بروی
۹۵	۱۰	« بی‌پایان
۳۳۸	۱۳	« بیرون
۱۹۲	۱٦	« پرسیدند
٤۱۸	۲۷	« پندارندزر
۱۷۱	۲۱	« پندارندعشر
۲۳	۲۸	« پنهان
۳۷۰	۲۹	خلقت آدم
۳۷۰	۳۰	« طفل
۱۷۷	۲	خلق جمله سر
۱۷۸	۳	« جمله علتی
۱٦۹	۸	« جویان
۱٦	٤	« چندان جمع
۳۸٦	۲۷	« چون یونس
۳۲	۸	« حق
۱۹	۱٦	« خودرا
۱۹۳	۳۰	« دربازار
٤٤۱	۱	« دردریا
٤۰۳	۲٦	« درزندان
۳٦۵	۳۵	« درصف
۲۳٤	۵	« دیوانند
۱۳	۳۵	« دیوانه‌شدند
٤۱۸	۳۸	« راازبند
۱۵۳	۴۳	« راازجنبش
٤۰۰	۲۷	« راازگرگ
۳۰٤	۳۷	« راباتو
۲٤۸	۱۵	« رابنگر
۱۰۰	۲۰	« راتاب
۳۹۹	٦	« راچون
۱٦٦	۱۷	« راخواند
۳۷۷	۱۰	« رادردزدي
۷۲	۷	« رادودیده
۹٦	۱۰	« راطاق
۲۷۹	۲۲	« راگرزندگی
۱۵٤	۹	« رامیخواند
۲۲۰	۲۸	« رامیراند
۳۷۲	۲۷	« رنجور
۳۹۸	۳٤	« زشت
۷۱	۴۳	« عالم جملگی
۹۵	۱۱	« عالم چون
٤٤٤	۳۸	« گفتنداز
۲۳٦	۱۵	« گفتنداین
۱۷٤	۱٦	« گفتنداین
۷۲	۲۷	« گفتندش
۲۳۵	۲۵	« گفتندش
۱٦۹	۳۰	« گوناگون
۱۷۰	۲	« گویان
۳۰۸	۲۱	« گوید
۲۳۵	۱۳	« مابرصورت
۱۲۱	۱٤	« مست

صفحه	سطر	اول بیت
۱٦۰	۱٦	خلق میخندند
۲٦۸	٦	« میمیرند
۳۹۵	۳۲	« می‌گفتند
٤٤٦	۳٤	« نیکو
۱۷٦	۳	« هم‌اندر
۲۵۳	۲٤	« یکدل
۱۲۳	۲٦	خلم بهتر
۷۹	۱۳	خلوت از
۳٤۰	۳	« وچله
		خ ـ م
۲۷۳	۳۳	خمرتنها
۳۰٦	۳۷	« دفع
٤۲۲	۱٤	خم روان
۲۹٤	۲۵	خمروچنگ
۵۸	۹	خم‌شکسته
۳۵۲	۱۲	« که‌ازدریا
۳۲۲	۱۰	خمهای
		خ ـ ن
۱۱٤	۲٤	خنجرتیزی
۷٦	۱٤	« وشمشیر
۲۲۵	۲٦	خندش آمد
۱۵۰	۳	خندق و
٤۱۳	۱۷	خندقی از
۳۷۸	٤	خندمین تر
۱٤۹	۱٤	خنده آمدحاضر
٤۱۰	۲۸	« آمدشاه
۳۷٦	۱۰	خندهادر
٤۲۹	۹	خنده‌اش آمد
٤۰۸	۲۵	« اش آمد
۲۷٤	۲۱	« اش گیرد
۳۷٦	۲۷	خندهٔ او
٤۱۱	۳۷	خنده بوی
۳۷۸	۱۱	خندهٔ چه
٤۳۳	۳۳	خنده‌راپیرایه
۲٦۵	۲۹	« رادر
۳۸۳	۲	خندهٔ زد
٤۳۷	۳۲	خنده‌زدزان
۳۰۰	۳٤	خنده‌ش آید
۵۷	۱۱	« می‌آمد
٤۳۹	٤٤	« میزن
		خ ـ و
٤۱۵	۱۲	خواب احمق
٤۳	۱۷	« بردش
۱٦۵	۱۱	« بیداریت
۷۹	۲۰	« بیداریست
۱۹٤	۱۵	« توآن
۳۸۹	۲۰	« توبیدار
۳۸۹	۱۹	« «
۳۸۹	۲۱	« «
۳۸۹	۲۰	« «
۳۸۹	۲۱	« «
۳۸۹	۲۲	« تومانند
۱٦۹	۳۲	« چبود
۳٤۸	۱٤	« چون

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۱	۲۵	خواب خرگوش
۳۱۲	۲٤	« خودرا
۳۳٦	۳	« خوش بر
٤۰٤	۳۲	« در
۲٦۵	۲۳	« دیداو
٤۱٤	۳۷	« دیداو
٤۰٤	۲۹	« دیدم خواجه
٤۰٤	۳۰	« دیدم خواجه
٤۰٤	۲۸	« دیده
٤٤۰	۳۱	« راز
۳٦۱	۳٦	« رابگذار
۲۵۸	٤۱	« رایزدان
٤۱۵	۱۲	« زن
۲٦۵	۷	« عام است
۷۲	۹	« مرده
۲۰۷	۳	« مرغ
۱۷۹	۵	« می‌بیند
٤۱۲	۱۳	« می‌بینم
۱۹٤	۱٦	« می‌بینند
٤۱۵	۱۳	« ناقص
۳٦۱	۱٦	خواباناکی کو
۲٦۷	۳۷	خواباناکی لیك
۳٦۱	۳	خوابهابیزار
۳٦۸	۲۸	« می‌دید
۱۰۲	۲	خواجگان این
۵	۳۱	« وشهر
۳۵۵	۳۲	خواجه آخر
۱۸۸	۲۲	« ازدور
٦٤	۸	« اشکسته
۱۰۱	۲۸	« اش میداشت
۳۱۱	۱۷	« امن
۳۸	۲	« اندرآتش
٤۳۱	۲٦	« باآن
۳۸	۲۳	« باخود
٤۳۹	۲۷	« بادو
۲٤۸	۱۲	« بازآاز
۲۵۲	۲	« بازآمد
۳۱٦	۲۹	« برتوبه
۱٤۷	۳۵	« برجست
۱۸۸	۱۹	« برره
۳٤۱	۳۳	خواجهٔ بود
٤۳٤	۳۹	خواجه بهرآن
٤٤۰	٤۳	خواجه بیدار
۱٤۵	۳۱	« پنداردکه
٦۷	۱۳	« پنداردکه
۵۰	۱٦	« تاشانیم
۱٤٦	۱۰	« تاشب
٤۰۰	۳٦	« توباری
۳۵٦	۲۸	« جمعیت
٤۳۰	۲۷	« چون با
٤۳۱	۳٦	« چون بشنید
۳٦	٤	« چون دید
۳۵٦	۲۷	« چون دید
٤۱٤	۳٦	« چون میرا

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱	۳۰	خواجه چون پیلی
۱٤٤	۲۵	« حازم
۳۸	۱۰	« حیران
٤۳۰	۹	« خطی
۱۰۵	۸	« خیرست
۳۱۵	۳۳	« درخانه
٤۸	۱۸	« درعیب
۱٤۵	۲۰	« درکار
۳۹۹	۱٤	« راازچشم
۳۵۵	۳٦	خواجهٔ رابود
۳۹۹	۱۵	خواجه راجان
٤۲۸	۳۷	« راجز
۳۹۹	۱۳	« راچون
٤۰٤	۲۹	« رادیدم
۱۷٦	۳۱	« راکشتی با
۱۷٦	۲۹	« راکشتی و
۳۹۹	۱٤	« راکو
۷۰	۲۰	« راگفتند
۷	۲۳	« روزی
۱۷۷	۱٤	« زاده عقل
۳۵٦	۱٤	« زاده ما
٤٤۷	٤۲	« شمعم بر
۳۹۸	۲۰	« شمعم داد
٤۳۰	۲	خواجهٔ عالی
۱۰۳	۳۵	خواجه فردا
٤۰٤	۵	« گفت ای
۳۵۷	۲٤	« گفت این
۳۸	۲۲	« گفتش
۱۰۲	۵	« لقمان ازین
۱۰۱	۳۲	« لقمان بظاهر
۱۰۲	۱۵	« لقمان چو
٤٤۲	٤۱	« لولاك
۳۵۷	۲٤	« می‌پنداشت
۱٤٦	۵	« وبچگان
۱٤۱	۳۷	« هرسالی
۳۹۹	۳۰	« هم
۱٦۳	۳۵	خوارگشته
۳٤۳	۸	« وخودرو
٦٤	۹	خواری ودونی
۱۸۹	۲۲	خواست آبي
۳۵٦	۱٤	« آن
۱۹	۲	« تااو
۲۱۹	٦	« دختر
۲۸۱	۲٦	« دیوانه
۳۳۱	۳۰	خواستش میگو
۳۷۲	۲۵	خواست صوفی
۳۳۸	۳	« کشتن
۱۱۵	۱	خواستم این
٤۰٤	۱٦	« تاآن
۲۲۷	۳۲	« تااز
۹	۳۰	« تادین
۲٦۵	۲۵	خواست مردن
۱٤۹	۳۸	خواستم گفتن
٤۰۵	۳۵	خواستند ازش

صفحه	سطر	اول بیت
٤۰۲	۱۸	خواست یاری
۳۲۸	۳۷	خواستی مسجد
۳۱۹	۲	خوان او
۸۲	۲۰	« بیاوردند
۱۱۲	۳۸	خواندافسونها
۱۰۳	۳۲	« اوآن
۸۹	٤	« اورا
۲۸	۲۵	« برشیر
٤۱۸	۱٦	« برقاضی
۳۸٤	۹	« بروی
۳۷۵	۱٦	خواندش اندر
۸٦	۲۵	خواندعیسي
۱۷۸	۱۷	خواندم اورا
۲۳۹	۱۰	خواندمزمل
۱٤۱	۱۱	خواندن بی‌درد
۳٤۰	۲۹	خوان کشید
۵۳	۸	« که
۲۸۱	۳٦	« ومهمانی
٤۱۵	۱٦	خواه احمق
٤۰	۱۸	« ازنور
۱۷۳	۱۵	« باغ و
٤۰	۱۹	« بین نور
۳۱۳	۱۰	« خودرا
۷۰	۳٦	خواهد آن رحمت
۲۸۱	۳۳	خواه درصدسال
۲۳۲	۳۸	خواهرانت جمله
۲۳۲	۳۷	« را
۲۳۲	۳٦	« ساکه
۲۳۳	۳۱	« یافته
۳۳٦	۱٤	خواهرش گفتا
٤۰	۱٦	خواهرآدم
٤۳۵	۱۷	« سگ
٤۷	۱۹	« صاف و
٤۰	۱۹	« نوراز
۳٦٦	۲۷	« نیك و
٤۰۷	۲۹	خوبتر زان
٤۲۰	۲۱	« زین
۱۱۸	۱۱	خوبرادر
۳۹۹	۱۱	خوبرویان
۱٤٦	۷	خوب گشته
۱۱۸	۱٦	« گوید
۲۸۷	۳۷	خوبی بازار
٤۰٤	۱۷	خوداجل
۲۱۸	۱۹	« ادب
٤۰۷	۱۵	« ازاو
۳۱۲	٦	« ازاین بالوده
٤۳٦	۳٤	« اصابع
۱۱۹	۳۵	« اگر
٤۳۲	۳۱	« الاله
٤۰٦	۵	« بدان قلعه
۱۰۸	۲۸	« بدانی چون
۲۲۹	۵	« بدانی چون
۲۰٦	۱۸	« بدیدید
٤٤٦	۲۵	« برآن

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۴	۳۴	خودبرتو
۵۴	۵	« بزرگی
۳۵۸	۱۹	« بگفتی
۳۶۳	۱۷	« بگوتا
۲۶۲	۱	« بگیراین
۱۹۷	۳۳	« بنه‌و
۴۴۶	۲۸	« به‌ازخورشید
۴۴۳	۲۳	« به‌نسبت
۱۹۵	۱۷	« پشیمانی
۲۰۳	۱۳	« تبوراکست
۳۸۳	۲	« تراکاری
۳۱۰	۴	« توپوشیدی
۳۶۸	۲۰	« تودانی
۳۶۸	۲۰	« تومیدانی
۳۱۱	۲	« تومیخوانی
۳۲۰	۲۲	« توکل
۵	۹	« ثنا
۵۹	۱۱	« جهان‌آن
۵۹	۱۲	« جهان‌آن
۳۵۴	۱۲	« جهان‌جان
۴۴۵	۲۹	« چه‌باشدبه
۳۱۰	۱۲	« چه‌باشدپیش
۳۷۸	۲۹	« چه‌باشدگر
۵۵	۲۳	« چه‌باشدگوه
۲۹۹	۳۵	« چه‌برسم
۴۳	۲۸	« چه‌جای‌ترك
۱۵۷	۴۷	« چه‌جای‌حد
۹۶	۳۴	« چه‌جنس
۴۴۶	۴۵	« چه‌دانند
۲۰۹	۳۴	« چه‌شد
۳۷۷	۶	« چه‌کم‌گفتی
۵۴	۱۵	« چه‌گویم
۹۱	۳۶	« حسد
۶۷	۹	« حقیقت
۲۶۹	۸	« خرد
۱۷۱	۱۱	« خیالش
۲۸۷	۳۳	« دات
۲۴۲	۲۰	« دوپیغمبر
۱۷۳	۱۸	« رواداری
۲۲۹	۴	« رها کن
۱۳۵	۳۱	« زبون
۴۰	۲۵	« زیبم‌این
۱۵۲	۱۰	« زن‌عمران
۳۶۸	۱۱	« سزای
۴۲۵	۳۳	« شمار
۲۳۸	۳۵	« صلاح
۲۲۷	۲۴	« ضمیرم
۲۶۳	۲۰	« طواف
۳۸۸	۳۲	« عجبهای
۲۴۶	۲۴	« عدوت
۱۵۹	۱۶	« عصامعشوق
۲۸۲	۱۹	« غرض
۵	۱	« غریبی‌در
۱۶۱	۳۲	« فزون‌آن

صفحه	سطر	اول بیت
۹۱	۱۴	خودقضابر
۵۹	۲۲	« قوی‌ترمی‌بو
۵۹	۲۲	« قویترمیشود
۴۴۳	۴۲	« کثیفی
۱۵۱	۱۱	« کجادر
۱۸۰	۲۵	« کجاکو
۴۳	۱۱	« کدامین
۲۵۷	۳۷	« کراآمد
۷۵	۱۵	« کرازهره
۳۵۹	۳۲	« کلوخ‌و
۷۲	۱۵	« کندرنجور
۲۱۰	۲۶	« کنیدایشان
۱۹۳	۳۶	« که‌بیند
۴۱۴	۳۶	« که‌کوبد
۲۵۷	۳۲	« که‌یابد
۱۳۰	۲۱	« گرفتستت
۱۸۴	۶	« گرفتم‌که
۲۴۳	۴۲	« گرفتم‌مال
۸۱	۲۰	« گرفتی
۶۷	۳	« گمانش
۳۵۳	۲۱	« مؤثرتر
۳۵۳	۲۰	« مؤثرتر
۴۴۷	۲۱	« مجال
۱۴۸	۷	« مخنث‌را
۱۶۲	۱۰	« مراآنکه
۱۰۳	۲۰	« مرااستا
۲۴۸	۶	« ملایك
۳۰۷	۸	« من‌آن
۱۹۷	۵	« نباشدآفتابی
۳۲۷	۲۰	« نباشدجوع
۳۷۹	۹	« نبوداز
۲۵۹	۲۸	« نبودست
۱۶۲	۳۹	« نبیند
۴۱۲	۳۰	« نبینی
۲۷۶	۲۹	« نتانم
۱۶۳	۲۵	« نچینم
۳۸۷	۳	« ندادم
۲۶۲	۳۳	« ندانندکه‌جز
۱۴۴	۱۷	« نشدحرص
۳۸۱	۲۹	« نشدیک‌حبه
۲۵۱	۳۳	« نگشتی‌سیر
۳۸۶	۲۰	« نگفتم
۴۰۶	۱۸	« نگفته
۲۵۸	۱۹	« نمی‌یابم
۲۴۵	۳	« نه‌آن‌بو
۳۸۶	۲۴	« نه‌من‌می
۳۰۴	۴	« نیابی
۱۱۰	۱۶	« نیامد
۱۲۶	۳	« ورابکشید
۴۴۸	۱۲	« وکیل
۲۲۹	۲۷	« همان‌بد
۹۰	۲۰	« هم‌اوآب
۲۸۸	۲۶	« هم‌اوبود
۳۱۵	۲۱	« همین‌جا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۹	۹	خودهمه‌کس
۳۸۹	۲۵	« هنر
۳۵۴	۳۶	« یکی
۲۶۵	۲	خورجه‌اداست
۲۹۸	۲۷	خوردم‌ودانه
۴۳۱	۱۳	خوردن‌ازبهر
۲۷۳	۳۱	« تن
۴۳۶	۹	خورده‌ام‌زخمی
۴۲۳	۹	خورده‌گندم
۲۴۱	۳۲	خوش‌ببین
۴۳	۱۸	« بدی‌جانم
۱۶۵	۲۱	« برآیم
۲۲۵	۱۴	« براقی
۳۶۱	۳۵	« بسوز
۲۱۶	۷	« بکش
۲۵	۵	« بود
۲۰۵	۱۴	« بیان
۵	۱۲	خوشترآنباشد
۱۶۵	۱۶	« ازتجرید
۱۹۸	۲۰	« ازهردو
۴۳۳	۴۶	خوش‌خلاصی
۴۴۵	۷	« خوریم
۳۷۶	۶	« دلم‌در
۸۹	۳۱	« دمست‌او
۱۷۲	۲۶	« سلامتشان
۲۹۵	۲۱	« کندآن
۴۱	۴	« کندست
۱۳۲	۱۳	« مربع
۳۶	۲۳	« نشین‌ای
۲۴۳	۳۰	« نگردد
۱۵۸	۴	« نیامد
۲۶۸	۸	خوشهادرموج
۱۷۹	۱۹	خوشهای‌زفت
۲۱۴	۶	« فکرتش
۴۱۴	۲۷	خوش‌همی‌آید
۱۴۵	۱۸	خوف‌آنکس
۳۴۵	۱۰	« اوخود
۱۸۵	۱۷	« ایشان‌از
۱۸۷	۹	« حرمان
۳۴۷	۳۶	« طی‌شد
۱۲۴	۲۹	« وجوع
۶۵	۳۶	خون‌آنها
۴۳۷	۳۷	« اهل‌ده
۶۵	۳۶	« ایشان
۳۱۲	۲۹	« بجوش‌آمد
۲۲۲	۱۵	« بسی‌رفته
۳۱۴	۲۰	خونبهای‌جرم
۱۱۶	۲۷	« من
۱۰۶	۳۸	خون‌پلیداست
۴۸۸	۴۱	« چکان
۱۳۹	۲	« خوری
۲۴۴	۳۸	خونداریم
۶	۲۶	خون‌دویداز
۱۶	۳۱	« روان‌شد

صفحه	سطر	اول بیت
۱۷۶	۱۱	خون‌شده
۷۴	۱۴	« شودروزی
۱۳۹	۲۴	« شودکهها
۱۰۶	۱۹	« شهیدانرا
۳۵۸	۲۴	« کندزید
۱۰۷	۱۵	« کنددل
۷۳	۴۰	« نپوشد
۲۷۴	۲۵	« نخسبدبعد
۱۷۶	۳۷	« نخسبدبر
۲۷۲	۲۱	« نیامیزم
۱۹۸	۳	« همی‌گوید
۲۵۳	۱	خونی‌وفداری
۳۸۰	۳۹	خوی‌آنرا
۳۹۶	۲۵	« آن‌هاروت
۳۷۳	۳۲	« بااوکن
۳۷۳	۳۲	« بااوکن
۳۷۳	۳۰	« باحق
۲۷۰	۳۵	« بدر
۱۷۵	۲۱	« دارم
۵۷	۱۲	« شاهان‌در
۲۳۸	۲۷	خویش‌ابله
۴۹	۱۹	خوی‌شاهانه
۶۶	۱۹	خویش‌بین‌چون
۷۵	۱۹	« بینی
۷۷	۹	خویشتن‌آراسته
۲۵۱	۲۶	« افکند
۴۴۱	۴۰	« بینی
۴۴۲	۲۳	« خور
۱۷۰	۲۰	« درخاك
۱۵۳	۹	« راآدمی
۱۵۱	۳۴	« راآعجمی
۲۰۲	۲	« راباشما
۱۱۲	۳۵	« رابوعلی
۱۵۱	۳۵	« راترش
۳۱۳	۱۲	« رادوست
۲۹۵	۹	« رادید
۳۷۶	۱۹	« راساز
۱۴۷	۳۷	« راعارف
۱۴۸	۱۲	« راعاشق
۲۵۶	۳۲	« راکور
۲۷۳	۳۲	« راگم
۱۳	۲۶	« رامسخ
۲۳۲	۵	« رامن
۲۳۲	۵	« رامن
۲۰۰	۱۵	« رانیك
۲۴۹	۸	« گرخفته
۲۷۱	۲۸	« مشغول‌کر
۴۲	۵	« مشغول‌م
۹۶	۳۱	« مکشید
۱۵۳	۸	« نشناخت
۲۸۱	۱۸	خویش‌جالینوس
۶۶	۱۹	« درآئینه
۲۸۰	۱۹	« درویرانه
۴۳۲	۴۵	« راآراسته

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۸	۱۱	خویش‌رالزرهر
۴۲۹	۴۱	« رااول
۲۸۴	۲۵	« رابرآتشی
۱۵۳	۳۷	« رابراستنی
۲۰۰	۶	« رابرنخل
۷۲	۵	« رابین‌چو
۴۴۰	۱۱	« رابیند
۳۵۸	۳۸	« راپیچیده
۷۳	۱۰	« راتاویل
۱۰۲	۸	« راتسلیم
۳۳۳	۹	« راتعلیم
۴۱۸	۱۳	« رادرخو
۱۵۱	۳۸	« رادرمضه
۳۹۴	۱۹	« رادزدید
۱۱۷	۲۷	« رادیدیم
۴۱۳	۱۲	« رارسوا
۳۳	۱۲	« رارنجور
۶۸	۲۰	« راصافی
۳۸۷	۲۳	« راعریان
۱۴۸	۹	« رامنصور
۳۸۷	۹	« راموزون
۲۳۸	۱۱	« رانادان
۳۹۳	۱۲	« راهم‌زین
۶۶	۲۴	« راهم‌لحن
۳۶۹	۴	« رایکدم
۴۹	۱۴	« من‌والله
۴۶	۲۷	« وبیگانه
۲۹۵	۱۸	خویشی‌و
۱۱۹	۲۴	خوی‌کن‌با
۲۹۵	۱۴	« کن‌بی
۳۲۱	۱۳	« معده
		خ-ی
۱۶۲	۳۵	خبرباشداوستا
۱۶۱	۲۱	« باشدرنگ
۱۸۱	۳۴	« باشدنیمشب
۳۸۹	۱	« تواین‌است
۳۸۸	۳۸	« شان
۲۴۷	۲۴	« کن‌باخلق
۳۹۰	۳۷	« مطلق
۳۵۹	۲۴	« ناس‌ان
۲۳۴	۱۳	« هاتنزند
۱۲۸	۱۵	خیره‌شددر
۶۰	۲۳	« شددلاك
۱۶۹	۷	« گشتم
۲۱۳	۱۹	« گویان
۳۸۹	۱۴	خیزای‌پس
۴۸۶	۱۷	« ای‌داود
۴۱۳	۹	« ای‌نمرود
۲۳۳	۲۹	« بلقیسابجاه
۲۳۳	۳۲	« بلقیسابابار
۲۴۳	۲۹	« بلقیسابایپیش
۲۳۲	۳۷	« بلقیسابیادولی
۲۳۲	۳۶	« بلقیسابیاو
۲۲۹	۲۳	« بلقیساچواد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۲	۳۸	خبز بلقیسا در آدر
۲۴۲	۳۹	« « سعادت
۲۴۳	۲۸	« « کنون
۲۳۳	۲۸	« « که
۲۴۴	۳۰	« « ومسته
۲۳۹	۲۲	« دردم
۲۳۳	۳	« شیران
۱۶۵	۱۴	« فرعونا
۲۹۳	۷	« کاین سلطان
۲۳۹	۱۳	« وبنگر
۴۴۲	۹	« وزین
۳۴۳	۳	« هنگام
۱۹۹	۳۱	خیك اشکم
۴۴۶	۱۳	خیل نواب
۱۴۱	۳۳	« وفرزندان
۱۹۲	۲۴	خیمه‌درخیمه
۲۵۹	۱	« گردون
۴۳۳	۲۸	« گل‌در
۳۷۴	۳۰	« ویرانست

حرف د

د — ا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۰	۱۴	دائم آتش
۲۴۸	۱۷	دائما پهلو
۱۸۴	۱۲	دائما ترو
۳۹۰	۲	« دستان
۱۸۲	۳۳	« صیاد
۳۴۸	۱۲	« غفلت
۴۱۹	۲	« محبوس
۱۹۵	۴	دائم اندر آب
۲۶۴	۲۷	دائما هرگز
۱۴۸	۱۰	داد او را جملهٔ
۴۴۷	۹	« او را اثابت
۲۹۷	۲۶	« ایشانرا
۵۸	۱	« بخششها
۴۰۸	۱۵	« بسیار او
۱۴۴	۱	« تو
۴۴۲	۲۳	« جان و
۳۳۶	۲۰	« جمله
۱۴۲	۱۶	« حق اهل
۳۹۹	۳	« حق با تو
۳۴۶	۳۱	« حقمان
۴۵	۱۴	« خوداز
۴۵	۱۴	« خردچون
۳۹۹	۱	« دادحق
۳۶۴	۳۹	« دریا
۲۱۲	۹	« دمارا از
۲۱۲	۷	« دمارا که
۳۴۵	۴	« سوگندش
۱۷۹	۱۶	« شان چندان
۴۵	۱۱	« عمری حق
۴۴۵	۱۷	« فرمان
۳۴۴	۱۰	« کغذ
۳۴۸	۲۸	« مارا فضل
۲۱۲	۱۷	دادما و انصاف
۱۴۱	۹	« مرفرعون
۳۸۳	۳۶	دادمی این
۳۹۷	۹	داده بودش
۳۷	۳۳	دادهٔ تو
۱۰۰	۱۶	داد هر حلقه
۴۲۴	۵	داده کرمان
۴۲۴	۴	« من
۴۴۶	۸	دار ایمان
۳۱۵	۱۳	دارد آوازی
۳۴۸	۳۳	دار قتل
۳۵۸	۲۷	« کی ماند
۳۳۵	۳۴	دارم ایمان
۳۲۲	۳	داروی مردی بخ
۳۲۲	۳	« مردی کن
۱۰۹	۳	« مردی کن
۲۶۴	۱۴	داس بگرفت
۳۴۷	۹	داستان ذوق
۲۷۴	۳۲	داشت طغیان
۳۸۹	۳۰	« کاری
۱۱۸	۲۷	داعی حق
۱۸۷	۸	« هر پیشه
۳۹۳	۳۳	دافع هر چشم
۵۶	۲۱	دام آدم
۲۵۲	۱۳	« افکندند
۴۲۳	۱۲	« بگزیدی
۹۵	۳۱	« خودرا
۳۹۶	۶	« دیگر بد
۲۹۴	۲۵	« دیگر خواهم
۴۲۱	۱۵	« رابدران
۲۸۵	۲۱	« راچه
۲۹۴	۲۷	« محکم ده
۲۶	۲۴	« مکر او
۱۸۶	۱۶	دامن اوامر
۱۴۳	۷	« او گبرای
۱۱	۱۵	« او گبر زوتس
۴۴	۱۲	« او گبر کو
۴۲۲	۸	« پرخاك ما
۴۲۲	۱۶	« پرخاکمان
۱۷۳	۲۴	« تو آن
۳۳۰	۱۵	دامنش سوزد
۲۵۲	۱۷	دامن عاقل
۱۸۶	۱۶	« فضلش
۳۱۹	۲۹	دام ودد
۲۲	۲۶	دامهاشان
۳۱۲	۳۹	داند آن عقلی
۱۷۹	۹	« او خاصیت
۳۱۲	۲۵	« او کان
۲۳۸	۱۹	« او کو
۳۸۹	۹	« اینرا
۱۶۴	۷	« و بوشد
۶۱	۳	« وخررا
۴۱۴	۲	دانش آن بود
۲۹۶	۱۸	« آنرا
۲۹۶	۱۷	دانش انوار
۲۳۶	۳۶	« پیشه
۱۱۶	۲۱	« من
۱۰۲	۴۲	« ناقص کجا
۱۰۲	۳۳	« ناقص ندا
۱۵۵	۲	دانشی باید
۳۸۶	۵	« دیگر
۳۰۸	۹	دانکه ایشانرا
۳۰۲	۲۸	« این
۱۱۰	۱	« بایوسف
۴۷	۲۳	« هر رنجی
۲۷۳	۳۳	« هر شهوت
۱۷۱	۱۵	« هر مدحی
۴۰۰	۴۷	دانم آنجا در
۱۹۳	۲۸	دانه آبی
۳۸	۱۴	دانه باشی
۱۳۱	۱	دانهٔ بی مغز
۵۳	۲۶	دانه بین کز
۱۷۰	۲۰	دانهٔ پر مغز
۳۸	۱۴	دانه پنهان کن
۱۳۵	۱۳	دانهٔ جو را
۳۵۸	۳۷	« چندی
۶	۲	دانه چون اندر
۴۱۲	۲	« چون گم
۱۵۰	۱	دانهٔ دامش
۲۵۷	۳۲	دانه راصد
۷۶	۶	دانهٔ کش
۳۰۲	۳۶	دانه کمتر خور
۱۹۰	۲۴	دانه گندم
۲۲۶	۱۷	« گوید
۲۶۴	۱۶	« لایق
۷۶	۷	« مردن
۳۲۵	۲۱	دانهٔ مر مرغ را
۱۳۴	۷	« معنی
۱۴	۱۶	« هر مرغ
۱۴۴	۳۵	« هر میوه
۱۹۳	۲۸	دانی ای عاقل
۴۴۶	۳۹	داوری بر
۴۴۱	۱۱	دایما بر عاشقان
۲۴۵	۳۵	دایه‌اش پنبه
۱۳۶	۱۲	« رابگذار
۲۹۰	۱۷	« عاریه
۱۳۸	۲۵	« کوشیر
۱۴۸	۲۴	« کو طفل
۱۰۹	۵	« ومادر

د — خ

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۶	۳۳	دختران خسروا
۳۳۹	۳۵	« رالعبث
۳۵۰	۱۸	« نعش
۴۱۸	۹	دختر شاهت
۴۲۴	۲۶	« وملک
۲۶۶	۱۱	دختری خواهم
۴۰۸	۸	« دارد
۳۳۶	۱۱	« دارم
۳۰۴	۲۱	دخل از آنجا
۳۰۴	۱۷	دخلها و میوها

د — ر

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۸	۳۷	در آن دریا
۲۴۲	۲۶	در اثر افزون
۲۲۱	۲۱	در اگرچه
۱۷۴	۳۰	در الست آن
۲۵۷	۳	در الهی نامه بس
۱۹۷	۲۱	در الهی نامه گوید
۳۴۶	۳۶	در امانت
۴۰۲	۱	در امیری
۴۰۳	۱۸	در بیست از
۲۱۹	۴	در بیستم تا
۲۱	۲۲	در بیست و دشمن
۱۹۶	۲۰	در بخارا بنده
۴۰۸	۱۵	در بخارا خوی
۱۹۹	۸	در بخارا در هنر
۳۲۵	۸	در بدر این شیخ
۱۱۳	۱۰	در بدر میکرد
۵	۳۳	در برخود
۴۳۰	۳۷	در برش گیرند
۶۰	۱	در بشر رو
۴۹۱	۷	در بصرها
۴۸۱	۱۲	در بغل زد
۴۳۷	۳۸	در بغل نه
۱۴۹	۳۳	در بلاهم
۲۷۰	۳	در بلندی کوه
۲۲۳	۳۸	در بنا هر سنگ
۲۴۳	۳۷	در بنایش دیده
۳۹۸	۴	در بن چاهی
۳۴۰	۷	در بن طاعت
۴۲	۲۵	در بهاران جامه
۴۳۴	۲۶	در بهاران چون
۱۴۹	۳۴	در بهاران خطه
۳۴۶	۹	در بهاران سرها
۴۳۶	۳۹	در بیابان سر
۲۲۶	۳	در بیابانهای
۱۸۱	۲۷	در بیابانی که
۳۸۵	۵	در بیان آنکه
۲۳۴	۲۶	« این حدیث
۲۴	۷	« این سه
۳۹	۳۱	« این شنو
۳۰	۱۶	« این شنو
۸۲	۱۱	« نایدجمال
۳۴۳	۳۶	« نایدکه
۴۰۴	۱۹	در بیوع آن
۲۵۸	۸	در پذیر این
۲۸۲	۱۰	در پذیرم جمله
۲۸۴	۱۵	در پری خوانی
۳۰۳	۱۵	در پس آینه
۲۴۵	۳۶	در پناه بنه
۲۲۵	۷	در پناه جان
۱۷۳	۷	در پناه شیر
۳۸	۱۶	در پناه لطف
۴۰۰	۲۹	در پی او تا
۲۳۷	۱۳	« او کی
۴۳۵	۲۱	« این گله
۲۶۵	۶	« تعبیر آن
۳۶۸	۳۳	« جنت
۳۹۶	۲۷	« خوباش
۳۶۹	۳۹	« خورشید
۴۰۶	۲۰	« سودی
۱۰۱	۴۰	در پیش چون
۱۴۹	۱۱	« کردند
۳۸۸	۱۹	در پی موسی
۴۹۱	۲	در تأنی بر یقین
۳۷۰	۲۷	در تأنی گوید
۴۳۴	۴۱	در تجارت جهد
۴۳۰	۵	« در
۳۶۵	۱۴	« نیستش
۱۷۱	۱۳	در تحیات و
۴۳۰	۳۶	در تحیر در
۱۷۳	۳۵	« ماندم
۴۳	۳۴	« مانده
۶۰	۳۶	در ترازو جو
۴۱	۱۵	« هردو
۱۵۴	۸	در تردد از تو
۳۵۸	۲۱	« مانده
۳۵۵	۶	« میزند
۳۱	۱۹	« هرکه
۳۲۵	۳۳	در تصور در نیاید
۵	۳	« ذات او
۴۰۷	۲۱	در تضرع
۲۷۱	۳۲	در تعجب مانده
۴۰۸	۹	در تفحص آمدند
۳۰۲	۳	« اندر
۳۲۶	۳۹	در تنگ آب
۶۴	۱۴	در تنگ جو
۱۵۱	۳	« دریا
۳۸۵	۲۶	در تلافی
۴۴۶	۵	در تلظ
۱۰۳	۱۵	در تماشای
۱۴۰	۷	در تمامی کارها
۸۲	۴	در تموز
۱۳۵	۳	در تنازع
۳۸۷	۳۴	در تن خود
۱۰۱	۳۷	در تن گنجشك
۳۴۲	۴۳	در تنم یکجایگه
۱۷۹	۲۱	در تنور انداختند
۱۵۲	۱۳	« انداز
۱۸۷	۲۲	در تنور پر
۴۲۵	۳۴	در تن همچون
۴۹	۲۱	در توازمن
۲۷	۱۲	در تو تا کافی
۴۱۵	۳۵	در تو جوعی
۷۲	۱۸	در تو علت
۳۲۰	۲۳	در تو کل هیچ
۳۴	۲۰	در تو نمرودیست

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۷	۴۳	درتونوری
۱۲۶	۴۰	« هست
۲۳۴	۳۲	درثنای
۲۶۱	۱۷	« جدال‌و
۴۰۴	۳۸	درج‌در
۴۲۲	۴۰	درجزای‌آن
۳۱۷	۱۲	« جگرافتاد
۳۴۰	۱۰	« جگرچون
۲۶۱	۶	« جمادات‌از
۱۲۵	۲۵	« جمادات‌اینچنین
۲۶۱	۶	« جماداز‌لطف
۲۰۴	۳۵	« جمادي‌گفتمی
۳۷۹	۲۶	« جمال‌حال
۴۳۰	۱۵	« جمیع‌امر
۲۲۱	۱۰	« حوایش‌بر
۴۳۹	۲	« جوابش‌گفت‌ا
۳۵۹	۲۵	« جوابش‌گفت‌ص
۲۴۱	۱۱	« جوال‌آن
۴۱۹	۳۱	« جوال‌نفس
۱۹۲	۱۵	« جواني‌حمزه
۳۴۳	۲	« جهاداکبر
۱۹۰	۱۶	« جهان‌این
۱۰۱	۳۳	« جهان‌بازگونه
۱۱۹	۲	« جهان‌پوشیده
۴۲۵	۲۴	« جهان‌جان
۲۵۹	۱۹	« جهان‌جنگ
۴۶	۱۹	« جهان‌خاك
۳۵۳	۹	« جهان‌روح
۲۳۳	۱۸	« « گرلطف
۲۲۲	۲۰	« « گرلقمه
۳۳۹	۳۲	« « مرده
۱۲۵	۳۷	« « معروف
۳۴۸	۲۲	« « نبودبتر
۳۲۴	۱۰	« « نبودبتر
۴۰۵	۱۹	« « نبودمدد
۸۰	۱۵	« « هرچیز
۲۴۲	۶	« « هرچیز
۲۴۲	۶	« « هرچیز
۴۳۶	۳۶	« چرزکاویدن
۳۰۳	۳۱	« چله‌کس‌نی
۱۶۶	۲	« چنان‌روز
۱۳۲	۱۳	درچند
۳۳۷	۳۵	درچنین‌راه
۱۵۹	۱۵	« چنین‌مستي
۴۳۳	۲۹	« چنین‌منصوبه
۲۹	۲۴	« چنین‌ننگی
۴۱۵	۱۲	« چنین‌وقتش
۲۸۹	۳۶	« چه‌اندازم
۳۷۱	۲۳	« چه‌بازاری
۱۰۰	۲۳	« چه‌دریای
۳۹۸	۲۹	« چه‌دنیا
۱۸۱	۳۵	« چه‌کاري‌گفت
۳۵۸	۲۶	« چه‌کردی
۷۴	۱۲	« چهی‌افتاد

صفحه	سطر	اول بیت
۷۴	۱۲	درچهي‌انداخت
۲۲۱	۱۷	درحدث‌افتد
۲۹۱	۸	درحدبیه‌شدی
۹۵	۲	درحدیث‌آمد که
۱۶۳	۲۹	« «
۳۰۹	۱۱	« «
۲۵۹	۱۵	« «
۲۳۹	۳۹	« «
۱۶۳	۳۰	« دیگر
۱۲۱	۱۱	« راست
۲۱	۱۳	درحذر
۵۹	۶	درحروف
۳۰۲	۵	درحسدشد
۴۱۲	۲۰	درحشایش
۴۰۲	۱۰	درحضورآفتاب
۴۴۲	۳۴	« آن
۲۴۹	۴	« مصطفا
۳۲۵	۹	درحق‌اوخورد
۱۰۶	۱۲	« اومدح
۱۰۶	۱۲	« اونور
۱۰۶	۱۳	« اونیك
۳۶۵	۲۵	« توآهن
۱۳۴	۴۰	« دیگر
۱۳۴	۳۹	« دیگر
۱۸۷	۱۹	درحقیقت‌آتش
۴۰۷	۲۴	« حق
۱۹۴	۲۸	« خالق
۲۱۷	۲۴	« دوستا
۹۱	۳۳	« رهزن
۱۷۱	۱۷	« مادح
۱۱۷	۳۳	« قمع
۲۱۷	۲۳	« هرعدو
۴۰۹	۱۴	« هریك‌ا
۴۰۹	۱۴	« هریکی
۵۸	۱۶	درحکایت
۳۶۱	۹	درحیاپنهان
۱۱۹	۱۰	درخبرآمد
۲۰۲	۲۸	« بشنو
۱۳۲	۲۶	« خیرالامو
۴۳۸	۲۵	« خیرالکلام
۱۸	۲۴	درخدای
۱۳۱	۱۶	درخرابات
۱۳	۳۰	درخرابی
۳۳۰	۱۲	درخرد
۳۹	۱۴	درخزان‌بین
۷۹	۱۸	« چون
۴۱۸	۱۲	« وباد
۷	۲۳	درخطاب‌آدمی
۳۹۳	۲۶	درخلاص‌او
۲۶۴	۱۸	درخلایق
۳۶۷	۳۰	درخلای‌گوش
۴۰۹	۲۷	درخموشی‌هر
۲۹	۴	درخوداین
۲۰۸	۷	درخورآن

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۱	۳۲	درخوردریا
۲۵۴	۲۹	« سر
۲۶۸	۳۱	« عقل
۲۹۱	۱۹	« فهم
۲۸۴	۸	« هر
۳۶۳	۳	درخوشي‌گفت
۳۸۵	۱	درخیال‌از
۱۱۰	۱۴	« افتاد
۳۷۳	۱۱	« او
۶	۱۸	درخیالش
۴۰۳	۱۳	درخیال‌صورتی
۱۴۱	۱۰	دردآمدبهتر
۶۰	۲۳	دردافزون‌گشت
۲۹۶	۱۵	دردباغی‌گر
۳۴۹	۱۶	دردبودم
۱۱۳	۳۹	« پشتم
۱۱۷	۳۷	« خیزد
۴۱۶	۲	« داروی
۱۵۳	۳۱	دردرنگ
۳۸۰	۲۱	دردرون‌بیشه
۲۵	۱۷	« خود
۱۰۱	۳۶	« دل
۱۰	۱۲	« سینه‌مهر
۲۶۷	۱۷	« سینه‌نفاثا
۲۹۴	۱۲	« شیران
۱۰۶	۲۰	« کعبه
۳۴۱	۵	« هردو
۴۱۷	۱۹	« یکذره
۲۲۳	۱۶	دردزخم
۱۹۴	۱۹	« زه
۱۶۲	۲۵	« سر
۳۴۶	۳۱	« صاحب
۱۷۲	۱۳	دردعاایشان
۲۷۲	۱۱	« بود
۸۱	۱۲	« میخواستی
۴۱۴	۲۱	« ولابه
۲۸۴	۳۹	دردعسر
۴۲۲	۴۱	« غیرت
۳۶۴	۱۴	دردقایق
۴۲۳	۱۴	دردکان‌از
۳۷۵	۱۳	« کفش
۴۳۵	۲	دردل‌آن
۵۳	۲۶	دردلالت
۸۲	۴	دردل‌انگور
۲۰۲	۲۴	دردل‌اوسوراخه
۳۳۶	۱۲	« اومهر
۴۴۴	۳۲	دردلت‌از
۴۱۴	۴	« خوف
۲۰۸	۱۱	دردل‌تو
۴۰۳	۹	« خوارزم
۴۴۱	۴۶	« خودگفت
۴۲۱	۵	« خودیافت
۴۲۱	۶	« خودیافت
۲۹۶	۱۸	« سالك

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲	۱	دردل‌سفره
۹۶	۳۹	« سلطان
۳۴۵	۴۰	« شاهان
۲۷	۲۶	دردلش‌تاویل
۳۵۸	۲۸	دردل‌شحنه
۳۹۴	۳۳	دردلش‌خورشید
۱۷۵	۱۹	دردلش‌نه‌آنچه
۳۹۲	۳	دردل‌عاشق
۳۸۲	۲۲	« که
۱۸۴	۱۱	« مالاله
۵۴	۴	« مؤمن‌گنج
۳۹۷	۲۷	« مؤمن‌نگنج
۳۴۵	۳۸	دردلم‌زین
۳۹۲	۳	دردل‌معشوق
۱۷۴	۱۹	« من‌آن‌دعا
۴۲۵	۱۶	« من‌آنسخن
۳۹۷	۱۲	« موش
۲۹۹	۱	« نه‌دل
۱۳۳	۳۱	« هر
۴۳۴	۱۳	دردمارا
۲۱۲	۳۸	دردم‌قصاب
۱۵۹	۷	دردمندانرا
۱۱۰	۳۴	دردمندی‌کش
۴۳۴	۱۴	دردمیاید
۳۰۶	۳۲	دردمی‌درصور
۳۰۶	۳۱	« «
۸۰	۲۹	دردوچشم
۱۹۶	۱۶	دردوصدمن
۴۷	۲۴	دردهاازمرگ
۸	۲۵	دردهان‌زنده
۳۶۵	۱۰	دردهانش
۳۸۲	۲۷	دردهای‌ساقی
۳۶۶	۳۹	« جغدان
۳۰۴	۱۲	« ضروان
۴۳۳	۲۲	دردیاروکشور
۱۹۰	۲۴	دررپودآن
۲۴۱	۱۷	دررپوداو
۶۹	۱۶	دررخم‌پیدا
۳۶۴	۳۰	دررخت‌گر
۱۳۰	۱۵	« رخ‌مه
۳۹۷	۱۸	« رخی‌بنهد
۹۸	۳۴	« رسن‌زن
۲۳۲	۳۲	« رکاب‌او
۳۹۸	۳۱	« روانسر
۱۲۹	۲۳	« روانی
۱۰۱	۳۵	« روددر
۳۹۱	۳	« روش
۲۵	۹	« ره‌آمدبعد
۸۳	۲۰	« ره‌اسلام
۳۶۰	۹	« ره‌این
۲۴۱	۱۷	« ره‌تاریك
۳۰۲	۲۹	« ره‌نفس
۴۴۷	۴۷	دررياضت
۱۲۹	۳۷	« زبان‌او

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۱	۲۴	درزبان‌میناید
۱۷۰	۲۷	درزمان‌آخر
۱۶۴	۲۲	« آمد
۲۶۰	۲۱	« ابری
۱۵۱	۲۰	« ازسوی
۱۴۰	۲۲	« او
۷۲	۳۴	« انداخت
۴۱۷	۱۳	« برجست
۲۰۷	۲۱	« بشکست
۳۸۷	۲	« بهشی
۸۹	۱	« بیش
۳۴۲	۵	« حال
۸۵	۲۷	« خادم
۱۹۴	۸	« خواب
۱۵۵	۱۲	« درد
۱۲۳	۲۵	« درو
۲۲۷	۲۹	« دیدم
۱۰۹	۱۳	« شاخ
۱۳۵	۱۱	« عدلش
۴۱۳	۲	« گر
۴۳۱	۲۱	« مامران
۲۸۵	۲۶	درزمانه‌صاحب
۲۹۶	۴	« مر
۲۱۷	۸	« هیچ
۲۲۷	۳۱	درزمان‌هزم
۱۸۶	۲۲	درزمانی‌بود
۳۹۷	۱۷	« شان
۳۷۱	۲۳	درزمستان‌سوی
۴۲	۲	درزمستانشان
۴۲	۱	«
۵۴	۹	درزمین‌بودیم
۳۹۴	۳۴	« حق‌را
۲۴۴	۳	« حق‌زرا
۲۳۷	۸	« گر
۱۳۳	۸	درزمینم‌باتو
۸۳	۲۴	درزمین‌مردمان
۵۴	۳	« و
۱۶۷	۳۷	درزمینها
۱۲۹	۱۰	درس‌آدم
۴۰۶	۲۱	درسبب‌چون
۱۳	۳۲	« سازش
۴۰۶	۲۳	« گیري
۱۰۶	۳۹	درسجودت
۲۴۳	۳۹	درسخای‌آن‌شه
۲۲۱	۶	درسخن‌آبادم
۱۳۲	۲۴	« بسیار
۳۶۲	۱۸	درسرآنچه
۲۷۰	۱۸	« آید
۲۷۰	۱۶	« آیم
۲۴۴	۱۸	درسرایت
۴۲۳	۱۳	درسرت‌آمد
۳۶۷	۲۱	درسرحیوان
۲۹۶	۲۴	« خود
۲۷۱	۲۶	درسرودر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۹	۵	درسشان
۱۱۹	۱۹	درسفرگر
۱۶۸	۲۱	« معظم
۱۰۱	۲	درسگ اصحاب
۳۷۰	۲۷	درس گوید
۱۹۹	۱۴	درسمرقند
۳۴۰	۳۲	درسمرگفتند
۳۷۷	۱۱	« میخواند
۱۴۷	۳۶	درسه تاریکی
۲۴۰	۲۷	« روزه
۵۳	۳۲	« گرقالب
۲۹۲	۱۷	درسیاهی
۵۱	۲۴	درسیم گردد
۴۰۲	۱۲	درشب ارخفاش
۴۰۲	۱۲	« ارخفاش
۳۹۲	۹	درشبانروزی
۷۲	۸	درشب بدرنگ
۷۲	۸	« تاریك
۴۱	۱۱	« تعریس
۳۹۴	۲۶	« دنیا
۸۵	۳۸	« مهتاب
۷۳	۳	درشجاعت
۲۵	۹	درشدن خرگوش
۷۴	۹	درشریعت من
۱۱۶	۱۸	« نیست
۱۷۰	۳۲	« هست
۳۹۰	۳۵	« هم
۳۶۲	۲۸	درشعاع بی
۳۹۵	۱۹	« نور
۳۴۵	۴	درشفاعت
۴۳۲	۴	« شقاوت
۴۵	۲۸	« شکاریشه
۳۱۷	۸	« شکاف فوق
۳۱۲	۱۴	« شکر غلطید
۲۱۴	۳۲	« شکست
۵۲	۴	« شماچون
۱۰۵	۱۶	« شمار اندر
۹۲	۲۱	« شنودگوش
۹۶	۲	« شهیدان
۱۵۹	۱۱	« صحابه کم
۱۲۲	۳۹	« صف آید
۲۲۳	۲۱	« صفات حق
۱۳۹	۱	« صفت ناید
۲۲۵	۱۳	« صف معراجیا
۱۳۱	۱۳	« ضرورت
۸۵	۱	« ضعیفو تو
۴۲۴	۱۵	« ضلالت
۴۴۶	۴۶	« طبایع
۱۵۲	۳۲	« طلب زن
۱۶۰	۷	« طلب چالاك
۴۱۴	۵	« طمع خود
۴۰۵	۳۴	« طواف شهرها
۲۷۰	۳۸	« عبادش
۳۳	۲۶	« عجب افتاد

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۷	۱۰	درعجب درماند
۱۱۱	۱۹	« عجب ماندم
۲۸۳	۱۹	« عجب ماندند
۲۷۵	۱۰	« عجبهایش
۳۵۴	۹	« عجوزه جان
۳۵۴	۸	« عجوزی
۷۲	۲	« عدم افشرده
۳۵۷	۳۲	« عدم بودی
۴۰۴	۳۷	« عدم پنهان
۲۸۴	۱۲	« عدم تحریر
۲۹	۱۳	« عدم کی
۳۸۶	۳۴	« عدم مارا
۳۸۶	۳۳	« عدم ما مستحق
۲۹۵	۲۹	« عدم هست
۳۳۶	۱۲	« عذاب و درد
۱۴۰	۱۱	« عذاب منکر
۱۶۴	۳۶	« عریش او
۳۲۶	۲۸	« عطای ما
۳	۲۸	« علاجش سحر
۴۰۲	۳۵	« عمادالملك
۳۷۹	۳۶	« عمارتها
۵۰	۲۷	« عمارت هستو
۱۱۲	۶	« عیادت رفتن
۱۱۳	۷	« عیادت شد
۲۵۳	۲	« غریبی خوار و
۳۴۳	۷	« غزا بجهم
۷۲	۳۲	« غزا بر
۱۸۲	۲	« غلط افتاده
۲	۱۰	« غم ما روز
۱۸۹	۲۵	« فتاداز
۷۲	۲۳	« فتاد اندر بنا
۲۸	۳۴	« فتاد اندر چهی
۳۹۶	۲۶	« فتاد نداز
۵۴	۲	« فراخی
۴۰۶	۴	« فرج جوئی
۳۰۲	۲۳	« فروبست آن
۱۷۵	۲۹	« فروبست و
۱۴۷	۴	« فروبستنداه
۶۸	۲۹	« فروبستندو
۳۵۲	۲۳	« فروغ
۲۱۱	۱۰	« فره دادن
۳۵۸	۳۳	« فسون
۲۵	۱۴	« فغان
۲۱۰	۹	« فقیری
۱۵۲	۱۹	« فکن در
۱۳۴	۲۶	« فلان بیشه
۳۶۱	۲۳	« فلان حجره
۱۷۱	۱۰	« فلان صحرا
۴۰۴	۱۸	« فلان طاقیش
۴۱۶	۱۰	« فلان کو در
۴۱۴	۳۸	« فلان کوی
۴۱۴	۳۸	« فلان موضع
۲۳۲	۳۱	« فلان وادیست
۲۹۲	۱۱	« فاها

صفحه	سطر	اول بیت
۱۷۳	۳۴	درفباب حق
۲۲۸	۲۳	« قبول آرند
۲۲۸	۲۲	« قبول تست
۳۵۲	۱۴	« قران این
۱۶۷	۲۳	« قضا ذرقی
۹۳	۱۲	« قضا یعقوب
۳۰۱	۳۶	« قضیبش
۳۸۷	۳۰	« قفص افتند
۴۰۸	۵	« قناعت خواند
۲۶۶	۱۹	« قناعت میگرید
۱۷۱	۳۲	« قیام این
۲۵۴	۲۵	« قیامت این
۴۰۰	۱۶	« قیامت بنده
۴۳۰	۱۹	« قیامت چون
۲۹۰	۱۶	« قیامت مهر
۱۷۴	۱۷	« کدامین دفتر
۳۰۵	۲۴	« کشاکشهای
۱۵۱	۱۵	« کشیدش
۴۰	۲۷	« کف او خار
۳۰۲	۹	« کف او نرمه
۲۰۶	۲	« کف حق
۱۰۱	۳۸	« کف داود
۳۰۹	۱۶	« کفش بنهند
۱۴۷	۱۷	« کفش تیرو
۳۲۵	۳۶	« کفش زنبیل
۱۵۷	۱۸	« کف هرکس
۲۵۱	۳	« کلیله خواند
۳۹۲	۲۰	« کمال زشتیم
۳۱۱	۲۳	« کمال صنع
۴۳۵	۲۶	« کمان بنهاد
۳۰	۱۲	« کمان نهند
۲۹۴	۲۸	« کمند آرم
۳۵۸	۳۸	« کمین
۳۳۰	۲۴	درك وجدانی
۳۷۳	۲	درگدائی طالب
۳۲۵	۳	« لفظ
۳۸۸	۱	درگداز اید
۳۷۴	۱۶	« این
۲۳۶	۲۵	درگذر از صورت
۹۱	۴۰	« از فضل
۳۸۹	۲۲	« از فضل
۱۵۶	۳۹	« ازما
۱۳۴	۴۳	« ارنام
۲۴۱	۴	« زین قصه
۳۵۰	۱۸	« زین رمز
۳۹۳	۹	گذشت از وی
۱۴۰	۱۳	درگریبان
۳۵۴	۲۳	درگشاد ختمها
۲۸۸	۸	« عقدها
۲۸۰	۱۷	درگشادن
۲۸۰	۲۵	درگشادو
۴۴۱	۱۱	« گشاده
۱۷۳	۹	« گل تیره
۴۱۷	۳۲	« گلستان آید

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۴	۱۵	درگلستان عدم
۸۱	۸	« گلو ماند
۱۷۰	۱	« گمان افتاد
۳۲	۱۳	« گه او
۱۷۳	۳	« گوی و در
۱۱۹	۲۳	« گه طفلی
۲۳۴	۳۷	درگهی را
۴۴۳	۲۰	درلباس این
۲۱۶	۵	« لب و گفتن
۹۳	۳۱	« لحد کاین
۳۷۸	۲۱	« لواطه
۱۸۴	۲۴	« مثال قصه
۲۴	۱۰	« مثالی بسته
۴۰۶	۱۳	« مجاعت بس
۳۹۱	۶	« مجالس
۶۳	۱۵	« محاق ار
۳۰۴	۱۸	« محل دخل
۷۳	۳۵	« محل قهر
۳۷۳	۳	« مدارس
۳۹۲	۲۸	« مدزد
۲۷۹	۲	« مدیحت
۷۳	۴	« مروت ابر
۳۹۱	۱۰	« مری اش
۱۳	۳۵	« مریدان
۳۷۳	۳	« مزارع
۳۹۶	۱۷	« مشارق در
۴۳۰	۳۹	« مشیمه با
۴۴۷	۱۴	« مشیمه بد
۴۰۷	۱۳	« مصاف
۱۴۳	۱۲	« معاصی
۱۲	۳۱	« معانی اختلا
۱۶	۱۶	« معانی قسمت و
۴۴۰	۳۱	« مقام بندگی
۳۱۱	۳۱	« مقام سنگی
۴۲۸	۲۵	درمقامی آتشی
۵۲	۳۲	« جور
۵۲	۳۴	« حنظل
۵۲	۳۱	« خار
۵۲	۳۱	« خوف
۵۲	۳۳	« درد
۵۲	۳۰	« زهر
۵۲	۳۴	« ظلم
۵۲	۳۳	« عیب
۵۲	۳۲	« مقه
۱۶۸	۱۰	« مسکنی
۵۲	۳۰	« هست
۲۶۶	۲۲	درملاحت خود
۱۵۵	۲۴	« ممالك
۲۸	۹	« من آمد آنچه
۲۸	۹	« من آمد آنکه
۹۶	۴۳	« من آویزید
۴۴۷	۳۰	« مناجاتم
۷۲	۱۹	« من ار
۴۳۶	۴۵	« من این ضعف

صفحه	سطر	اول بیت
۶۰	۳۱	درمن و ما
۳۰۹	۲۰	« مهندس بین
۲۹۲	۳۰	درمیان آخر
۱۸۷	۳۳	« آن بیابان
۳۸۴	۲۱	« آن دولشگ
۴۳۰	۲۱	« آید
۳۵۹	۱۴	« امت
۴۴۶	۳۹	« اینچنین
۳۷۴	۱۷	« این دوفر
۱۵۸	۲۷	« این دوفرق
۲۶۵	۲۷	« این دومر
۱۳۶	۳۲	« این مناجا
۱۶۸	۲۴	« بحر
۱۴۷	۳۴	« بیست
۴۰۳	۳	« بیضه
۴۰۸	۳۰	« بیوگان
۴۴۷	۱۶	« تو
۱۱۸	۳۳	« جان ایشا
۱۱۸	۳۲	« جان ترا
۴۱۷	۱۷	« جانشان
۳۳۳	۲۲	« جبری
۲۸۳	۳۵	« چوب
۲۰۱	۳۴	« حمله
۲۸۴	۱	« خاك
۳۰۲	۲۴	« خانه آورد
۴۰۴	۳۱	« خانه افتاد
۱۱۶	۳۴	« خون
۱۲۴	۱۴	« داق
۱۸۰	۱۶	« روز
۳۱۸	۱۷	« سنگلاخی
۹	۲۶	درمیانشان
۱۲	۶	درمیان شاه
۳۲۱	۳۵	درمیانش خنجر
۳۹۹	۲۲	درمیان شمس
۵۵	۱۲	« شهر
۱۳۴	۵	« شیرو
۳۹۱	۹	« صالحان
۸۸	۲	« صد
۴۰۳	۳۳	« قصرها
۴	۹	« قوم
۳	۲۶	« گریه
۸۸	۲۷	« مارو
۴۳	۳۳	« مجلس
۳۶۰	۱۶	« مرغ
۱۴۸	۳۳	« منعمان
۱۷۲	۷	« موج
۲۴۴	۱۵	« ناقدان
۳۸۸	۴۱	درمیانه بیدلی
۳۱۷	۲۲	درمیان بارب
۵۱	۳۲	درنبی آورد
۴۱۹	۳	« ان استطه
۴۶	۹	« انذار
۳۵۵	۵	« بشنو
۲۸۳	۱۵	« شارکهم

صفحه	سطر	اول بیت
٤٤٥	٣٦	در نبی فرمود بر
٧٧	٩	« نبی فرمود که
٣٦٢	١٥	« نبی فرمود که
٢٠٤	٧	« نخود بنگر
٤٣٢	٤	« نصرص
٥٢	٣	« نصیحت
٢٣٣	٤	« نظارهٔ
٤٠٣	٨	« نظر آنچه
٣٩٤	٢٨	« نظر بودش
٤٢١	٨	« نظرها
٢٩٨	٣٦	« نعیم فانی
٢٢٨	١٥	« نولی
٢٩١	٢١	« نگر احوال
٢٣٩	٢٤	« نگرای
١٩٨	٢٣	« نگریس
٢٩١	٢٢	« نگر توقعهٔ
٢٩٦	٢٢	« نگر در شرح
١٦٥	٢٩	« « صنع
٣٢٥	٢٣	« نگنجد عشق
١٣٦	١٥	« نماز استاده
١٧٢	٣	« نماز این
٣٧٦	١٤	« نماز جمعه
٨	١٧	« نماز و روزه
٤٠٨	٣٣	« نمد پیچید
٥٥	١٦	« نمدر
٩٩	٣٣	« نمکسار
٣٦٣	٢٠	« نوا آرم
٤٣٨	٢٨	« نهادت
٣٦	٩	« نهان جان
٥٠	١٨	« نهان خاکی
٢	١٢	« نیابد حال
٣٦٤	٨	« نیاز خشک
٤٥	٣٠	« وجود آدمی
١٩٥	٣٩	« وجود از
٥٣	٣٠	« وجود تو
٣٠٨	٢	« وجودش
١٠٠	٣٥	« وجود ما
٣٨٥	٣٣	« وجود و
١٣٠	٢٠	« وحل
٢٥١	١٠	« وضو
١٧٣	٣٤	در ها بودند
٤٣٨	٣٤	در های ذوق
٢٤٧	٢٨	در هر آنجا
٨٠	١٤	« هر آنچیزی
١٥	١٨	« هر آنکاری که
١٥	١٧	« هر آنکاری
٢٥٩	٢٧	« هزار آتش
٨	٢٥	« هزاران لقمه
١٥٣	٣٥	« هزیمت بس
١٦٩	٣٤	« هزیمت زین
٢٢٤	٢٧	« همش آرد
١٣١	١٤	« همه خمخانها
٣٦٧	٢٧	« همه ز آئینهٔ
٣٦٤	٥	« همه عالم

صفحه	سطر	اول بیت
٤٤٤	٤٧	در همه عمرش نخ
١٤١	٩	« همه عمرش ند
٤٤٧	٦	« همه کس
٣١١	١٨	« هنر من
٤٢٨	٣٤	« هوا چاهش
١٢٠	٤	« هوا چون
١٥٤	٣١	« هوا میکرد
١٧٣	٦	« هوای آنکه
٣٥٣	٢٦	« هوای پای
٣٩٧	٣٣	« هوای عشق
٢٩	٢٢	« هوای عشق
٤٠١	١	« هوای غیب
١٦٣	٣٥	« هوای نابکار
١٢٩	٢١	« یکی بیهی
٣٣١	٩	« یکی تره
١٢	١٣	« یکی راه
٤٤٥	٣١	« یکی سوزن
٣٩٤	٨	« یکی کان
١٢	٢٠	در یکی گفته بکس
١٢	١٤	« « ریاضه
١٢	١٨	« « کزا
١٢	٢١	« « که آچ
١٢	٢٦	« « که اس
١٢	٢٨	« « که اس
١٢	١٦	« « که امر
١٢	٢٩	« « که این
١٢	٢٢	« « که بگذ
١٢	١٤	« « که جو
١٢	٣٠	« « که صد
١٢	١٧	« « که عج
١٢	١٥	« « که وا
١٢	١٨	« « مکا
١٢	٢٤	« « مبسر
١٦٦	١٠	« یکی موی

د ـ ز

صفحه	سطر	اول بیت
٣٥٧	٢٣	دزد آمد در
١١٩	١٥	« آید از
١٠١	٣	دزدئی کن
١٤٣	١٣	دزد چون
١٢٢	١٢	« دیگر
١٢٢	١٨	« را از
٣٣٧	٣٧	« را تو
٣٥٧	١٠	« را چون
٣٣٢	٢٤	« را گر
١٢٥	١٩	« سوی
١١١	٩	« شب
٢١١	٤	« قهر
٨١	١١	« کی از
٢٩٠	٣٣	« گرچه
٢١٦	١٥	« وفا بست
١٢٤	٢٥	« یعنی خاک

د ـ س

صفحه	سطر	اول بیت
٤٢١	٢٩	دست آنکس
٤٣٢	١٩	« از جان

صفحه	سطر	اول بیت
٢٨٧	٢	دست اشکسته
٤٢٢	٢٢	« اندازیم
٤٤٤	١٢	« اندر عدل
١٠٢	١١	« اندر کاله
١٤١	٤٠	« او بگرفت سه
٢١٢	٣٦	« او بگرفت که
٤١١	١١	« او بگرفت و
١١٠	١١	« او بگرفت و
٦٠	٥	« او را حق
٤٢٩	٣٣	« اول
١٦٣	٣٨	« بازو
٢٦٦	٣٥	« بر بالای
٤٢٥	٤	« بر دیگ
١٤٨	٣٤	« بر سبلت
٣٠٤	٢٣	« بر سر
١٥١	٣٦	« بر سینه
٢٢٩	١	« بر کافر
٤٠٩	١	« بر کودک
٢١٧	١٧	« بر میداشت
٥	٢٢	« بر نبشتن
١٢٥	٤٢	« بستندش
٣٩٤	٢٠	« بسته سوی
١٦٦	٢٧	« بسته عقل
٣٤٢	٢٠	« بسته گیر
٤٤٣	٢٨	« بصری
٤	١٩	« بگشادو
٤٠٥	٣٥	« بوس شاه
٣٧	١١	« بوسش چو
٩٩	١١	« پنهان
٦٠	٧	« پیراز
٢٩١	٧	« تواز
٢٣٤	٢٥	« جنباند
٢٢٤	٢٣	« چبود
٦٣	٦	« چشان
٦١	٢٧	« حق باید
٦٠	٦	« حق میراند
٢٥٦	٢٨	« خائی بعد
٦٦	١٨	« خائیدن
٢٠٢	٢٠	« خودخشم
٣٢٠	١٦	« دادستت
٤٣٣	٨	« در دامان را
٤٤٦	٣٢	« در دامان ش
٧٠	٩	« در دست
٣١٥	٩	« در کرده
٤١٧	٢٢	« در فتراک
٢٥٠	٣٢	« در وی زد
٤٣٦	١٨	« دست او
٣٣٨	٨	« دیگر
١٨	٢٥	« را اندر
١٩١	٣١	« را بر اژدها
٢٩١	٥	« را مسپار
١٦٤	٢١	« زاهد
١٧	١٢	« زن در ذیل
٣٣٥	١٦	« زن در کرد

صفحه	سطر	اول بیت
٣٢٦	٢٩	دست زیر بوریا
٣٠٥	٢٢	« سوی خاک
١٨٩	٢٤	« سوی موزه
٥٢	١٠	دستشان کژ
١٥٢	٢٣	دست شد بالای
٣٧٦	٣	« ظالم را
٣٣٩	٣٩	« ظاهر
١٦٦	٢٨	« عقل
٤٢٨	٣٦	« فکرت
٣٢	١٨	« کان ارزان
١٠٥	٢٩	دستک بوسم
٢١١	١٠	دست کوتهی
٤٠٣	٢٥	« کورانه
١٩١	١٢	« کی جنبد با
٣٤٧	١٨	« کی جنبد مر
٣١٦	١٦	« گوید من
١١٦	٣١	« گیراز
٣٩٢	٢٣	« گیر در
١١٨	٤	« گیرنده
٥٩	٣٩	« گیر و بندهٔ
١٧٢	٢٩	« گیر و رهنه
٧٥	٢٥	« ماچون
١٦٤	٢٦	« ماو پای
١٦٦	٣	« ما و دامن ت
٤٤٢	٤٠	« ما و دامن خ
١٨٠	٦	« مزدی
٢٥١	١٢	« من اینجا
٧	٢٧	« من بشکسته
١٠٨	٢٧	« من بنمود
٢٧٢	٢٠	« موسی
٢٤٨	٣٢	« میدادش
٢٤٩	٥	« میزد بهر
٢٩	١٩	« میزد چون
٨٧	١٤	« میمالید
٣٤	٢٣	« ناقص
٢٨٦	٣٨	« نایدبی درم
١٥	٦	« نی تا
٢٢٥	١٦	« نی و پا
١٦٥	٢٩	« نی و جزو
٨٤	١٠	« وآلت
٢٢٩	١٩	« و یا انداخت
٣١٦	١٦	« و یا بدهد
١٦٣	٩	« و یا بی میل
١٧١	٣١	« و یا دادمت
٣٣٢	٢٩	« و یا دادند
٧٠	٨	« و یا در امر
١٠٦	٦	« و یا در حق
١٦٣	١	« و یا در خوا
٤٠٩	١٨	« و یا ساکن
١٨٨	٣٨	« و یا شاهد
٣٥٣	٢٦	« و یا مریخ
٤٤	١٨	« و پای او
١٨٨	١٤	« و پایش ما
٣٣١	٣٦	« و پای ما

صفحه	سطر	اول بیت
٤	٢٠	دست و پیشانیش
٦٩	٢١	دستها ببریده
٣٤٢	١٩	دستها بسته
١٧٢	٩	دستها در نوحه
١٨٨	١٦	دستهای مصطفی
٨٤	٢١	دست هر
١٥٤	٣٥	دسته گل
٢١	٣١	دست همچون پیل
١٩٩	٣٢	دست همچون دف
٦٩	٢٦	دست همدیگر

د ـ (ش)

صفحه	سطر	اول بیت
٣٨٢	٣٦	دشمن آبست
٩١	٣٠	« آن باشد کز
٩١	٢٩	« آنباشد که
٢٦	٢٦	« ارچه
١٩٥	٢٤	« ارگبری
٤٨	١٥	دشمنان او را
٢١٦	١٧	دشمن این حرف
١٥٤	٣٧	« این خواب
٢٥٩	٣١	« توجز
٤٣١	٤٠	« تو هست
٩١	٢٨	« خود بوده
٣٣٧	٣٦	« راه خدا
٥٩	٢٩	« راهست
٨٣	٣٩	« روزند
٦	٢٧	« طاوس
٤٢٣	٣	« من در
٢٩٣	٢٤	دشمنی آن
٢٠٢	٢٣	« داری
١٠٨	٣٣	« غافلان

د ـ (ع ـ ف)

صفحه	سطر	اول بیت
١٤١	٢٥	دعوت ایشان
٣٠٦	١٢	« زاریست
١٤٩	١٥	دعوتش کردند
١٥١	٢	دعوت مکارشان
٢٩٧	٣٥	دعوی پیغمبری
١٥٣	٢١	« دیدن
١٨٠	١١	« مارا
٤١٢	١١	« مرغابئی
٨١	٢٧	دفتر صوفی
١٧٩	٣٤	دفع آن علت
٣٥٦	٢٤	دفع او را
٣٢٩	٤	دفع او میخواهد
١٨٠	١٩	دفع این کوری
١٢٣	٧	دفعشان گفت
١٧٩	٤١	دفع علت
١٠٩	٢	دفع کن از
٤٢٨	٣٦	دفع مامور
١١٦	١٧	دفع میگفتم
٢٣٧	٣	دفن کردش
٢٠٧	٢٣	دفن میکردو

د ـ ل

صفحه	سطر	اول بیت
١٥٤	١٠	دل از این
٢٣٧	٢٨	دل بیند

صفحه	سطر	اول بیت
۷۰	۸	دل بخواهد یا
۷۰	۹	« بخواهد دست
۱۱۶	۲۹	« بخورتا
۹۹	۲۳	« بدست او
۱۲۳	۲۳	« بدستم
۴۲۳	۷	« بدلداری
۱۰	۱۲	« بدو
۳۶	۲۸	دلبران
۱۸۴	۱۱	دلبر و مطلوب
۱۰۴	۱۸	دل بسختی
۲۲۵	۲	« بکعبه
۴۱۵	۱۹	« بیارامد
۱۷	۱۱	« ترادر
۱۷۳	۱۸	« توابن
۲۰۶	۳۶	« چو برانوار
۷۰	۱۱	« چه میگوید
۱۰۰	۹	« زپایه
۱۵۵	۲	« زدانشها
۹۶	۳	« زهریاری
۵۷	۲۲	« شکسته
۱۳۴	۱۸	« فراخان
۲۹۱	۱۸	« فراراز
۱۸۴	۱۰	« فروبسته
۱۳۳	۹	دلق بیرون
۲۸۲	۱۱	دلق چرکین
۱۲۸	۱۴	دلق خود
۳۹۰	۱۷	دلقك ازده
۳۸۹	۳۲	دلقك اندرده
۴۲۵	۱۰	دل قوی دار
۳۷	۲۳	« که او بسته
۳۹۱	۱۰	« که دلبر
۲۹۳	۱۲	« که گر
۵۴	۱۸	« میوشان
۱۷۳	۲۲	« محیط
۲۲۲	۲۸	« مدار
۲۹۸	۱۰	« مدزد
۱۲۱	۱۱	« مگر رنجور
۷۰	۱۱	« مگر مهر
۱۱۶	۳۰	« نباشد آنکه
۹۲	۸	« نباشد تن
۱۷۳	۲۱	« نباشد غیر
۶۳	۲۷	« نگردد تنگ
۱۲۸	۱۸	« نگهدارید
۱۵۷	۱۲	« نهادم بر
۱۲۱	۱۰	« نیارامد
۴۲۰	۵	دلوچه یا
۴۲۰	۴	دلوها غواص
۴۲۰	۵	دلوها وابسته
۴۲۰	۴	دلوهای دیگر
۳۰۷	۱۳	دل همی سوزد
۳۷	۱۸	دل همیگوید از
۲۵۸	۲۲	دل همیگوید خمو
۲۳۴	۱۹	دل همیلرزد

د - م

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۹	۱۷	دم این استور
۴۳۶	۲۵	دم این کته
۱۷۳	۲	دم بجنبانیم
۲۲۳	۱۹	دم بخور در
۳۰۸	۱۹	دمبدم از آسمان
۳۰۸	۱۸	« از آسمان
۲۹۵	۳۱	« از نیستی
۱۰	۱۴	« پابسته
۳۵۸	۳	« چون
۲۴۴	۱۷	« خبط
۴۳۲	۴۶	« درچشم
۲۶۷	۳۲	« درو
۱۹۸	۱۳	« درسوز
۴۰۱	۱۵	« درصفحهٔ
۸	۱	« مکفت
۵۵	۲۵	« هرسو
۴۴۲	۱۳	دم بریداو
۴۳۱	۲۵	دم خر بگرفته
۱۸۶	۳۸	دم خر بسودن
۲۴	۱۵	دمدمه ایشان
۳۸۲	۱۹	« این نای
۲	۹	دمدمهٔ این نای
۴۴۳	۳۸	دمدمه در
۸۳	۲۲	دمدهدتا
۸۳	۲۱	دم دهد گوید
۴۳۹	۴۶	دم رسید
۱۰۶	۳۵	« که هر مرد
۱۷۷	۲۲	« گاو کشته
۴۴۱	۲۵	« مزن از سه
۱۵۷	۴۸	« مزن تا بشنوی
۱۵۷	۳۹	« «
۱۵۷	۳۸	« «
۱۵۷	۳۷	« «
۱۵۷	۳۹	« مزن تادم
۱۰۴	۳۴	« مزن سه
۲۱۸	۸	« نمیگردد
۳۳۴	۳	« نیاری

د - (ن - و)

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۸	۳۳	دنبه پاره
۴۳۶	۳۸	دنبه خورد آن
۴۳۲	۴۵	دنبی دون
۱۵۵	۲۶	دوجوان بودند
۲۰۹	۳	دود آن عشق و
۱۹۷	۵	« آن نارم
۱۹۴	۲۵	« پیوسته
۱۲۳	۲۵	« درحلقش
۲۴۶	۳	دودرم
۱۰۱	۱۸	دود گلخن
۸۷	۲۸	« مطبخ
۱۸۴	۳۲	« می بینیم
۲	۷	دودهان داریم
۳۸۲	۱۷	دودهان داریم
۲۴۳	۲۲	دور از او وز
۴۱۷	۲۷	دور از عاشق

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۱	۱۵	دور از عقل
۱۲۹	۳۱	« از و
۳۱۲	۹	« این خصلت
۲۸۵	۲	« باش غیرتت
۲۷۶	۱۸	« باش و
۱۲۸	۵	« بر آن
۳۲۳	۳	« بود از شیر
۳۲۳	۶	« بود حمله
۲۶۹	۶	« بیانند
۲۶۷	۳۳	« بیند دور
۱۳۵	۲۸	« بینی کور
۸۵	۵	« تست
۳۷۸	۲۹	« دارد
۱۰۱	۸	« دوراز
۱۰	۲	« دور عیسی
۳۸۴	۲۴	« دورو
۲۳۱	۲۹	« شوای
۲۳۱	۲۹	« شو بهر
۱۱۶	۱۴	« شو تا اسب
۲۲۴	۱۳	« عثمان
۳۳۷	۹	« عیسی بود
۳۴۴	۱۴	« گردون را
۳۸۴	۱۳	دورم از تحسین
۱۰۳	۹	دور ماند از
۱۱۵	۳۴	« میشد این
۳۶۴	۲۸	« ملکست و
۲۶۷	۳۴	« میبینی سر
۱۵۹	۲۶	دوری و رنجور
۴۲۸	۱۸	دوزخ آمد
۱۱۸	۲۲	« آنبود
۲۳۳	۱۷	« آن خشم
۲۳۳	۱۸	« آن خشم
۱۹۶	۲۹	« از فرقت
۲۵۹	۱۴	« از مؤمن
۲۵۹	۱۶	« از وی
۱۸۴	۱۶	« اندر وهم
۱۶۸	۷	« اوصاف
۳۳۱	۱۵	دوزخت را
۲۵۶	۱۵	دوزخ درویش
۱۷۵	۲۲	دوزخست آن
۳۰	۸	« این
۱۱۸	۲۸	دوزخ مانیز
۶۹	۲۲	« وجنات
۱۲۶	۳۶	« وجنت
۱۱۴	۱۲	دوزخی افروخت
۳۴۹	۱۶	« بودم
۳۱۱	۲۵	« که پوست
۳۳۷	۱۵	دوسبو بستند
۲۵۹	۳۱	دوست از دشمن
۱۰۱	۵	دوستان از
۱۰۱	۲۴	« بین
۱۰۱	۷	« در
۵	۲۹	« شهر
۴۳۳	۲	دوست بهر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۵	۲	دوست بینی
۲۱۱	۳۳	« حق
۳۸	۴	« دارد
۱۳۵	۲۵	« دشمن
۲۴۷	۲۳	« رامازار
۳۵۰	۲۰	« شورز
۳۷۲	۱۵	« گیری
۱۰۱	۲۶	« همچون
۱۰۸	۳۳	دوستی ابلهان
۱۰۸	۳	« بامردم
۲۶۳	۱۲	« ببرید
۱۰۶	۱	« بیخرد
۱۴۲	۴	« تخم
۲۷۲	۱۳	« توزجب
۳۷۳	۳۸	« جهل
۳۳۴	۱۱	« دروهم
۱۱۰	۶	« زاله
۵۴	۲۱	« مقبلان
۱۳۹	۳۳	« نفس
۳۰	۲۳	دوسر انگشت
۱۷۷	۱۶	دوش چیزی خور
۱۷۷	۱۵	« «
۴۰	۲۶	دوش دیگر
۳۸۴	۲۱	دوعلم افراخت
۳۷۹	۱۳	دوغ ترشی
۵۳	۱۹	« خورده
۲۶۴	۳۲	« روغن
۱۳۵	۱۹	دوقبیله
۴۰۴	۲۵	دوقضیه
۱۲۵	۴۱	دوکس از
۴۳۰	۲۳	دولت تابید
۱۰۵	۱۰	دولت پاینده
۲۵۱	۳۸	دولت تو
۴۳۳	۳۵	« تبزم
۲۹۵	۲۷	« رفته
۳۸۵	۴	دولقب را
۳۹۹	۲۹	دومگوی و
۱۴۱	۳۱	دومه وسه
۲۹۶	۱۲	دون ترین
۴۳۷	۴۰	دون ماله

د - ه

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶	۱۴	ده چراغ
۱۴۵	۳۴	ده چه باشد
۷۰	۱۲	« حس
۲۶۰	۱۴	« خداوندی
۳۵۷	۴	« دهش اکنون
۳۵۷	۳	« «
۴۴۸	۴	« رواجی
۳۷	۲۵	« زکوة
۴۴۸	۹	« کچه
۱۴۵	۳۱	« مروده
۸۹	۲۸	« منادی
۸۰	۱۷	« هزاران
۲۳۴	۳۰	« هزارش

د - ی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۷	۳۴	دید آنجا
۳۱	۱۲	« آن مرشد
۴۸	۳۰	« احمد
۱۷۵	۳۰	« احوالی
۲۳۰	۱۵	« از دورش
۴	۲۸	« اززاریش
۳۰	۳۰	« اعرابی
۱۶۴	۴	« بریشت
۱۹۹	۱۰	« بردانش
۲۳۸	۵	« بس نادر
۴۰۴	۴	« پامرد
۷	۲۵	« پرروغن
۱۳	۲۳	« پیری
۲۰۹	۲۱	« پیغمبر
۱۴۰	۱۹	« پیلی
۴۳۱	۱	« جائی
۲۲۱	۱۴	« جان
۱۴۸	۲۷	« خودرا
۴۰۳	۲۳	« خودمگذار
۱۶۶	۳۴	« درایام
۳۸۱	۲	« درخواب
۳۳۷	۲۲	« درشب
۱۹۲	۸	« درقصری
۵۵	۲۴	« درگاهی
۴	۲۷	« رنج و
۳۹۵	۵	« روی
۲۳۷	۱	« زاغی
۲۰۳	۲۶	« زاید
۳۸۴	۸	دیدش از دور
۲۰۹	۲۱	دیدشان در
۳	۳۰	دیدشخصی
۴۰۸	۲۸	دیدش و
۳۴۴	۳۰	دید شیر
۱۳۱	۷	« شیشه
۲۰۲	۱۴	« شیطان
۳۴۵	۶	« صدچندان
۴۸	۳۱	« صدنقش
۳۷۴	۲۹	« صوفی
۲۴۱	۳۶	« طین
۳۷۲	۳۸	« عرش و
۲۲۶	۲۸	« عطاران
۴۳۲	۳۶	« قومی بیمر
۵۵	۲۶	« قومی در
۱۳۶	۲۸	« کابش
۴۲۳	۱۰	دیدکان شربت
۳۴۷	۳۴	دیدکو سابق
۲۱	۲۴	دیدمارا
۲۵۶	۳۹	دیدم اندر
۳۲۳	۳۷	دیدمت در
۲۰۱	۴۰	دیدمردی
۱۹۶	۳۴	دیدمریم
۲۸۵	۳۸	دیدمش از
۱۳۱	۵	دیدمش اندر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲	۲۰	دیدمش اینجا
۱۰۵	۲۶	دیدموسی
۳۲۹	۳۴	دیدن آمد
۱۶۴	۳	« آن بند
۴۴۵	۱۰	دیدناگاه
۸۴	۲۳	« ناگه
۹	۴	دیدن دانا
۱۲۸	۳۱	« دیده
۱۵۷	۱۵	دیدنش با
۲۵	۲۲	دیدن نور
۴۴۶	۱۷	دیدو دادندش
۲۶۷	۴۷	« ولاف
۱۳۴	۳	دیدها بسته
۴۴۱	۴	دیدها حیران
۲۰۶	۶	دیدها را کرد
۳۶۷	۱۹	دیدها شانرا
۴۱۶	۱۱	دیده ام این
۱۸۸	۲۷	« صدری
۱۷۶	۱	دیدهٔ آنگاه
۱۰۰	۲۲	دیده این شاهان
۳۶۸	۶	دیدهٔ این هفت
۱۸۶	۱۴	دیده بان دل
۴۳۹	۲۷	« باید زحق
۴۳۰	۳۱	« باید زمعنی
۳۰۵	۱۶	دیدهٔ باید سبب
۴۴۳	۱۳	دیده باید که
۲۴۲	۳۲	« بخشم
۱۱۴	۲۳	« بینا
۳۶۲	۱۴	دیدهٔ تن
۸۰	۲۵	« تو
۸۲	۳	دیده چون
۱۰۳	۳۴	« حس را
۲۲۵	۳۷	دیدهٔ حسی
۲۳۰	۳۷	دیده در وقتی
۶۸	۱۷	دیدهٔ دلال
۲۹۲	۱	« دل کو
۳۵۷	۱۱	« ده
۳۰	۲۷	دیده را برجستن
۳۱۱	۳۳	« را برلب
۴۲۹	۱۲	« را بگشاد
۱۸۲	۱۶	« را نادیده
۳۸۶	۴۰	« «
۴۴۲	۲۰	« سبطی
۳۲۴	۱۰	دیدهٔ عقلت
۳۷۹	۸	« عمری
۲۱۶	۱۸	دیده غیبت
۲۹۵	۳۷	« کاندر
۴۱۳	۲۶	« کان نبود
۳۶۵	۸	دیدهٔ کواز
۲۱	۲۳	دیده ما چون
۴۴۱	۳۶	« ماضی
۱۱	۴	دیدهٔ مجنون
۲۹۷	۲۹	دیده منزلها
۴۴۰	۱۸	« می باید

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۳	۲۳	دیده نابینا
۱۸۱	۱۲	« ودل
۳۳۷	۲۱	« هرساعت
۱۷۴	۲۰	دیدیوسف
۴۷	۱۰	دیر باید
۱۱۸	۵	« گبرد
۸۷	۲۹	« یابد
۲۰۲	۱۸	دی زعیم
۱۵۸	۳۰	« سؤالی
۲۸۸	۱	« شوی بینی
۳۷۰	۲۸	دیگ را تدریج
۲۴۹	۸	« راگبر
۲۶۶	۲۹	دیگران از ضعف
۳۶۱	۱۵	« چون
۴۱۰	۳۳	دیگران را بس
۴۲۴	۱۴	« گر
۱۸۹	۳۴	دیگران کردند
۴۳۸	۱۶	دیگر آنکه از
۲۷۰	۲۷	دیگر آنکه چشم
۳۶۵	۲۱	« آنکه نهم
۲۵۷	۲۰	دیگری آمد
۴۲۹	۳۴	« برکلهٔ
۳۵۸	۹	« راگفت
۲۵۰	۳۱	« که نیم
۲۲۰	۳۵	دیگ ز آتش
۱۸۵	۱۹	« لبسی
۳۲۸	۲۵	دیگهای فکر
۴۱۲	۹	دین من از
۱۲	۴	« ودل را
۴۴۶	۴۲	« ودولت
۴۴۵	۴۷	« هرکس
۱۷۲	۱۳	دیو آندم
۲۸۳	۲۷	« از آن
۴۰۶	۱	« اگر عاشق
۲۷۳	۲۰	« الحاح
۴۱۱	۲۱	« بر شبه
۱۴۴	۲۱	« چون باز
۲۹۹	۸	« چون عاجز
۳۸۶	۱۹	« حرص و
۲۵۴	۳۴	« خانه کرده
۲۸۳	۲۷	« بردنباست
۳۷۴	۳۳	« درشبشه
۲۴۴	۱۹	« دزدانه
۱۱	۸	« راچون
۲۲۶	۱۷	« راحق
۱۴	۱۸	« رانطق
۷۱	۳	« رفت از
۳۹	۳	« سوی آدمی
۲۳۶	۱۸	« شان از
۱۱۷	۳۲	« کبود
۲۳۶	۱۵	« گر خود را
۳۵۹	۳۹	« گرگست
۳۳۰	۴	« گوید ای
۳۱۲	۹	« گوید بنگرید

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۳	۴۰	دیو می آورد
۲۸۱	۱۵	« مبتر ساندت
۷۲	۴	« میسازد
۲۳۶	۱۷	« میگفتی
۴۷	۶	« ننموده
۳۶۷	۱۸	« وغول
۴۲۵	۱۲	« ومردم را
۲۳۴	۲۵	« هم وقتی
۲۳۴	۲۲	« یکدم
۲۰۲	۱۸	دی هبگفتی
۲۶۱	۱۴	« یکی

حرف ذ

ذ - (ا - ر)

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۱	۱	ذات جسمی
۴۴۵	۴۶	ذات اواز
۲۸۳	۲۵	« ایمان
۵۳	۲۲	« زرش
۱۳۸	۱۳	ذرها دیدم
۱۰۵	۱۵	« راکی
۳۱۱	۸	ذرهٔ از عقل
۳۵۲	۲۰	ذره بالا
۲۶۱	۱۵	« خود
۴۲۱	۷	« ذره پیش
۳۴۴	۱۶	« ذره عاشقان
۳۹۵	۶	« ذره کاندر
۴۲۰	۸	« ذره گردد
۱۸۶	۳۳	« ذره گر شود
۱۶۹	۲۵	« رابیند
۱۰۳	۳۶	ذرهٔ زان
۴۰۹	۱۲	ذره سایه
۳۵۲	۲۱	« کو محو
۳۳۲	۲۰	ذرهٔ گر جهد
۳۳۲	۱۷	ذره گر در تو
۳۱۷	۲۷	« لاغر
۳۳۶	۲۵	« نبود

ذ - ك

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۵	۲۰	ذکر آدم
۳۷۴	۲۳	« آرد
۳۷۹	۳۱	« آن ارباح
۴۰۶	۱۰	« استثنا
۲۰۵	۲۱	« اسماعیل
۲۰۵	۲۴	« الیاس و
۳۴۵	۲۹	« او کرد
۲۰۵	۲۴	« ایوب
۸۳	۲۷	« بالا و
۲۰۵	۲۲	« بلقیس
۱۰۵	۲۳	« جسمانه
۱۴۰	۴۱	« حق پاکست
۹۱	۸	« حق کن
۲۰۵	۲۳	« حمل مریم
۲۰۵	۲۳	« صالح
۲۰۵	۲۲	« طالوت
۲۰۵	۲۲	« عیسی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۵	۲۶	ذکر فضل
۳۲۴	۱۷	« کوکب
۱۵۷	۸	« موسی بند
۱۵۷	۹	« موسی بهر
۲۰۵	۲۵	« موسی و
۳۷۹	۱۸	« نعمتهای
۴۲۴	۱۸	« نفس
۲۰۵	۲۰	« نوح و
۱۴۴	۳۸	« وتسبیحات
۴۳	۱۹	« وفکری
۱۹۹	۷	« هرچیزی
۲۶۵	۹	« هندستان
۲۰۵	۲۱	« یوسف

ذ - ل - م - و

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۹	۳۵	ذاة الارواح
۲۷۹	۵	ذم خورشید
۴۱۹	۱	ذوق آزادی
۱۳۱	۱	« باید
۱۷۷	۳۲	« پنهان
۱۸۴	۲۲	« جمعیت
۲۰	۲۷	« جنس از
۳۷۶	۹	« خنده
۱۲۱	۳۳	« داردهر
۳۷۶	۱۱	« درغبها
۱۹۳	۱	« طاعت
۱۵۸	۳۶	« نکتهٔ
۴۴۱	۲۳	ذوالفقارت

حرف ر

ر - ا

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۳	۱۴	را بما چون
۴۲۲	۳۲	راتبه جانی
۷۶	۹	راجم آن
۱۵۴	۳۸	راجمون
۴۳۳	۲۷	راح ایام
۱۸۹	۳۹	راحت جان
۳۳۶	۱۶	راحتم این
۷۳	۱۷	راز بگشا
۲۶۹	۳	« پنهان
۳۵۲	۵	« جز باراز
۴۳۳	۱۳	« خص
۴۳۳	۱۰	« راازاهل
۱۰۱	۲۱	« راازدوستان
۱۰۱	۲۰	« راانددرمیان
۱۰۱	۲۰	« راانددرمیان
۴۱۱	۱۸	« راغیر
۲۷۹	۱۰	« راگر
۴۳۳	۱۱	« سه
۳۳۴	۱۲	« گوئی
۳۹۱	۱۷	« گویان
۱۰۲	۵	« میدانست
۱۱۷	۲۱	« میگفتند
۳۴۶	۸	« هارا
۳۳۴	۱۴	« هاگوید

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۳	۱۱	راستان را
۲۷۳	۷	راست بینی
۳۰	۱۳	« شو
۳۸۵	۲۳	« را
۳۷۴	۹	« فرمود آن
۱۷۲	۱۶	« فرموده
۸۱	۲	« کن
۹۲	۱۹	« گردان
۱۴۸	۳۷	« گرگفتی
۲۵۴	۱۵	« گفتست
۹۲	۳۳	« گوئی
۳۴۳	۴	« گوای نه
۴۳۶	۱۱	« گواین
۱۲۱	۸	« گونا
۱۹۵	۳۶	« گوداند
۱۲۳	۱	« مبفرمود
۴۷۵	۳۵	« میکرداز
۲۴۶	۱۶	« میکرداو
۴۷	۳۰	« ناید
۴۳۵	۳۶	راستی از
۱۴۹	۸	« پیش آر
۱۴۹	۱۶	« رابیشه
۳۷	۱۹	« کن ای
۹۲	۳۲	« ونیك
۱۸	۸	راسخان در
۱۵۸	۳۳	راضیم بر کفر
۲۰۱	۱۰	« کزمن
۱۵۴	۱۴	« من شاکرم
۳۱۸	۳۷	« من قسمت
۴۵۳	۱۰	راکب و مرکوب
۱۰	۴	راندا ورا
۴۹۸	۱۴	« اوکشتی
۲۹	۳۳	« حق
۲۶۹	۲۲	« دیوان
۱۱۶	۱۲	« سوی او
۱۱۶	۷	« سوی او
۱۵۱	۲۹	« عمران
۴۲	۲۶	راویان این
۱۸۸	۲	راویه پر
۱۸۸	۲۲	« ما
۲۴۷	۱۷	راه آبش
۴۴۵	۹	« اوبر
۵۳	۲۱	راهبر که
۳۶۰	۷	راه جانبازیست
۳۸۹	۳۸	« جست و
۳۶۰	۹	« چبود
۷۹	۲۴	« خس
۴۴۱	۴۶	« درویش
۳۴۹	۳۰	« ده
۳۶۰	۸	« دین زان
۳۶۰	۸	« دین هر
۱۱۸	۲۰	راهرا برما
۴۴۲	۲۴	راهرا این
۱۶۰	۱۷	راه روزی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۰	۱	راهزن‌مرکز
۳۶۰	۲	راه سنت
۴۵	۲۱	« فانی
۴۱۲	۳۲	« کردی
۳۹۸	۱	« کن‌در
۳۴۵	۳	« گم‌کرد
۴۰۲	۲۸	« لذت
۱۷۸	۳۹	« مرگ
۳۱۰	۱۸	« می‌ندهد
۲۴۰	۳۱	« نزدیك
۴۴۷	۷	« وچاه
۱۲۹	۱۲	راهها داند
۱۵۷	۳۰	راههای آمدن
۲۱۴	۳	« چاره
۱۸۴	۱۷	« صعب
۱۲	۲۴	« مختلف
۲۸۲	۱۹	« مختلف
۲۴	۱۶	راه‌هموار
۱۶۱	۲۶	رای آنکودك
۴۶	۱۸	رایت اکرام
۱۵۱	۴۱	رایتان این
۲۵۱	۱۸	رایحهٔ جنت
۹۷	۹	رایحه‌در
		ر(ب-ت-ج)
۳۹۵	۲	رب اتمم
۳۲۰	۳۵	« اعلی
۳۴۱	۱۸	« اوزعنی
۳۴۸	۳۰	« برمربوب
۱۵۹	۱۴	ربع قرآن
۳۴۶	۳۲	ربنا اناظلمنا سهو
۲۷	۲۷	« گفت
۲۲۱	۱۳	« گفت
۵۳	۴	رب هب لی
۱۸۸	۶	« همی گوید
۱۸۵	۱۷	ربی الاعلی
۴۴۶	۱۶	رتبت و
۱۱۵	۲۱	رجف کرد
		ر-ح
۳۷۸	۲	رحم آمد بر
۱۳۱	۳۴	« آمد مر
۴۱۵	۹	« بردزدان
۱۰۷	۲۷	« برعیسی
۲۶۸	۵	رحمت ازما
۳۷۳	۱۳	رحمت الله
۱۰۸	۴۱	« اندر
۳۰۷	۵	« اوبیحد
۲۶۷	۲۲	« اوسابق
۱۹۵	۲۸	« بیچون
۲۶۹	۴	« بیحد
۳۴۰	۱۰	« بیعلتی
۳۰۶	۳۳	« تو
۱۶۶	۱۸	« جزوش
۱۶۶	۱۹	« جزوی بکا
۱۶۶	۱۸	« جزوی بود

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۴	۱۱	رحمتش بر فهر
۲۸۷	۱۸	« برنقمة
۱۹۵	۲۷	« بی‌زحمة
۲۰۴	۱۱	« سابق
۲۰۹	۴	« مشتاق
۱۰۳	۳۱	رحمت صدتو
۲۰۹	۲۴	« عالم
۴۰۰	۱۵	« مادر
۱۹۵	۲۸	« مخلوق
۸۵	۱۵	رحمتم موقوف
۹۳	۲۷	رحمت ورضوان
۱۹۱	۳۷	رحمتی افشان
۳۷۸	۲۳	رحمتی دان
۱۹	۲۶	رحم خواهی
۱۶۸	۶	« خودرا
۲۱۷	۳۲	« ربانی
۱۲۷	۴۱	رحمش آمد بر
۱۸۷	۳۵	« گفت
۳۲۰	۱۰	رحمشان آمد که
۳۶۸	۳۶	رحم فرما
۳۴۸	۲۱	« کن بر
۴۹	۲۲	« کن پنهان
		ر-(خ-ز)
۸۷	۳۴	رخت از حجره
۷۳	۳۸	رخت خودرا
۳۰۴	۳۱	« دادم
۴۴۴	۳۲	« درکشتی
۳۰۹	۳۱	« دزدی بر
۹۵	۳۰	« دزدیده
۱۹۹	۱۸	« عقلت
۱۲۴	۲	« مانده
۷۵	۲۵	« ماهم
۳۱۷	۷	رختها جستند
۱۰۵	۴	« دادی
۳۷۶	۱۴	« را
۲۹۹	۳۵	رخ نگردانم
۳۱۹	۳۰	رزق آید
۳۰۴	۲۴	« ازوی
۴۱۴	۹	« تو
۱۷۷	۳۲	« جانی
۱۲۶	۳۱	« جوئی
۱۹۷	۱۹	« حکمت
۱۶۰	۱۴	« را
۳۸۰	۳۷	« ماز
۱۳۸	۱۴	رزقهارا
۳۸۳	۳۳	« هم
		ر(س-ش-غ)
۴۲۰	۱	رست اوزین
۱۷۲	۳۴	رست کشتی از
۴۴۶	۳۵	رستگار دنیی
۵۶	۲۷	رستم از آب
۱۵۰	۱۰	« ازچه
۲۶۲	۲۹	رستمان را
۴۹	۲۹	رستم زال

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۸	۳۴	رستم وحمزه
۳۲۲	۴	رستمی گر بایدت
۳۲۲	۵	« گرمایلی
۷۴	۱۷	رسته از کفر
۳۰۴	۳۶	« باشی
۳۸۶	۲۷	« چون
۴۳۸	۳۲	« سربالا
۱۷۸	۵	« وبربسته
۴۲۱	۳۹	رستی از پیکار
۴۳۷	۲۹	رسم ابراهیم
۴۴۴	۱۲	« طاعات
۴۴۷	۲۷	« وشرط
۱۳۴	۲۹	رشتهٔ امید
۶۱	۲۶	رشته‌را
۶۱	۳۰	« یکتا
۳۶۳	۱	رشك از آن
۳۴۶	۴۰	« وغیرت
۳۵۰	۴	رغبت ما
۴۰۶	۶	رغبتی
۲۱۳	۳۰	رغم انفم
۲۸۹	۳۷	رغم این
		ر-ف
۳۹۸	۱۳	رفت آنطاوس
۲۵۱	۲۵	« آنباهی
۶۱	۲۳	« آنمسکین
۲۳۵	۳۴	« ازما
۳۵۲	۲۲	« ازوی
۴۰۲	۳	« اوپیش
۴۴۵	۲۲	« بخشیشان
۱۸۱	۳۴	« بربام
۱۱۲	۳۱	« برمن
۴۰۸	۳۱	« پس
۲۴۳	۲۱	« پیش از
۱۳۴	۳۲	« پیش شیخ
۳۱۶	۳۴	« پیش عارفی
۳۳۷	۴۰	« پیش میر
۳۷۰	۶	« پیغمبر
۳۳۵	۱۱	« جوحی
۴۳۲	۴۸	« حسن و
۸۲	۳۰	« خادم
۳۵۶	۳۳	« درحمام
۱۰۱	۱	« درسگ
۱۰	۲۶	« درصحرا
۳	۲۳	« درمسجد
۳۸۲	۴۰	« درویشی
۳۵۷	۲۱	« دزدی
۲۷۵	۱۵	« ذوالقرنین
۳۲۳	۱۲	« روبه
۴۳۷	۲۶	« رهبر
۱۸۶	۲۵	« سنقر
۴۲۴	۱۱	« سوی
۲۳۵	۱۶	« شاعر
۳۷۵	۳	« صوفی سوی
۱۱۲	۲۴	« صوفی گفت

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۴	۲۱	رفت طغیان
۳۴۰	۳۶	« عریان در
۳۰۷	۸	« عزرائیل
۴۲۰	۳۲	« عمرش
۶۸	۳۹	« فکرو
۳۸۱	۱۳	« کج
۴۴۲	۴۰	رفتگان ناجی
۱۶۶	۴۱	رفت لقمان
۳۸۱	۳۰	« ماهی
۳۵۸	۳۷	« مرغی
۲۵۲	۳۲	« موسی بر
۵۶	۲۰	« موسی کا
۳۰۶	۹	« میکائیل
۶۲	۶	رفتن این
۳۱۶	۲۰	« بنده
۳۹۵	۳۸	« جو
۱۷۵	۲۵	رفتنم سوی
۸۱	۳۰	رفتن یك
۳۵۸	۹	رفت وآمد
۸۲	۳۰	« واز
۳۵۸	۸	« وپرسید
۱۸۳	۵	« ودانه
۱۷۵	۳۷	رفته است
۳۰	۳۴	« امدر
۳۲۴	۱	« در
۳۴۲	۱۲	رفت یك صوفی
		ر-(ق-گ-م)
۱۳۹	۲۶	رقص آنجا
۱۳۹	۲۷	« وجولان
۲۴۵	۳۰	رقعه‌اش
۲۴۱	۴	« پرجنگ
۲۴۶	۱۰	« پنهان
۲۱۸	۱۶	رقعهٔ تعویذ
۲۴۶	۱۰	« دیگر
۳۸۱	۴	رقعه‌شکلش
۲۱۴	۲	« گر
۱۸	۳	رگ رگست
۳۱۲	۳۰	« زدن
۲۱	۱۷	رمز الکاسب
۷۴	۳۵	رمز نسخ
		ر-ن
۴۲۵	۴۰	رنج او هو
۳۵۹	۲۳	« بدخویان
۱۰۱	۲۵	« برخود
۳۲۷	۱۵	« جوع از
۳۲۷	۱۵	« جوع اولی
۳۷۲	۲۷	« دق
۳۳۸	۱۵	« دیده
۳۵۸	۳۱	« راباشد
۲۲۰	۲۶	« راصد
۴	۲۸	رنجش از
۲۷۹	۵	رنج کی ماند
۱۱۳	۴۰	« گنج
۱۴۳	۱۲	« معقولت

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۰	۲۴	رنج وبیمار بست
۳۷۸	۳۷	« ودرد
۲۵	۲۳	« وغم را
۲۵۱	۲۶	رنجها بسیار
۱۸۳	۳۸	« دادست
۱۸۳	۳۸	« دادست
۲۶۸	۷	رنج یکجزوی
۹۹	۳۵	رنگ آهن
۴۲۲	۴	« باقی
۳۷۱	۳۷	« بربسته
۱۸۸	۲۹	« دیگر
۲۳۸	۱۴	« رنگ
۲۸	۸	« رواز
۴	۲۶	« روونبض
۵۱	۲۳	« روی جمله
۲۸	۸	« روی سرخ
۲۸	۵	« رویم را
۱۲۵	۴	« روی وقوت
۵۰	۱۹	« زر
۳۷۰	۳۳	« سبزت
۶۴	۲۹	« صحرا
۴۲۲	۴	« صدق
۳۶۹	۲۷	« طین
۴۲۲	۵	« کفران
۲۹۵	۳	« لاله
۲۵۷	۷	« وبودر
۲۸	۶	« وبوغماز
۳۲۱	۸	« وبوی
۹۱	۱۰	رنگهایینی
۱۸	۱۳	رنگهای نیك
		ر-و
۸۱	۴	رواشداه
۴۴۳	۴۵	روباوکن
۲۳۵	۳۶	روایشان
۳۵۸	۸	روبپرس
۲۹۳	۳	روبتابید
۷۵	۱۷	روبترس و
۳۴۹	۳۰	روبتوکردند
۷۹	۱۲	روبجو
۳۰۷	۹	روبحق
۳۵۹	۲	روبخاك
۱۱۳	۹	روبخسب اندر
۳۶۱	۱۶	روبخسب ای
۵۲	۵	روبخود کرد
۳۸۲	۳۰	روبدریا
۴۳۴	۶	روبدست آور
۱۷۱	۴۰	روبدست راست
۳۷۸	۲۰	روبدوکرد آن
۱۲۸	۲۵	روبدوکردو
۱۷۵	۱۵	روبدمال
۱۸۹	۶	روبسین بالا
۱۳۲	۳۰	روبرآنها
۵۵	۱۳	روبرسلطان
۳۲۶	۱۴	روبرو

صفحه	سطر	اول بیت
٦٧	٤	روبره
١٦٦	٢٣	« بزن
٤٢٥	٤٢	« بسوی
٣٩٥	٩	« بشاه
٣٢٤	٤٢	« بشهرآوردآ
٢٦٠	٢٢	« بشهرآوردس
١٤١	٣٢	« بشهری کرد
٣٢١	١٢	« بصحرای
٤٣٥	١٧	« بصبد
١٧١	٤٢	« بگرداندبسو
١٢٢	٣٩	« بگرداندچو
٤٣٢	٤٧	« بگرداندزتو
٢١٤	٧	« بگورستان
٢٣٥	٣٥	« بگیراین
٤١٤	٣٧	« بمصر
١٧	٣	« بمعنی کوش
٤٠٩	٥	« بمن آرند
٢٨	١٩	« به آتش
٦٢	٢٠	روبه آن دم
١٧٣	٦	روبهااین
١٧٢	٣٦	« پارا
٦٢	١٨	« چون
٤١٢	٢٤	روبه افتد
١٢٧	٢٤	روبهان ترسند
٣٢٢	٨	روبه اندر
٣١٨	٣٢	روبهانه
١٨٥	١٨	روبه پیش
٩١	١٣	روبه ستی
٢٧٦	٢٩	روبهش گر
٣٧٨	٨	روبهك خورد
٤٠٩	٢٦	روبهم کردند
٢٢	٣٨	روبه وآهو
١٢٧	٢٣	روبهی اشکار
٣٩٦	٤١	« که
٢٨٦	٢٧	« و
٢٨٠	٨	روبیاران
٢٩٣	٢٣	روبیادر
٣٧٨	٢٠	روبیك زن
٤١٨	٥	روبی مرغی
٣٣٧	٣٢	روت بس
٣٠٢	٨	روترش کردو
٣٠٢	١٠	روترش کردی
٢٣	٢٥	روتوروبه
٣	٥	روتوزنگار
٢١	١٧	روتوکل کن
١٠٧	٢٤	روتوکهگل
١٥٩	٤٢	روچنین عشقی
١٠٤	٢٩	روح آنکس
٨٢	٥	روح ازانگور
٨٢	٩	روح انسانی
٩٥	٢٢	روح اوبا
٣٥٩	٤	روح اوخود
٢٩٢	٣٥	روح بازاست
٨٠	١	روح باعلمست

صفحه	سطر	اول بیت
٣٣٦	٣٨	روح بی قالب
٤٠١	٣	« چون
٣٤١	٢٨	« حیوانرا
٢٤٠	١٤	« حیوانی
٢٢٣	٢٥	« خودرا
١٦٣	٢	« دارد
٣٩٣	٣٠	« رااز
٣٩٣	٢٤	« راتابان
٣٥٤	١١	« راتاثیر
١٦٢	٤١	« راتوحید
٤٠٣	٢٨	« درغیب
٣٤٣	٣٠	« رهزن
٤٢١	٨	« زیبا
٣٦٤	٢٧	« سلطانی
١٨٢	١٣	روحشان بشکست
٥١	١٨	روح صالح بر
٥١	١٩	« صالح قابل
٥١	١٩	« صالح قابل
٤٣١	٤٨	« فرعون
٦٠	٣٧	« قالب
٣٤٤	١٥	« کی
٢٢٣	٢٤	« محجوب
١٣	٢٦	« می بردت
١٢٩	٥	« وحی از
١٢٩	٦	« وحیی
٣٣	١١	روحهائی کز
١٠	٢٩	روحهای بنده
٢٢٩	٢٩	« مرده
٥١	١٨	روح همچون
١٥٦	٣٥	رودرافتادن
٣٨٣	٣٧	رودعاکن
٤٣٣	٣	رودلیلی
٤٠٩	١٧	رودوتامو
٢٤٢	١٥	روزآخر
٢٢٥	٣٣	« آن باشد
٣٥٦	٣٣	« آوردند
١٦٨	١٢	« اندر
٥١	٢٤	« اول رویتان
٥١	٣٠	« اول روی خو
٤١١	٣٩	« اوو
١٦٠	١٥	روزئی خواهم
٤١	٢٢	روزباراست
١٠٤	١٥	« برجست
٣٩٢	١	« برشب
٩٧	٣٩	« بیگه
١٩٠	٣٢	« ثالث
١٩٧	١٨	« حکمت
١٩٥	٢١	« خفاشك
٣٩٨	٨	روزدارالملك
١٦٥	١١	روزدرخوابی
٤١٦	٦	« درمان
٣٥	٢٩	« دلهارا
٢٤١	٢٦	« دیدی
١٩٠	٣٧	« دیگرآن سگ

صفحه	سطر	اول بیت
٣٦٦	٥	روزدیگراز
٤٠٨	٢٧	« بازگو
٤٠٨	١٩	« برتهی
٤٠٨	١٨	« برعلویا
٤٠٨	١٩	« بریتیما
٤٠٨	٢٠	« بهر
١٧٥	٣١	« جمله
٢٢	١٧	« وقت
١٩٠	٢٩	« همچنا
٤٤٤	٢٦	روزراه
٣٦٨	١٩	« روشن گردد
١٨٠	١٣	« روشن هر که
١٤٦	٧	« روی از
٣٥٦	٣٦	« رویت
٦٩	٨	« زادن
١١	١٦	« سایه
٣٦٠	٣٠	« شدبیدار
٣٣٠	٩	« شدچون
٨٣	١١	« شدخادم
١٥١	٢٨	« شدگفتش
٨٤	٢٢	« شدر
٢٨٦	٣٤	« صیادم
٣٦٤	٢٢	« عاشورانمیدا
٣٦٤	١٦	« عاشوراهمه
١٣١	٧	« عبدالله
٣٨٠	٢٨	« عدل
٢٠٥	٣٢	« قرآن
٧	٢٦	روزك چندی
٤٠٤	١١	روزکشتن
٢٩	٢٢	روزکی چند
٢٤٠	٣٠	روزگارم رفت
١٦١	٣٤	روزگشت وآمدند
٢٤٩	٣٣	« گشت وآن
٢٢٦	٥	« گشتی پاش
٢٢٦	٥	« گشتی پای
٣٣٧	٣٠	« مجلس
٩٤	٢	« محشرهرعر
٣١٦	١٥	« محشرهرنها
٣٠٥	٢٩	« محشرهست
٩٣	٣١	« مرگ
٥٠	١٢	« موسی
١٥١	٤٤	« میلادش
١١٣	٢١	روزن ازبهر
١٧٥	٢١	« جانم
٢٩٧	٣٦	« چشمم
٣٨٠	٢٣	روزنحر
٣٩٢	٨	روزنور
١١٩	٢١	« نیکو
٣٧٩	١٩	« وشب افسانه
١٧٤	١٤	« وشب اندر
٢٤٠	٢٢	« وشب در
٢٠٨	٢٢	« وشب ظاهر
٢٩٣	٣٣	روزهاآن
٣١٥	١٩	« بردی

صفحه	سطر	اول بیت
٢	١١	روزهاگر
٣٤٠	١٥	روزه داران را
٢٨٢	١	« گوید
٧٥	١٩	روزی آدم
٢٤٤	٣١	« آنسلطان
٤٣٢	٣٩	« ازپیر
٤٣١	٤	« ازناگاه
١٧٧	١٣	« بیرنج او
١٧٧	٣٠	« بیرنج جو
١٧٧	١٤	« بیرنج می
٣٤١	٣٠	روسبی باشد
٣١٠	٦	روسپس کردم
١٤٦	٤٣	روستائی بین
١٤١	٣٠	« چون
١٤٤	١٠	« درتملق
٤٣٩	٢٠	« درقرایا
٨٧	١٣	« شد
٨٧	١٣	« گاو
٣٦١	٤٥	روسرافلی
٤٣٠	٦	روسفرکن
١٩٤	٢٧	روسفیداز
٣٧٧	١٧	روسگ کهف
٩٣	٢٠	روشن ازنورش
٣٣١	٤	« است
١٠٩	١٨	روشنی بخشد
٢١٦	١٥	« بردفتر
٣٧٦	٨	« خانه
٩٦	٤١	« عقلها
٩٢	٢	روشنیی کو
٤٠٤	٣٣	روضهٔ در
٢٦٤	٣١	روغن اندردوغ
٢٦٤	٣٤	«
٣٥	٧	روغنی کاید
٣٣٢	١٠	« کوشد
٣٦١	٣٨	روکزاین جو
٢٤٧	٢٠	روکسی جو
٣١٨	١١	روکسی دیگر
٢٧٠	٣٧	روکه اکنون
٤٠	١١	« بی سمع
٢٧٠	٣٧	« رستی
٤١٦	١٥	« زین
١٧٦	٢	« فرزندان
١٤٨	١٣	« نشناسم
٤١٩	١٧	رومراقب
٨٤	٢٨	« مکن زشتی
١٢٢	٨	« مکس میگیر
٦٧	٣٣	رومیان آن
٦٧	٢٩	رومیان گفتند
٩٠	١٩	رونعمره
١٥٦	١٦	رونقت را
٢٤٣	٣٠	رونق دنیا
٢٤٣	٢٩	« کار
٢٤٢	٢٤	« وطاق
٢٠٣	٣٥	رونگردانید

صفحه	سطر	اول بیت
٤٠٦	٩	رونگردانیم
٣٤٤	٣٥	« نمایدازطری
٤٢١	٣٧	« نمایدپادشاه
٣٦٢	٣١	« نمایم صبح
١٩٩	١٣	« نهادآن
٣٠	٢٥	« وسردرجامه
٤١٠	٥	« همی گرداند
١٩١	٢١	« همی مالید
٢٩٣	٢٩	« هوابگذارتا
٢٩٣	٢٩	« « تاخ
١٢٩	٢٥	روی آب جو
٣٩٧	٥	« آورد
٣٠٤	٢٧	« ازنقاش
٤٣٢	١٦	« اندر
٤٤٢	٣٨	« اوآن
٣٨	١٠	« بالا
٣٣٨	٥	« بایدآینه
١٧٦	٧	« برداود
١٥	٢٤	« بردیوار
٢٢٦	٤	« پس ناکرده
١٤٧	١	« پنهان
٤٤٦	٣٠	« پیچیده
٣٥٩	١	« خواهم کرد
٥٥	٣١	« خوبان
٣٢٦	٣٠	رویدالله
٢٠٦	٨	روی داود
١٥٨	١٩	« دراطلال
٤٣٥	٢٤	« درالبرز
١٧٠	٢٩	« درانکار
٣٤٤	١٣	« دختر
٣٨٢	٨	« درروی
٢٦١	٣٦	« دینار
٩٦	١	« زرد
١٩٤	٢٧	« سرخ
٢٤١	١٦	« سوی
٢٢٦	٢٧	رویش آنسو
٢٢	١٣	« ازغم
٢٤٥	١١	« ازگلزار
٣٨٨	١٣	روی شستند
١٤٢	٦	« صحرا
٣٩٧	٢٠	« موسی
١٨٦	٧	« ناشسته
٢٨٨	٦	« نفس
١٠٧	٥	« واپس
٤٠٥	٣٧	« وپشت
٢٩٤	٣٠	« وخال
١٤٧	٢	رویهاباشد
٢٤١	٣٥	روی هریك چو
٩	٤	« هریك مینگر
		رهـ
٤٣٤	١٩	رهتودادی
٤١٩	٦	رهروی را
٤٠٥	٢٧	رهزده
٤٤٤	٣١	رهزنان از

صفحه	سطر	اول بیت
٦٥	٣٠	رهزنان‌را
١٢٠	٢٩	رهزنی‌تو
٢٣٩	١٣	رهشناسی
١٤١	١٨	رهنمایم
٢٣٩	٦	رهنمیداند
٢٩٣	٥	رهگذربودو
٩٨	٢	رهگذریانش
٤٤	٢٦	رهگرفت‌و
١٠	١٧	رهندانی‌جانب
٣٥٠	١٠	رهنیابد
		ری
٢٣١	١٤	ریخت‌چندان
٢٠٧	٢٢	« چندین
٣٧٠	٣٦	« دندانهاو
٣٧٠	٣٨	« دندانهای
٢٨٢	١٨	ریختم‌سرمایه
٣٢٠	١١	ریختنداندر
١٩٨	٣٠	ریختی‌برسر
١٧٣	٢٢	ریزهٔ‌دل‌را
١٠	١٨	ریزه‌ریزه
١٦٥	٣٠	ریسمان‌و
١٥٩	٣	ریش‌اوبیرید
٥٥	١٠	« اوبر
٧٠	٢٨	« بدرا
٧	٢٦	« برمیکند
٢٣٣	١٩	ریشخندی‌کرده
٣٣٥	٢٤	ریش‌خودرا
٣٣٥	٢٣	« راشانه
٥٦	٣٣	« گاو
١٥١	٣٠	« ومو
٢٤٤	٥	ریع‌آنرا
١٩٩	١٣	ریگ‌آمو
١٨٣	٣٧	« راگوئی
١٧٧	١٨	ریگهاهم
		حرف ز
		ز-ا
٩٨	١٧	زآب‌آتش
٣٢٩	١١	« تتماجی
١٨	١٩	« چون
٣٥٠	٧	« حیوان
٣٨٧	٤	« دیده
٢٠٤	٢٥	« سرد
٢٩٥	٢٤	« شور
٧٧	٤	زآبگینه
٣٩٠	١٨	زآب‌وروغن
١٠٠	٩	زآب‌هر
٩٢	٢١	زآتش‌ار
١٠٧	٣٦	« این
٣٥	٤	« دل
٤٢٠	٢٥	« دوزخ
٣٦٣	٢	« رشک
٣٨٥	٣١	« عشق
٤٢٠	٢٧	« مؤمن

صفحه	سطر	اول بیت
٤٣٩	١٦	زآدمی‌تاآدمی
٤٣٩	١٦	«
١٦٩	٢٣	زآرزوی‌سایه
١٧٤	٢٩	« ناقه
٢٦٧	٩	زآزمون
١١٠	٢٢	زآسمان‌چل
٢٣٩	٢٥	« حق
٢٦٤	١١	زآشنائی
٣٤٥	١٠	زآفتاب‌از
٢٥٥	٢٣	زآهن‌تیره
٣٩٧	٣١	زآهنین
١٦٣	١١	زابتدای‌کار
٨٦	٣٧	زابرگریان
٢٠٤	١٩	زابروخورشید
٣٤٤	٣٤	زاتصال
٣٤٧	٢٨	زاتفاق
٧٤	٦	زاجتهاد
٧١	٢٠	زاجنحهٔ
١٧٨	٢١	زاحمقان
١٦٠	٢٥	زاحمقی‌خواهد
٣٩٨	٢٥	زاختران
٢٨٢	٢١	زاختلاط
١٣٥	٣٥	زاختلاف
١٠٧	٢٩	زاخروهن
٨١	٢٨	زاددانشمند
٤٣٠	٤٤	زادوساز
٣٦٣	٣٧	زادهٔ‌ثانیست
٦٧	٢٠	« خاکی
٢٤٢	١٩	« دنیا
٢٤٥	١٩	زاده‌شدآن
٣٧٩	٢٨	« گفتیم
١٠٩	٢٦	زارئی‌میکن
٣٧٥	٣٤	زارورنجور
١٥	٨	زاری‌ماشد
٢٨٦	٢٩	« مضطر
١٠٩	٥	« وگریه
٥١	٣٥	زاستخوانها
١٦٩	٣٣	زاشتیاق
٤٤٤	٥	زاصفیای‌اولین
٣٩٣	١٥	زاعتقادسست
١٧٤	٢١	زاعتمادآن
٤٨	٧	زاغ‌اگر
١٣٦	١	« ایشان
٣٩	١٥	« پوشیده
٢٧	٥	« چون
٣٥٢	١٥	« دررز
٤١٤	٢٨	« راوجند
٢٧	١٢	« کو
٢٤٠	٨	« گردد
١٤٩	١	زامتحانات
٣٤٧	٣٦	زامتحان‌شاه
٣١٤	٣٠	« شرمنده
٣٧٦	٨	زامرحق
٤٠٨	١	« شاه

صفحه	سطر	اول بیت
٤٣٦	٢٦	زامرمضای
٥٠	٦	زان‌امام
٣٤٨	٣٥	« انائی
٣٤٨	٣٦	« انای‌بی
٢٨١	٣١	« بخواندندت
٧٦	١٥	« بظاهر
٢٨٨	٣٥	« بفرموده
١٩٤	٣٦	« بقرصی
٢٠٩	٨	« بگرداند
٣٦٩	٣	« بلاها
٣٩	١٨	زانبهی‌برگ‌پنهان
١٦٩	١٩	« برگ‌پیدا
٣٩٣	١٦	زان‌بیابان
٣٩٣	١٦	«
٣٠٥	٤	زانبیاناصحتر
١٦٦	١٦	زان‌بیاورد
٣٠٤	١٩	« بیفشاند
٤٢٩	٧	« پرستیدم
١٢	٧	زانتظارم
٥١	٢١	زان‌تعلق
٢٧٣	١٨	« تغافل
٢٠٤	١٢	« تقاضا
٣٤٢	١٥	« تلطف
٢٤٥	٢٧	« جرای‌خاص
٢٤٥	٢٧	« جرای‌روح
٤٣	٥	زانجهان‌اندك
٢٢١	٣	زانچنین
٤٠٤	٢١	زانچه‌دادم
٣٧٣	٩	« داری
٣٠٥	٥	« سنگ
١٩٦	٣١	« گشتی
٣٣٣	٢	« میافی
٣٢٠	٣٠	« میگوئی
٢٠٤	٢٤	زان‌حدیث
٤٠٢	٢٢	« خطائی
٤١٠	٣٠	« خورانم
٤١٠	٣٠	« خورانم
٢٨٠	٢٠	زاندرون‌او
٢٤٨	٣٠	زاندرونم
٢٥٨	١٦	زان‌دوچشم
٤١	١٠	« دمی
٤٠٢	٢٧	« رحم
٣٢٧	٨	« رسولی
٤٣٠	٢٩	« رهاورا
٣٣٨	١٨	« رهش
٧٥	٣٣	« زاهریمن
٤٢١	١٢	« زبون
١٨٨	٢٨	« زمانی که
٣١١	٣٤	« زمرد
٢٤٩	١٣	« زنان‌مصر
١٣٠	٤	« سبب‌آدم
٤٣٨	٥	« سبب‌ایمؤمن
٢٠١	١٩	« سبب‌جانش
٣١٣	٨	« سبب‌فانی

صفحه	سطر	اول بیت
٨٤	٣	زان‌سبب‌فرمود
٢٤	١٤	« سبب‌کاندر
٣٤٦	٣٩	« سبب‌کزغیر
١٦٨	١٤	« سبب‌که‌جمله
٣٤٥	١٥	« سپس
٣١٣	٣٩	« سگالش
٢٥٨	٣٧	« سگان
١٩١	١٨	« سلام
٦٢	١١	« سوی‌حس
٢٦٦	٢٧	« سیه‌روئی
٢٥٨	٣٣	« شدستند
٣٦٦	٣٠	« شراب
٢٦٣	١٢	« شفیع
٢٨٥	٢٣	« شکارو
٢٦٤	٣٧	« شناسی
٣٩٧	٣٢	« شودآتش
٣٩٦	٣	« شودعیسی
٣٠٤	٢٧	« شودهر
٩٩	٢٧	« شهنشاه
٣٥٧	٨	« صدف
٧١	٢٦	« ضعیفم
٣١٤	١	« ضلالتهای
٢١٦	٨	« ضباگفتم
٣٩٠	١٤	« طرف
١٠١	٣	« عجب‌بیشه
١١٠	٣٠	« عجب‌تردیدهٔ
٢١٣	٣٣	« عرب‌بنهاد
٤٠٨	٤١	« عزب‌خانه
١١	٣٢	« علی
٢٤١	٢٠	« عمامه
٢٠٢	٢٨	« عوان‌سر
٢٠٢	٢٧	« عوان‌مقتض
١٩٠	٨	« غناوزان
٢٨٤	٣٤	« فراخ‌آمد
٤٤٣	٣٨	« فروتوان
٣٩٥	٢٠	« فکنده
٢٩٢	٦	« فناها
٣٥٥	٢٤	« قویتر
٩	٥	زانك‌صیاد
٢٦٩	٢١	زان‌کله‌بر
٥	٢٧	« کنیزك
٣١١	٢٨	« که‌آتش
٣٥	١	زانکه‌آدم
٥٤	٢٦	« آلت
٣٥٧	١	« آن‌تابوت
٨٨	١١	« آن‌تقلید
٤٢٢	٢٣	« آنجا
٣٨٥	٢٠	« آندم
٤٨	٢٤	« آن‌دندان
٢٩٣	٢٧	« آن‌صاحب
١٣٥	٩	« آن‌گرمی
٢١٢	٤٠	« آن‌لبها
٣٦٧	٣	« آن‌مس
٣٨	١٢	« آوازت

صفحه	سطر	اول بیت
٣١٦	٣٢	زانکه‌آوازو
١٦٤	٢	« آهنگر
٤٣٩	٢٢	« ابله
٢٤٣	٢٨	« ابرآنچه
٢٨٦	٢٠	« ابراز
٥٣	١٨	« احسان
٣٥٢	٧	« ازبانگ‌و
١٠٨	٢	« ازعقل
٢٩٢	٢٤	« ازعزت
٢٠٤	٣٦	« ازقرآن
١٠٦	٧	« ازکون
٣٤٩	١٣	« ازنقشم
٢٤٠	١٧	« استعداد
٣١٤	٣٧	« استفهام
٣٤٨	١٥	« استکمال
١٥٨	٢٠	« اطلال
٤٠٧	٣٠	« افبونشان
١١٢	١٢	« انبوهی
٢٠٤	٣١	« انسان
٢٩٢	١٩	« اوازاصل
٢٩٣	٢٤	« اوباز
٢٤١	٣٣	« اوبنمود
٢٩٩	١٩	« اوبوجهل
٦٢	٣٧	« اوباکست
١٧٧	٤٠	« اودرخانه
١٧٨	١	« اودرخانه
٣٧٥	٩	« اورابهر
٤٠١	٣١	« اورافاتحه
٣١٣	١٤	« اوسنگ
١٠٣	٣٥	« اوکف
٣٤	٣٢	« اول
٥٩	٣٨	« اوهر
٨٧	١	« ایشان‌در
٥٥	١٧	« ایشان‌زآب
١٢٤	٢٨	« این‌آب
٢٦٣	٢١	« این‌اسما
٢٧٩	٢١	« این‌تن
٥٤	١٣	« این‌دمها
٣٨٢	٦	« این‌دیوانگ
٢٩٣	٢٦	« این‌زاغ
٤٢٥	٢٥	« این‌عالم
٢٦٤	٣٣	« این‌فانی
١٩٥	١	« این‌نوری
٣٧٨	٣٧	« اینها
٢٥٧	٣٣	« این‌هوی
٥٦	١٠	« باجامه
٤٢	٢٤	« باجان
٧٩	١٠	« باعقلی
٣١٨	٢٠	« باقی
٢٠٩	٣٥	« بخت
٣١٥	٢٩	« بدزن
١٤٤	١٤	« بربانگ
٨٧	١	« بردل
٣٩٧	٣٩	« بردیوار

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۹	۱۵	زانکه برمرصاد
۳۳۴	۲۱	« بس
۱۴۹	۳	« بودند
۲۵	۶	« بوش
۴۲۵	۱۰	« بی‌ترسی
۱۲۹	۱۳	« بی‌حاجت
۱۴۱	۲۸	« بی‌حزمی
۱۲۴	۱۰	« بی‌حق
۳۳۱	۳۱	« بی‌خواه
۲۴۹	۳۶	« بیخود
۲۰۸	۲۳	« بی‌شب
۲۲	۳	« بی‌شکری
۷۹	۲۱	« بی‌گلزار
۲۰۴	۱۲	« بی‌لذت
۳۷۹	۲۰	« بی‌لذت
۳۲	۲۴	« بینائی
۱۳۸	۲۶	« پستان
۱۸۶	۱۰	« پیراهن
۳۶۳	۳۴	« پیش‌از
۳۱۰	۳۷	« پیلم‌دید
۵۷	۱۴	« پیوسته
۳۱۶	۳	« تاریخ
۳۴	۱۳	« تاریك
۷۳	۹	« تاویل
۳۰۰	۲۰	« ترك‌تن
۳۷۴	۲۴	« ترك‌کار
۸۷	۲	« تقلید
۱۰۲	۳۵	« تکمیل
۱۲۱	۲۰	« توعلت
۲۹۰	۳۲	« توهم
۷۵	۲۶	« جان‌چون
۳۳۹	۲۳	« جانشان
۲۴۰	۸	« جانی
۲۵۲	۴	« جاهل‌جه
۳۸۷	۲۰	« جاهل‌داش
۱۸۵	۱۳	« جباران
۲۴۵	۲۳	« جنت‌از
۲۲۴	۴	« جنت‌را
۳۲۰	۱۷	« جمله
۱۳۳	۳۲	« جنس‌بانك
۲۵۹	۱۵	« جنس‌نار
۲۵۸	۳۴	« جنسیت
۲۴۳	۱۸	« چشم
۲۶۵	۳	« چون‌مرده
۱۵۹	۱۱	« چون‌مغز
۲۳۷	۷	« حال
۱۲۰	۳۷	« حجت‌در
۲۷۵	۹	« حدمست
۳۹۵	۷	« حس
۱۰۰	۳۲	« حشر
۱۰۴	۳۰	« حکمت
۱۶۳	۲۷	« حکم‌کار
۳۹۰	۳۹	« حلوا
۱۹۵	۳	« خاکی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۳	۳۱	زانکه‌خبث
۱۷۱	۱۴	« خود
۲۲۸	۳۲	« خوش‌خو
۱۳۲	۱	« خوی‌بد
۲۹۴	۲۳	« خویشان
۲۳۲	۱۵	« دارد
۲۶۳	۳۳	« داندکاین
۷۵	۱۶	« داندهرکه
۱۹۷	۲۴	« درآن
۶۱	۱۷	« درالا
۲۷۱	۳۱	« درباغی
۴۴۴	۴۸	« دربر
۲۰۵	۸	« درپرتو
۸۸	۳۱	« درچشمت
۱۹۷	۱۴	« درخرجی
۳۴۳	۹	« درخلوت
۱۴۱	۱۱	« دردو
۹۹	۱۸	« درراهست
۴۸	۲۰	« درویشی
۲۰۱	۲۰	« دل‌بر
۱۰۶	۱۶	« دل‌جوهر
۱۰۰	۶	« دل‌حوضی
۱۴۷	۱۵	« دل‌ننهاد
۱۹۹	۱۰	« دنیا
۲۵۹	۱۳	« دوزخ
۲۵۴	۳۲	« دیداو
۸۴	۱	« روزاست
۲۰۲	۱	« زادوکم
۴۲	۳۱	« زان
۱۱۸	۳۷	« زایشان
۳۱۲	۶	« زاین‌بالود
۳۰۱	۲۴	« زین‌ترکیب
۵۸	۱۵	« سگ
۲۱۶	۵	« شاکر
۱۸۳	۸	« شاه
۷۱	۱۷	« شعشاع
۲۷۶	۶	« شکل
۱۷۱	۱۹	« شهوت
۴۰۹	۱۲	« شیطان‌خش
۲۸۰	۳	« شیطانش
۳۴	۱۷	« صحت
۵۱	۱۴	« صورت
۸۸	۱۲	« صوفی
۶۴	۱۰	« ضدرا
۱۴۹	۳۱	« طاوسان
۴۸۷	۲۵	« طفل
۲۳۲	۱۸	« ظاهر
۳۱۳	۱۲	« ظلمانی
۳۱۷	۳۴	« ظن
۱۹۶	۳۷	« عادت
۲۶۸	۲۸	« عاشق‌در
۳۳۴	۱۸	« عشق‌افسو
۷	۳	« عشق‌مردگ
۲۸۶	۱۵	« عقلت

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۹	۸	زانکه‌عقلش
۳۵۹	۲۶	« عقل‌هر
۱۰۷	۳۰	« غالب
۳۵۹	۲۸	« غیرحق
۸۱	۷	« فرزین
۲۷۵	۴	« فصل
۳۷۱	۸	« قدر
۳۱۳	۲۸	« قفل
۳۶۷	۸	« کان‌را
۳۷۳	۴	« کان‌و
۲۷۵	۸	« کرداز
۱۹۰	۱۴	« کرمنا
۹۱	۴۰	« کس‌را
۱۷۳	۹	« گرآبست
۱۱۷	۳۷	« گراهیچ
۹۴	۱۳	« گرپیدا
۳۹۱	۲۲	« گردد
۳۶۶	۱۶	« گردشهای
۳۸۹	۲	« گرگ
۲۶۸	۳۶	« گفتن‌از
۳۴	۲۷	« گفتندش
۱۸۹	۳۴	« گل
۲۲۲	۲	« گندم‌را
۳۵۳	۱۷	« لاشرقی
۵۷	۱۲	« لطف
۱۰۲	۶	« لقمان‌را
۱۰۱	۲۹	« لقمان‌گر
۳۸۳	۳۰	« لولاك
۳۵۳	۱	« مافرعیم
۱۹۰	۱۵	« مؤمن
۴۲۱	۳۴	« مامورم
۱۹۵	۳۹	« ماهیات
۳۷۶	۱۸	« ماینطق
۳۴۶	۲۷	« مثل‌آن
۴۰۲	۹	« محتاجند
۶۸	۳۶	« محدود
۹۹	۸	« محسوسات
۳۳۰	۱۸	« محسوس‌ا
۹۹	۱۷	« مخلص
۲۵۵	۱۹	« مردم
۱۸۳	۲	« مرغی
۷۶	۲	« مرگم
۱۳۳	۳۹	« مریم
۳۸۲	۶	« ملت
۱۶۱	۳۵	« منبع
۹۳	۴	« من‌در
۱۳۳	۹	« من‌زاندیش
۲۹۲	۹	« منزلهای
۲۷۱	۱۱	« موسی‌جاد
۵۰	۱۳	« موسی‌را
۵۰	۱۳	« «
۳۹۱	۷	« میراث
۳۰۶	۶	« میکائیل
۱۴۶	۳۸	« نادر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲	۹	زانکه‌ناطق
۱۰۲	۳۴	« ناقص
۳۳۵	۳۶	« نامی
۲۰۷	۱۳	« نبود
۱۱۲	۱	« نفس‌آشفته
۱۷۹	۳۷	« نفسش
۱۷۷	۳۱	« نفم‌نان
۹۵	۱۵	« نقشی
۲۰۶	۳۵	« نورازدل
۲۲۳	۲۶	« نورانیا
۲۲۳	۱۴	« نورعلتی
۴۳۶	۲۱	« نه‌خارج
۷۶	۶	« نهی
۱۸۴	۳۰	« نیکو
۱۲۵	۳۴	« نیم‌او
۲۶۴	۹	« نیم‌علم
۲۹۸	۲۹	« وافی
۳۶۲	۲۵	« واقف
۳۱۸	۲۸	« وجد
۲۸۰	۱۹	« ویرانه
۲۰۶	۳۲	« هربادی
۲۵۸	۳۸	« هربدبخت
۱۱۰	۳۱	« هرجنسی
۲۶۶	۳۱	« هرچاره
۸	۲	« هرچه
۱۳۰	۳۰	« هرچیزی
۲۴۲	۱۳	« هرکره
۲۷۹	۱۹	« هرمرغی‌ا
۱۵	۱۹	« هرمرغی
۲۵۹	۳	« هرمعشوق
۳۰۸	۱	« هریك
۲۰۳	۲۴	« هست‌اندر
۲۷۰	۲۸	« هستم‌من
۳۱۱	۱۶	« هستی‌سخ
۹۱	۴۵	« هفتصد
۳۹۰	۲۵	« هم‌پر
۱۰۹	۳۰	« یك‌کور
۱۴۱	۲۲	« یك‌نوشت
۷۳	۷	زانگداروئی
۴	۱۳	زانگدارویان
۴۳۰	۴۲	زان‌گذشته
۴۰۵	۱۹	« لقب‌شد
۳۹۱	۲۶	« مئی
۳۹۳	۳۲	« مثال
۳۹۴	۲۵	« محمد
۱۲۹	۴	« مناسب
۳۶	۲۰	« موالید
۳۳۹	۳۷	« مهان
۳۳۳	۲۱	« مهمتر
۴۴۴	۲۵	« میان
۳۴۰	۲۱	« نبات
۲۶۷	۱۶	« نبی
۳۰۰	۵	« نجاسات
۲۰۴	۹	« نجوشانم

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۹	۳۰	زان‌ندادینها
۷۵	۹	« نداری
۱۲۱	۲	« ندانی
۱۰۴	۳۳	« نشان‌با
۳۵۰	۲۱	« نشد
۱۸۸	۱۳	« نظر
۳۶۵	۹	« نمایدآن
۳۱۴	۳۳	« نمایدچند
۱۱۴	۱۸	« نمایدذوالفقار
۱۱۴	۱۳	« نمایدمختصر
۲۱۰	۳۴	« نمی‌برم
۶۴	۱۱	« نمی‌برد
۲۱۱	۱۲	« نمی‌خندم
۳۱۹	۲۱	« نوا
۲۱۲	۱۵	« نهادیم
۲۶۳	۲۰	« نیامد
۵۱	۳۲	زانوآندم
۴۰۶	۳۵	زان‌هزاران
۲۶۶	۲	« همه‌برمن
۲۲۳	۲۶	« همه‌جنگند
۲۴۳	۲۹	« همه‌کار
۱۰۷	۴	« همه‌میلش
۲۱۰	۳۵	« همی‌برم
۲۶۳	۳۶	« همی‌پرسی
۲۳۷	۱۶	« همی‌تانی
۲۱۱	۱۳	« همی‌خندم
۱۷۸	۳۷	« همی‌خوردند
۲۱۰	۳۴	« همی‌کردم
۱۰۳	۲	« همی‌گرداند
۱۰۰	۳۳	زانبان‌را
۴۱۵	۲۴	زان‌بینلو
۱۰۹	۲۰	« یکی‌بازی
۳۸۸	۲۲	« یکی‌شاخی
۴۰۳	۱۷	« یکی‌عیبش
۴۰۳	۳۳	زاوابدان‌را
۲۳	۲۷	زاویری
۱۶۷	۲۱	زاولیااهل
۲۶۰	۲۵	زاهتمام
۳۳۸	۲۱	زاهدان‌را
۳۱۶	۴	زاهدباترس
۲۳	۱۵	« ششصد
۱۷۲	۱۲	« وفاسق
۱۳۶	۲۳	زاهدی‌بد
۱۶۳	۳۶	« بیند
۳۲۴	۲۹	« در
۳۱۵	۲۹	« رابد
۸۶	۱۷	« راگفت
۱۱۵	۲۸	زاهل‌دل
۳۵	۹	زایدازلقمه
۳۵	۱۰	«
۲۰۶	۳۵	زاینچنین‌امداد
۳۳۱	۱۰	« عذر

ز-(ب)

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۴	۳۶	زبل‌گشته

صفحه	سطر	اول بیت
ز - (ج-خ)		
۱۵	۹	زجراستادان
۴۳۸	۱	زخم‌ازخود
۴۳۵	۱۴	« برخاصان
۳۴۴	۴	« تیرو
۳۴۳	۱۵	« خورد
۱۰۸	۱۲	« دبوس
۳۹۰	۴۰	« درمعنی
۳۴۳	۲۶	« دیگر
۱۰۰	۳۱	« کرد
۲۵۳	۱۰	« کبکی
۲۸۸	۲	« ناخن
۶۵	۱	« نیش
۳۱۹	۱۹	« های‌تیر
۶۲	۳۳	« یابد
ز - (د-ر)		
۴۳۷	۲۶	زدبرو
۳۴۴	۳۲	« بشمشیر
۴۳۶	۴۸	« چنان
۳۳۷	۳۸	« زغیرت
۱۵۱	۳۳	« ستاره
۳۸۹	۳۱	« منادی
۱۱۳	۴	« ورا
۴۳۵	۲۷	« یکی
۳۹۸	۲۲	زرازآن
۱۴۱	۲۲	« اگرپنجاه
۶	۱۱	« اگرچه
۳۳۷	۱۶	« بدادو
۴۷	۲۷	« بدی
۴۰۸	۱۶	« بکاغذ
۳۱۳	۳۰	« به‌از
۱۰۰	۲۸	« خالص
۶	۱۱	« خرد
۲۰۳	۱۷	« درانبانها
۴۳۰	۳۳	زردروئی
۳۴۰	۱۲	زردی‌رو
۱۴۶	۱۸	زرزروی
۳۶۸	۵	زرسرخ
۳۲۶	۳۲	زرشدی
۱۸۹	۸	زرع‌جان
۲۶۸	۳۲	زرعقلت
۲۴۲	۱۸	زرق‌چون
۸	۲۳	زرقلب
۲۳۲	۱۱	زروکان
۶	۲۱	زرگرفت
۱۴۶	۲۰	زرگان
۲۹۴	۲۱	« وسیم
۱۳	۲۳	« ونقره‌چیست
۶	۳	« ونقره‌گر
۲۴۲	۳۷	« همی‌گوید
ز - ش		
۴۲۲	۶	زشت‌آن
۱۰۹	۳۲	« آوازم
۱۱۸	۱۰	« رادر
۱۲۰	۲۰	زشت‌راو
۱۹۲	۲۸	« روی
۳۶۷	۱۹	« گرداند
۱۱۸	۱۵	« گویدای
۲۴۱	۱۲	« نبود
۳۰۲	۱۷	زشتهاراخوب
۲۰۲	۳۱	« راتغز
۱۰۹	۳۳	زشتی‌آواز
۱۰۴	۱۶	« اعمال
۸	۲۱	« این
۱۴۹	۲۹	زشتیت
۱۵۸	۳۵	زشتی‌خط
ز - (ف-ل-م)		
۲۷۶	۵	زفت‌زفت
۱۸۳	۲۱	« گردد
۳۵۶	۲۵	« گشت
۲۸۷	۲۰	زلت‌آدم
۳۴	۴	« او
۲۴۱	۳۲	زلف‌جعد
۴۴۴	۳	زمرهٔ‌درگریه
۱۷۸	۲۳	زمهریر
ز - ن		
۴۸	۱۱	زن‌ازاین‌گونه
۳۳۶	۳۲	« بخوردش
۴۱۰	۱۶	« بدست
۱۵۱	۱۳	براوافتاد
۴۷	۳۴	« براوزد
۴۱۹	۳۴	« برقاضی
۳۴۱	۳	« بسی
۱۵۲	۱۴	« بوحی
۳۴۰	۳۵	« بیامد
۳۴۱	۲	« پشیمان
۱۶۲	۱۶	« توقف
۲۵۸	۳۱	« چنان
۳۴۵	۳۴	« چودیدآن
۴۹	۱۱	« چودیداورا
۳۴۶	۵	« چوعاجز
۴۹	۱۲	« درآمد
۲۸	۲۱	زندگانی‌آشتی
۲۸	۲۰	«
۲۹۱	۲۷	زندگی‌بی‌دوست
۸۶	۲۱	« تن
۱۶۷	۴۰	« خود
۴۲۳	۳۹	« در
۱۶۷	۲۸	« ومرگ
۴۱۸	۲۲	زن‌دوشمع
۱۵۸	۱۵	زنده‌ازتو
۴۱۲	۱۲	« زین
۱۱۳	۳۶	« شداو
۱۰۱	۱۱	« شدکشته
۲۸۳	۱۲	« کرده
۳۴۹	۲	« کی
۲۵۰	۳۶	« نی‌تا
۲۵۰	۳۷	« نی‌ومرده
۱۲۷	۸	زنده‌وزنده
۳۱۵	۳۰	زن‌زغیرت
۴۱۶	۹	« کنیزک
۱۳۰	۲۹	زنگ‌تو
۸۰	۱۷	« راهم
۴۴۳	۱۴	« شك
۶۹	۱۱	زنگیان
۵۵	۲۱	زن‌مصلی
۲۷۲	۳۹	« مکرر
۵۳	۱۴	« همی‌جوید
ز - و		
۱۰۳	۲۵	زوبخندند
۱۰۸	۱۴	« برآمد
۲۶۹	۲۳	« بردل
۱۲۸	۹	زوبعان
۲۳	۲۷	زوبلنگ
۴۱۶	۴۰	زوترش‌بردار
۲۴۰	۱۸	زوچواستعداد
۳۹۹	۶	« حیات
۱۹۰	۳۲	زوداستر
۳۰۷	۳	« اسرافیل
۴۴۲	۷	« اندریاب
۱۲۲	۱۳	« باش
۲۵۸	۳۰	« درمان
۱۴۲	۳۲	زودشان
۳۴۵	۳۸	« شمشیر
۲۳۲	۴	« عبدالمطلب
۴۲۰	۲۸	« کبریتت
۱۷۵	۳۲	« گاوم
۳۴۱	۱	« مهمان
۳۸۷	۲۱	« ویران
۱۹۶	۸	زورآدم
۳۲	۳	« جان
۲۸۶	۲۸	« رابگذار
۴۳۵	۴	زورقی‌سازیم
۴۱۹	۳۷	زوشنیده
۴۴۳	۴۱	« فزونتر
۳۶۳	۳۷	« قیامت
۴۳۴	۲۲	« نشان‌آنجا
۴۲۹	۴۱	« نشانهاداده
۲۸۲	۱۵	« یتیمان
ز - ه		
۳۸۳	۲۴	زهداندر
۳۳۸	۱۴	« وبیری
۳۵۸	۴۰	« وتقوی
۳۴۱	۲۴	زهرآمد
۱۹۵	۷	« آنجا
۳۳۴	۳۱	« باشد
۲۹۷	۵	« تن
۲۱۰	۷	« خواری‌را
۳۲۵	۱۹	« دد باشد
۱۶۷	۲۴	« در
۴۳۴	۱۰	« راتریاك
۴۱۲	۲۶	« قاتل
۲۱۷	۹	زهرمارآن
۴۱	۵	« محضست
۲۵۷	۲۹	زهرمات
۴۴۱	۱	زهرهاگشته
۳۸۱	۷	زهره‌اوبر
۳۵۲	۱۹	زهرهاهر
۱۰۸	۲۳	زهرهای
۳۵۳	۲۵	زهره‌چنگ
۲۷۱	۲۳	« دارد
۲۷۱	۲۲	« دارد
۳۱۵	۸	« کبود
۲۵۷	۳۰	زهرهٔ‌کز
۲۰۹	۲۲	زهره‌نی‌با
۴۱۱	۱۵	« نی‌تالب
۱۵۱	۲۴	« نی‌عمران
۲۶۲	۲	« نی‌کس‌را
۳۹۷	۵	« «
۲۲۴	۱۷	« «
۸۸	۲۳	« «
۱۹۷	۴	« نی‌مر
ز - ی		
۲۱۷	۱۱	زیداندر
۳۵	۱۹	« پرانید
۷۱	۳۰	« راآکنون
۱۳۴	۱۴	« واقف
۱۳۴	۱۳	« وعمرو
۲۱۷	۱۲	« یك‌ذاتست
۲۰۵	۳۰	زیرآن‌باطن
۲۰۵	۳۱	« «
۳۳۸	۱۰	« بالشها
۳۱۹	۱۶	« پاشان
۲۱۹	۲	« چادر
۳۰	۳۱	« خرما
۳۷	۳۲	« دریا
۳۶۱	۲	« دست‌تو
۳۴۲	۳۵	« دست‌و
۴۷	۱۱	« دیوار
۳۴۹	۲۶	« سایهٔ‌این
۲۷۳	۱۰	« ظلش
۳۸۷	۲۵	زیرکان‌با
۳۲۶	۵	زیرکان که
۳۲۰	۳۴	زیرکان گفتند
۳۷۹	۳۷	زیرکان‌و
۴۱	۷	زیرك‌و
۲۳۸	۱۹	زیرکی‌آمد
۲۳۸	۲۱	« بفروش
۲۳۸	۲۸	« چون
۳۸۷	۲۴	« شد
۳۸۷	۲۴	« ضد
۳۰۲	۱۱	زیرلب گفت
۳۶۸	۳۸	« لب‌میگفتی
۴۱	۲۰	« وبالا
۶۴	۱	زیره‌را
۴۴۰	۲۴	زین‌اوبلغاری
۱۷۱	۱۹	زین‌بتان
۲۵۵	۳۱	« بترها
۲۹۲	۳۴	« بدن
۳۳۷	۲۹	« برادر
۴۱۶	۱۴	« بشارت
۲۱۴	۲۹	« بیان‌بگذر
۳۲	۱۹	« پشیمانی
۲۸۱	۱۴	« یلبدی
۱۹۳	۲۸	« تانی
۲۲۹	۶	زینت‌او
۳۵۵	۶	زین‌تردد
۲۳۲	۱۷	« ترش
۴۱۲	۳۶	« تفرج
۴۰۰	۴	« تنگ
۱۷۰	۵	« تنازعها
۲۷۳	۸	« تواضع
۱۶۶	۲۶	« جهان‌خودر
۳۶۸	۳۷	« جهان‌کو
۴۴۲	۴۸	« جهان‌لیکن
۲۲۳	۲۴	« چراغ
۴۲۳	۲۹	« چمن
۱۰۵	۵	« چنین‌بیچاره
۳۷۱	۲	« چنین‌عمری
۸۹	۲	« چنین‌قحط
۳۳۲	۲۷	« چوسگ
۴۲۰	۲	« چه‌شش
۴۰۲	۳۳	« حجاب
۸۷	۳۲	« حراره
۲۸۴	۷	« حروفت
۳۹۷	۲۶	« حکایت
۳۷۴	۴	« حوالت
۲۳۱	۳۰	« خبرخون
۱۵۰	۳۴	« خبرگشتند
۲۳۳	۳۱	« خران
۱۱۴	۳۲	« خرد
۲۴۷	۱۰	« خورشها
۳۲۴	۲۰	« خیال
۲۴۸	۲۴	« درخت
۳۷۱	۲۴	« دکان‌با
۱۸۷	۱۲	« دکان‌رفتن
۷۲	۱۸	« دوآتش
۲۰۴	۳۴	« دوجوشش
۳۵۵	۴	« دوره
۳۵۵	۴	« دوره
۱۹۷	۲۹	« دووصفش
۴۳۳	۲۵	« رباط
۳۹۰	۱۴	« رسالات
۲۳۱	۳۹	« رسالت
۱۴۵	۱۷	« روش
۳۹۶	۲	« سبب‌آمد
۲۶۵	۱۲	« سبب‌ادهم
۱۸۵	۲۱	« سبب‌بد
۲۱۷	۲۶	« سبب‌بر
۴۱۹	۲۴	« سبب‌بیغمبر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۱	۱	زین سبب تو
۲۷۷	۱۲	« « جان
۴۰۳	۳۵	« « در
۸۴	۹	« « عیسی
۱۶۳	۲۷	« « فرمود
۴۰۰	۱۵	« « فرمود
۳۶۴	۳۸	« « قل
۴۱۸	۴۰	« « که علم
۱۶	۲۴	« « من
۴۲۴	۱۵	« « میگوید
۱۶۷	۱۶	« « نبود
۴۲۰	۲۴	« « هنگام
۲۵	۱	« سپس من
۱۴۶	۱۹	« سپس میجو
۳۷۰	۳۰	« سحرتا
۱۷۶	۲	« سخن داود
۴۱۹	۳۸	« سخن قاضی
۳۵	۱	« سخن گر
۲۳۸	۳۱	« سراز
۳۴۲	۲۲	« سرپشته
۱۲۳	۶	« سفرچون
۱۱۳	۴۰	« شکستن
۱۴۳	۳۸	« شکنجه
۷۴	۲۲	« شود
۱۱۶	۱۹	« ضرورت
۸۰	۲۵	« طلب
۱۷۰	۵	« عجب
۳۲۷	۹	« عذاب
۸	۱۳	« عصا
۳۵۳	۱۳	« غمام
۲۲۳	۱۸	« فلان و
۱۶۱	۲۸	« قبل
۴۰۶	۳۶	« قدحهای
۲۶۹	۹	« قدم
۳۹۵	۸	« کششها
۱۴۱	۱۶	« کمین
۲۴۰	۳۴	« کندنفرین
۳۶۶	۲۷	« گذرکن ای
۲۰۲	۳۸	« گذرکن باز
۳۲۶	۷	« گذرکن پند
۲۰۱	۲۷	« گذرکن جان
۴۲۰	۲۱	« گنه
۴۱۱	۱۹	« لسان
۲۷۴	۲۶	« لعب
۴۹	۲۸	« للناس
۳۰۹	۶	« مقام
۳۷۲	۳۴	« مناره
۴۲۲	۳۶	« منی
۳۱۰	۳	« نسق آید
۱۲۷	۳	« نسق اوصا
۱۹۲	۲۰	« نسق غم
۴۹	۲۳	« نسق میگفت
۱۲۵	۸	« نشان
۲۶۹	۱۰	« نظر
۱۴۴	۲۸	زین نمط اوصد
۱۹۶	۱۲	« بسیار آه
۲۲	۳۶	« بسیار بر
۱۰۵	۳۱	« بیهوده
۱۲۷	۵	« دارند
۴۶	۳۱	« زین ماجر
۱۳	۲	« زین نوع
۳۸۸	۳۰	« میگفت
۴۲۵	۲۶	زین نمی کو
۲۷۵	۶	« وصیت
۳۵۵	۳۱	زینهارای جاهلا
۵۷	۱۹	زینهه انواع دا
۱۳۹	۷	« انواع نعمت
۲۱۳	۵	« بگذر
۳۸۴	۳۵	زین همی گوید

حرف ژ

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۱	۱۵	ژندهاز
۳۱۵	۱۴	ژغژغ آن زان
۱۴۱	۲۳	« آن عقل
۱۵۴	۳۲	« دندان
۲۶۵	۳۳	ژیغ ژیغ

حرف س

س ـ ا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۴	۲۱	سائل آن باشد
۳۷۱	۱۶	سائلی آمد
۲۸۶	۳۳	« بگذشت
۳۳۵	۱۲	« پرسید
۲۱۳	۱۵	سابم از
۲۳۰	۳۷	ساجد و مسجود
۴۱۶	۳۱	ساحران آورده
۸	۱۳	« باموسی
۳۴	۲۸	« چون
۳۴	۲۶	« درعهد
۳۸۶	۳۱	« راچشم
۱۶۵	۴	« رانی
۲۸۶	۱۲	ساحرانش
۱۵۶	۳۳	ساحران قصد
۲۹۵	۳۹	« مهتاب
۳۹۶	۴۰	« واقف
۳۰۷	۳۶	ساحرانه اش
۲۴۹	۱۳	ساحرانهم
۲۶۷	۱۷	ساحرهٔ دنیا
۲۸۶	۱۰	ساحری صحن
۴۳۱	۲۴	ساخت پاگاه
۴۳۱	۳	« زاد
۱۸۵	۱۵	« سرگین
۱۲	۱۱	« طوماری
۱۸۵	۱۳	« موسی
۴۳۴	۲۵	ساخته آنجا
۴۳۰	۴	« درشهر
۴۳۴	۳۰	« شهری
۴۴۱	۱۷	ساختی این
۱۴۸	۸	ساختی خودرا
۳۸	۱۱	« مکری
۲۱۴	۱۵	سادساز
۲۲	۱۳	ساده مردی
۱۰۲	۱۶	سؤراو
۳۹۸	۱۰	ساربانا
۳۹	۳۴	سازداسرافیل
۴۳۴	۴۰	سازدت آزاد
۴۳۰	۶	سازمت
۱۰۵	۳۰	سازم و
۱۷۰	۲۵	ساعت از
۱۲۲	۳۴	ساعتی آن
۱۹۹	۱۶	ساعتی افتاد
۳۳۸	۱۹	« اوبا
۱۷۰	۲۲	« باآن
۳۳۸	۱۹	« بابخت
۲۳۱	۳۳	« بادم
۳۲۶	۱۵	« بسیار
۲۷۰	۳۲	« بگریست
۲۷۱	۱۶	« بنشست
۱۰۲	۲۱	« بیخود
۳۶۱	۲۵	« بیدار
۱۷۰	۲۴	« بیرون
۱۶۹	۱۴	« بی عقل
۲۴	۱۴	« تأخیر
۱۱۱	۱۵	« درروی
۳۵۶	۳۵	« دروی
۳۴۷	۱۶	« شان
۲۲۰	۳۰	« شد
۹۹	۱۷	« کافر
۱۰۰	۳۶	« گرگی
۷۹	۵	ساعدشه
۲۵۹	۱۸	ساغر صدق
۴۳۴	۴۰	ساغر واو
۳۱۴	۲۱	ساقی حلم
۲۸۱	۶	ساکنش کرد
۹۸	۲۵	سال بیگه
۲۸۲	۸	« دیگر آمد
۱۴۱	۳۶	« دیگر گر
۹۸	۲۲	« شصت آمد
۳۷۶	۷	« قحط
۱۱۹	۱۸	سالکان راه را
۱۶۷	۲۹	سالکان راه هم
۴۳۲	۳۳	« عارف
۴۴۳	۱۵	سالک راه
۴۳۰	۱۷	« عارف
۵۵	۲۴	سالم از دزدان
۳۳۷	۲۲	سال و مه در
۱۶۸	۳۸	« و مه رفتم
۱۲۵	۳۶	سالها ابلیس
۱۵۱	۴۰	« ادرار
۳۸۴	۲۵	« اندر میانشا
۲۷۴	۱۲	« اندر نباتی
۲۰۷	۱۱	« اورا
۲۶۴	۲۴	سالها این دوغ
۳۶۴	۱۱	« این مرگ
۵۲	۲۶	« بایدکه
۴۷	۱۰	« بروعده
۱۷۴	۵	« بوده است
۱۶۸	۳۵	« پرم
۳۹	۲۹	« توسنگ
۱۳۴	۳۵	« جستم
۱۰۷	۲۸	« خر
۳۲۸	۲	« خوردی
۳۶۱	۲۱	« دربند
۱۷۳	۳۶	« درحسرت
۱۵۱	۴۳	« دفع
۱۱۷	۱۸	« ره
۳۸۰	۵	« زو
۷۳	۲۵	« گرظن
۱۸۳	۴۱	« گفتند
۸۷	۱۰	« گوید
۲۷۴	۵	« مردی
۳۱۶	۴۱	« میکرد
۱۳۴	۲۳	« میگشت
۳۵۹	۳	« هم
۴۴۴	۲۴	سالی درحی
۱۱۰	۲۶	سامری خود
۳۸۹	۲۳	سامری را
۱۰۹	۲۱	« وار
۱۸	۸	سایران در
۳۶۹	۲۵	سایس اسبان
۳۶۹	۲۵	سایسی کردی
۱۶۹	۲۴	سایه آنرا
۲۱۲	۲۶	سایهائی کان
۲۷۴	۱۵	سایه اش فانی
۳۹۸	۱۳	« گر
۸۸	۳۵	سایه اصلست
۷۳	۳۹	« امن
۲۱۶	۲۴	« اورا
۳۹۶	۳۰	« بوده
۲۱۴	۱۷	سایهٔ حق
۵	۱	« خواب
۱۶۵	۶	« خودرا
۳۶۱	۲	« خویش
۳۳۷	۳۳	سایه در روز
۹۵	۱۶	« راتو
۴۰۸	۴	سایهٔ رهبر
۲۷۴	۱۵	« شاخ
۱۱۳	۸	سایه شاهان
۲۶۹	۲۵	« طوبی
۱۹۷	۶	« کبود
۵۷	۴	سایهٔ مرغی
۲۱۲	۲	« وعاشقی
۱۱	۱۳	« یزدان بود
۱۱	۱۲	سایه یزدان چو

س ـ ب

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۴	۱۷	سبح لله
۵۰	۲۰	سبز کردم
۲۹۳	۹	سبز و اراست
۶۵	۹	سبزها گویند
۲۶۹	۱۹	سبزهٔ جان بخش
۲۶۹	۱۸	سبزه رویاند
۲۶۹	۱۹	« گردی
۴۳۳	۳۱	« گشته
۲۷۲	۸	سبطی آندم
۳۸۳	۸	« انداین
۴۴۲	۳۹	سبطیان در
۲۷۱	۱۱	« زان
۲۷۲	۸	سبطی و قبطی
۲۸۲	۴	سبق برده
۲۷۶	۱	« بیچون
۳۰۶	۸	« رحمت بر
۲۸۷	۱۷	« رحمت راسد
۳۰۷	۵	« رحمت گشت
۳۶۱	۶	سبلتان توبه
۲۵۵	۲	سبلتت را
۲۹۵	۲۶	سبلت تزویر
۲۴۷	۹	سبلتت گنده
۲۵۵	۲	سبلت تو تیز
۴۴۲	۱۲	« خود

س ـ (ت ـ ج)

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۳	۲۹	سترچه
۴۱۹	۱۳	سترکن تا
۳۸۳	۱۷	سجده آدم
۹۷	۲۸	« آمد
۲۹۲	۳۹	« آوردند
۱۰۸	۳۱	سجده امیکرد
۱۶۲	۴	سجدهٔ خلق
۳۸۶	۳	سجدهٔ خودرا
۱۶۲	۲۶	سجده کردند و بگ
۱۵۱	۴۲	« کردند و بگ
۲۶۷	۴	« کرد و بر
۳۴۸	۹	« کرد و پس
۱۳۰	۱۰	« کرد و رفت
۶۲	۱۵	« کرد و گفت
۱۷۵	۱۸	« کرد و گفت
۳۴۶	۱۸	« کن صد بار
۴۲۰	۱۱	« گاه لا
۱۳۱	۲۱	« گاهم
۲۲۲	۸	« گه را
۲۶۶	۳۲	« میکرد او
۲۸۱	۴	« میکرد او
۲۷۷	۱۴	« میکردند
۶۵	۲۸	« ناوردند
۹۷	۲۹	« نتوان
۴۴۷	۳۹	سجع قمری

س ـ (ح ـ خ ـ د)

صفحه	سطر	اول بیت
۸	۱۲	سحر را با
۲۴۲	۳۴	« رفت و
۷۳	۱۶	« عین است
۲۰۲	۳۰	سحرگاهی را

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۹	۱۳	سحر وضد
۲۴۲	۲۵	« های
۳۷۳	۱۹	سخت بیرحمی
۱۹۸	۶	« بی‌صبر
۳۶۹	۱۷	« پس‌پس
۲۱۳	۲۲	« پنهان
۳۶۴	۱۰	« ترافشرده
۱۹۸	۳۴	« ترشد
۳۸۱	۳۵	« جانی
۲۶۷	۲۴	« چون‌آید
۷۷	۳۱	« خاك
۲۲۴	۲۰	« خوش
۲۴	۱۶	« درماند
۱۷۶	۱۱	« راسخ
۴۳۱	۴۷	« رنجید
۳۸۱	۳۸	« روئی که
۲۲۱	۲۴	« روئی‌گر
۲۰۳	۳۵	« روشد
۲۲۶	۲۴	« زیبالیك
۱۵۷	۳۲	« گبرد
۱۵۷	۳۳	« گبری‌و
۲۱۳	۲۷	« مست‌و
۳۷۸	۱۵	« میتولی
۳۴۵	۳۵	« میخندید
۳۷۸	۱۵	« میرنجی
۲۷۰	۱۷	سخرهٔ ابلیس
۸۰	۴	« حس
۲۵۴	۴۱	سدشدی
۱۸۴	۱	سده‌چون‌شد
۳۰۷	۴۰	« ودیدان
		س ـ ر
۳۱۱	۲۴	سراب
۱۸۲	۲	سرآنخرگوش
۴۱	۱۱	« ازآن‌خواب
۶۵	۱۴	« ازآنرو
۴۰۶	۲۳	« استثنا
۳۹۴	۷	« الناس
۳۳۲	۴۹	« اوبامن
۳۱۶	۳۴	« اودانست
۴۲۵	۱۴	« اوراچون
۶۸	۲۲	« امسینالکر
۶۸	۲۳	« امسیناو
۸۶	۱۲	« این
۱۷۹	۲۷	« بیخشد
۲۷۹	۲۴	« بیراین
۳۴۲	۱۶	« بیرش
۲۰۴	۱۶	« بیرم
۳۳۳	۷	« بجنبانید
۴۰۹	۳۸	« بدی‌پیوسته
۲۳۰	۲۱	« برآردآفتاب
۱۷۱	۳۴	« برآردازرکو
۲۶۰	۴	« برآردازز
۱۷۱	۳۵	« برآرداو
۳۴۸	۲۸	« برآرد

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۸	۲۳	سربرآوردنداز
۲۹۵	۲۸	سربرآوردندباز
۳۰۸	۳۵	« برآورهمچو
۲۷۴	۱۱	« برون
۱۷۲	۱۰	« برهنه
۱۱۸	۱	« بریدن‌چیست
۱۵۲	۸	« بریدندش
۱۴۰	۴	« بریدن‌واج
۴۴۶	۱۹	« بریدیش
۲۸۷	۱۵	« بریده‌از
۴۱۴	۱۲	« بریده‌مرغ
۴۴۴	۱۵	« بسربر
۱۳۹	۳۱	« بسرگوش
۲۳۸	۳۴	« بکوب
۲۲۰	۲۸	« بگوشش
۲۷۰	۲۱	« بلندم
۲۰۴	۱۵	« به‌پیش
۳۴۶	۱۰	« بیخ‌هر
۴۳۳	۱۷	« پاك
۹	۲۱	« پنهان‌است
۲	۱۸	« پنهانست‌اند
۳۳۵	۲۸	« چارق
۴۲۲	۳۵	« چرابندم
۲۹۳	۳۶	« چنین‌کرداو
۱۷۰	۲۲	« چنین‌کردند
۷۲	۲	« چه‌می‌پیچی
۹۶	۷	« سرخ‌روئی
۵۱	۳۰	« شد
۱۰۳	۲۹	« وسبز
۱۰۷	۱۴	سرخون‌و
۴۴۶	۴۱	« خبر
۲۱۹	۳۱	سردبود
۱۸۷	۲۹	سردراندازم
۳۵۴	۱۶	« دیگر
۷۲	۹	« زخفتن
۸۵	۱۳	« زشکر
۲۰۱	۵	« زهر
۴۳۳	۱۴	« سبحان
۳۱۵	۲۰	« سیه
۲۲	۲۸	« شکسته
۱۹۱	۳۲	« غیب
۳۴۸	۵	« فروانداختند
۴۳۹	۲۹	« فروبردر
۲۲۹	۲۵	« فروکردند
۴۴۱	۳۷	« فکند
۳۵۷	۲۱	سرفهٔ بشنید
۸۴	۲۷	سرکجا
۷۰	۳۰	سرکشان‌را
۱۳۹	۳۱	سرکشدگوش
۱۷۳	۱۷	سرکشیدی‌تو
۵۱	۲	سرکشی‌از
۲۶۹	۲۱	سرکلاه‌چشم
۱۰۷	۳۵	سرکه‌افزودیم
۳۳	۲	« راگرراه

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۵	۸	سرکه‌راگرگرم
۴۸	۳۵	« مفروش
۳۲۲	۱۶	« نه‌ساله
۶۳	۲	« مارا
۵۴	۱۷	سرمپوشان
۲۹۸	۱۰	« مدزد
۴۴۶	۴۲	« مکش‌از
۲۳۹	۱۰	« مکش‌اندر
۴۳۵	۴۴	« مکش‌گر
۲	۴	« من‌از
۴۰۸	۳۶	« موتوا
۳۰۷	۴۲	سرمهٔ توحید
۲۹۷	۴	سرمه‌را
۱۴۷	۱۱	سرمهر
۲۷۰	۸	سرمه‌کن
۴۱۳	۱۶	سرنخواهی‌برد
۱۰۹	۲۳	« که
۵۸	۲۶	سرنداردکز
۲۴۴	۱۹	سرنگون‌از
۳۷۲	۳۵	« افتادگا
۲۴۰	۳۲	« خود
۳۴۰	۹	« زان
۴۳۲	۲۳	« کرد
۴۱۳	۲۳	سرنگونم‌هین
۹۱	۳۲	سرنگون‌می‌افتد
۲۷۵	۹	سرنگونی‌آن
۴۳	۲۷	سرنهاد
۸۳	۲۲	سرنهد
۴۴۱	۱۵	سرواین
۴۳۳	۳۶	سرودرعالم
۴۶	۱۱	سروران‌مکه
۱۳۱	۴۲	سروری‌چون
۱۳۱	۴۱	« زهر
۴۴۶	۱۹	سروفتح‌ما
۴۲۲	۳۶	سروقد
۴۴۴	۲۰	سروونسرین
۳۹۶	۲۷	سرهمان
۱۶	۷	« همه‌بر
		س(ع ـ غ ـ ف ـ ق)
۲۷۹	۱۴	سست‌چشمانی
۳۱۶	۳۶	« خندید
۲۹۵	۶	سستی‌او
۳	۱۹	سستی‌دل
۴۲۸	۲	سعدالاعداد
۲۱۷	۴	سعددارش
۳۹۳	۲۳	« دیدی
۳۴۱	۱۴	« ونحس
۱۷۹	۱۱	« هاو
۲۲	۲۴	سعی‌ابرار
۲۱	۳۳	« شکر
۲۸۳	۶	سعیکم‌شتی
۱۱۴	۱	سعیها‌کردند
۱۴۶	۳۳	سغبهٔ صورت
۱۸۶	۶	سفرهٔ او

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۸	۳	سقف‌گردون
		س (ك ـ گ ـ ل ـ م)
۲۴۸	۲	سکسکانید
۲۶۱	۳۵	سکه‌شاهان
۳۰۳	۳۰	سگ‌بچه
۳۲۹	۳۳	« بخفته
۱۲۰	۱۵	« چواز
۳۹۵	۱۵	« چوبیدار
۱۱۵	۱۸	« چوعالم
۱۸۳	۱۹	« زمستان
۲۰۴	۲۷	« شکاری
۱۱۵	۱۹	« شناسا
۱۷۹	۲۰	« کلبچه
۱۱۵	۱۴	« کند
۸۶	۳۵	« نهٔ
۲۱۰	۳۳	« نیم
۸۵	۳۸	« وظیفه
۱۷۶	۵	« هماره
۱۹۹	۶	سلسلهٔ این
۳۵۵	۲۸	« زرین
۱۷۹	۱۸	سله‌برتو
۳۱۳	۱۷	سمع‌شو
۴۲۴	۳۱	« وطاعت
		س ـ ن
۲۹۴	۲	سنبل‌ولاله
۱۸	۱	سنت‌بد
۳۰۵	۱۳	« وعادت
۳۰۵	۱۲	سنتی‌بنهاد
۱۸۶	۲۳	سنقرآمد
۱۸۶	۲۷	« آنجا
۱۱۱	۳۵	سنگ‌آورد
۱۵۳	۱۸	« احمد
۱۷۷	۳	« باتودر
۲۱۴	۱۹	« برآهن‌زد
۱۹	۳۶	« برآهن‌زنی
۱۷۶	۳	« برسینه
۲۳۱	۳۹	« بیجرم
۲۲۳	۳۹	« بیجمال
۱۷۳	۲۵	« پرگردی
۱۷۸	۱۸	« خارا
۳۸۴	۳۴	« در
۱۸۳	۳۰	« راصد
۳۳۱	۳	« راگر
۱۸۳	۳۷	« راگوئی
۳۲۹	۲۹	« راهرگر
۱۱۱	۳۶	« روی
۲۵۴	۲۴	« ریزه
۳۳	۷	« سرمه
۲۲۸	۴۰	« می‌بارید
۱۷۶	۲۶	« می‌گردد
۱۰۹	۱۲	« وآهن‌اول
۱۹	۳۷	« وآهن‌خود
۱۸	۱۹	« وآهن‌در
۱۵۴	۳۰	« وآهن‌رابد

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴	۱۲	سنگ‌وآهن‌راه
۱۸	۱۸	« زا
۱۰۹	۱۱	« زیند
۲۷۶	۱۲	« مول
۴۴	۱۹	سنگهااندر
۳۴۷	۲۸	« درآستین
۱۲۳	۲۴	سنگهاش‌اندر
۳۰	۹	سنگهاوکافران
۱۴۸	۴۰	سنگهای‌امتحان
۱۷۷	۴	سنگهایت‌صد
۱۶۱	۵	سنی‌از
		س ـ و
۸۹	۲۲	سوبسو
۲۰۷	۲۸	سوخت‌پرش
۴۳۶	۴۲	سوختش
۳۶	۱۹	سوختم‌من
۳۶	۲۰	سوخته‌چون
۳۷۱	۲۵	سوداو
۴۳۷	۸	« خودرا
۲۵۰	۳۸	« ندهد
۴۰	۲	سورة‌الرحمن
۴۴۴	۴۲	سورهٔ‌والکهف
۲۸۱	۱۰	سوزمهرو
۱۲۸	۲۳	سوزن‌زرین
۴۴۵	۳۴	سوزنی‌باآن
۴۴۵	۳۰	سوزنی‌را
۲۸۵	۳۹	سوی‌آن‌آتش
۳۱۰	۷	« آن‌امید
۱۹۳	۱۴	« آن‌مرغابیه
۲۶۱	۱۸	« آن‌هنگامه
۴۰۶	۱۹	« آهوئی
۲۹۴	۲۶	« اضلال
۱۳۵	۲۴	« انگوری
۴۰۸	۹	« اونه
۳۸۲	۱۰	« اونی
۴۰۶	۳۷	« باده
۲۵۸	۳۲	« بام‌آمد
۱۹۶	۴	« بحث
۲۷۱	۳۴	« تودانه
۲۷۱	۳۳	« توماهست
۲۰۰	۴	« تیغ
۳۸۸	۴۰	« جامع
۲۵۸	۳۱	« جنس
۲۶	۲۲	« چاهی‌کو
۲۷۲	۲۵	« چشم‌خود
۳۸۶	۷	« چشمه
۹۹	۶	« حسی‌رو
۲۲۵	۳۱	« حق‌گر
۱۷۷	۳۹	« حوضت
۱۴۲	۱۴	« خانه‌خویه
۱۱۹	۷	« خانه‌گور
۱۰۹	۱۴	« خرس
۴۱	۲۶	« خلقان
۱۴۸	۲	« خوداعمی

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۲	۳۴	سوی خودکن
۱۴۶	۳۳	« دام
۲۵۱	۲۳	« دریا
۲۳۸	۳۲	« دشت
۶۰	۱۴	« دلاکی
۴۲۵	۴۱	« دوزخ
۳۰۹	۲۳	« دیوان
۲۲۷	۳۹	« ساحل
۱۱۶	۳۶	« سوراخی
۳۶۴	۲۸	« شادروان
۱۳۹	۲۳	« شامست
۶	۱۹	« شاهنشاه
۱۲۸	۲۶	« شهراز
۱۴۹	۲۸	« طاوسان
۳۲	۲۳	« عقل و
۱۴۳	۲۹	« فارس
۸۹	۴	« قاضی
۲۶۷	۱	« قبله
۵	۲۸	« قصه
۱۸۷	۳۷	« کتبان
۲۳۵	۱۱	« کسب و
۴۰۵	۲۴	« کفرش
۴۲۵	۳۴	« گل خود
۳۸۳	۲۸	« گردون
۲۶۷	۲	« گورستان
۲۶۶	۳۹	« گورستان
۴۴	۳۳	« گورستان
۳۷۵	۳۷	« گوش
۱۲۲	۳۷	« لطف
۱۹۲	۲۲	« مردن
۱۱۳	۱۳	« مکه
۲۲۷	۲۷	« من آمد
۴۸	۴	« من منکر
۲۳۱	۱۳	« منزلها
۴۴۷	۳۶	« میخانه
۱۵۱	۳۶	« میدان
۲۹	۲۵	« نخجیران
۳۸	۲۳	« هندستان
		س-ه
۴۲۴	۲۹	سه پسر
۲۶۷	۸	« شبانروز
۴۳۱	۲۰	« گواهند
۳۵۶	۳	سهل باشد
۳۶۸	۷	« دادی
۴۰۸	۲	« دانستیم
۳۰	۱۵	« شیری
۱۶۰	۳۶	« کردان
۱۹۶	۴	« گیرش
۱۰۸	۱۵	سهم آن
۸۶	۳۶	سهو باشد
۲۹۱	۳۵	« ونسیان
۲۲۴	۲۷	سه هزاران
		س-ی
۳۱۶	۲۲	سیئاتت را

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۵	۱۶	سیئاتم چون
۱۲۵	۱۶	« شد
۱۰۸	۸	سیب پوسیده بس
۱۶۹	۲۶	« پوسیده همی
۱۰۸	۹	« چندان
۳۹۹	۲۴	« روید
۹۲	۳	« وآبی
۱۱۳	۱۷	سیدالاعمال
۳۸۹	۳۰	سیدترمد
۳۸۹	۱۲	« سادات
۳۶۸	۲۳	« کونین
۱۸۷	۳۹	« وسرور
۱۴	۷	سیر بیرونیست
۱۰۰	۳۶	سیر تی کان
۱۶۹	۱	سیر جان بیچون
۱۶۹	۲	« هر
۱۶۹	۲	سیر جسمانه
۱۴	۹	« جسم خشك
۱۲۶	۹	« چشمان را
۸۱	۳۰	« زاهد
۳۱۵	۴۸	« عارف
۳۰	۱۰	« کشتی
۴۲۹	۱۸	« کن در
۱۴۶	۴۱	« گشته
۳۴۹	۲۵	« نبود
۱۸۳	۲۶	« نوشی
۱۷۹	۲۵	سبزده
۱۸۴	۱۳	سیصدونه
۳۲۴	۳۴	سیف وخنجر
۳۹۰	۳۹	سیلئی در
۲۷۲	۱۴	سیل بود آنکه
۳۳	۵	« چون
۱۶۷	۲۸	« وجو
۳۷۲	۲۴	سیلیش اندر
۳۹۲	۲۶	سیلی نقد
۲۹۶	۱	سیم بر بایند
۱۵۵	۲۷	« برده
۱۵۵	۲۸	« برده
۲۹۸	۶	« وزر
۲۰۲	۲۰	سینه اش را
۱۹۲	۱۶	« بازو
۴۱۳	۲۱	« پرآتش
۲	۲	« خواهم
۲۵۱	۲۴	« رایا
۳۰۴	۴	« سوزان
۲۳۱	۱۵	« کوبان
۶۳	۸	سینها صیقل
۶۸	۳۴	«
		حرف ش
		ش-ا
۲۵	۳۱	شاخ آتش
۱۲۰	۲۷	« تلخ
۲۵۴	۳۵	« تیزت

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۸	۱۸	شاخ خشك از
۱۴۸	۱۷	« خشك و تر
۵۰	۱۷	« را
۳۵۴	۲۶	« گل
۳۴۶	۱۲	« واشکوفه
۲۹	۱۹	« وبرگ از
۲۹۸	۱۴	« وبرگ نخل
۲۶۸	۲۰	شاخها رقصان
۳۵۳	۶	شاخهای تازه
۲۳۶	۵	شادآنشاهی
۲۴۵	۲۶	« آن صوفی
۱۴۵	۲۶	« ازغم
۱۴۵	۲۵	« ازوی
۲۶۵	۲۵	شادئی آمد
۲	۱۶	شادباش ای
۵	۳۶	« و
۲۳۳	۲۰	شادباشید
۱۸۳	۶	« پرو
۲۱۰	۱۶	« شدجانش
۴۳۱	۱۶	« شدگفتا
۹۴	۲۸	« گشتی
۱۴۵	۲۱	شادمانان
۱۴۶	۵	شادمانه
۱۸۳	۱	شادمرغی
۲۵۲	۱۱	شادمیشداو
۴۳۲	۳۸	شادوخندان
۹۷	۸	شادی اندر
۲۶۲	۱۱	« بچگان
۲۷۲	۲۲	شادیت راغم
۲۶۵	۲۹	شادی تن
۳۴۰	۲۲	« هرروز
۱۲۹	۳۰	شارب خمر
۴۳۸	۱۳	شارح برهان
۲۳۵	۳۰	شاعر اندر
۲۳۵	۳۰	شاعرش چندان
۲۳۴	۲۸	شاعری آورد
۵۹	۳۰	شاوروهن
۲۶۷	۴	شاه آئین بست
۴۱۰	۲۵	« آمد
۱۲۸	۱۱	« آن باشد
۷	۱۱	« آن خون
۱۰۱	۳۱	« آن دان
۹	۱۱	« احول
۱۰۳	۱۵	« ازآن اسرار
۱۵۱	۲۰	« ازآن هیبت
۹	۱۶	« ازحقد
۴۳۵	۱۰	« ازوخواهد
۳۸۳	۲۶	« امروزبنه
۲۶۵	۳۰	« اندیشید
۴۳۹	۶	« اینك
۹۴	۲۳	« باو
۳۴۶	۲۵	« باخودآمد
۲۶۵	۲۷	« باخودگفت
۳۳۸	۷	« بادلقك

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۰	۱۰	شاه باساقی
۴۲۹	۳۱	« بالشکر
۲۶۶	۳۰	« بس
۹	۳۰	« بوئی
۴۴۷	۴۰	« بودم
۷	۱۷	« بودو
۱۵۶	۳۱	« بیدار
۳۵۸	۷	« بیرون
۲۹۹	۱۲	« پرسبدش
۱۸۰	۳۰	« پیلان
۸	۲۷	« جان مر
۴۲۴	۲۰	« چون از
۲۶۶	۱۷	« چون با
۲۱۱	۳۸	« چون دید
۱۰۰	۱۲	« چون شیرین
۳۴۷	۲۲	« چون کرد
۳۴۷	۱۹	« خلعت
۲۶۶	۱۱	« خودآن
۴۴۵	۲۲	« خودعالم
۵۳	۱۸	شاهدت که
۶۴	۳۰	شاهدتو
۲۴۴	۱۰	« شاهد
۳۹۴	۳۶	« مطلق
۴۴۵	۴۸	شاهدی بر
۴۰۳	۱۵	شاهدیدآن
۶	۲۰	« دیداورا
۲۹۷	۳۰	« دیدش بس
۴۲۱	۳	« دیدش گفت
۲۸۲	۳۴	شاهدیش
۲۹۵	۹	شاهدی کز
۲۲۹	۲۰	شاه دین را
۲۵۴	۳۳	« رابابد
۳۹۴	۲۲	« رابرتخت
۳۱۰	۲۵	« رابروی
۲۳۹	۵	« رادرخانه
۴۲۲	۳۸	« رادل
۳۹۵	۱۳	شاهراشرم
۳۱۴	۱۹	« غافل
۳۷	۱۲	« راغبرت
۲۹۷	۲۹	« راگفتنداش
۳۱۰	۱۸	« راگفتنداو
۱۰۵	۲۴	« راگوید
۴۱۷	۱۴	« رامکشوف
۱۱۶	۳۶	شاهراه باغ
۴۲۰	۱۴	شاهزاده پیش
۲۶۷	۶	« در
۴۱۷	۱۸	« نزد
۳۱۰	۲۹	شاه شاهانست
۲۳۶	۶	« عادل
۲۳۶	۷	« فرعون
۴۴۱	۳۵	« فرمان
۳۱۰	۱۹	« فرمود
۱۴۴	۲۶	« کارنازکم
۲۹۴	۱۵	« گردد

صفحه	سطر	اول بیت
۹۳	۳۰	شاه گفت اکنون
۶	۸	« گفت اکنون
۲۴۶	۱۹	« گفت ای
۹	۲۱	« گفتش بس
۴۱۳	۱۵	« گوید
۴۱۳	۱۴	« ماخود
۴۴۰	۲۱	« مارا
۳۳۷	۹	« مردان
۲۳۴	۲۸	« مکرم
۳۱۲	۱۸	« میدانست
۳۴۴	۵	« موصل
۲۷۱	۲۶	شاهنامه یا
۹	۲۹	شاه واقف
۱۶۰	۱۹	« وسلطان
۱۵۵	۳۰	« ولشکر جمله
۱۹۷	۳	« ولشکر حلقه
۴۱۷	۲۵	شاهی وشهزادگ
		ش-ب
۱۳۱	۶	شب بیردش
۴۶	۲۸	« بخفتم روز
۱۰۴	۱۴	« بخفت و
۱۲۱	۳۹	« بخواب
۲۲۳	۱۱	« بهرخانه
۱۹۷	۱۳	« پدید
۵۴	۲۵	« پرانرا
۱۰۷	۲۴	« چراغت
۲۰۸	۲۲	« چنین با
۳۷۷	۲۰	« چوروز
۳۶۱	۲۴	« درآن
۳۸۳	۲۳	« روان و
۳۲۷	۳۷	« زاندیشه
۳۱۹	۱۷	« زدردیشت
۱۰	۲۲	« ززندان
۱۵۱	۳۲	« ستارهٔ
۳۵۹	۷	« شدو
۳۸۶	۳۶	« شکسته
۲۸۵	۲۵	« شوددر
۱۱۹	۶	« شوددر
۱۴۷	۳۳	« غلط
۷۵	۱	« کند
۲۶۳	۱۹	« کشاه
۴۷	۲۶	« گذشت
۳۰۱	۱۶	« گریزد
۳۳۶	۷	« گهی کردند
۲۰۰	۱۷	« مخسب
۲۵	۲۱	« نبدنور
۳۷۷	۵	« ندزدیدی
۲۵	۲۱	« ندیدی
۳۸۶	۳۸	« نرفتی
۱۴۷	۲۱	« همه شب جمله
۱۴۵	۷	« همه شب می
۴۴	۶	شبهمی
۱۹۹	۲۳	شب همی جوشم
		ش-(ح-خ)

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۴	۱۶	شحم تو در
۴۴۰	۱۶	« ولحم از بهر
۲۱۴	۸	« ولحم زندگا
۱۶۴	۲۳	شحنه آمد
۴۰۳	۲۷	« اجسام
۴۰۹	۱۵	شحنهٔ از
۱۲۴	۲۵	« تقدیر
۱۶۴	۲۰	« حالی
۱۶۴	۱۹	شحنه را
۱۹۹	۲۳	« صدر
۳۸۲	۱۴	شحنهٔ عشق
۵۱	۱۷	« قهر
۱۲۴	۲۶	شحنه گاهش
۳۴۲	۱۸	شخص آمد
۱۱۱	۳۴	« خفت
		ش-د
۴۹	۲۴	شد از آن
۱۱۲	۴۲	« از او
۳۹۴	۳۹	« اسیر
۴۲۰	۲	« اشاراتش
۴۳۶	۳۱	« براو چونکه
۳۵۹	۶	« برهنه
۴۳۸	۴۳	« بزانوی
۴۳۱	۲۲	« بوهن
۳۴	۱۰	« پشیمان
۲۸۰	۱۸	« تقاضا
۲۳۶	۲۶	« تمام القصه
۱۹۸	۱۹	« جهنم
۳۲۰	۲۶	« چنین شیخی
۹۷	۱۸	« حجاب
۷۱	۳۱	« حواس
۹۰	۲۷	« خرنفس
۳۶۸	۱۵	« خلالی
۴۱۰	۲۵	« درازو
۲۷۳	۱۱	« درخت
۳۵۲	۱۳	« دهانشان
۳۸۱	۱۶	« زجیب
۱۴۴	۸	« زحد
۲۴۳	۲۶	« زخشم
۳۱۱	۳۰	« زدید
۹۹	۳۶	« زرنگ و
۲۳۳	۱۱	« زعیسی
۲۳۲	۲۰	« زمین و
۴۱۸	۶	« زن او
۳۹۶	۱۱	« زنش
۳۲۲	۱۸	« زیوسف
۱۸۸	۱۷	« سپید آن
۲۲۷	۱۷	« سخن از من
۲۳	۲۰	« سرشیران
۱۰۸	۲۱	« سرم کالیوه
۳۹۸	۷	« سوی تبریز
۵۱	۳۱	« سیه روز
۱۱۲	۴۰	« شریف از
۵۳	۹	« شفیع

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۳	۳۶	شد صفیر
۳۱۱	۱۷	« عزازیلی
۸۴	۹	« عصا اندر
۱۱۰	۲۳	« عصامارو
۹۶	۲	« غذای
۳۲۳	۳۸	« فراموش
۹۳	۲۴	« فضیل
۴۱۰	۳۲	« فقه و
۳۹۹	۲۸	« فنا
۲۰۷	۱۸	« قیامت
۱۳۵	۱۲	« کبوتر
۱۶۰	۲۸	« مثل در
۲۹۲	۳۸	« محمد
۳۷۱	۳۴	« مصور
۲۶۶	۱۲	« مفازه
۱۵۰	۳۳	« منادی
۱۸۱	۱۰	« مناسب عضو
۱۸۱	۱۲	« مناسب وصة
۱۸	۴	« نثار
۲۱۱	۳۱	« نشان صدق
۸۶	۵	« نماز
۱۸۷	۱۴	« ورادر
۷۷	۹	« هوای
۴۱۵	۲۴	« پینلو
		ش-ر
۴۳۰	۴۵	شراخلاق
۳	۲۰	شربت وادویه
۲۷۲	۱۶	شربتی خوردم
۳۳۹	۲	شربتی کان
۴۴۵	۱۰	« نوشید
۲۳۰	۳۱	شرح آنرا
۳۴۶	۵	« آن گردك
۴۴۶	۶	« ایمان
۶۵	۲	« این از
۳۷	۱۴	« این بگذارم
۳۱۶	۲۹	« این توبه
۲۶۰	۷	« این در آینه
۱۶	۲۳	« این را
۵۳	۱۰	« این فرض
۳۴	۶	« این کوته
۵	۹	« این هجران
۲۷۹	۳	« تو
۱۵۴	۱۶	« حق
۲۹۸	۸	« دارالملك
۴۳۸	۲۳	« رواز
۳۲۰	۲۸	« روضه گر
۳۱۶	۲	« عشق
۴۳۴	۳۲	« قبح
۵۷	۹	« کن
۳۷	۲۹	« گل
۲۱۹	۱۸	« مستوری
۵۶	۴	« میخواهد
۱۴۷	۹	« میکردش
۲۰۵	۱۷	« وحد

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۸	۲۰	شرط آن بد
۱۳۸	۲۳	« تبدیل
۴۱۳	۲	« تسلیم
۲۷۹	۱۳	« تعظیم
۳۶۵	۶	« روز
۴۳۰	۱۱	« مقبل
۹۳	۳۳	« من
۲۹۹	۳	شرع بهر دفع
۳۷۵	۲۰	« بهر زندگا
۱۲۳	۳۱	« بی تقلید
۲۹۹	۵	« راهمچون
۳۸۳	۱۱	« وتقوی
۲۶۵	۲	شرق خورشیدی
۴۴۵	۲۵	شرك اندر سینه
۴۴۶	۶	« رادردل
۴۱۰	۳۱	شرم دارم
۲۴۴	۲۱	« دارو
۱۷۶	۶	« شیران را
۱۰۲	۲۴	شرم آمد که
۳۰۵	۳۳	« آمد گشتم
۲۴۱	۲۱	شرم نامد
۱۹۱	۲۸	« نابد
		ش (س-ش-ص-ع-غ-ف-ق)
۲۳۳	۳۳	شسته در باطن
۱۵۰	۹	شسته صیادان
۲۳۱	۱۰	شش جهت خالی
۳۵۲	۳	« جهت را
۱۸۷	۱۸	« جهت عالم
۸۸	۳۶	« جهت بگریز
۲۶۷	۱۹	شصت سال از
۱۸	۵	شعلها با گوهران
۳۱۰	۱۱	شعله در
۶۶	۸	« را
۲۸۹	۱۸	« شعله
۳۱۱	۲۲	« میزد
۴۱۹	۷	شغل را بگذار
۴۳۲	۳۸	شفقتی در
۳۹۰	۴۱	شق باید
		ش-ك
۳۴۸	۳۲	شکر آن کز
۱۸۳	۱۵	« آن نعمت
۱۴۲	۱۶	« آن نگذاشتن
۲۹۱	۳۷	« از نی
۴۲۴	۸	« او آن
۴۰۰	۱۳	« او شکر
۱۸۳	۲۴	« جان نعمت
۱۸۳	۲۷	« جذب
۸۱	۱۳	« حق را
۱۰۸	۳۲	« حق گوید
۱۱۴	۲۸	« دانستیم
۱۵۸	۱۹	« طوفان
۳۰۴	۳۲	« کاین قلبیش
۴۲۵	۴۴	« کاین نامه
۹۳	۱۶	« کرد ایوب

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۲	۱۱	شکر کن ایمرد
۳۱۹	۴	« کن تا
۶۵	۵	« کن غره
۳۷۵	۲۶	« کن که
۱۱	۲۷	« کن مر
۴۲۲	۱۲	« که مظلومی
۱۸۵	۲۲	« کی روید
۶۶	۲۱	« گوئید
۳۱۸	۳۶	« گویم
۴۴۰	۹	« لله
۱۷۹	۲۶	« منعم
۴۲۴	۲۳	« می کرد
۴۰۰	۱۴	« می کن مر
۴۷	۲۰	« می گوید
۱۱۶	۳۸	« نعمت چون
۱۸۳	۲۴	« نعمت خوشتر
۲۱	۳۴	« نعمت نعمتت
۱۷۹	۲۷	« نعمت نعمت
۱۹۰	۳۵	« هامیکرد
۲۴۳	۳۶	« هاوحمدها
۱۲۲	۴۱	« های آن
۸۰	۱۱	« یزدان را که
۱۰	۱	« یزدان رو
۳۳	۱	« یزدان طو
۲۰۷	۳۳	شکل شعله
۱۵۵	۲۷	« کرباسی
		ش-ل-م
۳۷۳	۳۶	شله از مردان
۳۵۰	۱۴	شمس اگر شب
۹۶	۱۴	« باشد بر
۵	۳	« تبریزی که
۴۴۶	۳۱	« تبریزی تو
۲۱۶	۱۰	« چون عالی
۵	۲	« درخارج
۲۱۶	۱۰	« راقرآن
۴۲۹	۱۵	« فی کبد
۴۲۸	۳	« ومولای
۳۹۲	۱۴	« هم معده
۱۹۵	۱۰	شمع از برق
۲۸۴	۲۹	« اوگریان
۲۸۴	۲۸	« اوگوید
۴۴۷	۴۶	« این دریا
۲۰۷	۲۷	« بود آن
۴۲۸	۳۸	« پندارد
۲۷۳	۳۲	« تاجر
۲۹۰	۷	« چون در
۲۷۶	۳۷	« چون دعوت
۳۸۳	۱۸	« حق را
۴۴۳	۱۴	« رایائین
۳۵۶	۳۱	« راهنگام
۳۵۷	۲۹	« روشن
۲۹۰	۵	« شد
۴۴۷	۴۵	« گردون
۲۸۴	۳۱	« مرده

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۸	۴	شمع مریم
۲۴۳	۱۰	« مقصد را
۴۴۷	۴۲	« من
۲۵۰	۳۴	« نی تا
۳۳۶	۹	« وحلوا
۱۰۸	۱۹	شمع زین حال اگر
۱۰	۲۵	شمع زین حال عار
		ش-و
۱۰۰	۱۹	شور چندان
۱۹۱	۲۷	شورش مرگست
۲۹۲	۱۶	شور میخور
۲۵۶	۱۲	شوره ام را
۲۰۴	۱۸	شوغذا و
۶۳	۲۵	« قلیل
۱۰۸	۱۰	شوم ساعت
۱۵۱	۱	شومی آنکه
۱۲۳	۲۲	« یاری
۳۴۰	۳۳	شوهر از
۳۱۶	۹	شوی خود را
۳۱۶	۱۰	« رابر
۴۱۰	۲۰	« وزنرا
۴۷	۱۸	« گفتش
		ش-ه
۴	۴	شه بجای
۲۶۶	۲۶	« بچه شد
۶	۲۳	« بدو بخشید
۱۱۰	۲۹	« بر آن عقل
۹۶	۴۲	« برای من
۱۵۱	۱۳	« برفت
۲۷۶	۱۶	شهپری
۴	۱۹	شه چو پیش
۵۷	۱۳	« چو حوضی
۴۱۰	۲۶	« چو دوزخ
۳	۲۲	« چو عجز
۲۷۹	۱	« حسام الدین
۶۸	۱۳	« درآمد
۲۷۶	۲۱	شهر از آن
۲۴۷	۳۰	« پردزد
۱۵۳	۳۷	« خالی
۲۷۴	۵	« دیگر بیند
۳۶۴	۱۹	« رابفریبد
۱۷۷	۳۸	« رابگذاشت
۱۷۸	۳۴	« راهشتند
۱۳۴	۲۳	« شهراز
۵	۳۱	« شهرو
۳۲۲	۱۴	« مافردا
۱۴۳	۲۲	« هانزدیك
۲۰۶	۲۸	شهره کاریزیست
۲۱۲	۸	شهره مادر ضعف
۲۱۳	۲۰	شهر هم همرنگ
۱۴۷	۲۴	شهریان خود
۳۶۹	۲۲	شه سواران
۱۵۱	۸	« شبانگه
۳	۱۳	« طبیبان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۸	۵	شه‌غلام
۹۶	۳۸	« کندتوده
۲۶۶	۲۰	« که‌اواز
۳۹۴	۱۹	« معین‌دید
۳۹۰	۲۳	« نگیرد
۴۲۱	۴	« نوازیدش
۳۰۲	۱۹	شهوت‌ازخوردن
۲۴۰	۳	« ازغالب
۳۶۹	۱۸	« اورا
۲۶۲	۱۶	« خوردن
۲۱۹	۳۵	« دنیا
۲۸۹	۲۰	« رنجور
۳۹۰	۳۱	« کاذب
۱۶۸	۲۶	« وحرص
۷۲	۲۰	« ناری
۲۹۴	۱۹	شهوتی‌است
۹	۱۹	شه‌وزیری
۲۸۰	۱۰	شه‌یکی‌جانست
ش-ی		
۸۵	۲۶	شیخ‌اشارت
۱۶۴	۳۵	« اقطع
۱۳۴	۳۵	« خندید
۱۶۶	۲۳	« دانا
۳۲۵	۶	« درمیگشت
۳۰۰	۲۸	« راچون
۲۲۲	۲	« راکه
۱۳۲	۲۳	« راگفتند
۱۱۶	۱۱	« راندانذر
۱۳۲	۲۵	« روآورد
۱۳۳	۱۵	« روزی‌بهر
۳۲۵	۳۶	« روزی‌چار
۴۴۱	۴۸	« زانوار
۱۲۸	۲۲	« سوزن
۸۵	۳۶	« فارغ
۸۶	۱۱	« فرمود
۹۹	۲۲	« فعالست
۳۱	۱۲	« کامل
۱۰۳	۱۲	« کوبنظر
۱۶۶	۷	« که‌بود
۸۵	۳۰	« گفتااز
۳۲۵	۱۴	« گفتاخالقا
۱۶۶	۱۴	« گفت‌او
۱۳۱	۱۱	« گفت‌این
۸۵	۲۵	« گفت‌این
۳۲۷	۲۶	« میشد
۳۲۱	۱۹	« نورانی‌زره
۳۶۹	۳۰	« نورانی‌زره
۳۲۷	۲۷	« واقف‌بود
۱۲۸	۱۷	« واقف‌گشت
۸۵	۲۲	« وامی
۳۶۶	۴۰	شبدآوردی
۱۴۸	۲۹	« کردی
۱۷۴	۳۸	« می‌آری
۳۵	۱۶	شیرآن‌ایام

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶	۲	شیراندر
۱۰۶	۲	« اونوشد
۳۷۶	۳۴	« این‌سو
۶۱	۸	« بااین‌فکر
۲۸	۳	« باخرگوش
۶۰	۱۹	« بی‌دم‌باش
۶۰	۲۴	« بی‌دم‌وسرو
۹	۷	« پشمین
۵۲	۳	« تازه
۶۱	۴	« چون‌دانست
۳۲۸	۸	« چون‌واگشت
۳۹۳	۳۶	« چه‌کان
۷۳	۳۷	« حقم
۱۵۷	۲۷	« خواره‌چون
۱۸۵	۲۹	« خواره‌کی
۲۹	۲	« خودرا
۳۰۶	۳۷	« داده
۷۷	۸	« دنیا
۱۵۵	۲۶	« دوشیده
۱۲۴	۳۲	« ده‌ابمادر
۳۱۸	۱۹	« راباپیل
۱۱۲	۳۹	« رابچه
۶۳	۱۴	« رابرگردن
۲۹	۱۸	« راچون‌دید
۲۹	۱۸	« راچون‌دید
۲۹	۱۷	« راچون‌دید
۲۹	۲۳	« راخرگوش
۲۹	۶	« رادر
۲۸	۳۳	« عکس
۳۸۴	۵	« غران
۳۴۶	۶	« کشتن
۲۲	۲۴	« گفت‌آری
۶۱	۱۳	« گفت‌ای‌گرگ
۴۳۷	۷	« گفت‌این‌باش
۴۳۷	۵	« گفت‌اینست
۴۳۷	۱۳	« گفتش‌آدمی
۴۳۷	۲۸	« گفتش‌ای
۲۸	۲۷	« گفتش‌تو
۲۴۹	۲۵	« گیرارخون
۲۴۹	۲۵	« گیرازشیر
۴۱۰	۱۳	« گیرو
۴۳۷	۹	« لاحولی
۱۰۸	۳۵	« مردانند
۳۶	۲۲	« مستی
۲۴	۳۹	« میگفت‌از
۳۴۴	۳۱	« نر
۱۶۰	۲۲	« وآهو
۳۱۲	۳۲	« وخرس
۳۲۵	۱۸	« وگرگ‌ودد
۶۰	۴۳	« وگرگ‌وروبا
۴۲۲	۸	« واشتر
۲۶	۱۴	شیری‌اندر
۳۱۸	۲۰	شیریکروباه
۲۹۵	۱۳	شیشهای

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۰	۳۲	شیشهٔ‌دلرا
۹	۱۴	شیشه‌یك
۲۸۷	۲۳	شیطنت‌گردن
حرف ص		
ص-ا		
۳۷۸	۳۴	صابرین‌و
۱۷۷	۳۳	صاحب‌این
۳۳۱	۲۰	« باغ
۳۱۲	۲۳	« تاویل‌ایا
۲۴	۳۵	« تاویل‌با
۱۹۱	۸	« خانه‌بخو
۳۲۹	۱	« خانه‌بدی
۳۲۲	۲۵	« خانه‌بگفت
۳۵۷	۲۲	« خانه‌شب
۳۶۴	۳۵	« خرمن
۳۰۳	۱	« دام
۲۹۳	۱۳	« دل‌آینه
۲۹۳	۲۷	« دل‌جو
۳۴	۱۷	« دل‌را
۳۵	۲۶	« ده
۱۱۵	۶	« رایست
۱۳۵	۴	« سری
۲۴۷	۳۶	صاحبش‌دریی
۱۷۴	۴	صاحب‌گاوش
۸۶	۵	« مالی
۱۲۵	۲۴	« مسجد
۱۳۸	۸	صاردکاً
۸۸	۱۱	صاف‌خواهی
۲۸۴	۴۰	« خواهي
۸۰	۱۶	« را
۵۲	۲	« کرده
۵۱	۳۵	صالح‌آن
۵۱	۳۳	« ازخلوت
۲۵۸	۲۱	« ازیکدم
۱۶۶	۵	صالحان‌امتم
۱۲۰	۱۴	صالحان‌راپیشوا
۵۲	۱۶	صالح‌وطالح
۷۳	۱۲	صانع‌بی
ص-ب		
۷۱	۳۳	صبح‌چون‌دم
۳۰۹	۱۵	« حشر
۳۸۶	۲۶	صبحدم‌چون
۴۳۲	۲۹	صبح‌روشن
۳۷	۳۱	« شدای
۹۱	۹	« صادق‌راز
۲۴۳	۶	« صادق‌راط
۳۱۲	۱۳	« کاذب‌آمد
۳۱۲	۱۵	« کاذب‌خلق
۲۴۳	۶	« کاذب‌صد
۳۱۲	۱۴	« کاذب‌کارو
۱۴۴	۵	« نزدیکست
۱۴۴	۶	« نزدیکست
۷۷	۳۲	صبرآردآرزو

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۰	۳۶	صبرآردعاشقان
۸۸	۲۹	« ازایمان
۳۷۳	۲۹	« اگرکردی
۳۴	۱۶	« باشد
۳۸۲	۳۷	« بانااهل
۳۸۲	۳۸	« بانامرد
۴۱۰	۴۱	« بگزیدند
۴	۲۱	« تلخ‌آمد
۳۷۳	۲۷	« جمله
۱۲۷	۱۵	« چون
۳۲۰	۲۴	« درصحرا
۱۶۷	۵	« راباحق
۴۲۵	۱۴	« راسنم
۱۶۶	۳۸	« سوی
۲۹۸	۳۵	« شان
۳۷۳	۲۷	« شیراندر
۸۸	۲۸	« شیرین
۴۱۰	۳۵	« صدر
۱۴۱	۱۵	« کردن‌بهر
۱۲۷	۱۴	« کردن‌جان
۱۶۶	۳۷	« کردو
۱۴۱	۱۶	« کن‌از
۳۱۳	۱۶	« کن‌اندر
۴۸	۳۵	« کن‌با
۶۰	۴	« کن‌بر
۲۶۹	۳۲	« کن‌در
۱۸۶	۲۸	« کن‌نك
۱۶۶	۳۷	« گنجست
۳۸۹	۶	« گبریم
۴۱۰	۳۶	« مفتاح
۴۱۳	۲۲	« من
۳۷۳	۲۶	« مه
۱۹۷	۲۷	« می‌بیند
۲۸۸	۱۷	« نبود
۱۲۸	۱۰	« وایثار
۳۷۲	۲۰	« وپرهیز
۱۸۰	۱۶	« وخاموشی
۲۸۰	۲۷	صبغة‌الله‌گاه
۱۸	۱۳	صبغة‌الله‌نام
۹۹	۳۳	صبغة‌الله‌هست
ص-ح		
۳۷۰	۵	صحبت‌اوبا
۱۴۴	۱۷	صحبت‌اوخیر
۳۷۳	۳۱	صحبتت‌چون
۱۷	۲۱	صحبت‌صالح
۲۶۶	۲۹	« کبیر
۱۴۲	۴	صحبتی‌باشد
۱۴۲	۵	« باشد
۸	۲۶	صحت‌این‌حس
۸	۲۷	« «
۴۳۰	۷	« نفس
۳۲۲	۳۶	صحن‌ارض‌الله
۳۰۲	۲۷	« خانه
ص-د		

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۴	۲۵	صداثردر
۲۵۵	۳	« ازاینها
۲۲۵	۳	« امیداست
۳۷۱	۳۵	« بلبسی
۴۲۲	۳۷	« بیابان
۵۴	۱۴	« پدر
۴۳۰	۴۰	« تبارك
۸۸	۴	« تدارك
۲۹۳	۱۷	« جوال
۴۴۱	۲	« جهان
۲۲۳	۲۵	« چراغت
۱۵۴	۱۱	« چنین‌آری
۲۱۷	۶	« چنین‌ادبار
۲۸۹	۱۹	« چنین‌سگ
۲۹۴	۳۴	« چوآدمرا
۲۱	۱	« چوتوفانیست
۱۳	۱۷	« چوعالم
۴۰۳	۱	« چوماه‌است
۸۸	۲۰	« حکایت
۳۴۴	۲۸	« خلیفه
۲۸۷	۲۳	« خورنده
۳۵۹	۱۷	« درم‌بدهم
۲۶۵	۳۲	« دریچه
۶۵	۵	« دریغ
۳۵۴	۳۶	« دل‌وجان
۳۲۱	۱۰	« دلیل
۲۶۶	۱۴	صدرخواندندش
۴۱۳	۲۱	« راصبر
۳۵۳	۳۱	صدرشان
۱۸۴	۳۱	صدره‌ار
۱۹۹	۲۷	« ومخلص
۱۷۷	۳۷	صدزبان
۲۰۶	۱۴	« سؤال
۱۸	۲۲	« سبورا
۲۹۹	۳۲	« سخن
۲۰۹	۷	« عزیمت
۴۲۴	۶	« عنایت
۲۸۱	۲۲	« فسون
۴۴۱	۳	« فلك
۳۲۶	۱۴	صدق‌احمد
۳۲۶	۱۲	« بود
۴۳۴	۳۷	« برتو
۱۲۸	۳۱	« بیداری
۱۲۵	۱۷	« تو
۳۴۳	۲۷	« جان
۳۳۵	۱۷	« رازین
۳۲۶	۱۳	« عاشق
۳۲۶	۱۳	« موسی
۵۵	۳	« میباید
۱۸۲	۱۹	صدقوارسلا
۱۸۲	۲۱	« من
۱۴۸	۳۰	صدق‌وگرمی
۱۸۲	۲۰	صدقوهم‌هم
۱۸۲	۲۰	«

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۲	۲۱	صدقوهم‌هم
۳۳۳	۲۸	صدق‌هردو
۳۹۰	۳۴	صدقه‌نبود
۴۰۶	۱۱	صدکتاب‌ار
۲۴۳	۴۱	« کراهت
۲۴۷	۳	« کس‌از
۱۲۳	۲۸	« کمرآنقوم
۱۲۳	۲۷	« کمربسته
۱۱۰	۲۰	« گمانت
۱۹۱	۱۵	« متاع
۲۴۴	۲	« نشان‌باشد
۶۸	۴۲	« نشان‌دارند
۳۹۰	۱۶	« نشانست
۳۵۰	۳	صدهزارآثار
۲۴۸	۲۱	« آلودگا
۸۳	۲۱	« ابلیس
۶۵	۲۹	« ابلیس‌و
۳۴۰	۲۱	« احوال
۳۵۴	۲۴	صدهزاران‌آفرین
۱۴۸	۴	« امتحا
۲۱۴	۲۱	« انبیا
۱۳۹	۲۳	« اولیا
۸	۹	« اینچنی
۲۵۸	۴۲	« اینچنی
۲۱۳	۱۰	« بارای
۹۶	۱۴	« باربیر
۱۳	۵	« بحر
۱۰۳	۲۶	« بلبل
۹۳	۲۶	« پادشا
۴۲۲	۲۶	« پاره
۴۸	۳۶	« جان‌تل
۹۲	۴۰	« جان‌خ
۱۷۱	۵	« جانور
۱۷۷	۶	« چشم‌ت
۲۴۸	۸	« چشم
۱۱۹	۳۷	« چون
۲۴۹	۹	« حلم
۲۹۳	۷	« حشر
۳۸۳	۷	« خام
۲۶۳	۶	« خشم
۲۶۱	۳۲	« خلق‌ا
۳۶۵	۳۷	« خلق‌ت
۱۵۴	۵	« خلق‌ز
۲۱۴	۲۳	« خلق‌ز
۲۵۸	۳۶	« خوی
۲۸۲	۱۴	« دارو
۱۰	۱۳	« دام
۲۲	۶	صدهزاراندرهز
۱۳	۲۰	صدهزاران‌دفتر
۷۳	۱۳	« روح‌بخ
۲۶۱	۳۲	« روح‌ش
۴۴	۵	« زاهل
۲۶۱	۳۳	« زین
۶۵	۲۵	« سال‌ا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵۵	۱۵	صدهزاران‌سال‌بو
۵۹	۲۶	« ساله
۳۸۰	۱۶	« سایه
۷۵	۴	« سربر
۴۱۱	۱۵	« سربو
۳۴۱	۲۱	« سرنها
۱۹۷	۳	« شاه
۱۸۲	۹	« شهر
۶۲	۳۱	« شیربو
۳۸۴	۷	« شیرزی
۳۴۹	۱۰	« صفع
۳۹	۱۲	« ضد
۱۳	۲۰	« طب
۴۲۴	۱۱	« طفل‌ب
۲۱	۲۳	« طفل‌ک
۹۱	۱۵	« طفل‌ک
۱۵۲	۲۱	« طفل‌م
۲۷۱	۱۸	« ظلمت
۲۳۲	۱۳	« عاشق
۲۳۵	۱	« عاقل
۹۵	۳۰	« عقل
۴۲۱	۹	« غیب
۳۲	۳۶	« فائده
۱۷۹	۹	« فصل
۲۲	۷	« قرن‌از
۳۱۱	۱۶	« قرن‌پی
۳۲۴	۲۲	« کشتی
۱۶۷	۶	« کیمیا
۱۰۰	۳۱	« گرگ
۳۹۷	۱۷	« گور
۲۴۸	۷	« گوشها
۱۵۳	۹	« مار
۱۳۲	۱۲	« ماهی
۱۳۲	۱۱	« ماهی
۱۲۸	۲۲	« ماهی
۴۲۰	۶	« مردینه
۱۰	۷	« مردتر
۱۶	۳۱	« مردتر
۱۳۵	۳۲	« مرغ‌پر
۱۲۰	۳	« مرغ‌ر
۴۲۳	۲۷	« مرغ‌و
۳۴۸	۲۲	« مرگ
۳۰۵	۱۰	« معجزا
۱۱۰	۲۱	« معجزه
۴۱۲	۲۵	« مکر
۹	۱۷	« مؤمن
۱۲۳	۱	« موی
۷۴	۱۳	« می
۴۱۱	۳۲	« نام‌آگ
۳۰۲	۱۷	« نام‌خ
۱۳۴	۴۰	« نام‌و
۱۴	۱۹	« نیزه
۳۵	۲۹	« نیک
۴۴۱	۲	« وادی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۵	۲۸	صدهزاران‌همچ
۴۳۸	۱۸	صدهزاروار‌بم
ص(ا-ر-ف-ل-م-ن)		
۳۹۱	۲۹	صرصری‌بر
۳۹۱	۲۹	« می‌برد
۲۸	۲۱	صلح‌اضداد
۲۸	۲۲	« دشمن
۲۶۸	۱۷	« کن
۱۱۸	۳۷	صفع‌شاهان
۴۳۳	۴۲	صفدرومبر
۴۴۱	۳۲	صم‌بکم
۴۰۷	۵	صنع‌بی‌صورت
۱۲۲	۲۱	صنع‌بیند
۳۵۹	۳۷	صنعت‌این
۳۶۸	۲۱	« حق
۳۵۷	۳۰	« خوب
۱۶۷	۱	« زراد
ص-و		
۳۰۳	۸	صوتکی‌بشنیده
۴۱۷	۱۷	صورت‌آتش
۳۹۵	۳۶	« آمدچون
۲۷۵	۲۷	« آمدچون
۴۱۱	۲۰	« آواز
۴۴۷	۲۵	« احوال
۴۰۷	۱	« ازبی‌صور
۲۵	۲۸	« ازبی‌صو
۲۵	۲۵	« ازمعنی
۱۳۵	۲۱	« انگور
۲۶۶	۸	« این
۳۵۷	۱۰	« بدرا
۵۲	۱۸	« برهم
۶۸	۴۵	« بی‌صور
۲۶۷	۳۰	« پنهان
۱۴۶	۳	صورت‌تن‌خرگاه
۲۰۰	۲۱	صورت‌تن
۲۷۷	۶	« حرف
۳۵۰	۱۴	« خرچنگ
۵۶	۸	« خندان
۴۰۷	۷	« خوبی
۴۰۷	۸	« خوبی
۱۴۶	۳۲	« خود
۳۸۶	۹	« درویش
۴۰۷	۱۶	« دیوار
۱۴	۲۲	« رفعت‌بر
۱۴	۲۱	« رفعت‌بو
۴۰۷	۶	« زخمی
۱۶	۱۷	« سرکش
۴۰۷	۷	« سبری
۹۰	۱۴	صورتش‌برجام
۳۴	۵	« برخاک
۲۹۰	۲۰	« بنماید
۴۱۷	۱۸	« بیرون
۳۵۵	۲۸	« جنت
۹۵	۵	« دیدی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۴	۵	صورتش‌را
۵۶	۷	« غمگین
۲۶۷	۳۲	« نور
۴۰۷	۲۲	صورت‌شهری
۴۱۸	۲۸	« صندوق
۹۵	۴	« ظاهرفنا
۱۳۴	۴۲	« ظاهرچه
۴۰۵	۴۲	« عاشق
۵۶	۸	« غمگین
۴۰۷	۱۰	« فکر
۲۳۶	۱۵	« کار
۳۵۴	۹	« گرمابه
۲۵	۱۱	« ماندر
۴۰۷	۸	« محتاجی
۱۲۷	۲۲	« مردان
۴۰۷	۱۲	« مردو
۴۲۰	۳۳	« معشوق
۴۰۷	۱۲	« نان
۴۰۷	۶	« نعمت
۱۸	۲۳	« نفس
۱۴۲	۳۵	« نقض
۹۶	۳	« هرآدمی
۳۳۴	۴۲	« هرنعمتی
۱۳۴	۴۲	« وهیئت
۴۰۷	۲۳	« یاری
۴۲۰	۱۵	صورتی‌ازصورتت
۴۰۷	۱۹	« ازصورتد
۲۷	۲۱	« بود
۳۳۴	۱۲	« پیدا
۳۵	۳۲	« کان
۱۴۲	۳۹	« کردت
۳۶۵	۳۱	« کو
۱۹۶	۳۶	« که
۳۳۴	۳۴	صورت‌یوسف
۲۱۸	۲۲	صوفئی‌آمد
۳۴۳	۱۱	« آن
۲۴۵	۲۳	« ازفقر
۲۸۴	۳۶	« بدرید
۱۸۵	۲۴	« برمیخ
۲۳۷	۳۱	« درباغ
۸۷	۱۹	« درخانقاه
۳۹۲	۲۵	« راگفت
۴۱۷	۲۵	« کانداخ
۲۸۴	۴۱	« گشته
۸۱	۲۶	« میگشت
۳۴۳	۱۵	« دیگر
۵	۱۰	صوفی‌ابن‌الوقت
۵	۱۱	« ابن‌الحال
۸۲	۴۱	« ازره
۸۳	۷	« اندر
۱۳۲	۲۳	صوفیان‌بر
۸۷	۲۱	« درویش
۶۳	۷	« را
۸۷	۲۶	صوفیانش

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۹	۲۸	صوفیان‌صافیان
۸۵	۳۲	« طبل
۲۲۶	۳	« گفتند
۸۲	۱۶	صوفی‌صورت
۴۳۹	۲۲	« وقاضی
۲۹۵	۲۳	صوفییم‌و
۱۴۲	۲۴	صومعه‌عیسی
ص-ی		
۲۶۶	۲۳	صیددین
۴۲۱	۱۹	« گیرد
۲۸۶	۳۵	« می‌کردی
۲۵۵	۱۶	صیقل‌عقلت
۲۵۵	۱۴	صیقلی‌دید
۲۵۵	۱۶	« را
۹۳	۳۹	« کردن
۳۷۱	۳۹	« کن‌یك
حرف ض		
۴۳۶	۱۸	ضارب‌آمد
۱۲۳	۳۴	ضاله‌چه‌بود
۲۵۲	۲۳	ضبط‌ودرك
۴۳۳	۴۰	ضحك‌تو
۳۸۴	۲۳	ضدابرهیم
۴۰۴	۳۳	« اندرضد
۳۸۳	۴۱	« رابا
۳۷۶	۲۹	« ضدرا
۳۸۶	۱۲	« طبع
۳۰۴	۲۹	« من
۳۷۶	۲۸	« وندش
۱۵	۳۳	« همدیگر
۳۴۸	۲۶	ضربت‌فرعون
۳۵۶	۳۲	ضرب‌کف
۴۳۱	۳۶	ضره‌ضره
۲۷۰	۱۹	ضعف‌اندر
۱۱	۹	« سر
۳۱۸	۲۹	« قطب
۱۴	۱۵	« وعجزو
۳۲	۲۴	ضوءجان
۳۰۸	۳۴	ضیف‌باهمت
۴	۴	« غیبی
حرف ط		
ط-ا		
۲۷۲	۱۵	طاس‌آوردش
۲۷۱	۱۵	« رااز
۲۷۱	۱۵	« راکز
۱۸۶	۲۳	« ومندیل
۲۶۱	۹	طاعت‌سنگ
۱۳۰	۴۱	طاعتش‌نغز
۱۲۲	۲۳	طاعت‌عامه
۷۱	۱۴	« و
۲۳۹	۱۶	طاعنان
۴۱۲	۸	طاقت‌من
۳۹۹	۲۹	طالب‌است‌و

صفحه	سطر	اول بیت
٤٠٩	٢٢	طالب الدنیا
٤٣٨	٢٣	طالبان خود
٣٤٩	١	طالب اوئی
٢٥	٣٢	« این سر
٢٤	٢٠	« حکمت
١٧٣	٢	« حیرانی
١١٦	٢٩	« دل
٩١	٣	« زرگشته
١١٦	٢٣	« علم
٣٨٦	٣	« گنجش
٤٤١	٤١	« معنی
٢٥٣	٣٣	« هرچیز
٣٣٧	٢٤	« یزدان
١٠٥	١٨	طالم آنکس
١٨	٦	طالعش گر
١٠٧	٢٦	طالع عیسی
٦٠	١٥	طالعم شیر
٢١	٧	طایفهٔ نخجیر
١٧	١٥	طایفهٔ نصرانیان
		ط-ب
٣٨٢	٧	طب جمله
١٢٠	١	طبعت ای
٢٤١	٣١	طبع تیز
٢٤٧	٢٦	« خواهد
٢٢٨	٣٤	« راکشتند
١٠٧	٢٨	« راهل
١٤٦	١٧	« سیرآمد
٢٠٢	٨	« طاوس
٢٩٤	٧	« گاوی
٢٨٥	٣٢	« مسکینت
١٩	٣١	« من دیگر
٣١	٢٧	« ناف
٨٩	٣٥	طبل افلاسم
٩٧	٢	طبل باز من
٣٢٠	١٨	« خواری
٣٨٣	٢٩	« ورایت
٢٧٦	٢٣	« وکوس
٨٣	٣٥	طبلها بشکست
٨٣	٣٣	طبلهادر
		ط-(ر-ع-ف)
٤٣٣	١٢	طرز جسمك
٣٥٣	٣	طرفه آن جنگی
٤٦	٨	« ترکان
١٣٩	٢٥	« کوری
٨٦	٣٠	طعمه بنموده
٣٩٦	٢٤	طعمه جوی
١٤٣	٣٤	طعمهٔ گرگیم
٤١٦	٣٠	طعنه چون
١٩	١	طفل ازو
١٤	٢٨	« بادایه
٢١	٢٤	« تاگیرا
٢٣٢	٢٦	« تو
٣٥	٥	« جان
١٠٩	٦	« حاجات
٤١١	٤٠	طفل داندهم
٢١١	٢٠	« راازحسن
٤٢٢	١٠	« رااستیزه
٤٢٢	١٧	« رابابالغان
١٦٠	١٥	« راچون
٣٠١	٣	« راچه
١٤	١٦	« راگر
١٩٥	٣٢	« رانبود
٢٣٩	٧	« راه فقر
٣٠١	٢	« رهرا
٥٦	٢٢	« شد
٢١٩	٢٥	طفلك نو
١٣٣	٣١	طفل گوید
٢٥٠	١٥	« گیرش
١٩٥	٣١	« ماهیت
٧	١٩	« میترسد
٤١٧	٣٥	« نورا
٣٩١	٢٧	« نوزاده
٢٨١	٧	« یکروزه
		ط-(م-ن)
٢٠٢	٢٩	طمطراق
٩٠	٢٩	طمع خامست
٤١٤	٩	« داری
١٣٩	٨	« ذوق
٨٨	١٢	« لوت
١٢٥	٩	« ناقه
٣٢١	٢٦	طنطنه
		ط-(و-ه-ی)
٣٠٣	١٥	طوطئی درآینه
٣٤	١٠	« زان
٣٦	١٧	« کاید
٣٥٤	١٦	طوطیان خاص
٨	٣	طوطی اندر
٤٤٠	٢٣	طوطیان را
٤١٤	٢٨	« و
١٣٦	٣	طوطی ایشان
٣٠٣	١٦	طوطیك
٣٨	٩	طوطی مرده
٣٦	١٦	« من
١٨٤	٢٢	« نقل
٢٣٣	٣٤	طوف مکن
٢٤١	٣٤	طوق زرین
٣٧٣	١٥	طول وعرض
١١	٢١	طهرابیتی
٨٣	٢٨	طیبات آمد
٨٠	١٤	« ازبهر
٣٢	١٦	« ازبهر
		حرف ظ
		ظ-ا
٣٤	١٣	ظالم آن قومی
١٩٤	٩	ظالم ازظلم
١٧٦	٤	« ازمظلوم
١٧٦	٤	« «
٢٣٥	١٧	ظالمان مردند
٢١٢	٣٥	ظالمست
٣٧٦	٣	ظالمی را
٦١	٧	ظانین
٢٢٤	٢٨	ظاهر آن اختران
٢٢٤	٣١	« آن شاخ
٤٩	٣١	ظاهر آبرزن
١٩٥	٢٩	ظاهر است آثار
٢٦٠	٣٧	« است این
٢٠٥	٢٦	« است و
١١٦	١٩	ظاهر آشوریده
٢٥٣	١٠	« کار
٤٤٠	١٧	ظاهر الفاظشان
٥٠	٢٨	ظاهر امی
٢١٩	١٧	ظاهر او
٢٧٦	١٤	« این دو
٢٣٢	٢٣	ظاهرت از تبرگی
٢٣٢	٢١	« باباطنت
٢٤١	١٥	ظاهر دستار
٢٤٣	٢٨	« رقعه
٢٣٢	١٧	ظاهرش باباطنت
٢٣٢	١٥	« «
٢٠٦	٣	« چوبی
٣٠٣	٣	« دیدی
٢٧٦	١٥	« رایشهٔ
٢٣٢	١٠	« راشهرهٔ
٢٥٧	٣٥	« گم گشت
٢٣٢	١٦	« گوید
١٤٦	١	« گیر
٣٠١	٢٥	« ماند
٧٦	٤	« مرگ
٢٣٢	١٦	« منکر
١٢	١	« میگفت
٣٠٣	٤	ظاهر صنعت
٢٠٥	٣٣	« قرآن
١٧٠	٣٧	« کافر
٤٧	٥	« ما
١٢	٢	« نقره
١٠٠	٣٤	« وباطن اگر
٨٩	٣٠	« وباطن ندا
		ظ-(ل-ن)
٥٩	٣٨	ظل او
٢٨٤	٣١	ظلت الارباح
٢٦٩	٢٦	ظل ذلت
٣٣٢	١٥	ظلم آري
٢١٢	١٧	« اوبرما
٢٥٠	٢٧	ظلمت اشکال
١٨١	١	« افزود
٢٨	٢٩	« چه
٢٣٢	٢٢	ظلمتش بانور
٧١	٢٦	ظلمتی دارم
٤٠	١٣	« را
٣٧٥	٣١	ظلم چبود
٢٩٧	٢	« چه بود
٤٤٧	٦	ظلم را نار
١٧٦	١٦	« مستوراست
٢٧٧	٦	ظن بیرداز
٤١٢	٣٣	« لایغنی
٢٤٦	٢٢	« مبربر
٤٣٧	٤٧	« مبرزین
١١٠	١٦	« نیکش
٣٢٤	١٣	« نیکو
		حرف ع
		ع-ا
٣٢٤	٢٤	عاجزم من
٢٣٧	٢٤	عاجزی بی
٤٢٣	٣٦	« و
١٢٦	٤٠	عادت آن
١٠٤	٦	« خود
٤٢١	٢٥	عادر اباد
١٢٠	٥	عادر اتو
٤٢١	٢٦	عادیان را
٤٣٩	٣	عادلست و
٣٦١	٢٩	عاذلا چند
٢٠١	٤٣	عذلانش از
٣٥٦	٦	عارفا تو
٤٤٣	٣٥	عارف از عامی
٣٩٤	٣٩	عارف از معروف
٤٢٤	٣٤	عارفان از
٣١١	٧	« را
٢٣٢	٢٤	« رو
٣٤٧	٣٣	« زآغاز
٤١٦	٣٧	« زانند
٢٢٧	١١	عارفانش
٣١٦	٣٥	عارفان که
٣٤٧	٣٥	عارفست او
٣٩٤	٢٣	عارف شه
٣٧٩	١١	عارفی پرسید
٦٣	١٣	عارنبود
١٧٩	١٣	عاریت را
٤٠٥	٧	عاریه است این
٤٤٢	٣٠	«
٤٢١	٢٥	عاریه ستم
٦٣	٩	عاشق آئینه
٣٣٣	١٣	« آن عاشقان
٣٢٥	١٧	« آن لیلی
٢٠٣	٣٢	« آنم
٥٦	٣	« آنوهم
٢٣٨	١١	عاشقا خروب
٤١	٦	عاشق از حق
٣٣٩	٢٦	« ازمعشوق
٣٦٧	١	« است اورا
٣٢٧	٣٢	« است و
٢١٩	٢٩	عاشقان ازدرد
١٨٥	٢٩	عاشقان اندر
٣٣٣	١٣	عاشقانت
٧	١٠	عاشقان جام
٣٦٦	١٣	عاشقان در
٣٣٧	٣٤	« راباده
٢٨٨	٢٣	« راشاد
١٩٩	٤	« راشد
١٨٥	٢٧	« راکار
١٩٨	٣٦	« راهرزما
١٠٦	١٨	« راهرنه
٣٤٠	١٥	« عریان
٥٦	٣٢	« کل
٢٩٨	٣٧	« لعبتان
٣١٣	٣٦	« درفتد
١١٨	٣١	عاشقانی گر
٤٤١	١٩	عاشق اولولیان
٤٣٠	١٨	« او و
٥٦	٣	« تصویر
١٥٩	٣٨	« حالی
٥٦	١	« حق است
٢١٢	١	« حقی
٣٦١	٢٦	« خودرا
١٨١	٨	« خویشندو
٥٧	٢	« دیوار
٣٦	١٣	« رنج
١٥٨	٢٦	« صنع تو
١٥٨	٢٦	« صنع خدا
٣٢٥	١٦	« عشق
٣٣	٣٠	« گل
٣٧	١٦	عاشقم بر رنج
٣٦١	٨	« برفن
٣٣	٢٨	« برلطف
٢٠٣	١٣	« من
٣٢٢	١١	عاشق من باشد
٣٧٠	٣٧	« میدان
٣٨٠	٣٨	« نان
٢١٣	٢٨	« ومستی
١٤٨	١٢	« ومعشوق
٣٦٧	٩	« ومعشوقه
٣٣٨	٣٠	« ومعشوق و
٢١٦	٢٦	« هربیشه
٢٥٠	٢٧	« هرجا
٣٦١	٢١	عاشقی بودست
٤	٢٩	« پیدا
١٥٩	٣١	« تو بر من
٢٩٣	٣٠	« تو بر نجات
٣٧	٢٥	« زین
٣٣٣	٣٠	« شو
٣٥٤	٢	« کالوده
٣٢٥	١٥	« کز
٤١٨	٣٤	« کو
٤	٣٠	« گر
٣٦٧	٢	« وتوبه
١٦٦	٤	عاصیان و
٢٥٦	٢٧	عاقبت آن
٢٠١	٢٥	« آید
٤٣٤	٥	« اندیش

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۳	۱۴	عاقبت او
۴۳۲	۴۴	« این
۱۰۲	۳۹	« بین است
۱۶۳	۲۰	« بینان
۱۰۹	۲۰	« بینی که
۱۰۹	۱۹	« بینی نشان
۱۵۱	۱۹	« پیدا
۱۴۰	۸	« تو
۱۶۰	۷	« جوینده
۳۶۱	۲۲	« جوینده
۳۷۱	۳۷	« چون
۴۱۸	۳۳	« دانست
۱۰۶	۳۰	« دریافت
۵۱	۱۱	« دیدن بود
۱۲	۲۷	« دیدند
۱۲	۲۸	« دیدن نباشد
۲۴۳	۲	« رادید
۱۴۹	۴	« رسوائی
۳۰۴	۲۵	« زینها
۱۵۱	۳۷	« زرها
۲۳	۱	« شد
۳۱۴	۳	« نومید
۳۶۸	۹	« واحسرتا
۱۵۵	۲۳	« هامان
۲۸	۲۳	« هریك
۱۰۸	۲	عاقل آرد
۲۵۰	۳۰	« آن باشد که
۶۲	۲۰	« آنباشد که عی
۱۹۷	۲۳	« ازانگور
۶۲	۲۴	« ازسر
۲۰۹	۱۵	عاقلان ازبی
۲۰۹	۱۷	« اشکسته
۱۶۳	۱۰	« خود
۴۷	۱۸	عاقل اندر
۳۸۸	۱۸	عاقلان راچون
۲۹۹	۳۱	« رایك
۲۰۹	۱۷	عاقلانش
۱۶۹	۳۰	عقلان و
۱۹۱	۲۳	عاقل اول
۱۴۷	۳۸	« ومجنون
۳۷۵	۷	عاقله او
۱۰۸	۵	عاقلی براسب
۱۱۰	۱۸	« را
۲۲۸	۱۶	« گفتش که
۲۰۳	۱۲	« گفتش مزن
۷۳	۱۷	عالم ارهژده
۲۶۷	۵	« ازسر
۳۱۹	۲۳	« اسباب
۱۵۳	۱۲	« افسرده
۴۶۶	۵	عالم السر
۹۵	۱۴	عالم اندر
۹۴	۱۰	« اول
۲۴۵	۳۷	« تاریك
۳۷۱	۳۸	« خاموشی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۹	۱۲	عالم سفلی
۲۴	۳۵	عالمش چندان
۴۲۹	۱۹	عالم صغری
۵۱	۱۰	« کبری
۲۵۴	۱۰	عالم من
۲۳	۲۲	عالم وعادل
۳۲۴	۱۸	« وهم و
۳۲۴	۱۶	« وهم و
۳۵۳	۳۲	عالمی اندر
۴۱۲	۱۹	« دردام
۶۳	۱۸	« رازان
۳۰	۱۰	« رالقمه
۳۴	۱۴	« رایك
۲۹۴	۳۲	« شدواله
۴۰۲	۲۳	عام اگر
۴۳۳	۱۱	« رابا
۴۱۷	۲۹	عامل عشق
۳۸۴	۱۲	عام ماو
۴۱۱	۳۵	« میخوانند
۲۶۱	۲۷	« وخاص
۳۷۷	۱۶	عامه را از
۲۷۲	۲۸	« گفتندی
۳۳۱	۲۱	عامیانه
۱۳۱	۱۹	عایشه روزی
ع-(ب-ج)		
۱۸۹	۳۳	عبرتست
۲۳۰	۲۳	عبرت جانش
۱۹۰	۲	« وبیداری
۲۸۷	۱۳	عبرتی گیر
۱۴۵	۳۰	عج الی القلب
۱۹۵	۳۸	عجزاز
۳۷۲	۱۱	« بخش
۱۱۶	۳۸	« تواز
۳۶۴	۹	« زنجیریست
۳۳۰	۲۹	« نبود
۴۲۳	۳۷	« هاداری
۳۸۳	۱۵	عجل بآن
۱۴۵	۲۳	عجلوا اصحابنا
۱۱۹	۱۴	عجلوا الطاعات
ع-(د-ذ)		
۱۹۸	۱۲	عدت با
۳۹۹	۹	عدل آن عدلست
۴۴۷	۱	« ازآن جنت
۴۶	۸	« این
۲۲۸	۵	« باشد
۴۴۷	۷	« تنهانیست
۳۹۰	۳۶	« چه بود آب
۲۹۷	۱	« چه بود آب
۳۹۰	۳۶	« چه بود وضع
۲۸۰	۱	« شه را
۲۴۲	۱۴	« قسامست
۴۳۷	۲۱	« کن با
۶۷	۳۱	« ورزیم
۲۹۷	۱	« وضع

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۴	۱۱	عذر آن کرمی
۱۶۲	۲۹	« آوردندکای
۱۵۱	۳۱	« آوردندو
۲۶	۹	« احمق
۲۶	۹	عذرت ای
۳۷	۳۲	عذرخواه
۴۹	۲۲	« خواهم
۲۰۱	۲۵	« خود
ع-(ر-ز-س)		
۵۴	۵	عرش با
۲۷۷	۲۶	« چه
۳۰۶	۳۴	« معدن گاه
۶۲	۹	عرصهٔ بس
۲۲۵	۲۲	« کش
۴۲۱	۶	عرصه و دیوار
۳۸۱	۲۷	عرضه کردند آن
۴۱۰	۱	« کردندش
۱۰۷	۱۳	« کردی
۷۷	۲۲	« کن بر
۴۱۰	۴	« میدارند
۲۵۸	۲۴	عرق جنسیت چنا
۱۵۵	۳۳	« جنسیت چو
۳۵۹	۳۴	« مردی
۹۸	۳۲	عروة الوثقی
۱۵۴	۱۶	عزت آن
۳۱۱	۳۱	« اینجا
۳۳۳	۲۷	« کعبه
۳۳۳	۲۵	« مخزن
۳۳۳	۲۶	« مقصد
۶۵	۳۷	« وحشی
۴۳۴	۳۴	عزل سازد
۴۴۳	۴۷	« کردندش
۴۴۰	۳۸	عزم چون
۴۰۵	۳۴	« ره
۳۵۷	۱۸	« کرده
۴۴۰	۴۷	« کعبه
۲۰۹	۱۳	عزمها و
۲۸۴	۳۹	عسر با یسر
ع-ش		
۳۳۳	۳۳	عشر امثالت
۴۴۳	۵	« گفت
۳۷۱	۳۲	« هابر روی
۳۷۱	۳۱	« های
۳۰۴	۱۵	« هردخلی
۷	۴	عشق آن بگزین
۷	۴	« آن زنده
۲۸۸	۲۴	« آن شعله
۴۳۱	۲۸	« ابنای
۴۱۷	۲۷	« ارزد
۲۱۳	۳۹	« ازاول
۹۰	۱۲	« اوپیدا
۳۳۵	۷	« اوخرگاه
۱۸۶	۷	« باشد
۳۴۴	۱۴	« بحری

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۳	۳۵	عشق برد
۳۳۴	۱۸	« برمرده
۳۲۵	۲۷	« بشکافد
۳۶۷	۸	« بینایان
۱۹۸	۲۷	« پنهان
۱۴۶	۱۶	« توبر
۲	۱۷	« جان
۲۱۳	۳۳	« جوشد بادهٔ
۳۲۵	۲۶	« جوشد بحر
۲۰۱	۳۷	« چون دعو
۲۳۸	۲۱	« چون کشتی
۲۹۸	۱۲	« چون وافب
۳۹۴	۳۷	« حق و
۲۵۷	۱	« خانه
۳	۳	« خواهد
۴۱۱	۱۶	« خودبی
۳۱۱	۲۴	« دان
۲۳۰	۱۱	« درهنگام
۳۵۲	۳	« رابا پنج
۳۱۶	۳	« راپانصد
۳۸۲	۵	« رادرپیچ
۲۹۸	۱۲	« راصد
۳۶۷	۱۰	« ربانیست
۳۶۷	۳	« زاوصاف
۷	۳	« زنده
۳۷۱	۲	عشقشان و
۳۱۵	۳۴	عشق شش
۵۷	۱۶	« شنگ
۳۷۰	۳۶	« شوی و
۴۰۷	۳۲	« صورت در
۳۳۴	۲۰	« صورتها
۳۲۶	۶	« غیرت
۳۶۶	۹	« قهار
۳۹۲	۱	« مستعقبست
۲۰۹	۲	« معشوقان
۲۴۰	۳۵	« مولی
۲۸۵	۲۸	« میگوید
۱۸۵	۲۷	« نان بی
۳۱۲	۳۶	« نان مردهٔ
۴۱	۱۲	« وجان
۳۹۷	۴۰	« ورزی
۲۴۰	۲۴	« وسودا
۳۱۵	۴۰	« وصف
۳۶۱	۳۱	« وناموس
۶	۲۵	عشقهائی
۱۷۲	۳۵	عشقها بادم
۲۳۲	۱۲	« داریم
۴۱۵	۹	عشوه‌هاشان
۸۳	۲۰	عشوه‌های
ع-(ص-ض)		
۱۵۲	۱۴	عصمت یانار
۶۶	۲۲	عصمتی گر
۲۹۲	۲۵	عضو گردد
۳۸۵	۲۸	« هر

صفحه	سطر	اول بیت
ع-ف		
۳۳۲	۲۴	عفو باشد
۳۴۹	۲۲	« خلقان
۳۱۸	۳	« کرد آن جملگ
۴۲۴	۲۲	« کرد آن شاه
۳۴۶	۳۳	« کردم
۱۵۶	۳۹	« کردو
۱۰۸	۲۱	« کن ای خوب
۳۴۹	۵	« کن ای عفو
۳۳۸	۳۲	« کن ای میر
۳۳۸	۳۳	« کن تا عفو
۳۴۹	۲۲	« کن زین
۳۴۸	۲۰	« هاگفته
۳۴۹	۲۳	« هاهرشب
۳۴۸	۱۹	« های جمله
ع-ق		
۱۱	۱۸	عقبهٔ زین
۳۴۷	۱	عقد کردش
۲۸۸	۷	عقده را
۲۸۸	۷	عقدهٔ کان
۳۱۴	۲۴	عقل آمد سوی
۲۴۹	۲۰	« آمد نقل
۴۱۳	۱۰	« ابدالان
۱۹۴	۳۶	« اثررا
۱۲۹	۵	« احمد
۳۸۵	۴۱	« ازآن بازی
۴۴۵	۶	« ازاقلیم
۱۹۴	۳۴	« ازجان
۲۱۱	۸	« ازین
۱۷۷	۱۲	« اسیر
۲۴۰	۳	« اگر
۲۴۶	۲۶	« اوبر
۲۵۰	۱۴	« اورا
۲۳۹	۳۲	« اوکم
۲۹۰	۳۴	« اومشغول
۳۰۱	۲۶	« اوو
۲۴۷	۲۷	« ایمانی
۶۸	۳۷	« اینجا
۱۰۳	۳۳	« باحس
۴۰۹	۸	« باشد ایمنی
۴۳۷	۱۷	« باشد رهنما
۴۱۲	۱۷	« باشد مرد
۷۹	۱۳	« باعقل
۴۴۰	۱۵	« باید معرفة
۲۸۹	۳۵	« باید نور
۱۹۶	۱	« بحثی
۱۵۵	۱۴	« بفروش
۲۳۹	۳۳	« بودی
۲۵	۱۲	« پنهانست
۲۴۷	۱۶	« تحصیلی
۴۶۶	۲۵	« تواز آفتابی
۲۲۱	۳۶	« تواز بس
۲۴۷	۱۴	« توافزون
۴۳۱	۴۸	« تودر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۸	۳۲	عقل توقسمت
۳۲۴	۹	« توگر
۲۳۶	۳	« تومغلوب
۵۱	۵	« توهمچون
۳۲۴	۱۹	« ثابت
۸۲	۹	« جزاز
۴۵	۲۶	« جزواز
۱۶۲	۵	« جزوی آفت
۳۲۱	۷	« جزوی اش
۲۳۶	۹	« جزوی را
۴۱	۶	« جزوی عشق
۲۳۶	۳۴	« جزوی عقل ا
۲۸۶	۲۲	« جزوی عقل ر
۴۱۳	۱۰	« جزوی کرک
۱۵۵	۱۳	« جزوی گاه
۲۶۹	۱۲	« جزوی همچو
۲۵۰	۲۴	« چون از
۲۶۱	۷	« چون باران
۲۴	۲۲	« چون جبریل
۲۰۹	۵	« حیران کاین
۲۱۳	۲۱	« حیران که
۳۳۱	۳	« حیوانی
۴۲۹	۲۴	« خلق اولین
۴۸	۴	« خودرا از
۱۱۴	۳۰	« خودرا مینما
۵۳	۱۵	« خودزین
۲۴۹	۲۱	« خودشحنه
۴۳۷	۱۸	« خورشید
۱۹۶	۲۸	« دراك
۲۴۷	۳۰	« درتن
۴	۳۲	« درشرحش
۲۴۷	۷	« دشنامم
۱۷۷	۲۶	« دفترها
۲۴۷	۱۳	« دو
۲۴۷	۱۵	« دیگر
۳۹۵	۳۴	« راافغان
۲۵۲	۲۰	« راباشد
۲۸۱	۲۴	« راباعقل
۴۴۵	۲۶	« راپیرایه
۲۷۱	۳۸	« راخدمت
۲۸۴	۹	« راخط
۸۲	۱۰	« راخود
۲۳۶	۱۱	« رادو
۲۴۹	۲۸	« راسبل
۵۸	۲۹	« راشو
۲۳۸	۳۰	« راقربان
۲۵۲	۳۰	« راگر
۱۱۵	۲	« راهم
۳۸۱	۳۶	« راه نا
۲۵۲	۲۱	« راباد
۲۶۹	۱۴	« رنجور
۲۴۹	۲۱	« سایه
۳۵۳	۳۰	« سرتیز
۳۵۳	۳۱	عقلشان در

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۳	۳۴	عقلشان یکدم
۲۴۷	۱۲	عقل شیدا
۲۵۲	۲۸	« ضد
۱۷۷	۲۴	« عقلت
۵۱	۶	« عقلند
۲۴۷	۳۱	« عقل و
۴۳۷	۱۸	« عین
۱۲۰	۶	« فرعون
۲۳۸	۲۲	« قربان
۱۱۴	۶	« قوت
۳۰۹	۴	« کاذب
۲۹۱	۶	« کامل را
۲۵۰	۳۶	« کامل نیست
۳۲۳	۱۴	« کان
۳۶۴	۳	« کردی
۳۰۳	۱۹	« کل را از
۲۳۷	۴	« کل را گفت
۲۴۷	۳۱	« کل سر
۲۸۶	۲۱	« کل و
۲۶۹	۱۴	« کودك
۴۱۰	۱۲	« کوعقل
۱۰۳	۱	« کومغلوب
۳۳۰	۲۷	« کی حکمی
۲۱۲	۲۶	« کی ماند
۱۷۷	۳۴	« گاهی
۳۹۶	۲	« گوید چشم
۳۷۶	۳۴	« گوید کاین
۳۷۶	۳۳	« گوید مر
۳۵۰	۹	« لرزان
۲۳۷	۴	« مازاغت
۴۰۱	۹	« ماکو
۴۰۱	۳۴	« محجوبست
۴۳۷	۱۷	« مفتاح
۱۱۶	۲۰	« من
۱۲۹	۸	« موسی
۲۵۲	۲۰	« میگفتش حما
۵۲	۷	« میگفتش که
۳۹۵	۳۵	« میگفتش که
۳۵۶	۱۰	« میگفتی
۱۷۷	۴۰	« نورانی
۳۶۷	۱۶	« وایمان
۲۸۹	۱۰	« ودلها
۴۳۷	۳۳	« وفکر
۴۳۴	۱۷	« وفهم
۲۳۸	۳۱	عقلها آنسو
۲۳۹	۲۱	عقلها از نور
۳۱۵	۳۹	عقلها زین
۲۷۴	۱۷	عقلهای اولینش
۲۸۶	۲۱	عقلهای خلق
۳۶۱	۳۸	عقل هر عطار

ع ـ ك

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۹	۲	عکس آخر
۴۱۹	۲۰	« آن اینجا
۶۸	۴۲	« آن تصویر
۳۹۸	۳۶	« پنهان

صفحه	سطر	اول بیت
۸۸	۹	عکس چندان
۶۵	۳	« حکمت
۳۶۳	۲۸	« خود در
۲۹	۲	« خودرا
۳۹۸	۲۹	« درچه
۸۸	۹	« ذوق
۸۴	۲	« راز
۶۱	۲	« طمع
۱۸۹	۳۰	« عبدالله
۸۸	۱۰	« کاول
۴۱۷	۳۹	« میدان
۱۳۰	۲۸	« میگوئی
۱۸۹	۳۰	« نورانی
۳۹۹	۱۹	« هارا ماندا
۳۹۹	۱۶	« هارا ماندو
۱۸۹	۳۱	« هرکس
۶۸	۳۷	« هرنقشی

ع ـ ل

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۸	۲۸	علت آید
۶۴	۱۲	« ابلیس
۱۹۴	۲۹	« اولی
۴۰۸	۴	« پنهان
۶۲	۱۱	« تنگی
۲۵۴	۱۶	« دیدن
۴	۲۹	« عاشق
۳۴۰	۴	« وپرهیز
۶۴	۱۱	علتی بدتر
۲۹۶	۱۶	علم آموزی
۸۴	۱۹	« آن بازی
۲۶۳	۲۱	« الاسماء
۳۲۳	۱۵	« الانسان
۳۶۹	۳۰	« اندر
۳۶۹	۳۳	« اواز
۳۵۶	۴	« بودش
۱۲۹	۸	« تقلیدی بود
۱۱۴	۳۲	« تقلیدی وبال
۱۱۶	۲۲	« تقلیدی وتعلیم
۳۸۷	۲۲	« تیرانداز
۳۳۹	۱۵	« جوئی
۲۰۳	۲۴	« جویای
۱۱۵	۱۸	« چون آموخ
۶۸	۱۳	« چون بر
۳۲۱	۲۱	« چون در
۴۰۹	۱۹	« دریا
۳۰۲	۲۲	« دیگ و
۴۲۹	۲۲	« ذات
۱۶۱	۱۱	« رادو
۲۴۰	۱۲	« راه حق
۳۹۹	۷	علمشان و
۶۸	۱۴	علم کان
۱۱۶	۲۶	« گفتاری
۳۲۶	۵	« نیرنجات
۳۵۵	۳۶	« وآدابش
۳۷۸	۳۵	« وحکمت بهر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵	۷	علم وحکمت زاید
۲۳۹	۱	« ومال
۶۸	۱۲	علمهای اهل
۲۳	۱۶	« اهل
۴۲۱	۱۲	« با

ع ـ م

صفحه	سطر	اول بیت
۳۱۶	۲۱	عمر اگر بگذشت
۱۱۴	۸	« اگر صدساله
۲۹۱	۳۰	« بیشه ده
۲۹۱	۳۱	« «
۴۳۶	۷	« تقدیری
۱۴۰	۵	« تومانند
۴۳۲	۴۷	« تویوماً
۲۴	۱۷	« چون
۱۷۱	۳۰	« خودرا
۲۹۱	۳۱	« خوش
۳۵	۲۰	عمر ودایم
۲۸۸	۱۱	عمر درمعمول
۴۱۸	۳۴	« درصندوق
۱۳۴	۱۲	عمر وراجرمش
۴۳۶	۷	عمر راهم اختیار
۴۳۲	۴۴	« راهم نیست
۴۳۲	۴۸	« رفت
۹۷	۳۸	« ضایع
۴۲۵	۴۱	عمر کان شد
۲۶۲	۵	« کرکس
۴۲۵	۳۱	« معدود
۲۹۱	۲۸	« ومرگ
۲۲۱	۱۶	« هاباید
۸۱	۱۹	« هابایست
۴۱۲	۱۱	« برطبل
۴۱۰	۱۵	« هابوده
۱۱۳	۲۹	عمره کردی
۲۵	۳۰	عمر هم چون

ع ـ (ن ـ و)

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۴	۲۹	عندلیبانش
۲۰۱	۲۱	عنکبوت ار
۳۹۸	۲۸	« این
۲۰۷	۱۴	« دیو
۱۲۲	۶	عنکبوتی تو
۴۳۸	۲۷	عودرازان
۱۰۸	۱	عودسوزد
۱۷۹	۸	عورترسان
۱۳	۲۵	عورتی
۱۷۸	۴۴	عورمیترسد

ع ـ ه

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۱	۳۷	عهداو
۲۲	۳۹	« چون
۹	۱۰	« عیسی
۲۹۸	۱۳	« فاسد
۳۲۴	۴	« کردم
۱۱۷	۲۶	« مابشکست
۱۱۷	۲۶	« ماکاه
۱۵	۱۲	« وپیمان

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۸	۲۵	عهدوقرض
۱۶۴	۱۴	« هابستیم
۲۲	۳۸	« هاکردند

ع ـ ی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۹	۳	عیب اومخفیست
۹۲	۳۹	« اومهر
۱۴۰	۳۴	« باشداول
۴۱	۱۳	« باشدکو
۲۷۶	۲	« برخود
۳۵۴	۲۷	« جویانرا
۹۳	۳	« جوی و
۱۷۸	۴۴	« خود
۹۳	۲	« دیگر
۴۱	۱۴	« شد
۲۳۷	۲۷	« کار
۱۲۵	۳۵	« کردن
۲۵۷	۲۷	« کل
۱۳۲	۴	« کم
۱۳۰	۱۷	عیبهاز
۱۴۶	۲۷	عیبهای سگ
۸۶	۱۹	عیسی روح
۱۷۸	۸	« مریم
۲۳۳	۱۱	عیسیم لیکن
۲۵۸	۳۴	عیسی وادریس
۲۰۵	۷	عین آتش
۱۳	۳۰	« آن تخیر
۶۴	۲۲	« آن حکمت
۲۶۷	۳۶	« آن عزمت
۴۱۶	۳۲	« آن مکر
۱۴۳	۲۴	« تازی
۴۱۷	۴	« سمبش
۹۶	۱۶	« صنع

حرف غ

غ ـ ا

صفحه	سطر	اول بیت
۷۱	۱۲	غائب ازشه
۶۰	۸	غائبان را
۶۰	۸	«
۱۳۹	۱۸	غائبی مندیش
۱۰	۳۲	غاربانو
۳۸۰	۴۰	غازئی خوش
۲۵۴	۳۹	غازیان حملهٔ
۲۵۴	۳۹	غازیان غیب
۳۴۲	۲۳	« کشتند
۳۲۶	۲	غاشیه بر
۴۳۲	۲۵	غافل از باد
۴۳۳	۳۸	« ازیابان
۴۳۱	۵	« ازعفریت
۲۷۵	۳۵	غافلان را
۹۲	۳۵	غافلند این
۴۴۰	۱۳	غافلی از کار
۹۸	۱۰	« باری
۷۳	۲۴	« ناگه
۲۵۷	۳۰	« هم

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۷	۳۱	غافلی هم
۳۲۷	۷	غالب آمد حرص
۳۴۵	۳۵	« آمد خنده
۲۶۶	۲۲	« آمد شاه
۴۳۹	۲۸	غالبا شد
۱۸۰	۲۵	« ما
۳۵۳	۳	غالبست و
۳۹۵	۸	غالبی بر جاذبان
۲۱۱	۵	« بر خواجه
۱۹۵	۲۳	غایت لطف
		غ-(ب-د-ر-ز-ژ)
۴۲۵	۳۰	غبن می‌ناید
۱۹۹	۲۴	غدر کردی
۱۶۸	۱۱	غرة المسکن
۳۶۳	۲۵	غرق این
۳۶	۳۱	« حق
۴۰۴	۹	« دریائیم
۳۷	۱	« عشقی
۳۲۴	۱۹	« گشته
۴۲۹	۷	« میگردم
۴۳۲	۱۴	« نزدیك
۷۴	۳	« نورم
۲۵۰	۳۳	غرقه اندر
۱۵۹	۴۱	غرقهٔ نوری
۴۵	۲۵	« نی
۲۴۷	۲۹	غرهٔ او
۴۴۳	۳۵	« بادولت
۱۴۹	۳۰	« شیرت
۲۷۱	۴	« کن
۱۹۸	۳۱	غره گشتی
۳۴۲	۳۸	غزوه کی
۲۵۸	۳۲	غژغژان
		غ-(ص-ف-ل)
۳۴۶	۲۸	غصب کردم
۳۲۵	۳۲	غصه را
۱۹۴	۲۴	غفلت از تن
۱۵۹	۸	« وبی
۲۵۳	۲۶	« وکفر
۳۴۸	۱۲	« وگستاخی
۳۴۸	۱۳	« ونسیان
۱۰۹	۴	غل بخل از
۲۵۲	۱۲	غلط غلطان
۳۸۹	۲۷	غلغل و
۱۷۵	۱	غلغلی در شهر
		غ-(م-ن)
۱۴۵	۲۶	غم بود
۱۹۷	۲۷	غم چو آئینه
۱۹۷	۲۳	غم چو بینی
۱۹۷	۲۲	غم خور و
۳۹۰	۱۸	غمدرا
۳۴۱	۱۲	غم زدل
۱۵۲	۱۱	غمز کردندش
۳۴۱	۱۲	غم کند
۱۴۵	۱۴	غمگساری

صفحه	سطر	اول بیت
۸۶	۱۹	غم مخور از
۲۳۱	۳۷	غم مخور یاوه
۲۲۲	۲۹	غم مدار
۶۵	۱۱	غنج و نازت
۳۸۶	۱۵	غنچه را
۱۹۸	۱۱	غن لی
		غ-و
۱۳۵	۲۴	غورهای
۲۲۰	۳۷	غورهٔ تو
۲۵۰	۳۷	« کز
۱۳۵	۲۲	« کو
۱۴۵	۲۱	غوره وانگور
۸۵	۶	غوطه ده
۵۹	۲۵	غولت از
۲۳۴	۱۱	غولهٔ را
		غ-ی
۴۲	۱۵	غیب را ابری
۷۰	۴۳	« مطلوب
۳۱	۲۵	« وآینده
۳۶۱	۳۱	غیر آن جمد
۳۴۴	۳۵	« آنچه بود
۳۱۱	۱۲	« آن زنجیر
۳۷۹	۱۷	« آن عجلی
۴۴	۷	« آن قطب
۴۰۵	۳۶	« آن قلعه
۱۴۵	۴	« آنکه
۴۳	۱۲	« آواز
۲۹۵	۱۹	« اهل شکر
۴۰۸	۲۵	« این پیر
۴۴۶	۱	« اینجمله
۴۱۱	۱۴	« این دو
۳۳۳	۳۲	« این عقل
۳۳۳	۳۱	« این معقولها
۴۱۳	۱	« پیر استاد
۳۶	۱۵	غیرت آن
۳۹۱	۵	« حق بردهٔ
۳۷	۱۳	« حق بر مثل
۳۶	۱۵	« حق بود
۱۶۴	۱۶	« حق گوشه
۳۶۱	۱۰	غیر تسلیم
۲۳۱	۳۵	غیرتش از
۴۰۶	۱	« بر
۲۵۸	۲۲	« را
۳۸۱	۳۲	غیرتشویش
۳۶۲	۳۴	غیرت عقل
۳۳۳	۱۲	غیرتم آید
۱۱۱	۲۶	غیرت من
۴۲۹	۸	غیرتو پشت
۷۵	۳۴	غیرتو هر
۴۰۸	۹	غیرتی دارد
۴۰۱	۲۸	غیرچستی
۱۸۴	۹	« حق جان
۳۱۹	۳	« حق جمله
۳۳۰	۳۲	« حق را

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۹	۲۴	غیر دنیا آخرت
۴۰۹	۲۳	« دنیا بس
۴۳۵	۱۴	« راتو
۳۹۹	۲۳	« راه این
۲۶۳	۱۷	« شه
۴۱۸	۲۴	« صندوقی
۳۴۸	۱۱	« عفو
۲۷۵	۴	« فضل و
۲۲۲	۳۳	« فهم
۲۴	۲۰	« مردحق
۴۰۸	۳۶	« مردن
۲۸۸	۲۴	« معشوق
۲۶۲	۳۵	« من
۲۶	۳۷	« نطق
۳۷۵	۱۵	« واحد
۲۱۳	۲۳	« هفتاد

حرف ف

صفحه	سطر	اول بیت
		ف-ا
۹۷	۲۱	فائده اول سماع
۱۱۲	۶	فائده اول که
۹۵	۳۴	« توگر
۳۲	۳۳	« فرما
۴۰۱	۳۰	فاتحه خواند
۶۷	۱۱	فاتقوا النار
۱۱۳	۱۰	فاخته سان
۱۳۵	۱	فارسی گفتا
۱۳۴	۴۶	« وترک
۴۴۰	۳۶	فارغ از لیل
۴۰۹	۱۱	« است
۲۰۳	۱۵	فارغم از
۱۵۷	۲۶	فارغ و مستغنی
۲۲۷	۱۵	فارغیم از
۴۳۵	۷	فارق این
۱۱۱	۹	فارقم فاروقم
۵۷	۱	فازن بالحره
۲۶۷	۲۰	فاسقی بد
۱۵۳	۲۰	فاش تسبیح
۳۶۶	۷	« کرد
۶۹	۱۵	« گردد
۱۵۶	۳	« مطلق
۳۹۱	۲۴	« میگفتی
۱۰۶	۵	فاطمه مدحست
۴۰۷	۱۷	فاعل مطلق
۴۰۵	۲۶	فاعل و مفعول
۱۹۶	۲۲	فاعلی چه
۱۰	۲۸	فالق الاصباح
۱۶۲	۱۹	فال بد
۹۸	۲۴	فانتبه ثم
۶۲	۱۴	فانتقمنا
۹۵	۳۵	فایدهٔ تو گر
۹۷	۲۶	فایدهٔ دیگر
۲۶۲	۴	فایده هر
۳۸۸	۱۷	فایق آید

صفحه	سطر	اول بیت
		ف-(ت-ج-ح-خ)
۳۳۷	۱۷	فتنها و
۲۸۷	۲۸	فتنهٔ تست
۲۰۵	۹	« زاد
۳۵۰	۱	فتنه که
۵	۱۶	« وآشوب
۱۱۳	۱	فتویت اینست
۲۸۳	۲۰	فجفجی افتاد
۳۸۹	۳۳	فجفجی در
۱۷۳	۲۹	فجفجی افتادشان
۱۰۱	۲۲	فحش آغازید
۲۶۳	۱۹	فخر آنسر که
۴۴۶	۱	فخر رازی
		ف-ر
۱۱۵	۶	فراو
۲۳۳	۱۶	فربهش
۳۹۹	۴	فربهی گر
۲۲۶	۱۴	فرج استر
۴۱۹	۴	فرجهٔ صندوق
۳۵۳	۵	فرجه کن
۱۹۵	۱۵	فرخ آن
۳۸۴	۱۳	فردی ما
۲۲۴	۶	فرش بی فراش
۳۱۵	۲	« سوزان
۱۲۲	۳۱	فرش و سقف
۱۴۷	۲۷	فرصت آن
۴۲۴	۱۶	فرض می‌آری
۳۰	۲۷	فرع دید
۳۹۸	۱۱	فرفردوسیست
۲۷۱	۲۷	فرق آنگه
۳۷۵	۲۸	« بسیار است بد
۶۰	۹	« بسیار است و
۳۳۲	۱۷	« بنهادم
۲۶۹	۲۴	« بین و
۱۱۹	۲۶	فرقت از قهرش
۱۹۸	۸	« صدر
۷۶	۸	فرقتی لو
۴۲۹	۳۶	فرقدان این
۳۹۶	۴	فرق زشت و
۴۴۱	۲۶	« گوی و
۱۶	۱۴	« نتوان
۳۳۲	۱۹	« نکند
۲۲۳	۸	« و
۲۲۳	۹	فرقها
		ف-(ص-ض)
۶۵	۹	فصل تابستان
۲۸۴	۲۶	فضل آن آتش
۲۳۴	۱۷	« آن مسجد
۴۳۰	۴۷	« ان احسنتم
۱۸۰	۱۵	« بی علت
۲۷۰	۳۳	« توبر
۳۴۹	۳۷	« توگوید
۲۸۲	۴	« حق با
۱۰	۱۰	« ظاهر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۱	۳۷	فضل مردان بر
۲۴۱	۳۸	«
۲۴۳	۳	فضل مسها را
۲۳۲	۱۹	فضلها دزدیده
۴۰۴	۱۶	فضله ماند
		ف-ع
۳۰۲	۲۱	فعل آتش را
۳۱۶	۱۴	« او کرده
۴۲	۱۹	« باران
۴۳۶	۳۰	« بالقوه
۴۰۷	۱۱	« برارکان
۴۴۳	۱۸	« بلعم
۳۴۳	۲	« تست
۳۵۸	۲۶	« توکان
۲۹۶	۷	« تووافی
۴۲	۵	« حق
۳۰	۱۸	« رادرغیب اذ
۳۵۸	۲۷	« رادرغیب ص
۴۴۰	۴۱	« راگر
۴۴۳	۲۱	« شدادی
۴۳۵	۳۰	« نااحسن
۲۸۲	۲۹	« وقول آن
۲۰۴	۲۲	« وقول صدق
		ف-ق
۳۷۳	۲۲	فقر آنمحمود
۳۷۳	۲۳	« آنمحمود
۱۹۰	۷	« ازین
۲۹۶	۱۷	« خواهی
۹۹	۲۲	« را
۲۹۰	۲۶	« فخری بهر
۲۹۰	۴	« فخری را
۴۸	۲۳	« فخری نز
۵۵	۳۷	« لقمه
۶۱	۹	« ورنجوری
۵۷	۲۷	« فقه فقه و
		ف-ك
۱۲۸	۱۰	فکر آن باشد
۸۲	۲	فکرت از
۲۸۸	۶	« بد
۹۲	۱۹	فکرتت را
۴۳۲	۴۲	فکرت صائب
۳۴۱	۲۰	« غم
۱۰۹	۲۴	فکر تو
۳۴۱	۲۲	فکرتی کز
۸۲	۲	فکر چه آنجا
۲۶۷	۳۹	« خفته
۳۰۷	۱۲	« خودرا
۳۴۱	۱۷	« درسینه
۳۴۱	۹	« را
۲۹۱	۲	« زنبور
۳۰۱	۳	« طفلان
۳۴۱	۱۰	« غم
۲۶۵	۱	« کان
۴۳۲	۲۱	« کس

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵۳	۱۲	فکر کو
۱۲۶	۲۱	« گاهش
۲۵	۲۹	« ماتیریست
۳۲۱	۲۳	« واندیشه
۳۹۳	۲۲	« هااز
		ف-ل
۴۱۱	۱۰	فلسفه گفتش
۱۲۴	۸	فلسفی از نوع
۳۸۷	۱۶	« خودرا
۴۴۶	۲۰	« رادیده
۴۴	۱۸	« رازهره
۲۶۱	۳۰	« راسوخت
۶۵	۱۷	« کومنکر
۶۵	۱۶	« گوید
۶۵	۱۹	« مر
۱۰۴	۱۲	« منطقی
۶۵	۱۶	« منکر
۱۵۶	۲۳	« و
۲۶۱	۱۴	فلسفی گفت
		ف-(و-ه-ی)
۱۵۱	۴۳	فوت شداز
۲۵۱	۳۹	فوت کردی
۱۰۹	۱۱	فوقی آنجا
۱۷۱	۱	فهم آبست
۴۱۸	۸	فهم آن بهتر
۳	۶	« اگردارید
۴۳۰	۳۳	« اگرداری نک
۳۶۲	۱۶	« توچون
۲۶۱	۳۴	« کردم کانکه
۱۶۳	۱۶	« کردم لیك
۲۴۰	۲۶	« کردی زو
۳۲۶	۸	« کن موقوف
۱۹۷	۱۹	« نان کردی
۱۳	۲۲	« وخاطر
۵۶	۴	فهمهای کهنه
۱۴۳	۲۳	فهولا یرضی
۱۰۹	۷	فی السماء
۴۳۳	۲۶	فی المثل دنیا
۴۴۳	۳۲	فی حق دنیا
۱۴۰	۲۴	فیل بچه
۱۲۵	۶	فیه آیات
		حرف ق
		ق-ا
۱۷۴	۲۳	قائل این
۴۴۶	۴۵	قائمه افلاك
۲۱	۳۳	قابل امر
۵۹	۴	قابل این
۴۳۹	۸	« بخت
۲۳۶	۳۴	« تعلیم
۲۷۶	۲۶	« تغییر
۹۶	۷	« خوردن
۴۱۲	۳۸	« ضوبود
۱۱۷	۳۹	قابله گوید
۴۲۸	۲۹	قابلیت چونکه
۳۰۵	۱۱	قابلی گرشرط
۴۳۷	۳	قادراست و
۴۴۵	۴۲	قادروحی و
۳۶۰	۳۶	قادری بیگاه
۲۱۸	۲۴	قاصداً آنروز
۲۳۲	۲۴	قاصداچون
۱۳۳	۱۱	« خودرا
۲۶۴	۹	« سائل
۴۱۴	۷	« شه
۱۳۳	۱۲	« زیر
۱۵۶	۲۲	قاصدان را
۱۲۳	۹	قاصدان زو
۱۳۴	۲۷	قاصدشه بسته
۶	۹	قاصدی بفرست
۱۳۴	۲۲	« دانا
۳۳۴	۳۰	قاصرات الطرف
۳۳۴	۳۰	«
۱۲۱	۱۷	قاضئی بنشاندند
۴۴۱	۴۵	قاضی ابله
۳۹۴	۲۹	قاضیا نرادر
۲۵۰	۲۱	قاضیانی که
۴۳۱	۳۵	قاضی بدعهد
۴۳۱	۳۱	« فی النار
۴۳۱	۲۱	« قزوین
۳۷۵	۳۴	« وصوفی
۴۰۵	۱۸	قاطع الاسباب
۲۳۷	۲۸	قاعدهٔ هرروز
۱۸۸	۱۰	قافله حیران
۳۳۶	۶	« می شد
۳۶	۲۲	قافیه اندیشم
۴۳۰	۱۸	قال ازوو
۵	۱۰	قال اطعمنی
۴۴۳	۹	قال ان احسنتم
۳۳۶	۳۸	قالب بی جان کم
۳۳۶	۳۹	« نمی
۳۳۶	۳۹	قالبت پیدا
۱۳۶	۱۶	قالب خاکی
۴۳۷	۲۹	قال لم تؤمن
۲۰۵	۸	قامت تو
۴۴۰	۲۷	قانع از
۲۹۵	۱۵	قانعی با
۲۱۱	۵	قاهری دزد
		ق-ب
۱۴۳	۱۵	قبض دل
۱۴۳	۱۷	« دیدی
۴۰۳	۳۵	« وبسط
۱۴۳	۱۵	قبضها زندان
۲۷۱	۱۲	قبطیان نك
۳۸۲	۸	قبله ازدل
۳۸۰	۳۵	قبلهٔ باطن
۲۸۴	۱۸	« جان
۴۶	۲۰	قبله حاجت
۳۹۱	۱۱	« راچون
۳۸۰	۳۴	قبلهٔ زاهد
۳۸۰	۳۳	قبله عارف
۳۸۰	۳۶	« عاشق
۳۸۰	۳۶	قبلهٔ فرعون
۳۷۴	۱۱	قبله کردم
۳۸۰	۳۴	« مردان
۳۸۰	۳۵	« معنی
۳۹۹	۱۷	قبلهٔ وحدانیت
۲۴۲	۱۷	قبهٔ برساختستی
		ق-(ت-ح-د)
۱۴۳	۲۴	قتل الانسان
۳۹۳	۲۸	قحطاز
۴۷	۴	قحطده سال
۲۴۵	۱۲	قداوا ورنگ
۴۳۵	۴۷	قدتو
۲۳۴	۷	قدجلنا
۲۹۴	۳۱	قدچون سرو
۳۶۸	۳۵	قدح اورا
۳۳۲	۱۸	قدر آن ذره
۱۹	۸	قدرت آن سگ
۱۹۰	۱۸	قدرت سرمایهٔ
۳۳۱	۲۹	قدرت تو
۱۲	۱۷	« خود
۳۳۱	۳۰	قدرتش برجنگ
۲۷۹	۸	قدرتو بگذشت
۴۱۴	۱۶	« جان
۴۰	۱۴	قدرجعنا
۸۵	۱	قدرفندق
۳۱۵	۳۹	« هر
۲۶۲	۲۵	« همت
۷۶	۲۱	قدسیان
۱۴۴	۱۶	قدفضضتم
		ق-ر
۱۳۳	۲۱	قرب آوازش
۱۴۸	۱۶	« برانواع
۲۷۴	۳۸	« بیچون چو
۲۷۴	۳۸	« بیچونست
۷۷	۲۳	« پنجه
۱۴۸	۱۵	« خلق
۱۴۶	۳۶	« ماهی
۲۱۰	۱۲	« نی بالا
۴۰۵	۱۶	قرة العینت
۳۴۰	۳	قرص خورشید
۴۶	۲۶	« مه
۲۹۵	۲۰	قرض ده زین
۲۸۱	۱۳	« ده کم
۴۳۳	۳۵	قرع میگوید
۲۳	۲	قرعه برهر
۲۳	۱	« برهر
۴۲۴	۱۸	قرن قرن و
۴۲۹	۴۶	قرنها باید
۳۹۹	۹	قرنها برقرنها
۴۰۷	۳۱	قرنها راصورت
۳۹۹	۸	قرنها بگذشت
		ق-س-ش
۸۰	۱۵	قسم باطل
۱۸۶	۱۱	قسمت حق است
۳۵۸	۱۷	قسمت حقست
۱۲۲	۲۷	قسمت خود
۸۶	۲۹	قسمتش کاهی
۲۴۹	۲	قسم تو
۱۸۳	۳۴	قسمتی کرده
۲۴۰	۶	قسم دیگر
۲۸۳	۳۵	قسمشان
۱۶۴	۲۶	قسم من
۲۲	۳۹	« هر
۱۵۹	۱۲	قشرجوز
۲۲۱	۷	« راگفتیم
۱۲۹	۲۵	« هابر
۱۲۹	۲۶	« هارا
۲۶۸	۳۰	« های
		ق-ص
۳۴۴	۲۷	قصد آن مه
۳۸۵	۱۰	« او آن
۱۲۳	۴	« ایشان
۳۴۶	۲۶	« جفت
۱۲۸	۳۹	« جنگ
۱۲۳	۲۹	« خانه
۱۰۶	۵	قصد خون تو
۲۹۸	۲	« خون تو
۱۲۵	۴۲	« خون من
۱۴۳	۲۷	« خون ناصحا
۱۱۳	۱۷	« درمعراج
۳۸۸	۱۱	قصدشان آن
۱۲۳	۵	« تفریق
۴۱۶	۲۸	« زانکار
۳۸۵	۹	قصدشاه
۲۲۸	۴	« شه
۳۸۲	۲۲	« کردستند
۱۱۳	۱۶	« کعبه
۱۱۳	۱۵	« گنجی
۲۲۸	۲۴	قصدم از
۲۱۹	۱۲	قصدماستر
۲۲۸	۱۸	« من
۱۱۲	۸	« هردرویش
۳۹۴	۱۱	قصراگرچه
۴۰۲	۲۹	« چیزی
۱۱۹	۱۰	« رااز
۱۹۴	۶	« هاخود
۲۵۱	۳	قصهٔ آن آبگیر
۴۱۵	۱۸	« آن خواب
۴۴۷	۲۴	« آن خواجه
۱۴۵	۶	« اصحاب
۱۴۴	۸	« اهل
۳۲۸	۳	« این گاو
۳۰۱	۲۸	قصه باطول
۲۸۰	۲۳	« بسیاراست
۳۷۷	۱۰	قصهٔ پاره
۱۸۲	۵	قصهٔ خرگوش
۳۷۹	۳۲	« دور
۲۴۱	۵	« راز
۱۱۶	۳۷	« رنجورگو
۴	۲۵	« رنجورو
۱۰۳	۹	« شاه
۴۰۵	۳۲	« شهزادگان آ
۴۲۵	۲۱	« شهزادگان نا
۴۳	۳۰	« طوطی
۶۵	۳۳	« عاد
۲۲۴	۱۲	« عثمان
۳۱۱	۱۳	« عشق
۲۱۱	۱۱	« عهد
۳۴۲	۲۷	قصه کوته کن کر
۴۲۴	۲۰	« کوته کن که را
۴۲۵	۴۴	« کوته کن که ر
۴۱۸	۷	« کوته کن که ش
۴۱۱	۱۳	« کبخسرو
۲۳۴	۳۰	« گفت آن
۲۲۹	۳۴	« گویم
۳۱۰	۳۷	قصه محمود
۱۱۰	۶	« واگفت
۱۷۱	۶	« هاآغاز
۳۰۶	۲۵	« یونس
		ق-ط
۳۱۸	۳۰	قطب آن باشد
۳۱۸	۲۷	« شیرو
۱۹۶	۲	« گوید
۲۷۲	۲	قطرهٔ آبی
۴۴۱	۲۹	قطرها در بحر
۱۵۰	۱۲	قطرهٔ از باد
۵۸	۶	« ازدجله
۴۴۱	۲۷	قطرهای صد
۳۳۶	۲۱	قطرهٔ ایمانش
۱۹۵	۲۴	قطره باقلزم
۲۴۴	۴۸	قطرهٔ برزیر
۳۹	۹	قطرهٔ دانش
۲۳	۱۷	« دل
۳۸۷	۷	« زان
۳۹	۱۰	« علمست
۳۴۹	۱۸	قطره فطره
۳۹	۱۱	« کان در
۱۰۳	۳۶	قطرهٔ کز بحر
۳۷۴	۳۵	قطره گرچه
۵۲	۷	« مبارید
۳۲۵	۲۳	« های بحر
۱۶۸	۱۷	قطع و وصل
		ق-(ع-ف)
۲۵۵	۲۰	قعرجو
۲۸	۲۹	قعرچه بگزید
۱۸۳	۲۹	قفل بردلها
۳۱۳	۲۷	« رابر
۱۸۶	۳۲	« زفت است
۳۱۵	۹	« کردن

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۵	۲۷	قفل مشکلها
۳۵٤	۲۰	قفلهای نا
		ق - ل
۲۹٦	۳	قل اعوذت
۲۷۷	۲۰	قلب آتش
۲۹۲	۱	« اعیانست
۲٤۲	۳۸	« اگردر
٦۵	۲٤	« پهلو
۲۲۹	۱۸	« چون
۳٦۸	۷	« راکان
۱۸۳	۳۲	« راگوئی
۱۲۰	۱۳	« رامن
۳۰٤	۳۲	« ماندی
۲۷۷	۲۰	« میزد
۲٤۲	۳۷	« میگوید
۲۱۳	۱۱	قلبهای من
۳٦۳	۱۵	قلتبانا
۲٤۸	۱۲	قل تعالوا قل
۲٤۸	۳	«
۲٤۸	۳	«
۲٤۸	۲	«
۲٤۷	٤۰	قل تعالوا گفت از
۵٤	۲۵	« حق
۲٦٦	۱۹	قلتی کان
۲۱۰	٦	قلعهاهم
۷۱	۱۱	قلعه داری
٤۰۵	۱٦	« راچون
۱۱۸	۱٤	قلعهٔ سلطان
۹	۱	« ویران
		ق - ن
۳۵۲	۱۱	قنداورا
۱۱٤	۲۳	« بیند
۳۸۰	۲۵	« حکمت
۳۵٤	۱۸	« خررا
۱۹۷	۲۲	« شادی
		ق - و
۱٦۳	۲٤	قوت آن درویش
۱٦٤	۱٤	« آن کو
۱۷۱	۳۳	« استدن
۹۵	٤۱	« اصلی بشر
۹۵	٤۰	« اصلی را
۹٦	۹	« اذ ر
۸۹	۹	« ایمانی
۱۷۱	۳٦	« پا
۱۳۸	۲	قوت از
٤۳٦	۲۰	قوت تحریك
۳۲	۲	« جان
۱۳۸	۳	« جبریل
۱۳۱	۲۳	« حق
٤۳۱	۱۲	« عاشق
۲۹	۳٦	قوتم بخشید
٦۲	۳٤	« بگسست
٤۳۹	٤	« در
٤۲۲	۳۱	قوت میخوردی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۸	۳۵	قوت نقاش
٤٤۳	٤۸	« وبود
۳۵۹	۳٦	قوتی باید
۳۰	۱٤	« خواهم
۳۷۲	۱۳	« کان
۱۲۸	۳۰	قوت یك
۲۲۸	۱۱	قوتی گیرد
۱۷٤	۲۳	« وراحتی
٤۱۸	۵	قوس ابرو
۳۵۰	۱۳	« اگر
۱۳۵	۱۵	قول ان من
٤۳۰	۱۱	« این
۳۳۱	٤۰	« بنده
۲٤	٦	« پیغمبر بجان
٤۲	۲۱	« پیغمبر شنوا
۱٤۵	۳۲	« پیغمبر شنوا
۱٦۲	۱۹	« پیغمبر قبوله
۳۸٦	۲۱	« حق را
۸٤	۳	« دیگر
٤۳٤	۱	« ماینطق
۲۸۲	۲۸	« وفعل آمد
۲۸۳	۷	« وفعل اظهار
۲۸۲	۳۱	« وفعل او
۲۸۳	۵	« وفعل بی
٤٤۰	٤٤	« وفعل و
۳۵۲	۱۱	قوم بروی
۲۳۳	۱	« تودر
٤۲۹	۳۸	« دیگر دست
۱۳٦	۳۵	« دیگر را
۱۸۷	۱٦	« دیگر سخت
٤۲۹	۳٦	« دیگر کرده
۱٦۷	۲۲	« دیگر می
۱۳٦	۳۵	« دیگر نا
٤۱۸	۱۸	« را
۱۲	۸	« عیسی
۱۸٤	۲۱	« گفتندار
۱۸۷	۲٤	« « ای صـ
۱۸۳	٤۱	« « ایگرو
۱۸۰	۸	« « ایگرو
۱۸۳	۲۸	« « ای نصـ
۱۸۰	۲۲	« « اینهمه
۳٤۲	۳۱	« گفتندش به
۲٦۰	۲۱	قوم گفتندش که افز
۳۰	۱۹	« که اورا
۲۳	۱۱	« که ای
۳٦۰	۳۲	« که ای
۲۳	۵	« که چند
۳۹٤	۱۵	« که فط
۲۱	۲۰	« که که
۲٦۰	۱۹	« که ما
۲۰۰	۲۵	« که هین
۲۰۱	۲۹	« مکن
۱۷۰	۱٤	قوم گفتندم
۱۷۹	۲۸	« گفته شکر

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸٦	۱۱	قوم معکوس اند
۱۱۷	۱۹	« موسی راه
۲۷۱	۱۸	« موسی شو
۱۲۰	٤	« نوح
٤۲۸	۲۱	« هفتم
٤٤۱	٦	قومی از
۵۰	۲۹	قومی اندر
۳۰٦	۲۰	قوم یونس
		ق - ه
۲۲۵	۱۰	قهر اورا
۳۰۷	۱٦	« حق
۷	۱۸	« خاصی
۱٦۱	۷	« راز
۳۵۲	۱۰	« سر که
۵۲	۲۰	« شیرین
۳۷۰	۸	« گردد
۲۱۱	۲	« میگردید
۱۲۰	۱۷	« ولطفی
۱۰۱	۲۳	قهقهه خندید
۳٦۸	۲	« زد
		ق - ی
۷۰	۲٤	قی در افتادند
٤۰٤	۱۸	قیمت آن
۳٤۷	۱۸	قیمتش بگذار
۳٤۷	٤۰	قیمت گوهر
۱۷۹	۱۱	« هرکاله
۱۷۷	۲۷	« همیان
		حرف ك
		ك - ا
۳٤۲	۱٦	کاب راگر
٤۲۵	۳۸	کاب ساکن
۱٤۷	۳۵	کابله طرار
۲٦۷	۱٤	کابلی ساحره
٦۷	۲۵	کاتب آنوحی
۱۳۵	۲۷	کاتحاد
۲۷۱	۲۸	کاتش وسواس
۱۸۱	۳	کادمی کو
۱۲۵	۱۰	کاذبی با
۲۹۸	۳۲	کار آن دارد خو
۹۵	۲۳	« آن دارد که پـ
۹۵	۲۸	« آن دارد که حـ
۲۱۱	۳۰	« آنکار
۳٤۳	۱۰	« آنکس
۱۷۳	۳۷	« ازین ویران
۲۰۹	۲۷	« اواز
٤٤۳	۱۷	« اواورا
۲۸۲	۱۱	« اواین
٤٤۵	۲٤	« اوخلق
۳٦۱	۱۵	« اودارد
۳۳۹	۵	« اوسالوس
٤۰	۲	« ایشانست
۹۰	۳۰	« بخت است
۳۰۲	۳٤	« بی استاد

صفحه	سطر	اول بیت
۹	۱	کار بیچون
۳۱۱	۲۳	« بی علت
۸	٤	« پاکان
۱۰۲	۷	« پنهان
۲۸۵	۲۲	کارت این بود
۳٤۲	۳۸	کار ترکانست
۳۵٦	٦	« تقوی
۱۲۲	۷	« تواین
۲۹۱	۳٤	« توتبدیل
۹۱	۱۱	« چون بر
٤۲۹	٤۷	« حکمت
۲۷۳	۳۱	« خود
۳۲۰	۱۰	کار دآوردند
۱۷٦	۳۲	کار دراز اشتاب
٤۸	۲۰	کار درویشی
٤۳۱	٤٦	« دنیا اینچنین
٤۲٤	۳۵	« دنیارا
۲۷۳	۳۰	« دوزخ
۳۷۲	۲۳	کار زورا
٤۳٤	۱۷	کارساز
۲۰۲	۳۲	« سحراین
٤٤۰	۱٤	« عالم سر
٤٤٤	٤۰	« عالم ماند
۸٦	۱	کارك خود
۹۱	۱۱	کار کن در کار
٤٤۲	۱۵	« کن لله
۳۳۳	۳	« کن هین
۳٤۹	۱۷	« کو ترچیست
۳۱۳	۱۹	« کی میکن
۲۱۷	۳۲	« گاه خشم
۹۰	۵	« گاه صنع
۲۱۰	۱۳	« «
۹۱	۱۲	« گه چون
۹۱	۱۳	« گه چون
۲۳۲	۱٤	« ما اینست
۹	۷	« مردان
۱۰٤	٦	« من بی علت
۲٦۳	۱۸	« من سر
۳۱۳	۱۹	« میکن
۲۱۱	۳۷	« نایداز
۲۰٤	۲۳	کاروان دایم
۳۹۳	۱۷	« درکارو
۱۲٤	۱	« دریابد
۱٦۹	۲۵	کاروانها بینوا
۳۵۸	۷	کاروانی دید
۳۲۰	٦	« راه
٤۰۳	۲	کاروبار انبیا
٤۱۳	۱	« وباری کان
٤۱۲	٤۰	« وباری کت
٤۱۲	٤۰	« وباری که
۲۳۹	۱۹	« هادی این
۱۷۲	۱۷	« هاز آغاز
۲۳٦	۲٦	« هرکس
۳٤۲	۳۷	« هر نازك

صفحه	سطر	اول بیت
٤۲٤	۳۵	کار یزدان را
۱۵۳	۱۱	کاژدهای
۱۹۳	۱۰	کاسمان
۳۳٤	۲٤	کاسهادان
۳۲۷	۲۹	کاسه بر کاسه
۳۳٤	۳۳	« پیدا
۱۰۷	۳	کاش از خاکی
٤٦	٦	کاشتران قربان
۱۲٤	٤	کاشتری دیدیم
۳۳	۱۳	کاشتهار خلق
٤۹	۱۵	کاش جانت
۱۰	۳۱	« چون اصحا
۲۳۸	۲۵	« چون طفل
۲۳۲	۱۸	کاشف السریم
٦۲	۳٤	کاشکی آن زخم
٦	۲٦	« آن ننگ
۲۳۸	۲۵	« او آشنا
٤۳۱	۳۲	« بودی
۲٦۹	۳۵	« کو
۳۱۷	۱۳	« مادر
۹۱	۲	« معمور
۸۵	۳۲	« من گرد
۲۱۳	۲۵	« هستی
٦۳	۱۲	کاشنا بودند
۲۷۳	۲۵	کاصل هر مکری
۲۸۳	۳	کاعتقادم راست
۳۱۲	٤	کاغذی جوید
۲۹۱	۲٦	کاغ کاغ و
۸	۱٤	کافران اندر مر
۱۵	۲۰	« چون
۱۰۳	۳۳	« دیدند
۳۰۲	۳۰	« رابیم
۲٦۸	۲۸	« راندرد
۳۳۹	۳٦	« قانع
۲۲۹	۱۸	« قلبند
۱۸۵	۱	« کارند
۱٤٤	٤	« گویند
۷۸۰	٦	« مهمان
۲۵۸	۳۵	« همجنـ
۳٤۲	۱۸	کافر بسته
۵۰	۸	کافر بیرار
۳۳۳	۲۰	« جبری
۹۲	۲۵	کاف رحمت
۲۸۰	۳۸	کافرك را
۲۲	۲۷	کافرم من
۱۷٦	۱۵	کافر و فاسق
۸۷	۸	« و مؤمن
۲۷۲	۱۷	کاف کاتی
٦۱	۳٦	کاف و نون
۲۷۲	۱۸	کافیم بدهم
۲۷۲	۱۹	« بی دارویت
۲۷۲	۱۸	« بی نان
۲٤۱	۵	کالبدنامه است
۱٤۸	۳۱	کالتفات خالق

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۴	۱۶	کالله‌الله
۱۱۵	۲۷	کالهٔ‌حکمت
۴۰۵	۶	« دزدیده
۳۶۵	۱۳	کاله‌راصدبار
۳۷۱	۲۴	کالهٔ‌که‌هیچ
۳۰۴	۳۰	« معیوب‌بخر
۴۱۵	۲۳	« معیوب‌و
۱۴۸	۲۳	کام‌ازذوق
۴۱۸	۶	« بنماو
۲۸۹	۱۴	کامتحان‌را
۱۵۶	۳۸	« کردیم
۸۶	۱۴	کام‌تومو‌قوف
۲۷۳	۱۳	کامدش‌پیغام
۲۸۰	۷	کامدیم‌ایشاه
۳۱۰	۲۳	کامرسلطانست
۴۰۶	۱۴	کامشان‌پرزهر
۲۴۴	۲۷	کاملان‌از
۴۲۹	۲۳	« باطن
۹	۲	« کز
۳۴	۲۲	کاملی‌گر
۱۵۰	۲۹	کان‌اسیران
۱۰۶	۳۸	« بغیرآب
۱۸۹	۳۹	« بلادفع
۳۹۵	۲۴	« بلیس‌از
۹۱	۲۷	کانبیارانی
۳۸۴	۱۷	« رنج
۳۸۴	۱۰	کان‌تحمل
۹۰	۲۰	« جمال‌دل
۲۱۴	۱۶	« جوان‌در
۳۸۰	۱۳	کانجهان‌همچو
۲۳۵	۳۲	کانچنان
۲۹۹	۳۶	کانچه‌اصل‌اصل
۱۴۹	۴	« پنهان
۴۱۰	۲۱	« توبا
۱۷۲	۱۶	« جاهل
۹۵	۶	« دارد
۲۷۳	۲۳	« ماکردیم
۳۸۱	۱۷	« میجستی
۴۰۷	۳۴	« میکاری
۶۴	۲۳	« میگوید
۳۰۸	۳۱	کان‌خدای‌خوب
۸۲	۳۱	« خرش‌در
۲۴۳	۳۶	« خلیفه‌داده
۱۴۶	۱۸	« خوشی
۳۰۱	۲۳	کاندرآن‌ترکیب
۹۲	۱۵	« آن‌خانه
۱۳۹	۱۰	« آن‌در
۳۹۱	۱۳	« آن‌دم
۱۹	۱۸	« ایمان
۸۹	۷	« این‌زندان
۸۸	۴۰	« این‌زندار
۳۴۴	۱۰	« این‌کاغذ
۸۸	۳۱	« این‌یك
۱۰۳	۱۱	کاندرختان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۲	۳۹	کاندرون‌دام
۲۹۶	۱۹	« سینه
۳۷۲	۶	کاندرونشان
۱۶۳	۳۷	کاندرین‌ادبار
۲۱۰	۵	« خواري
۱۱۱	۲	« فرصت
۳۹۱	۹	کاندعاشد
۳۱۷	۴	کاندهای‌شیخ
۲۲۳	۱۰	کان‌دلیرآخر
۴۴۱	۱۸	« ذلك‌فی
۴۴۵	۱	« ذلك‌فی
۴۰۹	۲۲	کانرسول‌حق
۳۶۰	۲۴	کانزمان‌پیش
۴۳	۲۲	کانزمین‌و
۳۰۸	۳۶	کان‌سرکوه
۶۰	۳۳	« سباهم
۱۳۰	۳۶	کانسباهی‌بر
۲۷۴	۳۳	کانشهی‌که
۴۰۶	۱۴	کان‌طبیبان
۱۳۲	۲۱	« عجب‌زین
۲۶۶	۳۵	« عجوزه
۱۶	۴	« عدورا
۱۰۷	۳۷	« عودی
۱۷۱	۴	« عوضها
۱۷۸	۱۶	« فسون‌و
۹۴	۳	« فلانخانه
۱۷۶	۳۸	« فلان‌خواجه
۳۳	۱۹	« فلان‌طوطی
۲۱۴	۲۰	« فلانکس
۹۰	۲۹	« فلانی‌یافت
۳۶۶	۳۶	« فلك‌پیما
۱۱۶	۲۱	« قندم
۳۹۷	۲۲	« کسابرنور
۲۰۳	۳۶	« کلوخ
۳۷۵	۴	« که‌اززجر
۱۸	۱۶	کانکه‌این‌بت
۲۵	۱۵	کانکه‌دزدیده
۳۲۵	۸	کان‌گدائی‌که
۶۰	۲۶	« گروهی‌که
۱۵۹	۴۴	« لب‌خشکت
۲۱۶	۴	« لله‌بودهٔ
۲۵۷	۳۳	« لله‌دادن
۲۲	۱۷	« مسلمان‌را
۳۷۵	۱۰	« معلم‌نایب
۹۰	۳۲	« منافق‌در
۴۰۶	۵	« نبدمعروف
۳۴۸	۲۴	« نظرشیرین
۲۲۵	۳۸	« نظرنوری
۸۱	۱۹	« نفس
۳۷۷	۱	« نه‌آن
۲۸۱	۱	« یدالله
۱۵۲	۲۴	« یکی‌دریا
۴۳۹	۳۲	« یکی‌را
۹۴	۳	کاوزاول‌دم

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۳	۴۱	کاوهٔ‌حداد
۱۴۱	۱۷	کاه‌باشدکه
۳۶۶	۱۱	« برگی‌پیش
۱۱۴	۲۰	« برگی‌مینماید
۲۷۳	۴	کاهلان‌امرود
۱۶۰	۱۳	« وسایه
۱۶۰	۱۲	کاهلم‌چون
۱۶۰	۱۲	« من
۴۲۴	۳۴	کاهلی‌راکرده
۴۰۳	۷	کای‌اخي‌بس
۱۵۰	۳۳	« اسیران‌را
۱۵۰	۳۳	« اسیران‌سو
۳۳۹	۹	« امیرازتو
۳۱۲	۱۹	« امیران
۱۱۵	۱۵	« امیرصید
۷۵	۳۱	« بسوزیده
۱۲۶	۴۳	« پدر
۱۴۴	۱	« خداافغان
۱۷۵	۲	« خدااین
۴۰۵	۳۰	« خداتان
۸۵	۲۰	« خداتو
۱۷۶	۲۵	« خداخصم
۱۴۹	۷	« خدارسوا
۳۳۲	۳۵	« خدازین
۳۲۰	۲۲	« خداکار
۴۰۲	۸	« خداگر
۳۵۵	۳	« خداوند
۴۶	۳	« خدایا
۱۹۰	۲۹	« خروس
۱۴۰	۳۵	« خسان
۴۲	۳۳	« خلاصه
۴۴۶	۳۷	« خلیفه‌ارض
۲۵۶	۳۶	« دریغاآن
۳۰۸	۱۱	« دریغ‌آن
۳۵۷	۱۵	« رخت‌تابان
۱۲۲	۳۲	« رسول‌حق
۱۲۹	۲۱	« رهاننده
۲۴۳	۲۷	« زبحرو
۱۰۶	۳۹	« سجودم
۲۷۵	۳۰	« سخنگوی
۴۴۴	۴۱	« سلیمان‌حکم
۲۱۲	۶	« سلیمان‌معدا
۱۱۲	۳۳	« شریف‌من
۱۵۵	۲۳	« شه‌صاحب
۲۹۱	۱۵	کایعجب‌پیش
۲۴۶	۹	« چونم
۵۸	۵	« لطف
۲۷	۲۵	« نهی
۴۳۵	۴۸	کای‌عقاب
۱۵۲	۱۶	« عوانان
۳۳۰	۲۸	« غلام‌بسته
۳۰۷	۹	« غلام‌خاص
۳۰۶	۳۱	« فرشته
۳۸۶	۲۸	« کریمی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۰	۳۸	کای‌کلیم‌الله
۳	۲۴	« کمینه
۶	۱۵	« لطیف
۶۵	۳	« محب‌عفو
۱۲۴	۲	« مسلمانان‌که
۳۱۰	۸	« ملایك
۳۸۳	۱۱	کاین‌اباحت
۲۷۷	۲۱	« اگرنه
۳۵۸	۶	« ایازتو
۲۲۲	۳۱	« بجهدتو
۲۲۰	۳۰	« بخواندانه
۲۲۷	۲۶	« بوداندیشه
۷۴	۱۱	« بیك‌لفظی
۲۸۰	۲	« تانی
۲۹۷	۹	« تحرك
۲۸۱	۱۸	« تراسود
۲۰۹	۳۳	« تفکر
۳۴۶	۲۰	« جزا
۱۲۸	۶	« جوال‌گند
۲۱۰	۳۳	« جهان‌جیفه
۱۳۹	۴	« جهان‌چاهی
۴۰۸	۲۴	« جهان‌خور
۲۱۶	۱۴	« چراغی‌را
۱۶۹	۷	« چگونه
۲۳۱	۱۷	« چنین‌آتش
۲۳۱	۱۱	« چنین‌بانگ
۱۲۳	۲۰	« چنین‌پیران
۲۵۴	۲۷	« چنین‌دارو
۳۸۳	۴۱	کاینچنین‌زنرا
۱۸۰	۳	« فعلی
۲۸۱	۳۱	« کردم
۲۷۷	۱۴	« کس
۳۰	۲۸	« مردی
۱۳	۳۹	کاین‌چه‌بدبختی
۳۴۷	۳۹	« چه‌بیباکیست
۱۶۷	۱	« چه‌شاید
۶۶	۳۴	« چه‌شکر
۵۰	۱۲	« چه‌غلست
۲۶۳	۳۰	« حروف
۲۱۶	۹	« حسام‌و
۱۲۸	۳۶	« حقیقت
۳۲۴	۳۲	« حیات‌اورا
۱۲۳	۳	« خبیثان
۳۹۱	۴	« خردها
۳۷۹	۳	« درشت‌و
۳۱۱	۳۲	« دودایه
۴۴۵	۴	« زلال
۲۲۶	۳۴	« زمان
۲۵۳	۱۳	« زمینرا
۱۹	۳۸	« سبب
۳۹۸	۳۵	« ستاره
۲۰۵	۱۶	« سخن‌پست
۲۰۹	۶	« سخن‌را
۲۴۱	۱	« سفرزین

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴	۸	کاین‌سه‌را
۶۰	۲۲	« سیم‌جانب
۳۲۵	۱۸	« شدست
۴۱۸	۱۲	« شقایق
۷۱	۱۹	« ضیاما
۳۰۸	۲۰	« طلب‌در
۱۶۰	۱	« طلب‌کار
۱۴۶	۲۸	« طلسم
۹۱	۱۸	« عدو
۴۴۴	۴۲	« علی‌الار
۳۹۴	۳۲	« غرضها
۱۳۲	۸	« فقیر
۲۶۰	۱۹	« قران
۳۹۳	۱۰	« قضا
۴۰	۱۶	« کدو
۱۴۸	۳۴	« گواه‌صدق
۱۳۹	۳	« محالست
۵۷	۵	« مدمغ
۲۳۳	۲	« مریدان
۱۰۱	۷	« مگرقصد
۱۱۰	۱۴	« مگرقصد
۴۵	۱۵	« منی‌از
۶۷	۱۲	« نمازم
۲۳۶	۴	« نه‌برجایه
۳۶۷	۲۵	« ولی‌الله
۲۷۳	۱۷	« همه‌اعجاز
۴۴۲	۱	« همه‌شمع
۴۶	۲۴	« همه‌فقر
۱۶۲	۲۲	« همه‌کردیم
۲۳۶	۱۰	« هوابر
		ك-(ب-ج-ح-خ-ذ)
۳۱۱	۳۲	کبرزان
۴۷	۳۶	« زشت‌و
۶۴	۲۸	« وکفران
۱۳۶	۴	کبك‌ایشان
۲۳۰	۵	« جنگی
۲۳۸	۳۴	کجرواست
۲۷۰	۷	کحل‌دیده
۱۸۵	۲۵	کخکخی‌و
۳۹۰	۲۶	کذب‌چون
		ك-ر
۳۴	۳۲	کراصلی
۱۷۸	۴۳	کرامل‌رادان
۳۰۰	۳۰	کربخندند
۶۷	۳	کربرون‌آمد
۷۴	۲۸	کردآگه
۴۱۸	۳۲	« آنحمال
۴۲۲	۲۱	« آنخافان
۱۹۱	۳۵	« اجابت‌زن
۴۴۷	۱۷	« ازصنع
۸۵	۲۹	« اشارت‌با
۳۸۹	۳۹	« اشارت‌دلقك
۳۴۸	۷	« اشارت‌شه
۳۶۲	۳۳	« اشارت‌عایشه

صفحه	سطر	اول بیت
٤٠٩	٤١	کرد اشارت کش
٤٣١	١	« اقامت
٢٨٣	١٨	« الحاحش
٤٢٩	١٤	« او موجودت
٣٤٧	١٥	« ایثار
٣٤٦	٣٨	« باأویك
٣٥	١٢	« بازرگان
١٠	٣	« باوی شاه
٨٩	٢٥	« بیچاره
٣٠٢	٧	« خاموش
٤٣٠	١٢	« خدمت خواج
٣١	٢	« خدمت مر
٧١	٤	« درانگشت
١٥١	٥	« دلداری
٦٦	٣٣	کرد رآمد
١٠	٤	کرد رسوایش
٤٣٧	٢٠	« روآنگاه
٤٤٢	٨	« رودر
٤٠٨	٢٦	« زاربها
١٨٢	٣٠	« شان آنجا
٢٦٣	٣	« شه شمشیر
٣٣٧	٣٠	« شیخ اسلام
٤٣٥	٢٤	« صید
٤٤٥	٩	« عزم آن
١٣٤	٢٩	« عزم باز
١٥١	٣٤	« عمران
٤	١٢	« عیسی
٢١٢	٣٤	« فضل
٤٠٧	٣٠	« کار خویش
٢٥٨	٤١	« مجنون را
٣٤٥	٨	« مردی
٣٤١	٥	« مهمانخانه
٢١٧	٢١	کردمی از زخم
٢٣٦	٢٣	کردمی من
٣٠٢	٦	کرد نادیده
١١٨	٩	« نقاشی
١٠٩	٣٣	« نیکو
٤٣	٢٨	« وترک
٢٢	٨	« وصف
١٩٤	٥	« ویران تا
٨	٢٨	« ویران خانه
١٤٦	١٠	کرده آهنگر
٤٢٩	٤	کرده اعراض
٤٤٣	٢٥	« افعال
٣١٧	١١	« ام آنها
٥٩	٢١	« ام بخت
٤٢٩	٦	« ام من
٢٢٢	٣٢	کرده او کرده تسه
٢٦٣	٢٩	« او کرده شاه
٣١٤	١٢	کرده ایم آنها
٨٦	١١	« باچشمت
٢٨٢	٣	« بدظن
٨٦	٣٦	کرده بر دیگران
٢٤	٢٩	« تأویل

صفحه	سطر	اول بیت
٤٣٢	٣	کرده ترك
٤١٢	٢١	« تماحی
٦٤	٢٧	« حق
٢٨٦	٣	« ذوق
١٨٨	١٠	کرده رو بوش
٤٣٨	١٢	کرده سجاده
٢٢	٨	« مکرو
٤٤٣	١٦	« ضایع
٣٨٧	٣٠	« منزل
١٣١	١٦	کرده می راتو
٤٣١	٢٦	کرده هر دو
٤١٢	١٤	کرده یوسف
٤٢٣	١٢	کردی ای نفس
٣٥٦	٧	کردیك داماد
٣٠٢	٢٦	کرسی از یك
٦٩	٢٦	کرشد این
٣٤٩	٣٨	کرکسان مست
٤٣٣	٤٥	کرکست کو
٤٢٨	٣٥	کرکش حمال
٤٣٣	١٨	کرم الله وجهه
٤٢٨	٣٧	کرم پیله
٩٨	٢٥	کرم در بیخ
٢٨٤	١	کرم سرگین
١٥٣	٣٩	کرمکست این
١١٤	٢٩	کرم کاندر
٢٥٦	٢٤	کرم کرمی
٢٢٠	٣٢	کرم کوزاده است
٢٦١	١٥	کرمکی کاندر
٣١٠	١٣	کرمکی و از قذر
١٤٩	١٩	کرو فر و آب
١٧٨	٣٣	کرهمی گوید که
٥١	٢٥	کره ناقه بسوی
٥١	٢٨	کره ناقه چه
		ك (ز-ژ)
٩٠	٣١	کز اگر گفتن
٢٩٩	٢٨	« برای تو
٥	٥	« برای حق
١٢٢	٣٠	« برای عز
٦٩	٣٠	« برای من بیو
٢٢٤	٣٤	« برای من بد
٣٠٧	٤	« برون فرمان
٣٠٣	١٧	« پس آینه
١٦	٢٦	« پس این
١٧٨	١٠	« پی مرضات
٣٦١	١	« تناقضهای
١٦٠	٣	« جوار طالبان
١٤٤	٣٧	« جهان زنده
١١٩	٢٩	« چنان روئی
٢٧٠	١٤	« چه در رو
٣٠٣	٣٣	« حجاب و
٢٨٧	١٦	« حسدوز
٢٢٠	٢٠	« خلاف
٣٦٦	٢٣	« ذنب
١٨٠	٢٨	« رمهٔ پیلان

صفحه	سطر	اول بیت
٣٤٤	٢٤	کز زلیخای
١٤٦	٦	« سفرها بنده
٢٠٥	١٥	« شعاع
١٧١	١٨	« شقاوت
٢٦	٣	« شکسته
٣٤١	٣٥	« ضرورت بود
١١٥	١٥	« ضرورت دم
٤٢١	٢٣	« ضرورت هس
٨٧	٢٢	« ضرورت هس
٣٣٨	٢١	« ضجر
٤٨	١٩	« طمع عیش
٣٤٤	٣٧	« عمل زائید
٤٦	٣١	« عناو
٣٧٣	١٤	« غزای
٢٨٩	٧	« فضولی
٢٣	٨	« فلك
٢٢٢	٤	« قیاس خود
١٤٠	٢١	« کباب پیل
٢٣٠	٢٤	« کجا آوردمت
٤١٦	٢٤	« کجا امیدوارم
٤٣٩	٣٢	« کجا کی آمدی
٣٧	٢٦	« کرشمهٔ
٤٤١	٣٨	« کمان و تیر
٩٧	٢٧	« کمی خشت
٣٤١	١٦	« محبت با
٢	١	« نیستان
١٧٢	٢	« همه نومید
٣٧٢	٤	« یمین است
١٢١	١٣	کز دم از گندم
٣٣٢	١٤	کز روی جف
٢٧٠	١٦	کز شود یالان
٥٢	٦	کز مخوان ای
٣٦٦	٢٥	کز منه ای
٣٠٧	٢٠	کز مینديش
٩٢	٣٣	کز نگویم آن
١٧٥	٢٥	کز نهم تا
		ك-س
٤٤٦	١٢	کس از آن
٢٢	١٠	کسب جز
٣٣١	١٥	کس بدین حجت
١١٩	٧	کسب دین عشقه
١٧٥	١٤	کسب راهمچون
٥	٢٥	کس بزیر
٣٢٠	٢١	کسب شکرش
١١٩	٨	« فانی
٩٠	٣٠	« کردن
٢٢	٣٥	« کن
٣١٧	٣٩	کس چه میداند
٣٦٥	٢٢	کس در اینجا
٢٩٧	٣٦	« زکوه و
٣٣٥	٧	« نبودش
٥١	٢٧	« نتانست
١٥٦	١٥	« نتاند بیش
٣٣٤	٢٣	« نخواند بعد

صفحه	سطر	اول بیت
٥	٢٠	کس ندارد گوش
٤٣٢	١٩	« ندارم
١١٥	١٠	« نداند از
٣٢٤	٢٣	« نداند روسه
٣٥٩	١٩	« نداند مکر
٤٢٩	٢٤	« ندانست و
٤٢٩	٤٠	« ندانسته
٢٦٤	٣	« نسازد
٣٢٩	٣٠	« نگوید سنگ
٢١٨	٢	« نمی جنبد
٢٢٠	١٥	« نمی داند که
٥١	٢١	« نیابد بر دل
٦٨	٤٠	« نیابد بر دل
		ك-ش
٣٢١	٣٨	کشتی سازی
١٢٦	٥	کشت ایشان را
١٧٥	٦	« گاوم
١٧٥	١١	کشتم آنرا تا
٩١	٢٤	کشتم او را
٧	٧	کشتن آنمرد
٤٢٨	٢٩	« او نیست
٣٠	٧	« این کار
١٩٣	١١	« این نار
٤١١	١٧	کشتنش به
٩٥	٢٦	کشت نو کارند
١٧	١	کشتن و مردن
٣٣٨	٣١	کشتنی اندر
٢٦٨	٥	کشت و باغ
٤٤٦	١١	کشتها را گشت
٣٧٥	٢٣	کشته از ذوق
١٠١	١٢	کشته بر جست
١٤٧	٣٢	« خر کره
٢٥٣	٧	کشتهٔ ذریت
٤٢٤	٢٢	کشته شد در
١٧٧	٧	« شد ظالم
٢٥٣	٧	کشتهٔ و خو نشان
١٩٨	١٠	کشته و مرده
٢٠٦	٣٣	کشتی بی لنگر
٢٧٠	١	« نوحیم
١٧٧	٢٣	کشف این
١٨٧	٤٠	کشکشانش
		ك-(ظ-ع-ف)
٢١٧	٣٥	کظم غیظ است
٦٧	٦	« اینست
٣٨٠	٣٣	کعبهٔ جبریل
٣٠٤	١٣	« درویش
٢٣٤	١٦	« راکش
١١٣	٣٢	کعبه را یکبار
٦٧	٢٢	« نادیده
١١٣	٣٠	« هر چندی
٢٩٥	٣٦	کف بحس
٩٤	٣٠	« بر آورد
١٥٨	٣٤	کفر از روی
٣٨٣	١٦	« ایمان

صفحه	سطر	اول بیت
١٦٧	٢٥	کفر باشد نزد
١٠٦	٣١	« تو دینست
١٥٨	٣٤	« جهل است
١٢٩	٤١	« راحد است
٣٣٦	٢٤	« صرف
٢٦٨	٢٩	« قشر خاك
٤٢٠	١٢	« که کبریت
٤٩	١٩	« گفتم نك
٥٠	١١	« وایمان عاشق
١٢٩	٤٢	« وایمان نیست
٢٦٨	٢٩	« وایمان هر دو
٣١٦	١٣	« وظلم
١٠٢	٣٥	« وفرعونی
٤١	١٤	« هم نسبت
٣٠٤	٢٠	کفشگر هم
١٧٤	٢٨	کفك تصدیقش
٥٨	١٨	کف کرکر
١٥٤	٣١	کفك می انداخت
٣١٤	٣٣	کف گندم
٢١٩	٩	کفو باید هر دو
٢٩٥	٣٦	کف همی بینی
٤٠٠	٣٠	« همی مالید
		ك-ل
٣٦٤	٧	کل آت آت
١٦٣	٢٨	کل اصباح
٢١٨	١١	« باداز
٤٤٠	٨	کلبتین بر
٢٧٩	٢٠	کل توئی و
٤٢٩	٥	« حزب
٢٨٦	٣٩	« خود را خوار
٢٩١	٣٧	« زگل
٥	٧	کلشی قال
٧٥	٣٥	« ماخلا
٦١	١٦	« هالك
٤٤١	٢٨	« یرجع
٥٨	٦	کل عالم را
٢٦٨	١٦	کل عالم صورت
٤١٧	١٥	کلکم راع بداند
٢٠٣	٣٧	« نبی
٣٨٨	٤	کل لیل
٣٥٧	١٧	کلماهم اوقدوا
٨٦	٢٦	کله اش بر
٣٢٣	١٤	کله خرگوی
٣٨٨	٤	کل یوم فی
٦١	٢٩	« یوم هو
		ك-م
٤٩	٣٤	کم بودشان
٤٤٥	٣٠	کمتر و کوچکتر
٢٩١	٣	کمترین آکلانه
٩٦	٣٧	« جغد
٢٧٣	١٨	« حکمت
٢٣٢	٣٤	« خلعت
٢٥٨	٣٦	« خوشان
٢٥٠	٢٤	« زان

صفحه	سطر	اول بیت
۹۲	۳۹	کمترین عیبش
۴۰۷	۱	« غیبی
۳۲۴	۲۲	« فرعون
۶۱	۳۰	« کارش
۳۷۶	۳۱	« لعبت
۳۰۸	۳۰	کم خوری خوي
۲۱۳	۲	« زآب
۲۱۳	۳	« زیادی نی
۲۱۳	۴	« زچوبی
۷۹	۱۷	« زخاکی
۲۹۱	۱۴	« زعصفوری
۲۱۳	۴	« زکوه
۲۱۳	۳	« زناری
۱۸۱	۱۰	« فضولی
۲۸۶	۲	« کسی بر
۱۶۱	۸	« کسی داند
۹	۲۰	« کش ایشان
۱۸۳	۱۴	« کن ای پروانه
۳۸۵	۲۶	« گریز از
۲۶	۱۱	« نخواهد گشت
۲۲۳	۳۳	« نشین بر
۱۲۹	۳۶	« نگردد فضل
۱۱۴	۱۵	« نمود اورا
۱۱۴	۱۷	« نمودن بس
۱۱۴	۱۶	« نمودن مر
۱۶۰	۲۹	« نمیکرداز
۲۷۰	۱۵	« همی افتي
ك ـ ن		
۸۵	۹	کنت کنزاً رحمة
۲۶۴	۲۰	« گفت
۱۶۳	۲۳	کن تمام
۴۳۲	۲۸	« توکل
۸۸	۲۵	کنج زندان
۲۶۲	۱۷	کندبینش
۳۸۱	۲۳	« شدهم او
۴۴۵	۳۲	کندن از کان
۲۳۶	۳۸	کندن گوری
۱۰۹	۳	کندهٔ تن
۳۲۱	۴۵	« رالوطئی
۱۶	۲۰	کنگره ویران
۱۲۷	۲۱	کنگ زفنی
۴۳۳	۱۹	کن مرا تحقیق
۳۱۴	۲۹	کن میان
۴۲۹	۲۲	که ذات
ك ـ و		
۳۷۵	۶	کوادب از
۳۶۷	۱۴	کواسیر الله
۳۲۹	۱۱	« اشداء
۱۳۱	۲۲	« اگرزهری
۲۰۹	۳۶	« باشکسته
۶۳	۱	« ببندسرو
۲۲۶	۱۰	« ببخشدهم
۳۳۳	۳۶	« بترسدگر
۱۳۱	۲۳	« بدل گشت

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۱	۳۴	کو برآرد
۳۱۲	۲۲	« بقذف زشت
۸۹	۲۱	« بکواورا
۲۲۰	۲۹	« بکف سرگین
۱۸۳	۱۹	« بگوید کاین
۳۸۶	۲۵	« بلی گو
۳۶۸	۴	« بنزدمن نیرز
۳۶۸	۵	« بنزدمن همي
۱۶۰	۲۱	« بهر وعظی
۶۵	۱۵	« تحدث
۳۴۸	۱۶	« تهاون کرد
۴۲۱	۳	کوچکین رنجور
۴۴۶	۲۳	کوچکینش
۱۰	۹	کوچه آمیزد
۹۹	۲۹	کوحمیت تا
۱۲۶	۱۸	« خلیلی کو
۲۲۸	۲۸	« خیالی میکند
۳۲۸	۲۱	« دراین دو
۲۳۳	۲۵	« درون خویش
۸۹	۲۴	کودغاومفلس
۳۱۲	۱۸	کودفینه دارد
۸۵	۳۱	کودك ازغم
۴۰۸	۴۲	« امرد
۱۶۲	۲۱	کودکان آنجا
۱۷۸	۲۶	« افسانها
۳۳۶	۳	« ترسان
۱۴۵	۲۷	« چون
۳۲۹	۱۰	« خانه
۱۹۵	۳۵	« خرددر
۳۳۰	۳۵	« خردرا
۲۰۵	۱۹	« خردفهم
۱۹۷	۱۶	« خندان
۱۴۲	۱	« خواجه
۴۲۲	۹	کودك اندر
۳۱۳	۳۴	کودکان راحر
۲۳۴	۱۴	« راحر
۲۱۱	۱۶	« رامیر
۱۱۹	۵	« سازند
۲۰۷	۲۵	« کاسهٔ
۲۴۸	۶	« گرچه
۱۶۲	۳۱	« گفتند
۱۶۱	۱۹	« مکتبي
۴۳۱	۱۷	کودکانم مرده
۴۳۲	۱۸	کودکان واهل
۳۵۹	۵	« هرچند
۳۴	۳۰	کودك اول
۴۱۴	۴	« حلوائی
۱۸۹	۱۸	« دوماهه
۳۸۵	۴۱	« دیوانه
۴۴۵	۳	« واطفال
۲۴۱	۲۷	کودکی ازحسن
۴۰۹	۲	« بیمارم
۸۵	۲۵	« حلوا
۱۲۶	۴۳	« درپیش
۲۰۳	۸	« کو

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۵	۲۰	کودکی گرید
۱۷۴	۳۳	کوراز خلقان
۲۲۱	۱۵	« اگراز بند
۴۱۲	۳۴	« بارهبر
۳۷۰	۱۷	« براشکم
۲۲۴	۲۰	« چون شد
۱۱۵	۲۷	« دل با
۱۷۸	۳۵	« دیدو
۱۷۰	۳۳	« راهرهیز
۲۲۱	۱۷	« راخود
۹۰	۲۳	« راقسمت
۱۶۵	۱۳	« راهر
۱۷۰	۳۵	« ظاهر
۱۱۵	۱۴	« عاجز
۱۷۸	۳۲	« گفت اینك
۲۳۳	۱	« گفتش
۱۴۲	۱۲	« لرزان و
۴۳۴	۹	« مادرزاد
۱۷۴	۳۵	کورم ازغیر
۱۳۵	۳۶	کورمرغانیم
۱۱۵	۱۱	کورنشناسد که
۱۱۵	۱۹	« نشناسدنه
۱۲۸	۱۶	کورها کرد
۳۸۳	۱۰	کوره پیغمبرو
۴۲۴	۱۳	کورهٔ اورست
۴۲	۳	کوری ایشان
۱۷۰	۳۴	« باطن
۲۵۳	۸	« تو
۱۸۰	۱۴	« خودرا
۱۷۴	۳۴	« عشق
۲۴۳	۱۴	« کوران
۱۲۹	۱۷	« وشلی
۱۸۷	۱۹	کوزآتش
۱۱	۱۸	کوزآدم
۲۵۰	۲۶	کوزشب مظلم
۳۷۵	۱۹	کوزبنده کو
۱۴۸	۲۴	کوزهاسازی
۳۶۲	۱۳	کوزهٔ این تن
۵۵	۹	« باپنج
۳	۱۲	کوزه بودش
۲	۱۵	کوزهٔ چشم
۳۱۱	۲۶	« چوبین
۲۲	۳۲	« سربسته
۲۴۴	۳۳	« کواز
۴۰۱	۱۷	کوزه گربا
۱۶۵	۱۲	« گرگو
۳۳۴	۲۹	« می بینی
۲۴۲	۵	کوزهٔ نو
۲۵۲	۶	کوسوی دریا
۴۰۸	۴۱	کوسه رابد
۴۱۱	۲۰	کوسلیمانی که
۴۳۰	۱۴	کوشش ازمن
۲۸۲	۵	کوششش را
۱۴۴	۶	کوشش من

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۶	۳۴	کوشنیده بود
۱۸۸	۲۳	« غلام ما
۱۸۸	۲۶	« غلام من
۱۹۱	۱۳	« غنی است
۲۰۲	۲۱	کوفت اندر
۱۱۲	۲۹	« صوفی
۳۶۵	۱۳	کوقدوم و
۴۲۸	۸	کوکب سیار
۱۲۳	۲۱	کوکرم کو
۶۰	۹	« کسی که
۳۵۶	۱۵	« که باشد
۷۱	۱۱	« که مدح
۸۵	۹	« گرسنه خفته
۳۸۹	۱۰	« گشاده
۱۷۸	۳	« مبدل گشت
۲۰۶	۳۴	« مددهای
۱۳۱	۴۳	« مرااز
۲۹۱	۸	« نبی وقت
۹۰	۲	کون پرچاره
۲۸۷	۱۸	کونتیجهٔ زحمت
۳۶۵	۳۲	« نداتاخود
۸۴	۱۰	« نداندنقص
۳۹۰	۲	« ندیده بود
۳۲۰	۲۷	« نشاط
۲۴۴	۱	« نشان پاك
۲۴۳	۳۸	« « شکر
۲۴۳	۴۲	« « عشق
۲۲۶	۱۵	« نظرگاه
۲۴۱	۲۵	کون میگوید
۱۳۱	۴۲	کوه اگر پر
۲۰۶	۹	« باداود
۳۸۶	۱۶	« باوحشت
۱۸۲	۱۰	« برخود
۲۷۵	۳۳	« برفی میزند
۲۷۵	۳۴	« «
۲۷۵	۳۳	« برکه
۳۷۲	۳۱	« بودآدم
۴۲۲	۲۵	« بهردفع
۳۱۱	۳	« بیچاره
۲۷۱	۲۰	« درسوراخ
۳۶۴	۳۷	« راغرقه
۲۷۱	۲۰	« راکه کس
۴۲۱	۱۶	« راگفتار
۱۰۴	۷	« راگویم
۲۰	۱۴	« طوراز
۱۳۸	۸	« طوراندر
۳۹۷	۲۳	« قاف
۴۲۱	۳۱	« گردد
۱۸۰	۲۳	کوهما کوشه
۴۰۱	۷	کوهمانجا که امید
۴۰۱	۷	« که بوق
۴۰۱	۶	« که دل
۴۰۱	۶	« که صفا
۷۴	۱۱	کوهم وهستی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۸۲	۳۲	کوهمی بیند
۳۰۵	۱	« ترساندت
۳۸۶	۲۳	کوهنرکو
۴۴۵	۴۸	کوه ودریاو
۲۲۵	۱۵	« ودریاها
۳۸۳	۲۲	« وکنعان را
۱۶۰	۲۲	« ومرغان
۱۷۷	۵	کوهها باتو
۳۸۲	۴۰	« ببرید
۹۵	۱۸	« بینی
۳۵۰	۱	« چون
۳۲۴	۲۰	« راهست
۱۳۸	۳۰	« وبحر
۱۵۳	۱۶	« هم لحن
۳۱۱	۴	کوه هم داند
۳۸	۱۸	« یحیی را
۳۴	۱	کویکی مرغی
۱۷	۱۰	کوی نومیدی
ك ـ ه		
۳۷۲	۱۲	که اثرها بر
۶۹	۵	« ازآن سو
۳۰۳	۱	« ازآنها
۲۱۷	۲۴	« ازاو اندر
۲۳۱	۲۶	« ازوفرزند
۲۷۰	۸	« ازین شاگرد
۴۳۳	۶	« ازین شاهنشه
۲۰۵	۱۹	« اساطیر است
۱۶۷	۳۸	« اشمر دبرگ
۳۰۴	۲۱	« اصول دخل
۲۹۵	۱۸	« اضل اعمالهم
۳۴۱	۱۸	« اعذنی
۳۸۸	۳۶	« اکابررا
۲۰۱	۱۳	« اگر بیرون
۲۰۹	۳۱	« اگرحق است
۲۱۴	۲۵	« اگرحق است
۳۴۴	۱	« اگرندهد
۲۹۶	۲۱	« الم نشرح
۳۰۶	۶	« امانم ده
۱۴۸	۶	« بیراین رابط
۳۷۷	۲۹	« بیراین راقبا
۱۶۵	۴	« بیرم دست
۱۰۰	۱۳	« بیوئی دل
۳۲۰	۵	« بینم رزق
۳۵۸	۱۴	« پرس آن
۲۹	۲۱	« پرورداصل
۲۰۳	۳	« بتاسانید
۳۶۸	۳۵	« بجویم اشپش
۱۲۳	۱۳	« بحق این کلام
۳۰۷	۱	« بحق ذات
۱۴۳	۳۸	« بخود اینست
۳۲۷	۲۲	« بخور توهم
۳۳۳	۱۴	« بخوردندت
۳۹۴	۴	« بدانم سگ
۳۹۲	۳۵	که بدست آرند

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶۲	۵	که بدعوی الهی
۳۴۱	۶	« بدم یار
۴۳	۲۱	« بدوایوب
۳۸۱	۱۳	« بدین سان
۳۰۶	۲۷	« برابر مینهد
۲۳۸	۲۳	« برآیم برسر
۴۰۱	۱۶	« بردحقد
۱۴۲	۱۹	« بروآنجا
۲۸۷	۱۵	« بروازیه
۲۳۱	۲۷	« بروای پیر
۲۵۷	۱۰	« بروکتاب
۱۴۳	۳۴	« بروماخود
۱۵۰	۲۷	« برون آرند
۲۹۵	۳۰	« برویدآن
۴۴۴	۱۴	« بصورت
۴۴	۵	« بظن تقلید
۴۱۰	۲	« بعمرخود
۷۳	۲۸	« بفرمایا
۳۶۶	۲۶	« بقدرجرم
۴۴۸	۱۰	« بقول دشمن
۱۱۳	۱۶	« بکاری بر
۳۳۰	۲۷	« بگفتم که
۱۳۰	۲۷	« بگفتی چند
۲۶۵	۶	« بگواین
۲۳۱	۲۱	« بگویدگر
۳۳۸	۸	« بگیراینك
۲۱۷	۳۰	« بلای دوست
۲۸۷	۹	« بلغزدکوه
۱۲۵	۱	« بلی منهم
۳۸۴	۳۳	« بمردیم اغلب
۱۴۸	۱۰	« بنشناسم
۲۵۳	۳۵	« بودافتاده
۱۶۵	۵	« بودشان
۳۳۴	۱۶	« بوقت زندگی
۵۸	۲	« بوی ده این
۱۳۱	۴۱	« به ازمن
۱۰۱	۱۰	« به بندم ای
۱۷۶	۱۶	« به بینیدم
۶۹	۸	« بهشتی که
۱۱۶	۱۲	« بیاآخر
۳۵۳	۲۴	« بیائیدازجهت
۲۲۷	۳۸	« بیائیدای عزیز
۲۳۹	۷	« بیاتاما
۱۸۰	۳۲	« بیارابم
۲۰۲	۱۳	« بیارم من
۳۸۲	۱۴	« بیاسوی
۳۶۱	۱۱	« بیامن باش
۱۴۱	۲۰	« بیامهمان
۲۸۰	۳۱	« بیاورمطهره
۳۰۶	۵	« بیزدان لطیف
۴۰	۱	« پری وآدمی
۱۹۳	۲۰	« تأنی هست
۲۶۵	۱۵	« تجافی آرد
۲۴۹	۲۷	« ترا ازتو

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۰	۱	که ترا ازعین
۳۷۴	۳۱	« ترازوی حق
۱۹۹	۲۲	« ترامیجوید
۲۴۰	۱۱	« تعلق
۴۴۴	۱۳	« تمام آن
۷۵	۲۹	« توپاکی
۲۲۲	۲۹	« توراگفتیم
۴۰۵	۲۲	« توراگوید که
۱۷۴	۲۲	« توروزی شه
۱۴۶	۲۳	« توروی یار
۸۵	۷	« توزان دور
۹۲	۲۷	« توزاهل
۳۰۶	۳۳	« توزوری
۲۲۰	۶	« توشش سله
۴۲۰	۲۹	« توصاحب
۲۶۰	۱۷	« تومیری هر
۲۰۴	۸	« چراآتش
۲۵۳	۱۷	« چرااین اطا
۳۳۰	۳۴	« چرابرمن
۳۰	۱۴	« چراپیغام
۳۶۶	۲	« چراتویاد
۳۵۳	۱۸	« چراجزمن
۳۷۴	۱۱	« چراقبله
۲۶۴	۱۵	« چراکشتی
۴۲۴	۹	« چرامن تابع
۴۲۰	۱۲	« چرامن سجد
۳۴۳	۲۲	« چرامی نفکند
۳۶۶	۳۸	« چرامی یاد
۲۵۹	۲۴	« چگونه گفت
۲۵۸	۱۳	« چنین تتماج
۴۱۱	۱۳	« چودر کشتی
۲۵۵	۲۵	« چوزشتی لا
۳۹۱	۱۰	« چوماوراورا
۳۳۵	۳۲	« چه باشدگر
۴۰۲	۲۲	« چه تقصیر آمد
۲۶۸	۲۷	« چه جای مژد
۲۳۷	۳۲	« چه جنسی
۱۷۵	۳۳	« چه چندین
۳۲۷	۳۹	« چه خواهم خ
۳۲۸	۲	« «
۲۷۴	۱۹	« چه غم بود
۳۵۴	۳۷	« چه گویندم
۲۲۶	۳۹	« چهل منزل
۱۰۷	۱۰	« چه مقصود
۳۸۳	۱	« چه میخواهی
۳۴۴	۵	« چه میخواهی
۲۳۴	۱۵	« چه میکردم
۱۶۰	۱۷	« چه میگوید
۳۸۴	۲	« چه نسبت
۲۵۶	۲۱	« حجاب گنج
۴۰۲	۴	« حرم باهر
۲۴۶	۲۹	« حسن باشد
۱۳۶	۱۴	« حملناهم
۲۰۲	۲۵	« خدا آن

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۷	۲۱	که خدا اسباب
۲۲۷	۱۵	« خداشیرین
۲۰۲	۲۵	« خنوسش
۳۷۲	۳۰	« خوریداین
۳۶۲	۲۸	« درافکندم
۱۳۴	۳۴	« درختی هست
۱۳۲	۸	« درین کشتی
۱۶۴	۶	« دعائی همنی
۱۱۴	۲۶	« دگرگون
۲۹۳	۲۲	« دل آوردم
۲۸۰	۳۵	« دلش میگفت
۳۹۰	۵	« دل شه
۲۷۱	۳۷	« دوصد
۱۰۵۵	۳۶	« دومرداورا
۵۱	۳	کهربادارند
۲۰۹	۲	« عاشق
۲۴۲	۷	« هم هست
۵۱	۳	کهربای خویش
۴۳	۱۳	« فکر
۱۰۴	۲۰	« مسخ
۴۲۲	۱۹	که رسم یا
۲۸۰	۱۱	« رعیت دین
۲۶۹	۱۶	« رویدآنجا
۱۲۰	۹	« رهداز مکر
۲۲۲	۱۴	« زآواز
۱۸۲	۳۱	« زاشک
۳۳۰	۱	« زالهام و
۲۰۶	۳۲	« زجواندر
۳۳۲	۱۶	« زدست من
۴۳۵	۲۶	« زدش بر بر
۲۰۸	۹	« زدل
۳۸۹	۳۵	« زده دلقك
۳۷۱	۳۹	« زسایه
۷۵	۳	« زضد
۳۴۲	۳۳	« زطاقاطاق
۳۴۲	۳۳	« زفشانش
۲۰۵	۱۴	« زقرآن
۱۲	۲۰	« زکشتن
۳۴۰	۲۰	« زلطف یار
۱۶۷	۹	« زمصحف
۴۲۸	۳۳	« زموج
۱۵۰	۱۸	« زموی و
۱۴۸	۳	« زمین را
۳۲۴	۳۷	« زمین وآسما
۲۱۹	۲۰	« زهر ناشسته
۲۶۱	۱۰	« زیزدان
۲۷۳	۲۷	« سبها
۲۶۹	۲۴	« سری کم ک
۸۸	۳۹	« سلام ما
۱۸۷	۳۶	« سیاهی بر
۳۸۸	۲۳	« شفای جملهٔ
۲۱۰	۳۵	« شمابروانه
۲۹۷	۲۷	« شماچون
۲۹۹	۹	« شمایاریدبا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۹	۱۴	که شناسا
۲۵۵	۳۰	« صدامی
۹۳	۲۹	« صفات خواج
۲۵۷	۱۸	« صفربگذشت
۲۳۸	۱۷	« صواب اینه
۳۴۰	۱۳	« طعم لاغر
۲۶۲	۳۷	« عبادت مر
۲۷۵	۲۴	« عجایب
۲۸۳	۱	« عرض اظهار
۲۸۷	۲۵	« عقیم است
۳۲۰	۳۶	« علاماتست
۴۰۱	۳۶	« عمادالملك
۳۹۹	۳۸	« عمررانان
۱۷۶	۱۳	« عیال خواجه
۱۵۳	۲۲	« غرض تسبیح
۲۰۰	۲۵	« غریبی
۴۴۵	۵	« غنی گردم
۱۴۸	۳۸	کهف اندر
۳۸۲	۱	که فتوت
۴۳۵	۴۱	« فرستی تیر
۳۲۳	۳۲	« فلانجا حوض
۲۹۸	۱	« فلانجا شاهد
۳۹۱	۳۱	« فلانی
۲۵۸	۱۲	« کجابودست
۴۳۹	۲۳	« کجابودند
۲۳۷	۱	« کجغائب
۳۹۴	۴	« کدامین خا
۳۹۰	۸	« کسی خواهم
۲۶۸	۲۵	« کسی مان
۳۲۹	۳	« کسی ناخواه
۲۸۷	۴	« کعبهٔ این
۲۰۹	۳۸	« کندخود
۲۵۸	۲۳	« کنم بارای
۲۲۹	۲۱	« که باشد
۲۰۲	۱	« گرایشان
۳۱۳	۲۹	« گروهی بر
۱۸۷	۴۰	« گروهی را
۱۸۵	۲	« لئیمان در
۴۴۰	۷	کهل را از
۴۴۴	۳۴	که لعین
۸۷	۱۶	« لوانزلنا
۳۱۰	۲۶	« مبادا کباین
۳۶۸	۲۷	« مرا ازبندگی
۱۴۷	۳۷	« مرا ازخوی
۲۲۵	۲۷	« مرا ازغیب
۴۴۲	۳۴	« مرا اندیشه
۲۶۶	۳۸	« مرا این علم
۳۸۲	۲۶	« مرا بروای
۲۵۳	۹	« مرا بینی
۳۸۹	۸	« مراخود
۱۰۴	۴۱	« مرادتو
۲۶۳	۲۶	« مرادت هست
۱۳۱	۱۳	« مرارنجی
۱۲۲	۲۶	« مراروزی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۱	۱۱	که مرا صد آرزو
۱۵	۲۳	« مراعیسی
۲۲	۱۹	« مرافرمود
۴۱۴	۳۲	« مراکاریه
۳۹۶	۱۱	« مراوراگرگ
۳۴۳	۶	« مراهرروز
۴۴۱	۴۸	« مرایك
۲۰۷	۶	« مروزانسو
۳۴۵	۱۲	« مشوغره
۲۳۵	۳۳	« مضاعف زو
۳۸۰	۱۸	« معانی آن
۲۸۰	۱۳	« مقیم خانه
۱۷۲	۳۴	« مگر بازوی
۱۶۴	۴۰	« مگر سالوس
۱۱۷	۲	« مگر نوعی
۲۷۴	۶	« من آنجا
۱۷۹	۴۰	« من اینرا
۴۲۴	۱۲	« منجم گفت
۳۳۴	۲۰	« منم آن اصل
۱۳۱	۴	« منم برحال
۳۱۲	۲۱	« منم کباین
۲۳۶	۲۳	« منه این
۲۴۱	۹	« موافق هست
۳۳۳	۲۹	« مهان ما
۳۲۱	۱۱	« نبایدخورد
۳۵۸	۲۵	« نخواهدشد
۴۴۲	۲۸	« نخواهدماند
۲۶۱	۳۱	« نسوزیدست
۴۴۲	۵	« نشان زین
۲۲۶	۱۴	« نظرگاه
۲۳۶	۱۱	« نفرساید
۲۶۳	۲۲	« نقاب حرف
۳۳۳	۳	« نگرددسنت
۲۵۷	۲۲	« نگرددصاف
۳۹۷	۲۷	« نگنجیدم در
۵۵	۲۲	« نگهدارآب
۱۴۳	۲۰	« نمی باید
۲۳۱	۷	« نمی ماند
۲۹۸	۹	کهها نشانند
۱۴۱	۱۹	که نه چربش
۳۰۸	۲۹	که نه حبس
۲۶۹	۳۲	کهنه دوزان
۴۲۲	۳۳	که نه من هم
۲۹۲	۱۳	کهنه و پوسیده
۲۵۵	۴	که نهم بر ریش
۷۳	۴۰	« نیم کوهم
۴۰۴	۱۵	« وفای دام
۲۵۶	۲۶	« هزاران خانه
۲۷۲	۱۲	« هلا بشتاب
۲۲۱	۱۴	« هلا بیش
۲۰۷	۸	« هلافردا
۱۷۹	۲۵	« هلا نعمت
۱۷۹	۱۰	« همی دانم
۴۱	۲۱	« همینی در

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۳	۳۶	که یقین دیدم
۹۲	۴۲	« یکی راده
۲۴۶	۳۷	« یکی رقعه
		ك ـ ی
۲۵۱	۲۱	کی از اینجا
۱۵	۱۵	« اسیر
۲۵۴	۱۱	« ببینم من
۲۵	۱۷	« ببینی سبز
۷۴	۲۱	« بدیدندی
۲۸۱	۱۰	« بدی معمور
۴۱۳	۳۵	« بجد
۱۰۳	۱۱	« برابر دارد
۱۰۴	۲۴	« بروید سبزه
۳۳۳	۳۱	« بری زان
۳۷۶	۳۲	« بگنجد در
۱۰۴	۲۷	« بگوید لکلک
۲۴۳	۱۰	« بمانم مرده
۴۹	۳	« بود آواز
۲۰۱	۶	« بود اورا
۲۱۹	۷	« بود این
۲۹۳	۲	« بود بوبکر
۴۳۹	۲۰	« بود چون
۳۴۶	۱۵	« بود طاعت
۳۸۱	۹	« بود کان
۱۱۷	۲۴	« بود که حلم
۱۹۵	۳۲	« بود ماهیت
۴۳۶	۱۷	« بود نمرود
۲۱۹	۸	« بود همرنگ
۸۰	۲۲	« به بینم روی
۱۰۴	۲۶	« بیاید بلبل
۱۱۱	۱۷	« پر دمرغی
۱۳۰	۵	« پسندد
۲۵۴	۲۶	« تحدث
۶۴	۱۶	« تراشد
۲۲۹	۲۰	« توان اندود
۲۹۷	۳۰	« توان اورا
۱۸۸	۳۶	« توان باشیعه
۴۳۸	۱۱	« توان حق
۱۸۳	۳۴	« تواند آسمان
۴۸۴	۳	« تواند ساخت
۲۴۵	۲	« توان وشیه
۳۴۲	۳۴	« توانی کرد
۳۴۴	۱۵	« جمادی
۳۵۴	۱۷	« چشم درویش
۱۰۴	۲۵	« چناری
۲۴۸	۱۸	« چنین گوید
۹۱	۳۱	« حجاب
۳۸۵	۲۳	« دروغی
۹۴	۱۴	« درین عالم
۴۰۲	۱۹	« دهند زندانی
۳۰۳	۳	کردیدی
۱۹۵	۱۳	کرسانند آن
۱۸۱	۱۸	کرسدتن
۱۸۶	۱۰	کی رسد جاسوس
۲۲۱	۳۳	کی رسد مر بنده
۲۲۱	۲۷	« رسد همچون
۳۱۶	۵	« رسد این
۳۲۳	۳۴	« رسید اورا
۴۰۶	۸	« رمد از نی
۱۹۲	۲۰	« روا باشد که
۳۷۵	۳۲	« روا باشد که
۱۱۷	۲۲	« زسنگی
۴۳۶	۳۰	کیست آن التون
۴۳۹	۷	« آن التون
۱۱۲	۲۶	« آنصوفی
۲۱۲	۱۰	« آنظالم
۲۰۹	۷	« آن کت
۱۴۳	۳۶	« آن یوسف
۲۰۱	۳۲	« ابدال
۷۱	۲۴	کی ستاره
۳۲۶	۱	کیست اینجا
۸۳	۲۴	« بیگانه
۱۳۲	۴	« دلدار
۱۳۰	۱	« کافر
۴۰۶	۷	« کر
۱۸۲	۱۲	« کو نشنید
۱۸۲	۱۳	« کو نشنید
۱۳	۴	« ماهی
۴۱۹	۲۵	« مولا
۲۸۲	۱۲	کیسهای زر
۷۲	۲۱	کی سیه گردد
۱۰۴	۲۵	« شکوفه
۱۱۵	۲۵	« شناسد کور
۳۲۷	۴	« شناسی
۳۸۶	۱۰	« شود این
۶۱	۲۷	« شود باریك
۲۵۳	۱۵	« شود بستان
۲۴۲	۲۰	« شود پژمرده
۶۴	۸	« شود چون
۴۳۶	۸	« شود خود
۳۸۳	۱۸	« شود در باز
۹۵	۲۵	« شود دل خو
۳۷۴	۳۴	« شود راضی
۳۴۹	۳	« شود کشف
۲۵۳	۱۴	« شود گلزار
۳۰۸	۴	« شود محجوب
۲۷۱	۱۹	« طفیل
۲۵۵	۶	« فرستادی
۱۰۴	۲۶	« فرزد
۱۱	۱۵	کیف مدالظل
۳۱۰	۳۸	« باتی
۱۴۵	۹	« بغفل
۱۶۸	۳۲	کقبادی
۴۳۹	۱۹	کی قراسکیان
۱۰۱	۲۴	« کران گیرد
۲۱۹	۳۰	« کم از ره
۲۱۲	۳۵	« کار اندر
۳۴۱	۳۵	« کند آن
۴۴۷	۲۰	کی کند سودت
۴۱۳	۳۷	« کنم من
۸۲	۱۲	« گذارد آنکه
۳۸۱	۱۴	« گذارد حافظ
۳۹۷	۳۶	« گذارد گنج
۲۷۰	۴	« گذارد موعظ
۱۰۴	۲۴	« گلستان
۱۵۱	۱۰	« گمان بردی
۳۰۶	۵	کیل ارزاق
۲۷۲	۱۳	کیمیائی بود
۲۲۵	۳۵	« که
۳۹۸	۲	کیمیاداری دوای
۹۰	۹	کیمیاداری که
۱۳	۱۲	« ساواست
۲۶۵	۱۰	« سازان
۱۵۹	۳۵	کیمیای حال
۸۱	۲۴	« زهر
۲۴۳	۱	« فضل
۱۷۹	۳۵	« مرگ و
۱۲۸	۲	« مس
۴۱۶	۲	« نو
۵۴	۷	کین تعلق
۵۵	۱۷	« چنین اندر
۴۲۹	۳۸	« درختی
۱۳۰	۲۱	« روا باشد
۳۶۵	۱۱	کی نظارهٔ
۲۵۵	۵	« نکو کردی
۵۵	۲	کین گواهی
۱۰۴	۲۷	کی نماید کودکان
۱۷۳	۳۶	کی نماید کودکان
۸۳	۲۹	کین مدار آنها
۱۳۵	۱۹	کینهای کهنه
		حرف گ
		گ ـ ا
۳۱۸	۱۷	گازری بود
۹۱	۳۴	« گر
۱۴۵	۱۶	گام آهو
۴۲۲	۲۲	« اندازیم
۱۰۶	۲۷	« پای
۱۴۵	۲۹	« در صحرا
۱۴۲	۱۱	« زانسان
۲۲۹	۲۴	گامهای تند
۳۹۵	۱۹	گاو آبی
۳۸۰	۶	« آوردش
۱۹۹	۳۵	« اگر خسبد
۲۳۷	۱۳	« اگر واقف
۲۹۴	۷	« باشی
۳۸۵	۱۱	« بشتابد
۲۹۴	۱۳	« تن
۳۳۱	۳۳	« چون
۴۳۳	۴۰	« خراسی
۲۰۳	۳۴	« در غداد
۱۱۱	۱۱	« راالله
۱۸	۱۲	گاو ارنگ
۱۱۰	۲۹	« زین بانگ
۳۷۹	۱۷	« طبعی
۱۹۱	۹	« قربانی
۱۳	۲۳	« کبود
۱۰۱	۱۴	« کشتن
۱۷۵	۳۳	« کشته
۶۰	۳۸	« کوهی
۳۳۱	۳۲	« گریوغی
۱۶۰	۳۴	« گستاخ
۳۸۹	۶	« گفتا
۱۹۹	۳۶	« موسی بود
۱۹۹	۳۵	« موسی دان
۱۷۵	۳	« میخواهند
۱۱۰	۲۷	« میشاید
۱۰۱	۱۵	« نفس
۹۵	۳۸	« وخر را فایده
۴۳۰	۳۱	« وخر را نیز
۲۹۲	۳۲	گاه آهو
۴۵	۲۲	« بانگ
۳۸۰	۷	« بدظن
۱۰۶	۲۹	« برخاکی
۴۱۲	۳۰	« برکه
۴۱۰	۱۷	« پهنش
۲۴۶	۲۲	« جنگش
۶۶	۱۱	« جیمش
۱۰۶	۲۸	« چون موجی
۴۳۷	۴	« حرث و
۱۰۶	۲۹	« حیران
۲۵۵	۲۷	« حیوانی
۷۹	۲۷	« خورشید
۳۶۶	۱۹	« درسعد
۸۷	۲۹	« دست افشان
۲۱۸	۵	« دمرا
۲۵۵	۲۸	« دیده
۴۱۰	۱۷	« ریزد
۲۴۴	۳۶	« سرخ
۲۳۱	۳۴	« طفلم
۳۱۴	۲۲	« علم
۲۱۴	۵	« فریادش
۲۱۴	۴	« گفتی
۲۵۵	۲۶	« میدیدی
۸۰	۳	« نقش خویش
۱۵	۶	« نقش دیو
۴۴۳	۴۰	« وبی که
۲۱۴	۴	« هستی
		گ ـ ب
۷۷	۱۹	گبر این
۲۰۲	۴	« ترسان
۴۲۹	۵	« در آب
۲۳۷	۱۲	« دیدی
۲۸۰	۱۶	« راز
۴۲۹	۳	« رانزدیك
۳۳۰	۱۶	« گوید
۳۴۲	۲۰	گبر میخائید
۳۴۸	۲۴	گبر میگوید
		گ ـ ر
۳۷۲	۷	گر اثر بر
۶۶	۲۲	« از آن معنی
۳۹۱	۱۳	« از این انبار
۲۵۹	۳۳	« از این دولت
۲۸۹	۲	« از این زوتر
۲۶۹	۲۶	« از این سایه
۲۶۹	۲۰	« امین آئید
۱۴	۲۴	« امینم متهم
۱۷	۷	« اناری
۳۷۳	۸	« انیس
۳۹۲	۳۰	« بار دشب
۲۲۵	۱۷	« باری گوهر
۳۱۴	۱۳	« ببخشی جرم
۳۱۴	۱۳	« ببخشی یافت
۲۶۳	۱۸	« بر داو
۲۷	۱۱	« ببطلان
۱۳۸	۲۵	« بیندد ره
۴۰۶	۱۷	« بینمی بر
۸۶	۱۸	« بیند نور
۱۶۵	۹	« بینی خواب
۱۶۳	۹	« بینی میل
۲۶۷	۲۷	« بینی یك
۱۵	۷	« بیرانیم
۳۶۸	۲۳	« بپرسد عقل
۳۱۶	۱۲	« بپرسی گبر
۸۹	۳۲	« بپوشد بهر
۱۲۷	۲۹	« بپوشی تو
۲۲۱	۱۱	« بپوشیمش
۴۲۰	۳۵	« بپوشی ور
۵۴	۱۷	« بپشت امتحان
۵۴	۲۱	« بپیوندی
۳۱۱	۱۱	« بتازی
۱۷۲	۲۲	« بترسیدی
۵۸	۲۰	« بت زرین
۲۲۰	۷	« بتون انباز
۵۱	۲۹	« بجا آید
۳۲	۲۶	« بجهل
۲۹۷	۱۸	« بخسبی
۳۲	۲۸	« بخشم و
۴۱۸	۸	« بخلوت
۱۶۵	۸	« بخواب اندر
۷۰	۱۰	« بخواهد برعد
۷۰	۵	« بخواهد رفت
۷۰	۶	« بخواهد سو
۷۰	۶	« «
۳۸۵	۱۷	« بخواهد عین
۷۰	۱۰	« بخواهد کچه
۱۵۹	۳۵	« بخواهد مرگ
۴۶	۲۷	« بخواهم از
۳۰۱	۱۸	« بخواهی تو
۲۴۳	۱۱	« بخواهی ور

صفحه	سطر	اول بیت
٤٤٠	١٤	گر بخود نائیم
٣٨٦	٣٨	« بخویشم هیچ
٣٩٦	٣٦	« بدادی تشنه
٩٤	١٥	« بدامی افکنم
٢٩٢	٢	« بدانحالت
٨٦	٣٢	« بدانقسمت
٨٧	١٠	« بدانستی
١٤٨	٢١	« بدانسو
١٠٥	٢٩	« بدانم
٤٤٧	١٣	« بدانی از
٣٧٣	٢٣	« بدانی رحم
٣٤٨	٢٧	« بدانی سر
٢٨٨	٩	« بدانی که
١٥٦	٦	« بدزدیدش
٢٢٦	٢٩	« بدزدی وز
٣٤٧	٢	« بدش سستی
٨٧	١١	« بدل در
٢٩	١	« بدندانش
٤٣٧	١٦	بدی از عقل ا
٤٤٥	٢٩	بدی از عقل
٢٣٦	٣٨	بدی این فهم
١٠٣	٢٤	« بدی با
٢٨٩	١	« بدی بدتا تو
٣٩٧	٣٠	« بدی پرده
١٧٧	٢٨	« بدی جان
٧	١٦	« بدی خون
٩٤	٢٣	« بدیدآن
٣٣٧	١	« بدیدی برف
٨٠	٦	« بدیدی حس
٣٨٦	٤	« بدیدی ز آینه
٢٣٩	٣٤	« بدیدی سر
٩١	١٦	« بدیدی کار
١٨٦	١٥	« بدیدی مطله
٣٧١	٤	« بدیدی یك
٢٨٩	٣٣	« بدی صبر
٢٨٧	١١	« بدی غیر
٤١٤	٢٦	« برآرم حاجة
٢٧٦	١٣	« برآری از
٤٣	٢	« برآن آتش
١٢٧	١٨	« برآیدتا
٨٥	٣٤	« براستا
٣٨٢	١٢	« برانی مرغ
٣٤٧	٣١	« برداسبش
٤٠٢	٥	« برداین
٨١	٩	« بردمالت
٩٥	٢٦	« برویدور
٤٣٧	٩	« بره بکدره
٤٦	١٣	« بریزدبرگها
١٩٩	٣٢	« بریزدخونم آ
١٩٨	٣٧	« بریزدخونمن
٢	١٤	« بریزی بحر
٢٢٩	٢١	« بریزی خاک
٣١٤	١٢	« بریزی خون
٣٣٥	٢٢	« بریش وخایه

صفحه	سطر	اول بیت
٢٠١	٣٩	گر بزد مراسب
٤٤٠	١٧	« بسال عمر
١٦٧	١٧	« بسوزد باغت
١٢٠	١٦	« بسوی استخ
٤٠٢	١٤	« بشب جوید
٢٣	١٨	« بصورت آدم
٩٥	٧	« بصورت بنگ
٢٢٤	٣٤	« بصورت من
٢٥٠	٢٥	« بصورت وا
٤٢٣	٣٤	« بطبع این
٢٨٢	٢	« بطراری
٢٠٥	٣٨	« بظاهر
٣٦٣	٤	« بفرد
٢٤٨	٣٦	« بفرماید بگو
٢٢٥	٢٥	« بفرمایند
٢٦٩	١٢	« بفضلش
٢٣	٢٦	« بکاوی کوشه
٢٥٣	٥	« بکشتم من
٢٧٤	٣	« بگریدور
٢٢٠	٢٤	« بگفت آرید
١٣٤	١٦	« بگوئی احوا
١٨٧	٢	« بگوئی تا
١٩٥	٣٥	« بگوئی چون
٢٢٩	٢	« بگوید چشم
٢٠٣	٢	« بگوید دشمن
١٥٧	٢٣	« بگوید زان
٥٨	١٧	« بگوید فقه
٣٢٥	١٢	« بگوید کیمیا
١٣٥	٢٣	« بگویم آنچه ا
٢٦٠	٨	« بگویم آنچه دا
٢٣٠	١٦	« بگویم آنسبب
٢٢٨	٤١	« بگویم از جما
١٩٦	٢٩	« بگویم از فرا
١٦٢	٢٠	« بگویم او خیال
١٣٨	٢٤	« بگویم این بیا
٢٧٧	٢٣	« بگویم تا قیام
٥٩	٣٩	« بگویم تا قیام
٢٣١	٣٦	گر بگویم چیز
٤٣٤	٢٤	« شرح آ
٢٠٨	٣٧	« شرح ای
١٧٩	٢٢	« شرح نعـ
٤٠	٤	« شمهٔ
٢١٣	١٧	« فوت
٣٦٧	٢٣	« قیمت
٤٤٥	٣٣	« که
١٦٢	١٨	« متهم
١٣٣	١٩	« نیمشب
١٠٥	٩	« یك
٣٣٢	٣	گر بگویند آنچه
٣٣٢	١	« بگویند آنچ
٢١٩	٢٦	« بگویند این
٤٨	٢٤	« بگیرم مار
١٧٩	٣٩	« بگیری گوه
١٨٩	٣٨	« بلاآید

صفحه	سطر	اول بیت
٢٤٠	١٩	گر بلا در خورد
٣٣٦	١٨	« بمال وملك
٤١٦	٣٤	« بمصر اندر
٣٦١	١٣	« بمظر وفش
٣٢	١٠	« بمعنی رفت
٤٤٢	٢١	« بمقصده
٢٩٥	٧	« بمیر داستخو
٢٢٣	٢٨	« بمیر داین
٩٢	٣٦	« بمیر دنور
٣٠٠	٢	« بمیری زنگ
١٠٤	١٥	« بنالیدی
١٩١	٢	« بناهنگام
١٤٤	١٣	« بود آن سود
٣٩٧	١٥	« بود اعداد
٤٣	٢١	« بود این چرخ
١٧	٥	« بود چو بین
٣٩٩	١	« بود داد
٨٢	[illegible]	« بود در راه
٦٩	١٢	« بود رنگی
٢٨٩	٢١	« بود صبار
٢٨٢	٣٢	« بود صیاد
٢٥٠	٨	« بود عاقل
٢٥٣	٣٧	« بود فردوس
٢٨١	٢٣	« بود کوهی چو
٤٣٧	٢٥	« بود کوهی ز
٢٥٤	١١	« بود مشك
٢٩٦	١١	« بود نیکو
٤٣٠	١٣	« بوم من
١٤٩	١٣	گر به آمد
٤٣٦	٣٨	« از ضربش
٢٥٩	١٧	گر بهامان
١٨٥	١٦	گر به باشد
٤٣٧	٤٢	« بالای درخت
٧	٢٤	« برجست
٣٩٦	١١	« پیش
٢٤٧	٢٩	« چه شیر
١٩٢	٢٩	« خاری
٣٦٦	١٢	« در انبانم
١٤٥	٣٥	« در ره نیست
٣٦١	١٣	« در سوراخ
٣٦١	١٣	گر به دیگر
٤٣٧	٣٢	گر به را گفت
٣٤٣	٢٩	گر بهر خونریزئی
٤٣٧	٢	گر به روبادیه
١٣٠	١٥	گر بهشت اندر
٢٠١	٢١	گر به کرده جنگ
٤٣٧	١٣	« کواز
٤٣٦	٤٤	« گفتای
٤٣٧	٤٥	« گفتش دست
٤٣٧	٧	« گفتش نه
٢٠١	٢٢	« مرگست و
٢٠١	١١	« می بند
٣٨١	١٥	« بابان بر
١٥٣	٣٨	« بابد آلت

صفحه	سطر	اول بیت
٤٣٨	٢٢	گر بیارم شرح
٢٦١	٢٦	« بیاری من
١٩٩	٣٠	« بیاماسد مرا
٣٣٠	٣٧	« بیامد باد
١٩٠	٥	« بیاموزم
٦٦	٢٥	« بیاموزی
٥٣	١٦	« بیان معنوی
٤٢٤	٣٩	« بیان نطق
٢٩٨	٧	« بیابد باز سلطا
٢٢٢	٤	« بیابد ذره
٣٧٥	٨	« پدرزد
٢٣٦	١٨	« پدید آید
١٢٦	١٠	« پذیرد چیز
٢٩٣	٢٦	« پذیرند آن
٢٠٣	٢١	« پذیری پند
٤٤٦	٢٨	« پرید از
١٩٥	١٧	« پشیمانی
٣٥٢	١٧	« پلیدان
٣٧٠	٢٠	« پلیدم
٣٥٢	١٦	« پلیدی
٣٥	٢٤	گرت برهان
١٢٦	١١	گر تحمل کرد
٣٠٨	١٩	« ترا آنجا
٥٠	٢٢	« ترا آید بر
١٩٢	٣١	« ترا آید ز
٢٤	٧	« ترا اشکال
١١٥	٩	« ترا باز است
١٨٦	٣٥	« ترا باید
٤٣٦	٢٠	« ترا بحثیست
١٢٠	٢٧	« ترا بیدار
١٣١	٣٢	« ترا تا زانو
٤٤٥	٤٧	« ترا تحقیق
٣٨٣	٢٧	« ترا چشم
٩١	٣٥	« ترا حق
١٣٦	١٢	« ترا دایه
١٠٨	١٠	« ترا ز اصلست
٨٨	١٣	« ترا ز ورا
٢٩٩	٥	« ترا ز و نبود
٣٢٧	٣٢	« ترا صبری
٤٢	٢٨	« ترا عقلیست ج
٢٦٠	٣٠	« ترا عقلیست ک
٢٦	٢٧	« ترا فندی
١٠٨	٢٢	« ترا من گفتمی
١٠٨	٢٩	« ترا من گفتمی
١٣١	٢٤	« ترا وسواس
٤٤٣	٤٣	« ترا هست
٣٤١	١٣	« ترش روئی
٣٣	٢	« ترش رو بود
١٩٧	١٥	« ترش رو سه
٤٤١	٤٧	« تکلف نیستی
٢٥٥	١٥	« تن خاکی
٢٤١	٢٧	« تن سیمین
٣٠٨	٢١	« تن من
٢٢٩	١٠	« تو آدم

صفحه	سطر	اول بیت
١٤٧	١٨	گر تو آن خدمت
٧٥	١٢	« تو آنرا
٢٨٧	٥	« تو احوال
٣٢٣	٨	« تو انی بار
٣٥٩	١٦	« تو انی در رو
٥١	٢٦	« تو انیدش
٨٥	١٢	« تو انی شکر
٢١٨	١٧	« تو اور امی
٤٠٣	١٤	« تو اول بنگر
١٥٦	٣٠	« تو اهل و
٤٤٣	٣٠	« تو ئی زنده
٣٥	٥	« تو این انبان
٢٥٣	٣١	« تو باشی تنگد
١٠٠	١١	« تو باشی راسـ
١٢٤	٣٣	« تو بر تمیز
٤٢	١٤	« تو بگشائی
٣١٩	٢٦	« تو بنشینی
٨٧	١٧	« تو بی تقلید
١٩٣	١١	« تو بی نوری
٦٣	٣١	« تو بینشان
٢٩٧	٣٧	« تو بیغام زنی
٢٨	٣٧	« تو بیلی
٣٤٨	٢٩	« تو ترك
١٨٤	٢٦	« تو جائی
١٥٤	٢٢	« تو چیزی و
٢٩	١١	« تو خواهی آ
١٧٧	٣٥	« تو خواهی ایه
١٨٠	٥	« تو خواهی ایـ
٢١٤	٣٣	« تو خواهی ا
١٨٦	٣٤	« تو خواهی ح
١١٨	٦	« تو خواهی ش
١٢٨	٧	« تو خواهی ک
٢١٧	١٢	« تو خواهی گ
٣٢٠	٤	« تو خواهی و
٣١٥	١٢	« تو خود را بشـ
٤١	١٩	« تو خود را یـ
٣٦٧	٢٦	« تو را صد قیـ
٢٩٧	١٩	« تو را نانی
١٧	٩	« تو سنگ
٤٣٨	٤	« تو صاحب ش
٤٣٤	١٥	« تو صاحب عقل
١٧٧	٣٦	« تو صاحب گا
١٦	١٥	« تو صد سبب
١٩٣	١٦	« تو صراف
٧٥	٢٧	« تو طعنه میزنـ
٥٧	٢٦	« تو علامه زمانـ
٢٩٥	١٦	« تو کردی شکـ
٢٢	٤	« تو کل میکنی
٢٧٠	٣	« تو کمانی
١٦٢	١٤	« تو کور و کر
٨٠	٩	« تو کوری
٣٧٦	٣٦	« تو گوئی از
٩٥	٣٢	« تو گوئی فائد
٢٦١	٢٥	« تو گوئی کا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۵	۶	گر تو ماری
۱۰۶	۴	« تو مرد بیرا
۲۰۹	۳۷	« تو مشك و
۳۲۰	۲۹	« تو میائی
۴۴۳	۱	« تو میخواهی
۳۳۶	۴۰	« تو میخواهی
۱۸۵	۷	« تو میخی
۴۴۰	۴۱	« تو میگوئی
۱۶۴	۳۵	« تو نام
۳۱۹	۳۸	« تو نشتابی
۲۴۲	۱۰	« تو نشناسی
۱۴۸	۳۹	« تو نقدی
۲۴۳	۳۶	« تو نیکو
۱۳۳	۱۹	« تو هستی آشنا
۵۶	۲	« تو هم میکند
۶۴	۲۵	« تو نبوع الهی
۲۰۴	۱۸	« جدا از
۱۱	۲۰	« جسد خانه
۲۶۳	۱۵	« جفا کردی
۳۲۸	۱۰	« جگر بودی
۳۳۶	۲۰	« جماع اینست
۱۳۸	۲۹	« جنین را کس
۷۲	۱۶	« جوابش
۳۷۹	۴	« جهادو
۲۸۳	۳۴	« جهان باغی
۱۳	۲۹	« جهان پر بر
۳۶۱	۴۲	« جهان پر شد
۳۶۱	۴۳	« جهان پر شد
۱۳	۱۸	« جهان پشت
۴۹	۶	« جهان را بر
۱۵۶	۷	« جهان فرعون
۳۱۵	۲۴	« چپی با
۱۱۹	۱	« چنان گشتی
۲۰۶	۲۱	« چنان گند آز
۱۷۴	۱۳	« چنین بودی گ
۱۷۴	۱۳	« چنین بودی ه
۲۱۱	۲۲	« چنین و گر
۲۲۵	۴	« چو پیله چشم
۲۲۵	۸	« چو شیری چ
۴۳۶	۳۲	« چو من صد
۲۴۵	۳۷	گرچه آتش
۳۸۶	۲۲	« آسانت
۱۶۰	۲	« آلت
۳۰۶	۴۵	« آلودست
۲۴۷	۲	« آمرزم
۵۲	۴۵	« آنجا آن
۳۷۲	۳۶	« آنصوفی
۱۹۹	۴	« آنعاشق
۳۸۴	۷	« آنمحسوس
۱۷۱	۹	« آنمدح
۲۸۳	۲۵	« آنمطعوم
۳۲۵	۳۱	« آنمعنیست
۲۱۲	۲۵	« آن وصلت
۲۸۸	۱۹	« آورد
۶۵	۷	گرچه آهن سرخ
۲۶۳	۲۴	« از خشم
۲۲۲	۲۰	« از لذات
۳۰	۱۹	« از میری
[illegible]	۲۳	« از یك وجه
۳۷۳	۲۴	« اندر برور
۲۳۶	۳۶	« اندر مکر
۶۶	۵	« او باشاخ
۳۵۵	۲۳	« او خود
۴۳۰	۲۰	« او داداست
۴۲۴	۲۰	« او فتراك
۴۴۰	۳۶	« او قطع
۲۶۳	۲۸	« او محو
۲۲	۳۴	« این جمله
۱۲۰	۱۹	« این دو
۴۳۶	۲۱	« این زخم
۲۳۰	۱۶	« این کلك
۶۸	۳۶	« ین صورت
۳۶۱	۴۴	« این مستی
۲۹۹	۱۹	« باباي تو
۳۲۱	۲	« باروباه
۲۹۸	۸	« باز آورد
۳۶۰	۳۵	« باشدبی
۴۲۲	۱۸	« باشدریش
۱۱۶	۲۶	« باشدوقت
۱۵۶	۲۱	« باشی خفته
۳۵۷	۱۹	« بر آتش
۲۲۷	۸	« بر ماریخت
۲۲۲	۳۲	« بر نایدبجهد
۲۲۲	۳۱	« بر نایدبجهد
۳۴۹	۳۳	« بشکستند
۱۶۶	۲۵	« بیرونند
۴۰۲	۳۰	« پر نقش
۳۱۴	۸	« پنهان بیخ
۲۳	۲۹	« پنهان خار
۱۶۴	۲	« پیدا نیست
۳۸۸	۳۷	« پیر انرا
۳۰۱	۲۱	« ترکیبش
۴	۳۱	« تفسیر
۳۴۷	۲۱	« تقلید
۸۹	۳۸	« توهستی
۵۹	۱۸	« جسمت
۵۹	۱۸	« جسم نازکت
۲۲	۳۶	« جمله
۲۴۲	۳۳	« چون دریا
۳۹	۱۱	« چون نشفش
۱۷۰	۳۳	« حافظ
۸۴	۱۵	« حکمت را
۶۵	۳۸	« خررا
۲۷۴	۱۸	« خفته
۴۴۰	۳۰	« خلخالش
۳۹۸	۱۸	« خواجه
۴۳۷	۴۰	« خواهی
۴۰۷	۱۶	« خوداندر
۶۴	۱۳	گرچه خود را بس
۲۱۷	۴	« خوی آن
۳۰۸	۸	« خویش از
۴۱۹	۲۵	« دانسته
۳۵۶	۵	« دانی وقت
۳۸	۳۱	« داني کوز
۳۷۹	۲۵	« در آب
۳۳۵	۳۴	« در ایمان
۳۵۰	۱۵	« در تأثیر
۱۳	۴	« در خشکی
۶۵	۴	« در خود خا
۶۳	۱۵	« در دانه
۴۱۷	۱۶	« در صورت
۹۰	۱	« در مان
۳۷۹	۲۵	« دریا
۲۳۲	۱۹	« دزداز
۸۹	۳۳	« دزدی جامهٔ
۱۳۳	۲۷	« دعوی
۱۹۸	۱۴	« دل چون
۱۳۰	۱۸	« دوری دور
۳۵۵	۲۹	« دوزخ
۷	۱	« دیوار
۲۹۷	۱۴	« رخنه
۴۴۳	۳۷	« رویش
۳۱۵	۳۸	« زاهد
۶۰	۳۴	« زایشان
۴۳۸	۳	« زخمت
۳۵۹	۲۹	« سایه
۳۷	۱۲	« سر بریا
۵۳	۱۵	« سر قصه
۸۵	۲	« سنگم هست
۱۸۴	۶	« سنگین دل
۹۴	۷	« شاخ
۱۰۹	۲۳	« شاهی خو
۵۳	۲۵	« شدمعنی
۲۸۰	۳۹	« شرمین بو
۵۵	۲۲	« شویم
۸۴	۳۰	« شه باتو
۴۱۷	۱۹	« شه عارف
۹۲	۲۶	« شه ناخوش
۳۲۶	۱۸	« صادق
۱۰۰	۲	« صدچون
۲۷۰	۲۹	« صدطاعت
۷۵	۲	« ظلمت آمد
۲۷۹	۸	« عاجز
۲۱۷	۳۷	« عالم را
۲۳۰	۳۴	« عفریت
۱۱۴	۳۱	« عقلت
۶۱	۱۶	« غالب
۳۳۷	۲۸	« فاضل
۱۳۴	۳۸	« فردست
۴۴۶	۴۵	« فی الظاهر
۱۹۳	۲۳	« قادر
۲۴۹	۲۷	« قرآن
۳۷۵	۲۲	گرچه کشت این
۶۰	۵	« کشتی
۲۲۶	۹	« گرددر
۱۹۴	۱۲	« گرمابه
۱۳۴	۱۰	« گفتی
۳۵۲	۱۸	« ماران
۴۲۲	۲۱	« مازین
۳۵۵	۲۹	« مؤمن
۲۲۶	۳۰	« مشغولم
۵۹	۱۹	« مصباح و
۱۸۵	۸	« مقصود از بث
۱۸۵	۶	« مقصود از کشا
۴۲۴	۲	« من تنگ
۳۲۱	۵	« می بینی چو
۲۱۳	۹	« میدانی بصفو
۱۳۱	۲۰	« میدانی که
۴۱۴	۲۶	« مبنالد بجان
۱۵۵	۵	« میوه
۸۴	۳۲	« ناخن
۳۰۵	۳	« ناصح را
۷۵	۱۱	« نان بشکست
۲۷۹	۹	« نتوان خورد
۶۸	۴۱	« نحوو
۳۴۸	۱۶	« نسیان
۲۱۰	۲۰	« نشنید
۳۱۴	۱۷	« نفس
۶۷	۲۶	« هاروتید
۸	۱۸	« هردوبر
۱۸۹	۲۸	« هرغیبی
۱۷۷	۲۹	« هرفرنی
۷۱	۷	« هست اظهار
۳۶۵	۲۴	« هست این دم
۲۹۰	۱۵	« همرنگ
۳۹	۳۶	« همنفهٔ
۷۹	۹	« یك موبد
۳۴	۱۵	گر حباب از
۳۴۹	۳۳	« حجابستت بر
۱۴۰	۳۰	« حدیثت
۳۲۱	۱۷	« حدیثش
۲۹۰	۳۵	« حشیش آب
۲۶۴	۲	« حکیمی
۳۳۷	۳۴	« حلال آید
۲۱۷	۵	« خبر آید
۱۷	۲۲	« خبرخواهی
۳	۱۵	« خدا خواهد
۳۵۰	۲	« خدادادی مر
۳۲۳	۹	« خدا روزی
۳۱۴	۲	« خداع
۱۱۶	۲۵	« خدایش برد
۳۲۷	۹	گر خر اول توبه
۳۲۲	۲۰	« خریر امیر
۳۱۸	۲۱	« خری یابی
۵۵	۷	« خزانه اش
۷	۱۴	« خضر در
۲۲۱	۷	گر خطائی آمد
۱۷۶	۲۵	« خطا کشتم
۹۰	۸	« خطا گفتیم
۱۰۶	۱۹	« خطا گوید
۱۱۱	۷	« خفاشی راز
۴۰۲	۲۴	« خفاشی رفت
۴۹	۸	« خمش گردی
۲۲۲	۳۵	« خورد این
۱۱۱	۳۸	« خورد سوگند
۴۳۷	۴۸	« خوری زخم
۱۴۰	۲۸	« خوری سوگ
۳۰۸	۲۹	« خوری کم
۳۶۴	۱۶	گرد آید مرد
۱۱۰	۲۲	« از دریا
۳۳۲	۳	« او گردان
۳۸۲	۱۵	« این بام
۱۱۹	۱۲	« برگشت
۱۰۰	۱۰	« پایهٔ حوض
۲۲۸	۱۹	« جو و گرد
۲۸۸	۱۳	« خان اورا
۳۷۵	۲۶	« خشم و
۱۳۱	۱۴	« خم خانهٔ
۳۳۲	۵	« خواجه
۳۵۸	۲۴	« خود برگرد
۲۸	۳۶	« خود چون
۳۸۰	۱۸	گردد آنکه
۷۷	۶	گردد ابلیس
۲۲۹	۱۵	گرد رآئیم
۳۲۶	۳۹	گرد رآبی نخل
۲۹۹	۳۴	« آتش رفت
۱۱۱	۲۸	« آمیزد بمن
۱۲۶	۱۰	« آمیزد تو
۱۱۱	۲۷	« آمیزد ز
۸۳	۳۴	« آمیزند
۷۹	۱۰	« آنحالت
۳۹	۱۲	« آید در
۴۰	۲۴	« افتد در
۲۹۷	۲۰	« انبان
۴۲	۱۹	گرد رخت خشکه
۱۲۰	۳۰	« من
۳۵۹	۱۷	گرد ری در
۱۵۵	۶	گرد رین مکتب
۷۰	۱۳	« ملکت
۱۸۱	۹	گرد سر گردان
۱۹۰	۱۲	گردش اورانه
۶۶	۱۰	« این باد
۶۶	۹	« این قالب
۲۰	۲	« چرخ
۳۴۲	۲۶	« چشمش
۳۳۵	۴	« سنگ
۳۶۶	۱۴	گردشش بر
۳۲۸	۲۷	گردش کف
۲۷۵	۱۵	گرد عالم
۷۷	۵	گرد فارس

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۱	۲۶	گردکان چندش
۳۶۱	۲۸	« ما
۴۴	۳۴	گردگورستان
۴۴۵	۱۴	گردل ما
۲۸۹	۳۸	« دلم خوی
۱۱۷	۲۱	« دل موسی
۲۹۷	۴	« دلی رو ناز
۳۲۱	۳۹	« دلبلت هست
۱۲۹	۳۵	« دلیلی گفت
۱۹۹	۷	گردم خلم و
۴۳۰	۳۸	گردمدبر روش
۳۴۲	۳۱	گرد مطبخ
۳۵۷	۲۷	« معقولات
۱۱۳	۱۴	« میگشتی که
۳۸۲	۱۳	گردمی منکر
۳۱۹	۳۲	گردنادر گشتن
۲۲۳	۳۳	گردن اسب
۲۱۶	۲	گردن این مثنوی
۳۷۷	۲	گردنت زین
۵۹	۲۷	گردن خر
۲۹۷	۲۴	گردنش بستند
۲۹	۲۸	گردنش بشکست
۹۵	۲۹	گردنفس دزد
۱۸۴	۱	گردوارا
۶۲	۱	گردو پاکر
۳۷۶	۱۶	« دوحرف صدق
۱۱۱	۵	« دو سه ابله
۱۱۱	۶	« دو سه احمق
۲۴	۹	« دو سه پرنده
۳۱۴	۲۹	« دوصد بارت
۳۶۱	۱۴	« دوعالم پر شود
۱۸۲	۱۶	« دوعالم پر بود
۴۴۶	۲۶	« دهدیری
۴۳۶	۴۶	« دهدچیزی
۱۴۱	۲۳	« دهدخود
۳۱۳	۱۸	« رسدجذبه
۲۹۷	۲۵	« رسول آنست
۴۴	۲۰	« رسولی چیست
۳۴۸	۱۸	« رسیدی مستثنی
۲۵۳	۲۳	« رضدادی
۳۱۲	۳۴	« رگ عشقی
۲۸۵	۱۷	« روابدناله
۴۰۴	۲۴	« روان من
۲۶۶	۷	گررودسوی
۴۱۳	۱۹	گررودصدسال
۲۳۷	۶	گرروی رو
۲۸۷	۳	گررهائی یابدت
۱۷۳	۱۳	گررهاندپای
۱۶۶	۹	گررهیداز
۳۰۹	۱۷	گرریاضت
۲۴۸	۲۹	گرزاسرار
۲۴۳	۳۸	گرزبانت مدح
۳۲	۴	گرزبان گوید
۳۶۳	۲۷	گرزبرخودزن

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۳	۲۸	گرزبرخودمیزنی
۳۵۴	۲۵	گرزبغداد
۳۲۸	۳۹	گرزبون شد
۳۶۱	۱۲	گرزبی سویت
۳۵	۳	« پشت آدمی
۳۳۵	۱۸	« پیری در
۲۹۳	۱۷	« توراضیست
۱۵۲	۲۷	« توگوید
۱۵	۱۴	« جبرش
۲۴۷	۳۶	« چشمم
۹۸	۱۰	« خسته
۲۱۱	۴	« خواجه
۴۸۵	۲	« خودوز
۵۷	۲۹	« دجله
۴۹	۱۳	« درویشی
۱۷۱	۳	« دریا
۳۱۵	۸	« دلق و
۳۶۴	۱۴	« رابگرفت
۲۲۵	۲۴	گرزروگر
۶۲	۳۰	گرزروی صورتش
۳۶۶	۳۲	« زخم خار
۸۹	۶	« زندانم
۳۲۹	۳۳	« سقف خانه
۱۴۶	۳۵	« شادی
۳۰۰	۱۶	« شوق حق
۱۹۷	۲۰	« شیردیو
۴۱۹	۴	« صندوقی
۱۴۶	۳۱	« صورت
۱۳۹	۳۸	« عزرائیل
۱۰۷	۴۱	« عیسی
۲۲۳	۲۳	« قرآن
۱۴۰	۶	« کهستانی
۳۷۵	۲۵	« گوری بر
۴۱۰	۵	« گوشش
۲۹۷	۱۳	گرزلیجا
۳۵۴	۲۶	گرزمغرب سر
۱۳۰	۲۳	« میآگاه
۴۳۵	۲۹	« من برتو
۲۶۳	۷	گرزمیزو
۶۸	۱۹	« نامو
۲۲۶	۳۱	گرزنای چشم
۱۳۰	۳۰	گرزنه آن دود
۲۰۳	۴۸	« زندبانگی
۱۹۵	۳	« زندبر خاک
۳۱۲	۲۴	« زنم صدتیغ
۶۵	۳۳	« زنی برنازنین
۳۶۶	۱۵	« زنی درشاخ
۱۴۰	۲	گرزهاوتیغها
۲۱۶	۶	گرزیادت میشود
۲۱۷	۳	گرزیان کردم
۱۰۲	۲۵	گرزیك تلخی
۹۵	۳۳	گرسؤالت را
۳۸۵	۲۹	« سبدخواهی
۱۷۹	۳	« ستانی پارهٔ

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۱	۳۲	گر ستودی
۱۳۵	۷	« سختنان
۳۴	۱۵	« سخن خواهی
۲۳۷	۹	« سخن کش
۸۷۰	۳	« سخن گوید
۲۶۲	۱۸	« سرش جنبد
۳۱۸	۶	« سر هر مو
۳۷۲	۳۳	« سعدی از
۱۱۳	۹	« سفر داری
۲۶	۴۰	« سگی گردیم
۳۶	۷	« سلیمانرا چنین
۴۲۱	۳۴	« سلیمان وار
۷۱	۶	« سمای نور
۴۱۱	۳۳	گر سنه بودی
۴۲۲	۲۶	« چون
۱۳۹	۱۳	« مانده
۵۸	۲۵	گرسیاهست
۳۱۶	۲۰	« سیه کردی
۳۳۱	۱	« شتربان
۲۲۱	۴	« شدم در راه
۲۰۵	۳	« شدیداندر
۳۵۳	۴	« شدی عطشان
۲۳۷	۱۲	« شدی محبوس
۴۴۰	۱۲	« شدی معدوم
۴۴۴	۹	« شدی مکشوف
۱۱۲	۴۱	« شریف و
۹۱	۲۷	« شکال آرد
۴۲۸	۲	« شماری حرف
۲۵۸	۲۷	گرش میخوانم
۳۳۶	۴۲	گرشنیدی
۳۸۵	۳۷	« شود بیشه
۹۱	۳۳	« شود بیمار
۶۶	۵	« شود پرشاخ
۶۰	۷	« شود پرنور
۱۴۴	۲۹	« شود ذرات
۲۲۴	۲۲	« شود صدتو
۴۲۲	۱۸	« شودصد ساله
۱۳۱	۱۷	« شود عالم
۱۱۱	۸	« شود قلبی
۳۹۳	۱۲	« شود مات
۴۳۵	۱۱	« شود منکر
۵۹	۱	« شوم مشغول
۴۳۵	۴۴	« شوی ماهی
۶۳	۳۲	« صدایت شنود
۸۷	۲	« ضریری
۲۹	۱	« ضعیفی
۷۲	۱۶	« طبیبت گوید
۳۸۲	۷	« طبیبی را رسد
۱۸۴	۲۹	« طبیبی گویدت
۳۰۷	۱۴	« طیانچه
۸۸	۱۳	« طمع در
۱۱۹	۲۴	« عتابی کرد
۳۹۹	۳۴	« عمرنامی
۲۳۳	۱۵	« عصاهای

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۰	۱۸	گر غذای نفس
۴۳۰	۴۴	« غراب من
۱۵۰	۲۹	« فتادندی
۱۲۷	۱۰	« فراموشت شد
۳۵۵	۱۵	« فراموشم شد
۳۳۳	۲۲	« فرو ماندی
۳۲۱	۳۸	« فسونی
۱۲۲	۳۸	« قدمرا
۴۳۰	۴۳	« قرین اوست
۲۹۴	۱	« قضا افکند
۲۷	۲۹	« قضا پوشد
۲۷	۳۰	« قضا صدبار
۴۴۳	۲۷	« قیاست از
۱۸۷	۱۸	« کریمی گویدت
۲۹۹	۹	« کسی را ره
۱۹۵	۳۴	« کسی گوید
۴۶	۳۰	« کسی مهمان
۱۶۹	۲۸	« کسی میگفتشان
۳۴۶	۳۰	« کشم کیه
۲۲۵	۳۰	« کشندت
۱۰۳	۳۷	« گرکف خاکی
۱۴	۲۵	« کمالم با
۸۴	۳۳	« کمر بجنبیم
۲۴۷	۳	« کم عقلی
۱۲۰	۱۸	« کنماوخدمت
۷۴	۳۳	« کند برفعل
۲۹۳	۱۴	« کندر داز
۱۰۴	۱	« کند سفلی
۴۳۹	۲۴	« کنی با ابلهی
۲۴۹	۳۷	« کنی تف
۴۳۶	۱۳	« کنی توضیح
۲۸۶	۲۸	« کنی زاری
۳۶۰	۱	گرگ اغلب
۳۷۳	۳۴	« اگر باتو
۳۱۷	۲۹	« بابره
۱۴۷	۲۶	« بروی
۱۱۰	۳۱	« بریوسف
۱۲۱	۵	« بیچاره
۶۱	۱۳	« خودچه
۲۸۱	۱۵	گرگدازی زین
۲۹۴	۱	« گدا گشتم
۱۵۱	۳	« گدایان
۴۳۵	۲۰	گرگ دران در
۴۲۴	۱۴	« درنده
۳۸۹	۲	« دریابد
۶۲	۱۴	« را بیکند
۱۵۳	۳۶	« را بیدار
۸۳	۵	« راخود
۱۵۲	۳۲	گرگران وگر
۱۶۰	۲۹	« وگر
۱۱۱	۲۶	گرگریزانی
۱۹۷	۷	گرگریزدکس
۸۸	۲۴	گرگریزی بر
۳۲	۴	گرگشایددل

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۸	۳۶	گرکشایم بحث
۱۰۰	۳۰	گرگ ظاهر کرد
۸۳	۳۲	گرگلابی بر سرو
۱۱۱	۸	« « را
۸۳	۳۲	« گلست اندیشه
۸۱	۲۳	« گلی گیرد بکف
۲۶۸	۱۱	گرگ میدیدند
۳۰۳	۳۴	« نادیده
۲۸۳	۵	گرگواه قول
۳۱۲	۳۳	گرگ و خرس
۶۱	۱	« وروبه
۸۰	۲۱	گر لطیفی
۱۲۵	۱۹	گرم باش
۳۷۷	۲۸	گرم پرسیدش
۴۴۳	۴	گرمتاع تو
۱۹۰	۳	گرمتر شد
۳۷۷	۲۵	« گشت او
۲۴۸	۲۸	گرمثل خواهی
۵۳	۱۶	« محبت فکرت
۲۱۱	۲۳	« محب حق
۹۱	۴	« محك داری
۶۵	۱۱	گرم دارانت
۶۲	۲۱	گرمرا اول
۳۱۷	۱۰	« مرا این بار
۳۰۷	۳۳	« مرا باران
۴۳۰	۱۵	« مرا بخت و
۳۰۷	۳۳	« مرا چشمه
۱۱۶	۳	« مرا خود
۳۶	۳۳	« مرادت در
۳۴۴	۶	« مرادت ملك
۱۱۶	۴	« مرا رأی
۸۶	۳۱	« مرا روزی
۳۰۷	۳۲	« مرا ساغر
۳۰۷	۳۴	« مرا شکر
۳۰۷	۳۵	« مرا شیطان
۴۱۲	۱۳	« مرا صد بار
۲۸۹	۳۴	« مرا عقلی
۲۵۵	۶	« مراقب
۳۰۷	۳۴	« مرا ماری
۲۷	۷	« مرا ورا این
۳۶۹	۲۰	گرمرد چون
۲۰۳	۱۸	گرمزان مانده
۱۲۷	۱۲	گر مسیح باشد
۴۳۰	۳۰	« مسیحا را
۲۴۸	۱۱	« مسی گردد
۳۹۶	۳۹	گرم شد پشتش
۴۳۱	۵	گر بطبعست
۴۲۴	۱۶	« معلم گشت
۱۱۵	۳۰	« مکنز اره
۳۶۸	۶	گرمکیسی
۱۹۵	۱۶	گرم گرداند
۲۴	۳۶	گرمکس تاویل
۴۲	۳۰	گرم گوید سرد
۱۱۴	۸	« گویدوعد

صفحه	سطر	اول بیت
٤٣٦	١٩	گر مناره
٨	٢٠	« منافق خوانیم
١٤٩	٣٣	« منافق رفت
٣٥٣	٣٣	« منی گندم
٤٢	٣٠	گرمو سردش
٨٣	٢٥	گرمیان مشک
١٧٨	٢٢	گرمیت را
٢٠٨	٢٧	گرمی تن
١٢	٢٣	گرمیسر گردن
٢٢٤	١٩	گرمیشر اضجرت
١٣٥	٨	گرمی عریتی
٣٧٠	٢١	گرنباشد آبها
٤٤٠	٤٠	« بسته
٢٣٣	١٦	« جاه
٣٢٧	١٣	« جوع
٤٣٨	١٩	« حفظ
٢٤١	٦	« درخور
١٩٤	١٨	« درد
٥٩	٢٥	« سایه
٣٢	٨	« فعل
١٢٤	١٢	« گندم
٣٦٠	١٥	« یاری جو
٣٦٠	١٤	« یاری رو
٤٤٧	٤١	گر نباشم درمیان
١٥٥	٦	« نباشی همدار
١٠٥	٣٤	نبندی زین
٣٣٧	٣٧	« نبندی دستش
٤١٢	٣٧	گر نبودی آنبدست
٣٩٩	٣٥	« احول
١٥	٩	« اختیار
١٤٨	٦	« امتحان
١٢٧	٩	« اومسبر
١١٢	٣٧	« اونتیجه
٣٨٣	٣٢	گر نبودی او نیابیدیچ
٣٨٣	٣٣	« اونیابیدیچ
٣٨٣	٣٢	« اونیابیدیز
٣٨٣	٣١	« اونیابیدیغ
٣٧٩	٣٧	« این بزوغ
٢٨٢	١٢	« این بلیدیز
٢٧٥	٣٤	« این چنین
٣٨٢	١٩	« نبودی بالم
٣٢٥	٢٨	گر نبودی بهر
٣٤٨	٣٢	گر نبودیت این
٩	٣٢	گر نبودی جان
٣٩٢	٣٨	« جذب
٢٦٤	٣٦	« جنبش
٢٥٤	٢٤	« چشم
١٢٩	١٣	« حجت
٢٧٤	٣٦	« حاضر
٢٤٨	٨	« حبس
٨٠	٧	« حس
٢٣٣	١٧	« خصم
٢٧٩	٢	« خلق
٤٨	٨	« دام

صفحه	سطر	اول بیت
١٢٤	١٠	گر نبودی در جهان
٣١٥	١١	« زحمت
٧٤	٢٠	«
٢٨١	٩	« سوز
١٢٩	٢٤	« سیر
١٩٧	١٢	« شب
٣١٢	٣٥	« عشق
٢٣٧	٣٥	« عکس آن
٢٧٥	٣٥	« عکس جهد
٧	١٣	« کارش
١٣	١٣	« کور
٨٥	١١	« کوشش
٣٧٧	١٤	« گوشهای
١٤٨	٣٦	« لاف
٩٣	٤١	« مرعرض
٢٢٤	٣٢	« مبل
٢	١٠	« نالهٔ
٣٨٣	٣٥	« نسبت
٦٢	٣٠	« نوح
٢٥٤	٢٢	« نیل
٢٠	٥	« واقف
٣٤٥	٢٢	گر نبیند کودکی
٢٠٦	٣١	« نبیند کور آب
٢٠٦	٢٩	« نبینی آب
٢٦٥	١١	« نبینی خلق
١٢٩	٢٦	« نبینی رفتن
٣٨٣	٧	« نبینیش و
٣٨٥	١٨	« نبینی کشتی
١٧٢	١٨	« نبینی واقعه
٢٢٧	١٠	« نجس شد
٣٠٨	٢٤	« نخواهد بیند
٣٠٨	٢٣	« « زیست
٨٥	١٤	« نخواهم داد
٣١	٢١	« نخواهم دو
١٧٩	٣٨	« نخواهی دوست
٢٩٨	٢٠	« نخواهی رشک
١٨٠	١٧	« نخواهی نیک
٢٦٩	٧	« نخواهی هر
٤١٣	٧	« نداد ستش
٩٥	٣٢	« ندارد این
٧٥	١٠	« ندارد صبر
٣١٢	١٦	« نداری از نقا
٢١٤	١٤	« نداری بو
١٤٠	٣٦	« نداری تو دم
٢٩٨	٢٨	« نداری دانه
٢٥٩	٣٨	« نداریز هر بیش
٢٢٦	٢٥	« نداری سنگ
١٥١	٤٥	« نداریم این
١٤٨	٥	« نداند عامه
٣٤٦	١٨	« نمانی این
٢٩٧	١٦	« نمانی تا
٥٩	٢٩	« نمانی ره
٤٢٤	٤١	« نمانی یار
٢٢٥	٢	« ندیدندی هز

صفحه	سطر	اول بیت
٢٧٦	١	گر ندیدی این
٦٥	١٩	« ندیدی دیو
٧	١٩	« ندیدی سود
٣٣٢	٣٧	« ندیم شاه
٢٤٤	٤	« نرویدخوشه
٤٤٣	٢٩	« نسوزد دست
٥١	٢٥	« نشان خواهید
٢١١	٣١	« نشد امان
٤١٩	٥	« نشد غره
١٣٥	٢٧	« نظایر گویم
١٥٧	١١	« نظر در شیشه
٧٥	١٥	« نفرمودی
٤٤	١٠	« نکردی رحمة
٢٩٩	٣	« نکردی شرع
٢٤٤	٣	« نگرد در رع
٢٨٢	٢٦	« نگشتی دیو
٢٠٥	٦	« نگشتی هیزم
٣٤٣	٥	« نگوئی راست
٤١٧	١٢	« نگوئیم آتشی
٤١٧	١١	« نگوئیم آن
١٠٥	١٩	« نگویم آن
١٢١	٣١	« نماز از وقت
١٢٢	٢	« نماز فوت
١١٤	٥	« نماز و روزه
٤٦	١٣	« نماند از جود
٣٩٩	٤	« نماند اشتهای
٤٢١	٢١	« نمایه خواجه
٤٠١	٣١	« نمایه غیر
٢٣٧	٢٥	« نمودی عیب
٤٣	٢٩	« نمی آید بلی
٣٦٦	١٦	« نمیبینی تو تدبیر
٣٦٦	١٤	« نمیبینی تو جو
٢٥٠	٤	« نمیبینی کبار
٢١٨	١٤	« نمیداند کش
٣٣٢	١٠	« نمیدانی بجو
١١٧	١٥	« نمیدیدم کنون
٤٠٦	٤	« نمیگفت این
٢٠٨	١٩	گر نه از هم
٤١٦	٢٩	« انکار
٣٨٣	٣١	« او بودی
٤٣٦	١٣	« اینک
٨	٢١	« این نم
٢٩٤	٢٠	« بهر
٤٤	٩	« بینایان
١٢٦	٣٤	« پیدایند
٣٩٣	٢١	« تصویرات
١٩٤	٨	« تنگ
١١١	١٦	« جنسیت
٣١٥	١٣	« خوش
٣٤٨	٣	گر نه در راه
١١١	١٦	گر نه دیدی
٣٢٣	٣٥	« زانگونه
٢٥٩	٤٠	« زهر است
٣٨٤	١١	« صبر

صفحه	سطر	اول بیت
٧٧	٧	گر نه فرزند
١٦٤	١٥	« فضلت
٢٩	٨	« کوری
٢٥٤	٢٣	« کوه و
٢٩١	٣٢	« گه خوار
٢٦٣	١٣	« مجنونست
١٠	١٧	« موش دزد
١٢٤	١٥	« معنویات
٤١٢	٣١	گر نهم من گوش
٤٤	١٤	گر نه نامعقول
٢٠٢	٢٧	« نفس از
٤٣٧	٣٦	گر نیائی زود
٣٨١	٣٦	« نیابی نبودت
٢٤٨	٤	« نیابندای
٣٦١	٣	« نیم لایق
٤٤	٤	« نیندی واقفان
٨٦	٢٧	« ورامغزی
١٢٢	٢٣	« وزیری را
٢٥١	٨	« وطن خواهیم
٢٦	١٩	« وظیفه بایدت
٥٣	٤	« وا زهری
٣٣٦	٢٨	« وی این است
٧١	٢	« وبست این
٧٤	١٠	گر هزاران بنده
١٠	٢٠	« دام
٢٥٨	١٨	« چرخ
٣٠٨	٢٨	« رطل
٤٠٩	٢٠	« سال
١٩٥	١١	« طالب
٣٩٤	٢٩	« مدعی
٣٩٧	١٠	« موش
٤٤١	٢٧	« نام
١٣٨	١٨	گر هزاران
٣٦٦	١٠	گر هلالم ور
١٩٧	١٤	« هماره فصل
١٢٥	٣٥	« هماره عیبت
٣٠٢	١	« همه لخت
١٦١	١٤	« همه عالم
٧٤	٧	گر همی بینم
٢٦٩	١٦	« جوئیه
٤٣	٣٦	گر همیخواهی ترا
٩٨	١٥	« تو
٣٧٣	١	« سلاء
٨٦	١٥	« کآ
٦٠	٣٠	« کبه
٨٦	١٤	« کمشد
٢٣٧	٢٢	گر همی دانی ره
١٠٥	٣٥	« همو دانی که
٣٢٣	٢٣	« هنر بودی
٢٥٥	١٧	« هوا رایند
١٠٤	٢	« هوا و نار را
١٣٢	٢٦	« یکی خاطی
٥٩	٢٨	« یکی دم
٧٥	١٤	« یکی سر را

صفحه	سطر	اول بیت
١٢٠	٣٢	گر یکی فصل
٤٧	٢٩	« کفش
١٦٠	٥	« گنجی
٨٤	١٢	« گوئی
١٦٠	٤	« موری
٢٨١	٩	گریه ابر است
٢٨٦	٢٩	« اخوان
١٦٦	٢٥	« از هجران
٣٠١	١٤	« اوخنده
٣٠١	٢٥	« اوخنده
٣٠١	١٤	« اونزغم
٢٨٩	٩	« باصدق
٢٨٩	١٠	« بی صدق باش
٢٨٩	٩	« بی صدق بی
٤٩	٢٣	گریه چون از حد
٥١	٣٤	« چون از حد
٢٦٥	٣٠	« رادر
٣٠١	١٢	« کر
٣٧٣	١٦	« میکرد
١٥٩	٢٦	« وافغان
٣٤٥	٣٦	« وخنده
٢٧٤	٢٣	« ودرد

گ-(ز-س-ش)

صفحه	سطر	اول بیت
٢٩٦	٢	گنز کند کرباس
١٥٠	١٦	گتر بدیهی
٤٣	١٧	گشت آر اداز
٣٥٢	١	« ارجذب
١٦٢	٩	« استا
٤٣	١٠	« اواز
٥٨	١٩	« این دشنام
٣٤١	٣٣	« بالغ
٨١	١٧	« باعیسی
١٥١	١٤	« بیدار او
٢٨٠	٢٠	« بیدارو
٢٦٧	٧	« بیهوش
٣١٥	٣٤	« پران جانب
٤٤١	٩	« پران نامه
١٢١	٣٥	« پرسان
٩٣	٣٦	« پرهیز
٣٨٢	٤	« پس ایمن
٣٤٢	٣	« پیدا
٨٩	٥	« ثابت
٤٣٢	٢٢	« حاندادن
٣٧٠	١٨	« چونی
٢٧٣	١٥	« حاکم
٢٣١	٩	« حیران آنجا
٧٢	٣٤	« حیران آنجه
٧٧	٣١	« خاک
٧٠	٢٣	« خواجه
٢٩٨	٣٠	« دریاه شکم
٢٩٨	٣٠	« دریاها مسخ
٥٦	٢٣	« دین را
١٣٩	٢٢	« شهرستان
١٣٣	٣٧	« ضحاک

۳۶۸	۳۱	گشت عالی
۲۵۱	۴۰	« غمناک
۳۴۰	۵	« فرداز
۳۷۵	۳۸	« قاضی
۱۷۱	۲۸	« کشته
۲۸۳	۱۱	« مؤمن
۱۹۶	۳۷	« مریم
۱۴۹	۲۶	« مستک
۱۳۲	۳۶	« مشکلهاش
۳۹۷	۲۵	« مشکوة
۳۴۴	۱۲	« معلومش
۲۸۳	۱۸	« مهمان
۲۸۴	۳۶	« نام آن
۴۳۹	۳۵	گشته اکنون
۵۶	۲۴	« اندر
۴۴۳	۴۸	« اوبی مال
۲۶۸	۲۴	« ایشان
۱۷۹	۲۰	« ایمن
۴۰۴	۲۲	« باشد
۲۷۷	۱۸	« بایک
۳۹۷	۳۲	« بودآن تو بر
۳۹۷	۳۱	« بودآن تو بر
۳۲۷	۸	« بودآن خر
۲۸۸	۳۲	« بودم
۳۵۵	۲۳	« بوکبر
۳۶۵	۲	« دریغی
۴۱۵	۱۱	« دزدانه
۲۹۰	۲۲	« ریزان
۳۱۳	۳۲	« صدتو
۲۷۴	۲۴	« گگان
۴۱۱	۹	« مردان
۱۱۸	۱۴	« یاغی
		گ-ف
۱۰۰	۸	گفت آب این
۳۰۰	۱۵	« آب دیده
۸۲	۲۴	« آبش ده
۱۹	۳۱	« آتش
۲۳۷	۳۳	« آثارش
۱۷۸	۱۱	گفت آخر آن
۳۳۱	۲۳	« از
۳۰۷	۱۱	« امر
۱۲۶	۲	« او
۴۲۲	۴۸	« ابخس
۳۷۱	۱۷	« پاره
۳۱۲	۳۲	« تو
۳۶۹	۲۹	« چشم
۱۳۲	۲۴	« چه گله
۲۱۸	۱	« خلوتی
۱۱۵	۳۳	« در
۶۰	۱۸	« شیر
۱۸۶	۲۹	« مسجد
۴۰۹	۴	« من
۳۹۷	۶	« نی
۶۹	۳۲	« هیچ

۷۵	۲۱	گفت آدم توبه
۳۲	۱۳	« آدم که
۴۱۹	۱۹	گفت آری آنچه
۱۷۸	۱۳	« آن صم
۱۲۶	۲۷	« انقطاع
۲۲۱	۳۱	« او
۲۴۳	۳۵	« بد
۳۳۷	۳۱	« بس
۲۶۸	۲۶	« بعد
۱۱۲	۱۶	« بنده
۹۱	۲	« پهلوی
۳۲۳	۱۱	« تجربه
۲۵۲	۲	« خوش
۳۵۹	۳۶	« گر بود
۲۱	۱۶	« گر توکل
۳۲۳	۱۰	« گر خدا
۲۱	۱۰	« گر وفا
۱۷۸	۱۲	« گفت آن
۱۷۸	۱۴	« گفت پس
۲۹۴	۲	« لاف
۳۶۴	۲۵	« لیک
۸۰	۳۶	« موی
۲۳۰	۳۴	گفت آصف من
۱۴۷	۳۴	« آن برمن
۳۰۷	۱۲	« آن تأویل
۱۱۵	۳۳	« آنچه خورده
۲۸۰	۳۸	« آن حجره
۳۵۶	۲۳	« آنخاتون
۸۷	۳۵	« آنخادم
۸۳	۱۶	« آنخر کو
۴۴	۱	« آنخواهم که
۲۹۹	۱۳	« آنخود چیست
۳۸۶	۱۹	« آندرویش کی
۱۶۳	۲۵	« آندرویش یا
۳۶۰	۳۳	« آنده
۱۴۹	۱۲	« آندنیه
۱۷۳	۳۱	« آندیگر
۸۸	۷	« آنراجمله
۳۶۹	۱۶	« آنرامن
۱۹۴	۲	« آنزویت
۳۸۳	۶	« آنسالوس
۴۱۹	۳۹	« آن شش
۲۸	۲۸	« آن شیر اندر
۸۶	۳۱	« آن شیر ای
۱۲۵	۱۳	« آن صادق
۳۷۷	۴	« آن صافی
۱۱۶	۷	« آن طالب
۳۰۰	۱	« آن عشق
۱۱۳	۲۱	« آن فرعست
۹۱	۲۴	« آن کس
۱۶۲	۲۴	« آن کودک
۵	۳۵	« آنکه آن
۳۰۱	۲۶	« آنکه بامن
۱۸۶	۳۰	« آنکه بسته

۳۹۷	۶	گفت آنکه ترک
۲۶۹	۲۵	« آنکه هست
۲۵۱	۲۲	« آنماهی
۳۶۰	۳۹	« آنمرغ
۲۷۵	۲۵	« آنمور اصبر
۲۷۵	۲۵	« آنمور سیم
۱۲۵	۳۱	« آن هندو
۱۵۲	۳۴	« آن یعقوب
۲۵۶	۵	« آن یک
۲۹۴	۳۵	« آوخ
۵۴	۲۴	« آوه
۲۹۳	۳۷	« آهوبا
۱۲۱	۳۷	« آه و دود
۱۲۰	۲۱	« آینه
۲۶۳	۲۷	« ابراهیم
۱۲۰	۱۲	« ابلیسش
۲۹۴	۲۰	« ابلیس لعین
۴۳۹	۳۹	« احسب ایم
۲۵۷	۲۳	« احسنت نکو
۲۳۱	۱۸	« احمدرار
۴۸	۳۱	« احمدراسم
۳۷۰	۱۵	« احمدگر
۴۸	۳۰	« احمدمر
۴۲۵	۳۹	« احمدهر
۹	۱۲	« احول
۲۱۸	۱۹	« ادب
۱۰۹	۶	« ادعوالله
۱۴۳	۲۸	« اذاجاء
۳۴۷	۱۷	« اردابن
۷۴	۱۵	« ارسلناک
۱۷۸	۱۱	« ازاعمق
۱۱۱	۶	« اراقرار
۳۳۱	۲۱	« ازباغ
۲۹۰	۶	« ازبهر
۱۲۶	۲۵	« ازبرست
۱۲۶	۲۶	« «
۱۲۶	۲۶	« «
۴۹	۱۱	« ازتوکی
۱۳۲	۱۶	« ازتهمت
۱۶۵	۲۰	« ازمشم
۴۳	۱۶	« ازحق
۳۲۰	۳۳	« ازحمام
۱۵۹	۶	« ازدرد
۶۰	۱۸	« ازدمگاه
۳۷۰	۵	« ازرنجش
۱۵۲	۴۵	« ازروح
۱۵۹	۲	« ازریشم
۱۹۲	۱۱	« ازمن
۱۳۴	۱۴	« ازناچار
۲۱۷	۳۵	« ازبن خشم
۶۹	۶	« ازین ره
۴۴۶	۱۳	« اسباب شهر
۳۰۷	۲۹	« اسباب
۹	۱۳	« استاد

۹	۱۱	گفت استاد احولی
۱۶۲	۲۵	« استاراست
۱۶۱	۳۶	« استانیست
۱۶۵	۱۸	« استربا
۲۷۰	۳۲	« استرراست
۴۱۷	۳۷	استعداد
۱۸۸	۲۸	« اسرار تو
۳۰۶	۳۰	« اسرافیل
۱۳۱	۳۱	« اشترنا
۱۲۷	۴۳	« اشترچند
۱۳۹	۱۹	« اطفال
۶۴	۲۸	« اغلالا
۱۸۰	۱۸	« افزون را
۳۴۷	۲۷	« افزون زانچه
۴۳۹	۴۱	« افسانه
۳۴۶	۳۳	« اکنون ای
۶۱	۲۵	« اکنون چون
۱۲۲	۶	« اکنون راسم
۹۲	۳۷	« اکنون عیبه
۲۰۵	۲۷	« اگر آسان
۳۷۱	۷	گفت اگر آنست
۴۲۵	۱۳	« ازمکر
۱۷۰	۱۸	« اسمی
۴۲۵	۶	« این
۳۲۸	۹	« بودی
۲۹۳	۷	« پایم
۲۲۴	۱۵	« جایم
۳۶۸	۳	« جدت
۱۰۵	۲۲	« چه پاکی
۳۲۸	۳۳	« خواهد
۴۰۹	۳	« داری
۳۱۰	۳۳	« درجنگ
۲۶۳	۵	« دیواست
۷۷	۱۱	« رابید
۳۵۳	۳۹	« رویش
۲۳۵	۳۱	« زرنه
۲۴۶	۱۷	« صبره
۱۱۴	۳	« کودک
۱۰۸	۲۲	« من گفته
۸۱	۲۰	« من نیستم
۲۹۷	۳۵	« نانم
۹۸	۵	گفت الایام
۱۴۵	۸	« الایعلم
۲۵۳	۲۳	« الحق
۲۰۰	۲۷	« الدین
۳۹۰	۳۳	« الصدقه
۲۹۱	۱۰	« العره
۶۶	۱۳	« المعنی
۲۳۵	۱	« الهنافی
۱۲۸	۲۴	« الهی
۶۲	۳۸	« الیس الله
۱۱۴	۲	« امر مشور
۱۵۴	۲۹	« امر آمد
۳۰۶	۱۳	امیدمن

۳۲۶	۲	گفت امیر ابنده
۷۷	۱۷	« امیرالمؤمنین
۳۵۸	۱۴	« امیرانرا
۱۱۹	۳۷	« امیراورا
۱۲۰	۲۹	« امیرای
۲۱۸	۲۹	« امیرش
۲۳۸	۶	« اندرتو
۸۲	۲۴	« اندرجو
۱۱۹	۱۱	« اندرقصر
۱۲۷	۳۸	« اندریک
۱۱	۳۱	« انسان
۲۹۱	۲۷	« انظرنی
۱۸۳	۱۰	« ان عدتم
۱۵۸	۱۳	« اوازاهل
۴۱۵	۱۵	« اوازبعد
۴۴۵	۲۳	« اوازبندگان
۲۰۰	۴۰	« اوای ناصحا
۹۰	۴۵	« اواین را
۱۹۰	۳۳	« اوبفروخت
۷۴	۴۲	« اوپس
۹۲	۴۱	« اودردو
۱۹۰	۳۰	« اوراآن
۱۶۴	۳۶	« اوراای
۳۳۵	۱۵	« اوراجوحی
۸۵	۲۷	« اوراکاین
۱۴۱	۵	« اوراکه
۳۵۸	۳۹	« اوراکیستی
۲۰۱	۱۴	« اوراکی
۱۱۵	۳۴	« اورامحتسب
۴۰	۹	« اورامن
۱۹۸	۲۳	« اوراناصحی
۲۴۵	۳۱	« اورانیست
۲۳۵	۲۸	« اوراو
۲۷۶	۳۳	« اوراهین
۲۰۲	۳۴	« اوسحر
۲۱۸	۱۸	« اوگرابلهم
۱۳۲	۱۴	« اوکشتی
۴۱۶	۱۹	« اوگرمی
۹۴	۲۹	« اول وصف
۱۱۵	۱۶	« اوهم از
۱۲۱	۱۸	« اوچون
۱۳۰	۹	« اوماهی
۲۵۱	۲۷	« اومن
۲۵۳	۱۴	« ای ابله برو
۱۲۲	۱۷	« ای ابله چه
۱۲۶	۳۰	« ای احمق
۳۴۷	۴۱	« ایاز ای
۹	۱۳	« ای استاد
۴۳۸	۴۴	« ای اقبال
۴۳۵	۴۰	« ایاکج
۳۳۱	۲۲	« ای ایبک بیا
۳۳۶	۲۴	« ای ایبک تا
۴۵	۹	« ای بوده
۴۰۰	۱۸	« ای پشت

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۱	۱۴	گفت ایجان جهان
۲۱۲	۳۹	« ایجان رمیده
۱۹۴	۱	« ایجان و
۳۰۳	۲	« ایخاتون
۱۱۲	۳۸	« ایخر
۱۶۲	۱۴	« ایخواجه بیارم
۳۵	۱۴	« ایخواجه پشیما
۱۴۷	۱۶	« ایخورشید
۲۴۷	۱۹	« ایخوش
۳۲۴	۳۵	« ایدانای راز
۳۰۶	۱۰	« ایدانای سر
۱۷۵	۷	« ایداود
۴۱۸	۷	« ایدرمحکمه
۳۲۰	۱۱	« ایدل
۱۳۱	۱۵	« ایرندان
۶۲	۱۷	« ایروبه
۸۱	۱۷	« ایروح الله
۳۲	۱۲	« ایزدجان
۶۸	۱۳	« ایزدیحمل
۱۸	۲۷	« ایزن پیش
۴۸	۱۵	« ایزن توزنی
۱۶۲	۱۳	« ایزن توهنوز
۲۷۲	۳۹	« ایزن هبن
۳۷۹	۲	« ایزن یک
۴۱۹	۱۲	« ای ستار
۱۳۶	۲۰	گفتنی سرمست
۱۷۶	۲۹	گفت ای سگ جد
۱۱۲	۲۸	« ای سگ صوفی
۱۸۶	۲۷	« ایستقر
۱۵۱	۳۸	« ایشانرا
۸۹	۱۸	« ایشان متهم
۴۳۸	۲۸	« ای شکل
۱۱۶	۱۶	گفت ایشه باچنین
۲۷	۱۱	« برمن
۱۷۵	۱۶	« توهم
۳۱۵	۷	« جملگی
۲۳۵	۲۴	« خرجها
۵	۱۹	« خلوتی
۱۶۷	۳۱	« راست
۱۰۱	۳۰	« شرم
۶۱	۱۲	« گاو
۹	۲۴	« گوش
۲۱۲	۲۴	« مرگ
۳	۲۷	« مژده
۹۲	۳۸	« من
۲۶	۱۰	« ناکسی
۲۹۷	۳۳	« هستم
۲۶	۴۰	« یک هنر
۲۱۸	۲	گفت ای شیدا
۳۶۸	۲۵	« ایصدیق
۳۶	۵	« ایطوطی
۱۵۱	۹	« ایعمران
۲۱۳	۸	« ایعنقای
۲۳۱	۲۴	« ایعزی

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰۹	۲	گفت ای فی النار
۳۷۷	۲۲	« ای قصاص
۵۱	۳۶	« ایقوم بباطل
۳۹۳	۳	گفتش که خشک
۳۰۱	۱۰	گفت ای گریان
۱۶۷	۱۱	« ای گشته
۴۳۹	۳۹	« ایمرد
۲۲۲	۱۶	« ای مغلوب
۱۲۷	۲۱	« ایمن باش
۳۲۸	۳۵	« اینصف
۱۰۶	۳۲	« ایموسی از آ
۱۹۰	۶	« ایموسی بیامو
۱۹۰	۳	« ایموسی چو
۲۵۷	۶	« ایموسی چو
۱۰۶	۸	« ایموسی دهند
۲۵۶	۸	« ایموسی کداه
۲۵۶	۴	« ایموسی کداه
۷۲	۲۶	« این آتش ر
۴۳	۲	« این از بهر
۳۳۵	۳۳	« این اسلام
۱۹۸	۳۴	« ای ناصح
۲۴۰	۲۷	« ای ناقه
۱۱۶	۱۷	« این او باش
۲۴۹	۱۸	« این بار ار
۱۶۷	۳۰	« این باری
۱۳۴	۱۲	« این پیمانه
۳۶۳	۱۴	« این تکرار
۱۶۶	۳۰	« اینجاای
۱۵۹	۲۸	« اینجاحاضر
۱۳۱	۳۰	« این جوئی
۲۶۴	۱۷	« این دانش
۳۹۳	۸	« این دانم که
۱۴۷	۹	« ایندم با
۱۴۴	۲۵	« ایندم کار
۲۰۲	۱۷	« ایندم من
۸۶	۱۲	« ایندینار
۳۴۷	۲۳	« این زان
۴۳۷	۳	« اینست آدمی
۴۳۷	۱۱	« اینست آدمی
۲۸۱	۲۷	« اینسو آ بیامد
۲۸۱	۲۷	« اینسو آ مکن
۲۴۷	۲	« این سهلست
۴۰۹	۱	« این سی خشت
۱۲	۸	« اینک انمر
۱۲۲	۱۶	« اینک بین
۴۱۵	۱۳	« اینک دادمت
۲۷۵	۳۲	« اینک دشت
۱۳۴	۱۶	« اینک راست
۱۶	۲۷	« اینک تایب
۱۱۷	۵	« اینک بادم
۳۲۰	۶	« ایمرد آنطر
۴۵	۱	« این نبود
۱۶۷	۴	« این نیکو
۱۵۸	۲۳	« ای نوح

صفحه	سطر	اول بیت
۴	۲۱	گفت ای نور حق
۴۳۹	۴۲	« این و میزدی
۳۵۶	۸	« اینها تابع
۲۵۳	۸	« اینهارا
۵۷	۱۰	« این هدیه
۱۲۷	۴۲	« این هردو
۲۳	۸	« ای یاران از
۲۳	۱۲	« ایاران حقم
۱۹۸	۱۳	« ایاران روا
۱۷۶	۹	« ایاران زما
۲۳	۷	« ایاران مرا
۲۸۰	۸	« ایاران من
۴۸۸	۸	« ایاران نه که
۳۹۲	۸	« ایار عزیز
۱۲۲	۱۶	« ایار نکو
۳۸	۱۹	« ای یحیی بیا
۱۰۵	۳۲	« باآنکس
۱۰۴	۱۴	« باامر
۴۳۶	۹	« باانگشت
۴۴۲	۴۵	« باآوآن
۱۱۴	۳	« باومشورت
۹۲	۲۷	« بااین شکل
۱۱۲	۲۲	« بااینهامرا
۲۵۱	۵	« بااینهانه ارم
۳۴۲	۴	« باباچون
۱۵۸	۹	« باباچه
۱۵۸	۸	« باباسالها
۳۱	۱۶	« باجسم
۴۳۱	۴۱	« باخواجه که
۳۴۶	۲۵	« باخود آنچه
۲۲۶	۲۳	« باخود پیش
۴۴۲	۳۰	« باخود چون
۴۳۷	۱۹	« باخود کت
۳۶۷	۱۶	« باخود کز
۶۶	۲۸	« باخود گر که
۴۱۶	۱۳	« باخود گنج
۳۰	۳۳	« باخود من
۴۴۵	۱	« باخود نیست
۲۲۰	۱۸	« باخود هست
۲۰۷	۲۰	« باخود هین
۴۳۷	۲۴	« بادل خود
۱۱۴	۳۶	« بادلفک
۳۷۱	۱۸	« باری آب
۴۳۹	۳۸	« باری تا
۱۹۰	۲۲	« باری نطق
۹۶	۴۷	« بازاریك
۵	۴۳	« بازرگانم
۱۲۲	۱۴	« باشدکان
۱۵۱	۲۳	« باشدکاین
۱۴۷	۷	« باشدمن
۴۰۸	۳۵	« باصدر
۴۲۴	۳۰	« باقاضی
۳۱	۱۷	« بانی تا که
۲۵۸	۹	« باهامان بگو

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۹	۲۳	گفت باهامان چو
۲۵۸	۹	« باهامان مگر
۱۹۱	۳۵	« بخشیدم
۳۱۷	۳۷	« بدفضل
۴۱۶	۱۵	« بدموقوف
۸۲	۲۷	« بر پشتش
۴۲۳	۲۰	« برجمله
۶۰	۱۶	« برچه موضع
۱۹۸	۹	« برخزم
۴۲۳	۲۱	« برکه
۲۷	۱	« برگوتا
۷۳	۱	« برمن تیغ
۳۴۴	۱۹	« برهیچ آب
۴۰۸	۲۴	« بس بیشرم
۳۱۹	۱۴	« بسپارش
۸۲	۲۶	« بستان شانه
۳۲۲	۲۷	« بس جدند
۲۶	۲۱	« بسم الله بیا
۳۶۹	۴۲	« بسم الله مشرف
۱۲۱	۳۰	« بسیار آن
۳۴۷	۱۴	« بشکن گفت
۳۴۷	۱۷	« بشکن گفت
۲۶	۱۲	« بشنو گر
۱۶۳	۱۵	« بشنیدم سخن
۲۹۴	۳۵	« بعدازعز
۲۳۵	۲۶	« بفشارم
۲۷۶	۱۰	« بنماتا
۲۷۳	۷	« بنماجزو
۲۴۱	۲۲	« بنمودم دغل
۴۴	۲۲	« بوجهل
۲۴۵	۵	« بوی بوالعجب
۲۲۶	۲۵	« بهتر این
۴۲	۹	« بهر آن
۳۲۲	۲۶	« بهر سخره
۲۶۳	۱۶	« بهر شاه
۲۴۳	۲۲	« بهر مصلحت
۱۶۷	۲۷	« بهلول آن
۲۶۱	۲۰	« بی برهان
۲۲۲	۱۴	« بی جرمی
۲۸۵	۳۷	« بیچون دیدم
۱۱۹	۱۳	« بیدارم چرا
۴۱۹	۱۱	« بیرؤیت
۲۷۶	۳۵	« بیرون زین
۱۵۸	۱۴	« بیزارم ز
۱۱۵	۲۳	« بیزاریم جمله
۱۱۳	۳۷	« بیماری مرا
۸۲	۲۲	« پالانش
۲۸	۵	« پاوابس
۱۲۶	۲۸	« پایم سست
۹۴	۱۷	« پس از گفت
۱۲۸	۱	« پس از نقد
۱۶۶	۲۱	« پس چون
۱۵۹	۳۰	« پس من
۱۲۶	۲۹	« پشتم

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۲	۱۶	گفت پشه
۱۳۱	۱۲	« پیر آندم
۲۳۱	۳۳	« پیر اگر
۲۳۱	۳۶	« پیرش کای
۱۲۶	۲۵	« پیری مر
۲۸	۳۰	« پیش آز خم
۶۱	۱۴	« پیش آ کس
۴۴۲	۱۷	« پیغمبر انا
۲۸	۷	گفت پیغمبر بتمیز
۳۶۲	۳۳	« برای
۲۴	۴	« بکن
۷۴	۲۸	« بگوش
۲۱	۱۶	« به آواز
۶۷	۱۱	« بیك
۴۳	۳۴	« چه خوا
۴۲	۸	« چه میجو
۸۸	۳۰	« خدا
۲۳۵	۱۸	« خنك
۳۱۳	۲۰	« رکوعه
۴۲	۲۴	« زسرما
۲۸۳	۱۶	« زغبب
۲۰۱	۳۴	« سپهدار
۱۶۸	۱۴	« شمارا
۶۹	۳	« صباحی
۱۰۸	۳	« عداوت
۵۹	۳۵	« علی را
۴۸	۱	« قناعت
۱۲۳	۶	« که آری
۱۲۳	۱۴	« که آواز
۲۴۷	۶	« که احمق
۱۳۱	۲۱	« که از
۷۱	۲۳	« که اصحا
۲۰۲	۳۵	« که ان
۳۴	۲۰	« که ایطالا
۲۵۰	۱۳	« که ایظا
۳۱۹	۲۴	« که بر روز
۲۰۳	۱۵	« که جاد
۳۵۷	۴	« که جنت
۲۱۱	۱۷	« که چون
۱۱۹	۲۷	« که حق
۵۴	۳	« که حق ذ
۱۵۵	۳۱	« که خسبد
۴۶	۳	« که دایم
۸۵	۱۹	« که در باز
۳۷۶	۱۵	« که در بح
۸۷	۳۷	« که دست
۲۹۲	۲۲	« که رحم
۲۴	۲۴	« که رنجو
۱۶۶	۳	« که روز
۴۹	۳۳	« که زن
۱۲۳	۱۲	« که سوگ
۱۶۵	۳۵	« که شیخ
۱۳۳	۵	« که عینا
۲۱۰	۱۱	« که مرا

صفحه	سطر	اول بیت
٤٠	٢١	گفت پیغمبر که نفحتها
٢٦٠	٢٢	« که وقت
٩٢	٤١	« که هر که
٦٨	٢١	« که هست ا
٢١١	٩	« که هستند
٩٠	١	« که یزدان
١١٨	١٩	« مرآن
١١٧	٢	« مرآن
١٢١	٩	« نشانی
٦	٢	« هرآن
٩٢	٣٢	گفت پیوسته
٨٩	٣٤	« تا اکنون چه
١٢٥	١٤	« تا اکنون فسو
٣٨١	٢٩	« تا این رقعه
١٩٦	٢٦	« تاب فرقتم
٢٤٦	١٥	« تا جا کز
٣٤٢	٧	« تا چشمش
١٢٦	٢٩	« تاریکست
١٣١	٣١	« تازانو
١٦٤	٣٢	« تا سالی
٤١٧	٢٤	« تا شاهیت
٤٣٩	٤٧	« تا کی
٦٠	٢١	« تا گوشش
٢٣٨	٨	« تا من هستم
١٢٦	١	« تا هیبت
٢٩	٣٥	« تا بید
٦	٨	« تدبیر
٩	١٩	« ترسایان
٣٢	١٥	« ترسیدم
٨٢	٢١	« ترکن آن
٨٠	٣٥	« ترکن دست
٦٩	٤	« تشنه بودم
٢٦٤	١٧	« تمییزم
٣٢	٣٤	« توبحث
١٣١	٣٤	« توبه کردم از
٣٣١	٢٤	« توبه کردم از
١١٧	١٧	« توبه کردم ای
١٢٧	٣٩	« تو چون بار
١٠٨	١٥	« تو خود جبر
١٢٩	٣٩	« تو خود را
٤٢١	١٧	« تو زانرو
٢٧٥	١٦	« تو کوهی
١٩١	٢٥	« تیری جست
١٦٣	١٤	« جاروبی
١١١	١٤	« جالینوس
١٣١	٨	« جامم را
١٣	٣٨	« جانم
٨٢	٢٥	« جایش
٢٢٢	١٣	« جرمم
١٩٣	٣٨	« جفت امشب
١٩٣	٣٨	« جفتش
١٢٧	٣	« جوحی با
١٢٧	٤	« جوحی را
٣٢٧	١٩	« جوع از

صفحه	سطر	اول بیت
٢٥٧	٧	گفت چارم آنکه
٨٣	٢	« چاره چیست
٣٤٢	٦	« چشمش
٢٠١	٤١	« چندان آن
١١٠	٣٧	گفت چون از جدو
٢٧٠	٣٤	« اقرار
٣٧٠	١١	« باشد خو
٣٧٠	١٦	« باشد سگ
١٦٧	٢٧	« باشد که
١٧٦	١	« بخت
٦٣	١٤	« بودی
٥	٣٠	« بیرون
٢٠٧	١٧	« ترسم
٤٠٠	١٢	« توفیق
٤٤	٢٢	« خواهی
٣٤٢	٦	« دانم
١٢١	٩	« دانی
١٦٧	٩	« درچشم
٦٢	١٨	« درعشق
٦١	١٥	« دید
٣٤٧	١٣	گفت چونست و
٥٤	٢٦	گفت چون شاه
٢٦٢	٣٣	« طفلی
٣٨٩	١٦	« فرمود
٣٣٥	١٤	« قدر
٣٤٢	٢٥	« قصد
٢٦١	٢٦	« قلبی
٨٧	٢٧	« میدید
١٢٦	٢	« وهمت
٢٨٦	٣٧	« ندهی
٣١٨	٣٥	گفت چونی اندر
٦٦	٣٤	« چونی گفت
٤٢	٩	« چه پرسر
٢٦٢	٣٢	« چه خصلت
٦٠	١٥	« چه صورت
٢٦	٨	« چه عذر
٢٤٧	١	« حاجب
٢٠٢	١٦	« حارث
١٩٠	٣٨	« حاشا از من
٢٥٣	٢	« حاشا که
٢٦١	٢١	« حجت در
١٤	٢٤	« حجتهای
٣٩٧	٣٥	« حسرت
١٤٣	٣٠	گفت حق آنرا
٢٧٣	٢٦	« آنسگ
٤٢٢	٢٥	« آنطفل
١٨٩	١٤	« آموخت
٨١	٢٢	« ادبار
١٤٢	٣	« است این
٣٢٨	٢٥	« ایوب
٢٤٢	٣١	« تمییز
٣٥٤	٢٧	« چشم
٤٠٥	٢٦	« خود او
٢٦٤	٧	« دانم

صفحه	سطر	اول بیت
٦٠	٢٧	گفت حق در
٢٠١	٣٣	« حق ز اهل
١١٣	٣	« حقست
٣٩٠	٢٠	« حق سبا هم
٦٦	٢١	« حقشان
٣٩٤	١٢	« حقش کای
١٢٣	٨	« حقش کی
٤٥	١	« حق فرموده
١١٣	١٤	« حق کاندر
١٥٠	١٩	« حق که بندگا
١٤٨	٣٧	« حق که کج
١٤٩	٨	« حق گر فاسقا
٦٧	١٨	« حق نی
١٧٨	١٨	« حکمت چیست
١٦٤	٣٩	« حکمت را
٢٣٠	٣٥	« حمدالله
١٩٢	٢٢	« حمزه چون
٣٥٦	١١	« خاتون را
٢١٩	٣	« خاتونیست
٨٢	٢٠	« خادم را که
٢٨٦	٣٨	« خاک بر سر
٨١	١٨	« خامش کن
٨٩	٦	« خان و مان
٤١٨	٩	« خانهٔ تو
٣٢٤	٣٥	« خدمت آنکه
٣٢٠	٢١	« خر به از
٣٢٣	٤٠	« خر روهین
٣١٩	٢٨	« خر ضعف
٣١٨	٣٥	« خر گردر
٢٦	٧	« خر گوش
٣١٩	٣٦	« خرمگوس
١٥١	٩	« خسبم هم
١٢١	١٩	« خصمان عالمند
٥٠	٤	« خصم جان
٦٩	٦	« خلقان
١١٠	١٣	« خواب آمد
٢٨٠	٢١	« خوابم بد
١٠٢	١٨	« خواجه با غلام
١٤١	٣٩	« خواجه جسم
٣٥٦	١٩	« خواجه صبر
٣٥٦	٢	« خواجه مال
٣٥٦	٢٤	« خواجانی
٢٥٣	٩	« خواری
٣٢٨	٢٠	« خواهم مرد
١٣٥	١٥	« خود خالی
٢٢١	٣١	« خود را اندر
٣٥٦	٣٥	« خود کسر
٣٧٧	٢٣	« خطا طیست
١٥١	٣١	« خیر است
١٢١	٣٨	« دائم آه
١١٣	٢٧	« دارم از
١٨٧	٢٨	« دارم بر
٢٦	١٢	« دارم من
١٣٤	٢١	« دانائی

صفحه	سطر	اول بیت
٩٤	٣١	گفت دانستم ترا
٥	٣٦	گفت دانستم که
١٣٩	١٤	« دانم کز
٤٢٥	٥	« دانم مرد
٢٠٦	١٠	« داود اتو
١٧٥	١٣	« داود این
١٧٥	٦	« داودش بگو
١٧٥	٣٦	« داودش خمش
٣٤١	٣٦	« دختر ای پدر
٣٣٦	١٣	« دختر چیست
٣٤١	٣٥	« دختر را
٤٥	٤	« در باطن
١٩٣	٢٠	« در بیعی
٢٦٨	٧	« در چشم
٤١٦	٦	« در دت چینم
٤٤٥	١١	« در دل من
٣٣٨	٤	« در رو گفتن
٣٨٨	١٩	« در ره
٣٩٤	١٣	« در ریشم
٣٧٨	١٠	« در زی
١٣٤	١٠	« در شطرنج
٤٣٩	٣٣	« در غیبست
٣١	١٨	« در گوش
٢٨٦	٣٣	« در ملکم
٢٨٥	٣٧	« درویشی
١٦٨	١٠	« در یکخانه
٣٦٤	٣١	« دزدان
٣٣١	٧	« دزدی
٣٢٦	١٦	« دستوری
٧٦	٢	« دشمن را
٣٢٠	١٢	« دل دانم
٣٩٠	٢٨	« دلقک ای
٣٩٠	٢١	« دلقک با
٣٩٠	٢٤	« دلقک را
٣٩١	١	« دلقک من
٨٢	٢٦	« دم افسار
٤٣٤	١	« دنیا جیفه
٦٨	٤	« دنیا لعب
١٨٩	٢٩	« دور از تو
٢٥٤	٣١	« دور از دولت
٢٤٣	٢٣	« دهلیزیست
٣٩٢	٢٦	« ده نیمی
٢٦١	١٧	« دیدم اندر
٥١	٢٨	« دیدید
٢٥١	٣٧	« دیگر بر
٣٠٣	١٧	« را آموخت
٣٣	١	« را گر
١٧٠	٨	« راندم
١٣٢	٣٧	« راه او سط
١٢٧	٤٣	« رخت
٢٧٥	١٦	« رگهای
٩٤	٢٨	« رمزی زان
١٧٨	١٩	« رنج احمقی
٢٨٦	٣٥	« رنجش چیست

صفحه	سطر	اول بیت
٦٧	٤	گفت رنجور این
٣٢٣	٣٤	« روباه آن
١١٠	١٢	« رو بر من تو
١٩١	٢٢	« رو بفروش
٣١٩	٣٢	« رو به آن
٣٢٠	١٦	« رو به این
٣١٩	٢٣	« رو به جستن
٣٢٨	٩	« رو به را
٣١٨	٣٣	« رو به شیر را خ
٣٢٣	٥	« رو به شیر را ک
٣٢٤	١٢	« رو به صاف
١١٦	٢	« رو تو از
٣٧٩	١	« رو حم
١٦٣	١٣	« رو خواجه
٣١٨	١٠	« رو رو دست
١١٠	٨	« رو رو کار
١٨٥	٢٦	« رو رو نقش
٢٧٠	١٣	« روزی استر
٤٣٠	٥	« روزی باغلا
٩٨	٥	« روزی حاکم
٣٤٧	١٢	« روزی شاه
٤٢٣	٢٢	« روزی کشتهٔ
١٦٩	٣	« روزی میشد
١١٥	٢٩	« روزین حلقه
٣٦١	٢٢	« روزی یار
١٠١	١٢	« روشن
٢٧٥	٣١	« رو کان
١٢٧	٢٨	« رو که نیک
٢٦٧	١٠	« رو من
١٦٢	١٥	« رو نه تو
٢٦٦	٢١	« رو هر کو
٣٧٢	٢١	« رو هین
٣٧٧	٢٦	« رهن
٣٧٩	١٢	« ریشت
١٠	١١	« زان نصلی
١٨٧	٢٤	« زانکه
٨٦	١٧	« زاهد از
٣٣٧	٢٣	« زاهد در سبو
٣٦٠	٣٩	« زاهدنی
١٠٩	٣١	« زشت آوازم
٥٣	٣١	« زن آهنگ
١٦٢	١٢	« زن ابخواجه
١٦٢	١١	« زن خیر
٥٥	٤	« زن صدق
٣٤٠	٣١	« زن فرمان
٣٣٦	٣٣	« زن کاین
٢١٩	١٣	« زن من
٥٤	٢٠	« زن نک
٢٧٣	١	« زن نی
٤١٨	٣٠	« زن هی
٣٩٠	٧	« زوتر
١٠٤	١٤	« زین دو
٢٤٥	١٠	« زین سو
٣٣٥	١٣	« سائل آن

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶	۱۴	گفتمش ما بندهٔ
۱۵۹	۲۷	گفت معشوق این ا
۲۹۹	۳۶	« معشوق اینهم
۴	۶	« معشوقم
۱۹۸	۱۷	« معشوقی بعاش
۳۱۳	۶	« معشوقی بعاش
۲۲۲	۱۵	« مغلوب
۳۶۰	۲۰	« مفتی
۵	۱۳	« مکشوف
۶	۲۸	« من آن آهویم
۱۴۷	۱۳	« من آن حقها
۴۸	۳۲	« من آیینه
۱۲۲	۱۹	« من از حق
۳۲۵	۱	« من از خود
۱۰۲	۲۳	« من از دست
۲۴۳	۳۹	« من ایثار
۲۶۱	۲۵	« من اینها
۱۷۴	۱۰	« من باحق
۲۷۰	۱۴	« من بسیار
۳۲۳	۷	« من پنداشتم
۷۷	۲۰	« من تخم
۷۳	۴۷	« من تیغ
۳۲۸	۱۹	« من جویای
۶۳	۳۴	« من چند
۸۷	۳۶	« من خررا
۴۳۲	۱۵	« من خود
۳۱۴	۳۱	« من دانم
۳۱۳	۷	« من در تو
۳۹۰	۷	« من درده
۲۴	۳۳	« من دریا
۲۱۳	۱۶	« من رعد
۲۲۰	۱۷	« من رنجش
۱۷۴	۵	« من روزی
۲۸	۳۰	« من سوزیده
۵۴	۲۲	« من شه را
۳۷۷	۲۳	« من ضامن
۲۵۲	۳۳	« من عقلم
۴۱۹	۳	« منفذ
۱۸۴	۳۷	« من کردم
۲۶۱	۲۰	« منکر گشته
۱۵۸	۳	« من کی پند
۶۱	۲۱	« من گفتش
۲۴	۱۵	« من گفتم که
۱۹۹	۲۹	« من مستقیم
۳۶۰	۱۹	« من مضطرم
۸۸	۱	« من مغلوب
۱۸۷	۳۸	« من نشناسم
۱۳۴	۳۱	« من نومید
۳۴۴	۹	« من نه ملك
۱۶۲	۴۵	« من هم بی خبر
۲۴۶	۳۱	« من هم نیز
۳۶۰	۳۲	« من یك
۲۵۲	۹	« موتوا کلکم
۱۳۱	۳۲	« مورتست

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵۷	۴	گفت موسی آن س
۲۶۴	۶	« موسی ایخدا
۱۰۷	۹	« موسی ایکر
۱۹۱	۳۶	« موسی اینجه
۱۵۴	۲۲	« موسی این م
۱۶۸	۳۳	« موسی این م
۱۱۰	۲۰	« موسی بایکی
۱۹۱	۳۰	« موسی درمنا
۲۶۲	۳۲	« موسی را بو
۱۸۹	۴۱	« موسی رایکی
۱۹۰	۲	« موسی رو
۲۴۲	۳۱	« موسی سحر
۱۵۷	۱	« موسی عفو
۲۵۶	۱۸	« موسی کاولین
۲۶۰	۱۲	« موسی لطف
۱۴۰	۳۹	« موسی من ند
۲۵۲	۳۴	« موسی نسبتم
۱۰۵	۳۲	« موسی های
۱۹۰	۲۲	« موسی هین
۱۹۰	۵	« موسی یارب
۳۷۸	۲	« مولع
۱۱۰	۷	« مهر ابلهان
۴۰۴	۲۷	« مهمان درچه
۴۳۹	۳۶	« مهمانش
۳۵۴	۳۴	گفتمی از لطف
۳۶۴	۴	« برهان
۱۸۹	۱۶	گفت می بینی تو
۳۴۰	۳۶	« میترسیدم
۳۲۸	۱۸	« میجویم
۳۲۸	۳۴	« میخواهد
۱۱۶	۹	« میخواهم
۲۴۷	۲۵	« میدانم ترا
۱۶۴	۲۴	« میدانم سبب
۲۹۳	۳۶	« میدانم که
۲۸۰	۳۴	« میدانم ولیك
۴۲۵	۷	« میرو
۲۶۰	۱۸	« میری
۳۳	۲۰	« میشاید
۳۰۶	۳	« میکائیل
۳۲۲	۲۷	« میگیرند
۲۱۹	۵	« میلش
۲۹۶	۲۹	گفتن آن کو
۸۴	۲۰	گفت نااهلان
۳۲۸	۲۱	« نادر
۶۷	۱۷	« ناراز
۱۴۰	۱۴	« ناصح
۳۸۳	۴	« نافرجام
۲۹۴	۳	« نافم
۳۵۹	۱۵	« نالان از
۲۳۸	۶	« نامت چیست
۳۲۴	۳۱	« نامد نوبت
۴۲۹	۳۴	« نامش
۱۸۹	۱۷	« نامم بیش
۴۳۹	۳۷	« نامم نان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۵	۳۲	گفت نامی که
۷۲	۲۸	« نان بر رسم
۲۸۶	۳۷	« نان و زاد
۱۹۱	۳	« ناهنگام
۴۱۹	۱۹	« نایب
۴۴	۲۵	« نبود مثل
۳۰۷	۱۱	« نتوانم بدین
۲۷۶	۱۰	« نتوانی و
۱۳۴	۱۱	« نحوی زید
۳۳۶	۲۵	گفتن ذره
۲۹۲	۴۰	گفت نرهانید
۴۲۵	۲۱	« نطقم
۴۱۹	۳۷	« نفقه
۴۰۸	۷	« نقش
۱۵۸	۳۰	« نکته
۶۲	۲۷	« نوح اندر
۱۶۲	۴	گفتن هر یك
۱۱۵	۱	گفت نه مستور
۳۰۲	۳۱	« نی آن نار
۸۵	۲۸	« نی از صوفیان
۳۴	۲۷	« نی اول
۱۴۷	۳۱	« نی بادی
۳۰۷	۲۰	« نی برخیز
۳۳۵	۱۷	« نی بردل
۳۵۲	۳۳	« نی خامش
۴۱۶	۸	« نی دزدی
۱۵۸	۲	« نی رفتم
۲۱۷	۱۹	« نیکوئی
۴۴۱	۳۶	« نیکو بنگر
۱۴۷	۳۲	« نیکوتر
۱۲۷	۳۹	« نیم گندم
۱۵۸	۱	« نی من آشنا
۱۳۴	۱۳	« نی من آن
۳۷۹	۱۱	« نی من پیش
۳۵	۱۳	« نی من خود
۱۱۹	۱۵	« نی نی این غر
۱۹۴	۱	« نی نی بلکه
۱۸۸	۲۶	« نی نی در نگیر
۱۵۸	۲۴	« نی نی راضیم
۳۳۹	۲۰	« نی نی من حر
۱۵۴	۲۴	« نی نی مهلتی
۲۴۸	۲۲	« نی نی یار سو
۹۳	۶	« نی والله
۱۰۷	۳	« واپس رفته
۳۶۹	۱۴	« واپس واپس
۲۱۶	۶	« واسجد
۳۳۵	۱۲	« واعظ
۱۳۴	۳۳	« واگو کز
۸۸	۶	« والله آمدم
۱۱۰	۷	« والله از
۲۸۲	۱۱	« والله تا ابد
۵۳	۳۱	« والله عالم
۱۲۸	۳	« والله نیست
۱۷۵	۳۷	« واویلا

صفحه	سطر	اول بیت
۵۶	۱۴	گفت وجهم گر
۲۳۴	۳۶	« وقت
۲۰۵	۱۰	« وگو بسیار شد
۲۶۱	۲۲	« وگو بسیار گشت
۱۴	۱۱	« وگوی ظاهر
۸۰	۲۷	« وهم کان
۳۹۴	۲۳	« وهو معکم
۱۹۴	۳	« ویران گشت
۱۲۱	۱۰	گفته است الکذب
۱۴	۵	گفت هان ای
۴۴۳	۲۱	گفته اند المستشار
۳۰۶	۱۵	گفته اند رنبی
۳۶۴	۳۹	گفته اوجمله
۱۳	۳۶	« ایشان بی
۲۳۲	۴۲	« ایم اینرا
۴۳۶	۳۲	« اینجا نیست
۸	۶	« اینك ما
۲۰۸	۳	« باخود در
۴۴۰	۱۷	« بودیم آخر
۴۰۶	۱۳	« بودیم از سقا
۳۲۴	۱۷	گفت هذا ربی
۱۶۹	۲۶	« هر برگ و
۳۷۲	۱۹	« هرچت
۸۴	۲۳	« هرچند
۴۲۴	۳۰	« هرچه کاله
۴	۲۶	« هردارو
۲۴	۶	« هر رازی
۳۷۵	۳۷	« هرشش
۲۵۷	۱۸	« هرکس
۴۱۹	۲۴	« هرکو
۱۳۶	۲۹	« هرگاهی
۱۲۰	۳۹	« هرمردی
۱۳۵	۶	« هریکتان
۱۵	۲۸	« هریك را
۱۷۳	۳۰	« هریك من
۲۲۶	۲۳	« هستم در
۲۵۳	۲۶	« هستم غرق
۲۷۱	۱۰	« هستم یار
۱۴۱	۳۶	« هستند آن
۴۱۴	۴	گفته شد آن
۳۷۳	۵	گفته شد که هر
۴۲۴	۳۱	« فرزندان
۴۴۰	۱	گفت هم جنسیم
۴۲۳	۲۸	گفته مرخور شید
۴۳۹	۳۴	گفت همراهم
۲۶	۱۶	« همره را
۴۲۸	۳۹	گفته نارو
۳۵	۲۳	« ناگفته
۱۱۹	۱۴	گفت هنگام
۴۳۵	۳۶	گفته نی ضرب
۴۳۴	۲	« هامانت
۱۱۹	۱۳	گفت هی تو
۳۶۹	۱۳	« هجده
۵۷	۲۱	« هیچ از
۱۱۵	۳۲	« هی مستی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۱	۴	گفت هین از
۲۲	۱۴	« هین اکنون
۱۷۵	۲۰	« هین امروز
۴۳۷	۱	« هین بیش
۶۹	۲۸	« هین در کش
۱۱۷	۱۶	« هی هی این
۳۷۱	۱۹	« هی هی گفت
۳۹۸	۹	« یاحادی
۱۱۷	۳	« یادم
۳۷۰	۱۱	« یار اتو
۲۶۱	۲۳	« یار ادر درون
۱۹۰	۶	« یارب او
۸۵	۶	« یارب اینچه
۳۱۷	۱۰	« یارب بارها
۴۱۴	۱۷	« یارب برگ
۳۰۷	۴۱	« یارب بندگان
۲۹۴	۳۳	« یارب بیش
۱۹۲	۱۰	« یارب تا بصد
۳۸۶	۲۲	« یارب توبه
۷۹	۱۸	« یاربدبلا
۳۰۷	۳۸	« یارب دشمنم
۱۳۰	۳۹	« یارب دفع
۲۶۴	۱۵	« یارب زان
۳۰۳	۳۲	« یارب زین
۲۲۷	۲۸	« یارب گر ترا
۱۳۲	۹	« یارب مرغلام
۱۷۲	۲۵	« یارب منکر
۲۷۳	۲۴	« یارب میفریب
۲۳۵	۳۷	« یارب نام
۱۱۲	۱۶	« یارب نیست
۶۱	۳۵	« یارش
۸۵	۷	« یاموسی
۹۲	۱۶	گفتی اندر
۱۴۸	۴۰	گفت یزدان از
۸۸	۳۲	« یزدانت
۱۹۰	۱۱	« یزدان تو بده
۳۷۳	۳۶	« یزدان زان
۳۰۷	۷	« یزدان زود
۳۰۷	۳۷	« یزدان که بعلا
۲۷۱	۳۴	« یزدان که تر
۲۱۸	۳۸	« یزدان وصفة
۳۲۶	۳۰	« یزدان ما
۱۴۹	۳۳	« یزدان مرنبی
۳۰۸	۸	« یزدان هر که
۳۷۹	۳۳	گفتیش ای عقبه
۴۳۹	۳۵	گفت یعنی
۷۰	۱	« یك اصبع
۳۹۴	۶	« یك خاصیتم
۳۹۴	۶	« یك خاصیتم
۳۷۱	۶	« یکروزی
۱۴۷	۱۷	« یك گوشه
۳۹۴	۱۰	« یك نك
۱۲۸	۲۹	« یوسف این
۶۳	۳۴	« یوسف هین

کتابخانه خصوصی
غلامحسین - سرود

صفحه	سطر	اول بیت
گ - ل		
۱۰۷	۱۶	گل برآرند
۴۲۹	۴۶	« بسالی
۱۵۲	۲۹	گلخن نفس
۴۳۳	۳۲	گل درین
۴۳۲	۱۷	« زبذلت
۱۸۶	۱	گلستان
۱۷۴	۲۷	گلشکر آنرا
۲۴۴	۱۲	« خوردم
۱۴۵	۳۰	گلشن خرم
۴۲۱	۱۱	گلشنی کز گل
۴۲۱	۱۱	« کز نقل
۳۱۵	۳۷	گل فروشست
۱۱۶	۲۸	« مخر
۲۹۵	۸	« نماندخار
۳۲۹	۱۴	گله گله از
گ - م		
۴۱۶	۲۶	گمرهی را
۲۹۵	۱۷	گمشداز
۲۹	۲۹	« و
۲۳۱	۲۸	گم شود
۱۳۴	۴۳	گم شوی
گ - ن		
۴۲۹	۳۵	گنبد گردون
۴۳۳	۳۴	« گل
۳۲۳	۴	گنبدی کرد
۴۲۹	۳۵	« گوئی
۳۳۷	۱۴	گنج آدم
۳۱۹	۵	« بی مارو
۱۹۷	۲۵	« زری
۲۵۶	۲۶	« زیرخانه
۵۸	۷	« مخفی بد
۵۸	۷	« مخفی بد
۳۳۷	۱۴	« وگوهر
۴۳۰	۱۰	« ومال
۳۹۰	۸	گنجها بدهم
۲۰۷	۲۴	« بنهادآن
۱۲۸	۲	« بنهاده
۲۹۰	۲۶	« رادر
۳۲۵	۱۳	« ی خاك
۲۲۰	۲۶	گندشرك
۱۰۵	۳۳	« کفرتو
۲۲۱	۲۲	گندم ار بشکست
۱۴۴	۳۴	« ازبالا
۴۴۸	۶	« بریان
۱۰۰	۳۳	گندمخفی
۴۳۶	۴۵	گندمش از
۱۹۰	۲۵	گندم وجو
۷۷	۲۶	گندمی خورشید
۶۳	۱۶	« را
۳۵۶	۳۹	گنده پیراست
۳۶۲	۲۶	« پیران
۸۳	۲۵	« پیرجاهل
۴۴۳	۲۴	« گوی

صفحه	سطر	اول بیت
گ - و		
۴۴۲	۱۲	گوئیا ازدم
۲۸۸	۳۱	گوئی آنجاخاك
۲۹۳	۲۳	گوئی آندل
۳۹۳	۱۱	گوئیادل
۶۶	۳۳	گوئیار نجور
۱۸۳	۲۳	گوئی ازتوبه
۱۸۷	۱۰	گوئی ازچه
۱۰۳	۲۲	گوئیش پنهان
۱۸۴	۳۴	« خاموش
۱۰۵	۸	« خبر
۱۰۵	۱۰	« من
۳۸۷	۱۶	گوبدوچندانکه
۱۹۹	۳۴	گوبران بر
۱۲۵	۲۷	گوراوهرگز
۲۳۳	۴	« چه از
۱۴۰	۱۰	« خانه
۱۲۷	۷	« خوشتر
۱۱۵	۱۷	« بیجویند
۱۱۵	۱۶	« میگیرند
۲۷۲	۲۷	« هایکسان
۸۹	۳	گوززندان
۴۰۰	۳۰	گوسفنداز
۱۴۳	۲۱	گوسفندان بوی
۱۲۸	۳۴	« حواست
۴۷	۲۵	« راز
۲۰۳	۳۶	« گر
۴۰۰	۲۹	گوسفندی از
۱۳۸	۱۱	گوش آنکس نوشد
۳۴۵	۱۶	« انگیزد
۲۴۸	۴	« بعضی زین
۱۹۱	۱۹	« بنهاده
۲۱۳	۱	« بیگوش
۳۲	۳	گوشت پاره آدمی
۳۱۰	۱۲	« پاره آلت
۱۱۶	۳۵	« پاره که
۳۰۱	۲۲	« دارد
۱۲۵	۲۴	« کاندر
۴۴۴	۷	« نادیده
۳۳۶	۳۵	« نیم من
۱۴۵	۱۳	گوش تو اورا
۸۹	۳۵	« تویر
۳۱	۲۳	« جان
۹۲	۲۲	« چون
۶۷	۱۵	« حس
۲۳	۲۵	« خر
۲۱۱	۳۵	« داراکنون
۸۴	۱۳	« دارای
۴۰۱	۲۰	« داری تو
۹۲	۲۰	« دلالست
۱۴۹	۳۸	« دل را
۱۴۵	۱۱	« راکنون
۴۲۲	۹	« رابربند
۳۴۵	۹	« رابگرفت

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۹	۵	گوش رابندد
۴۱۷	۲۰	« رارهن
۴۰	۵	« رانزدیك
۱۳۹	۳۰	« سر
۳۳۹	۳۸	« ظاهر
۴۱۳	۲۶	« کان
۱۱۳	۴	« کردم
۳۵۸	۲	« کن استفت
۱۴۵	۱۰	« کن اکنون
۱۳۳	۲۶	« کن چون حلقه
۲۷۰	۴	« کنعان
۱۴۹	۳۹	« کن هاروت
۲۵۴	۹	« گویدمن
۲۵۴	۹	« گویدمن
۱۸۹	۸	« گیری
۲۸۴	۴	« ماگیر
۳۳۷	۲۱	گوشمال محنت
۱۴	۱۹	گوش ماهوش
۳۰۷	۲۲	« من ازغیر
۳۰۷	۲۴	« من کر
۲۱	۱۱	« من لایلدغ
۲۹۸	۲۵	« نه اوفوا
۹۱	۲۸	« نه تو
۵۹	۵	گوشواره چه
۱۷۱	۳۱	گوش و چشم و
۳۰۰	۲۹	گوشوریکبار
۴۰	۲۱	گوش وهش
۲۸۱	۲۰	گوشهایت گیرد
۱۵۵	۹	گوشهٔ بی گوشه
۱۴۷	۲۰	« خالی
۲۴۱	۵	« رو
۴۱۹	۱۶	« عرشش
۲۰۱	۲۳	« گوشه
۱۸۸	۲۵	گوغلامم را
۵۵	۷	گوکه مارا
۴۰۵	۲۷	گول راوغول
۲۸۵	۲۸	گول میکن خویش
۸۳	۲	گونه گون میدید
۴۰۶	۱۲	گونه گونه خوردنیها
۳۳۴	۳۶	گونه گونه شربت
۳۱۷	۳۵	گوهر اربرده
۳۴۸	۴	« امرشه
۳۵۳	۲	« جان
۹۱	۱۰	« چه
۱۷۱	۳۰	« دیده
۱۳۳	۱۶	« معقول
۱۶۱	۷	« هریك
۳۱۷	۶	گوهری از
۲۹۳	۶	« اندر
۳۴۷	۱۳	« بیرون
۲۸۱	۳۷	« دارم
۸۴	۱۳	گوی آنکه
۱۷۱	۲۷	« الله اکبر
۲۹۳	۲۵	گویدآری از

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۸	۲۶	گویدآری لیك
۴۴	۴	« آری نی
۱۰۳	۲۰	« آن استاد
۲۸۹	۲	« آن بد
۲۴۱	۲۹	« آن دانه
۱۳۹	۳۹	« آن رنجور
۲۴۶	۶	« ارآیم
۲۱۳	۳۲	« ازجام
۳۰۱	۱	« ازچندین
۱۸۹	۳۵	« ازخاری
۱۷۹	۸	« ازکارم
۳۶۴	۱۳	« اندرنزع
۱۸۴	۳۷	« اوآزرده
۴۱۲	۳۴	« اوچون ترك
۱۸۳	۲۱	« اوچون زفت
۳۱۶	۱۳	« اوکاین
۶۵	۱۸	« اوکه پرتو
۱۷۹	۷	« اوکه روزگار
۲۱۳	۳۱	« اومجبوس
۲۳۳	۷	« اومنگر
۲۰۸	۳۱	« ای اجزا اجـ
۲۰۸	۳۴	« ای اجزای
۱۰۲	۱	« ای بنده
۴۰۰	۱۶	« ای رب
۴۰	۶	« این آواز
۴۸	۱۸	« این شرمنده
۳۰۸	۱۴	« ای یزدان
۲۹۳	۲۲	گویدت این
۲۰۲	۳۴	« تریاق
۴۱۲	۲۶	« خندان
۷۲	۱۷	« دردل
۹۸	۱۴	گویدش بگذر زمن
۴۲۰	۲۷	« بگذر سبك
۴۱۴	۳۰	« بنشین
۴۲۰	۲۹	« جنت
۴۰۰	۱۷	« حق
۱۸۳	۲۲	« دل
۱۸۸	۷	« ردوا
۱۸۸	۷	« زین پس
۴۱۲	۳۹	« عیسی
۶۵	۱۰	« کای
۴۰۲	۵	« گیرم
۳۴۸	۱۷	« لیکن
۳۰۸	۱۵	« یزدان
۲۴۰	۳۵	گوی شو میگرد
۱۹۹	۳۰	گویم آنکه
۱۹۸	۱۰	« افکندم
۱۰۴	۸	« ایخورشید
۲۷۷	۴	گوی مرگلخواره
۲۱۳	۳۰	گویمش رو
۲۱۳	۳۱	« زان
۱۱۵	۵	گوی میبازد
گ - ه		
۹۹	۱۱	گه بیحرش میبرد

صفحه	سطر	اول بیت
۸۹	۹	گه بدرویشی
۱۵۲	۳۳	گه بگفت و گه
۹۹	۱۲	« بلندش
۳۶۶	۲۰	« بهار وصیف
۸۰	۳	« تراگوید
۲۳۲	۱۲	« ترنج تخت
۳۸	۳	« تناقض
۴۰	۱۲	« توئی گویم
۱۲۹	۶	« جنون بیند
۹	۲	« چنین بنماید
۲۳۲	۱۳	« چنین شاهی
۴۰۳	۳۴	« چوکابوسی
۲۸	۱۷	« حضیض و
۲۳۲	۱۱	« حمایلهای
۲۵۵	۳۰	« خطاب آمد
۸۹	۱۵	« خیال آسیا
۸۹	۱۵	« خیال آشتی
۸۹	۱۳	« خیال فرجه
۸۹	۱۴	« خیال کاله
۸۹	۱۳	« خیال مکسب
۸۹	۱۴	« خیال نقره
۱۳۴	۳۷	« درختش
۲۵۵	۲۸	« زبامی اوفتاد
۲۵۶	۱۴	« زعکس جوشـ
۲۵۶	۱۳	« زعکس نار
۲۸	۱۷	« شرف گاهی
۴۰۷	۱۷	« گه آن
۳۵۶	۲۶	« گهی میگفت
۸۰	۲	« مشبه را
۲۵۵	۲۹	« ندات آمداز
۲۵۵	۲۹	« ندات آمدصـ
۱۸۳	۴	« نظر اورا
۲۵	۲۲	« نظر بر نور
۲۵۵	۲۷	« نگون اندر
۶۶	۱۱	« یمینش میبرد
۹۹	۱۲	« یمینش میبرد
گ - ی		
۴۱۲	۱	گیج کرد
۱۷۰	۳	« گشتم
۴۱۲	۱	« نبود
۲۹۴	۲۲	گیر این دام
۳۶۰	۱۰	گیرم آن
۳۰۴	۲۲	« اکنون
۲۰۶	۱۶	« ای کر
۲۹۹	۱۴	« این وحی

حرف ل

صفحه	سطر	اول بیت
ل - ا		
۳۸۱	۳۷	لاابالی عشق
۴۱۲	۷	« گشته ام
۳۹۶	۳۸	« گشته بود
۳۹۶	۱۶	« لاابالی
۳۱۰	۹	« مرکسی
۳۱۰	۹	« وارآزاد

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۲	۱۹	لاابالی وار
۸۴	۵	لااحب
۱۶۸	۱۱	لااعود
۲۳۰	۱۲	لااله الاهو
۴۴	۲۴	« گفت و
۳۸۶	۶	« گفت و
۴۱	۸	لابود
۲۶۳	۷	لابه‌ات را
۴۷۷	۴۷	« کردش
۳۰۶	۲۸	« کردو
۳۸۰	۲	« کردی در
۲۶	۱۷	« کردیش
۳۴۱	۳	« وزاری زن
۱۳	۳۶	« وزاری همی
۳۴۸	۱۵	لاتؤاخذ
۳۱	۴	لاتخافوا هست
۱۲۵	۳۶	لاتخافوا از خدا
۲۷۷	۱	لاتخالفهم
۱۴۵	۱۸	لاتخف
۷۵	۲۳	لاتزغ
۴۰۳	۳۰	لاتطرق
۴۳۶	۲۴	لاتغافل
۵	۷	لاتکلفنی
۴۰۳	۳۰	لاتکن طوع
۱۸۴	۲	لاجرم آماس
۱۴۲	۴۱	« آن راه
۱۵۴	۴	« آن فتنها
۲۵	۲۵	« ابصارنا
۲۸۶	۱۱	« ازسحر
۲۸۶	۱۲	« ازسحر
۲۵۹	۱۰	« ازصدر
۳۷۴	۱۹	« استاد
۲۴۰	۱۷	« اسفل
۱۱۵	۲۲	« اشفقن
۲۵۴	۶	« اعمی
۲۴۸	۱	« اغلب
۴۴۴	۲۲	« اودولت
۲۸۷	۲۱	« اوزود
۲۵۰	۷	« بسیار
۲۰۵	۷	« برتو
۳۷۳	۳۰	« تنها
۱۶	۱۱	« چون بر
۱۷۱	۱۶	« چون سایه
۳۷۳	۱۱	« چه
۴۰۰	۳۵	« حقش
۱۸۵	۹	« حق هردو
۳۲۸	۱۲	« در
۴۴۳	۲۸	« دستش
۲۸۸	۳۰	« دنیا
۲۸۶	۴	« زآتش
۲۶۵	۱۳	« زنجیر
۱۰۰	۳۰	« زین
۲۹۵	۳۸	« سرگشته
۴۴۷	۵	« فریاد
۲۸۰	۶	لاجرم کافر
۶۶	۱	« کفار
۱۰۶	۲۶	« کوتاه
۲۷۶	۱۴	« گفت
۳۰۱	۲۷	« محجوب
۳۲۱	۶	« مغلوب
۱۰۹	۲۲	« موسی
۹۱	۱۴	« میخواست
۲۸۰	۱	« نشتابد
۱۸۸	۴۳	« هردو
۱۵۴	۹	« هرکس
۱۱۸	۱۱	« هرمرغ
۸۲	۱۵	لازم آمد
۳۷۴	۷	لاشئی بر
۲۶۳	۱۰	لاشدی پهلوی
۳۷۸	۸	لاغ او
۳۷۸	۷	« این
۳۶۹	۳	« باخوبان
۴۳۹	۴۳	« دیگر
۴۳۹	۴۳	« های تو
۹۶	۳۴	لاف ازشه
۱۴۸	۳۵	« تومارا
۱۷۳	۱۲	« تومحروم
۱۴۸	۲	« درویشی
۳۹۰	۱۱	« شیخی
۲۰۱	۴۳	« غره
۳۸۳	۸	« کیشی
۱۴۹	۵	« واداد
۱۳۳	۱۴	« ودعوی
۲۲۹	۳۴	لافت الاشباح
۳۴۹	۲۱	لالان اربح
۴۴۷	۳۳	لاله رادرسر
۱۵۵	۱۷	لامکانی که
۳۴	۵	لامکانی نی
۱۶۷	۱۸	لانسلم
۳۵۵	۲۰	لانفوذ
۳۵۵	۲۱	لاهدی الا
۷۷	۲	لایسع فینا
۳۸۰	۴	لایعد این
۶۴	۲	لایق آن دیدم
۳۸۰	۳۸	« آنکه
۱۸۵	۱۵	« این
۳۱۶	۱۱	« ذکر
۸۲	۲۹	« هر
۴۳۹	۵	لایقی با
		ل - ب
۴۰۲	۷	لب بیست و
۱۲۹	۹	« بیسته
۳۶۷	۲۴	« بیند آنجا
۲۵۰	۱	« بیندارچه
۳۳۳	۳۶	« بیند دسخت
۷۰	۳	« بیند و غور
۹۸	۳۰	« بیند و کف
۲۰۹	۶	« به بندم هر
۳۰۸	۱۸	لب فروبند
		ل - (ج - ح)
۳۹۵	۲۴	لجم بیند
۳۰۹	۲۴	لحظه لحظه
۱۹۸	۴	لحم او وشحم
۳۲۵	۱۹	« عاشق
۱۳۹	۳۵	« های
۱۸۲	۱۸	لعن داودی بسنگ
۹۵	۳۶	« داودی چنان
۶۶	۲۴	« مرغان
		ل - (ذ - ز)
۱۳۳	۲۱	لذت آواز
۴۱۵	۳۶	« ازجوع
۱۵	۳	« انعام
۳۴۹	۳۵	« تحصیص
۱۰۲	۲۵	« دست
۱۵	۲	« هستی
۱۹۶	۳۵	لرزه بر اعضای
۴۳۶	۳۱	« بردست
		ل - ش
۴۱۶	۳۳	لشکر آرد
۴۲۱	۲۸	« حق
۴۳۵	۲۱	لشکرش خوانند
۶۱	۳۱	لشکری از
۱۳۱	۲۴	« رامرغکی
۶۱	۳۱	« زارحام
۶۱	۳۰	« زاصلاب
		ل - ط
۵۷	۱۶	لطف آب بحر
۲۸۲	۲۵	« ازحق
۲۵۸	۷	« اندر
۲۶۱	۵	« او
۲۸	۲۳	« باری
۲۲۷	۲۹	« توخواهم
۲۸	۲۴	« حق
۲۰۱	۱۲	« رویش
۱۱۹	۳۰	« سابق
۵۹	۱	« سبزه
۵۷	۱۵	« شاهنشاه
۸۴	۲۸	« شه
۱۷۳	۱۹	« شیرو
۵۷	۱۵	« عقل
۴۴۸	۷	« فرما
۲۴۵	۴	« کن ای راز
۱۴۳	۲۱	« کن این
۳۰۷	۱۵	« مخفی
۳۹۵	۱	« معروف
۲۹۰	۱۲	« مه
۳۸	۲۹	« وسالوس
۴۳۳	۲	« وفضل
۳۱۴	۳۸	« وقهری
۴۱۷	۳۷	« های شه غمش
۴۲۴	۹	« های شه که
۳۰۷	۱۷	« های مضمر
		ل - ع
۲۰۳	۱۹	لعبت مرده
۲۸۶	۲۴	لعب معکوس
۳۹۱	۲۵	لعل او گویا
۴۰۳	۵	« رازان
۱۰۶	۲۱	« راگر
۴۰۴	۱۷	« ویاقوت
۸	۱۴	لعنة الله
۱۲۰	۲	« این باشد که
۱۱۷	۳۵	« اینباشد که کز
۴۳۱	۳۵	« بسیار
		ل - ف
۳۱	۲۳	لفظ جبرم
۱۲۹	۲۲	« چون
۱۲۵	۲۰	« درمعنی
۳۶۲	۱۴	« رامانده
۱۲۲	۳۶	« کاید
۴۲۸	۴	لفظنا شتی
۲۴	۱۷	لفظها و نامها
		ل - ق
۳۰۲	۳۲	لقمه اندازه خور
۳۰۲	۳۱	« اندازه نخور
۱۳۸	۹	« بخشی آید
۳۵	۹	« تخمیست
۱۷۴	۲۶	« تلخی چو
۱۷۴	۲۶	« حکمی که
۲۶۰	۹	« دولت
۳۸۴	۲۹	« راکه
۸۸	۲۲	« زندانیان
۳۵	۶	« کان
۳۴	۲۹	« ونکته
		ل - (ك - ل - م - ن)
۱۳۶	۱	لکلك ایشان
۷۰	۲۸	المخبیثات
۱۸۴	۱۵	لم یذق لم
۱۵۸	۵	لم یلد لم یولد است
۱۰۶	۶	لم یلد لم یولد او را
۲۰۶	۳۴	لنگر عقلست
۱۵۲	۳۳	لنگ و لوك
		ل - و
۸۷	۲۸	لوت خوردند
۴۰۴	۳	لوتش آورد
۳۲۸	۳	لوت و بوت
۲۴۷	۱۴	لوح حافظ تو
۲۴	۲۱	« حافظ لوح
۱۰۷	۱۴	« راول
۳۹۶	۲۶	« محفوظ از
۲۴۵	۲۰	« محفوظ است
۳۹۱	۲۰	« محفوظ است
۴۱۸	۱۹	لو طرازن
۴۰۸	۴۲	لو طی دب
۵۵	۱۱	لولها بربند
		ل - ی
۵۴	۲۴	لیتنی کنت
۱۹۹	۱	لی حبیب
۳۵۵	۲۰	لیس للجن
۳۷۴	۱۰	« للماصنین
۲۳۴	۸	« من
۳۳۷	۳	« یألف
۳۱۲	۲	لبك آدم
۲۸۷	۱۲	« آمد
۲۵۶	۲۷	« آن تو
۶۲	۳	« آن دو
۲۹۴	۳	« آنرا که
۴۰۷	۲۵	« آنسر
۲۲۱	۲۶	« آنصدیق
۸۸	۱۹	« آنصوفی
۴۳۲	۹	« آنکامل
۱۲۲	۲۵	« آن کاول
۲۶۹	۲	« آن مستی
۱۲۳	۲۲	« آن نقش
۹۲	۴	« آهن را
۲۵۲	۷	« ازآن نندیشد
۱۵۲	۲۲	« ازاو فرعون
۳۳۶	۱۹	« ازایمان
۱۶۴	۵	« ازتأثیر
۴۱	۲	« ازتانیث
۳۵۴	۳۴	« ازچشم
۴۳۱	۲۲	« ازحب
۱۹۶	۱۰	« ازرشك
۹۵	۴۱	« ازعلت
۳۱۲	۳۸	« ازلیلی
۳۰۳	۲۱	« ازمعنی
۱۹۲	۲۳	« ازنور
۱۸۵	۷	« ازومقصود
۹۶	۱۷	« اسب کور
۴۰۶	۱۰	« استثنا
۱۵۱	۴۴	« استغفار این
۱۰۴	۱۶	« استغفارهم
۴۴۳	۴۴	« اعلام
۳۰۵	۱۵	« اغلب بر
۲۵۰	۱۰	« اغلب چون
۴۰۲	۱۱	« اغلب هوشه
۲۴۲	۲۷	« افزون
۹۵	۳۹	« اگرآن
۴۳۰	۲۱	« اگرازفضل
۲۹۵	۶	« اگرباشد
۳۵۵	۱۱	« اگربودیش
۷۳	۱۹	« اگردرگفت
۴۱۹	۳۸	« اگرمیرم
۲۱۴	۸	« اگریک
۱۳۹	۱۵	« الله
۳۸۳	۲۱	« اندرچشم
۳۴۴	۳۶	« اندرغیب
۹۵	۶	« اندرهرصدة
۲۲۵	۱۱	« اوبیند
۳۷۲	۲۶	« اوراخسته
۲۸۹	۱۳	« اول

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۵	۲۳	لیك این بار آن
۲۲۴	۱۹	« این گرمی
۲۶۶	۳۲	« این مسکین
۳۰۹	۱۹	« این ناقه
۳۸۴	۸	« این یك
۲۹۷	۳۱	« باا وگویم
۳۶۱	۴۳	« بااین جمله بال
۱۶۶	۱۲	« بااین جمله چ
۴۱۷	۳۴	« با باگندمان
۱۹۵	۱۴	« بابیرغبتی
۳۸۳	۳۶	« باخانهٔ
۶۱	۴	« باخود
۶۷	۲۱	« باخورشید
۴۳۷	۱۲	« بازاز
۴۴۲	۳۱	« بایدکاری
۲۲۸	۵	« بدمقصودش
۶۶	۷	« بربرگی
۲۹۶	۴	« برخوان
۵۹	۳۵	« برشیری
۲۱۶	۱۳	« برقلاب
۳۴۳	۱	« برمقتل
۲۸۹	۳۳	« برمن
۲۶۳	۳۱	« بعض
۴۲	۲۶	« بگریزید
۱۵۶	۴	« بنمایم شمارا
۱۵۶	۳	« بنمایم نشانی
۱۰	۳۰	« بهرآنکه
۳۴۶	۱۶	« بی اصلی
۳۱۰	۴	« بیرون
۷۶	۱۳	« بی غم شو
۳۳۰	۲۷	« بی هیچ
۴۰۴	۵	« پاسخ
۱۵۷	۲۵	« پایت
۲۸۴	۲۷	« پروانه
۹۵	۸	« پوشیده
۹۹	۸	« پیدا
۲۵۰	۱۸	« پیر
۸۶	۲۰	« پیکار
۳۲۶	۴۰	« تاآب
۴۳۵	۴۱	« تابامن
۴۳۳	۳	« تاراهی
۱۵	۳۰	« تامن
۳۵۵	۳۲	« تلخ
۳۵۳	۲۹	« تمثیلی
۲۶۵	۱۰	« توآیس
۳۳۹	۲	« جان از
۱۹۴	۳۵	« جان در
۴۱۲	۲۸	« جرم
۳۹۷	۱۵	« جمعیت
۳۲۳	۱۱	« چون آدم
۲۲۸	۹	« چون آمیخت
۶۸	۱۴	« چون این
۲۸۶	۲۷	« چون پروانه
۴۲۱	۳۵	« چون تو

صفحه	سطر	اول بیت
۲۵	۱۸	لیك چون در رنگ
۴۳۷	۳۹	« چون دستور
۳۰۶	۲۲	« چون دیدند
۲۶۲	۲۷	« چون رنجی
۳۴۹	۳	« چون من
۲۵	۲۶	« چون موج
۳۷۷	۳	« حاضر باش
۲۲۷	۷	« حق بهر
۳۸۶	۳۲	« حق بی پرده
۳۸۵	۱۱	« حق دادش
۲۸۰	۲۹	« حکمت بود
۱۵۶	۹	« حیوانی
۳۵۶	۲۶	« خاتون
۴۱۶	۴	« خادع
۴۰۸	۲۱	« خامش بر
۱۰۸	۲۰	« خامش کرده
۴۳۱	۳۳	« خررا
۴۰۲	۱۳	« خفاشی
۲۳۰	۲۱	« خود
۳۸۶	۱۳	« خورشید
۲	۸	« داندهر که او
۳۸۲	۱۸	« داندهر که او
۱۹۱	۲۵	« درخواهم
۱۰۳	۲۳	« درروبت
۲۳۲	۶	« درسبای
۲۲۸	۳۲	« درشیخ
۱۰	۱۹	« درظلمت
۶۹	۳۲	« درکش
۱۹۵	۴	« درکه
۲۲۳	۹	« دروقت
۵۵	۳۶	« درویشیکه آن
۵۵	۳۶	« درویشیکه بش
۳۵۲	۵	« دعوت
۳۰۶	۱۶	« دلهاشان
۲۲۷	۵	« ذوق
۳۲۳	۳۷	« رفت
۴۴۳	۳۹	« روی او
۴۰۷	۲۴	« روی خود
۹۰	۲	« زان درمان
۳۸۸	۲۵	« زیرپای
۲۳۳	۱۵	« زین شبرین
۲۰۲	۳۵	« سحری
۳۴۰	۱۲	« سرخی
۲۰۹	۴	لیکش از
۴۱۴	۴۱	لیك شرم و
۵	۲	« شمسی
۲۰۰	۱۱	« شمع عشق
۴۰۲	۱۴	« شهبازی
۲۲۹	۱۷	« شهوت
۲۰۴	۳	« شیرینی
۱۵۹	۴۱	« صافی غرق
۱۵۹	۳۷	« صافی فارغ
۶۸	۳۴	« صیقل
۲۰۸	۱۰	« عشق

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۴	۴۳	لیك عقل
۳۸۸	۳۶	« عمر
۱۹۰	۳۱	« فردا استرش
۱۹۱	۸	« فرداخواهد
۲۴۱	۶	« فتح نامهٔ
۱۴۸	۱۶	« قربی
۲۱۹	۳۶	« قسم
۲۲۶	۲۲	« کل سنگ
۱۴۸	۱۷	« کوآن
۳۲۴	۳۸	« کوته
۳۲۶	۶	« کوشیدند
۳۴۶	۱۱	« کی دانی
۲۸۶	۱۶	« گرآیینه
۱۸۸	۳۶	« گردرده
۴۲۱	۳۸	« گردرغیب
۳۳۳	۲۰	« گرمن
۲۷۱	۳۰	« گرواقف
۱۸۹	۳۸	« گفت آن
۳۲۳	۷	« گفتم زور
۲۲۸	۲۵	« گفتم ناس
۳	۲۵	« گفتی
۳۸۶	۱۱	« گویدبا
۱۶۱	۸	« لطفی گشته
۲۸۵	۳۹	« لعب بازگونه
۴۱۰	۱۹	« لعب هر
۲۷۹	۳	« لقمه
۲۲۳	۱۵	« مانند
۱۱۸	۱۳	« مؤمنزدان
۲۷۹	۲۹	« مؤمن زاعتما
۳۷۵	۱	« محبوسی
۴۱۱	۱۷	« مرج جان
۲۴۷	۲۶	« مردعاقلی
۳۵۹	۱۱	« مرکب را
۲۰۱	۳۳	« مستی
۳۵۳	۸	« معنیشان
۲۰۴	۱۶	« مقصودم
۱۸۸	۸	« من آن
۳۸۶	۸	« من اینك
۴۳۶	۱۲	« من مأمور
۳۴	۲۶	« موسی را
۳۱۱	۳	« موسی فهم
۱۷۷	۱۵	« موقوفست
۴۶	۳۳	« مهمان
۱۲۳	۳۱	« میترسم ز
۲۶۴	۸	« میخواهی
۴۱۹	۲۶	« میگوئید
۴۱	۱۳	« میگوید بگو
۲۷۰	۵	« میگویم حدیث
۲۰۹	۱	« میل
۲۱۸	۳۳	« نادانسته
۴۳۹	۴۱	« نادانی
۴۷	۱۴	« نادر
۲۴۰	۲۵	« ناقه
۱۹۲	۳۰	« نبود

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۵	۳۳	لیك نسبت کرد
۳۲۸	۳۴	« نفس
۴۱۴	۴۰	« نفقه
۲۸۲	۳۳	« نورعارفی
۲۵۷	۳۱	« نی چندان
۲۲۰	۳۴	« نی مرغ
۱۰۹	۳۴	« وهابان
۱۱۵	۷	« هردیوانه
۱۳۲	۲	« هرکس
۱۰۵	۲۳	« هرگز
۳۶۰	۳	« هرگمراه
۳۲	۹	« هست آن
۱۰۵	۱۷	« هم بعضی
۶۲	۳۵	« هم رمزی
۱۸۶	۴۹	« هم میدان
۱۴۷	۴	« هنگام
۲۲۳	۷	« یك باشد
۷۱	۸	« یك درصد
۳۸۰	۱۷	« یك رنگی
۴۰۲	۲۵	« یوسف را
۴۴۲	۳	لیل دیجور
۲۶۳	۱۶	لی مع الله

حرف م

م - ا

صفحه	سطر	اول بیت
۴	۹	مائده از آسمان در
۴	۱۱	« از آسمان شد
۲۴۷	۹	« عقلست
۲۹۷	۲۶	ما از آنجا
۱۴	۱۴	ما اسیر انیم
۳۱۱	۱۰	ما اشتهیت
۱۱۸	۲۹	« اگر قلاش
۱۸۹	۳۶	« التصوف
۱۶۶	۱	« بامید تو
۳۵۲	۲۳	« بیحر نور
۲۳۶	۲۲	« بیوش و
۱۸۰	۲	« بدل پیوسته
۳۳	۱۲	« بدین رستیم
۲۸۰	۳۳	« برای خدمت
۱۸۴	۱۰	« براین درگه
۶۷	۳۰	« براین گردون
۱۰۶	۱۵	« برون رانگری
۱۰۶	۱۳	« بری از پاك
۱۴۴	۲۲	« بری از دعوی
۱۰۴	۱۳	« بزخم پیل
۲۳۵	۳۵	« بصد حیلت
۱۱۵	۲۲	« بعکس آن
۱۱۲	۲۵	« بفتوای تو
۱۴	۱	« بگفتار خوشت
۲۲۰	۲۵	« بلغو و لهو
۴۰	۷	« بمردیم و
۳۶	۳۴	« بها و خونبها
۲۹۷	۲۸	« به بیداری
۲۸۹	۱۴	« بیاموزیم

صفحه	سطر	اول بیت
۳۹۰	۲۸	ما پس این
۴۰۶	۱۶	« پی گل
۳۸۲	۲۸	ما تو اوشو
۶۲	۱۹	ما تراوجمله
۱۹۶	۲۱	ما تزید
۱۵۴	۲	ما تکن اورا
۲۱۷	۶	ما تمی درجان
۱۵۱	۱۷	ما تو بزد
۴۳۶	۲	ماجرائی گر
۴۱۹	۲۰	ماجرا بسیار
۱۳۴	۹	ماجرای بلبل
۱۳۴	۹	« شمع
۵۳	۱۲	« مردوزن
۵۳	۱۲	« مردوزن
۳۱۰	۳۸	ماجنون واحد
۲۳۲	۲۷	ماجهانی را
۴۷	۱۶	ماچرا چون
۱۷۹	۲۹	ماچنان پژمرده
۲۰۶	۳۷	ماچو آن کوه
۴۲۴	۴۲	« اسمعیل
۱۴	۲۸	« چنگیم و
۱۵۵	۱۵	« خودرا
۱۷۳	۱	« روباهان
۳۷	۳۴	« زنبوریم
۱۴	۲۹	« شطرنجیم
۱۳	۳۷	« طفلانیم
۸۶	۹	« کران
۱۵۷	۲۰	« کشتیها
۷۵	۳۲	« مصنوعیم
۱۴	۲۹	« نائیم و نوا
۴۰۴	۶	« واقف
۳۶	۲۶	ما چه باشد در
۱۹۰	۳۸	« خروسان
۱۸۵	۶	« خلقت الجن
۴۴۶	۴	« خلقت الجن
۴۴۵	۱۲	« خود آخر
۳۸	۳۱	مادحت گر هجو
۲۷۹	۵	مادح خورشید
۳۰۶	۲۳	مادر آن بچگان
۱۴۰	۲۴	مادر آن فیل
۲۰۱	۴۲	مادر ار گوید
۴۲۴	۵	مادر ار امهر
۱۶۲	۲۸	مادر انشان
۱۶۲	۳۰	مادر ان گفتند
۱۰	۱۵	مادر این انبار
۲۸۱	۲۹	مادر این دهلیز
۱۸	۱۷	مادر بتها
۴۴۳	۴۳	مادرت اینها
۱۳۶	۱۰	مادر تو بط
۳۵۶	۳۴	مادرش آنجا
۱۸۹	۱۳	« از خشم
۱۵۲	۲۰	« انداخت
۱۹	۱۲	« انداخت
۲۰۶	۲۵	« پرسید

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۲	۳۴	مادرش گر
۲۶۶	۱۷	مادرشهزاده
۱۹	۱۳	مادرش هم
۱۹۴	۱۸	مادرطبعم
۲۰	۲۲	« فرزندجویا
۳۴۶	۳۹	« فرزندرا
۳۷۳	۲۱	مادرم کو
۲۹۳	۱۹	مادروباباو
۱۸۲	۳۰	« وبابای
۱۳۳	۳۵	« یحیی بمریم
۱۳۳	۳۵	« یحیی چوحال
۱۳۴	۱	« یحیی کجا
۱۵۷	۸	مادرین فن
۳۸۰	۴۰	مادگی خوش
۱۴۵	۲۲	ماذخیرهٔ
۳۲۴	۷	ماربدجانی
۳۲۴	۸	« بدزخم
۴۲۱	۱۴	« بودی
۱۸۹	۲۹	« درموزه
۱۳۲	۲	« شهوت را
۴۳۸	۱۸	مارعایا
۱۹۲	۳۴	مارکی ماند
۴۸	۹	« گویدای
۱۵۳	۱۰	مارگیرآن
۱۵۳	۷	« ازبهر
۱۵۳	۳۵	« ازترس
۱۵۳	۷	« اندر
۸۱	۱۲	« ش دید
۱۵۳	۲۶	« ی اژدها
۱۵۲	۳۱	« ی رفت
۳۲۰	۳۴	مارموسی
۲۱۱	۱۲	مارمیت اذرمیت آم
۲۴۳	۲۵	« « ابتل
۳۹۹	۲۰	« « اح
۱۹۶	۷	« « از
۳۸۵	۳۶	« « بیو
۲۲۸	۲۶	« « خو
۱۱۸	۴	« « را
۴۲۰	۷	« « فتنه
۲۶۳	۱۰	« « گشت
۹۹	۱۴	« « گف
۸۸	۲۸	ماروکردم
۱۷۲	۲۸	مازحرص
۱۱۶	۳۳	« خودسوی
۲۱۲	۱۶	« ظلم او
۹۶	۲۰	« عشق
۲۱۹	۱۱	« مال وزر
۸۶	۱۰	« موسی بند
۱۶۵	۳۶	« هجرو
۵۷	۲۸	ماسبوها
۴۰۹	۱۹	ماسیاه
۱۵۳	۱۹	ماسبعیم
۹۹	۱۶	ماشکاریم
۱۶۲	۳۰	ماصباح

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۵	۱۷	ماضی ومستقبل
۱۸۰	۳	ماطبیبان نعالیم
۱۸۰	۱	ماطبیبانیم
۱۴	۳۰	ماعدمهائیم
۲۹۵	۲۳	ماعوض دیدیم
۲۱	۲۶	ماعیال حضرتیم
۴۴۸	۱۴	ماغلام ومایه
۳۱۰	۱۱	مافرستادیم از
۳۹۳	۲۳	ماکثیم اینرا بیا
۳۹۸	۲۴	ماکجابودیم
۱۸۰	۲۴	ماکجاوین
۱۰۹	۱۷	ماکران بسیار
۴۰۷	۳۳	ماکنون دیدیم
۳۲	۲۸	ماکه ایم اندر
۳۹۲	۱۸	« ایم اینرا بیا
۱۴	۳۰	« باشیم
۲۵۰	۲۱	« باطن
۸۶	۹	« کورانه
۹۶	۱۳	« واپس
۳۲۶	۱۹	ماگدایانه
۴۳۰	۱۷	مال ازوو
۱۷۶	۱۲	« اوبرداشته
۱۴۶	۳۹	« اوبابد
۱۴۰	۲۳	« ایشان
۳۶۰	۱۹	« ایتام
۷۲	۲۹	« تخم
۳۱۱	۳۴	« چون
۸۱	۸	« خس
۴۰۰	۱۳	« خود
۲۴۳	۴۰	« دادم
۲۴۴	۲	« درایثار
۲۲۶	۳۲	« دنیادام
۶۱	۸	« دنیاشد
۲۲	۳۱	« راگربهر
۱۵۱	۳۹	« رفت وآبرو
۲۹۹	۲۹	« رفت وزور
۳۰۴	۳۱	« رفته
۴۰۲	۱۵	مالشت بدهم
۴۳۴	۱۶	مالك الملکا
۳۹۷	۱۸	مالك الملکست بدهم
۳۹۷	۱۶	« « جمع
۲۲۷	۵	« « هرک
۳۹۳	۳۸	مالك الملکی
۹۷	۲	مالك ملکم
۸۵	۳۵	مال ماخوردی
۱۴۹	۲۷	« مارآمد
۴۱۴	۱۵	« میراثی
۲۹۶	۵	« ناید
۲۰۳	۲۱	« وتن برفند
۳۶۵	۲۸	« وتن در
۴۸	۱۵	« وزرسر
۲۳۹	۴	« ومنصب
۳۳۰	۵	مامحب روح
۱۰۱	۲۱	مامحب صادق

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۵	۳۱	مؤذن آمدزان
۲۱۹	۱۲	ماملولیم
۱۱۸	۱۵	مؤمن آن قلعه
۲۹	۹	مؤمن ارینظر
۳۳۵	۳۰	مؤمن آن باشد
۲۹	۷	مؤمنان آینه
۳۸۰	۷	« ازدست
۱۱۸	۲۰	« در
۸	۱۷	« را
۱۹۰	۱۴	« کان
۲۲۸	۷	« گویند
۲۲۲	۳۳	« معدود
۳۳۵	۳۵	مؤمن ایمان
۲۴۵	۲۲	مؤمنا بنظر
۲۵۰	۳۱	مؤمن خویش
۸	۱۹	مؤمنش گوید
۱۲۴	۱۵	مؤمن کس
۱۱۰	۱۰	مؤمنم بنظر
۳۸۸	۱۴	مؤمن وترسا
۳۸۸	۱۴	« وترسا
۱۱۸	۲۱	« وکافربر
۸۳	۳۶	« وکافرمسلما
۳۰۸	۱۶	مؤمنی آخر
۶۳	۳	« اومؤمن
۳۲۵	۱۵	« باشم
۱۵	۴	مانبودیم و
۱۸۰	۱۰	مانخواهیم
۳۴۲	۱۷	ماندآنجا
۳۰۰	۳	« آن خنده
۲۴	۳۱	« احوالت
۳۵۶	۲۰	ماندانستیم ای
۸۶	۸	ماندانستیم مارا
۲۸۸	۲۵	ماندالاالله
۱۴۴	۱۵	« پیغمبر
۳۰۴	۷	« حسرت
۳۵۸	۱۰	« حیران
۴۲۲	۱۹	« خواهیم
۳۴۲	۱۲	« صوفی
۴۳۲	۱۴	« قبچاقی
۱۰۲	۲۰	« کرجی گفت
۲۵۶	۳۹	ماندم اندر
۳۴۰	۳۲	ماندمهمان
۲۶	۱۷	مانده آن همره
۱۱۷	۱۵	« ام ازذکر
۲۲۷	۱۹	« بوداز
۳۸۷	۳۱	« در
۳۷۴	۱۲	ماندیدیم
۲۴۰	۱۹	ماندیك قسم
۱۷۹	۲۴	مانع آیداز
۲۵۵	۲۱	« آیداو
۳۸۴	۳۲	« باران
۹۱	۳۱	« خویشند
۹۷	۱۸	مانعش از
۴۰۴	۳۴	مانقش

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۱	۲۷	مانگون و
۱۴۰	۱	مانمی بینیم باشد
۱۴۳	۲۲	مانمیخواهیم این
۳۸۶	۳۰	« غیر
۱۷۹	۳۰	« نعمت
۴۰۹	۳۰	مانمی گفتیم کاندر
۴۰۹	۲۹	« کم
۱۸۰	۳۵	مانه زان پیلان
۲۸۴	۳۴	مانه مرغان
۲۲۵	۶	ماواصحابیم
۴۲۸	۱۰	ماه ازنور
۴۴۵	۴۴	« افروزان
۳۶۸	۱۸	ماهئی پژمرده
۱۲۸	۲۴	ماهئی دیگر
۱۵۳	۱۷	ماه بااحمد
۷۳	۲۰	« بی گفتن
۱۸۰	۳۳	« چون شد
۳۶۶	۱۰	« رابازفتی
۹۴	۲۷	« روئی جعد
۸۰	۳۳	« روزه گشت
۲۰۹	۲۵	ماهزاران مرد
۲۳۱	۲۳	ماهزاران گم
۴۰۲	۳۹	ماه عرصهٔ
۲۸	۱۲	« کوافزود
۳۶۶	۲۰	« گردون
۴۱۹	۲۹	« مابی نطق
۲۹۰	۱۴	« مارا
۲۰۹	۳۴	ماهم ازایام
۴۳۹	۴۰	« ازبهرتو
۸۷	۲۴	« ازخلقیم
۱۱۹	۲۰	« ازمستان
۳۵۰	۱۶	« ازمهر
۲۶۴	۱۲	« ازوی
۲۲۸	۸	ماهمه اجزای
۱۶۶	۱۱	« امید
۱۵	۱	« شیران
۴۰۴	۹	« عینیم
۴۴۴	۴۱	« کاری
۱۷۷	۲	« کوران
۴۰۴	۸	« گوشیم
۱۳۶	۱۶	« مرغابیانیم
۷۵	۳۲	« نفسی و
۵۴	۱۲	ماهمی دانیم
۷۱	۲۵	ماه میگوید بابر
۳۶۹	۳۹	« میگوید که اص
۱۸۰	۳۰	« میگوید که ای
۳۰۳	۳۶	« نادیده
۴۴۵	۳۸	« وخورشید
۲۴۳	۱۵	ماهیا آخر
۱۳۰	۹	ماهیان ازپیر
۱۴۵	۲	« افتند
۱۲۷	۱۲	ماهیان جان
۴۰۳	۲۶	ماهی اندر
۱۸۶	۳۱	ماهیان رابحر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۷	۱۴	ماهیان راگر
۴۱۱	۳۹	« رانقد
۱۳۰	۸	« سوزن
۱۹۵	۶	« قمر
۱۲۷	۱۳	ماهیانی جمله
۱۵۸	۱۶	ماهیانیم و
۱۰۵	۱۴	ماهی آواره
۳۹۱	۱۹	« بریان
۵۵	۳۸	« خاکی
۱۰۷	۱۱	مایه خونابه
۳۶۵	۱۵	« دربازار
۴۴۷	۲۳	« صحت
۳۰۱	۵	« کان
		م - (ب - ت - ث)
۳۱۲	۲۲	مبتلاچون
۴۰۸	۱۸	مبتلایان را
۴۳۸	۳۶	مبخرشم
۴۴۱	۲۸	مبدءجمله
۲۹۵	۳۲	مبدع آمد
۳۴	۲۴	مبدعست و
۲۲۳	۱۰	متحدنقشی
۳۴۳	۱۰	متصل شد
۴۴۰	۳۵	« عنعن
۱۶۶	۲۰	« گرددبحر
۲۷۱	۳	« گرددبدان
۲۰۸	۹	« نبود
۱۵۸	۱۶	« نی
۱۶۱	۲۵	متفق گشتند
۲۷۱	۱۷	متقی آنست
۱۳۲	۱۸	متهم چون
۳۱۴	۱۸	« راشاه
۹۱	۲۳	« شد
۳۵۸	۳۲	« کن
۱۲۱	۵	« گشتم
۱۳۲	۱۸	« نفس
۳۴۲	۱۳	مثقلان
۴۱۴	۳۳	مثل آن کبیر
۴۴۳	۷	« آن یابی
۴۲۹	۲۹	« اونادیده
۴۳۸	۴۰	« این و
۴۳۷	۳۶	« خود
۲۹۹	۴	« میزانی
۴۳۵	۱۹	« میش
۴۳۸	۳۵	« ناو
۱۹۲	۷	« نبوداین
۳۵۳	۳۰	« نبودلیك
۲۱۶	۴	مثنوی ازتو
۲۲۸	۲۱	« اندراصول
۲۲۸	۲۲	« اندراصول
۲۲۸	۲۰	« اندر فروع
۲۱۶	۲	« بویان
۲۲۸	۴۱	« چندان
۴۴۱	۳۲	« دارالعیار
۴۳	۲۲	« درحجم

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۰	۱۷	مثنوی‌راچابك
۲۱۶	۳	« راچون
۳۵۴	۳۱	« رامسرح
۲۷۷	۸	« صورت
۷۹	۳	« که‌صیقل
۳۷۵	۱۴	« ما
۴۲۹	۴۴	« هفتمین
		م - ج
۳۳۶	۴	مجتمع‌گشتندمر
۱۵۵	۲۲	« گشتندو
۱۹۴	۳۳	مجتهدهرکه
۳۱۴	۳۵	مجرمانت
۳۹۴	۱۴	مجرمانرا
۱۵۶	۳۸	مجرم‌شاهیم
۳۹	۳۲	مجلس‌ومجمع
۴۴۱	۴۵	مجلسی‌شاهانه
۴۰۱	۱۴	مجمع‌وپای
۳۷	۲	مجملش‌گفتم
		م - ح
۴۰۱	۳۷	محترمترزو
۳۹۶	۳۵	محتسب‌بوداو
۱۱۵	۳۲	« درنیمشب
۱۱۶	۲	« گفت
۱۷۹	۴	محتشم‌چون
۲۵۱	۲۳	محرم‌آن‌راه
۴۱۱	۳۱	محرمان‌را
۴۳۳	۱۷	محرم‌این‌راز
۲	۹	« این‌هوش
۳۸۲	۲۳	« مردیت
۱۰۶	۳۳	« ناسوت
۲۳۵	۱۰	محسنان‌باصد
۲۳۵	۱۷	« مردند
۴۰۱	۱۳	« هستند
۲۲۳	۲۳	محضرون‌معدوم
۱۰۸	۳۷	محض‌مهرو
۳۲	۳۲	محوشد
۵۷	۲۴	محومیباید
		م - خ
۱۴۶	۳۶	مختصرکردم
۳۴۵	۵	مختصرگویم
۱۰۱	۳۲	مخزن‌آن
۳۳۰	۱۰	مخلص‌آنکه
۳۷۴	۳۲	« است
۱۶۴	۱۲	مخلصان‌باشند
۲۶۷	۱۱	مخلص‌این‌قصه
۳۷۸	۱۲	مخلصش‌بشنو
۳۰۹	۲۲	مخلصم‌زین
		م - د
۱۹۶	۲۵	مدت‌ده‌سال
۳۵	۱۹	« سالی
۱۲	۴	« شش‌سال
۶	۲۳	« ششماه‌می
۳۸۱	۳۱	« ششماه‌و
۴۳۰	۳۵	مدتی‌آنجای
۳۲۴	۳۶	مدتی‌ازاغنیا
۷۹	۱	« این‌مثنوی
۴۳۵	۵	« بااو
۴۲۰	۲۲	« بدبیش
۱۶۳	۲۶	« برندز
۱۶۰	۱۶	« بسیار
۴۱۷	۴۰	« بگذر
۳۹۶	۱۰	« بگذشت‌و
۴۳۲	۳۹	« تیمارکردند
۲۰۴	۳۴	« جوشیده‌ام
۲۵۴	۵	« حس‌را
۴۳۵	۹	« خواباندش
۴۲۰	۳۲	« دندان
۴۳۰	۳۵	« دیگرهم
۴۱۸	۱	« روترك
۴۲۵	۲۰	« زین مثنوی
۳۱۵	۳۰	« شد
۹۸	۴	« فرداوفردا
۳۳۲	۴۰	مدت‌یکماهشان
۷۱	۹	مدتی‌معکوس
۳۴	۳۰	« میبایدش
۳۱۸	۱۹	« واماند
۱۷۱	۱۸	مدح‌اومه
۲۷	۲۴	« این‌آدم
۲۷۹	۴	« تعریف
۳۹۹	۲۴	مدحت‌وتسبیح
۲۷۹	۴	مدح‌توحیف
۱۷۱	۱۳	« توگویم
۱۱۷	۲۵	« حاضر
۱۷۱	۱۵	« هاجز
۴۱۶	۱	« هادرصید
۱۷۱	۱۴	« هاشد
۴۰۷	۱۳	مدرسه‌تعلیم
۳۹۴	۳۰	مدعی‌دیدست
۴۷	۱۵	« راقحط
۱۷۷	۳۷	« گاونفس‌آمد
۱۷۷	۱۱	« گاونفس‌تست
۱۷۰	۵	« گفت‌ای
		م - ر
۳۶۳	۳۵	مرابوبکرتقی
۲۶۶	۱۲	مراسیرانرا
۴۰۲	۲	مربدانرا
۴۲۵	۱۷	مربزرگی‌ورا
۴۲۳	۱۵	مربشرراینجه
۴۲۳	۱۵	مربشرراخود
۱۰۱	۳۳	مربیابان‌را
۳۷۳	۳۹	مربدزرا
۵۱	۴	مرتبه‌انسان
۱۱۵	۸	مرترا‌آن‌فهم
۲۱۹	۱۹	« ای‌هم
۲۲۹	۳۱	« بادا
۲۷۲	۱	« چیزی
۱۱۸	۳۶	« سیلی
۱۲۵	۱۷	« صدق
۲۶۰	۳۳	مرتراگوید
۲۵۸	۳۹	« مشغولئی
۳۶۰	۱۲	« میگوید
۱۰۸	۲۹	« نی‌قوت
۳۷۶	۳۸	« هر
۲۲۱	۳۰	مرتضی‌راگفت
۳۲	۲۰	مرتعش
۴۰۵	۲۲	مرتورایاری
۳۶۴	۲۱	مرثیه‌سازم
۲۵۲	۳۵	مرجع‌این‌جسم
۴۴۰	۲۲	مرجعل‌را
۴	۲۳	مرحبابامجتبی
۹۶	۲۳	مرحسودت‌را
۱۹	۲۶	مرحمت‌فرمود
۲۴۱	۲۸	مرخبث‌را
۲۲۰	۲۳	مرخبیثانرا
۳۶۷	۲۲	مرخران‌را
۳۴۳	۳۵	مرخلیفه
۱۳۰	۳۱	مردآهنگر
۵۰	۴	« ازآن‌گفتن
۴۸	۷	« افسونگربخو
۴۸	۸	« افسونگرز
۳۸۰	۳۱	« اوبر
۳۶۹	۳۲	« اوسط
۲۴۵	۳۶	« اول‌بسته
۳۲۴	۲۱	« ایقان
۳۴	۸	« بازرگان
۱۲	۲۹	« باش‌و
۲۴۹	۱۱	« برنازان
۱۶۵	۱۳	« بینادید
۴۸	۱۲	« چون‌این
۳۶۳	۳۱	« چون‌بالغ
۵۸	۲۴	« حجي
۴۸	۱۶	« حق‌باشد
۲۰۷	۲۹	« حق‌را
۲۴۵	۱۶	« خفته‌درعدن
۴۰۱	۲	« خفته‌روح
۱۰۷	۱۷	« خودزر
۲۱۸	۳۴	« دق
۱۷۹	۱	« دنیا
۱۵۳	۲۹	« راازن
۳۴۷	۳۲	« راباسب
۲۷	۲۲	« رابرعاقبت
۲۹۴	۱۳	« راخوش
۱۲۷	۱۷	« راذوق
۶۵	۱	« رازنبور
۲۰۵	۳۳	« راصد
۱۳۰	۳۲	« رومی‌گر
۳۳۸	۴	« زاهد
۶	۱۰	« زرگر
۸۸	۴۰	« زندانی
۳۴۰	۳۰	« زن‌را
۴۹	۵	« سفلي
۳۸	۳	« غرقه
۴۷	۳۱	مردقانع
۳۶۱	۲۳	« قربان
۲۹۵	۳۰	« کارنده
۲۴۱	۳۸	« کانبر
۲۹۸	۲۲	« کم‌گوینده
۲۴۸	۲۰	مردگان‌باغ
۱۹۴	۷	« رااین
۲۹۸	۹	« کهنه
۵۵	۱۶	مردگفت‌آری
۵۳	۲۹	« گفت‌اکنون
۵۰	۷	« گفت‌ایزن
۳۱	۱۴	« گفتش‌کای
۳۳۶	۳۳	« گفتش‌گوشت
۱۷۹	۱۹	« گلخن‌تاب
۱۳۳	۶	مردلم‌را
۱۹۹	۲۸	مردم‌ازجوانی
۶	۱۶	مردمال‌وخلعت
۲۹۷	۳۲	مردمانرادور
۲۳۵	۱۹	مردمحسن
۱۷۸	۲۸	مردم‌ده
۲۳	۹	مردمش‌چون‌مر
۳۵	۲۷	« چون‌مر
۴۲۹	۳۱	مردم‌شهری
۱۹۳	۳۶	« نادیده
۲۱	۱۱	« نفس
۳۴۰	۳۷	مردمهمان‌را
۱۶۷	۸	« مهمان‌صبر
۱۵۳	۲۸	مردم‌هنگامه
۸۵	۱۳	مردمیراثی‌چه
۱۹۱	۱۹	مردن‌تن
۵۷	۲۶	مردنحوی‌را
۱۷۶	۱۰	« وزن‌از
۱۷۵	۸	« وزن‌بر
۳۷	۲۰	« وزن‌چون
۴۳۴	۴۳	« وزن‌نی
۲۵۰	۳۵	مرده‌آن‌عاقل
۴۳۴	۱۱	« ازانفاس
۲۲۴	۲۲	« ازخود
۴۰۸	۳۴	« اززبر
۳۷۵	۲۱	« ازیك
۱۹۱	۱۸	« است‌از
۲۱۰	۲۵	« اندایشان
۳۴۷	۶	« باشم
۲۱	۱۴	« بایدبود
۱۵۳	۳۲	« بودوزنده
۳۱۸	۳۲	« پیش‌او
۸۱	۲۲	« خودرا
۳۳۹	۲۷	« راکس
۲۲۳	۱۰	« زنده
۱۵۳	۱۵	« زینسو
۲۸۷	۳۹	« شوتا
۳۱۷	۲۸	« صدساله
۲۴۰	۷	« گرددشخص
۲۵۲	۸	« گردم
۱۲۰	۳۶	مردی‌مردان
۳۷۳	۳۵	مرذکررا
۲۰۴	۳۷	مررسن‌را
۲۰۳	۳۰	مرزبان‌را
۲۳۰	۱۲	مرزمردرا
۱۵۲	۵	مرزنان‌را
۱۳۲	۳۵	مرسؤال‌شیخ
۸۵	۱۲	مرسرت‌را
۲۰۶	۳۳	مرسفیهان‌را
۱۴۲	۳۶	مرسگان‌را چون
۱۹۰	۲۸	مرسگان‌راعید
۱۴۲	۱۷	مرسگی‌رالقه
۱۲۳	۲۹	مرسبه‌رویان
۴۴۲	۳	مرشدمردان
۶۱	۵	مرشمارابس
۳۱۲	۲۰	« دادم
۳۳۴	۲۸	« سرکه
۲۰۲	۱۳	« عون
۳۶۵	۱۱	« نیز
۲۸	۳۷	مرضعیفان‌را
۳۶۱	۴	مرعدم‌را
۴۶	۲۸	مرعرب‌را
۲۱۷	۱	مرعس‌را
۳۴۵	۲۳	مرعصارا
۱۶۸	۱۷	مرعلی‌را
۴۵	۴	مرعمررا
۴۴۵	۱۳	مرغ‌آب
۳۷۲	۱۰	« آبی‌در
۴۳	۲۰	« آبی‌غرق
۴۳۸	۳۳	« آن‌عالم
۲۲۶	۳۱	« ازآن
۲۵۴	۱۹	« ازباد
۳۰۲	۳۸	« اندردام
۱۷۷	۲۱	« بابیلي
۱۱	۱۰	« بربالا
۳۶۰	۲۱	« بس‌در
۳۱	۱۴	« بی‌اندازه
۲۶	۸	« بیوقتي
۱۴۰	۴	« بیهنگام‌شد
۳۷۰	۳۷	« بیهنگام‌و
۱۷۱	۴۱	« بی‌هنگامی
۱۴	۱۷	« پرنارسته
۲۹۲	۱۸	« پرنده
۶۷	۲۵	« پری
۱۴۱	۲۶	« پندارد
۳	۱۱	« جانش‌در
۲۰۱	۱۸	« جانش‌موش
۱۳۵	۱۶	« جانهاراچنا
۱۳۵	۱۴	« جانهارادرا
۲۳۰	۳	« جبریرا
۳۷۴	۲۵	« جذبه
۳۲۰	۳۷	« چون‌بر
۱۹۳	۱۴	« خاکی

صفحه	سطر	اول بیت
٥٦	١	مرغ خانه است
٢١٢	٣٢	« خانه اشتری
٢٩٢	١٨	« خانه بر زمین
٢٢٩	٩	« خویشی
٤٢٢	٤١	« دولت
٤٤٠	٢١	« دیگر
٢٠١	٤	« راانذر
٣٥٤	١	« راپر
٢٧٦	٢	« راجولانگه
٣٦٠	١٨	« راچون
٢١	٣	« راگرذوق
٤٤١	٤	مرغزار و باغ
٣٢٠	٢٥	مرغزاری
٣٨٧	١٢	مرغزی و
٢٣٤	٢٠	مرغشانرا
٢٣٠	٣	مرغ صابر
٣٠٢	٣٨	« غافل
٢٢٦	١٦	« فتنه
٥٥	١٨	« کاب شور
٣٥٨	٣٩	مرغك آمد
٤١٢	٢٢	مرغکان بینند
١٤٦	٣٥	« در
٣٦٩	٣٣	« موی
٣٣	١٠	مرغ کو اندر
١٣٦	٦	« کو بی این
٢٨٨	٢٩	« کو ناخورده
٢٩٠	٣٢	مرغکی اندر
١٩٣	٢٦	مرغکی ماند
٤٣٥	٣٥	« گفتا پس
٣٥٩	٢٢	« گفتش خواج
٢٥١	٤١	« گفتش نی
٢٣٣	٦	« مرده اش
١٤١	٢٦	« مرده پیش
١٧٨	٣٥	« مرده خشك
٢٣٣	٥	« مرده مضطر
١٧١	١٠	« ماهی داند
٢١٢	٧	« ماهی در
٣١٩	١	« ماهی قسمت
١٣٠	٦	« ماهی و پری
١٦١	١١	« یك پر
٣٤	٩	مرکب استانید
٣٥٧	٢	« اعناق
٣٥٩	١١	« توبه
٤٢٠	٣٦	« چوبین
٣٤٤	٢٠	« عشقش
٢٣٠	٤	مرکبوترا
١٣٦	٢٠	مرکب همت
٣٨٩	٣٢	مرکبی دو
٣٥٧	٣	« راکاخرش
١٨٧	٢٦	مرکلوخ کعبه
٣٥٠	٦	مرگ آشامان
١٩١	١٠	« اسب و
٢٠٠	٣	« اوآبست
١٦٨	٤	« اوومرگ
٣٠٢	٢٧	مرگ بدبا
٧٦	٣	« بی مرگی
٢٠٧	٨	« بینی
٢٥٢	٩	« پیش از
٢٤٢	٣٨	« تن
٢٥٦	٢٠	« جو باشی
٢٠٠	٢	« دان آن
٣٠٩	٣	« راتو
٢٠١	٣	« شیرین
٦٨	٤٠	« کازوی
١٩	٥	« می دیدم
١٧٢	١٤	« وجسك
١٩٢	٢٧	« هریك
٣٥٨	٤١	« همسایه
٣٧٥	٢١	« یك
١٨٥	٩	مرلئیمان را
١٤٠	٢١	مرلب هر
١٠١	١٩	مرمحبان را
٢٤٤	١٦	مرمحك را
٢٥١	٣٤	مرمرا آزاد گرد
٨١	١٨	« آموز
١٦٢	٢٠	« ازخانه
١٩٧	٣٦	« اصل
١١٢	٣٠	« اغیار
٢٠٦	١٨	« افسانه
١٥٤	١٨	« بخریده
٢٧٦	٩	« بنمای
٨٨	٨	« تقلید
٣١٣	٦	« تو
٤٩	٧	« چه
١١٢	٤٢	« دادی
٤١٣	١٥	« دختر
٦٨	٢١	« زان نور
١٢٨	٤	« زین حکمت
٢٢٧	١٥	« سوی
١٧٤	٣٦	« لطف
١٩٠	٤	« محروم
٤١٨	٩	« معلوم
٨٨	٢٤	مرمروت را
٣٢٨	٣٣	مرمغی را
١٣٦	١٤	مرملایك را سو
١٠٧	١٢	مرملایك را نمود
٢١٨	٣	مروحهٔ تصریف
٢١٨	٩	« تقدیر
٢١٨	٩	« جنبان
١٠٢	٦	مرورا آزاد
٣٣٨	١٦	« دردو
٤٧	١٦	« رو
٢١٧	١٩	« گفتند
١١٥	١٠	مرولی راهم
٢٣٦	١٠	مرهوارا تو
٣٩٤	٢٧	مریتیمی را
١٣٨	٢٠	مریقین را
٢١٧	٩	مریکی را
١٩٧	٣٤	مریما بنگر
٤١٩	٢٨	مریمان بی شوی
١٣٣	٤٠	مریم اندر
		م - (ز - ژ)
١٨٤	٩	مزد تبلیغ
١٩٧	٢٥	« حق
١١١	٢	مزدحم میگردیم
٣١٢	٣١	مزدخود
١٩٢	٣٠	« مزدوران
٢٩	٢٦	مژده مژده ای
٢٩	٢٦	« « کان
٢٩	٢٧	« « کز
		م - س
١٣٠	١٢	مس اگر از
١٩٩	٦	مسئله کبس
٢٧٣	٣٥	مست آن باشد
٢٩٦	٢٧	« آن و پیش
٨٧	٣	مستثی دارد
١٤٧	٤٠	« کاید
١٤٩	٤٠	مست بودند از
١٥٠	١	« بودند و
١٤٩	٧	مستجاب آمد
٢٩٦	٢٨	مست چیز و
١٨٨	٣٧	مستحق شرح
٢٤٩	١١	مست را بین
٣٦١	٤٥	« راچون
٣٦١	٤٤	« زابرار و
٢٦٤	١١	مستفید اعجمی
٢٤٩	٢٠	مست گشت او
٣٨٢	٢٤	« گشتم
٤١٠	١٣	« گشت و
١٨٦	١٠	مستمع از وی
٣٦٧	٣٢	« اوفائل
٤٩	١	« چون تاز
٤٨	٣٧	« چون تشنه
٢٣٧	١٠	« چون نیست
٣٧٧	١١	« چون یافت
٣٦٧	١٢	« چون یافت
٢٣٣	٢٦	« خفته
٣٣٤	١٥	« داند
١٤٨	٧	مست می هشیار
١٤٧	٣٩	« وبنگی
٤٠٤	٣٠	« وبیخود این
٣١٤	٢١	« وبیخود نفس
١٧	١٨	مستهان و خوار
١٧	١٨	« وخوار
١٥٠	١١	مستی آن
٣٤٩	٣٤	« ایشان
٣٧٢	٤	« دل را
٤٢٣	٩	« گندم
٤٤١	١٣	« ماز
٢٣٨	٩	مسجد است این
٢٣٤	٢١	« اقصی
٢٠٥	٢	« اگر
١٢٥	٢٥	« اهل
١٢٢	٣٣	مسجد روز گل
١٨٥	٤	« طاعاتشان
١٢٢	٣٥	« واصحاب
١٢٣	٤	« ی بر حسن
١٨٦	٢٤	« ی در ره
١٢٦	٣٨	« ی کان
٣٢٣	٢٤	مسخ صورت
٣٦٥	٣٤	مس خود را
٣٦٦	٤٠	مسکن مارا
١٩٨	١٤	« یاراست
٢٤٤	١٧	مسلکی دارند
٣١٠	١٣	مسمم او آن
٤٣	٣٥	مسندت من
		م - ش
٣٨٥	١٩	مشت براهمی
١٣٥	٣	« برهم
٣٠٥	٣٤	« خاکی
٣٠٤	٣	مشتریئی جو
٢٩٧	١٩	مشتری خواهی
٣٦٥	٣٨	« خواهی که
٣٥٠	١٧	« رادست
٣٠٤	٦	« راصابرا
٣٦٥	١٦	« شو
١٢٩	٩	« علم تحقیق
٣٠٤	١	« کوسود
٣٦٥	١٧	« گرچه
٣٠٤	٢	« ماست
١١٦	٣	« من خدا
٣٠٣	٣٦	« نادیده
١٢٠	٣٠	« نبود
٣٧٨	١٦	« وزهره
٤٠٨	٤٠	مشتغل ماندند
١٩٦	٨	مشت مشت تست
٦٣	٧	مشرف و اهل
٩٦	١٢	مشرق او نسبت
٢٦٥	١	« این باد
١١٢	١٤	مشرقت کردم
٩٦	١٢	مشرق خور شید
٢٥٩	٣٣	« ومغرب چ
٢٥٩	٣٤	« ومغرب که
٢٤٨	٧	مشرقی و
٤٠٦	٢٤	مشرکان را در
٢٢٠	٣٢	مشرکان را زان
٣١٠	٢٢	مشعله بر کرده
١٣٥	١٦	مشفقان گردند
١٦٨	١٣	مشفقی بر
٣٢٤	١٤	« گر
٣٣٧	٨	« مسکین
٣٢١	١٠	مشك آلوده
٤٠١	١٨	« باسقا
٤٤٤	٢٨	« بر پشت
١٨٨	٣	« خود
٨٣	٢٦	« رابر تن
٤٩	٣	« راحق
٢١٢	٨	مشکلات هر
١٣٦	٣٠	مشکل ما
٧٢	٢٤	مشکهای آب
٣٩٠	٢٠	مشنو این
٢٤	٤	مشورت ادراك
١١٤	٤	« بانفس
١١٤	٥	« بانفس
١١٥	٢٩	« جوینده
٢٤	٩	« دارند
١١٤	١	« درکاره
٢٥١	٦	« رازنده
١٦١	١٩	« کردند
٢٤	١٠	« کردی
٣٩١	٣	« کن با
٣٤٤	٢١	« کو عقل
٨١	٣٥	« میرفت
٢٤٧	١٩	« میکرد
		م - ص
١٧٧	٣٩	مصحف سالوس
٤١٢	٢٥	مصحفی بر کف
٤٤٢	٣٨	مصریان از قحط
١٥٠	٣٨	« راجمع
١١٢	٥	مصطفی آمد عیاد
٤١	١	« آمد که
٣٦٨	١٧	« اش
١٤٦	٣٩	مصطفائی کو
٢٨٠	١٣	مصطفی بر دش
٣٦٩	٣٨	« بهر
٤١	١٠	« بیخویش
٤١٠	٣٤	« بین
١٤٠	٢٦	« چون
١٨٨	١٦	« دست
٢٣١	١٠	« رابر زه
٤٣٠	٢٠	« راتانیاز
٢٣١	٥	« راچون
٢٥٨	٢٤	« رارای
٤٤٣	١٣	« راشبه
١٥٦	١٤	« راوعد
٣٣٨	٢٥	« راهجر
٤١	٢٥	« روزی
٣٦٧	١٢	« زین قصه
٢٢٤	٣٣	« زین گفت
٣٦٣	٣٢	« زین گفت
٣٣٨	٢٦	« ساکن
٢٨٠	٢٥	« صبح
٩٨	١٣	« فرموداز
٣٦٧	١٣	« فرمودا
٣٦٧	١٤	« فرمودکا
٦٤	٢٥	« فرمودکا
٤٠٠	٣٢	« فرمودکه
١٠٨	٢٣	« فرمودگ
٤١٠	٣٢	« کرداین
٨٦	٢	« مه میشکا
٢٨٠	٢٨	« میدید

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۶	۹	مصطفی میگفت
۸۱	۱۴	مصلح است و
۱۹۷	۱۱	مصلحت آنست تا
۱۵۵	۲۴	« آنست کز
۳۵۹	۳۵	« داده است
۳۵۹	۳۵	« دردین
		م (ض - ط - ظ)
۲۹۳	۴۳	مضطرب در
۱۱۷	۷	« میگشتم
۲۴۳	۲۳	مطبخی ده
۳۶۲	۲۰	مطرب آغاز بدبیت
۳۶۳	۱۰	« آغاز بدنزد
۳۲۲	۸	« آنخانقه
۳۶۲	۱۰	« ایشانرا
۲۰۶	۱۱	مطربان خواهی و
۱۳۹	۲۸	« شان
۳۶۲	۹	مطرب جان
۲۱۳	۲۳	« عشق
۴۳	۸	مطربی کروی
۲۵۶	۷	مطلم او بر
۸۱	۳۶	« برنقش
۷۹	۴	« تاریخ
۷۹	۲۳	« شمس
۴۰	۹	مطلق آن
۱۶۱	۱۷	مطمئن و
۳۷۷	۲۵	مطمعانش
۲۸۶	۲۲	مظهر حق است
۳۸۳	۱۷	« عشق
۱۴۹	۲۰	« لطف
		م - ع
۱۸۵	۸	معبد مرد
۴۴۱	۳۸	معترف باید
۲۳	۱۲	معجبی یا خود
۳۷۰	۸	معجزات از بهر
۴۰۳	۴	معجزات اینجا
۱۶۰	۲۰	معجزانش بی
۳۷۲	۵	معجزاتی و
۴۴	۲۶	معجزه او
۳۷۲	۱۰	« بحر
۱۳۲	۱۹	« بیند
۲۹۰	۲۱	« پیغمبری
۲۲۱	۲۶	« جست
۳۷۲	۷	« کان
۳۲۰	۳۵	« گر
۴۱۶	۳۰	« همچون
۱۴۶	۲۰	معدن دنیه
۳۰۶	۷	« رحم
۳۰۵	۳۰	« شرم
۴۲۰	۲۵	« گرمیست
۱۱۱	۴	« لعل
۳۲۱	۱۳	معده تن
۳۱۵	۱	« حلوائی
۲۴۲	۱۰	« خر
۳۲۲	۴	« رابگذار

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۱	۱۲	معده را خوکن
۲۸۰	۱۵	« طبلی
۳۹۵	۶	« نازرا
۴۴۰	۱۶	معرفت باید
۴۲۹	۱۶	« جان
۱۲۰	۳	« های
۴۰	۱	معشر الجن
۷۴	۱۸	معصیت کردی
۴۳	۱۴	« ورزیده
۹۰	۲۲	معنی آن باشد
۹۰	۲۲	« آن نبود
۳۰	۵	« الترك
۲۳۴	۳۷	« الله
۳۳	۴	« اندر
۳۱۱	۲۶	« انسان
۱۷۲	۲	« تسلیم
۱۷۱	۲۶	« تکبیر
۹۰	۲۱	« توصورت
۳۳۲	۲۳	« جف
۲۸۷	۱۲	« چشم
۴۲۸	۲۸	« دل
۲۲۹	۲۷	معنیش پنهان
۳۳۲	۹	معنی قرآن
۳۹	۲۷	« مردن
۳۵۴	۱۸	« نختم
۳۱۱	۲۵	« ومغزت
		م - غ
۴۴۰	۳۹	مغرب آباد
۲۲۶	۶	مغربی را
۳۳۸	۱۴	مغزا و خشکست
۲۳۲	۳۳	« اوخود
۱۶۹	۲۹	« این مسکین
۴۱۰	۶	« بیرون
۳۰۵	۲۷	« جان
۱۷۷	۲۵	« جوی از
۱۴۳	۳۱	« حیوانات
۱۸۰	۲۳	« خر
۲۶۸	۳۰	« خوداز
۲۲۰	۱۲	« راخالی
۱۵۹	۱۲	« علم افزود
۱۹۴	۲۸	« کواز
۴۳۳	۴۱	« ماتا کی
۳۴۷	۶	« مردی
۴۱۰	۸	« نغزو
۱۹۲	۱۳	« نغزی
۱۲۰	۶	« نمرود
۱۹۲	۱۲	« هرمیوه
۳۳۴	۲۲	مغفرت میخواند
		م (ف - ق)
۸۲	۷	مفترق شد
۸۹	۲۹	مفلس است و
۲۱	۴	مفلسان گر
۸۹	۲۳	مفلسی دیو
۴۰	۱۵	مقتبس شو زود

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۰	۲۵	مقدم موسی
۱۰۴	۱۱	مقرئی میخواند
۴۲۳	۳۶	مقر یانرا
۱۴۵	۲۱	مقصد مارا
۳۰۹	۷	مقعد صدق و
۲۴۴	۹	« صدقی که
۳۰۹	۶	« صدقی نه
۳۵۶	۳۰	مقنعه و
		م (ک - گ)
۲۲	۲۹	مکر آنباشد
۱۴۳	۲۹	« آنفارس
۴۱۶	۳۱	« آنفرعون
۳۸۹	۳	« ازآن
۱۲۶	۲۱	« اوسر
۲۸۷	۳	« حق را
۴۰۳	۳۷	« حق سرچشمه
۷۰	۱۶	« خودرا
۱۳	۳۴	« دیگر
۴۱۸	۲۰	« زن بر
۴۱۸	۱۸	« زن پایان
۱۹۵	۵	« شان گر
۳۲۳	۶	« شیطانست
۱۹	۱۸	« شیطان هم
۲۸۶	۲۶	« کن تا کمتر
۲۸۶	۲۶	« کن تاوا
۲۸۶	۲۵	« کن درراه
۴۰۳	۳۶	« که کرد
۴۳۷	۱۶	مکرم مشهور
۱۰۳	۱۶	مکر میسازند
۱۷۸	۲	« نفس و
۲۴۰	۹	« وتلبیسی
۲۲	۲۹	« هادر
۲۲	۷	« ها کردند
۲۴	۳۹	« های جبر
۱۹۳	۱۹	« هرکس
۱۷۴	۱۵	مکسب کوران
۴۱۷	۵	مکیان را
۲۳۱	۱۴	« گفتند
۲۲۵	۸	مگسل از پیغمبر
		م - (ل - م)
۱۰۶	۲۱	ملت عشق
۲۶۰	۲۷	ملك بر بسته
۲۲۸	۳	« برهمزن
۳۲۹	۴	ملکت اورا
۳۹۸	۴	« حسنش
۴۳۰	۹	ملکتی بیحد
۳۴۵	۱۸	« کان
۲۲۸	۲۷	ملك جسمت را
۳۸۸	۱۰	« حق و
۴۸	۲۱	« درویشان
۴۱۷	۲۸	« دنیا
۲۲۹	۵	« رابگذار
۳۴۵	۱۸	« راتو
۲۱۲	۱۳	« زان

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۲	۴۶	ملکشان نه
۴۳۱	۱۴	ملك شروان
۳۲۸	۹	ملك ملك او
۴۳۴	۲۳	« وشهرما
۳۵۵	۲۷	« ومال
۱۲۸	۱۷	« هفت
۱۰۸	۱۳	ممتلی و
۳۱۴	۱	ممکن اندای
		م - ن
۳۶۳	۲۵	من آخر اصل
۹	۳۱	« ازآن
۳۰۷	۲	« ازاین تقلیب
۱۵۹	۲۹	« ازاین چشمه
۴۳۸	۲	« اعان
۳۱۷	۱۶	« اگراین
۱۱۶	۴	« اگرباعقل
۲۷	۲۸	« اگردامی
۳۲۹	۳	« اگرننگ
۱۲۷	۲۲	« اگرهولم
۲۹۳	۳۷	« الیف
۳۸۳	۱۵	« بیادی
۳۶۵	۳۳	« بیودانم
۲۷۲	۱۵	« بیوی آب
۲۷	۱۳	« بینم دام
۲۸	۳۱	« بیشتی تو
۲۰۸	۴	« بترسانم
۱۹۷	۱۵	منبتش را
۲۵۳	۲۷	من بجادویان
۲۵۳	۲۸	« بجادویان
۲۵۳	۲۷	« بجادویان
۱۲۰	۳۳	« بحجت
۳۲۵	۲۹	« بدان افراشته
۳۴۵	۳۹	« بدانم دردل
۴۲۵	۱۶	« بدانم کو
۱۳۳	۲۶	« بدم آن
۱۶۲	۳۶	« بدم غافل
۱۲۱	۴	« بدی کردم
۴۳۳	۳۶	« بدین سرعت
۳۴۵	۴۱	« بدین شمشیر
۳۹۱	۳۴	« بدین وقت
۳۹۲	۱۰	« بدین یکبار
۳۳۹	۵	« برانم بر
۵۶	۲۶	« براین در
۲۳۵	۲۴	« بربع عشر
۴۱۸	۲۹	« برم صندوق
۲۲۴	۱۲	منبر مهتر
۱۵۶	۱۶	« ومحراب
۱۴۰	۱۵	من برون کردم
۲۶۱	۳۶	منبری کو
۱۶	۱۸	منبسط بودیم
۳۵۹	۸	من بصحرا
۲۴	۱۸	منبع حکمت
۸۷	۷	منبع گفتار
۳۸۹	۱۷	من بفرمان

صفحه	سطر	اول بیت
۵۲	۱	من بگفته
۱۵۸	۲۲	« بگویم او
۶۶	۳۱	« بگویم بس
۶۶	۳۰	« بگویم شکر
۶۶	۳۱	« بگویم صبح
۲۷۹	۱۲	« بگویم وصف
۳۱۲	۳۷	منبلم بیزخم
۲۰۰	۳۰	« بیزخم
۲۰۱	۱	منبلی ام
۲۰۱	۱	« نی کو بود
۲۰۱	۲	« نی کو بکف
۳۵۴	۳۹	من بمانم در
۳۱۸	۱۲	« من بمردم
۲۶	۱۳	« بوقت
۱۵۹	۲۸	« به بیشت
۱۴۰	۱۵	« به تبلیغ
۱۹۹	۳۱	« بهرجائی
۲	۳	« بهرجمعیتی
۲۷۵	۱۷	« بهرشهری
۳۰	۱۶	« پشیمان گشتم
۱۹۹	۳۴	« پشیمانم
۳۲۳	۹	منت بسیار
۱۹	۲۲	من ترا افسوس
۱۵۶	۱۵	« ترا اندر
۴۲۲	۴۰	« ترابر
۱۶۵	۱	« ترابی این
۱۲۲	۳	« ترابیدار
۲۴۷	۲۲	« ترابی هیچ
۳۲۳	۳۶	« تراخود
۱۶۳	۱۴	« ترازوئی
۲۰۳	۳۹	« تراگریان
۴۲۲	۳۹	« تراماهی
۱۷۰	۲۶	منتصب بر
۱۵۳	۲۷	منتظر ایشان
۳۶۱	۲۴	« بنشست
۳۹۶	۲۳	« بنهاده
۲۸۰	۳۴	« بودند
۱۹۷	۱۰	« چشمی
۳۴۴	۳۸	« درغیب
۲۸۰	۲۲	« کاکی
۵۱	۳۳	« گشتند
۳۸۲	۲۵	« گوباش
۱۹۳	۸	« مانی
۳۰۹	۳۴	« می ایستد
۳۴۴	۳۷	« می باش
۳۵	۲۸	من تمام اینرا
۲۲۲	۱۹	منتهای اختیار
۲۶۶	۳۶	منتهای دستها
۳۲۵	۲۸	منتهی در عشق
۱۵۹	۳۴	« نبود
۲۵۱	۴۰	من چرا آزاد
۳	۲	« چگونه هوش
۵	۸	« چگویم یك
۱۵۸	۲۰	« چنان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۹	۲۱	من چنان خواهم
۷۴	۲۶	« چنان مردم
۱۹۴	۵	« چو آدم
۲۳۱	۱۹	« چو آن العان
۱۵۱	۱۶	« چو ابرم
۲۰۳	۱۴	« چو اسماعیلیا
۲۱۳	۲۶	« چو باسودا
۱۶۶	۲۴	« چو بینمشان
۴۱۰	۳۱	« چو بوشم
۷۳	۳۹	« چو تیغم بر
۷۳	۳۸	« چو تیغم وان
۱۷۵	۲۴	« چو خورشید
۳۴۶	۷	« چو دیدم
۱۸۲	۱	« چو رفتم
۱۹۷	۳۵	« چو صبح
۳۰۷	۳۵	« چو کلکم
۳۷	۲	« چو لب
۱۳۳	۱۱	« چو مرغ
۱۱۱	۱۰	« چو میزان
۴۱۸	۲۷	« چه دارم غیر
۴۱۸	۲۵	« چه دارم که
۲۷۲	۲۴	« چه دانستم که
۳۶	۳۱	« چه غم دارم
۴۲۲	۳۹	« چه کردم
۱۹۷	۴	« چه گویم چون
۳۰۱	۲	« چه میستم
۳۹۸	۲۳	« چه میگویم
۱۲۲	۴	« حسودم از
۳۷۶	۱	« حفر بئر
۷۶	۱۱	« حلالت
۳۷	۲۶	« حلالش
۲۰۴	۱۵	« خلیلم تو
۴۳۷	۲۸	« خلیلم گفت
۴۲۸	۳۱	« خلیلم محترز
۲۶۳	۲۴	« خلیل وقتم
۲۲۷	۳۰	« در آن بیخود
۱۶۷	۱۴	« در آندم
۳۰۱	۱	« در آنوادی
۴۱۲	۳۲	« در این ره
۳۴۶	۲۶	« در خانهٔ
۱۹۱	۲۳	« درون خشت
۱۸۷	۳	« در بن ره
۱۷۴	۳۳	« دعا کورانه
۱۷۴	۱۸	« دعاها
۳۶	۳۵	« دلش جسته
۸۸	۱۵	« دلیلم حق
۱۰۱	۳۰	« دوبنده
۱۴۵	۲۴	« رباح الله
۳۴۱	۱	« روان گشتم
۳۴۴	۶	« روم بیرون
۴۷	۳۰	« روم سوی
۳۱۱	۲۱	« ز آتش
۳۶۸	۳	« ز استیزه
۱۶۳	۱۸	« زاول
۱۵۴	۳۴	من ز ایشان
۸۲	۲۸	« ز تو استا
۴۱۲	۸	« ز جان بر
۳۷	۱۸	« ز جان جان
۴۴۷	۳۹	« ز جیفه
۴۴۷	۳۸	« ز حرف
۱۶۷	۱۱	« ز حق در
۳۹۴	۷	« ز خاك
۳۲۶	۱۷	« ز خود
۳۵۵	۲	« ز دستان
۴۳۶	۴۷	« ز دست جور
۲۵۳	۶	« ز دم مشتی
۳۸۶	۲۰	« ز دیگی
۱۹	۹	« ز رحمت
۱۰۶	۳۲	« ز سدره
۱۲۱	۲۶	« ز سر که
۱۲۱	۲۷	« ز سر گین
۱۹	۳۳	« ز سگ
۱۴۳	۵	« ز سهو
۳۴۸	۱	« ز شه
۳۷	۳	« ز شیرینی
۱۲۱	۲۸	« ز شیطان
۲۹۳	۱۱	« ز صاحب
۴۲۴	۲۶	« ز طول
۱۸۹	۱۸	« ز عزی
۲۵۶	۱۴	« ز عکس
۳۸۹	۱۸	« ز فخر
۳۷۳	۲۰	« ز گفت
۱۱۴	۷	« ز مکر
۴۲۰	۳۸	« ز نعره
۱۲۱	۲۶	« ز هر کس آن
۱۱۹	۲۹	« سلب
۴۹	۱۸	« سیاناخ
۳۹۳	۳۳	« سپند
۳۱۰	۳۲	« سر هر ماه
۱۱۳	۳	« سزاوارم
۴۱۲	۳۱	« سفر کردم
۲۵۳	۶	« سگی گشتم
۲۲۶	۳۳	« سلیمان
۳۹۰	۹	« شتابیدم
۴۳۶	۳۴	« شدم راضی
۴۳۲	۲۳	« شدم زینسو
۴۲۰	۳۴	« شدم عریان
۴۳۲	۱۵	« شدن خواهم
۱۶۶	۴	« شفیع عاصیان
۱۶۴	۲۵	« شکستم حرم
۱۶۴	۲۵	« شکستم عهد
۲۴۲	۱	« شکوفه خارم
۱۵۱	۴۱	« شمار ابر دردم
۱۵۷	۱	« شمار اخود
۲۱۰	۳۰	« شمار اسر نگ
۲۱۰	۲۹	« شمار اوقت
۱۵۱	۴۲	« شمار اهیزم
۳۵۴	۳۷	منصب اجداد
۲۶۹	۱۱	منصب تعلیم
۴۱۷	۲۹	منصبی کانم
۴۰۸	۲۲	من صمت منکم
۲۷۱	۱۳	« طفیل تو
۱۳۶	۴	منطق الطیر آن
۲۳۰	۲	« الطیر سلیم
۶۷	۲۴	« الطیری
۴۲۱	۲۱	منطقی کز
۳۹۴	۳۷	منظر حق
۲۰۱	۳۶	من عجب دارم ز
۴۳۹	۲۳	« عجب ماند ستم
۱۵۵	۱۵	« عدم
۲۴۷	۲۱	« عدوم چاره
۲۴۷	۲۰	« عدوم مر
۲۵۴	۲۸	« عصا و نور
۲۳۳	۱۲	« عصایم
۳۶۷	۳۸	منعقد چون
۴۰۸	۲۳	منع کرد
۴۱۳	۲۵	من علم اکنون
۴۰۴	۳۲	منعمی پنهان
۳۰۴	۲۵	« زو
۵۶	۱۷	من غریبم از
۷۷	۲۱	« غلام آنچراغ
۶۵	۶	« غلام انکه او
۲۸۷	۱	« غلام آنکه نفر
۲۸۷	۲	« غلام آن مس
۷۷	۲۲	« غلام موج
۵	۳۷	« غم تو میخورم
۴۱۹	۲	منفذش نی
۲۹۶	۲۱	منفذی داری
۲۷۱	۴	منفذی یابد
۳۲۵	۲۹	منفعتهای دگر
۱۴۹	۱۴	منفعل شد
۴۶	۵	منفق و ممسك
۴۲۰	۲۳	من فقیرم
۲۴۸	۵	منقبض کردند
۴۳۰	۱۴	من قدم در ره
۱۶۸	۱۲	منقطع از
۴	۱۰	« شد
۴۳۶	۴۳	من قوی هیکل
۱۵۶	۱۴	« کتاب و
۱۱۹	۱۶	« کجا باور
۳۸۴	۳۴	منکر آن دیدو
۸۸	۵	من کر اگیرم
۴۱۶	۲۸	منکران را قصد
۴۲	۲	منکران گویند
۴۲	۵	« همچون
۴۴۲	۱	منکر این شمعها
۳۶۷	۲۱	« بحر است
۳۳۰	۱۳	« حس
۳۳۰	۱۳	« فعل
۳۵۳	۱۹	« ی این
۴۴۷	۲	« ی سودی
۸۵	۸	من کریم
۳۵۰	۳	منکسر تر
۳۶	۲۶	من کسی در
۲۰۶	۱۹	« کلام حقم
۱۱۰	۹	« کم از خرسی
۲۱۲	۳۷	« کنم اورا
۳۴۹	۱۰	« که آرم
۳۸۴	۱	که باشم با
۳۵۵	۲	که باشم چرخ
۳۴۹	۹	« که باشم که بگو
۳۴۹	۹	« که باشم که بوم
۲۳۸	۷	« که خروبم
۲۹۰	۱	« که خصمم
۲۶۸	۱۸	« که صلحم
۵۰	۱۵	« که فرعونم
۲۶	۴	« که گاو انرا
۳۴۹	۱۱	« کیم تا
۳۱۲	۳۹	« کیم لیلی
۱۹۴	۶	« گدا بودم
۲۴۳	۵	منگر آنهارا که
۲۱۷	۱۳	« از چشم
۲۵۴	۱۳	« از خود در
۳۹۲	۱۸	« اندر زشتی
۱۲۴	۲۰	« اندر غیظ
۱۵	۴	« اندر ما
۱۵۹	۴۲	« اندر نقش زشت
۵۸	۲۴	« اندر نقش و
۲۱۲	۱۵	« ای مظلوم
۱۵۹	۴۳	« این را
۲۷۲	۲۴	من گمان بردم که
۴۴۲	۱۴	« گمان کردم
۵۰	۷	« گنه کار توام
۴۴۲	۱۴	« گنه کار و
۱۲۰	۲۲	« گواهم بر
۲۳۶	۳۱	« مر آنرا
۴۱۶	۱۶	« مراد خویش
۳۹۸	۲۳	« مر اورا
۴۳۵	۳۵	« مطیع
۳۴۶	۱۹	« معین
۱۵۶	۱۸	« مناره
۲۱۳	۱۷	« میان گفت
۳۰۵	۳۱	« نبود ستم
۹۲	۳۵	« نبینم روی
۲۸۲	۹	« نجس ز اینجا
۱۲۱	۲۸	« نجویم پاسبان
۴۱۳	۳	« نجویم زین
۱۴۷	۱۹	« نخسبم
۹۶	۳۰	« نخواهم بود
۲۹۰	۱۸	« نخواهم دایه
۱۲۶	۱۸	« نخواهم در
۲۶۳	۱۷	« نخواهم رحم
۱۸۷	۳	« نخواهم رفت
۴۱۳	۲۴	« نخواهم زد
۱۴	۲۵	« نخواهم شد
۳۶۱	۲۹	« نخواهم عشوه
۱۶۴	۴۰	من نخواهم کان
۲۹۰	۱۹	« نخواهم لطف
۳۳۵	۳۳	« ندارم طاقت
۴۳۵	۳۲	« ندارم قدرت
۳۶	۳۶	« ندانم آنچه
۳۰۷	۲۳	« ندانم خیر
۲۶۹	۶	« ندیدم تشنگی
۲۳۶	۸	« ندیدم جز
۹۱	۳۹	« ندیدم در
۲۲۶	۲	« ندیدم ظلمتی
۲۵۲	۱۵	« نسازم
۱۲۳	۲	« نشسته
۲۵۶	۲۹	« نکردم آنچه
۸۳	۳	« نکردم باوی
۱۰۶	۱۵	« نکردم پاك
۱۰۶	۱۴	« نکردم خلق
۳۹۵	۴	« نکردم لا
۲۲۵	۲۷	« نگفتم که
۴۱۴	۱۲	« نگویم زین
۲۰۳	۳۲	« نلافم
۴۱۹	۱۰	« نمی آیم
۲۰۵	۱۳	« نمی رنجم
۲۲۷	۲۷	« نمیکردم سخن
۲۱۰	۳۲	« نمیکردم غزا
۱۷۴	۱۹	« نمیکردم گزا
۴۳۲	۲۱	« نمیگویم خلاصه
۱۱۱	۱۱	« نه گاوم تا
۲۳۳	۷	« نه مردارم
۴۱۵	۱۶	« نه مرد دزدی
۱۴۴	۲۶	« نیارم ترك
۲۱۲	۲۱	« نیارم روز
۹۷	۳	« نیم جنس
۲۵۲	۱	« نیم خود
۳۸۴	۱۲	« نیم درامر
۳۴۴	۱۲	« نیم در عهد
۷۷	۷	« نیم سگ
۲۸۶	۱۳	« نیم فرعون
۲۲	۱۹	« ورا از خشم
۴۴۶	۴۸	منهدم گردد
۲۴۸	۵	منهزم گردند
۲۱	۱۰	من هلاك
۲۶۶	۱۰	« هم از بهر دوا
۳۶۵	۳۷	« هم از بهر خدا
۱۵۴	۱۰	« هم از شرت
۲۳۲	۹	« هم اورا
۳۳۶	۱۴	« همه عمر اینچنین
۳۷۱	۳۴	« همه عمر این نو
۱۶۵	۱۹	« همی افتم
۲۶۸	۸	« همی بینم بهر
۲۶۸	۱۹	« همی بینم جها
۴۳۳	۱	« همی خوانم شه
۲۲۰	۳۹	« همی دانسته
۲۱۹	۲۷	« همی دانسته
۲۱۹	۲۷	« همی دانسته

صفحه	سطر	اول بیت
۳۷۸	۳۶	من همیدانم که تو
۳۱۷	۳۹	« همیدانم و آن
۲۱۱	۱	« همیرانم
۱۱۷	۱۳	« همیگفتم که
۷۴	۳۱	« همیگویم برو
۴۰۰	۴۱	« همیگویم بس
۱۷۰	۴	« همیگویم چو
۷۴	۲۹	« همیگویم چو
۴۴۱	۴۴	« همیگویم که
۳۷۳	۲۱	« همی لرزیدمی
۳۱۴	۱۹	« هنایشفع
۲۹۳	۴	« منهیان انگیخ
۲۷۹	۲۵	منیتش آنکه
۱۷۴	۱۱	من یقین دارم
۱۰۷	۱۱	« یقین دانم که
۲۶۱	۲۳	« یقین دانم نشا
۲۶۱	۱۸	« یکی از جمع
۴۳۸	۴۵	« یکی سرگشته
		م - و
۱۳۹	۲۶	مو بمو بیندز حرص
۱۳۹	۲۵	« بیندز صرفه
۱۰	۱۰	« وذره
۲۸۹	۱۷	« یهر
۳۲۴	۳۳	موت را از
۳۲۴	۳۴	موت را چون
۳۷۰	۷	موجب ایمان
۴۱۷	۳۰	موجب تأخیر
۲۶۸	۱	موج بروی
۳۲۳	۲۸	موجب کین
۱۴	۱۰	موج خاکی
۲۰	۱۱	« دریا
۲۳۳	۱۳	« طوفان
۳۰۲	۲۸	« لشکر
۲۰۸	۸	« مزد
۳۸۳	۲۱	« های تیز
۵۲	۱۹	« های جنگ
۵۲	۱۸	« های صلح
۳۹۶	۱	مور اسود
۳۶۴	۳۴	« بردانه از
۳۷۴	۳۷	« بردانه چرا
۳۹۵	۳۷	« داند
۲۷۵	۲۴	« کی بر
۱۹۵	۳۷	« لنگم
۳۱۵	۴	« ومارو
۱۸۹	۲۸	موزه بر بودی
۳۱۵	۲۲	« چپ
۱۸۹	۲۵	« را
۲۷۲	۲۰	موسئی را دل
۲۶	۲۴	موسئی فرعونرا
۱۰۶	۱۸	موسیا آداب
۸۵	۲	موسی آمد
۱۸۱	۱۹	« آنرا که
۳۸۶	۳۰	« آنرا نار
۲۵۶	۱۵	موسیا باشد که بگ
۲۵۶	۱۶	موسیا باشد که یا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۲	۲۸	موسیا بسیار
۱۳۲	۲۹	« بسیار
۲۶۴	۱۳	« تخمی
۱۶۸	۳۲	« توقوم
۱۵۴	۱۹	« خودرا
۲۷۷	۲	« درپیش
۳۴۵	۱۲	« کشف
۴۳۴	۴	موسی ام دنیا
۳۲۲	۱۲	« جان
۲۷۲	۲۳	« رحمت
۱۵۷	۲۲	« وعیسی
۱۵۷	۹	« وفرعون در
۴۳۲	۱	« وفرعون را
۵۰	۱۱	« وفرعون م
۱۴۹	۲۸	« وهرون چ
۲۷۷	۱۱	« وهرون ش
۱۳۱	۲۹	موش آنجا
۱۰	۱۶	« تاانبار
۳۹۲	۳۷	« تن
۳۹۵	۳۲	« درمنقار
۱۰	۱۱	موشکفان صحابه
۳۳۸	۳۴	« قدر
۱۸۵	۱۸	موش کی ترسد
۱۳۱	۲۷	موشکی در کف
۱۲۹	۱۱	موش گفتم
۳۹۰	۳۵	موضم رخ
۱۵۵	۷	« معروف
۱۳۵	۲۹	مولعیم اندر
۴۳	۲۴	مول مولی
۲۹۰	۵	موم از
۳۳	۶	موم وهیزم
۳۸۰	۳۲	مونس احمد
۲۹۳	۱۵	موهبت را
۳۶۹	۳۲	موی آن نوری
۳۷۱	۲۹	« ابرو
۹۷	۳۹	« برسر
۴۴۱	۱۵	« جان گیر
۱۲۲	۴۲	« راناديده
۸۱	۱	« کز
		م - ه
۴۲۴	۳۶	مهترین را
۲۶۰	۳	مهتری نفت
۲۸۵	۱۴	مه چو بی این
۲۹۰	۱۱	« خیالی
۱۶۶	۹	مهدر عیسی
۴۲۸	۱۰	مه دو روز
۹۱	۴۳	مهدی وهادی
۱۱۱	۳۷	مهر ابله بهر
۳۵۳	۲۱	« اودرجان
۱۷۲	۳۳	مهربان بی رشوتا
۱۰۸	۳۸	مهربانی شد
۱۸۴	۲۷	« مرتورا
۱۲۳	۱۵	مهر بر گوش
۱۷	۱۰	مهر پاکان در

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۴	۲۷	مهر پیوندند
۵۲	۱۹	« تلخان را
۸۴	۲۱	« جاهل را
۲۴۶	۲۶	« حق بر
۱۴۹	۱۴	« دانائیش
۲۵۱	۶	« زاد و بود
۱۶۸	۲۳	« من داری
۹۹	۲۳	« مومش
۴۹	۳۴	« ورقت
۳۰	۳۲	« وهیبت
۳۹۶	۱۵	« هاراجمله
۴۱۵	۲۰	مه شکافد
۲۹۰	۱۲	« فراغت
۳۸۳	۲۲	« فشاند نورو
۳۵۲	۸	« فشاند نو رو
۲۰۱	۲۴	مهلتی خواهی
۲۷۶	۳۲	مه همه
		م - ی
۴۲۳	۳	می از آن آمد
۱۰۴	۲۲	می یابد تاب
۲۶۵	۵	می بیند خواب
۱۳۰	۱۶	می بیوشی آفتابی
۳۶	۱۸	میبر دشادیت
۱۲۶	۴۴	میبر ندت خانه
۴۳۵	۱۰	میبر ندش پیش
۳۰۹	۳۳	« میسبوز
۴۴۴	۲۸	می بریدافتان و
۶۹	۲۵	می بساید
۷۵	۳۰	« بسوزد
۲۳۶	۳۱	« بگفتی هر
۱۳۰	۲۲	« بگوید اندر آن
۷	۱۶	« بلرزد عرش
۲۶۲	۵	« بمبرداز
۱۸۹	۱۶	« بیاموزد مرا
۱۹۴	۳۰	« پردچون
۲۲۵	۲۸	« پرستید آفتاب
۲۲۵	۲۸	« پرستید اختر
۳۹۵	۳۰	« تندبر
۱۲۹	۱۹	« تواند زیست
۴۳۵	۴۰	« توانم کاین
۴۳۶	۱۲	« توانم گوشتت
۲۰۴	۲	« توانم هم
۲۷۰	۶	« توانی دید
۱۰۸	۱۱	« جهد خون از
۲۷۳	۳۰	« چردآن
۳۹۵	۲۱	« چرددر نور
۲۵۸	۱۹	« چکیدآن آب
۲۸۹	۸	« چکیداز چشم
۲۸۹	۸	« چکیداز چشم
۳۳۹	۱۷	« چه باشد
۳۱۷	۳۳	« حلالی
۳۶۶	۲۸	« خرامد بخت
۳۶۵	۳۸	« خرد از مالت
۴۳۱	۱۵	« خورد از ضعف

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۰	۱۸	میخورد از غیب
۴۳۳	۱۳	« زخم
۸۶	۳	« شه
۳۱۹	۲	میخورند و
۱۷۰	۲	میخورومیده
۴۴۷	۳۲	میخوری این باده
۷۷	۲۹	میدراند کام
۹۹	۱۶	میدردمیدوزد
۳۷۸	۷	« میدوزد این
۳۶۸	۳۹	میدمد در گوش
۲۹۶	۳	میدمند اندر
۲۶	۲	میدود بی دهشت
۱۰۷	۱۸	« حمال
۱۹۳	۴	« در
۱۲۴	۱	میدوی این
۱۰۵	۷	« درکوی
۳۷۹	۱۵	« هرروز
۱۱۹	۲۶	میدهد جان
۳۸۲	۱	« حق
۱۴	۲	« دل
۶۹	۱۴	« رنگ
۴۴۶	۲۴	« قرآن
۱۰۲	۸	میدهند افیون
۴۳۱	۴۶	میدهد هردم
۳۲۲	۳۱	میر آخر دیگر
۳۲۲	۳۱	« گرچه
۲۴۷	۳۹	میر آخور بود
۳۱۹	۱۳	« دید
۱۵۹	۳۳	میر احوال
۱۸۶	۲۶	« از بهر
۲۶۵	۱۵	میر بود نداند کی
۴۰۲	۳۸	میر بودی
۳۳۸	۳	میر بیرون جست
۳۳۷	۴۰	« چون آتش
۱۹۸	۳۰	« دیدی خویش
۳۶۹	۴۰	« راگفتند
۴۴۳	۱۹	میر سد آنجا
۴۲۹	۴۴	« این فتح
۴۳۴	۳۹	« اینك
۴۳۳	۴۴	« گردن
۴۳۹	۳۸	میر سم اینجا
۳۵۶	۱	میر سید از جانب
۳	۳۰	« ازدور
۷۲	۲۵	« اورامد
۱۸۶	۲۲	میر شد محتاج
۳۳۸	۳۶	« گفت او
۴۲۸	۲۵	« لشکر
۲۴۵	۱	« مجلس
۲۵۹	۱۴	میر مد آن
۳۶۳	۲۰	« اثبات
۱۰۰	۳۷	میر و داز
۲۵۰	۳۴	« اندر
۶۳	۳۱	« این هر دوا
۶۳	۳۲	« این هر دو کا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۰	۵	میرود باتو برای
۳۶۰	۴	« باتو که
۶۲	۷	« بی بانگ
۳۶۲	۳۵	« بی روی
۳۶۳	۳۳	« چون
۲۰۲	۴	« در
۴۰۹	۱۹	« سباح
۲۶۹	۵	« کان
۲۱۱	۱۷	« کودك
۳۱۱	۱۵	« هرروز
۳۱۰	۱۷	« هرروز
۲۵۲	۸	میروم بروی
۱۶۸	۳۴	« تا
۱۶۸	۳۵	« یعنی
۲۹۷	۱۶	میروی در خواب
۲۳۷	۱۱	« که
۲۰	۲۳	میرهاند میبرد
۱۰	۱۴	میرهانی هر
۳۵۵	۱۶	میرهم زین
۱۰	۲۱	میرهند ارواح
۷۶	۱۶	میری او بینی
۲۶۰	۲۰	میری من تا
۳۴۰	۲۶	میزبان تازه
۳۵۷	۲۲	میزد آتش
۳۶۶	۳	« اندر
۲۸۱	۳	« اوبرسر
۲۸۱	۲	« اودودست
۴۲۹	۶	میزدی فریاد
۱۸۷	۲۸	میزری چبود
۲۶۹	۱۷	میزن آن حلقه
۱۹۸	۲۸	میزند آنرا
۳۹۸	۳۵	« برآب
۲۳	۲۲	« برتن
۳۶۹	۱	« برروش
۳۰۸	۲۳	« جان
۲۰۴	۹	« کهلیز
۱۵۴	۲۳	میزنم باتو
۱۵۴	۲۳	« تادر
۳۱۸	۶	« نعره
۵۰	۱۵	میزنند آن طاس
۴۲۸	۲۲	« افغان
۴۳۹	۳۰	میزنی بر حال
۲۶۷	۳۴	« درخواب
۱۴۹	۳۴	« دستی
۳۹۰	۲۴	میزنیدش چون
۹۹	۲۶	میزهاند کوه
۳۶۵	۴۰	میستاند آه
۳۶۵	۳۹	« این
۳۶۵	۳۹	« قطرهٔ
۸۹	۸	میستانم که بمکر
۱۳۴	۲۶	میستودندش
۳۱۳	۳۰	میشتابیدند
۲۰۶	۲۴	میشخولیدند
۱۱۷	۱۶	می شدم از دست

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶۹	۱۳	می‌شدم مدهوش
۲۶	۲۴	می‌شدند آن
۳۴۱	۴	میشد و صحرا
۲۳۲	۲۱	میشکافد
۳۱۹	۲۰	میشکافیدند
۱۵۳	۳۴	میشکست آن
۳۶۹	۱	می‌شکنجد
۱۴۰	۶	میشمارد
۱۰۵	۱۶	میشمارم برگها
۴۱۷	۱۵	میش مشغولست
۲۵۹	۳	می‌شناسا
۲۵۹	۴	« شناسا
۱۰۸	۳۰	« شنیدم فحش
۲۷۱	۱۰	« شنیدم که
۳۲۹	۳۷	« شود ز الهام
۳۶	۲۸	« شود صیاد
۳۷۱	۴۰	« شود مبدل به
۳۷۱	۴۰	« شود مبدل ز
۲۸۴	۲۸	« طپید اندر
۲۲۸	۱۵	« فتاد از جوز
۲۱۳	۱۸	« فتد از دیده
۶۸	۳	« فتد او
۳۴۹	۴	« فتد این
۱۶۱	۱۲	« فتد می‌خیزد
۱۴۸	۲۱	« فتی اینسو
۷۰	۱۸	« فرستاد او
۴۰۳	۱۲	« فروشی هر
۲۸۸	۱۲	« فزاید در
۳۴۱	۱۱	« فشاند برگ
۲۶۵	۱۴	« فشاند خاك
۲۳۴	۶	« کشاند شان سر
۲۰۹	۲۳	« کشاند شان م
۴۱۲	۲۹	« کشاند مکر
۱۵۴	۳	« کشانش در
۱۰	۱۹	میکشد استارگان
۳۰۹	۳۳	« پا
۱۷۴	۲۸	« چون
۳۱۵	۱	« حق
۲۰۳	۲۵	« دانش
۶۳	۳۰	« شان بی
۲۳۴	۷	« شان سوی
۱۷۲	۲۱	« شیر
۳۶۴	۳۴	« یکدانه
۲۱۱	۱۵	میکشند این
۲۴۴	۳۶	میکشی بوی
۲۱۲	۲۹	میکشیداز
۱۷۴	۹	میکشیدش
۷۵	۵	میکند از باغ
۳۴۱	۱۱	« از بیخ
۱۳۵	۲۹	« از مشرق
۴۴۱	۲۶	« اعداد
۱۹۸	۲۵	« اوتبز
۲۵۲	۲۶	« اوتوبه
۴۴۲	۲۹	« با او
۲۹۹	۴۱	میکند تکرار
۴۳۷	۸	« در بینی
۷۵	۵	« دندان بد
۲۲۳	۱۷	« زنبور
۱۳۰	۴۱	« طاعات
۴۴۰	۲۹	« عف عف
۳۲۱	۱۶	« گستاخ
۴۳۹	۴۴	« لاغ
۲۱۸	۷	« یکباد
۴۳۳	۲۴	میکنم از تحت
۲۲۸	۲۷	« لاحول نی
۲۲۸	۲۸	« لاحول یعنی
۴۳۲	۷	میکنند این
۲۹۱	۳۸	میکنی جزو
۱۳۵	۴۷	میکنیم از غایت
۴۳۰	۴۱	میگذارد بر
۲۳۱	۶	می‌گریزانیدش
۲۰۱	۲۶	می‌گریزد از
۱۴۰	۴۲	« ضد
۲۸۹	۴۰	می‌گریزم تا
۲۳۷	۳۶	می‌گریزند از اصـ
۳۵۵	۱۸	« از خود
۴۱۲	۳۵	میگریزی از پشه
۴۱۲	۳۵	« از جفا
۴۱۲	۳۶	« همچو
۱۴۲	۳۴	میگزندش تا
۱۴۲	۳۵	« کای
۱۴۲	۱۹	« که
۲۰۸	۲۱	میل اندر
۲۵۹	۷	« بادش
۲۰۸	۳۵	« تن
۴۰	۳۰	« توسوی
۲۰۸	۳۶	« جان اندر ترق
۲۰۸	۳۵	« جان اندر حیـ
۲۰۸	۳۶	« جان در
۱۳۶	۱۱	« خشکی مر
۱۳۶	۱۱	« دریا که
۱۰۷	۶	« روحت چون
۴۱۷	۲۶	« سوی
۲۴۰	۲۳	« مجنون
۲۱۱	۲۸	« معشوقان
۱۶۷	۳۶	« ورغبت
۳۰۲	۱۵	« وشهوت
۲۰۸	۳۷	« وعشق
۲۸۹	۱۵	میلها همچون
۱۰	۲۷	میل هر جانی
۲۰۸	۲۱	« هر جزوی
۸	۲۰	میبوو او
۱۹	۲۹	می‌نبخشائی
۴۳۰	۳۰	می‌نبیند اولین
۷۲	۳	مینبینی صنع
۲۰۲	۱۷	مینبینی غیر
۲۷۱	۳۶	می‌نجنباند
۳۹۲	۱۲	می‌نجوید
۴۱۰	۳	می‌نخورده
۱۷۴	۳۷	می‌نداند خلق
۸۱	۱۵	می‌نداند کو
۳۶۳	۱۱	می‌ندانم تا
۳۶۳	۱۰	« که تو
۳۶۳	۱۲	« که مرا
۲۱۷	۱۸	می‌نکردی او
۳۵۲	۲۸	می‌نگردد خود
۳۸۷	۱۲	می‌نگفتم
۸۶	۲۴	می‌نگیرد
۲۶۲	۷	می‌نماند در
۲۷۲	۳	مینماید آنکه
۶۵	۲۰	« اعتقاد
۳۱۰	۲۱	« او وفا
۱۵	۱۲	« بر تو
۲۷۰	۲	« پست
۹۵	۱۳	« پیش
۱۱۴	۲۱	« تا
۳۵۶	۳۸	« در نظر
۹۶	۳۳	« سیری
۲۷۱	۳۵	« صورت
۱۲۴	۱۸	« مارت
۱۱۴	۲۱	« موج
۳۴۸	۳۴	« نور
۸	۱	مینمود آن مرغرا
۱۲۲	۴۲	« آن مکر
۳۵۷	۲۳	مینهاد آنجا
۲۰۲	۲۶	می‌نهان گردد
۴۹	۲۰	مینهم پیش
۳۷۳	۱۹	می‌نیابی هیچ
۲۷۴	۷	می‌نبارد باد
۳۱۲	۳۳	« نیاید شان
۱۴۱	۳	« نیاید یك
۳۰۰	۱۹	« نیرزد آن
۱۰	۱۵	« نیندیشم
۴۷	۲۷	میوه‌ات باید
۴۳۴	۳۱	میوه او جز
۲۸۳	۲۲	« جنت
۴۰۴	۳۶	« شیرین
۱۶۹	۲۱	« که بر
۴۲۲	۱۷	« گرکهنه
۵۹	۱۴	« معنی
۲۲۷	۲۳	« مکروه
۹۴	۶	میوه‌ها در فکر
۲۳۳	۳۴	میوه‌ها لابه

حرف ن

ن - ا

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۰	۱۴	ناامید از
۱۵۵	۳۹	ناامیدانیم
۷۴	۲۱	ناامیدی را
۲۹۵	۲۷	« رفته
۱۳۰	۳۷	« هابه
۶۴	۷	ناتراشیده
۳۲۳	۲۸	ناجوانمرد اچکرد
۳۲۳	۲۷	« چه کر
۱۴۷	۳۰	« که
۲۲۸	۳۳	ناحمولی
۳۷	۱۶	ناخوش او
۳۵۳	۱۸	ناخوشت
۲۵۸	۱۲	ناخن و منقار
۲۵۸	۱۱	ناخنی که
۴۰۸	۲۳	نادر اروزی
۳۸۱	۳۵	نادر افتد
۳۳۱	۲۹	« این باشد
۷۰	۲۷	نار از آن آمد
۲۷۱	۱	« بودی
۷۲	۱۲	« بیرونی
۷۲	۱۴	« پاکانرا
۳۳	۲۶	« تواین
۷۲	۱۰	« خصم
۱۷	۸	« خندان
۴۱۰	۷	« دوزخ
۱۸۳	۳۱	« راکوئی
۷۲	۱۳	« شهوت را
۷۲	۱۲	« شهوت می
۷۲	۱۹	« صحت
۹۸	۵	« ضد نور
۳۶۴	۴	« گردی نار
۸۰	۱۶	ناریان مر
۳۸۴	۱۴	ناز آن ابله
۱۵۸	۶	« فرزندان
۲۸۷	۳۶	« کردن
۳۳۴	۳۷	نازنین تر
۲۳۵	۲۲	« شعری
۳۰۴	۳۵	« یاری
۶۵	۳۲	نازنینی تو
۳۶۲	۲۷	نازهای هر
۱۴۲	۳۱	ناسپاسی و
۲۲۸	۲۶	ناس مردم باشد
۴۰۶	۱۵	ناشده واقف
۲۱۱	۲۷	ناشکیباکی
۲۱۴	۳۱	ناشناسا
۲۲۰	۲۲	ناصحان اورا
۲۰	۱۸	ناصحان را دست
۱۴۳	۲۶	ناصحانشان
۲۰	۱۷	ناصحان گفتند
۱۱	۲۹	ناصح دین
۳۳۶	۴	ناصحی ربانئی
۱۶۷	۳۳	ناطق کامل
۷۰	۳۳	ناطقه چون
۶۲	۷	« سوی
۳۲۸	۲۲	ناظر فرعی
۱۰۶	۱۶	« قلبیم
۲۱۰	۲۷	نافتاده شخص
۱۱۹	۲۰	ناف ما بر
۵۱	۱۶	ناقة الله
۴۳۸	۱۳	ناقل قال
۵۱	۲۲	ناقهٔ جسم
۲۱۲	۳۳	« چون
۵۱	۱۵	« صالح بصورت
۵۱	۱۶	« صالح چو
۲۱۶	۱۹	ناکسان را
۱۳	۱۶	ناگزیر جمله
۴۶	۳۲	ناگه ار روزی
۱۲۰	۴	ناگهان آمد زحق
۱۰۵	۱۱	« آمد سوار
۴۳۲	۲۶	« آن باد
۳۰۳	۲۹	« آواز سگ
۳۱۹	۱۸	« آوازهٔ
۹۷	۱۹	« انداخت
۴۳۲	۱۳	« بادی
۳۴۱	۳۶	« بجهد
۴۳۷	۲	« برگله
۴۳۵	۲۲	« بینی سگ
۱۴۷	۲۹	« تمثال
۱۷۲	۷	« چشمش
۱۶۰	۳۳	« درخانه
۱۴۰	۱۷	« دیدند
۲۵۱	۲۸	« رفت او
۴۳۶	۳۹	« زانحال
۲۰۱	۲۷	« گیرند
۱۱۹	۱۱	« مردی
۱۸۷	۳۴	ناگهانی آن
۴۱۵	۶	« خود
۳۷	۱۴	نالم ایرا
۳۳	۲۷	نالم و ترسم
۵۱	۳۴	ناله از اجزای
۳۹۳	۳۱	« از اخوان
۲۸۲	۱۶	« از باطن
۱۰۷	۲۷	« خر
۲۲۸	۶	« سرنا
۱۴۱	۱۳	« سگ در
۱۰۹	۳۵	« کافر
۱۹۸	۲۹	« کردی
۲۷۴	۳۰	« گرگان
۴۱۴	۲۵	« مؤمن
۲۳۰	۱۴	« مخفی
۴۲۹	۳	« میزد سوخته
۸۳	۱۰	« میکرداز
۸۵	۳۱	« میکردو
۲۶	۲۸	« میکن
۸	۱۹	نام آن محبوب
۱۷	۱۹	« احمد چون چ
۱۷	۲۰	« احمد چون ح
۲۵	۷	« احمد نام
۱۹۵	۳۶	« او خوانند
۴۱۱	۲۶	« او در
۳۶۴	۲۰	« او والقاب
۱۷۶	۳۳	« این سگ
۱۷	۸	نام مبارك
۲۰۲	۲۴	نام پنهان

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۶	۱۷	نام توازترس
۴۸	۱۰	« حق بستاند
۳۹۴	۳۶	« حق عدلست
۴۸	۱۰	« حقم بست
۲۳۶	۲۴	« خودکرده
۸۷	۱۱	« دیوی
۹۳	۲۶	« شان از
۲۶۰	۲۸	« شانراسبل
۵	۳۰	« شهری
۸۰	۸	نامصوریامصور
۸۰	۸	نامصوریامصور
۲۴۰	۱۳	نام کالانعام
۴۴۸	۸	« گندم
۳۱۸	۲	« من در
۳۵۶	۴۱	« میری و
۱۲۹	۷	نامناسب مینمود
۲۳۵	۱۸	نام نیك اوز
۱۸۲	۱۵	نام نیك و
۲۳	۱۵	نام وناموس
۳۰۹	۲۸	نامهٔ آید بدست
۳۰۹	۳۶	نامه ات آنست
۲۴۱	۷	« بگشادن
۳۱۶	۱۲	« برظلم
۲۴۸	۳۴	« خواند
۲۴۶	۳۷	« دیگر
۴۹۱	۲۳	نام هرچیزی
۹۱	۶	« هریك
۳۲۹	۲۷	نامهٔ عذر
۱۷۵	۲۲	« وباران
۵۶	۲۷	نان برون برد
۳۲۰	۹	« بیاوردند
۳۲	۲	نانت قوت
۳۱۲	۳۶	نان توشد
۳۳۷	۳۶	« جوحقا
۳۹۹	۲۶	« چواطلاق
۳۲	۱	« چودرسفره
۷۷	۲۹	« چومعنی بود
۷۷	۲۷	« چومعنی بود
۳۲۵	۱۱	« خوریرا
۴۳۱	۱۵	« دهنده نیست
۳۵۳	۷	« دهنده و
۴۶	۱۲	« دهی ازبهر
۳۱۹	۳۷	« زخوکان
۲۷۱	۲۴	« کجااصلاح
۳۸۷	۸	« کهسدو
۳۸۸	۲	« کرمو
۵۸	۱۲	« کلست و
۴۶	۲۵	« مان نی
۹۹	۳۲	« مرده چون
۲۸۰	۱۴	« وآش و
۴	۱۳	« وخوان از
۳۷۱	۶	« همی باید
۴۱۹	۱۰	نایب آمدگفت
۳۷۵	۶	نائب حق است

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۴	۱۹	نایب خاص
۵۴	۲۰	« رحمان
۴۳۹	۷	« سلطان
۴۱۹	۷	نایبش را
۴۳۵	۴	نایب شه
۴۴۲	۴	« مائی
۶۱	۱۱	« من
۴۲	۱۵	نایدآن الا
۲۲۸	۳۰	نای رابر
۴۹	۴	« راحق
ن - (ب - ج)		
۲۶۲	۱۷	نبت راچه
۵	۳۲	نبض اوبر
۳۷۲	۱۸	« اوبگرفت
۵	۳۴	« جست و
۱۹۶	۱۸	« عاشق
۲۴۷	۷	نبودآن دشنام
۵۳	۲۳	« آنکه
۳۲۷	۲۲	« اندر
۲۸۸	۳۵	« اوراحسرت
۴۹۱	۲۱	نجم اندر
۲۱۰	۲۲	« ثاقب
ن (ح - خ - د - ذ)		
۱۹۹	۲۶	نحس خرگوشی
۱۰۳	۱۷	« شاگردی
۱۰۵	۱۷	« کیوان
۳۶۰	۲۵	نحعلي
۴۳۰	۲۲	نحن مستحی
۳۵۲	۱۸	نخلها بر کوه
۲۵۸	۲۳	نخوت شاهی
۳۸۲	۲۸	نخوتش برما
۴۷	۳۵	نخوت ودعوی
۱۹۵	۱۲	نخوتی دارند
۳۷۶	۲۹	ندچبود
۱۶۴	۱۳	نذررا باید
۳۴۳	۸	« کردم که
۱۶۴	۱۵	« مارا
ن - ر		
۴۲۵	۴۵	نردبان آسمان
۲۶۰	۵	« خلق
۹۳	۱۷	نردبانش
۳۲۲	۳۴	نردبانهائیست
۳۸۶	۱۴	نردبس
۲۳۱	۱	« خدمت
۳۹۱	۱۶	« دل
۲۴۱	۳۰	نرگس چشم
۲۷۷	۳	نرم گولیکن
۵	۲۱	« نرمك
۲۶۴	۶	نرومادة
۳۴۷	۵	نری خرگو
ن - ز		
۲۹۹	۳۰	نزبرای منتی
۴۲۹	۴۸	« هرزه
۱۰۸	۱۸	نزبی سودو

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۵	۱۹	نزدآنکس که
۱۳۳	۱۴	« آنکه لم
۳۲۵	۱۷	« اویکسان
۱۲۳	۳۱	« پیغمبر
۴۲۸	۳۱	« توسوزنده
۳۶۷	۲۰	« خر
۷۱	۱۳	« شه
۱۸۶	۲	« عاشق
۲۰۵	۳۹	« عاقل
۴۳۱	۲۷	« قاضی
۲۸۹	۲۸	« من جان
۲۷	۲۰	« موسی نام
۴۰۸	۱۱	نزطریق
۱۶۸	۵	نزع فرزندان
۲۳۱	۲۰	نزکسی دیدم
۱۰۳	۲۱	نزمنت
ن (س - ش)		
۱۹۶	۶	نسبت اثبات
۲۵۲	۳۵	« اصلم
۲۵۴	۱۹	« ابن
۱۵۵	۱۸	« زیرو
۹۰	۱۰	نسبتش دادی
۴۳۶	۴۰	نسبت هرقوم
۵۴	۲۳	نسبتي باید
۲۵۴	۲۰	« گرهست
۴۲۸	۳۴	نسرراحمال
۳۵۰	۱۷	نسرطائر
۱۷	۱۷	نسل ایشان
۳۸۵	۲۷	نشف کردستت
۳۹	۳۵	نشنودآن
۴۳۱	۱۸	« صدق
۳۹	۳۶	« نغمه
۴۳۱	۴۵	نشنوی ازمن
ن (ص - ط - ظ)		
۴۳۰	۴۳	نصب عین
۲۴۳	۱۷	نصف قیمت
۱۹۴	۳۴	نص وحی
۳۴۶	۱۳	نطفه از نانست
۴۴۷	۱۵	« بودی
۶۵	۱۷	نطق آب و
۱۲۵	۲۱	« اسطرلاب
۲۷۷	۵	« جان
۴۱۹	۲۹	« عیسی
۳۴	۳۳	« کان
۱۳۲	۲۷	« موسی
۲۷۹	۱۱	« هانسبت
۱۶۱	۱	نظم وتجنیس
ن - (ع - غ)		
۲۸۱	۳	نعره زد
۳۳۵	۱۶	نعره زدسخت
۳۹۸	۱۴	« زدمرد
۳۳۵	۱۹	« لاضیر بر
۳۴۸	۲۶	« لاضیر بشنید
۳۰۶	۱۳	« مؤذن

صفحه	سطر	اول بیت
۳۶۶	۳۱	نعره مستانه
۱۹	۱۴	« میزد
۴۱۵	۱۲	« وفریاد
۳۸۲	۲۱	« یانار
۱۴۳	۱۳	نعطمن اعرض
۲۸۱	۲۱	نعل اوباشد
۳۰۲	۲	نعلبندانرانمود
۲۸۵	۳۰	نعل بینی
۳۲۵	۳۷	نعلهای بازگونه
۵۰	۲۹	« بازگونه
۱۸۳	۲۵	نعمت آرد
۳۰۲	۳۷	« ازدنیا
۱۷۹	۳۱	« ازوی
۱۷۱	۳۷	نعمت دادم
۳۶۵	۱۰	نعمت جنات
۱۷۹	۲۸	« چه
۲۹۷	۲	« حق را
۱۸۳	۲۵	« شکرت
۱۸۳	۲۶	« وهاب را
۴۲۸	۱۶	نغزایشان
۳۳۰	۲۴	« میآید
۲۰۶	۱۲	نغمهٔ اجزای
۴۰	۳	نغمهای اندرون
ن - ف		
۲۶۷	۲۰	نفخ اواین
۳۷۵	۲۸	« دروی
۳۰۹	۱۱	« صورامر
۴۰	۲۲	نفخه آمد
۴۰	۲۲	« دیگر
۱۱۱	۷	نفرت خفاشگان
۳۲۸	۱	نفس آن گاو
۳۸	۳۶	« ازبس
۱۷۷	۳۴	« اژدرهاست
۲۴۲	۲۲	« اکرچه
۹۱	۱۹	« اودر
۳۴۳	۲۲	« اوفریاد
۱۸۶	۳۹	« اول
۱۱۱	۳۹	« اومیراست
۳۴۳	۵	« بانگ
۷۹	۱۱	« بانفس دگرچ
۷۹	۱۴	« بانفس دگرخ
۲۴۲	۲۱	« بی عهد
۱۵۳	۳۸	نفست اژدرها
۹۲	۲۵	نفس تواست
۳۲۰	۳۶	« توتا
۱۷۶	۲۲	« توهردم
۱۷۷	۳۳	« چون با
۳۴۳	۳۱	« چون مبدل
۲۹	۲۵	« خرگوشت
۱۱۹	۸	« خس
۴۲۳	۸	« خودبر
۱۱۴	۴	« خودرازان
۱۷۷	۱۱	« خودراکش
۳۴۴	۲۵	« خودراکی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۷۷	۳۸	نفس راتسبیح
۳۵۵	۱۹	« رازان
۱۸۴	۳۹	« رازین
۱۴۳	۲۴	« زین سانست
۱۳۲	۱۹	« سوفسطائي
۲۱۹	۳۲	« شهوانی زه
۲۱۹	۳۲	« شهوانی ندا
۲۷۴	۱	« فرعون
۴۲۳	۱۶	« کافر
۹۱	۲۶	« کشتی
۴۴۵	۳۵	« کل با
۱۷۷	۱۳	« گوید
۳۰۲	۲۹	« مارا
۳۴۳	۳	نفسم ازباطن
۲۱۷	۲۶	نفس مؤمن
۲۱۴	۱۰	« مایکسان
۱۲۹	۱۲	« موسی
۱۱۴	۲	« میخواهد
۱۱۸	۲۶	« نار برا
۱۲۹	۳۴	« نمرود
۱۳۵	۱۷	« واحد
۳۲۸	۳۶	« وشیطان خو
۱۸۸	۳۴	« وشیطان نیز
۲۰۲	۲۲	« وشیطان هر
۲۴۷	۴۰	« هاراتا
۲۴۲	۲۱	« هارالایق
۵۳	۱۴	« همچون
۴۲	۱۶	نفح باران
۳۹۰	۳۸	« وضر
۳۷۸	۴۰	نفقه وکسوه
۱۹۶	۶	نفي آن یك
۳۶۲	۳	« بگذارو
۳۶۲	۲	« بگذارو
۳۶۲	۱	« بهرثبت
۹۶	۲۴	« خورشید
۲۹۵	۳۷	« رااثبات
۳۵۳	۳۰	« ضدکرد
۳۶۳	۲۹	« ضدهست
۱۶۲	۱	« کرداما
ن - ق		
۳۹۴	۱۸	نقب زن
۳۶۵	۴۰	نقد آورتا
۱۰۲	۱۲	« ایمان را
۳	۸	« حال
۱۷۸	۵	« رااز
۴۱۴	۱۷	« رفت و
۴۰۰	۲۳	« ماوجنس
۳۰۹	۲۴	« نیکو
۲۵	۴	نقش آبست
۲۴۰	۵	« آدم
۲۷۶	۳۱	« احمد
۲۲۹	۶	« اکرخود
۵۶	۶	« اکرغمگین
۲۷۷	۱۷	« اوبرروی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۷۷	۱۷	نقش اورا
۲۴۹	۳۶	« اوفانی
۲۵۳	۴	« اوکردست
۲۷۷	۱۶	« اومی
۱۵	۵	« باشدبیش
۶۱	۶	« بانقاش
۱۵۲	۱	« بانقاش پنجه
۲۳	۱۹	« بردیوار
۲۶۵	۱۱	« بندانند
۳۳۳	۹	« توباتست
۸۰	۲۲	« جان خویش
۲۱	۲	« جنسیت
۳۷۴	۱۴	« چون کف
۷۷	۱۹	« حق را
۳۴۳	۳۶	« درکاغذ
۵۵	۳۷	« درویش
۳۴۵	۱۴	« رستم
۳۴۳	۱۲	« صوفی
۲۶۲	۱۳	« ظاهر
۱۰۷	۹	« کرمز
۲۴۵	۱۵	« گل در
۱۸۳	۳۰	« ما این
۵۶	۶	« ماهی را
۵۵	۳۸	« ماهی کی
۸۰	۲۸	« من از
۱۰۶	۳۴	« میبینی که
۶۸	۳۹	« وقشر
۵۶	۹	« هائی کاندر
۳۴۳	۱۳	« هارامیخورد
۴۰۱	۱۴	« هاگر
۳۲۴	۱۶	« های این
۲۵۵	۲۴	« های بد
۱۱۸	۹	« یوسف
۱۰۲	۳۴	نقص عقل
۶۴	۹	« ها آیینه
۳۲۳	۲۱	نقض عهد
۳۲۳	۲۱	« میثاق وشکست
۱۲۳	۱۲	« میثاق وعهود
۹۴	۸	نقل اعراض
۳۶۳	۳۴	« باشد
۳۲۲	۱۶	« برنقلست
۳۵۲	۱۶	« خارستان
۲۷۳	۴	« کن زامرود
۳۲۰	۲۵	« کن زینجا
۹۳	۳۵	« نتوان
۹۴	۱	« هرچیزی
		ن . (ک . گ)
۳۴۸	۳۱	نك اناما ئیم
۳۶	۱۱	« بیرانیده
۲۶۷	۳۵	« بدان سو
۱۱۸	۲۱	« بهشت و
۴۳۸	۲۹	« بیان کن
۱۷۸	۵	« بیابی
۲۷۹	۱۵	نکتهای مشکل

صفحه	سطر	اول بیت
۵۲	۲۹	نکته دیگر تو
۳۱۴	۳۴	« زان
۴۲۸	۵	« سیروا
۲۴۲	۲۹	« شدباریك
۳۵	۱۶	« کان جست
۵۳	۵	« لاینبغی
۴۳۰	۳۹	« ماسر
۴۲۹	۴۰	« وارانده
۱۶	۲۳	« هاچون
۱۱	۳۰	« هامیگفت
۴۲۸	۳۲	« یانار
۵۱	۷	نك جهان درشب
۱۹	۷	« جهان نیست
۳۸۶	۲	« خیال
۴۰۸	۲	« درافتادیم
۲۲	۱۵	« زدرویشی
۹۵	۱۶	« زغیبت
۱۷۶	۳۰	« سرش
۳۵۹	۱۰	« شبانگاه
۲۶۹	۱۵	« شباطین سوی
۲۱۲	۱۲	« شباطین کسب
۱۲۳	۱۰	« صریح
۲۶۰	۳۱	« عصا
۶	۱۵	« فلان شه
۴۵	۷	« قراضهٔ
۱۱۳	۳۸	« مرادر
۲۰۶	۲۰	« منم ینبوع
۲۵۵	۱	« منم سرهنگ
۱۸۰	۳۲	« نشان آنست
۱۲۲	۱۷	« نشان پای
۳۶۶	۳۱	« هلالی
۳۷۹	۱۶	نگذری زین
		ن - (م - ن)
۲۴۷	۴	نم بارد ابر
۴۶	۲۶	ننگ درویشان
۲۹۳	۱۸	ننگرم درتو
۱۸۸	۸	« عهد
۱۵۸	۲۵	« کس
۳۰۷	۴۲	ننگرنداندر
		ن — و
۳۱۷	۱۱	نوبت جستن
۴۰۸	۲۶	« روز
۳۸۰	۲۰	« زنگیست
۳۸۰	۱۹	« صدرنگی
۳۸۰	۲۰	« گرگ است
۴۰۹	۳۳	« ماشد
۵۰	۱۴	نوبتم گر
۴۱۹	۳۹	نوبت من رفت
۴۱۸	۱	« من شد
۲۶	۴۰	« هدهد
۳۹۲	۱۹	نوبهارا
۹۳	۹	نوح از آن کوهر
۱۸۱	۲۷	« اندر
۴۱۸	۱۷	« تابه خانه

صفحه	سطر	اول بیت
۸۵	۳	نوح چون
۳۰	۲۵	« راگفتند
۱۵۸	۱۱	« گفت ای
۳۹۱	۲۵	« نهصدسال در
۳۵۲	۶	« نهصدسال ده
۱۹۴	۳۵	« وار
۳۸	۱۷	« وموسی
۳۱۷	۱۷	نوحها میکرد
۱۲۰	۳۵	نوحه اناظلمنا
۳۹۲	۲۲	« خواهی
۴۰۷	۴	« راصورت
۸۷	۵	« گرباشد
۸۷	۶	« گرگوید
۴۲۳	۱۳	« میکرد
۲۸۹	۶	« وگریه
۱۹۳	۱۳	نورآبی دان
۲۲۳	۲۸	« آنخانه
۱۷۵	۲۴	« آندانی
۲۶۷	۳۱	« آنرخسار
۲۲۳	۳۰	« آنصد
۲۸۲	۳۸	« آنکوهر
۴۳۴	۴۴	« ازآنجا
۲۴۲	۲۶	« ازآنخوردن
۲۱۶	۹	« ازآنماه
۴۴۱	۲۹	« ازخورشید
۱۴۶	۱۹	« ازدیوار
۳۹۴	۲۷	« اوبردر
۳	۳	« اودر
۳۹۲	۱۲	« اورازان
۵۴	۱۱	« این تسبیح
۲۲۶	۷	« این شمس
۷۹	۷	« باقی
۱۰۱	۳۵	« بایدپاك
۲۴۶	۳	« بی این
۳۴۰	۱۴	« بی سایه
۳۱۵	۳	« بینی روش
۲۵۰	۱۹	« پاکش
۲۴۸	۱۷	« پنهانست
۳۶۸	۳۱	« جستم خود
۱۵۶	۴	« چشمانم
۹۷	۳۳	« چشم وقوت
۲۷۵	۱	« چشم ومردم
۳۲۶	۷	« چشمی که
۹۹	۱۰	« حس بااین
۲۲۳	۱۵	« حس جان
۹۹	۷	« حس رانور
۹۹	۹	« حسی کو
۹۹	۷	« حسی میکشد
۹۲	۳۷	« حسی نبود
۹۹	۵	« حق برنور
۲۳۲	۳۴	« حق راکس
۲۵	۲۴	« حق رانیست
۴	۳	« حق ظاهر
۲۷۹	۱۲	« حقی

صفحه	سطر	اول بیت
۴۰	۱۵	نورخواه از
۷۰	۲۹	« خواهی مست
۱۱۳	۲۲	« خوداندر
۱۳۱	۱۱	« خورشیدار
۲۰۶	۲۰	« خورشیدم
۲۷۰	۲۶	« درچشم
۹۳	۳۲	« دل ازجان
۴۳۴	۴۳	« دولت
۳۰۰	۷	« دیده نور
۳۸۸	۲۰	« دیگراز
۲۵۴	۱۷	« راباپیه
۱۴۲	۳۸	« راهم نور
۱۸	۵	« روزن
۳۹۷	۲۰	« رویش
۳۹۷	۳۸	« روی یوسفی
۳۹۷	۲۶	« شان حیران
۲۸۲	۳۲	« ش اندر
۳۲۸	۱۳	« شش قندیل
۴۴۷	۴۶	« شمعت
۱۸	۱۰	« غالب
۹۲	۱۷	« فرقان
۹۲	۱۸	« گوهر
۲۴۳	۴	« محشر
۳۸۳	۱۳	« مردان
۳۲۸	۱۲	« مصباح
۱۱۵	۲۰	« موسی
۳۰۰	۴	« مه آلوده
۲۹۰	۱۵	« مه برابر
۳۶۷	۵	« مه راجع
۲۷۹	۱۴	« میکش
۳۲۵	۱۰	« مینوشد
۲۵	۲۰	« نورچشم
۱۶۹	۶	« وشعله
۱۰۲	۳۷	« های برق
۱۶	۱۲	« هردو
۹۲	۱۷	« هرگوهر
۲۷۹	۱۳	« یابد
۱۰۲	۱۲	نوش چون
۹۵	۴۰	« رابگذاشته
۲۶۷	۷	نوعروسی دید
۱۸۷	۳۰	نوع ها تعریف
۲۳۸	۴	نوگیاهی دید
۲۳۶	۳۰	« رسته
۲۳۷	۶	« هردم
۴۰۹	۱۷	نوم عالم
۲۶۵	۴	« ماچون
۲۸۴	۷	نون ابرو
۲۱۰	۳۰	نوندیدم
		ن - ه
۴۲۵	۴۵	نه بیام چرخ
۳۶۳	۱۸	نه بقول
۳۰۹	۳۸	نه ترا از روی
۳۱۰	۱	« برظلم
۳۰۹	۳۹	« حفظ

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰۹	۳۸	نه تراشبها
۹	۳	نه چنین
۴۲۰	۴۰	نه خوش است
۴۳۸	۳۸	نه درآنجا مرغ
۴۴۴	۱	نه دراو نیرو
۳۶۳	۱۷	نه زبغداد
۳۶۷	۳۰	« پیه آن
۴۳۹	۱۱	« گفت و
۳۶۳	۱۶	« هندو
۵۸	۱۰	نه سبو پیدا
۱۹۵	۲	نه سحابش ره
۹۵	۱۹	نه سمایینی
۲۵۷	۱۳	نه شود مویت
۳۶۳	۱۹	نه قدید
۲۵۷	۱۳	نه کسی در شهوت
۱۹۲	۴	نه مهم باراست
۳۹۶	۳۴	نه هزارش وام
۴۰۱	۱۰	نه هزارم وام
۴۰۶	۷	نهی براهل
		ن - ی
۱۳۵	۲۲	نی اخی
۲۳۴	۱۸	« ادبشان
۷۱	۳۱	« ازاونقشی
۱۷۲	۱	« ازاین سو
۱۷۳	۳۳	« بچپ نی
۳۳۴	۱۳	« بدانجا
۲۲۵	۳۰	« بدرگاه
۱۱۹	۲۸	« برای آنکه
۷۴	۲۰	« بسجر ساحرا
۱۱۷	۸	« بغیر
۲۵۹	۲۷	« بکش
۲۶۷	۲۳	« بگفتست
۷۱	۱۶	« بگویم
۲۰۶	۲۱	« بگیرم گفت
۲۱۶	۲۵	« بلابه
۴۱۲	۲۸	« بنورش
۳۴۱	۲۷	« بوقت خشم
۳۴۱	۲۶	« بوقت شهوت
۲۳۸	۱۳	« بهانه
۳۹۱	۳۵	« به پنج
۲۹۰	۱	« بهنداست
۱۵۸	۱۰	« پدراز
۱۴۱	۶	« ترادر
۳۷۱	۱۴	« تعصب
۱۱۳	۱۸	« نیت مؤمن
۲۱۸	۳۷	نی تنوری
۲۹۹	۱۶	« تواعطیناك
۱۹۵	۲۲	« تواندر
۱۴۷	۱۰	« تو بودی
۲۰۴	۱	« توصیادی
۲۳۹	۱۷	« توگفتی
۱۵۷	۳۴	« توگوئی
۱۹۲	۳۳	« جزای
۱۲۶	۴۴	« چراغی در

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۴	۴	نی چنان افسانها
۳۷۰	۱۷	« شیری
۱۱	۸	« که از
۲۰۱	۶	« مرغ
۳۶۳	۳۱	« مرگی
۲۲۲	۲۱	« معدوم
۲۲۷	۳۴	نی چو آن ابله
۳۷۰	۳۱	« تو ایخام
۳۶۹	۱۲	« تو پس
۳۴۲	۶	« حاکم
۱۴۳	۸	« عیسی
۳۸۷	۲۱	« کنعان
۲۲۵	۱۴	« معراج بخار
۲۲۵	۱۳	« معراج زمین
۲	۷	نی حدیث
۳۷۷	۱۴	« حراره
۲	۶	« حریف
۱۲۷	۵	« حصیر و
۲۵۴	۳۴	« حلیمی
۱۲۵	۲۶	« حیاتش
۳۸۲	۲	« خدارا
۳۸۵	۳۲	« خیال و
۳۸۰	۱۷	« درازی
۱۲۷	۱	« در آن از
۱۲۷	۷	« در آن دل
۱۸۱	۸	« در آن دم
۷۵	۲	« در آن ظلمت
۳۶۷	۶	« در او نوری
۱۲۷	۱	« درش معمور
۱۷۳	۲۱	« دل اندر
۱۰۸	۲۴	« دلش را
۱۶	۱۰	« دو باشد
۱۳۹	۳۷	« دهان دزدیده
۳۷۱	۱۲	« دهنده
۳۷۱	۱۴	« رهی ببریده
۲۱۱	۱۱	نیز اندر غالبی
۳۷۱	۱۳	نی زبان
۳۱۳	۲۸	« زبخل
۴۱۴	۱۱	نیز تا حیران
۹۹	۲۸	نی ز جان یك
۳۲۳	۸	نیز جوع و
۱۷۲	۱۲	نی ز چشان
۲۲۶	۶	« زخاك و
۱۴۵	۱۷	« زدریا
۱۷۶	۲۴	نیز روزی
۱۴۷	۵	نی ز غفلت
۴۴	۹	« زکوران
۴۲۸	۱۵	نیز کیوان
۳۰۰	۶	نی ز گلخنها
۴۰۹	۱۰	« زمردان
۱۰۰	۱	« زمسجود
۲۹۸	۲۶	« زمین
۲۶۰	۲۷	نیز هر اگر
۲۶۰	۲۳	« راهمچو

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۰	۲۴	نیزها گم گشت
۲۳۹	۱۷	نیزه بازی
۹۶	۱۹	« گردانیست
۲۸۶	۱۴	نیست آتش
۴۳۰	۳۳	« آگاهی
۳۳۴	۱۱	« آگه آن
۴۲	۱۰	« آنباران
۲۷۴	۳۹	« آن جنبش
۲۳۸	۳۲	« آنسو
۲۷۰	۲۵	« آن بنظر
۱۲۱	۱	« از ابلیس
۳۰۵	۱۱	« از اسباب
۳۸۲	۶	« از عاشق
۴۳۹	۲	« از فعل
۱۴۸	۳۱	« الاحیله
۱۰۰	۲۱	« امکان
۳۸۲	۳۲	« اندر بحر
۲۴۹	۲۹	« اندر جبه
۲۷۰	۲۶	« اندر چشم
۲۳۹	۴۰	« اندر عنصر
۲۸۹	۳۲	« انگارد
۳۰۴	۴	« اور اخود
۴۳۱	۴۳	« ایخواجه
۲۲۷	۲۵	« این از ران
۴۴۰	۳۴	« این از نوع
۴۳۹	۳۷	« این جاو
۴۳۵	۴۲	« اینجرئت
۴۲۰	۴۰	« اینده هر
۳۸۱	۳۴	« اینکار
۳۶۲	۲	« این و
۲۱۹	۲۳	« اینها بر
۱۵۵	۳۰	« با ایشان بغی
۱۵۵	۳۷	« با ایشان سلا
۲۳۶	۱۹	« بازی
۱۹۶	۱۶	« باشد روشنی
۱۹۶	۱۷	« باشد طعم
۳۹۰	۳۷	« باطل
۴۳۷	۲۴	« با مخدومیه
۴۳۷	۲۳	« با من
۱۲۹	۴۰	« بحری
۴۳۴	۳۶	« بر آن شاه
۲۲۵	۱	« بر این کار و
۴۳۲	۴۳	« بی حکمت
۴۳۸	۲۴	« پایان این
۴۱۶	۳۶	« پنهان
۲۹۲	۱۰	« پیدا اندر
۲۶۱	۲۴	« پیدا سر
۲۴۰	۲۸	نیست بر وفق
۲۶۲	۲۶	نیست تخصیص
۶۴	۲	« تخمی
۳۰۱	۲۲	« ترکیب محه
۳۹۷	۱۲	« جمعیت
۳۹۶	۷	« جنسیت بصـ
۹۷	۳	« جنسیت زر

صفحه	سطر	اول بیت
۴۷	۲	نیست چیره
۲۶۹	۱۷	« حاجتان
۱۷۶	۲۲	« حاجت شهر
۵۶	۳۳	« حاکم
۲۶۴	۱۶	« حکمت این
۷۱	۲۸	« حکمت گفتن
۳۴۲	۳۶	« حمزه
۹۱	۲۹	« خفاشك
۲۵۳	۳	« خلقش
۱۶۳	۳۲	« خوداز
۱۱۰	۲۰	« خود بیچشم
۲۵۴	۱۸	« خود مانند
۲۲۲	۱۳	« در تقدیر
۱۳۰	۲۲	« در سوراخ
۲۱۸	۳۵	« در سوراخ
۳۷۶	۱۷	« در ضبطت
۴۳۴	۱۵	« در علم
۱۸۷	۶	« دستوری د
۲۴۶	۲۰	« دستوری ک
۲۹۵	۳۱	« دستوری گ
۱۷۵	۲۶	« دستوری و
۱۲۹	۳۳	« دون القلتبن
۲۵	۱۹	« دید
۲۰۵	۱۶	« ذکر و
۲۹۵	۳۴	« رابنمود
۲۱۰	۱۲	« راچه
۳۹۱	۳۶	« زرغباً
۳۹۱	۳۶	« زرغباً
۴۰۲	۲۶	« زندانی
۴۰۶	۱۵	« سرگردانی
۶۱	۲۶	« سوزن
۳۹۲	۲	نیستشان از
۴۲۲	۲۹	نیست شاه
۳۷۵	۳۰	نیستش بر خر
۲۴۵	۳۱	« درد فراق
۳۷۴	۱۰	نیستش درد و
۱۳۸	۱۵	نیست شرح
۶۲	۳۹	« شه را طمع
۴۲۰	۱۲	« صورت
۳۳۷	۳	« ضایع
۲۵۸	۲۸	« عاقل
۲۵۰	۳۵	« عقلش
۱۱۸	۵	« غم گر
۴۴۱	۲۵	« غیر از
۲۴۷	۱۰	« غیر نور
۲۷۴	۳۴	« قاصر
۱۹۰	۷	« قدرت
۱۲۸	۱	« قوت و
۴۳	۱۵	« کسب امرو
۲۱	۲۱	« کسبی از
۱۰۴	۳	« کس راز هر
۲۷۱	۳۰	« گردد
۳۸۰	۲۶	« لایق
۳۴۲	۳۷	« لوت

صفحه	سطر	اول بیت
۴۴۱	۹	نیست مار اغیر
۴۲۲	۲۰	نیستم امید
۳۴۶	۱۳	نیست مانده
۳۲۵	۲	نیستم بر عزم
۳۰۷	۱۳	« بی رحم
۴۳۶	۴۴	« بی کس
۱۵۵	۱۹	نیست مثل
۱۶۷	۱۲	نیستم حافظ
۲۰۳	۲۱	نیست معرم
۴۱۶	۲۷	« مخفی در
۴۱۶	۳۶	« مخفی سبر
۴۱۶	۳۵	« مخفی مزد
۱۵۸	۷	نیستم شوهر
۴۴۵	۳۴	نیست ممکن کو
۴۳۹	۴۸	نیستم من مضحکه
۱۵۸	۶	« مولود
۴۴۲	۱۸	نیست موجودی
۱۸۴	۱۶	« موهوم
۲۴۳	۷	« نقدی
۲۶۹	۱۳	« نور
۳۷۵	۱۰	« واجب
۴	۱	« وش
۳۴۶	۲۹	« وقت کین
۲۵۱	۲۲	« وقت مشور
۳۴۲	۷	« هر عقل
۳۸۰	۲۹	« هر مطلوب
۴۴۷	۳۴	« هست
۲۶۶	۳۷	« همتا
۳۵۵	۱۹	نیستی باید
۳۷۴	۲۰	« چون هست
۳۷۱	۲۱	« طاوس
۱۳	۴	نیست بکر نگی
۶۴	۶	نیستی و نقص
۳۲۲	۱۵	نیشکر کو بید
۱۱۸	۲۹	نی شما گفتید
۳۵۹	۷	نی شنیدی انما
۲۵۷	۱۲	« شود زورت
۹۹	۲۸	« صدای
۱۱	۷	« صفا میماندش
۲۱۸	۳۲	« طریق و
۷۴	۱۹	« عمر را قصد
۲۵۴	۳۳	« غضب غالب
۳۴۰	۲۵	« غلط گفتم که آ
۳۱۱	۲۲	« غلط گفتم که
۲۳۰	۹	« غلط گفتم که گ
۱۶	۱۰	« غلط گفتم که نا
۱۰	۲۲	« غم و اندیشه
۲۰۹	۲۳	« فدائی میستا
۴۱۱	۲۳	« فراق
۲۰۷	۳۱	« فطام
۳۷۴	۲۴	« قبول
۲۴۶	۹	« قرارش
۱۵۸	۴۱	« قضای
۱۴۱	۱۸	« قلاوز

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۲	۲۷	نیکبختی را
۱۷۳	۴۰	نیك بنگر اندر
۳۹۳	۱۹	« بنگر ما
۳۸	۳۳	« بنماید
۴۴۲	۱۸	« بین باش
۲۳۴	۱۷	نی کتبشان
۱۲۰	۲۰	نیك را چون
۱۱۷	۱۱	« کردندو
۲۱۳	۲	نی کم از خاکست
۱۸	۴	نیکوان راهست
۱۲۰	۱۳	« را رهنه
۱۸	۲	« رفتند
۱۶۸	۱۳	نیك و بد را
۱۴۱	۶	نی که آن الله
۳۸۱	۱۸	« اول
۳۶۸	۲۲	« تأثیر
۳۲	۱۴	« تقدیر
۱۵۸	۱۸	« عاشق
۵۰	۱۹	« قلب و
۱۹۲	۱۷	« لاتلقوا
۱۰۱	۲۸	« لقمان
۱۱۹	۲۱	« مارا
۳۱۹	۱۷	« مخلوق
۲۲۲	۱۶	« هر مغلوب
۵۰	۲۷	« هست
۱۷۷	۳۰	« هم تورية
۳۹۳	۵	« یعقوب
۱۹۵	۱۴	نی گدایانه
۳۲۶	۹	« گمانی برده
۳۱۱	۹	« گناه اورا
۲۶۱	۵	نیل تمییز
۲۶۱	۳	« را بر
۸۸	۳۲	نیم او مؤمن
۷۷	۱۸	« بهر حق
۱۸۱	۳۳	« بیداری
۳۲۱	۱۴	« تو مشك
۷	۱۸	« جان بستاند
۲۴۰	۲	« خر خود
۲۶	۴	« خر گوشی
۲۴۹	۳۳	« دانش
۲۵۲	۳۶	نی مدداز
۵۲	۱۷	نیم دیگر تلخ
۴۰۰	۳۱	« ذره تیرگی
۴۰۸	۱۱	« ذره زان
۱۳۲	۱۵	نی مرا او تهمت
۱۲۶	۱۲	« مرا پروای
۲۹۷	۳۳	« مرا خانه
۳۷۱	۱۲	« مرا اورا
۲۸۹	۱۸	نیم زیرش
۳۱۰	۲۲	نیمشب آن میر
۱۶۷	۸	« آواز باهو
۲۰۷	۳	« آواز قرآ
۴۰۴	۴	« بگذشت
۳۳۰	۸	« چون

صفحه	سطر	اول بیت
٤١١	٦	نیم شب دلقی
٣٦٥	٢٠	« میزد
٦٥	٢	نی مشو نومید
٧٢	٢٤	نیم شهر از
٣٥٩	٩	« عمر از
٢٣٧	٢٠	« عمرت
١١٧	٨	نی مقام صبر
٣٠٢	١٠	نیم کاره
٣٤٢	٢١	نیم کشتش
٤٠١	١٦	« لحظه مدرکات
٣٩٦	١٥	نی نبی فرمود
٢٤٥	٢١	« نجومست
٢٥٧	١٢	« نشان پیریت
١٠١	٢٥	« نشان دوستی
١٥٧	٣١	« نگویم زانکه
٢٣٣	٣٥	« نهنگ غم
٣٧١	١٣	« نیاز و
٣٩٠	١٥	« ولیکن
٢٥٠	٨	« همه جا
١٢٤	١٤	« همه شبها
٣٩٨	٣	« همه ملك
٢٩٤	٢٦	« یکی از
٣٣٨	١٧	« یکی کحال
		حرف و
		و - ا
٣١٩	٢٤	وابتغوا
٥	٤	واجب آمد چونکه
٤٢٩	١٦	« آمد معرة
٣٢٦	٩	« است و
٢٦٤	١٩	واجبست اظهار
٢٥٣	٣	واحد اندر
٤٠٠	٢٤	« کالالف در
٣٥٢	١٢	« کالالف کو
٢٩٥	٢٢	وادهد و بشان
٤٠٤	٢٠	وارثانم را
٤٣٣	٤٨	وارث
٤٣٣	٤٢	وارث ضحاك
٤٠٠	٢٦	وارثی نابوده
٤٢٠	٣	واردی بالای
٣٦٧	٥	وارود آن
١٩٨	٩	واروم آنجا
٣٣٤	٢٧	وارهان خود
٦١	٧	وارهانم چرخرا
٢٥٤	١٤	وارهی از
٨١	١١	وارهید آن
٣٠٨	١٠	وارهید نداز
٣٣٩	٢٠	وارهیده از جها
٢٤٤	٨	« ازغم
٣٩٩	٤٢	وارهیدی
٣٠٨	٢٨	وارهی زین
١٠	١	واز جهود
٩	٢٨	واز حیل
٢٣٨	٣٥	واستان از
٣٧١	١١	واستان هین
٢٩٥	١٠	واستانیم آنکه
٤٣٨	٤٨	واسطهٔ این چیست
٤٣٦	٤٣	« این ضعف
٢٨٢	٢٤	« حمام
٩٢	٦	« دیگی
١٧٢	٣٢	« مخلوق
٢٩٢	٤	« هرجا
١٢٢	٢١	واصلان چون
١٢٩	٣٥	« رانیست
٣٣٥	١١	واعظی بد
٤٤٠	٥	« بر
٣٥٣	٣٨	« راگفت
١٨٣	٣٦	وافریداو
٢٩٨	١٩	وافیانرا چون
١٢٣	٣٠	واقعات ارباز
٢٥٤	٢٧	واقعاتی دیده
٢٥٤	٢٨	« سهمگین
١٩٦	٢	« که
٤٠٠	١٠	واقعهٔ آن
٣٢٢	٢٦	« چونست
٤١٧	١٦	واقف از سوز
٤٣٤	٣٨	« ازعزلیم
٦٩	٢١	واکشایم هفت
٨٤	٨	والت اسکاف
٤١١	١	والدین و ملك
٢٩٢	٢٢	والنی کان
٤٤٦	٤٦	والعیاذ بالله از
٤٤٣	٧	« بالله الحی
٣٣	٢٨	والله ارزین
٨٨	٢٦	« ارسوراخ
٣٧٥	٢٣	« ازعشق
١٤٧	٧	والهم روز و
٨٥	١٩	وام اورا
٨٥	٢٤	« خواهان گرد
٨٥	٢٤	« خواهان گشته
٣٢٦	٣١	« داران را
٣٩٦	٣٩	« داران رو
٤٠٤	١٥	« دارد
١٧١	٢٢	« دارشرح این
١٧٤	٣١	« دارشرح اینم
١٤٠	٣٦	وامشورانید
٤٠٠	٣٨	وام کردم نه
١٥١	١٩	وامگردان هیچ
١٠١	١٩	وامگیر از ما
٣١٢	١٧	وان امیران خسه
١٥	٢٩	« امیران دگر
٢٩٩	٧	« بنی آدم
٣٨٨	٢٦	« بیابان
٣٣٠	٢٥	« پشیمانی
٤١٩	١٨	« جزاکسانجا
٣٤٧	٤٠	« جماعت جمله
١٧٢	٦	« جماعت در
١٢٧	٣٦	« جوال دیگر
٩٧	٣٢	وانجوانی همچو
٣٣٢	٢٨	وانچنانکه ساحرا
٣١٩	٣٧	« عاشقی
٢٢٨	٣٩	وآنچه آن بابیل
٦١	٣٢	« ازجانها
٨٩	٣٨	« اوخواهد
٣٩٠	٣٠	« باشد طبع
١٨٦	٥	« دروی
٣٦٩	٢٧	« گفتی
٧٤	٦	« لله
١٢٦	٢٢	« میگوید
٤١٩	١٥	« نپسندی
٢٥٠	٣٢	وانخری کر
٢٩٣	٣٥	« گفتی
٢٣٠	٤	وآنخفاشی را
٤٠٣	١١	وآنخیالی باشد
٥	٢٢	واندر آن شهر
٢٢٤	١٩	« آن وهم
١٣٨	١٩	واندر وافزون
١١٣	٨	واندر مهاپیش
١٩٥	٥	واندرین یم
٨١	١٤	واندها گوینده
١٧٨	٣٠	واندگریس
٥٢	٢٢	« بشناسدش
٢٨٤	١٤	« بهرترهه
١٩٧	٩	« چون
٦٢	١٦	« خرگوش
٢١١	٢١	« خود
٥٢	٢٣	« دربیش
٨٣	١٥	« درنعل
١٢٤	٨	« درهردو
٥٢	٢٥	« رابعد
٥٢	٢٤	« رادرحد
٥٢	٢٤	« رادرکلو
٣٨٩	١٣	« راعیسی
٤١٤	٣٠	« راکه
٣٩٧	١٦	« سوراخ
٣٨٨	٢٤	« شاخ
١٧٨	٣٠	« عور
٢٣٧	٢٦	« کاری
٢٨٤	٢٣	« کوبرد
٢٦١	١٩	« گفت آن
٤٢٥	٦	« گفت ار
٢٠٠	١٨	« گفتاکه
٢٠٠	١٦	« گفتی
٣٦٩	٢٨	« میدید
٢٢٠	١٤	« نبضش
١٢١	٢٠	وان دوعالم
٢٦٢	١٦	« دوم بهر
٢٥٢	١	« دوم پندت
١٦٣	١٦	« زرتوهم
٢٨٢	١	« زکوتش
١٢٤	٢٧	« زمستان
٢٠	١	« سیها
٢٩٥	١	وان سرو آن فرة
٣٩٥	١٤	« سگ آگاه
١١٦	١٠	« سوم هیچ
٢٩٢	٢٤	« سیم آن
٢٥١	٣٦	« سیم پندت
٤٢٤	٢٥	« سیم کاهلتر
٢٢٠	١٣	« شده خم
١٠٩	١٢	« وان شرراز
٩٣	٢٣	« شقیق
٢٩٤	٣٠	« صفای
٩٢	١	« صف پیش
٢٨٢	٢٩	« طبیب روح
٢٥٤	٣٠	« طبیب و
٦١	٢٩	« عدم کر
٢٧٦	٢٦	« عظیم الخلق
٤٠٨	٣٧	« عنایت
٨٥	٣٤	« غریبان
١٢٦	٨	« فراراز
٣٢٩	٣٦	« فرشته خیر
٣٣٠	٤	« فرشته گوید
٤٤٣	٤٠	« فروترزم
٢٦٣	٣٥	« فزونی
٨٤	١٤	« فسون
٢٥٣	٣٦	« فضای
٢٩٥	٢	« قدصفدر
١٧٧	٦	« قوی تر
١٣٦	٢	« کبوتر
٦٩	٢٣	« کسانکه تشنه
٦٩	٢٤	« کسانکه تشنه
١٥٩	٣٩	وانکه آفل
٢٤٩	٣٢	« آگه
١٠٩	٣٤	« آواز
٣٧٥	٥	« ازتوزخم
١٢٥	١	« اشتر
١٩٥	١	« اندرقرص
٤١٤	٢٧	« اندرلابه
٢٢٤	٢١	« اواین نور
١١٠	٣٤	« اوجاهل
٢٤٩	٣٢	« اورازخم
٤٤	٣	« اورانبود
٢١٤	٢٨	« اونگذشت
٤٢٣	٥	« بااومیخورد
٣٣٩	٢٤	« باشد خفته
٤٢٩	٣٧	« برمنقار
١١٣	٢٥	« بیدار است و
٢٤	٢٥	« پایش در
٦٩	٢٤	« تشنه
٤٢	٢٠	« جاهد
٥٥	٣٤	« جزاین
٢٨٨	٢٨	« چشم
٢٩٢	٢٦	« چون سگ
٢٠٩	٣٠	« حق و
٣٠٦	١٤	« خواهی
١٠٥	٣	« دادی
١١٢	٣	وانکه داند عهد
٤٦	١٤	« درانبار
٣٣٩	٢٤	« درجوع
٢٠١	٢٦	« درظلمت
١٥٦	٢٩	« دل بیدار
٥٨	٨	« دیدندش
١٠٥	١٩	« راطالع
٣٢٤	٢١	« رانور
٤٢٩	٣٩	« زدبر
٩١	٤٤	« زین قندیل
٥٩	٩	« سرتاپا
٢٢٨	٤٠	« سنگ
٢٨٦	١	« شد
١٨٦	٩	« صد
٣٣٠	٣٦	« قصد
٢٦٤	٢٨	« کوشش
٣٠٤	٦	« گردانید
٩٦	١٧	« گردشها
١٣٦	٨	« لنگ و
١٤٥	٣٣	« ماهی
١٩٢	٢٥	« مردن
٢٨٩	٧	« میرسید
٢٩١	١٨	« میگفت این
٤٠٩	٦	« ناموسیست
١٦٨	٢٢	« نشناسد
١٨٤	١٩	« نشنید
٢٩٥	٧	« نورش
١١٦	١٣	« نیمی
١٧	١٧	وانگرد داز
١٧	١٧	وان گروه دیگر
٢٨٦	١٦	وان گزین
١٤٣	٣٢	وانگشتند
٣٩٥	٢٧	وان گلی کز
٣٩٨	٣٣	وان گنه دروی
٢٣٨	٢٠	وانگهان دریای
٢٤٣	٣٢	« گفته
١٥	٢٨	وانگهانی آن
٨	٢٢	وان که این هردو
٦٧	٢٣	وانگهی از خود
١٨٤	١٤	« ننمودشان
٣٣٦	٧	وان مؤذن
١٣٦	٣٠	وانماسری
١٠١	١٤	وانماید خونبان
٦٩	٢٣	وانمایم حوض
٦٩	٢٠	وانمایم راز
٦٩	٢٢	وانمایم من
٢١١	٢٢	وان محب
٨٧	٢٥	وان مسافر
٦٤	١٧	وان مگس
٢٧٣	٢٧	وان ملخها
١٨	١١	وان نثار
٢٦٣	١١	وان ندیم
٢٦٢	٢٠	وان نظرها
٥٥	١٢	وان نمیدانست

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶۰	۲۷	وان همی خندید
۱۶۱	۶	« همی گوید
۲۰۹	۹	« هوای
۸۷	۲۷	« یکی افشاند
۱۴۰	۱۲	« یکی بینی
۲۴۲	۸	« یکی راصعب
۷۳	۱۵	« یکی سه
۲۶۲	۲۶	واهب همت
۱۳۹	۳۶	وای آن افسوسش
۴۰۸	۱۰	« آن دل
۳۳	۸	« آن زنده
۲۳۶	۵	« آنشه
۲۳۵	۱۹	« آنکو مزد
۳۲۱	۵	« آنکه عقل
۴۱۲	۱۷	« آنرغي
۴۲۲	۱۰	« ازآن پیران
۴۲۲	۹	« ازآن طفلان
۴۱۶	۱۷	« اگر بر عکس
۴۱۶	۲۰	« اگر بر عکس
۱۱۴	۱۸	« اگر صدرا
۳۷۶	۲	« براحکام
۳۷۰	۲۲	« برمشتاق
۲۲۴	۲۲	« بروی گر
۴۵	۱۳	« کرآواز
۴۵	۱۲	« کرتری
۱۸۹	۲۷	« کوگستاخ
۲۷۹	۳۰	وایمنست
۴۳	۲۳	واین جهانی
		و - ح
۱۲	۳۲	وحدت اندر
۳۷۶	۲۵	وحدتی که
۲۴۸	۱۸	وحشتت همچون
۱۰۶	۱۰	وحی آمد سوی
۳۹۳	۳	« حق دان
۲۴۵	۲۲	« دل گبرش
۳۶۹	۳۸	وحیش آمد
۲۲۲	۱۲	وحی کردش
		و - ر
۵۳	۲۲	ور اثر نبود
۲۷۴	۳۷	« ازوغافل
۲۵۵	۱۰	« ازین افزون
۲۳۴	۲۱	« ازین دیوان
۲۲	۲	« اشارتها
۳۵۷	۷	« بامرحق
۴۰۴	۲۲	« بینددر
۳۵۸	۴	« بیندی چشم
۲۴۹	۳۷	« بینی روی
۱۶۳	۱۰	« بینی میل
۱۶۷	۳	« پرسی
۲۳۹	۳۵	« بتندیدی
۱۶۸	۱۶	« بجنبد نیست
۴۲۵	۱۵	« بجوشد در
۲۸۳	۱۵	« بچه گیرد
۴۲۳	۳۵	« بحرص

صفحه	سطر	اول بیت
۸۹	۳۱	ور بحکم آرید
۱۹	۳۲	« بخرگه بگذرد
۱۳۲	۲۵	« بخسبد
۳۲	۲۷	« بخواب آئیم
۱۲۲	۸	« بخوانی تو
۳۸۱	۱۵	« بخوانی صد
۳۳	۹	« بخوانی و
۲۳۵	۸	« بخواهی از
۱۰۲	۱۷	« بخوردی بی
۲۳۷	۱۴	« بخوردی کی
۲۰۲	۶	« بداندره
۱۱۴	۳۰	« بداند کرم
۱۳۴	۵	« بدانستند
۶۶	۲۵	« بدانی از قیاس
۵۵	۱۹	« بدانی نقلت
۳۰۹	۱۷	« بداودی پاك
۳۰۹	۱۸	« بداودی خام
۲۲۹	۳	« بدندان گوید
۱۳۴	۱۷	« بدوخندد که
۳۲۴	۱۵	« بدی آن بد
۴۱۱	۳۴	« بدی درویش
۵۸	۸	« بدیدی قطره
۹۲	۴۰	« بدیدی کی
۱۰۶	۲	« برای بنده
۷۵	۲۶	« بردجان
۱۲۲	۲۲	« برنگ آب
۴۲۸	۴۱	« برهنه
۲۱۴	۱	« بسوی زن
۱۷۴	۳۰	بشداندر
۳۹۲	۶	« بعقل
۲۳۶	۲۲	« بغفلت
۲۴۸	۳۶	« بفرماید که
۲۹۴	۶	« بکاوی ترک
۳۹۶	۳۶	« بکردی ذره
۳۲۵	۹	« بکردی نیز
۱۱۷	۲۲	« بکل بیزار
۲۰۹	۱۴	« بکلی بی
۳۲	۲۷	« بگریم ابر
۴۱۱	۲۷	« بگفتی آبها
۴۱۱	۲۸	« بگفتی برگها
۴۱۱	۲۹	« بگفتی چه
۴۱۱	۳۰	« بگفتی دوش
۴۱۱	۳۱	« بگفتی که بدر
۴۱۱	۲۹	« بگفتی که سقا
۴۱۱	۲۸	« بگفتی گل
۴۱۱	۲۷	« بگفتی مه
۴۱۱	۳۰	« بگفتی هست
۲۴	۸	« بگوئی با یکی
۳۸۶	۸	« بگوئی خود
۳۴۶	۱	« بگوئی راست
۱۳۱	۳۸	« بگوئی شکل
۱۹۵	۳۷	« بگوئی من
۲۷۴	۴	« بگوئی نی
۴۰۴	۲۱	« بگویداو

صفحه	سطر	اول بیت
۱۵۷	۲۴	ور بگوید رمثا
۵۸	۱۸	« بگوید کژ
۵۸	۱۷	« بگوید کفر
۱۰۶	۲۵	« بگویم شرح
۱۰۶	۲۵	« بگویم عقلها
۲۶۵	۵	« بگویندت که
۱۵	۳	« بگیری کیسه
۱۷۹	۳۹	« بگیری نکتهٔ
۵۳	۲۷	« بماهیت
۲۸۱	۲۳	« بود آب
۳۱	۲۴	« بود این
۴۱۰	۷	« بود بر
۳۵۴	۳	« بود جندی
۲۲۹	۱۴	« بود شهوت
۲۸۲	۳۳	« بود صدیق
۹۵	۳	« بود صورت
۴۸	۱۷	« بود عیبی
۹۱	۳۵	« بود کشت
۱۸	۷	« بود مریخی
۱۴۰	۳۱	« بود معنی
۱۳۵	۹	« بود یخ
۱۵۰	۳۱	« به بیند روی
۲۵۹	۱۷	« بهر دو
۶۰	۱۱	« بهر زخمی
۲۵۹	۳۹	« بیابد خستهٔ
۱۱۱	۲۷	« بیامیزی تو
۳۳۰	۳۷	« بیابد سبل
۳۹۹	۳۹	« بیک دکان
۳۷۵	۱۱	« پدرزد
۳۳	۱۰	« پذیرائی
۳۵۴	۴	« پلنگ و
۱۰۵	۲۸	« ترا بیمارئی
۳۷۴	۳۴	« ترازو
۳۶۵	۴۲	« تراشکي
۴۳	۵	« ترشح
۱۰۹	۲۵	« ترش می آید
۵۹	۲	« تو اشکالی
۸۲	۱۷	« تو اندر
۳۴۱	۲۳	« تو اور افرع
۲۹۸	۱	« تو بیغام
۸۳	۳۰	« توجزو
۷۵	۲۸	« توچرخ و
۲۵۳	۳۱	« توخوش
۲۵۳	۳۰	« تودر کشتی
۷۲	۵	« تودست
۷۰	۱۵	« تودیو
۵۷	۵	« توگوئی جزو
۳۱۴	۳۴	« توگوئی خود
۱۵	۱۰	« توگوئی غافل
۲۰۵	۱۱	« توگوئی موج
۱۱۸	۶	« توگوئی هم
۷۵	۲۸	« توماه و
۱۵	۱۶	« تو می بینی که
۴۲۵	۱	« تو نشناسی

صفحه	سطر	اول بیت
۱۶	۱۷	ور تو نگذاری
۳۳۳	۲۹	« جوابش
۹۵	۳۴	« جهان از
۳۵۲	۱۷	« جهانی
۲۹۹	۳۵	« چو یوسف
۸۴	۱۵	« چه بنویسی
۸۴	۳۲	« چه پرم
۲۶۷	۳۹	« چه چشمش
۲۳۶	۱۲	« چه عقلت
۳۸	۳۵	« حب و مطبوخ
۳۷۹	۶	« حذر
۱۱	۱۷	« حسد گیرد
۱۳۲	۲۰	« حقیقت
۲۱۷	۵	« خبر آید
۱۹	۲۳	« خدا خواهد
۳۴۵	۳۹	« خلاف راستی
۳۲۵	۲۰	« خورد خود
۱۳۲	۳۹	« خورد هر
۳۸	۳۴	« خوری حلوا
۸۸	۲۷	« خیالاتش
۴۱۷	۴۰	« در آزادیت
۵۷	۱۴	« در آن حوض
۴۹	۲	« در آید محرم
۶۵	۸	« در و دیوار
۱۵۶	۳۰	« دلت بیدار
۴۲۱	۱۳	« دمی هم
۳۹۹	۴۱	« دو چشم
۳۳۰	۸	« دو کس
۲۲۴	۱۵	« دوم پایه
۳۱۰	۳۱	« دهان بابم
۳۴۴	۲	« دهد ترکش
۵۲	۲۵	« دهندش مهلت
۲۶۵	۳۱	« رسد خاری
۹۱	۱	« رسیدي مبهما
۴۰۴	۲۴	« روادارند
۲۸۳	۱۴	« رودبی تو
۳۳۹	۴	« رود در سنگ
۲۴۷	۱۶	« ره نبعش
۷۰	۳۰	« رهی
۱۹۱	۳۹	« ریاضت
۲۰۱	۳۲	« زابدالی
۲۰۱	۱۷	« زجالینوس
۲۳۹	۳۵	« زجرم
۷۰	۱۴	« زدستت
۲۲۰	۳۳	« زرش نور
۳۰۰	۱۸	« زرنج و
۲۱	۲	« زغیر جنس
۴۰۷	۲۱	« زغیر صورتت
۲۹۹	۳۴	« زگریه
۲۶۸	۳۴	« زمثقالی
۱۰۴	۳	« زمین و
۹۵	۳۳	« سؤالت
۲۴۹	۲۶	« سخن پردازد
۱۳۵	۷	« سخنتان

صفحه	سطر	اول بیت
۲۳۷	۹	ور سخن کش
۱۶۶	۱۱	« سرموئی
۵۸	۲۵	« سفبداست
۱۴۲	۱۸	« سگی آید
۱۳۰	۳۶	« سوم باره
۳۵۴	۱	« سوی شهر
۲۶۳	۸	« شدی ذره
۲۰۹	۳۷	« شکستی ناگها
۳۸۱	۶	« شود آن دیر
۳۸۱	۵	« شود آن فاش
۳۳۹	۳	« شود چون
۹۶	۱۵	« شوم نومید
۲۱۴	۲	« صبارا
۳۶۰	۲۱	« ضرورت
۱۱۲	۱۰	« عدو باشد
۱۴۲	۱۱	« عصای
۹۹	۲۱	« عیان خواهی
۳۶۴	۸	« غرضها
۳۳۲	۲۶	« غلام
۳۳	۲۴	« فراق بنده
۳۰۰	۱۸	« فغان از
۳۳۴	۳	« کست شیرین
۲۲۱	۱۸	« کسی بروی
۲۹۹	۱۰	« کسی جان
۲۲۷	۳۳	« کسی راره
۷۴	۷	« کشم باری
۲۹۴	۱۴	« کشی مهمان
۱۶۶	۲۱	« کند دعوت
۳۳۲	۸	« کند سستت
۲۹۳	۲۵	« کند نرمی
۸۹	۲۴	« کنی اورا
۱۳۱	۲۵	« کنی با او
۳۸۱	۱۶	« کنی خدمت
۲۳۷	۲۰	« کنی عادت
۲۴۳	۱۸	« کنی یکچشم
۱۳۱	۵	« که باور
۳۱۳	۱۰	« که خور را
۴۸	۱۹	« گدا گوید
۴۰۹	۸	« گریزم
۲۶۷	۱۸	« گشادی عقد
۲۵۰	۲۵	« مثال احمقی
۶۸	۲۳	« مثالی خواهی
۳۴۴	۷	« مرادت گوهر
۳۶۷	۷	« مکیس
۱۸۴	۳۰	« منجم گویدت
۹۵	۳۵	« منم زان فایده
۲۱۰	۷	« نباشد آن تو
۲۶۵	۳	« نباشد آن چو
۲۳۹	۲۴	« نباشد اهل این
۲۳۵	۱۵	« نباشد اهل زا
۲۸۹	۲۲	« نباشد صبر
۲۶۴	۲۷	« نباشد طفل
۱۱۲	۹	« نباشد قطب
۳۴	۳۱	« نباشد گوش

صفحه	سطر	اول بیت
٤٢٤	٢٣	ورنباشدهر
١٨٨	٣٩	« نباشی مستحق
٢٩٢	١٣	« نباشی نخل
١٥٦	٦	« نبتوانیدهان
١٣	١٤	« نبودی او
١٢٩	١٤	« نبودی حاجت
٣٧٧	١٥	« نبودی دیدها
٣٧٨	٣٢	« نبودی نفس
٣٤٥	٢٢	« نبیندعاقلی
٣٠	٢٤	« نبینی این
٢٢٠	١	« نبینی روش
٣٧٧	٢٦	« نتاندبرد
١١٨	١٢	« نتانی زشت
١١٦	٢٥	« نجویدپر
٨٤	١٦	« نخوانی وبه
٨٦	١٨	« نخواهددید
١٠٩	٢٥	« نخواهی خدم
٢٩٨	١٤	« نداردبرگ
٣٤١	٢١	« نداردگوهر
٣٨٧	٣	« ندارم هم
٩٥	٣١	« نداری باور
٢٢٠	٢	« نداری بو
٢٩٧	٨	« نداری پا
٢٣٧	٢١	« نداری کار
١٩٣	١٧	« ندانی این
٤٢٤	٤١	« ندانی تو
١٣٤	٣	« ندیدش نز
٣٦١	١٢	« ندیدی چون
١٣٢	٣١	« نرفتی خشك
١٣٢	٢٩	« نرفتی وزستیز
٢٨٣	١٤	« نشیندبی تو
١٥٧	١١	« نظربرنور
٣٠٩	٧	« نکردی زندگ
٢٩٥	١٦	« نکردی شکر
٤١٠	٩	« نکوبدماندا و
٢٠٩	١٤	« نگاریدی
١١٢	١٠	« نگرددوست
١٤٨	٣٨	« نگوئی عیب
١٠٧	٧	« نگونسار
٣٧٩	٥	« نگویدکت
٣٨٧	٥	« نماندآب
٢٣٧	٢٥	« نمودی علت
١٤٨	٣٦	« نمودی عیب
١٨٠	١٤	« نمیبینی گمانی
١٠٩	٤	« نمیتانی بکعبه
٢١٧	٢٩	« نمیتانی رضا
٤٦	١٦	« نمیتانی شدن
١٣٢	٣٣	« نمیتانی که کل
١٢٦	٣٤	« نمیدانندشان
٩٠	٣٣	« نمیبایی تو نقص
٣٥٨	١٩	« نه آدم
٣٦٤	٢٩	« نه آگه
٤١٥	٢٠	« نه آن پیغام
١٧٦	٥	« نه آن ظالم
٢٢٧	٧	ورنه ادهم
٣٠٩	٥	« نه ازچاهی
٨٨	١	« نه ازسرکشی
٣٢٤	٦	« نه اندرمن
٣١٤	٨	« نهان گردید
١٠٣	٥	« نه این خواهی
٢٤٣	١١	« نه این زاغان
٢٦٣	٣٦	« نه این گفتن
٣٢٣	٣٨	« نه باتوگفتمی
١٣٢	٥	« نه باشی هیچ
٨٤	٤	« نه برفانی
٦٢	٢٤	« نه بنهد
١٣٠	٤	« نه بهتر
٤١٣	١٦	« نه بیشك
٢٧١	٢٧	« نه پشك و
٢٦٤	٧	« نه تادیب
٢١٩	٢٤	« نه تسخر
٢١٧	٢٨	« نه تلخ و
٣٣١	١٣	« نه چون بگزید
٢١٠	١٧	« نه چون خندد
٩٨	١١	« نه چون صدی
٣٩	١	« نه چون لطفت
٢٩٧	٦	« نه حمال
٢٤١	١١	« نه خالی کن
٣٧٧	٤	« نه خلعت
٤٠	٢٥	« نه خوداشفقن
٢٥٥	٩	« نه خودتیری
٩٨	٢٣	« نه درتابه
٣٧٩	٧	« نه دردلشان
٢٧٦	٣١	« نه درعالم
٢٦٠	٣٤	« نه درمانی
٦٤	١٧	« نهدمرهم
٣٤١	٣٠	« نه شهوت
٢٤١	٣٧	« نه شیر
١٩٣	٢٢	« نه قادر
١٧٥	٤٠	« نه کارت
٣٨٩	٣	« نه کی اندر
١٣٩	٢١	« نه کی کردی یه
١٣٩	٢١	« نه کی کردی یه
٩٤	١٩	« نه کی گیرد گلا
٤١٥	١٥	« نه کین
٢٦٩	٣١	« نه گرچه
١٩٢	٧	« نه لاعین
١٨٠	١٥	« نه مانی در
٣٢٣	٣٥	« نه من از
٨٠	٣٥	« نه من بینا
١٨٠	٣١	« نه منان
٦٣	٢٤	« نه منکر
١١٧	٢٥	« نه موسی کی
٢٥٥	٩	« نباید تبرت
١٥٨	٣٢	« نیم راضی
٣٣٦	٢٨	« وی آنست
١٢٤	١٦	« همه عیب
١٦١	١٥	« همه گویند
٣٦٤	٣٠	ورهمی بیندچرا
٢٧١	٣٣	« همی بینندابن
١٢٦	٣٥	« همی دانندبه
٣٥٤	٣	« همی شیری
١٤٤	٣١	« همی طوفان
٤٢٥	١	« یکی شد
٤١	١٥	« یکی عیبی
٤٢٥	٢	« یکی گشتت
		و - ز
٣٧٧	٣٢	وزبخیلان و
٣٤٠	٣٤	« برای خواب
١٧٧	٣	« توماصد
٨٩	١٩	« تومیخواهند
٦٣	٢٦	« جهان چون
٩٥	١٤	« جهان فکرتی
٢٣٢	٣	« چنان بانگ
٢٩٨	٣٦	« حسودی
٢٨٤	١٤	« خیالی آن
٤٠٣	٣٤	« درونشان
١٣٥	٢٠	« دم
٤٣٥	٣٨	وزراخری
١٣	٢٩	وزراووزر
٣١	١٠	وززمانی
١٢٦	٧	« سبکداری
٣٣٠	٣	« سخنشان
٤	٢٣	« سرسوزن
١٠٧	٣١	« ضعیفی
١٥٤	٦	« طمع
٤١٧	٤	« عرب
١٥٣	٣١	« غلوخلق
١٣٨	٢٨	« فطام
٣٣٠	٣٠	« فلان سو
٩٦	٥	« قران خاك
٩٦	٦	« قران خرمی
٩٦	٦	« قران سبزها
١٣٠	٣	« ملك جان
٢٠٠	١	« ملك هم
٢٧٤	١٢	« نباتی
٢٢٤	٢٨	« نفوس پاك
٣١	٧	« نوازشها
٣١٠	٥	« نیاز
٣١	١٠	« هوائی
١٢٦	٨	« هوس
		و - (س - ص)
٢٢٢	٧	وسوسه این
١١٢	٢٧	« کردو
٣١٣	٩	وصف آن سنگی
٢٥	٣٢	« اواز
٢٠٠	٦	« اوفانی
٢٤	٣٢	« بازان
١٥٦	٣٢	« بیداری
٣٠٠	٥	« پاکی
٣٤٥	٦	« تصویرات
٢٤٠	٧	« جبریلی
٣١٦	٢	وصف حق
٣٢١	٨	« حیوانی
٣١٣	١٧	« سنگی
٢٣	٣١	« صورت
١٥٩	١٣	« مطلوبی
٤٤٣	٣٦	« وشرح
٢٥	١٦	« هارامستم
١٨١	١١	« هرجائی
٣١٣	١٦	« هستی
٣٨٨	٢٢	« هیبت
٨٤	٦	وصل بیدا
		و - ع
١١٤	٧	وعدها بدهد
١٥٧	٦	وعدهاشان کرد
٤٤٣	١٨	وعده اش تا
٦	٤	« اهل
٢٥٩	٢٢	وعدهای آن
١٤١	٣٤	وعده دادی
٦	٥	« رابابد
١٩٣	٩	« فردا
١٥٨	١٢	« کردی
٦٣	٢٤	« مهمانیش
٦	٤	« هاباشد
٦	٣	« هاو
٣٩١	٢٦	وعظرا
		و - ق
٢٠٧	٢٠	وقت آن آمد که
٣٦١	٣٢	« آن آمد که من
٣٩٥	١٠	« آن شدای
٤٤٦	٨	« استرداد
٢٠١	٣٦	« اندیشه
٢٢٧	١١	« بازی
٤٠٤	١١	« بدرودن
٤٠٩	٣٦	« پنددیگر
١٦٢	٢٨	« تحصیلست
٣٣٠	١٠	« تحلیل
٣١٧	١٤	« تنگ آمد
٢٣٩	٢٦	« تنگست و
٢٣٩	٢٧	« تنگ وخاطر
٢٧٩	٢٨	« تنگ وفرصه
٢٠٦	٢٨	« تنگ ومیرو
١٨٨	١٥	« حیرت
٢٣٩	١٥	« خلوت
٢٧٤	٣٩	« خواب و
٣٢٨	٢٠	« خشم و
٢٨٠	١٥	« خفتن
٣٥٢	٣٢	« خودبینی
٣٣٣	١٥	« دردوغم
١٥٥	١١	« دردومرگ
٢٩٦	١٥	« دم آهنگر
١٧١	٢٦	« ذبح الله
٢٠١	٣٥	« ذکر
٤٢٥	٢٣	« رحلت
٤١١	٣٤	« سرما
١٠٧	١٥	وقت شستن
٣٣٣	١٥	« صحت
٣٧٣	٧	« صید
٣٧٨	٣٠	« طالب
٤٨	١٧	« عرضه
٢٧٧	٤	« عصر
٣٤٨	١٤	« غارت
٢٥٧	٢٦	« کشت
٢٤٢	٣٦	« لافستت
٢٠١	٣٥	« لاف غز
١٥٥	١١	« محنت
١٠٢	٩	« مرگ از
١٧٩	٢	« مرگش
٣٢٦	٨	« نازک
٢١٠	٤	« واگشت
٣٩١	٣٣	« هاخواهم
٣٣٧	١٨	« هشیاری
		و - ل
٨٧	٢٣	ولوله افتاداندر
٩٦	٢٩	« افتاددر
١٧٦	٣٤	« درخلق
٣٩٠	١٣	« که
		و - ه
١٠٧	٢٥	وه که چون
٣٤٥	٣١	وهم آن کز
٧١	٥	« آنگاهست
١٩٤	٢٦	« افتددر
١٦٥	٢	« تفریق
٢٥٢	٢٨	« خوانش
٣٩٠	٤	« دروهم
٢٦٨	٢٧	« رامژده
٥٦	٢	« مخلوقست
٢٥٢	٣٢	« مرفرعون
٧	١٥	« موسی
٣٨٩	٣٩	« می افزود
٦٨	١٢	« وحس و
٣٦٦	٤١	« وسودائی
٢٩٠	٣٦	وهویطعمکم
		و - ی
٢٥٣	٣٢	وی بسا کس
٢٥٣	٣٣	« بسا کس
٢٩٨	٣٨	ویس ورامین
١٤١	٢٤	ویسه ومعشوق
٤٣٣	٤٦	ویلك انت
٣٢٥	١٦	وین بدن که
٦٢	١٦	« بزاز
٢٤٠	٤	« بشرهم
٢٥٩	٤٠	« دگرراپی
٩٢	٣٠	« دگرراگفت
١١٢	٢٥	« دگرشهزاده
٥٣	١٣	« دریابسته
٢٠٨	١٨	« زمین کدبانو
٢٣٥	٦	« زمین گوید
١٢٩	١٤	« زمین مضطر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۱	۱۷	وین سلام
۴۴۰	۲۹	« شتر
۳۹۰	۶	« شه ترمد
۲۰۳	۲۲	« عجب
۱۴۰	۸	« عمارت
۱۰۲	۴	« غلامان
۵۶	۷	« غم و
۱۳۴	۲۵	« مراعاتش
۴۴۵	۳۹	« مطبق
۴۴۵	۳۸	« معلق
۴۴۵	۴۰	« موالید
۲۵۶	۱۹	« نباشد
۲۰	۲۴	« نفس
۲۸۷	۳۸	« نیازارچه
۳۴۰	۱۴	« همی بیند

حرف ه

ه - ا

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۸	۳۲	هاتف است این
۲۳۲	۳۱	هاتفش گفتا
۳۸۱	۳	هاتفی گفتش
۳۹۱	۲۰	هادی راهست
۴۴۴	۱۹	« راه صواب
۲۹	۱۵	هکذا انعم
۲۰	۲۶	« تعرج
۲۸۴	۲۴	« پیلوکم
۲۱۲	۲۷	هالک آمد
۴۳	۴۶	هان برآور سر
۸۹	۱۶	« بگو لاحول
۹۶	۲۰	« ضیاء الحق
۲۹۲	۳۴	« کدامست
۱۱۴	۲۰	« که آنکه
۱۳۹	۳۶	« که بوبای
۲۲	۱	« مخسب
۴۳۷	۲۳	« مرا بگذار
۴۴۰	۴۳	« مشواز
۱۱	۳۰	« مشو مغرور
۴۴۷	۱۹	« مکش بینی
۴۲۲	۲۹	« مکن ای
۴۳۶	۵	« منه انگشت
۱۳۹	۲۰	« وهان این دا
۵	۳۷	« وهان این را
۸۹	۳۰	« وهان با او
۱۳۱	۲۲	« وهان ترک
۱۰۶	۴۵	« وهان گر
۱۲۷	۲۷	« وهان منگر
۲۱۳	۲۷	« وهان هش
۱۶۵	۷	هاون گردون
۱۴۹	۲۷	های ای فرعون
۱۱۶	۱۴	« وهوئی کرد
۱۰۹	۷	« وهوی بادو

ه - ب

صفحه	سطر	اول بیت
۱۳۵	۳۸	هدهد ایشان
۱۰۳	۳۱	هدهدی نامه
۲۸۱	۳۶	هدیها و ارمغان
۵۳	۱۷	« ی دوستانه
۲۲۵	۲۰	هدیه بلقیس
۲۳۵	۹	« شاعر
۷	۲۷	« هامیداد

ه - ر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۹۵	۱۳	هر ادبشان
۳۰۱	۲۱	« الف لامی
۱۶	۳۰	« امیری داشت
۱۵	۳۱	« امیر یرا
۴۰۰	۳۴	« امیری کوشت
۱۵	۲۹	« امیری کوکش
۲۶۰	۲۳	« امیری نیزه
۳۵۷	۸	« بدی که
۴۴۳	۲	« بضاعت
۴۱۸	۲۰	« بلا کاندر
۲۵۳	۱۷	« بنای کهنه
۳۶۷	۱۳	« بها که
۲۸۷	۳۳	« پرت را
۱۵۵	۳	« پری بر
۱۴۷	۲۷	« پشه هر
۲۳	۸	« پیمبر امتان
۲۰۳	۳۴	« پیمبر سخت
۵۱	۹	« پیمبر فرد
۱۵۱	۲۶	« پیمبر که در آید
۳۰۶	۲۷	« تضرع
۲۷۳	۳	« جدی هزلست
۱۷۴	۲۴	« جفا که
۴۱۵	۳۲	« جمادی با نبی
۱۳	۱۰	« جمادی را
۳۵۳	۳۴	« جمادی کو
۹۲	۲۰	« جوابی کان
۲۰۴	۴	هر چه آسان
۲۱۴	۳۲	« آن بر تو
۶۸	۳۳	« آنجا بود
۲۶۰	۴	« آن هموار
۳۳۶	۳۱	« آوردی تلف
۳۴۰	۲۶	« آید از جهان
۵۴	۱۲	« آید بر زبانتان
۱۶۷	۲۴	« آید پیش
۱۴۴	۳۰	« آید ز آسمان
۱۸۹	۳۵	« از تو
۱۹۶	۳۰	« از وی
۱۴۴	۱۲	« از یارت
۳۸۷	۱۸	« افزونتر
۶۸	۳۰	« اندر ابر
۱۲۶	۳۶	« اندیشی پند
۳۴۵	۳۶	« اندیشید
۱۰۲	۱۰	« اندیشی و
۴۴۵	۱۹	« او با تاجران
۳۳۲	۶	« او خواهد
۳۷۱	۱۸	« او در خواست
۴۳۵	۱۱	« او کرده
۴۳۱	۳۴	« باشد گاو
۴۰۸	۳۲	هر چه بد هدنیمهٔ
۴	۱۴	« بر تو آید
۱۴۷	۱۵	« بر مردم
۴۲۲	۱۶	« بهر حق بود
۴۲۲	۱۵	« بهر حق بود
۳۲۶	۳۸	« بینم اندرو
۲۶۴	۳	« بینی در جهان
۱۱۴	۳۳	« بینی سود
۳۶	۲	« بینی سوی
۲۶۲	۷	« پیدا کرد
۲۷۴	۲۰	« تو در
۳۵۹	۲۸	« جز آن
۷۲	۶	« جز عشق خد
۳۲۵	۲۰	« جز عشقست
۱۰۶	۷	« جسم آمد
۳۰۵	۱۴	« خواهد آن
۳۷۲	۱۹	« خواهد خاط
۳۲۶	۲۸	« خواهندت
۳۲۶	۱۵	« خواهی از خ
۴۳۲	۴۱	« خواهی کن ک
۴۴۸	۱۳	« خواهی کن م
۲۵۷	۲۲	« خواهی یابی
۴۲۹	۱۵	« داری از کما
۱۶۰	۴	« داری تو
۴۲۹	۱۹	« در آفاق
۱۰۹	۱۸	« در پستی
۲۲۱	۱۱	« در دل داری
۳۲۶	۳۶	« در دل داشت
۳۲۱	۲۰	« در دو شاب
۳۹۸	۱۱	« دروی
۱۲۴	۲۴	« دزدیدست
۱۲	۲۴	« ذوق
۴۹	۲	« راخوب
۱۸۹	۳	« روئید
۳۶	۱۷	« روزی
۱۷۶	۳۰	« زوزائید
۱۹۴	۲۰	« زیر چرخ
۳۵۸	۱۵	« زین سی
۲۱۸	۲۰	« زین کوزه
۲۳۶	۳	« صد روز
۲۵	۱۲	« صورت
۱۴۵	۲۵	« غیر اوست
۳۶۱	۳۰	« غیر شورش
۲۹۹	۳۳	« فرمائی بجا
۱۷۲	۳	« فرمائی تو
۹۵	۲۸	« کاری از
۳۱۸	۱	« کردم جمله
۲۱۱	۳۷	« کردند از بخو
۳	۱۷	« کردند از علا
۳۲۰	۱۴	« گفتست آن
۲۱۳	۲۵	« گوئی ای
۲۹۷	۳۶	« گوئی باز
۳۲۱	۲۱	« گوئی باشد
۳۳۱	۳۵	« گوئی گفته
۵۳	۳۰	هر چه گوئی مر
۲۴۹	۲۲	« گوید او پری
۵۸	۱۶	« گوید مرد
۴	۳۰	« گویم عشق
۲۳۴	۲۰	« گویم من
۳۴	۲۴	« گیرد
۴۰۴	۱۰	« ما دادیم
۴۴۵	۲۳	« ما فرموده
۳۱۰	۲۷	« محبوبم
۹۰	۱۲	« محبوس ا
۸	۱۵	« مردم
۴۳۰	۸	« مطلوبت
۴۴	۱۴	« معقولست
۲۱۷	۱۵	« مکروهست
۳۴۴	۷	« می باید ترا
۴۴۱	۳۹	« می بینی ز
۴۴۴	۱۶	« میکردی
۴۴۴	۱۷	« میگفتی و
۵	۸	« میگوید مواه
۲۳۸	۱۸	« نفست
۴۲۳	۸	« هست آن مس
۴۴۲	۱۰	« هست آن ز
۲۹	۳۲	« هستی جان
۲۸۷	۲۵	« یابد او
۳۱۰	۲۰	« یابی مر
۱۴۶	۴۰	هر حریصی هست
۱۲۸	۳۵	هر حست پیغمبر
۱۱۹	۳۱	« حسد از دوست
۱۵۲	۳۴	« حسی خود را
۳۹۳	۳۸	« حسی را چون
۱۴۱	۳۱	« حوائج را
۲۳۳	۲۰	« حوبجی
۲۹۲	۳۹	« خراج و
۳۶۰	۱۱	« خری کر
۱۷۸	۴	« خسی دعوی
۱۵۴	۵	« خسی را این
۳۶۶	۲۹	« خماری
۴۲۰	۳۷	« خموشی کان
۱۷۹	۳۴	« خوشی کاید
۲۹۱	۱	« خیالی را خیال
۴۱۱	۲۳	« خیالی را که دید
۳۰۹	۲۱	« خیالی کو کند
۳۷۹	۲۴	« درختی در رض
۱۶۹	۳۰	« درختی شاخ
۱۲۰	۳۹	« درونی که
۳۷۵	۱۳	« دکانی
۲۶۳	۲۸	« دل او سامم
۱۰۴	۲۱	« دلی را سجده
۴۳۲	۱۰	« دلی را مشرب
۳۱۰	۳۳	« دلی کاندر
۲۸۸	۱۱	« دلیلی بی نتیجه
۲۶۵	۱۲	« دم آسیبیست
۴۰۲	۳	« دم ارصد
۳۸۵	۱۸	« دمت طوفان
۲۴۲	۳۶	هر دمت عزی
۳۷۹	۳۴	« دمت گر
۳۴	۳	« دمش صد
۲۳۵	۵	« دمش لابه
۹۸	۲	« دمی آن خار
۴۳	۲۹	« دمی از وی
۳۴	۴	« دمی اورا
۴۲۵	۴۰	« دمی بس
۳۹۷	۲۹	« دمی زین
۳۷۷	۵	« دمی شوری
۳۵۰	۸	« دمی مرگی
۲۴۴	۳۷	« دمی یعقوب
۱۵۶	۲۶	هر دو از گورش
۴۲۳	۲۳	« ان بر
۳۳۶	۳۷	« او باشد
۴	۵	« بحری
۴۴۶	۲۲	« برهان
۵۲	۱۷	« برهم
۳۴۰	۳۱	« بستر
۱۸۹	۲۴	« پاشست
۳۹۱	۱۵	« تن
۳۲	۱۹	« جنبش
۳۷۳	۱۰	« چشمت
۳۷۰	۲۵	« چون
۲۵۹	۱۸	« در جنگند
۳۱۵	۳۵	« درهم
۱۹۳	۱۶	« دلالان
۲۱۱	۲۴	« را این
۳۹۱	۱۶	« را دل
۳۴۲	۱	« روزی
۲۹۶	۳۵	« سبزند
۲۵۹	۱۱	« سوزنده
۶۷	۳۰	« شان
۸	۱۱	« صورت
۳۱۵	۳۵	« عاشق
۳۶۲	۱۱	« گریك
۶۷	۲۸	« گفتندای
۸	۸	« گون آهو
۳۷۹	۲۹	« گون تمثال
۸	۷	« گون زنبور
۳۷۹	۳۰	« گون سر
۱۱۸	۱۰	« گونه
۲۵۹	۴	« مستی
۲۹۹	۱۰	« می خایند
۱۸۹	۱۹	« می گفتند
۴۱۴	۲۹	« نان
۸	۸	« نی خوردند
۱۳۹	۳۴	هر دهان را
۱۸۰	۲۲	« رسول شاه
۴۲۸	۹	« رسولی را
۸۵	۳	« رسولی یکتنه
۳۳۳	۲۷	« روش هر
۱۵۳	۳	« زدن بهر
۴۵	۳۰	« زمان از

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۸	۴	هرزمان جوحی
۳۲۳	۳۱	« خواند
۱۰۱	۲	« درسینه
۱۲۹	۲۰	« درگلشن
۱۶۳	۳۰	« دل را
۱۶۳	۲۸	« دل را
۲۳۱	۳۷	هرزمانش ازرشد
۸۳	۱۴	« خلق
۴۱۹	۲۱	هرزمان صندوق
۳۴۱	۹	« فکری
۱۰۵	۱۳	« کز
۱۶۷	۱۴	« که قصد
۲۰۳	۳۸	« گوید
۲۵۴	۳۷	« مبدل
۱۵۸	۲۵	هرزمانم غرقه
۲۵۶	۳۳	هرزمان میدرد
۲۸۱	۵	« میکرد
۱۰۸	۱۲	« میگفت
۱۵۱	۲۵	« میگفت
۱۰۸	۳۱	« میگفتم
۱۴۰	۵	« نزعی
۲۶۸	۱۸	« نوصور
۳۰۹	۳۵	هرزمانی روی
۲۵۰	۲	« که شوی
۳۹۸	۱۱	« موج
۲۰۴	۸	« می برآید
۲۶۷	۲۹	« هین
۹۶	۸	هرزمینی کان
۱۵۲	۷	هرزنی نوزاده
۱۰۹	۱۰	هرسبب بالا
۴۰۹	۳۱	هرسپه را
۳۶	۳۳	« ستاره اش
۳۵۳	۲۸	« ستاره خانهٔ
۳۵۲	۲۶	« ستونی
۴۳۲	۶	« سفیهی مبتدع
۴۰۹	۲۶	« سه دریك
۱۷۸	۳۸	« سه زان
۳۸۸	۲۰	« سه سایه
۴۱۰	۴۰	« سه شهزاده
۱۹۳	۳۵	« سیه دل
۴۴۶	۲۱	« شب از
۱۰	۲۱	« شبی ازدام
۲۵۷	۱۷	« شبی تاروز
۳۸۶	۲۴	« شی تدبیر
۳۴۹	۱۱	« شرابی بنده
۷۴	۳۵	« شریعت را
۶۲	۳۷	« شکارو
۳۶۵	۲۴	« شکستی
۳۱۵	۲۳	« شمالی را
۲۳۶	۲۹	« صباح اورا
۱۴۴	۲۷	« صباح و
۲۴۶	۳۰	« صباحی آید
۶۸	۲۸	« صباحی ازخز
۲۴۶	۳۰	« صباحی تیز

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۶	۳۱	هرصباحی رو
۴۰۸	۱۷	« صباحی فرقهٔ
۱۲۳	۳۰	« صحابی دید
۴۱۲	۳۸	« ضریری
۳۰	۲۸	« طرف اندر
۳۹۶	۲۱	« طرف چه
۱۹۳	۳	« طرف خواهی
۳۲۰	۲۶	« طرف دروی
۱۴۱	۱۷	« طرف غولی
۴۳۵	۳۴	« طرف کانداز
۳۱۳	۳۸	« طرف کندند
۷۰	۷	« طرف که دل
۱۵۵	۲۵	« طرف که ساحر
۱۶۸	۷	« طروقی
۱۰۲	۱۵	« طعامی
۸۴	۷	« عبارت خود
۸۳	۴	« عداوت را
۲۸۴	۳۳	« عقابی
۳۳	۱۷	« غلام و
۳۵	۱۲	« غلامی را
۳۴۶	۱۱	« غمی
۱۲	۹	« فریقی
۲۶۷	۳۵	« قدم زین
۱۶۵	۲۲	« قدم من
۲۸۴	۳۳	« کبوتر میپرد
۳۷۷	۲۰	هرکجا آئی تو
۱۹	۲۵	« آب روان
۱۸۴	۲۳	« افسانهٔ
۱۶۷	۴۰	« امرقدم
۱۸۴	۲۳	« اندر
۱۲۵	۱۰	« او مبدود
۳۷۴	۲۰	« این نیستی
۲۴۸	۱	« باشد ریاض
۱۹۸	۱۸	« باشد شه
۱۳۱	۱۹	« باشد نماز
۲۹۲	۱۴	« باشند
۱۵۰	۳۹	« بدمصرئی
۱۵۲	۳۶	« بوی
۲۷۷	۱۶	« بیمارئی
۱۲۰	۲۳	« بینم درخ
۱۲۰	۲۳	« بینم نهال
۱۱۸	۳۸	« بینی
۴۰	۱۲	« تابم
۴۰	۱۳	« تاریکی
۱۹۸	۲۰	« تو بامنی
۲۷۷	۱۵	« حرب
۲۶۱	۱	« خواهد خ
۱۶۷	۲۹	« خواهد فر
۷۰	۴	« خواهیم
۲۹۱	۱۱	« دام است و
۱۸۲	۳۳	« دانه
۱۸۹	۴	« دردی دوا
۱۰۸	۳۸	« دردی دوا
۴۰۵	۳۶	« دلتان

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۴	۳۵	هرکجا دوکس
۱۹۴	۲۵	« سایه
۳۸۱	۳۱	« سخته
۱۱۸	۳۱	« شمع
۱۳	۱۱	« گوشی
۱۲۲	۳۸	« لشکر
۱۵۳	۱	« لطفی
۱۰۸	۳۹	« مشکل
۱۸۹	۵	« مشکل
۸۶	۳۷	« نوحه
۹۹	۲۵	« هست
۲۱۳	۱۶	« یابی تو
۱۹۸	۱۸	« یوسف
۲۵۳	۲۹	هرکرا افعال
۱۳۲	۳۸	« باشد
۵۳	۹	« بدهی و
۱۶۰	۱۳	« پاهست
۱۳۴	۲۴	« پرسید
۲	۱۵	« جامه
۸	۲۴	« درجان
۴۱۵	۳۵	« درد
۲۹۹	۱۸	« دیدی
۳۴۷	۳۰	« فتح
۳۴۵	۲۶	« فرج
۴۴۴	۲۲	« عزو
۳۳۹	۳۳	« گلشن
۸۵	۱۰	هرکرا مانی که
۲۵۹	۳۵	هرکرا مردم
۳۹۳	۱	هرکراهت در
۲۱۶	۱۱	هرکس اندر نور
۲	۳	هرکسی ازظن
۴۲۸	۲۶	« ازقابلیت
۴۴۰	۱۰	« باخویش
۴۴۷	۱	« برشهر
۴۲۸	۲۶	« برقدر
۷۲	۳۰	« برقوم
۴۲۹	۴	« برملت
۳۳۱	۱۰	« پس
۲۸۵	۹	« پیش
۲۲	۴۰	« تدبیر
۱۷۹	۷	« ترسان
۳۹۵	۱۷	« چون بی
۳۸۸	۳۳	« دانند
۶۰	۲	« درطاعتی
۳۸۱	۲۶	« درگفتگوئ
۳۸۱	۲۶	« درگفتگوی
۴۳۹	۸	« راآدمی
۱۶۳	۸	« رابهر
۳۸۰	۳۲	« راجفت
۳۵۲	۸	« راخدمتی
۴۲۰	۲۴	« راخود
۲۴۲	۳۴	« رادعوی
۱۰۶	۱۱	« راسیرتی
۷۱	۲۳	« راگربدی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۱۶	۲۸	هرکسی راهست
۲۸۴	۳۲	« روسوی
۲۶۲	۲۴	« زاندازهٔ
۲۸۴	۱۳	« شد بر
۱۳۴	۲۱	« کزمبوه
۱۱	۲۵	« کوازحسد
۲۴۸	۱۰	« کواز صف
۴۴۶	۴۰	« کوتابع
۲۷۹	۷	« کوحاسد
۲	۲	« کودور
۲۸۱	۳۷	« کوشد
۴۳۵	۱۸	« کولایق
۵۹	۳۶	« گرطاعتی
۹۲	۳۴	« گرعیب
۲۰۰	۱۶	« گفتی
۲۸۰	۳۲	« میجست
۲۱۶	۱۶	هرکش افسانه
۳۸۷	۱۹	هرکمانی کو
۲۷۰	۶	هرکه آخربین بود
۲۷	۱۸	هرکه آخربین بود
۲۴۱	۳۵	« آخربین تر
۲۷	۱۸	« آخرمؤمنه
۴۲	۱۵	« آرد حرمة
۴۰۴	۲۳	« آنجابگذرد
۱۱۹	۱	« ازاستا
۲۹۲	۲۵	« ازجام الست
۳۴۹	۳۶	« ازجام تو
۸۰	۶	« ازحس
۲۰۳	۳۳	« ازخورشید
۴۴۴	۶	« ازدارالبقا
۸۸	۱۹	« ازدیدار
۴۱۳	۱۴	« از شاهان
۲۴۸	۳۴	« ازطفلی
۴۳۱	۴۲	« ازعقل
۲۸۳	۱۳	« ازهمسایگی
۲۱۴	۲۸	« استیزه
۴۴۳	۳۰	« امروز آن
۳۷۰	۲۱	« اندر حوض
۲۹۳	۱۳	« اندر شش
۲۴۹	۳۰	« اندر شیخ
۳۱۰	۲۱	« اندر عشق
۲۱۱	۳۲	« اندر کار
۶۱	۱۷	« اندروجه
۳۷	۱	« اوارزان
۶۳	۹	« اوازصلب
۲	۱۹	« اوازهمزبا
۲۰۴	۲۶	« اواندربلا
۲۴۸	۳۳	« اواندرنظر
۱۵۲	۶	« او این
۶۲	۳۸	« اوبرحق
۲۹۳	۲۸	« اوبرخوی
۱۸	۱	« اوبنهاد
۱۵	۱۴	« اوبیدارتر
۲۳۸	۳۳	« اوبی سر

صفحه	سطر	اول بیت
۱۷۹	۳۳	هرکه اوبیگانه
۳۶۸	۱۵	« اوبیمایه
۵۹	۲۴	« اوبیمرشد
۱۳۴	۱۸	« اوجنس
۲۳۹	۱۸	« اوچل گام
۶۲	۳۲	« او درپیش
۳۲۰	۱۷	« او درمکه
۳۸۷	۱۵	« اودوراسه
۱۳۲	۳۹	« اورااشتها
۶۵	۲۲	« اورا برگ
۸۹	۸	« اورا قوت
۱۸۳	۸	« اورامقتدا
۲۳۳	۶	« اوزین باغ
۲۴۹	۳۱	« اوسوی
۱۷۹	۳۲	« اوشد
۲۴۷	۶	« اوعاقل
۲۹۸	۲۳	« اوعصبان
۱۱۲	۳	« اوگوید
۱۶۳	۱۹	« اول بنگرد
۱۶۳	۱۹	« اول بین
۲۲۲	۲۱	« اومغلوب
۳۹۵	۱۶	« او یکبار
۹۶	۳۶	« این باور
۴۴۳	۱۰	« اینجادید
۲۰۰	۲۶	« این مسجد
۸۸	۳۳	« این نیمه
۳۴۶	۲۷	« بااهل
۳۵۹	۳۱	« بااین قوم
۸۴	۲۶	« با جاهل
۲۳۲	۲۲	« باخود
۲۴۷	۲۳	« با دشمن
۲۱۰	۹	« بادلبر
۳۷	۱۱	« باسلطان
۱۱۲	۳۶	« باشداززنا
۶۰	۳۸	« باشد دربی
۹۷	۱	« باشدشاه
۶۱	۲	« باشدشیر
۱۸	۹	« باشد طالع
۳۹۵	۲۰	« باشد قوت
۲۴۷	۲۲	« باشد همنشه
۲۶۰	۵	« بالاتر
۸۱	۳	« با ناراستان
۶۱	۱۸	« بردراو
۳۸۳	۲۰	« برشمع
۱۱۲	۳۰	« برگردد
۱۲۴	۳	« برگوید
۱۱۴	۳۳	« بستاید
۲۸۳	۱۲	« بگزیند
۳۱۲	۱	« بنهد
۱۱	۲۶	« بویش
۴	۱۵	« بیباکی
۱۱	۵	« بیدار
۲۰	۷	« بیرون بو
۸۰	۵	

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۴	۲۵	هر که بی‌من شد
۲۲۴	۱۸	« بینا ناظر
۲۰۳	۱۶	« بیندمر
۱۹۸	۲۹	« بینی در
۲۶۳	۳۲	« پایان بین
۳۴۷	۳۰	« پایندان
۱۴۶	۳۸	« تازد
۳۱	۳	« ترسدمر
۳۱	۱	« ترسیداز
۷۲	۱۵	« تریاق
۱۱۳	۵	« تنهاماند
۶۰	۷	« تنهانادرا
۲۴	۲۳	« جبرآورد
۱۲	۳	« جزآگاه
۲	۱۱	« جزماهی
۱۷۸	۲	« جنس
۱۸۹	۴	« جویاشد
۴۱۷	۳۸	« جویای
۳۱۹	۲۸	« جویدپادشاه
۱۳۴	۴۱	« جویدنام
۴۹۵	۲۱	« چون‌زنبور
۵۹	۷	« چون‌هند
۱۶۰	۵	« چیزی
۴۴۳	۳۹	« حیوانست
۳۸۸	۱۶	« خوابش
۱۷۴	۲۷	« خوابی‌دید
۳۲۶	۲۷	« خواهدازتو
۳۸۸	۸	« خواهدقسم
۳۶۳	۳۵	« خواهدکو
۱۱۲	۱۷	« خواهدهمنش
۴۲۳	۲	« خودبینی
۱۲۱	۱۴	« خودرا
۳۸	۱۴	« داداوحس
۴۴۱	۱۴	« داردبوی
۶۳	۱۰	« داردروی
۴۷	۸	« داندمر
۲۸۵	۴۰	« درآتش
۴۱۷	۳۸	« دراشکار
۲۱۹	۳۸	« درتونست
۸۰	۵	« درحس
۲۱۹	۳۸	« درحمام
۸۳	۱۹	« دردنیا
۱۹۹	۹	« درخلوت
۱۱	۵	« درخوابست
۱۲۴	۴۲	« درروز
۱۴۶	۴۷	« دررهی
۱۰۷	۲۰	« درزندان
۱۱۹	۳۴	« درشش
۱۰۷	۲۱	« درقصری
۳	۱۴	« درمان
۲۳۹	۲۰	« درمکر
۲۰۰	۱۵	« دروی‌بیخبر
۱۴۳	۱۷	« دروی‌لقمه
۸۹	۲۲	« دعوی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹	۶	هر که دندان‌ضعیف
۲۱۴	۱۲	« دوراز حالت
۸۸	۲۳	« دوراز رحم
۳۸۷	۱۵	« دوراندازد
۱۲۷	۱۱	« دیدآن‌بحر
۱۴۹	۲۶	« دیدآن‌جاه
۹۹	۳۱	« دیدآن‌مرح
۱۹۴	۱۴	« دیداومر
۲۱۱	۳۰	« دیداونباشد
۱۹۹	۲۲	« دیدش
۷۵	۳۴	« راآتش
۴۳۴	۳۲	« راآنجا
۷۵	۱۶	« راآنعکم
۴۸	۳۳	« راآیینه
۳۱۶	۳۶	« رااسرار
۱۶۰	۱۸	« رااوپیشه
۲۷	۱۷	« رااومقبل
۴۴۶	۵	« راایمان
۴۴۷	۱۰	« رااین‌بایدش
۱۸	۶	« راباختری
۳۰	۲۲	« راباشدزسینه
۴۴	۳	« راباشدزیز
۸۸	۱۷	« راباشدطعم
۲۹۸	۱۹	« راباشدمزا
۲۹۲	۳۲	« راباضد
۱۴۶	۱۱	« راباهرده
۲۲۸	۳۱	« راپینی‌شکار
۱۶۰	۳	« راپینی‌طالب
۳۷۳	۲۸	« راپینی‌یکی
۲۸۴	۲۷	« راپرسوخته
۸۹	۲۰	« راپرسید
۳۶۵	۳۰	« راخواهی
۹۱	۴۲	« راخوی
۱۸	۱۱	« رادامان
۱۷۳	۲۳	« رادامن
۲۸۵	۴	« رادردست
۶۵	۲۰	« رادردل
۴۴۵	۲۶	« رادرکارها
۱۷۳	۴۱	« رادل
۱۳۴	۱۹	« رادندان
۲۵۸	۳۷	« رادیداو
۳۷۳	۲۸	« رادیدی‌برهه
۱۰۷	۲۱	« رادیدی‌بزر
۲۹۹	۱۷	« رادیدی‌زک
۱۱۲	۱۸	« رادیواز
۴۳۸	۲۴	« رارهشد
۳۴۹	۱۷	« راسوزید
۳۹۴	۵	« راشب
۴۴۲	۴۲	« راشمع
۳۳۹	۳۵	« راعدل
۴۴۶	۳۵	« راعلم‌و
۱۲۵	۳	« راگوئی
۲۲۰	۳۱	« رامشك
۳۳۹	۲۳	« رانور

صفحه	سطر	اول بیت
۳۰	۲۱	هر که راهست
۳۱۳	۲۰	« رنجی
۱۴۵	۳۲	« روزی
۱۲۶	۷	« زایشان
۳۶۲	۲۶	« زیباتر
۲۹۱	۳۸	« سازد
۸۹	۱۱	« سردت
۲۸۵	۴۰	« سوی‌آب
۲۸۳	۱۳	« سوی‌خوان
۲۸۶	۱	« سوی‌راسه
۳۷۹	۹	« شاگردیش
۳۷	۱۰	« شدمر
۴۷	۲۵	« شیرین
۱۱	۲۹	« صاحب
۳۴	۱۶	« صبر
۲۶۲	۲۴	« صیقل
۲۸	۳۵	« ظالم‌تر
۹۷	۳۰	« عاشق‌تر
۳۶	۲۹	« عاشق‌دیدن
۳۶۷	۹	« قلبی
۱۱۳	۱۵	« کاردقصد
۴۶	۱۴	« کاردگردد
۱۵۴	۳۸	« کاملتر
۳۲۱	۱۴	« کاه‌وجو
۲۳۳	۹	« کج
۴۰۸	۲۱	« کردی
۲۳۲	۲۳	« کوشید
۴	۱۶	« گستاخی
۲۸۴	۳۸	« گلخوار است
۲۳۹	۲۳	« گویدکوقیام
۱۸۰	۱۲	« گویدکوگوا
۲۰۲	۵	« گویدهای
۳۰۱	۱۹	« گیرداو
۱۴۶	۳۷	« گیردیشه
۱۸۴	۱۸	« ماراکشت
۲۴	۲۳	« مانماز
۳۳۸	۲۰	« محبوس‌است
۲۳۵	۲۱	« محجوبست
۳۷	۱۰	« محراب
۶۰	۲۶	« مرد
۳۷۳	۲۹	« مستوحش
۱۵۰	۳۹	« می‌آمدبگفتا
۱۴۶	۲۲	« می‌آمدز
۳۸۹	۳۸	« می‌پرسید
۲۸۹	۱	« میردخود
۳۸	۷	« میکوشد
۴۴۰	۶	« ناجی‌بد
۴۴۲	۱۶	« نزبهر
۶۴	۱۰	« نقص
۱۹۲	۲۶	« یوسف
۱۹۴	۲۶	هرگرانی‌وکسل
۳۰۸	۳۴	هرگرسنه
۴۲۹	۳۳	هرگروهی‌برده
۴۲۹	۳۹	« را

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۲	۳۵	هرگره‌را
۱۹	۲۹	هرگزای‌آتش
۴۲	۴	هرگلی‌کاندردر
۳۹۵	۲۷	« کاندردل
۲۰۳	۲۳	هرگمان‌تشنه
۲۱۷	۲۰	هرگهی‌که‌رو
۱۰۷	۵	هرگیاراکش
۲۷	۱۷	هرلقب‌کو
۶۱	۲۸	هرمحال‌از
۳۷۱	۸	هرمحدث‌را
۳۰۸	۱	« مرض‌دارد
۱۳۸	۶	« مزاجی‌را
۲۱۱	۱۴	« مقلدرا
۵۴	۶	« ملك‌میگفت
۱۲۳	۱۰	« منافق
۱۵۱	۲۹	« منجم
۱۹۸	۲۷	« موکل‌را
۵۲	۲۶	« نبات‌و
۳۵۳	۳۴	« نباتی‌کو
۱۵۸	۲۱	« نبی‌زان
۸۸	۱۴	« نبی‌میگفت
۶۲	۳	« نبی‌و
۳۶۰	۱۳	« نبی‌اندر
۲۳۵	۷	« نبی‌زو
۱۰۹	۸	« ندائی‌که‌ترابا
۱۰۹	۹	« ندائی‌که‌تراحا
۱۴۶	۲۲	« نسیمی‌کز
۱۷۰	۲۵	« نفررا
۱۸	۲۴	« نفس‌مکری
۲۵	۲۹	« نفس‌نو
۲۵۰	۴	« نکالی
۳۴۴	۳	« نواحی
۳۵۰	۲۵	« وجودی
۳۳۷	۴	« وفارا
۳۸۰	۲۵	« ولی‌را
۲۴۳	۱۳	« هلاك
۵۷	۱۷	« هنر
۷۳	۲۲	« هواو
۱۳۶	۶	« یك‌آهنگش
۳۲۲	۳۵	هریکی‌ازحال
۱۹۴	۲۱	« ازدرد
۱۲۳	۲۷	« ازدیگری
۴۰۴	۴۲	« ازدیگری
۳	۱۴	« ازما
۳۳	۱۷	« ازوی
۲۳۳	۲۱	« باجنس
۱۷۳	۳۰	« بایکدگر
۳۴۴	۱۶	« برجا
۳۸۵	۱۲	« بردرد
۱۲۵	۳۰	« برنیتی
۳۱	۱۱	« پروازش
۳۸۹	۵	« تاریخ
۱۶۱	۲	« تسبیح
۱۹۸	۳۷	« جازا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۳۸	۳۰	هریکی چونکه
۲۴۹	۳۰	« چون‌ملك
۳۹۵	۱۱	« خاصیت
۲۰۸	۲۳	« خواهان
۲۶۰	۱۸	« دربخش
۲۷۵	۷	« درپرده
۳۵۰	۱۲	« دردفع
۴۰۳	۶	« درکف
۱۳۲	۱۲	« دری
۳۶۰	۱۴	« دیوار
۴۹۷	۸	« رااوبگ
۱۵	۳۲	« رااویکی
۴۳۰	۴	« رابرمهه
۱۶	۳۰	« راتیغ
۲۳۴	۱۸	« راداده
۴۴۳	۴	« راده
۱۵	۳۲	« راکرد
۳۴۵	۴۷	« رامخزن
۱۱۲	۲۳	« رامن
۴۴۶	۳	« رانبز
۴۱۱	۴۷	« راهست
۴۴۵	۲۰	« راهفتصد
۳۵۸	۱۳	« رفتند
۴۱۵	۲۵	« زاجزا
۲۵۲	۱۰	« زان‌قاصد
۱۷۳	۱۵	« زانهاتر
۱۲۴	۹	« زین‌ره
۸	۱۸	« سوی
۲۳۴	۱۹	« شانرا
۳۸۹	۳۷	« فالی
۱۲	۳۱	« قولیست
۱۶۱	۲۴	« گفتش
۳۸۶	۲۸	« گوید
۱۹۳	۱۵	« مراصل
۳۹۶	۱۹	« نام
۲۶۱	۸	« نابد
۲۸۰	۱۲	« یاری
		ه ـ ز
۲۷۳	۳	هزل‌تعلیمست
۱۷۸	۲۶	هزلها
		ه ـ س
۲۶۱	۲۷	هست‌آتش
۳۲۷	۱۰	« آسان
۹۲	۴	« آن‌آهن
۳۰۱	۱۳	« آن‌ازبعد
۹۵	۱۰	« آن‌اندیشه
۲۳۴	۶	« آن‌بندو
۹۳	۳۸	« آن‌بستان
۲۷۵	۷	« آن‌پندار
۲۹۳	۱۰	« آنخوارزم
۳۵۸	۳۳	« آندرات
۲۴	۱۹	« آنریگ
۲۴۱	۹	« آنعنوان
۱۶۶	۸	« آنموی

صفحه	سطر	اول بیت
١٦٦	٧	هست آن موی
٣٧٩	٢٢	« آن بخ
٤٣٨	٢١	« آن یوم
٣٣١	٢٨	« آهنگر
٣٨٣	١٦	« اباحت
٣٥٢	٢٧	« احوالت خلا
٣٤٠	١٩	« احوال تو
٣٩٩	٤١	« احول را
٤٠٣	١٣	« از آغاز
٤٣٤	٢٤	« از آنجا
١٩٦	١٤	« از روی
٦٩	٥	« ازل را
٣٥٤	٢٤	« اشارات
٢٤٢	٢٨	« افزونی اثر
٢٤٢	٢٨	« افزونی هر
٢٨٧	٢٧	« الوهیت
١٧٢	٤	« امیدی
٣٦٤	٥	« انجیر
٢٩٠	٧	« اندر دفع
٤٢٨	٣٩	« اندر موجها
٦٢	٢٩	« اندر نقش
٤٣٠	٣٢	« انسانی
٣٨٥	١٥	« او اندر
٤٤٥	٣١	« او را صانعی
٣٨٥	١٥	« او محسوس
٣٧٤	٣٢	« او مقراض
٢٦٢	٣٧	« ایاك
٤٣٨	١٠	« ایمان را
١٦٨	١	« ایمانش بر ا
٣٣٦	١٨	« ایمان شما
٢٦٢	٣٦	« این ایاك
٢٢٤	١٦	« این بالا
٢٥٦	٣١	« این دکان
١٥	١٠	« این را خوش
٢٣٤	٥	« این زنجیر
٤٤٦	٤٤	« این طاق
٣٦٨	٣٤	« این نسبت
٢٠٢	٣	« بادام
٤٢	١٦	« باران از
٤١	٢٢	« بارانها
٢٦٤	٣٦	« بازیهای
١٩٦	١٥	« باشد ذات
٤٢٥	٢٢	« باقی شرح
٤٢٥	١٧	« باقی شرح
١٧٧	١٧	« بر اسباب
٣١١	١٣	« بر پای
٨٩	٣٧	« بر سم و
٢٣٠	٢٢	« بر ماسهل
٩٥	٣٧	« بر مؤمن
٣١	٩	« بسیار
٤٤٤	٤٤	« بیچون
١٤١	٢٧	« بیجزمی
٣٥٢	٣١	« بیرنگی
٣١	٢٦	« بیرون
٤١٠	١٠	هست پنهان حاکم
٣٧٢	١٢	« پنهان معنی
٢٩٧	٨	« پیدا
٦٤	١٤	« پیر راه
٢٠	١٣	« تسبیحت
٣٣٣	٨	« تعلیم
٥٣	٢٥	« تفصیلات
٣٩٢	٣٦	« تن چون
٣٥٩	٢٦	« تنهائی
٣٩٧	١١	« جمعیت
٢٥٥	٣٦	« جنت
٤٤٣	٣٦	« چارت
٢١٧	٢٥	« حیوانی
١٢٩	٢٤	« خاشاك
٢٨٥	١٨	« در بط
٢٢٧	١٠	« در چاه
٤١٦	١٠	« در خانه
٢٢٤	٨	« در دل
١٦٠	١٩	« در فرمان
١٨٧	١٠	« در کوشش
٣٥٩	١٦	« در همیان
٣٣٤	٣١	« در یا خیمه
٩٦	١٩	« دست راست
٣٦٠	٢٠	« دستوری
٢٤٤	١٣	« دل مانده
٨٤	٢٥	« دنیا جاهل
٣٨٠	٣٠	« دنیا قهر
٣٤٩	١٩	« دزوخ همچو
٣٤٩	١٩	« دوزخ همچو
٣٤٩	٢٠	« دوزخ همچو
٢٧٦	٢٣	« دیوان
٣٥٨	٣٤	« ذرات
٣٠١	١٣	« زان سوی
٣٤٧	٣٣	« زاهد
١٨٥	٤	« زندان
٢٠٨	١٨	« سرگردان
٢٠٨	٦	« سر مرد
٣٦٠	٢	« سنت ره
١٦١	٥	« سنی را
٢٨٢	٢٥	« سیری از
٢٧٦	١٨	« شاهان را
١١٩	٣١	« شرط
٤٣٤	٢١	« شهری
٢٩٢	١١	« صد چندان
١٩٩	٢٦	« صد چندین
٤٢٢	٢٢	« صورت
٢٨٤	٤٠	« صوفی آنکه
١٥٩	٤٠	« صوفی صفا
٢٨٢	٢	« صیاد
١٨٥	٢١	« طاغی
١٥٥	٨	« عشقش
٢٨٦	٢٠	« عقلی چون
٢٨٦	١٩	« عقلی همچو
٤٣٣	٢٤	« فانی
٤١٩	٣٥	هست فتنه
٣٧٤	٣٥	« قاضی
١٥٦	٢٠	« قرآن حال
٣٣	٩	« قرآن مر
٢٢٠	٢٥	« قوت
١١٨	١٣	« کرها
٩٩	٢٥	« که کاوا
٢٨٢	٣	« گربه
٣١٦	١٤	« لایق
٩٧	١٤	« لیکی
٤٢٠	٣٠	« لرزان
٣٧٤	٢	« مادر
٣٠٩	[illegible]	« ماراخواب
٤٣٣	٢٣	« ماراهر
٢٩٧	٧	« مانندا
٣٤١	٢٧	« مردی این
٣٢٨	١٩	« مردی گفت
٤٢٥	١٥	« مرهر صبر
٨٨	١٥	« مزد
٣١٢	٣	« مطلق
١١٢	١٧	« معذوریش
٣٥٥	٢٢	« معراج
١٥٩	٣٢	« معشوق
٢٤٨	١٩	« منهاجی
٢٤٢	٩	« موسی
٣٤٠	٢٥	« مهمانخانه
٢٥٩	١	« میهای سعاد
٢٥٨	٤٢	« میهای شقاو
٤٠٣	٨	« ناقص
٣٧٣	٤	« هاراسوی
٢٠٨	١٤	« هرجزوی
٣٣٤	٣٣	« هرجسمی
٤٥	١٩	« هشیاری
٢٠٨	٢٧	« هفتادو
٣٦٩	٢١	« هفتصد
٦٤	٥	« هستی اندر نیستو
٦٠	٣٠	« هستیت در هست
٢٠٤	٢١	« هستی حیوان
٣٤٠	٢	« هست یک
		ه - ش
٢٤٦	١٦	هشت بارش
٣٢٥	١٤	« جنت گر
٦٩	٧	« جنت هفت
٤٢٣	٣٢	« روزی
٢٢٠	٣٦	« سالت جوش
٢١٩	٣٣	« سالت زان
٢٤٦	١٩	« کرت
٣٨٣	٩	« هشته اندر این
٦٥	٣٥	هش چه باشد
		ه - ف
٧٣	٢٩	هفت اختر
٤٢٨	٩	« تن
٤٢٨	١٦	« جوقند
٣٥٣	٢٥	« چرخ
٣٩٣	٢٧	هفت خوشه
٣١٠	٢٨	« دریا اندر
٣٠	٨	« دربارا
١٣٣	٣	« دریا گر
٣٥٠	٩	« دریا هر
٣٢٦	٣	« سال از
٣٤١	١٥	« سال ایوب
٤٤١	٢١	« سر
١٦٩	٦	« شمع از
١٦٩	١٦	« شمع اندر
٤٢٩	٢٧	« قسم
٢٩٤	١١	« گاو فربه
٣٩٣	٢٧	« گاو لاغر
٣٤٦	٢	« مصحف
١٧٠	٨	« میشد
١٨٦	٢٨	« نوبت
٣٤٤	٤	هفتهٔ کرد
		ه - ل
٤٣٥	١٩	هل جز افرمود
٣١١	١٠	« جنونی
٢٣٨	٢٠	« سباحت را
٦٩	١٩	« مرا تا پرده
٢٥١	٣٤	« مرا تا که
		ه - م
٣٥٥	١٠	هم از آنجا کاین
٣٩٩	٢٢	« آن خورشید
١٨٩	١٢	« آن ده یك
٢٢٠	٢١	« آنسر گین
١٥٥	٩	« آنسو جو جو
١٥٥	١٠	« آنسو جو که
٣٨٦	١٤	« این بدبختی
١٤٤	١١	« اینجا
٢٦٦	٣٦	هم از وگیرند
٢٥٨	٢٨	« اشارترا
١٢١	٤	« امیدی
٣٩٩	١٢	« باصل خود
٧٠	٣٥	« بامیدی
٤٣١	٦	« بیادت
٤٠١	٣٨	« بیدل
١٦٦	٣٢	« بیداری
٣٩٦	٣٨	« بیشتی آن
٣٥٥	١٤	« بتقلیب
١٧٦	٣٦	« بدان تیغش
١٦٤	٢١	« بدانجا
٣٩٣	١١	« بداندهم
١٨٣	٢	« بدان قانع
٤١٤	٣١	« بدین فن
٢٨١	١٦	« بدین نیت
٢١٦	٢٧	« بر آن بو
١٤٢	١٨	« بر آن در باشد
١٤٢	٣٣	« بر آن در گرد
٢٣٧	٢٧	« بر آن عادت
٣٠٢	٢٤	« بر آن کرسی
٢٣	٢	« بر این کردند
٣٦٩	٢٤	هم برون افکن
٣٥٤	٣٢	« بسمی تو
٩٥	٧	« بصورت دست
١٣٩	٣٩	« بصورت مینما
٤١٠	٣٣	« بطبع آور
٤٤٥	٢٤	« بعلم
١٧٤	٣	« بگوئیمش کجا
١٩٦	١٩	« بنسبت دان
١٩٦	١١	« بنسبت گیر
٤٣٨	٢٠	« بنه بر شه
٨٥	١٨	« بوام و
٨٠	١٠	« به بینی نقش
١٤٠	٢٦	« بیابدلیك
١٠٥	٣٠	« پنیرو
٢٨٥	٢٠	همت او
١١٧	٤	« پیغمبر
٤٤٢	٦	همت بهر
٨١	٣	همتر از ورا
٣٦٩	٢١	همت سبر
١٤٦	٢٩	همتش بین
٤٤٠	٢٨	« مصروف
٢١٦	١	همت عالی
٤٣٠	١٦	هم توام توفیق
٤٣٤	١٨	« اندر
٣٤٩	١٥	« بودی
٣٦٥	٨	« ثانی کرد
٣٦١	١٧	« خودرا
٤٣٤	١٨	« دادی
٤٤٧	٢	« در شهر
٢٦	١٥	« راوهم
٢٣٣	٣٦	« شادو
٤٣٥	٢٠	« گرگا
٢٤٨	٢٣	« گفتی
٣٧٤	٣	« گوی و
٤٨	٦	« ماری
١٦٣	٣٧	همتی تابو
٤٠١	١١	« میدار
٢٤٦	٢٩	همچنان آمد
٢٦٧	١٠	« باشد
٣٨٠	٣٧	« برمیشمر
١٥٧	٢	« بیگانه
٣٠٣	١٨	« در آینه
٣٤٧	٢٢	« دردور
١٩٣	٣٠	« درمرگ
٢٣٨	٤	« روزی
٣٠٤	٥	« کاصحاب
١٥٠	٣٨	« کانجا
٣٦٩	١٢	« کانخواجه
٢٦٨	٤	« کانزاهد
٢٤٥	٣٠	« کان شخ
٢٦٢	٣٦	همچنانك ایاك
٤٢٤	٨	همچنان کاین شا
١٧٦	٢٣	« کاین ظا
٥٨	٤	« کردند و دا

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۱	۲۹	همچنان کردند در
۱۶۷	۱۵	« کردهر
۲۷۴	۳۷	« کردهم
۴۹۳	۲۰	« کز پردهٔ
۳۶۷	۲۹	« کز چشمه
۷۷	۱۰	« که آرزو
۱۳۹	۶	« که ان جنب
۲۷۲	۲۵	« که این جها
۲۶۵	۴	« که چشم
۱۳۹	۴	« که خلق
۱۲۱	۱۵	« که در حکا
۲۷۰	۲۲	« که دید
۱۷۴	۲۵	« که ذوق
۱۶۳	۷	« که سهل
۲۲۷	۳۸	« که شه
۵۲	۱۵	« که عقد
۱۷۷	۲۸	« که قدر
۳۳۴	۱	« که گفت
۱۱۴	۱۴	« که لشکر
۳۶۴	۲	« که مرده ام
۳۰۶	۷	« که معدن
۲۴۸	۳۷	« که من در
۱۲۳	۱۶	« که موسی
۱۹۳	۱۵	« که وسوسه
۱۶۵	۳۱	« که وقت
۱۲۴	۶	« که هر کسی
۳۴۶	۳۰	« کین ظلم
۴۹۷	۳۴	« مرد مجاهد
۲۵۲	۱۰	« مرد و شکم
۱۵۹	۲۷	« میخواهد
۲۳۰	۵	« میرو
۴۲۳	۳۹	« نمرد
۴۲۴	۱۰	« نمرود
۳۴۳	۲۵	همچنین آنصوفی
۱۷۵	۳۱	« آنماجرا
۴۷۹	۲۶	« اجزای
۲۸۹	۳	« از بخل
۴۷	۲۱	« از بشه
۴۲۵	۳۷	« از قول
۲۲۱	۲۲	« اشکسته
۲۷۴	۱۶	« اقلیم
۳۷۹	۳	« ایخواجه
۶۶	۱۲	« این آبرا
۶۶	۱۲	« این بادر
۳۸۴	۲۲	« این دو
۱۳۸	۴	« این قوت
۲۰	۱۰	« باد
۳۷۷	۳۸	« بارسوم
۱۰۴	۱۷	« برعکس
۱۰۴	۲۰	« برعکس
۲۱۷	۱۰	« برمیشمر
۳۰۵	۳۰	« برمیشمر
۲۴۸	۳۱	« بیوسته
۱۷۱	۳۲	« بیغامها

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۶	۱۵	همچنین تاج
۳۸۴	۲۶	« تدور
۳۵۸	۱۳	« تاسی
۴۰	۱۸	« تاصدچر
۲۹۲	۳	« تاصدهز
۱۶۲	۲	« تارهم
۳۳۲	۱۳	« تاویل
۲۰۵	۳۲	« تاهفت
۱۷۹	۶	« ترسائی
۳۰۱	۲۳	« ترکیب
۱۷۵	۳۸	« تشنیع
۳۸۵	۳۴	« جمله حر
۳۵۶	۳۸	« جمله نعیم
۲۱۲	۲۵	« جویای
۲۸۸	۱۹	« چون شا
۲۵۱	۲۱	« حب
۱۴۶	۲۱	« خندان و
۳۸۰	۱۱	« دان جمله
۱۷۵	۲۶	« داود
۲۱۸	۱۵	« دردرد
۲۱۸	۱۳	« درطلق
۴۲	۱۸	« درغیب
۴۵	۱۶	« درگریه
۸۳	۱۱	« درمحنه
۲۴۱	۲۴	« دنیا اگر
۲۷۴	۲۰	« دنیا که
۳۸۴	۲۲	« دوردوم
۱۷۷	۲۳	« زآغاز
۴۲	۱۷	« سرما
۱۷۱	۳	« سوراخ
۲۰	۸	« شبان
۲۰۳	۱۸	« علم
۳۵۷	۱۱	« قلاب
۱۷۶	۳۳	« کردند
۳۵	۲۱	« کسب و
۳۳۱	۲	« گربر
۳۴۷	۲۱	« گفتند
۳۰۳	۱۲	« لب در
۲۲۸	۲۰	« مقصود
۲۵۷	۲۱	« موسی
۶۰	۳۵	« مه را
۳۳۸	۲۷	« میبود
۲۶۲	۱۵	« میبین
۲۷۵	۲۶	« میرفت با
۱۷۲	۳۰	« میرفت
۲۵۲	۱۶	« میکرد
۱۵۸	۱۰	« میگفت ا
۶۹	۲۷	« میگفت
۲۵۳	۱۸	« نجارو
۲۳۷	۲۴	« هرآرزو
۲۳۰	۱۷	« هرآلت
۷۰	۷	« هرپنج
۳۷۹	۲۲	« هرجزو
۲۴۱	۳۴	« هرجزو

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۸	۹	همچنین هرحس
۳۸۱	۲۴	« هرروز
۴۱۶	۵	« هرزر
۱۷۳	۱۴	« هرشهوت
۲۳۷	۱۷	« هرفکر
۲۸۴	۲۴	« هرقوم
۳۸۵	۱۲	« هرکسا
۲۶۲	۲۱	« هرکس
۲۸۴	۳۷	« هرنام
۱۵۷	۱۷	« هریک
۲۱۴	۱۰	« یکسان
۱۳۶	۳۳	همچو آب از مشک
۲۶۳	۳۲	« آب نیل آمد
۳۷۴	۵	« آب نیل دان
۲۶۱	۱۰	« آب نیل دان
۲۱	۱	« آب و نان
۴۰۱	۳۵	« آتش در
۳۳۶	۲۱	« آتش ذرهٔ
۳۷۷	۳۲	« آتش کرد
۴۲۳	۱۱	« آدم دور
۲۷۰	۳۶	« آدم ذلتش
۲۲۴	۲	« آدم کز
۸۶	۲۰	« آن ابله که ا
۵۷	۲	« آن ابله که تا
۲۳۸	۱۵	« آن ابلیس
۱۲۳	۲۸	« آن اصحاب
۳۵۵	۱۳	« آن اصحاب
۴۱۸	۱۳	« آن اصحاب
۳۳۵	۶	« آن چوپان
۴۰۵	۳۸	« آن حجره
۲۴	۳۷	« آن خرگوش
۲۲۶	۲۴	« آن دلاله
۶۷	۲۴	« آن زنجور
۶۲	۳۵	« آن رویه
۳۳۶	۱۹	« آن زن کو
۴۱۹	۲۰	« آن زنگی که
۲۵۵	۲۵	« آن زنگی که د
۹۷	۴۰	« آن شخص در
۳۸۰	۵	« آن شخصی ک
۴۲۳	۳۱	« آن شیبان
۳۶۳	۲۹	« آن شیری
۱۱۹	۴	« آن طفلی
۶۷	۹	« آن کر
۴۵	۱۵	« آن کو
۲۶۹	۳۳	« آن مرد
۱۹۹	۲۱	« آن مستی
۳۷۹	۳۱	« آن میوه
۱۵۷	۳۵	« آن وقتی
۲۲۵	۲۰	« آن هدیه
۲۲۳	۷	« آن یکنور
۶۸	۱۹	« آهن
۲۵۱	۲۴	« آهو کز
۴۱۱	۱	« ابراهیم
۳۶۸	۱۳	« ابر بی نم

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۱	۲۶	همچو ابلیس از
۳۵۸	۲۰	« ابلیسی که گا
۸۹	۷	« ابلیسی که م
۳۹۴	۹	« احمد که برد
۳۹۴	۱۲	« احمد که کند
۳۹۴	۱۱	« احمد که کند
۲۲۳	۳۹	« از آب و
۳۶۷	۲۸	« از سنگی
۳۵۷	۳۱	« اسپاه
۲۴۷	۳۵	« استوری
۳۹	۴۳	« اسرافیل
۷	۹	« اسمعیل
۴۲۵	۲۲	« اشتر
۱۵۱	۳۰	« اصحاب
۵۶	۱۹	« اعرابی
۴۷	۳	« اعمش
۳۹	۲	« امرد
۴۱۰	۳	« اهل نفس
۳۹۰	۱۱	« این خامان
۳۸۷	۱۸	« این درویش
۷۰	۵	« این دو چشمه
۲۶۲	۱۴	« بازیهای
۴۲	۱	« بطان
۱۰۸	۲۵	« بوبکر
۳۵۶	۹	« بیمار
۳۵۷	۱۲	« پروانه زد و
۲۰۰	۱۱	« پروانه شرر
۱۲۳	۲	« پروانه شما
۷۱	۲۰	« پرهای
۲۶۸	۲۴	« پوران
۲۶۹	۲	« پیغمبر
۲۰۴	۳۰	« پیلم
۳۷۹	۲۱	« تابستان
۳۹۵	۳۰	« تاری شد
۳۳۴	۱۰	« ترسا
۱۵۴	۱۲	« توبسیار
۳۴۲	۲۱	« توکر
۲۳۶	۸	« جان باشد
۴۵	۲۳	« جان بی
۴۰۸	۸	« جان و
۳۷۵	۲۲	« جرجیس ا
۱۴۲	۴۰	« جزو
۱۳۵	۳۶	« جغدان
۸۷	۴	« جویست او
۷۰	۳	« چشمه
۴۱۷	۱۲	« چغزیم
۲۱۱	۳۶	« چوب خشک
۳۱۳	۱۸	« چه کن
۲۴۰	۱۵	« حس
۸۳	۲۳	« خادم
۷۷	۲۸	« خار سبز
۱۳۵	۲۶	« خاک .
۱۲۱	۲۵	« خشخاشی
۳۵۰	۸	« خفتن

صفحه	سطر	اول بیت
۴۱۷	۳۲	همچو خوبی
۴۰۸	۱۶	« خورشید
۱۶۸	۲۵	« داودم
۵۲	۱۵	« درکان
۳۱۷	۲۳	« دیواری
۷۹	۸	« دیوازوی
۲۲۵	۳۴	« ذره بینش
۲۷۶	۲۸	« رنجوری
۳۱۸	۳۱	« روبه صید
۵۱	۲۷	« روح پاك
۲۰۳	۳۴	« روی آفتاب
۳۰۸	۱۴	« زندانی
۲۱۲	۴	« زوربشه
۳۱۸	۲	« سرو
۳۶۶	۱۳	« سنگ آسیا
۲۳۶	۲	« سنگ منجنیق
۳۱۳	۸	« سنگی کو
۴۱۸	۱۱	« شاخ از برگ
۳۳۹	۲۱	« شاخ بید
۳۶۹	۱۹	« شاخی که
۴۳۲	۳۲	« شاگرد
۴۱۵	۱	« شب کوکبی
۷۱	۲۷	« شهدو
۲۶۷	۲۸	« شهزاده
۱۳	۱۶	« شه نادان
۸۳	۲۳	« شیر آن صید
۲۱۲	۳	« شیری خور
۲۹۴	۶	« شیری در
۲۰۲	۱۲	« شیطان در
۲۰۲	۱۱	« شیطان کز
۹۱	۱۷	« صاحب نفس
۸۱	۲۸	« صیادی سو
۵۷	۴	« صیادی که
۳۶۲	۳۰	« طاوسان
۴۱۱	۴۰	« طفل است
۶۸	۹	« طفلان
۲۸۹	۳۴	« طفلم
۴۲۱	۲۴	« عادش
۲۶۶	۳	« عارف
۲۱۸	۳۷	« عرصه
۴۱۷	۳۱	« عنبی
۳۷۰	۱۵	« عیسی
۱۹۶	۹	« فرزندان
۴۲۱	۲۵	« فرزندش
۱۴۹	۲۵	« فرعون مر
۲۴۶	۲۵	« فرعونی تو
۲۴۶	۲۳	« فرعونی که
۴۱۹	۶	« قاضی باشد
۱۶۷	۳۴	« قرآن
۲۵۷	۳۴	« قطره
۴۴	۱۷	« قلابان
۵۶	۳۲	« قندیلی
۳۷۹	۱۵	« قوم موسی
۲۸۴	۲۱	« قومی که

صفحه	سطر	اول بیت
۳۲۳	۲۹	همچو کردم
۲۱۸	۳۵	« گفتاری
۲۷۰	۱۷	« کم عقلی
۲۴۸	۲۲	« کمان سر
۲۷۰	۱	« کمان سوی
۱۵۷	۴۱	« کمان کاشنا
۳۸۷	۱۷	« کمان کو
۱۰۰	۱۴	« کوره
۸۸	۳۳	« گاوی
۱۲۱	۲۷	« گبران
۲۴۷	۲۸	« گربه
۴۸	۵	« گرگ زشت
۶۲	۳۳	« گرگ شیر
۱۹۴	۱۲	« گرمابه که
۱۹۶	۳۶	« گرپشش
۱۰۰	۷	« گوئی سجـ
۲۸۵	۳۱	« گورکافرا
۳۶۸	۱۲	« گورکافرا
۲۸۱	۱۹	« لبهای
۴۳۴	۲۵	« مارت
۳۶۸	۱۲	« مال
۹۶	۴۰	« ماه و آفتابو
۴۰۲	۳۹	« ماه و چون
۲۶۷	۱۹	« ماهی بسته
۳۳۴	۷	« مجنون بر
۳۹۴	۸	« مجنون بو
۲۴۰	۲۲	« مجنور در
۱۴۶	۲۵	« مجنون کو
۲۴۰	۲۳	« مجنونند
۵۴	۲۳	« مجنونی
۳۶۸	۳۴	« مدح
۲۲۰	۱۰	« مردار
۲۳۳	۵	« مرغ مرده
۱۳۵	۳۰	« مرغی کو
۳۴۹	۱۸	« مرهم بر سر
۲۷۵	۱۹	« مرهم ساکن
۹۷	۱۰	« مریم جان
۱۹۶	۳۲	« مریم گوی
۱۶۸	۲۸	« مستسقی
۳۴۸	۱۷	« مستی
۳۸	۳۳	« مطبوخست
۱۵۰	۱۰	« من از مستی
۳۷۰	۱۶	« من که بر
۸۲	۱۲	« موری اند
۲۰۷	۲۸	« موسی بود
۲۶۹	۱۰	« موسی نور
۴۳۶	۴۰	« موشی از
۱۰۸	۲۴	« موشی بیش
۱۱۶	۲۳	« موشی هر
۱۱۶	۲۴	« موشی هر
۲۷۴	۱۳	« میل کودکا
۲۷۴	۱۴	« میل مفرط
۸۷	۵	« نائی
۲۷۹	۱۶	« نخلی

صفحه	سطر	اول بیت
۳۴۲	۱۹	همچو نر بالای
۱۷۱	۱۶	« نوری
۲	۶	« نی زهری
۲۰۰	۳	« نیلوفر
۳۶۸	۱۴	« وعدهٔ مکرو
۶۶	۴	« هاروت و
۱۱۷	۹	« هاروت و
۲۸۹	۱۲	« هاروت و
۳۷۴	۶	« هندو
۳۷۹	۳۰	« یخ
۲۷۹	۲۷	« یغماچی
۳۱۲	۲۳	« یوسف خو
۲۴۷	۲۹	« یوسف کـ
۱۴۴	۱۱	« یوسف کش
۲۷۰	۲۴	« یوسف کو
۴۳۹	۲۱	هـ حیل اندر
۱۵۵	۳۸	« خبر دد
۴۰۵	۲۸	« خر و خرگیر
۳۶	۱۰	« خفیر و رهبر
۳۲۹	۲	« خلق کردم
۳۷۸	۱۴	« خیبری خمر
۴۳۵	۴۶	« خوری زخم
۳۸۶	۴	« خیالانش
۳۸۷	۴	« در آب
۴۲۳	۳۸	« در آخر عجز
۲۴۴	۳۲	« در آنجا
۸۷	۲۳	« در آندم آن
۱۹۱	۲۶	« در آندم حال
۳۰۰	۳	« در آندم شد
۱۶۴	۱۲	« در آندم گوش
۱۷۰	۲۳	« در آساعت
۲۵۷	۲۷	« در آنمجلس
۳۴۵	۲۱	« در این عالم
۲۲۴	۴	« درخت میوه
۴۳۲	۸	« درین ره
۲۰۱	۱۹	« درین سورا
۱۰۳	۱	« درین نحسی
۹۰	۸	« دعا از تو
۳۴۹	۱۴	« دعا از من
۷۰	۱	« دغل را
۴۱۴	۸	« دات حیران
۴۴۳	۶	« دهدکش
۴۳۵	۴۲	« رسد در تو
۱۴۰	۲۷	همره انفاس
۲۲۷	۹	« جانت
۳۹۹	۱۵	« خورشید
۱۱۳	۴۲	« غم
۲۷	۳	« ما
۳۶۰	۳	همرهی را
۳۶۰	۴	« نی
۲۰	۲۰	هم ز آتش زاده
۲۰	۲۰	« ز آتش زاده
۱۲۸	۱۴	« ز ابراهیم
۲۶۹	۳۱	« ز استعداد

صفحه	سطر	اول بیت
۶	۲۱	هم ز انواع روانی
۲۷۲	۹	« ز اول
۲۶	۳۴	« ز بان و
۲۶	۳۵	« ز بانی
۴۴	۱۶	« ز بیم
۳۱۲	۳۴	« ز جنس
۳۱	۲۰	« ز حق
۳۰۴	۱۴	« ز حلوا
۴۲۲	۲	« ز خاکی
۳۹۰	۱۲	« ز خود سالك
۳۰۴	۱۳	« ز خوشه
۲۶۱	۱	« ز دندانت
۱۲۲	۳۷	« ز دورش
۳۹۰	۳	« ز زیر خنده
۳۰۵	۲۸	« ز عزرائیل
۴۳۵	۴۳	« ز کشت
۴۰۲	۳۱	« ز لطف و جوش
۴۰۲	۳۲	« ز لطف و عکـ
۹۰	۱۲	« ز مین و بحر
۲۴۴	۲۶	« ز نبضت
۲۴۴	۲۵	« ز نبض و
۶۴	۲۴	« ز نساخی
۱۱۷	۳۵	« ز یان جان
۲۶۴	۱۰	« سؤال از
۱۱۱	۳۱	« سجود هر
۸۴	۳۰	« سخن دیدی
۱۴۶	۲۶	« سر و پایش
۸	۶	« سری با انبیا
۲۲۴	۶	« سر برو
۳۰۵	۲۵	« سفیر انبیا
۱۳۵	۲۸	« سلیمان هست
۱۳۵	۱۴	« سلیمان هست
۴۲۸	۶	« سمارا آفریده
۱۴۷	۳۳	« شب و هم ابرو
۱۷۲	۸	« شب و هم ابرو
۳۹۱	۳۰	« شده حمال
۸۶	۴	« شدی توزیع
۴۳۲	۵	« شریعت هم
۴۰۸	۳۰	« شناسیدش
۴۰۴	۱۴	« شنیده بودم
۴۳۳	۴۸	« شود او نیز
۳۰۳	۲۰	« صفیر مرغ
۳۶	۱۰	« صفیر و رهبر
۲۶۴	۱۰	« ضلال از
۴۲۸	۳	« ضیاء الحق
۳۷۴	۳	« طلب از
۴۶	۲۱	« عجم
۵۸	۲۹	« عرب
۹۳	۳۸	« عرض
۱۶۲	۳۴	« عرق
۴۳۴	۱۳	« عزیز و
۲۳۳	۱۴	« عصائی بود
۲۳۳	۱۴	« عصابد
۴۴۶	۴۷	« عفن گردد

صفحه	سطر	اول بیت
۹۱	۱	هم عیال تو
۴۴۵	۲۱	« غلام و
۲۳۶	۲۴	« قناعت
۱۸۷	۱۷	« کراستشان
۲۰۰	۹	« کفن هم
۱۲۲	۲۴	« گاهی
۱۱۱	۳۱	« گواه
۲۲۳	۱۱	« مثال
۱۷	۱۹	« مخبط
۱۱۶	۵	« مرا
۱۰۷	۲۹	« مزاج
۷۰	۳۵	« مشرف
۱۰۹	۲۴	« مشیرش
۸۷	۸	« مقلد
۴۴۵	۱۴	« مگر آن
۱۸۸	۳۲	« ملک
۴۱۱	۱۰	« من و هم ملك
۳۸۸	۲۱	« من و هم موسـ
۳۷۱	۲۲	« نه بلبل
۳۷۱	۲۱	« نه طوطی
۳۷۱	۲۲	« نه هدهد
۷۷	۰	« نبردش
۳۲۰	۸	« نجنبید و
۳۰۲	۳۵	« نچیدی دانه
۱۷	۴	« نشین اهل
۲۰۶	۱۳	« نشینان
۱۸۶	۱۸	« نشیناهین
۱۳۳	۹	« نشینت من
۳۸۴	۲۷	« نکر سازید از
۳۸۴	۲۸	« نکر سازید بر
۳۸۴	۲۷	« نکر سازید به
۳۰	۹	« نگردد ساکن
۲۰۶	۷	« نگه دارندهٔ
۴۳۸	۱۵	« ورای عرش
۱۷۰	۹	« هویدا

هـ ـ ن

صفحه	سطر	اول بیت
۳۵۶	۳۱	هندوك فریاد
۴۲۲	۳	هندو و قبچاق
۱۰۶	۱۴	هندیان را

هـ ـ و

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۱	۲۷	هود دادی
۳۸۵	۷	هود گرد مؤمنان
۲۰	۷	هود گرد مؤمنان
۳۵۹	۲۷	هوش او
۳۴۷	۲۴	« تو
۱۵۷	۳۰	« رایگذار
۲۹۶	۳۳	« را تو زیع
۱۴۷	۸	« من از غیر
۴۳	۴	هوشیاری آفتاب
۴۳	۴	« زان
۲۵۷	۳۴	هوی فانی

هـ ـ ی

صفحه	سطر	اول بیت
۴۳۵	۲۸	هیأت را
۴۳۰	۴۶	هی الیس الصبح
۲۰۷	۱۳	هیبت بازاست
۲۰۷	۱۱	هیبت بانگ
۳۱	۱	« حق
۳۴۸	۱۳	هیبتش بیداری
۲۲۴	۱۷	هیبتی بنشسته
۳۰	۳۲	« زان
۱۱۰	۸	هی بیابان
۴۰۵	۲۵	هی بیامن
۴۳۳	۴۷	هی تو ای نمرود
۹۱	۲۲	هی تو مادر
۱۰۶	۳۰	هیچ آدابی
۲۲۱	۳۵	« آدم
۲۰۷	۱۱	« آژنگی
۹۹	۱۹	« آبیه
۱۸۳	۳۲	« از آن او صا
۳۵۲	۶	« از گفتن
۱۳۴	۲۸	« از مقصود
۳۴۶	۱۶	« اصلی
۹۹	۲۰	« انگوری
۳۰۸	۱۶	« او حسرت
۲۷۷	۲۲	« اولاف
۳۴۶	۱۱	« این سودا
۱۸۷	۴	« بازرگانی
۳۵۸	۲۲	« باشد این
۲۰۸	۱۲	« بانگ
۱۶۷	۳۵	« برگی
۷۴	۳۱	« بغضی
۴۴۴	۱۶	« بی اذن
۲۹۳	۱۵	« بی او
۷۳	۹	« بی تاویل
۲۱۸	۳۶	« پنهان خانه
۲۱۷	۲۵	« پنهان می
۱۲۷	۱۵	« تسبیحی
۳۷۸	۳۹	« تیمارم
۳۴۶	۱۳	« چاره می
۱۲۶	۱۳	« چاره نیست
۴۴۴	۴۳	« چیزی از
۴۴۴	۳۹	« چیزی می
۲۳۶	۳۵	« حرفت را
۳۳۰	۳۴	« خشمی آیدت
۲۶۲	۱۲	« خطاطی
۳۳۰	۲۶	« دانا هیچ
۵۷	۲۳	« دانی آشنا
۱۳۹	۵	« در گوش
۱۶۷	۳۰	« دندانی
۲۳۵	۲	« دیوانه
۳۲۷	۴۰	« روزی که
۳۰۸	۱۲	« زندانی
۳۴۵	۳۷	« ساکن
۲۵۹	۲۹	« سایه
۲۳۶	۱۹	« سحرو
۲۹۳	۳	« سودی
۴۰۶	۱۶	هیچشان این
۴۴۲	۴۷	هیچشان در

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۷	۲۶	هیچ شو واره
۲۹۹	۲۹	« صبحم
۲۰۸	۱۰	« عاشق
۲۲۲	۱	« عاقل افکند
۳۳۰	۱۲	« عاقل مر
۲۶۳	۳۳	« عقدی
۳۰۲	۲	« علت
۳۷۱	۲۵	« قلبی
۲۶۲	۱۲	« کاسد
۳۸۸	۳۰	« کافر
۳۵٤	۵	« کرمنا
٤٤٤	۴۹	« کس آنروز
۳۹۲	٤	« کس باخویش
۳۳۹	۲۶	« کس بر غیر
۵۲	۵	« کس بر مرگ
۳۲۹	۷	« کس در ملک
۲۰۰	۱٤	« کس در وی
۳٤٤	۲۳	« کس را با زنان
۳۵۵	۲۱	« کس را تا
۳٤۹	۱۲	« کس را تو
۱۶۰	۲۱	« کس را خود
٤٤٤	۳۷	« کس را در
۲۶۳	٤	« کس را ز هر
۳٤۳	۶	« کس را نیست
۹۱	۲۲	« کس کشته
۸۹	۲۱	« کس نسبه
۸۸	۲۵	« کنجی
۲۶۲	۱۱	« کوزه
۲٤۶	۱۱	« گرد خود
۲۰	۹	« گرگی
۳۵	۸	« گندم
۳۳۰	۱۱	« گوئی سنگ
۱۳۳	۲۹	« گوید تشنه
۱۲۹	۱۸	« گوید نان
۱۸٤	۷	« ما را
۲۳۰	۱۳	« مال و
۱۹۲	۳۵	« ماند آب
٤۰۷	۳	« ماند این
۷۱	۲٤	« ماه و
۱۹۵	۳۱	« ماهیات
۳۳۹	۱۱	« محتاج
۳۰۹	۵	« مرده
۱۹۹	۲۹	« مستسقی
۲۱۸	۲۳	« معهودش
۱۰۹	۲	« مگذار
٤۰۸	۳۱	« مگشا
٤۲۰	۱٤	« ممکن
٤۱۶	۱۱	« من از جا
۲۵۷	۲۸	« میدانی چه
۳۶۵	۲۹	« میگویند کن
۳۶۵	۳۲	« میگویند کاین
۶۸	۱۸	« نامی
٤۰۰	۱۱	« ناورد
۲۶۳	۳٤	« نبود پس

صفحه	سطر	اول بیت
۲۶۳	۳٤	هیچ نبود منکری
۲۲۷	۱۸	« نعمت
۲۶۲	۱۰	« نقاشی
۱۱۸	۳	« نکشد
۳۲۷	٤۰	« نندیشد که چه
۲۶۲	۳	« نندیشد که هر
۱۶۶	۶	« واز روزر
۹۰	۲۸	« و از روزر
۳۸۵	۲۲	« وهمی
۱۸۸	۲۷	هی چه میگوئی
۱۶۱	۱۶	هیچ بگذره
۳۶۵	۵	هی زچه
۹۹	۳۲	هیزم تیره
۲۹۷	۵	هیزم دوزخ
٤۳۰	۲٤	هی طلب کن
۳۶۵	۱۶	« کجا بودی
۲۸۱	۱	هیکلش از
٤٤۷	٤۳	هی لالی غوص
٤۳۱	۲۹	« مجولذات
٤۱۶	۳۹	« میاویزید
۱۷۸	۶	هین از او بگریز
۲۳۵	۷	« از او خواهید
۳۰۶	۲۶	« امید اکنون
٤۱۳	۱۸	« ببین این
۳۷٤	۱۵	« ببین کز
۱۰٤	۲۱	« بهشتی
۷۹	۱۵	« بجاروب
٤۱۰	۲	« بجای می
۲۷۳	۲۶	« بجنبان آن
۲۷۳	۲٤	« بجنبان لب
۱۸٤	۱۸	« بجوئید از
۱۷۲	۳۳	« بجو این قوم
۳۵۰	۲۱	« بجو تریاق
۱۷۳	۳۹	« بجو که رکن
۳۷٤	۱	« بچه زین
۱٦٤	۲٤	« بحل کن
۲۳۸	۱٤	« بخوان رب
۲۸۶	۱۳	« بخوان قرآن
۱۶۹	۳۵	« بخوان ما
۲۲۷	۱۶	« بخور پاك
۳٤۸	۲۹	« بدار از
٤٤۷	۲۵	« بدان خود را
۲۹۲	۱۲	« بده ای زاغ
۲۵۷	۳۶	« بده ای قطره
۲۵۷	۳۶	« بده ای قطره
۳۵۳	۱۶	« بر آراز
۲۶۶	۱	« بر و بر خوان
۲۰۳	٤	« برو جلدی
۱۹۰	۲۰	« برو درد
۲۰۳	۵	« برو کوتاه
۸۹	۱۶	« برون کن
۲۹۶	۳٤	« بزن آن
۳۲۸	۲۶	« بصبر خود
۶۷	۲۶	« بظنی

صفحه	سطر	اول بیت
۶۸	۱۵	هین بکش بهر خدا
٤۲٤	۱۲	« بکن در
۲۹۱	۱۱	« بگردان از
۲۶٤	۳۳	« بگردانش
۲۱٤	۱۶	« بگو احوال آ
۳٤۰	۱۸	« بگو احوال خ
۲۵۶	۱۶	« بگو بر من
٤۳۳	٤۵	« بگو تو
۱۷۷	۲۹	« بگو که
۶۹	۱۸	« بگویم
۲۳۹	۱۷	« بگذار ای
۲٤۷	۳۸	« بگریز از
۳۰	۲	« بملك
٤٤۳	۲۵	« بنه آن
۳۶۱	۳۰	« بنه بر پایم
۲۵۹	۲	« بهر مستی
۲۸۲	۹	« بیائید ای
۳۹۲	۲۷	« بیا ای شادی
۲۲۸	۱	« بیا ای طالب
۳٤۸	۲۷	« بیا اینسو
۲٤۶	۳٤	« بیا اینسو
۲۲۸	۳۷	« بیا بلقیس
۲۵٤	۱۰	« بیا بینی
۱۸۶	۱۹	« بیا جانا
۱۵۷	٤۱	« بیا در کشتی
۲۲۹	۱٤	« بیا که من
۲۶۱	۲۱	« بیاور حجت
۳۱۳	۳۸	« بیاور سیخها
۱۷۵	۷	« پراکنده
٤۲۵	۳۲	« تجارت
۱٤٤	۷	« تعمل
۲۰۶	۲۷	« تو کار
۳۲۷	۳۱	« تو کیل
۱۷۱	٤۲	« جواب خویش
۱۸۶	۱۸	« چرا خشکی
۱٦٤	۳۷	« چرا کردی
۱۷٤	٤	« چرا کشتی
۲۲۲	۹	« چو و سواس
۶۳	۲۳	« چه آوردید
٤۰۲	۲۳	« چه تقصیر
۳۷۵	۳۳	« چه داری
۳۳۶	۱۰	« چه راحت
۲۸۶	۳۲	« چه سازم
۲۳	۱۱	« چه لافست
۳۲۸	۱۸	« چه میجوئی ت
۲۲۹	۲۶	« چه میجوئید
۳۷۵	۱۷	« حدیث
۳٤۰	۱۹	« حکایت
۳۷۹	۲۸	« خمش
٤۱۲	۳۳	« در آذر
۳۶۵	٤۱	« در این بازار
۳۹۷	٤۰	« دریچه
۱۶۲	۲۲	« دگر اندیشه
۱۳۹	۳۰	« دهان بربند

صفحه	سطر	اول بیت
۲۰۵	۹	هین دهان بربند
۲۳۹	۱۹	« روان کن
۱٤۲	۲۷	« روان گردید
۳۵۵	۳۳	« روش برگیر
۳۳۵	۲۳	« روش بگزین
۳۰۷	۱۷	« رها کن بدگم
۹۰	۱۳	« رها کن عشقه
۳۹۱	۲	« ره صبر و
٤٤۶	۲	« ز آدم
۳۹۵	۱۵	« ز بدنامان
۲۱۶	۱۶	« ز چارم
٤۲٤	۳۷	« ز حد کاهلی
٤۲٤	۳۷	« ز حد کاهلی
۳۰۲	۳۳	« ز حرص
٤۱۵	۱۰	« ز رنج
۳۵۹	۳۰	« ز سایه
۳۲۶	۲۷	« ز گنج
٤۰	۳	« ز لای نفی
۲۷۷	۸	« ز ما صورت
۶٤	۱۸	« ز مرهم
۲۵۶	٤	« ز من بپذیر
۱۵۲	۵	« ز نان امسال
۳۸۵	۲	« سخن خا
۸۶	۳٤	« سگ یک
۳۵۹	۱۰	« سوار
۱۸۰	۶	« صلا
۲۶۷	۱۸	« طلب کن
۲۷۲	۳	« طلسمست
۱۶۵	۲۸	« عزیزا
۲۱۱	۷	« عنان
۱۷	۱۱	« غذای
۲۵۶	۱	« غنیمت دار
۹۷	۳٤	« غنیمت دان
۲۷۳	۲	« فرود آ
۲۶۷	۱۶	« فسون
۲٤۳	۱۰	« قلاوزی
۲۳۹	۱۱	« قم اللیل
۱۷۹	۲۶	« کرم بینید
۲۵۸	۳۸	« کمالی
۱۱۷	۲۹	« که از
٤۰	۵	« که اسرافیل
۳۱۰	۳۳	« که امروز
۳۸۳	۳٤	« که معکوس
۲۵۸	۸	« که یکبازی
۳۶۵	۱	« گذر از
۲۹۱	٤	« گریز از
۱۸٤	۱۷	« گلوی خود
۳۶۱	۳۳	« گلوی صبر
۷۶	۱۷	« گمان
۱۸۲	۲٤	« گواهیهای
۶۷	۲۷	« مبادا غیرت
۱٤۰	۱۶	« مبادا که طمعتا
٤۰۶	۳	« مبادا که هو
۱۶۰	۶	« مباش ای

صفحه	سطر	اول بیت
۲۲۵	۹	هین میرالا
٤٤۳	۲۶	« میران
۲۰۵	۳	« مرا بگذار
۲۳۱	۲۲	« مرا بنمای
۲۵۵	۱۰	« مراقب
۲۳۳	۹	« مرا مرده
۳۹۵	٤	« مران از
۲۳۷	۵	« مروانمر
۱۵۰	۱۷	« مروگستاخ
٤۱۶	۳	« مزن تو
۲۳۹	۱۱	« مشو پنهان
۲۹۰	۲٤	« مشو چون
۳۷۶	۱۷	« مشو شارع
۳۹۵	۳۵	« مشو صورت
۸۷	۷	« مشو غره
۳۵۶	۳۹	« مشو مغرور
۲۲٤	۲۵	« مشو نومید
۲۱۲	۲۲	« مقابل شو
۶۸	۱۵	« مکن بهر هو
۳۰٤	۳	« مکش هر
۲۱٤	۲۷	« مکن استیزه
۱۵۸	٤	« مکن با با
۸۱	۲٤	« مکن بر
۳٤۸	۳٤	« مکن تعجیل
۲۰۳	۲	« مکن جلدی
۲۸۸	۱۷	« مکن خود
۲۵۵	۳۳	« مکن زین پس
۱۵۸	۱	« مکن کاین
۱۵۸	۳	« مکن که کوه
۱٤۶	۱۳	« مکن مونس
۲۸۱	۱۷	« مگردان
۹۸	۲۸	« مگو فردا
۲۱٤	۲۶	« مگو کاینک
۳٤۰	۲۷	« مگو که
۱۹۷	۳۶	« مگو لاحول
٤۱۲	۱۶	« منه بر ریشها
۱۰۰	۲۰	« منه تو
۵۹	۲۸	« مهل
۱۰۵	۱	« میاور
۶۱	۳	« نگهدار ای
۹۸	۲۶	« وهین ای
۲۹۶	۲۷	هی نه اسبست
۱۱٤	۱۲	هین یدو بیضاء

حرف ی

ی - ا

صفحه	سطر	اول بیت
۳۸۲	۲۰	یا ابیت عند
۳۲۲	۳۳	یا از آن بازان
۳۲۲	۳۳	« آن دریا
۳۲۲	۳٤	« آن مرغان
٤۳۰	۲۲	یا الهاربنا
۳۳٤	۳۷	یا الهی سکرت
۶۳	۲۳	یا امیدباز
۳۶۳	۱۸	یا بیرسم که

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۱	۳۳	یابتابستان
۱۴۳	۲۳	« بتازی گفت
۳۰۳	۲۲	« بجز آن
۱۸۲	۲۴	« بحال اولینان
۴۰۹	۳	« بخانه یك
۳۴۷	۲۹	« بخواب این
۲۳۷	۱۴	یابخوردی از
۱۸۵	۳۰	یابدازبو
۱۰۴	۱۹	یابدریوزه
۳۷۵	۴	یابزخم دره
۴۹۱	۴	یابسوی آنکه
۲۴۶	۳۲	یابصورت شیخ
۱۳۳	۳۰	یابطفل شیر
۴۱۹	۱	یابطفلی در
۲۳۸	۲۶	یابعلم نقل
۴۳۸	۴۷	یابغیبت
۲۷۲	۷	یابفر دست
۹۸	۱۲	یابگلبن وصل
۴۲۵	۹	یابگورستان
۱۳۳	۲۵	یابگوید صوفئ
۴۸۲	۳۴	یابنوبت که
۳۳۵	۱۳	یابنوره
۳۶۰	۵	یابوداشتر
۲۵۶	۱۱	« کز عکس
۲۵۶	۱۱	« کز لطف
۳۳	۲۳	یابیاد این
۳۷۳	۲۲	یا پدر کوتا
۲۹۰	۲۵	یابی احسنت
۳۵۵	۲۵	یابی تعلیم
۹۸	۱۱	یاتیر بردار
۱۲۸	۵	یاتو آنسورر
۳۲۸	۳۸	یافیدی
۴۰۵	۶	« پنداری که بر
۲۷۱	۲۳	« پنداری که تو
۲۷۱	۲۴	« پنداری که حر
۲۷۱	۳۱	« پنداری که رو
۷۳	۱۸	« واگو
۲۰۶	۹	یا جبال اوبی
۳۶	۱۲	یاجواب من
۳۶۶	۳۱	یاچرا یادت
۲۶۴	۲۹	یاچو آدم
۴۱۱	۲	« ابراهیم
۳۸۲	۳۴	« احوال
۴۱۱	۲	« اسمعیل
۲۸۹	۱۹	« بازانند
۹۷	۲۲	« بانگ رعد
۹۷	۲۳	« بر درویش
۹۷	۲۴	« بوی احمد
۹۷	۲۴	« بوی یوسف
۴۱۷	۳۳	« بی گندم
۲۰۱	۱۴	« چشم
۳۹	۳۴	« داود
۳۲۳	۲۹	« دیوی
۲۸۴	۲۲	« غواصان

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۰	۳۵	یاچوکهی
۴۱۷	۳۳	« مرغ
۳۰۳	۱۴	« مستغرق
۲۹۹	۱۲	یاچه بخشد
۲۸۳	۲۸	یاحریص البطن
۱۱۰	۱۵	یاحسد دارد
۳۱۸	۲۱	یاخری
۳۳۴	۳۸	یاخفیاقد
۳۳۵	۱	یاخفی الذات
۴۳۵	۲۲	یاخوری بر
۱۷۳	۲۰	یاخیالاتیکه
۳۳	۲۱	یاد آریدای
۳۱۵	۳۶	« آمددر
۳۳	۲۷	« آوراز
۱۱۷	۳	« آورچه
۲۶۷	۹	« آورزان
۱۱۱	۳	« الناس
۱۷۲	۱۵	« تان ناید
۶۳	۱۳	« دادش جور
۵۳	۳۲	« دادش لوح
۹۰	۷	« دهمارا
۴۴	۱	یادرآن عالم
۹۲	۱۵	« گنج
۳۸۸	۳۷	یادرآن لوتی
۴۱۳	۳۴	یادراین ره
۲۰۱	۱۳	یادری بودی
۳۴۵	۳۴	یادش آمد
۳۶۴	۱۱	یاد صنعت
۱۷۰	۱۰	یادکردم قول
۱۴۳	۲	یاد کن لطفی
۱۷۴	۲	یادم آمد آن
۱۷۸	۲۵	« آمد قصه اهل
۴۱۷	۸	« آمد قصه شهز
۴۰۲	۱۹	یاد من کن
۴۹	۱۷	« میکن آن
۳۱۲	۸	« ناری از
۴۰۰	۲۲	« ناورده
۱۴۰	۴۱	یادهان خویشتن
۳۳	۲۲	یادیاران
۴۰۲	۲۱	یادیوسف
۴۱۱	۳۸	یارآمد عشق
۷۹	۱۶	« آینه است
۳۲۸	۳۵	« او خواهم
۳۱۸	۳۰	« ئی ده
۵۳	۲۱	یارب آن تمییز
۱۶۸	۲۲	یارب آنهارا که
۳۷۶	۱۳	یارباشد راه
۴۰۹	۶	یارباناموس را
۶۰	۶	یاربابدراهرا
۱۱۶	۳۰	یارب این بخشش
۷۵	۲۲	« این جرئت
۲۳۸	۱۰	یاربد چون
۳۶۰	۶	« مار
۳۷۳	۲۶	« نیکو

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۱	۳۱	یارب و یارب
۳۰۴	۳۳	یار تو چون
۱۴۱	۲۴	« تو خرجین
۳۵۹	۳۰	« جسمانی
۷۹	۱۴	« چشم تو
۳۹۱	۱۹	« چون با
۴۴۳	۱۶	« خاصی سر
۳۶۰	۷	« راازره
۱۹۷	۳۸	« راالغیار
۳۶۰	۶	« را ترسان
۴۱۳	۳۶	« راچندان
۳۹	۳۳	« سائل بود
۶۹	۱۹	یارسول الله بگو
۲۴۸	۲۳	« چوآ
۲۸۷	۱۳	« درآن
۲۴۸	۲۴	« دراین
۲۸۳	۱۶	« رسالت
۳۹۲	۳۴	یارسولیا
۳۹۵	۲	یار شب را
۱۹۲	۳۵	« شدیامار
۳۵۹	۳۹	« شوتایار
۴۳۳	۷	« غاروهجرم
۲۶۲	۲	« غالب شو
۲۶۸	۹	« فرعون
۳۵۹	۵	« کان پنجروز
۳۸۲	۵	« کرداو
۴۴۱	۲۴	« گفتم یار
۲۶	۱۸	یارم از زفتی
۲۸	۲۸	یارمن بستد
۲۶۸	۱۰	« موسی خرد
۳۵۹	۳۸	« میجو
۳۴۰	۷	« ناخوش
۱۴۳	۶	« نیکت رفت
۳۸۵	۴	یاروان شد
۱۰۳	۴	یارها کن تا
۳۱۸	۳۱	یاریت در تو
۱۸۴	۳۶	یازبالایم
۴۲۵	۳	یازبان همچون
۱۷۱	۱۷	یازچاهی عکس
۳۰۰	۱۶	« خوف حق
۱۳۲	۳۲	« عریانان
۲۵۶	۱۰	« عکس جوی
۹۷	۲۶	« لیلی بشنود
۲۷۹	۷	« نور
۱۴۱	۲۱	یاسرم دردست
۲۳۲	۶	یاسر و سجده
۹۷	۲۵	یاسوی مس
۱۵۰	۳۰	یاسه آن بد
۱۹۲	۴	یاسه مه
۳۵۲	۷	یاشب مهتاب
۲۰۱	۱۱	یاعدم دیده
۳۸۹	۳۴	یاعدوی قاهری
۲۱۹	۲۵	یاعلم باشد
۶۰	۲	یاعلی از جمله

صفحه	سطر	اول بیت
۷۵	۲۲	یاغیاث المستغیثین
۱۴۲	۱۰	یاغیاثی عند
۳۹۳	۳۷	یافت بینی
۱۱	۲۰	یافت پاکی
۳۱۷	۳۲	یافت شد
۹۲	۱۳	یافتش زیرک
۴۴۳	۱۰	یافت کم ارنه
۳۰۲	۱۳	یافتم خلوت
۴۱۰	۲۴	یافت هر بکشان
۴۴۲	۴۱	یافته ما از
۳۷۴	۳۹	یافراموشت
۲۷۵	۳۱	یاقلم را
۱۹۹	۳۷	یاکرامی ارجوا
۳۳۸	۳۱	یاکرامی ارحموا
۳۵۵	۹	یاکریم العفوحی
۲۶	۲۹	یاکریم العفوست
۲۶۵	۳۹	یاکسی کو
۲۶۴	۲۵	یاکلام بندهٔ کان
۲۷۱	۲۵	یاکلام حکمت
۲۶۱	۲	یاکند آب
۲۳۹	۵	یاکند بخل
۳۳۸	۱۶	یاکه بود
۱۳۶	۲۶	« پایش
۳۵۵	۲۶	« دید
۱۹۴	۱۳	« کفش
۱۱۰	۱۵	یاگر و بسته
۳۵۷	۳۲	یاگریز از وی
۳۳۲	۴	یاگریزی از
۱۳۳	۳۰	یاگواه و حجتی
۳۷۹	۲۱	یامثال یخ
۱۳۲	۱۰	یامجیبی عند
۳۱۱	۹	یا مجیر العقل
۲۱۱	۲۳	یامحب حق
۲۸۳	۲۹	یامریض القلب
۲۶۴	۳۰	یامسیحی که
۴۱۲	۱۸	یامظفر
۹۲	۶	یامکنی در
۱۶۴	۱۳	یامکن نذری
۲۱	۱	یامگر آن قابل
۲۹۰	۱۹	« ابری
۱۸۸	۲۴	« اورا
۱۶۶	۱۲	« خود دل
۳۸۳	۳	« دیوت
۲۹۹	۱۶	« فرعونی
۱۸۱	۷	« مرده
۱۲۶	۱۱	یامنافق وار
۱۶۹	۳۱	یامنم دیوانه
۲۶۱	۲۹	یامن و تو
۷۱	۷	یؤمنون بالغیب
۱۹۹	۱	یامنیر الخد
۳۳۸	۱۵	یانبود آن
۱۸۷	۱۱	یاندیدی کهل
۹۷	۲۵	یانسیم روضه
۴۴۴	۹	یامودی روی

صفحه	سطر	اول بیت
۲۸۸	۳	یانمیبینی تو
۱۸۷	۱۷	یانمیدانی کرمها
۱۷۵	۲۳	« که نور
۱۳۳	۲۴	یا نویسد کاتبی
۲۸۰	۲۶	« نهان شد
۵۰	۲۵	« نه این است
۵۰	۲۵	« نه جنگست
۴۱۴	۱۱	« وصال یار
۱۹۱	۱۳	« ولی حق
۱۳۲	۷	یاوه شده بیان
۲۸۷	۳۵	یاهمی دانی و

ی (خ - ر - س - ش)

صفحه	سطر	اول بیت
۲۹۵	۲۹	یخرج الحی
۴۳۴	۳۷	یرلغ واحکام
۱۶۵	۲۳	یستوی الاعمی
۴۴۵	۱	« کی
۸۰	۳۱	یشم را آنکه
۷۱	۱۶	یشهدالله

ی (ط - ع - ق)

صفحه	سطر	اول بیت
۱۴۳	۲۳	یطلب الانسان
۶۸	۹	یعرج الروح
۱۹۶	۹	یعرفون الانبیاء
۱۷۱	۴۰	یعنی ایشاهان
۳۸	۱۳	یعنی ای مطرب
۳۱۱	۳۵	یعنی این غم
۲۴۰	۱۴	یقظه آمد
۷۹	۱۹	یقظه شان

ی - ك

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۹	۳۱	یك اثرنی
۱۷۲	۴۳	« از ایشانرا
۱۶	۲۷	« امیری
۱۱۲	۱۹	« بدست از
۲۲۰	۱۶	« برادر داشت
۳۹۳	۱۳	« بلاز
۲۲۳	۲۷	« بمیرد
۸۱	۲۶	« بهیمه
۳۴۷	۲۳	« بیك دیدند
۳۱۷	۹	« بیکر احاجبه
۶۹	۷	« بیکر امیشنا
۲۱۹	۵	« پسر را در
۴۲۴	۲	« پلنگی
۳۲۲	۱۵	« ترش در
۱۵۵	۱۸	« تنی اورا
۳۲۷	۳۶	« جزیره
۱۴۷	۱۴	« جفاز
۱۳۶	۳۴	« جماعت زا
۱۲۸	۶	« جوالم
۲۱۳	۳۸	« جوانی برزنی
۲۴۷	۳۳	« جوانی را
۳۲۳	۳۶	« جهان بینوا
۷۷	۱۱	« جهودی
۳۴۵	۴۰	« چراغی
۱۵۲	۳۱	یك حکایت بشنواز
۳۳	۱۳	« حکایت بشنواز

صفحه	سطر	اول بیت
۱۲۷	۳۵	یك حکایت بشنوایم
۸۰	۳۳	« حکایت بشنوایکا
۳۸۷	۲۸	« حکایت بشنوایم
۲۰۰	۱۴	« حکایت گوش
۸۸	۱۷	« حکایت گویمت
۱۶۳	۶	« حکایت گویمت
۲۱۱	۲۸	« حکایت هست
۲۱۹	۱۱	« حکایت یاد
۲۹۳	۳۴	یك خرش گفتو
۴۱۳	۸	« خلافی نی
۴۶	۱۸	« خلیفه بود
۱۸۶	۱۲	« خیال نیک
۴۳۸	۱۵	« درایکه
۱۷۰	۹	« درخت از
۲۷۳	۶	« درخت سخت
۱۳۵	۵	« درمتان
۳۹۲	۲۵	« دره خواهی
۴۳۸	۲۱	« دری دیگر
۲۱۳	۲	« دگر راجد
۲۲۹	۳۰	« دگر رامژده
۲۴۰	۲۴	« دم‌ار مجنون
۹۶	۴۲	« دمم باجفد
۳۹۱	۳۷	« دم‌هجران
۴۰۱	۱۹	« دمی بر
۱۷۵	۴۱	« دمی دیگر
۵۰	۲۰	« دمی ماهم
۳۸	۲۱	« دوبندش
۳۰	۴	« دوروزچه
۳۲۲	۵	« دوگامی
۱۷۸	۹	« دومیدان
۳۱۰	۳۰	« دهان خواهم
۲	۸	« دهان نالان
۳۸۲	۱۸	« دهان نالان

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۱	۲۹	یك رگم زایشان
۳۵۰	۲	« زبان دارم
۴۰۹	۲۸	« زمان ارآنه
۲۷۵	۲۸	« زمان ازوی
۸۲	۱۰	« زمان بگذار
۹۴	۱۸	« زمان بیکار
۲۲۹	۸	« زمان تنها
۲۲۵	۱۰	« زمان چون
۲۷۲	۲۹	« زمان درچشم
۳۹۱	۱۲	« زمان زین
۲۸۱	۳۲	« زمان کار
۴۱۵	۵	« زمان مانع
۲۷۹	۲۶	« زمان نبود
۴۰۹	۲۷	« زمانی اشك
۱۷	۹	« زمانی صحبة
۲۲۵	۹	« زمانی موج
۳۸۸	۱۳	« زمانی هر
۱۳۸	۲۹	« زمین خرمی
۲۰۸	۲۷	« زنی آمد
۱۸	۲۷	« زنی باطفل
۱۹۱	۵	« زیان دفع
۳۵۳	۳۸	« سؤالستم
۳۱۷	۵	« سبب انگیخ
۲۹۶	۲۴	« سبدپرنان
۳۳۶	۲۲	« ستاره درمحه
۳۳۶	۲۳	« ستاره درمحه
۴۱۵	۲۱	« سخن از
۴۳۲	۳۰	« سخن گویم
۷۰	۲	« سرانگشت
۳۹۲	۳۹	« سررشته
۷۶	۱۲	« سرمو
۳۹۲	۳۵	« سری بر

صفحه	سطر	اول بیت
۲۴۷	۳۳	یك سریه
۸۹	۱۱	« سگست ودر
۱۱۵	۱۳	« سگی در
۴۸۹	۱	« سلامی بشنو
۱۹۱	۱۵	« سلامی نشنو
۳۹۷	۴	« سواره تاخت
۱۰۰	۲۳	« سواره میرو
۱۲۷	۲۶	« سواری با
۲۶۶	۲۷	« سیه رو
۴۶	۲۴	« شب اعرابی
۳۹۴	۲	« شبر میگشت
۹۸	۱۹	« شر رازوی
۱۴۸	۲۹	« شغالی
۱۷	۲۲	« شه دیگر
۳۴۷	۱۲	« صباحی جانب
۱۶۰	۳۵	« صباحی گفتش
۴۴۰	۹	« طواشی
۱۳۶	۳۴	« عجایب در
۱۲۷	۳۶	« عرابی بار
۲۶۷	۵	« عروسی
۴۳۵	۲۵	« عقابی
۴۰۸	۳۷	« عنایت به
۹۰	۳۵	« غریبی خانه
۳۶۴	۱۸	« غریبی شاعر
۳۸۱	۸	« فرح آن کز
۳۸۱	۸	« فرح آن کز
۳۸۱	۱۱	« فرح آنکه
۹۵	۱۹	« فسانه راست
۱۱۲	۲۱	« فقیه و
۲۴۱	۱۴	« فقیهی
۳۳	۲۳	« قدح
۱۰۶	۲۸	« قدم چون

صفحه	سطر	اول بیت
۷۹	۸	یك قدم زد
۳۰۱	۳۶	« کدوئی
۳۰۵	۴	« کس نامستمع
۲۱۸	۱۱	« کف گندم
۱۵۰	۲	« کمین وامتعا
۳۴۳	۳۵	« کنیزك دارد
۴۱۰	۱۴	« کنیزك دیدر
۳	۱۰	« کنیزك دیدش
۳۰۱	۳۵	« کنیزی نز
۴۳۸	۱۰	« گروه ازجمله
۲۳۴	۴	« گروه ازعشق
۲۳۹	۴۰	« گروه دیگر
۴۲۳	۳۳	« گره رابرهو
۲۳۹	۳۹	« گره راجمله
۱۰۱	۳۴	« گره را خود
۱۰۱	۳۴	« گره را ظاه
۲۴۰	۵	« گره مستغرق
۱۳۶	۷	« گزی ره
۱۶	۱۹	« گهر بودیم
۳۳۶	۲	« مؤذن
۱۲۲	۲۹	« مثال دیگر
۳۴۵	۸	« مثالی گویم
۱۸۶	۲۱	« مثل آمد
۹۷	۱۵	« مثل آوردمت
۳۲	۱۸	« مثل ایدل
۳۰۰	۲۸	« مریدی اندر
۳۷۷	۳۴	« مضاحك
۴۳۰	۳۶	« معلق زد
۲۶۱	۳۵	« مناره در
۳۹۶	۱۳	« مهی فرزند
۳۹۶	۱۳	« مهی مهمان
۱۱۱	۲۹	« نشان آدم

صفحه	سطر	اول بیت
۱۱۱	۳۰	یك نشان دیگر
۱۰۴	۳۲	« نشانی آنکه
۱۳۰	۴۰	« نشانی آنکه
۱۰۴	۳۳	« نشانی اینکه
۱۰۴	۳۲	« نشانی که
۳۶۷	۳۶	« نصاب نقره
۳۷۴	۱۷	« نظر دوگز
۱۲۴	۲۱	« نظر قانع
۲۰۲	۲۳	« نفس حمله
۴۴۴	۲۹	« نفس زان

ی-(م-و)

صفحه	سطر	اول بیت
۴۲۵	۲۶	یم چوشهر است و
۹۸	۳۳	یوسف آمد
۴۰۹	۹	یوسف اززن
۴۱۸	۱۹	یوسف زکید
۱۰۰	۲۸	یوسف ازرشك
۱۰۰	۲۹	« ازمکر
۴۲۰	۳	« چنگال
۳۲۲	۱۳	« غیب
۹۸	۳۳	یوسف حسنی تو
۳۹۳	۲۸	یوسفم در
۹۳	۱۲	یوسف مهرو
۴۱۱	۸	« وقتی دو
۱۲۷	۸	« وقتی و
۳۹۷	۱۹	« وموسی
۳۶۸	۳۳	یوسفی جستم
۱۸۸	۱۷	« شد
۷۰	۲۶	یوم تبلی
۶۹	۱۵	« تبیض
۶۵	۱۵	« دین
۲۲۶	۹	« لایجزی
۱۲۷	۹	یونست در

مجموع ابیاتیکه دراین مثنوی چاپ شده ۲۹۷۳۴ بیت است

دفتر اول - ۴۵۳۷ - دفتردوم- ۴۱۵۶- دفترسوم ۵۲۴۶ - دفترچهارم- ۴۱۳۱ - دفتر پنجم - ۴۵۴۵ - دفتر ششم - ۵۳۵۷ - دفترهفتم- ۱۷۶۲ بیت

ازحرف	مجموع ابیات شروع ازصفحه	ستون
آ	۱۶۵۵	۴۴۹	۱
ا	۲۹۵۰	۴۵۵	۱
ب	۲۱۳۳	۴۶۶	۲
پ	۱۰۸۲	۴۷۴	۲
ت	۱۳۸۹	۴۷۸	۲
ث	۹	۴۸۳	۲
ج	۷۰۵	۴۸۳	۲
چ	۲۰۷۹	۴۸۶	۱
ح	۴۷۹	۴۹۳	۵
خ	۹۰۸	۴۹۵	۴
د	۱۴۳۶	۴۹۹	۱
ذ	۶۵	۵۰۴	۳
ر	۶۴۲	۵۰۴	۴
ز	۸۳۳	۵۰۷	۱
ژ	۵	۵۱۰	۲
س	۵۵۳	۵۱۰	۲
ش	۵۳۶	۵۱۲	۲

ازحرف	مجموع ابیات شروع ازصفحه	ستون
ص	۳۸۲	۵۱۴	۳
ض	۲۲	۵۱۵	۵
ط	۱۰۸	۵۱۵	۵
ظ	۶۵	۵۱۶	۲
ع	۵۹۲	۵۱۶	۴
غ	۱۳۸	۵۱۸	۵
ف	۱۷۶	۵۱۹	۳
ق	۳۴۹	۵۲۰	۱
ك	۱۳۴۱	۵۲۱	۳
گ	۲۸۰۹	۵۲۶	۳
ل	۴۴۹	۵۳۶	۵
م	۱۸۳۶	۵۳۸	۴
ن	۹۳۳	۵۴۵	۳
و	۷۹۰	۵۴۹	۱
ه	۱۸۵۰	۵۵۶	۱
ی	۴۳۵	۵۶۲	۵